

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بیانات و رهنمود های مقام معظم رهبری در جمع بسیجیان

از سال ۱۳۶۸ تا آذر ۱۳۹۴

به کوشش: سید علی مرادخانی

دبیرخانه اشراف نمایندگی ولی فقیه در سپاه

عنوان کتاب: بیانات و رهنمودهای مقام معظم رهبری در جمع بسیجیان

از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۴

ناشر: دبیرخانه اشراف

به کوشش: سید علی مرادخانی

ویراستار: علیرضا فیاض

طراحی و صفحه آرایی: امیرعلی نژاد

تاریخ انتشار: بهمن ۱۳۹۴

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۵۰۰

چاپ: مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مقدمه

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مثابه درخت تنومند یا همان شجره طیبه است که همواره در مسیر پر فراز و نشیب انقلاب با هوشمندی و تیز بینی منحصر به فرد حرکت نموده و در حفظ و تداوم انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن نقش حیاتی و مؤثری داشته است، به گونه ای که حضرت امام «قدس سره» تداوم حیات انقلاب و کشور را مرهون سپاه دانسته و می فرماید: «اگر سپاه نبود کشور هم نبود»؛

بدون شک این کارنامه درخشان مرهون ارشادات و هدایت های حضرت امام خمینی «قدس سره» و مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه ای «مدظله العالی» و همچنین اعتقاد راسخ و اطاعت بی چون و چرای پاسداران انقلاب از ولی فقیه حاصل شده است.

مطالعه و دقت در نحوه هدایت و رهبری سپاه که مبتنی بر تدابیر، فرامین و بیانات فرمانده معظم کل قوا امام خامنه ای «مدظله العالی» می باشد نشان از مدیریت حکیمانه ایشان همراه با کنترل سیر حرکت سپاه و سایر نیروهای مسلح در عرصه های مختلف راهبردی، برنامه ریزی، اجرا، کنترل و نظارت می باشد که توانسته است این درخت را روز به روز توانمند تر ساخته و همواره زنده و شاداب نگه دارد.

تبلور نقش هدایت ها و ارشادات مقام معظم رهبری در تقویت ویژگی ها و خصایصی همچون پیش روندگی و پیش برندگی سپاه که از مقولات مورد تأکید ایشان است برکات زیادی به دنبال داشته است و به همین واسطه در برهه های مختلف و شرایط دشوار، سیاست ها و تصمیمات مناسب اتخاذ گردیده و سپاه توانسته است با بهره برداری حداکثری از قابلیت ها،

انعطاف لازم را در مواجهه با تغییرات و تحولات داخلی و خارجی، با حفظ رسالت ذاتی و ماموریت اصلی خود، یعنی پاسداری از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن، داشته باشد.

از آنجائی که یکی از ماموریت های اصلی دبیرخانه اشراف کلی، پیگیری تحقق فرامین، تدابیر، بیانات و رهنمودهای فرماندهی معظم کل قوا می باشد، به لطف و عنایت خداوند متعال توفیق حاصل شد تا تمامی فرمایشات گهربار فرماندهی معظم کل قوا از ابتدای زعامت و رهبری (۱۳۶۸) در جمع فرماندهان، آحاد پاسداران و بسیجیان را در قالب جزوه و نرم افزار جمع آوری و پس از موضوع بندی به ترتیب زمانی دسته بندی و گردآوری نمایم .

هدف از تدوین این مجموعه ها که در راستای بهره مندی هر چه بیشتر و عملیاتی نمودن تدابیر و منویات معظم له در سپاه صورت گرفته است در وهله اول سهولت دسترسی به کل بیانات مرتبط، به صورت موضوع بندی شده برای پژوهشگران، و در مراتب بعد ایجاد زمینه نصب العین قراردادن توصیه ها و نصایح ایشان برای کلیه پاسداران می باشد که می تواند در برنامه های آموزشی ، تربیتی و فرهنگی مد نظر برنامه ریزان، مدیران، اساتید و مربیان قرار گیرد. در پایان لازم است از برادران امیر علی نژاد، علیرضا فیاض، اسماعیل قنبریان که در تهیه و تدوین این مجموعه همکاری نموده اند تشکر و قدردانی نمایم

مشاور و دبیر اشراف کلی نماینده ولی فقیه در سپاه

سید علی مرادخانی

فهرست مطالب

- بیانات در دیدار مردم چهارمحال و بختیاری و پیرامان اصفهان و نزد فومن و طلاب پاکستانی ۸/۶/۸۱۳۶۸..... ۴۵
- ❖ حادثه‌ی تلخ هشتم شهریور سال شصت..... ۴۷
- ❖ کافر یا منافق، با لعن از درگاه و رحمت خدا مطرود می‌شود..... ۴۷
- ❖ کینه‌ی دشمن هیچ‌وقت از دلتان خارج نشود..... ۴۸
- ❖ اظهار محبت دشمن، تهاجم خصمانه است..... ۴۸
- ❖ دشمن اصلی کیست؟..... ۴۹
- ❖ احساس کم شدن کینه به دشمن، خطرناک است..... ۴۹
- ❖ قوت و قدرت ایمان ملت در برابر حوادث..... ۴۹
- ❖ احساس شکست دشمن..... ۵۰
- ❖ مبدا دل‌ها با وسوسه‌های دشمن بلرزد..... ۵۰
- ❖ ایمان قوی راز حل تمام مشکلات..... ۵۰
- ❖ در برابر شگردهای تبلیغاتی دشمن کاملاً هوشیار باشید..... ۵۱
- ❖ آینده‌ی بسیار امیدبخش در سایه حفظ ایمان و اتحاد..... ۵۱
- ❖ سابقه مجاهدت در جنگ هشت‌ساله، دست آورد امام فقید(ره)..... ۵۵
- ❖ رضایت امام (ره) از جوانان مجاهد و مخلص..... ۵۶
- ❖ حفظ آمادگی‌های روحی بالاترین فرضیه..... ۵۶
- ❖ تقویت آمادگی‌های آموزشی و تشکیلاتی..... ۵۷
- ❖ سپاه و ارتش مکمل یکدیگرند..... ۵۷
- ❖ ارتش و سپاه سدی مستحکم..... ۵۸
- ❖ بسیج یادآور خاطره‌ی زیباترین تابلوهای ایثار و فداکاری..... ۶۱
- ❖ بسیج یادآور خاطره‌ی امام راحل بزرگ‌مرد جهان..... ۶۲

- ❖ امام راحل که خود بسیجی بود، عالم را بسیج کرد ۶۲
- ❖ احساس خطر قدرت‌های استکباری از اسلام ۶۳
- ❖ سازش‌کاری‌های خائنانه ی دولت‌ها در برابر حرکت‌های وحشیانه‌ی تروریستی .. ۶۳
- ❖ مسلمانان به جرم پابندی به اسلام محکوم می‌شوند ۶۴
- ❖ جامعه‌ی مسلمین با ستمی وسیع و بی‌مهار روبه‌روست ۶۴
- ❖ اسلام ناب محمدی «ص» تهدیدی جدی برای نظام سلطه ۶۵
- ❖ پیروزی از آن جبهه‌ی حق است ۶۵
- ❖ شرط پیروزی، اعتماد به خدا، هوشیاری و حفظ وحدت ۶۶
- ❖ سازماندهی بسیجیان و تشکیل ارتش بیست‌میلیونی ۶۷
- ❖ مسئولین دولتی و قضایی به تقویت ارتش بیست‌میلیونی کمک کنند ۶۷
- ❖ بسیجیان سلحشور همواره آماده و هوشیار باشند ۶۸
- ❖ وحدت سرمایه‌ی ملت ۶۸
- ❖ سوءظن و بددلی را از دل و از فضای جامعه بزداییم ۶۸
- ❖ بسیجیان فداکار ما دفاع از فلسطین را فریضه‌ای دینی می‌شمارند ۶۸
- ❖ از تجمل‌گرایی، اسراف و ولخرجی شدیداً نگران و متأسفم ۶۹
- بیانات در دیدار جمعی از رزمندگان بهیجی نمونه‌ی سراسر کشور ۱۳۶۸/۹/۵ ۷۱
- ❖ ثبت زحمات در کرام‌الکاتبین و حافظه‌ی تاریخ ۷۳
- ❖ همه موظف به دفاع از ارزش‌های الهی و انقلابی هستیم ۷۳
- ❖ انقلاب مثل آتشفشان می‌جوشد ۷۴
- ❖ بسیجی‌ها، بازوان خوبی برای سپاه ۷۴
- بیانات در دیدار با فرماندهان نیروی مقاومت بسیج ۱۳۶۹/۹/۱ ۷۵
- ❖ مسئله‌ی بسیج جدی گرفته شود ۷۷
- ❖ حقیقت قضیه بسیج ۷۷
- ❖ تحقق واقعی ارتش بیست میلیونی ۸۰
- ❖ فراگیر شدن بسیج انقلاب را بیمه می‌کند ۸۱

- بیانات در مراسم ویژه ی روز بسیج در پادگان امام حسن مجتبی (ع) ۱۳۶۹/۹/۵ ۸۳
- ❖ تشکیل ارتش بیست میلیونی از افتخارات بزرگ امام راحل ۸۵
- ❖ قوام انقلاب به بسیج است ۸۵
- ❖ انقلاب اسلامی، یک انقلاب مردمی ۸۶
- ❖ مدرن ترین تجهیزات، در مقابل یک نیروی مقاوم شهادت طلب، از کار بازمی ماند .. ۸۶
- ❖ تبلیغات دشمن روی انسان های مؤمن اثری نمی گذارد ۸۷
- ❖ بسیج انقلاب را بیمه می کند ۸۸
- ❖ پایگاه های مقاومت، سنگر دفاع از انقلاب و اسلام ۸۸
- ❖ بسیج یعنی همین پایگاه های مقاومت ۸۹
- ❖ بسیج فتح الفتوح امام ۸۹
- ❖ بسیج؛ همین نیروی عظیم ۸۹
- ❖ بسیج یعنی کل نیروهای مؤمن و حزب اللهی ۹۰
- ❖ یاد خدا را فراموش نکنید ۹۰
- ❖ ایمان بدون نظم کارایی ندارد ۹۱
- بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان و پرستاران و پرسنل نیروی دریایی ارتش ۱۳۶۹/۹/۷ ۹۳
- ❖ بسیج، حامل صفای جهاد و عطر شهادت ۹۵
- ❖ زحمات طاقت فرسای پرستاران در دوران گرفتاری های جنگ ۹۵
- ❖ ضرورت هوشیاری در برابر تهدید ۹۶
- ❖ خیالی که دشمن بعد از رحلت امام (ره) داشت ۹۶
- ❖ دشمنی های استکبار و آمریکا فراموش شدنی نیست ۹۷
- ❖ دفاع امریکا از حقوق بشر، مضحک است ۹۸
- ❖ اسلام بزرگ ترین ضامن حقوق بشر ۹۸
- ❖ نقض حقوق بشر توسط استکبار ۹۹
- ❖ دشمن کینه ای منتظر فرصت ۹۹
- ❖ دشمن ملت ایران را شناخته ۱۰۰
- ❖ بسیج هوشیار باشد و دشمن را بشناسد ۱۰۰

- ❖ بسیج روی حساسیت‌های دشمن، حساس باشد ۱۰۱
- بیانات در دیدار پیمان ۳۰/۸/۱۳۷۰ ۱۰۳
- ❖ محور اصلی، دفاع مسلح از انقلاب ۱۰۵
- ❖ بسیجیان نیتشان را با خدا خالص کنند ۱۰۵
- ❖ تقوا مانع طمع شیطان ۱۰۶
- ❖ دل سپردن به خدا ضامن پیشرفت هدف‌های اسلام و انقلاب ۱۰۶
- ❖ حفظ تقوا، بزرگ‌ترین کار بسیجی ۱۰۶
- ❖ اهمیت سازماندهی بسیج ۱۰۷
- بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشورا ۲۳/۴/۱۳۷۱ ۱۰۹
- ❖ بسیج بیست میلیون عاشورایی است ۱۱۱
- ❖ درس‌های عاشورا ۱۱۱
- ❖ عبرت‌های عاشورا ۱۱۲
- ❖ اولین عبرت در قضیه عاشورا ۱۱۲
- ❖ جامعه ما مواظب باشد که به بیماری کوفه دچار نشود ۱۱۳
- ❖ فوری‌ترین پیام عاشورا ۱۱۴
- ❖ درد اساسی و بزرگ جامعه آن روز از نگاه قرآن ۱۱۴
- ❖ دلسوزان، نگذارند معیارهای الهی در جامعه عوض شود ۱۱۵
- ❖ وقتی ارزش‌های مادی بر ارزش‌های معنوی ترجیح داده شود ۱۱۶
- ❖ نگذاریم روح انقلاب و فرزند انقلاب در جامعه منزوی شود ۱۱۷
- ❖ مفهوم سازندگی و فرق آن با دنیاطلبی ۱۱۷
- ❖ "تهاجم فرهنگی" «شبیخون فرهنگی» «غارت فرهنگی» «قتل عام» ۱۱۹
- ❖ همه امر به معروف و نهی از منکر کنند ۱۱۹
- ❖ امر به معروف و نهی از منکر از جهاد بالاتر ۱۲۰
- ❖ نگذارید به نام امر به معروف و نهی از منکر فساد ایجاد نمایند ۱۲۰
- ❖ امر به معروف و نهی از منکر زبانی مهم‌تر است ۱۲۱
- ❖ بسیجی و مهم‌ترین نقش او در امر به معروف و نهی از منکر ۱۲۱

❖ بسیجیان امید امریکا و صهیونیست‌ها را از جمهوری اسلامی به کلی قطع کنند ... ۱۲۲

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان بسیج ۱۳۷۱/۸/۲۸ ۱۲۴

❖ بسیج یعنی توانایی ایستادگی در مقابل دشمنان ۱۲۷

❖ روحیه و معرفت بسیجی باید فراگیر شود ۱۲۸

❖ ارتباط معنوی و صمیمی با خدا مایه اصلی کار بسیج ۱۲۸

❖ اساس بسیج بر معرفت و آگاهی ۱۲۹

❖ ضرورت حفظ و افزایش بصیرت ۱۳۰

❖ سیاست آینده امریکا ۱۳۱

❖ ملت‌های دنیا با اسلام‌اند ۱۳۲

❖ خاصیت جهاد و روحیه بسیجی ۱۳۲

❖ ضرورت شناسایی ترفندهای دشمن ۱۳۳

❖ در مقابل وسوسه‌های شیطان، مقاومت کنید ۱۳۳

❖ تقوا بهترین سلاح بسیج ۱۳۴

❖ تضرع و دعا را رها نکنید ۱۳۴

❖ مسجد پایگاه بسیار مهم برای بسیج ۱۳۵

❖ باوجود بسیج قدرت‌های مادی عالم قادر به شکست ایران نیستند ۱۳۵

❖ مسئولین قدر بسیجی‌ها را بدانند ۱۳۵

بیانات در جمع فرماندهان بسیج و نیروی دریایی سپاه ۱۳۷۲/۳/۵ ۱۳۷

❖ چگونگی قبول عبادت ۱۳۹

❖ معراج المؤمن، بالاترین خواص نماز ۱۳۹

❖ نهی از فحشاء و منکر بزرگ‌ترین خاصیت نماز ۱۴۰

❖ چیزهای حیوانی برای انسان جاذبه دارد ۱۴۰

❖ نماز نیروی باز دارنده از گناه ۱۴۰

❖ استخوان‌بندی درست نماز ۱۴۱

❖ نماز، فرصت ملاقات با خدا ۱۴۱

❖ ترقی معنوی، تقرب الهی است ۱۴۱

- ❖ دل تاریک خود را با نور حضور الهی منور کنیم ۱۴۲
- ❖ توجه به معانی دعای عرفه ۱۴۲
- ❖ ضرورت معنویت، همراه با معرفت سیاسی ۱۴۳
- بیانات «جمع بزرگ پیمان تبریز ۸/۵/۱۳۷۲» ۱۴۵
- ❖ از دیدار با بسیجیان آذربایجان بسیار خرسندم ۱۴۷
- ❖ بسیاری از سپاهیان برجسته‌ی و سرداران لشکر عاشورا بسیجی بودند ۱۴۷
- ❖ نظام مردمی، انقلاب مردمی، دولت مردمی، دفاع مردمی ۱۴۸
- ❖ معنای بسیج و بسیجی ۱۴۸
- ❖ بسیجیان انسان‌های باارزش ۱۴۸
- ❖ نیروی بسیجی، یک جمع عظیمی از اقشار مختلف ۱۴۹
- ❖ روحیه، لباس و سلک بسیج را از دست ندهید ۱۵۰
- ❖ بسیجیان هیچ زورگویی و گردن کلفتی را از هیچ قدرتی در دنیا تحمل نمی‌کنند ۱۵۱
- ❖ پیش‌قدم در میدان‌های گوناگون ۱۵۱
- ❖ جمهوری اسلامی از موضع قدرتمندانه خود کوتاه نخواهد آمد ۱۵۲
- بیانات دیدار جمعی از پیمان ۳۰/۸/۱۳۷۲ ۱۵۳
- ❖ نعمت بزرگ بسیج، عنایت خدای متعال به مردم انقلابی ۱۵۵
- ❖ تاریخچه بسیج فراموش‌نشدنی است ۱۵۵
- ❖ شکست ایران در ادوار گذشته در برابر تهاجمات دشمنان ۱۵۷
- ❖ ناکامی کشورهای اسلامی در برابر تهاجمات دشمنان ۱۵۸
- ❖ پیوند دائمی مردم با مرکزیت نظام، عامل پیروزی‌های بزرگ ملت ایران ۱۵۸
- ❖ علت شکست‌های گوناگون در تاریخ ۱۵۹
- ❖ حاصل پیوند و ارتباط مستحکم نیروی عظیم مردمی با مرکزیت نظام ۱۶۰
- ❖ قدرت ایستادگی ایران در برابر استکبار ناشی از پیوند مسئولین با مردم ۱۶۰
- ❖ یک معیار برای شناخت خط دشمن، ضعیف کردن پیوند بین مسئولین و آحاد ملت ۱۶۱
- ❖ دشمن را نباید کوچک تر یا بزرگ‌تر از آنی که هست گمان کرد ۱۶۲

- ❖ قدرت واقعی، قدرت ملت‌هاست..... ۱۶۲
- ❖ دشمنان بر ما تسلط و نفوذ ندارند..... ۱۶۳
- ❖ دل‌های پاک و صاف و نورانی بسیجی‌ها را از آسیب تبلیغات دشمن محفوظ نگه‌دارید..... ۱۶۳
- ❖ سلام مخلصانه به همه بسیجیان..... ۱۶۴
- ❖ **بیانات در دیدار پیمان و پاسداران و جهادگران استان مازندران ۱۴/۷/۱۳۷۳**..... ۱۶۵
- ❖ دانشجو، شایسته‌ترین قشر بسیج..... ۱۶۷
- ❖ بسیج هم احساسی است، هم عقلایی..... ۱۶۷
- ❖ منطق بسیج، دوشادوش احساس..... ۱۶۷
- ❖ بسیج دانشجویی دارای جایگاه کاملاً منطقی..... ۱۶۸
- ❖ زندگی توأم با سرشکستگی در دوران دیکتاتوری..... ۱۶۸
- ❖ جوان ایرانی امروز در کشوری پرافتخار زندگی می‌کند..... ۱۶۹
- ❖ اساسی‌ترین وظیفه جوان دانشجو..... ۱۷۰
- ❖ یکی بودن مسئولیت و تکلیف در برابر کارها مختلف..... ۱۷۱
- ❖ زندگی جوانی در زیر سایه اسلام و پرچم قرآن..... ۱۷۱
- ❖ **بیانات در دیدار پیمان و پاسداران و جهادگران استان مازندران ۲۳/۷/۱۳۷۴**..... ۱۷۳
- ❖ نقش لشکر ۲۵ کربلا در دفاع مقدس..... ۱۷۵
- ❖ معیارهای ارزش‌گذاری در نظام اسلامی..... ۱۷۶
- ❖ مجاهدان فی سبیل الله، اشراف امت نظام اسلامی..... ۱۷۶
- ❖ اولی بودن ارزش‌های معنوی برای مجاهدان فی سبیل الله..... ۱۷۷
- ❖ اهداف سپاه و بسیج در جنگ، نابودی استکبار..... ۱۷۷
- ❖ تاثیر گسترش علم بدون ایمان و تعهد..... ۱۷۸
- ❖ اهمیت جهاد نظام اسلامی ما برای عبادت خداوند روی زمین..... ۱۷۸
- ❖ برپا نمودن نظام ما با ماندگاری سپاه و بسیج میسر است..... ۱۷۹

- بیانات در دیدار جمعی از پیمانان ۱۳۷۴/۹/۸ ۱۸۱
- ❖ استمرار جریان مبارک بسیج ۱۸۳
- ❖ بسیج یک حرکت منطقی و اسلامی منطبق بر نیازهای امروز دنیای اسلام ۱۸۳
- ❖ دو آفت در سطح جهان اسلام ۱۸۴
- ❖ آفت اول؛ مربوط به دولت‌ها ۱۸۴
- ❖ نتیجه آفت مربوط به دولت‌ها ۱۸۵
- ❖ رابطه معکوس بین ارتباط با مردم و ارتباط با قدرت‌ها ۱۸۵
- ❖ آفت دوم؛ مربوط به ملت‌ها ۱۸۶
- ❖ منشأ فساد در میان جوانان دنیا ۱۸۶
- ❖ آثار آفت مربوط به ملت‌ها ۱۸۷
- ❖ حرکت عظیم بسیج، هردو آفت را در کشور ما ریشه‌کن کرد ۱۸۷
- ❖ رابطه و پیوند برادرانه و صمیمانه بین مسئولان و آحاد مردم ۱۸۸
- ❖ موضع شجاعانه ایران در مقابل امریکا به برکت بسیج ۱۸۸
- ❖ بسیج، متن حرکت نظام است ۱۸۹
- ❖ حقیقت بسیج ۱۸۹
- ❖ اندیشه و تفکر بسیجی ۱۹۰
- ❖ مفهوم بسیجی و فرهنگ بسیج ۱۹۰
- ❖ «بسیج» در مقابل دشمن و ایادی او می‌ایستد ۱۹۱
- ❖ بسیج، یک امر احساسی نیست ۱۹۱
- ❖ از همه مهم‌تر آرمان‌ها، ارزش‌ها و هدف‌هاست ۱۹۲
- ❖ بسیج سرباز وجود مقدس ولی عصر ارواحنا فداه است ۱۹۲
- بیانات در جمع اعضای کنگره بزرگداشت شهید فمیده و روز نوجوان ۱۳۷۵/۸/۶ ۱۹۳
- ❖ دوران جوانی فرصت استثنایی ۱۹۵
- ❖ اهمیت به کار تعلیم و تربیت در امر بسیج ۱۹۵
- ❖ معنای بسیج ۱۹۵
- ❖ نقش بسیج در عرصه‌های مختلف ۱۹۶

- ❖ بسیج متعلق به تمام عرصه‌ها ۱۹۶
- ❖ ائمه معصومین (ع) آرمان‌های ملت‌ها ۱۹۷
- ❖ شخصیت امام (ره) اسطوره‌ی واقعی ۱۹۷
- ❖ بسیج گنجینه‌هایی از استعداد ۱۹۷
- ❖ جوانی آغاز به فعلیت رساندن استعدادها ۱۹۸
- ❖ فرق جوان‌های ما با غربی‌ها در شکوفایی استعدادها ۱۹۸
- ❖ تربیت‌های الحادی در کشورهای دنیا ۱۹۹
- ❖ اهمیت بسیج دانش‌آموزی ۱۹۹
- ❖ قدر دانستن زی بسیجی ۲۰۰
- بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان سراسر کشور ۳۰/۸/۱۳۷۵ ۲۰۳
- ❖ حرکت بسیج یک حرکت خردمندانه، منطقی، استوار و کاملاً حکیمانه است ۲۰۵
- ❖ بسیج داروی شفابخش ضعف‌ها، هزیمت‌ها و عقب‌ماندگی‌ها ۲۰۵
- ❖ اساس فضیلت، متوجه به بسیج ۲۰۶
- ❖ سپاه پاسداران از فراورده‌های بسیج است ۲۰۶
- ❖ اگر بسیج نمی‌بود نظام توان مقابله با توطئه‌ها و دشمنی‌ها را نداشت ۲۰۶
- ❖ دشمنی‌ها علیه ایران اسلامی زیاد است ۲۰۷
- ❖ دشمن اصلی ایران صهیونیست‌ها و امریکا هستند ۲۰۷
- ❖ ترتیب دشمنی‌ها به‌طور متوالی علیه کشور وجود داشته ۲۰۸
- ❖ جنگ تحمیلی و حمایت‌های جهانی از رژیم بعثی ۲۰۸
- ❖ تأیید به کار بردن سلاح‌های شیمیایی توسط طرفداران حقوق بشر ۲۰۹
- ❖ کمک‌های پنهان و آشکار کشورهای بلوک غرب به رژیم بعثی ۲۰۹
- ❖ پایان جنگ تحمیلی، سرافکندگی و شکست دشمنان ۲۰۹
- ❖ پایان جنگ تحمیلی و ادامه خباثت‌ها و دشمنی‌ها ۲۱۰
- ❖ دشمنی با ملت ایران به خاطر دفاع از اسلام ۲۱۰
- ❖ نظام مقدس اسلامی به تهدید دشمن اعتنا نمی‌کنند ۲۱۱
- ❖ بزرگ‌ترین نقطه قوت ملت ایران از نظر دشمن عیب است ۲۱۱

- ❖ هرکسی با این ملت مقابله کند، تیرش به سنگ خواهد خورد ۲۱۲
- ❖ آمریکایی‌ها هیچ غلطی هم نتوانستند بکنند ۲۱۲
- ❖ ملت‌های ضعیف زیر چتر کمک ایران ۲۱۲
- ❖ ایران طرفدار حق، دشمن باطل ۲۱۳

بیانات در دیدار نیروهای حاضر در مانور طریق القدس ۳/۲/۱۳۷۶ ۲۱۵

- ❖ مانورهای بزرگ حقیقت فراموش نشدنی ۲۱۷
- ❖ اجتماعی که دست خدا با آن است ۲۱۷
- ❖ توطئه‌های صهیونیستی و جوانان مؤمن مخلص باصفا ۲۱۸
- ❖ مضمون و مفهوم مانورهای جوانان و رزمندگان ۲۱۸
- ❖ مانور یعنی نمایش قدرت یک ملت، باغیرت ملی ۲۱۸
- ❖ مانورها تهدیدی علیه کشورهای همسایه نیست ۲۱۹
- ❖ مانورها اعلام آمادگی در مقابل قدرت‌های زورگو ۲۱۹
- ❖ استکبار قانع نیست ۲۲۰
- ❖ ما با کارهای استکباری مخالف و ضدیم ۲۲۰
- ❖ اسلام ملت ما را زنده کرد ۲۲۰
- ❖ هیچ قدرتی نمی‌تواند ملت ایران را برگرداند ۲۲۱
- ❖ تحلیل و فهم غلط دشمنان از ملت و کشور ۲۲۱
- ❖ بصیرت ملت ایران نسبت به گذشته رژیم استکبار ۲۲۲
- ❖ ملت ایران حاضر به آشتی با امریکا نیست ۲۲۲
- ❖ دنیای تعالی معنوی شایسته انسان است نه دنیای مادیگری ۲۲۳
- ❖ آینده متعلق به بسیجیان ۲۲۴
- ❖ اتهام ایران بسیار ظالمانه، مغرضانه و غیرمنصفانه ۲۲۴
- ❖ اعتراف آلمانی‌ها به تحویل سلاح‌های شیمیایی به رژیم بعثی ۲۲۵
- ❖ جوانان بسیجی دل‌های پاک، اخلاص و باصفا را در خودشان حفظ کنند ۲۲۶

بیانات در دیدار جمعی از پیمان ۵/۹/۱۳۷۶ ۲۲۹

- ❖ بسیج یادگار امام راحل ۲۳۱

- ❖ بسیج مجموعه‌ای از پاک‌ترین و فداکارترین جوانان کشور ۲۳۲
- ❖ بسیج مظهر یک وحدت مقدّس ۲۳۲
- ❖ بسیج مظهر عشق و ایمان ۲۳۲
- ❖ اخلاص و معنویت و ارتباط با خدا در بسیجی ۲۳۳
- ❖ رابطه با خدا، راز و نیاز و صفا و اخلاص گره‌گشای همه کارهاست ۲۳۳
- ❖ اگر اخلاص امام راحل نبود؟ ۲۳۴
- ❖ معنای اخلاص ۲۳۵
- ❖ توطئه دشمن تمام‌شدنی نیست، باید هوشیار بود ۲۳۵
- ❖ ضرورت آمادگی معنوی برای مقابله با توطئه پیچیده دشمن ۲۳۶
- ❖ شناخت اعماق توطئه ۲۳۷
- ❖ دشمن خود را پشت پرده پنهان می‌کند ۲۳۷
- ❖ دشمن را با ده واسطه بشناسید ۲۳۷
- ❖ هدف گرفتن رهبری توسط دشمن ۲۳۸
- ❖ نقش رهبری در خنثی‌سازی توطئه دشمن ۲۳۸
- ❖ دشمن با رهبری مقتدر مخالف است ۲۳۹
- ❖ دشمن دنبال اختلاف و دودستگی در کشور ۲۴۰
- ❖ تحلیل غلط دشمن از ملت و انقلاب ۲۴۱
- ❖ مواضع خوب ملت، مراجع و مسئولان، مشت محکم به دهان دشمن ۲۴۱
- ❖ رهبری از حق مردم مطلقاً اغماض نخواهد کرد ۲۴۲
- ❖ با اخلاص گران و خائن طبق قانون رفتار شود ۲۴۲
- ❖ بسیج خود را برای دفاع از اسلام و انقلاب آماده نگه دارد ۲۴۳
- ❖ جسم و جان رهبری برای مقابله با دشمن ۲۴۴
- ❖ بیانات دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه تهران ۱۱/۱۱/۱۳۷۶ ۲۴۵
- ❖ ترکیب مفهومی «بسیج دانشجویی» ۲۴۷
- ❖ بار معنایی کلمه‌ی «بسیج» ۲۴۷
- ❖ بار معنایی کلمه‌ی «دانشجو» ۲۴۸

- ❖ حالت بی تفاوتی، مصیبت خیلی بزرگ برای دانشجو ۲۴۸
- ❖ حساسیت منفی؛ نگران کننده تراز بی تفاوتی ۲۴۹
- ❖ ضرورت حساسیت نسبت به سرنوشت دانشجو ۲۴۹
- ❖ من نمی توانم حساسیت و رابطه ام را با قشر دانشجو قطع کنم ۲۴۹
- ❖ در کلمه ی بسیج، «بسیج شدن» خیلی مهم است ۲۵۱
- ❖ بسیج رقیب هیچ تشکیلاتی نیست ۲۵۱
- ❖ بسیج همه را زیر بال های خود بگیرد ۲۵۱
- ❖ عدم ثبات در عقیده گرفتاری بزرگ جوان ۲۵۲
- ❖ ایمان تان را عمیق و شفاف کنید ۲۵۳
- ❖ بزرگان و اساتید قم منبع و منشأ خیر و برکت ۲۵۴
- ❖ تفکر انقلابی و سیاسی بسیج ۲۵۴
- ❖ جوانان بی تفاوت را در تیررس فکری دینی و سیاسی خودتان قرار دهید ۲۵۵
- ❖ حضور فعال و خردمندانه در دانشگاه ۲۵۵
- ❖ تلقین اشتباهات سیاسی از بیرون دانشگاه ۲۵۵
- ❖ در مسائل جاری و امور سیاسی کشور همواره فکر کنید ۲۵۶
- ❖ نگرانی دشمن از وضع ثبات سیاسی کشور ۲۵۷
- ❖ اراده ی الهی حمایت و دفاع از ملت ایران ۲۵۷
- ❖ مشکلات و نابسامانی ها مخصوص ما نیست ۲۵۸
- ❖ **بیانات در جمع رزمندگان و پیمان نذر عباس ۳۰/۱۱/۱۳۷۶** ۲۶۱
- ❖ تفکر اسلام ناب، بوستان همیشه بهار است و خزان ندارد ۲۶۳
- ❖ دوران سقوط و خزان مخصوص انقلاب های مادی ۲۶۴
- ❖ عده ای آزادی بیان نیست را آزادانه بیان می کنند ۲۶۵
- ❖ بهار انقلاب تمام شد، یعنی انسان سازی تمام شد! ۲۶۵
- ❖ افراد متزلزل خیال می کنند که انقلاب، متزلزل است! ۲۶۶
- ❖ انقلاب اسلامی کارخانه ی انسان سازی ۲۶۶
- ❖ نمونه های انسان سازی در تاریخ اسلام ۲۶۷

- ❖ خصوصیات انسان‌سازی مکتب اسلام ۲۶۸
- ❖ ایمان به غیب راز اصلی انسان‌سازی ۲۶۸
- ❖ ظلم و کفر نتیجه عدم ایمان به غیب ۲۶۹
- ❖ فکر ماورای ماده نابود شدنی نیست ۲۷۱
- ❖ ایمان مذهبی و دینی قابل خدشه نیست ۲۷۱
- ❖ ارتباط معنوی و شکوفه‌های معنوی جوان ایرانی ۲۷۲
- ❖ از یادِ با معرفت خدا غافل نشوید ۲۷۳
- ❖ تعمّق و تدبّر در دعا ۲۷۴
- ❖ انسان‌سازی، در ظلّ حکومت الهی ۲۷۴
- ❖ امریکا با تمام امکانات و همه‌ی عقبه‌ی فرهنگی هم هیچ غلطی نمی‌تواند بکند .. ۲۷۵
- ❖ انگیزه‌های الهی را حفظ کنید ۲۷۶
- ❖ استقامت و ایستادگی ۲۷۷
- ❖ پیام به پنجمین کربلایی سیج دانشجویی ۱۴/۷/۱۳۷۷ ۲۷۹
- ❖ بسیج دانشجویی ارزنده‌ترین یادگار امام راحل ۲۸۱
- ❖ بسیج مدرسه‌ی عشق ۲۸۱
- ❖ ماهیت دانشجوی بسیجی ۲۸۱
- ❖ حقیقت تفکر بسیجی ۲۸۲
- ❖ بیانات در جمع سپاهیان و پیمان‌شکرا ۱۰ شهریور ۱۳۷۷ ۲۸۳
- ❖ شما مثل فرزند من هستید ۲۸۵
- ❖ فهم مسئله‌ی نفاق در پرتو آیات قرآن ۲۸۵
- ❖ جریان تاریخی نفاق ۲۸۶
- ❖ توهم نفاق ۲۸۶
- ❖ استفاده‌ی بهترین از معارف الهی و قرآنی ۲۸۶
- ❖ منافق دشمن نقاب‌دار ۲۸۷
- ❖ مفهوم نفاق در قرآن ۲۸۸
- ❖ ماهیت گروه منافقین در ایران ۲۸۸

- ❖ سه دسته منافق از نگاه قرآن ۲۸۹
- ❖ دسته اول از منافقین (کسانی که تظاهر به ایمان می‌کردند) ۲۸۹
- ❖ مظلومیت و استقامت مؤمنین ۲۹۰
- ❖ سخن حق کارگراست ۲۹۰
- ❖ پیامبر اکرم تکیه‌گاه مسلمانان ۲۹۰
- ❖ دعوت پیامبر به مدینه ۲۹۱
- ❖ تحت تأثیر قرار گرفتن مردم مدینه با ورود پیامبر ۲۹۱
- ❖ همان اول همه یک نوع ایمانی آوردند اما قوی نبود ۲۹۱
- ❖ ایمان کسانی که مستحکم نبود ۲۹۲
- ❖ بی‌ایمان‌های باطنی، منافق شدند ۲۹۲
- ❖ مخالفین پیامبر ۲۹۲
- ❖ زاویه‌ی انحراف به تدریج وسیع‌تر می‌شود ۲۹۳
- ❖ دسته‌ی دوم از منافقین (کسانی ایمان آنها به خاطر عدم مراقبت آسیب دید) ۲۹۳
- ❖ کاری کردند که خدا در دل‌های آنها نفاق را به وجود آورد ۲۹۴
- ❖ مراقبت معنوی نشد ایمان از دست می‌رود ۲۹۴
- ❖ مراقبت، همان تقواست ۲۹۵
- ❖ جریان دوم نفاق جریان مستمری بود ۲۹۵
- ❖ دسته‌ی سوم از منافقین (منافقین محارب) ۲۹۶
- ❖ مشکل نفاق ۲۹۶
- ❖ منافق در دوران صدر اسلام، قابل‌شناسایی نبود ۲۹۷
- ❖ شاخص شناخت نفاق در جامعه امروزی ۲۹۷
- ❖ مقابله بانفوذ عامل دشمنی ۲۹۸
- ❖ ایستادگی راسخ سپاه مقابل موج سلطه دشمن ۲۹۸
- ❖ «مورد سوءظن قرار می‌گیرد»، یعنی چه؟ ۲۹۹
- ❖ نفاق، عامل حادثه‌ی کربلا ۳۰۰
- ❖ همراهی با دشمن، معیاری مهم برای شناخت نفاق ۳۰۰
- ❖ برخورد هوشمندانه با پدیده‌ی نفاق ۳۰۱

- ❖ پدیده‌ی نفاق، پدیده‌ای خطرناک ۳۰۱
- بیانات «دویدار جمعی از پاسداران و پیمان ۲/۹/۱۳۷۷» ۳۰۳
- ❖ معطر شدن فضای جلسه به یاد شهیدان و حضور رزمندگان ۳۰۵
- ❖ وجود الگوهای بزرگ و درخشان در اسلام ۳۰۵
- ❖ صفات برجسته‌ی اباعبدالله الحسین (ع) ۳۰۶
- ۱- اخلاص ۳۰۶
- ۲- اعتماد به خدا ۳۰۶
- ۳- موقعیت‌شناسی ۳۰۷
- ❖ امام (ره) نیز از این سه خصوصیت برخوردار بود ۳۰۷
- ❖ دشمنان هنوز این انقلاب را درست نشناخته‌اند ۳۰۸
- ❖ این انقلاب بزرگ ریشه در دل‌ها دارد ۳۰۸
- ❖ حرکت امام (ره) به خاطر آن سه عامل عمق پیدا کرد ۳۰۸
- ❖ پاسداران نیز حضورشان در جبهه ناشی از اخلاص، اعتماد به خدا و موقعیت‌شناسی بود ۳۰۸
- ❖ سپاه پاسداران مظهر کامل اخلاص ۳۰۹
- ❖ مخالفت و موافقت با سپاهی که طیبه است، تأثیری ندارد ۳۰۹
- ❖ بسیج نیروی کارآمد کشور برای همه میدان‌ها ۳۱۰
- ❖ مثل بسیج خودمان درجایی سراغ ندارم ۳۱۰
- ❖ بسیج در همه قشرها هست ۳۱۱
- ❖ ایمان عاشقانه توأم با عواطف، عامل درخشان شدن بسیج ۳۱۱
- ❖ تحلیل غلط دشمن از بسیج ۳۱۲
- ❖ استکبار با سه عامل مالی، نظامی، تبلیغی کار خود را پیش می‌برد ۳۱۲
- ۱- عامل مالی ۳۱۲
- ۲- عامل نظامی ۳۱۴
- ۳- عامل تبلیغات ۳۱۴
- ❖ ایمان با بصیرت، راه مقابله با عوامل نفوذ دشمن ۳۱۴

- ❖ ملت ما به برکت اسلام؛ طلسم سلطه بیگانه و امریکا را شکست ۳۱۴
- ❖ ملت، دولت و بسیج مقابل سلطه ایستاده‌اند ۳۱۵
- ❖ حقیقت بسیج؛ فهم با بصیرت از اسلام ۳۱۵
- ❖ مشکل ایران اسلامی برای استکبار و امریکا حل‌شدنی نیست ۳۱۶

بیانات دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی ۲۵/۹/۱۳۷۷ ۳۱۷

- ❖ خصوصیت جوانی، خصوصیت خیلی مهمی است ۳۱۹
- ❖ بسیاری از مردم در برهه جوانی دچار خسارت می‌شوند ۳۱۹
- ❖ بزرگ‌ترین هنر این انقلاب تربیت جوانانی پاک و نورانی ۳۲۰
- ❖ جوانانی که تحت تأثیر عظمت امواج نورانی جوانان ایرانی قرار گرفتند ۳۲۰
- ❖ جوان ایرانی توانست در زیر سایه‌ی انقلاب خصوصیات جوانی را حفظ کند ۳۲۰
- ❖ جوان مسلمان ایرانی، شخصیت پیدا کرد ۳۲۱
- ❖ انقلاب مثل اکسیر جوان ایرانی را عوض نمود ۳۲۱
- ❖ انقلاب ارزش‌ها چیزهایی که برای یک جوان، مهم است تغییر می‌دهد ۳۲۲
- ❖ جوانی، گوهر گران‌بهایی که بی‌ارزش شده بود ۳۲۳
- ❖ جوانی اگر نقطه‌ی فتح‌الفتوح انقلاب است، فتح‌الفتوح استکبار هم است ۳۲۳
- ❖ حرکت مؤمنانه‌ی انقلابی نسل جوان دانشجو ۳۲۴
- ❖ برای تداوم راه انقلاب بسیج شوید ۳۲۴
- ❖ انقلاب یک بنای مبارک و شجره‌ی طیبه‌ای است ۳۲۴
- ❖ جوانان عزیز ارتباطتان را با خدا روزه‌روز قوی‌تر کنید ۳۲۵
- ❖ تودهنی محکم ایران به فرهنگ استکباری ۳۲۵

بیانات دیدار جمعی از بسیجیان ۱۰/۶/۱۳۷۸ ۳۲۷

- ❖ ایام فاطمیه، دعوت دل‌ها به تدبیر ۳۲۹
- ❖ یاد شهیدان، راهنما و شاخص حرکت نظام اسلامی ۳۲۹
- ❖ جوانان بسیجی، زبندگان جامعه ۳۳۰
- ❖ امنیت نعمتی بزرگ ۳۳۰
- ❖ میزان اهمیت امنیت ۳۳۱

- ❖ فشار ناامنی از سوی دشمن ۳۳۲
- ❖ اعاده امنیت ۳۳۲
- ❖ انکار بسیج، نابخردانه یا خائنانه ۳۳۳
- ❖ مفهوم امنیت اقتصادی ۳۳۴
- ❖ مفهوم امنیت سیاسی ۳۳۵
- ❖ انکار ضروریات اسلام نوعی ناامنی سیاسی ۳۳۶
- ❖ اراده ملت برای استقرار نظام اسلامی ۳۳۷
- ❖ حرکت در جهت تهذیب نفس و زندگی ۳۳۸

بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان پسجی «طرح ولایت» ۱۳/۶/۱۳۷۸ ۳۴۱

- ❖ نسل جوان برای هر کشوری تعیین‌کننده است ۳۴۳
- ❖ نشانه‌های زوال نسل جوان ۳۴۳
- ❖ واقعیت در جهان غیرازآن چیزی است که ادعا می‌کنند ۳۴۴
- ❖ چگونگی شکل‌گیری نسل جوان ممتاز در ایران ۳۴۴
- ❖ امام به برکت نام و راه خدا، دل‌های جوانان را در قبضه گرفت ۳۴۵
- ❖ امر الهی به میدان آید، طاغوت کنار می‌رود ۳۴۵
- ❖ جنگ، نسل جوان مؤمن را آبدیده کرد ۳۴۶
- ❖ حضور بسیجیان در جبهه، دشمن را درمانده کرد ۳۴۷
- ❖ این انقلاب، تاریخ را عوض کرد ۳۴۷
- ❖ طرح ولایت، مفید و خوب و سازنده ۳۴۸
- ❖ اسلام هدف والا و زیبایی دارد که غربی‌ها ندارند ۳۴۹
- ❖ جناب آقای مصباح خلاء شهید مطهری را پر می‌کند ۳۴۹

بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۸/۹/۳ ۳۵۱

- ❖ تبریک ولادت مهدی موعود (عج) ۳۵۳
- ❖ عدالت، سرآمد همه خواسته‌های انسانی ۳۵۳
- ❖ وجود مقدس مهدی موعود (عج)، موهبتی برتر ۳۵۴
- ❖ فضای کشور، فضای امام زمان است ۳۵۵

- ❖ آن‌هایی که احساس مسئولیت می‌کنند، در حقیقت بسیجی‌اند ۳۵۶
- ❖ انقلاب اسلامی، عزّت اسلام را به دنیا نشان داد ۳۵۷
- ❖ پیوند ناگسستنی و همیشگی میان بسیجیان و مهدی موعود ۳۵۷
- ۳۵۹ **بیانات در دیدار با فرماندهان سپاه و بسیج ۱۳۷۹/۲/۱۷**
- ❖ طرح بسیج سازندگی ۳۶۱
- ❖ سازماندهی برای اوقات تابستان ۳۶۱
- ۳۶۳ **بیانات در دیدار جمعی از پیمان اردیل ۱۳۷۹/۵/۶**
- ❖ بسیج مظهر صفا و فداکاری ۳۶۵
- ❖ بسیج مظهر خصوصیات مثبت و ویژه ۳۶۵
- ❖ دوران جنگ صدها هزار بسیجی از قشرهای مختلف ۳۶۶
- ❖ بسیج، پیش‌قدم در تمام میدان‌ها ۳۶۶
- ❖ بسیج سختی‌ها و رنج‌ها را به جان می‌خرند ۳۶۶
- ❖ بسیجیان دوران امیرالمؤمنین ۳۶۷
- ❖ بسیجی‌ها کمر بستگی و پایه‌رکاب بودنشان بیشتر است ۳۶۷
- ❖ فلسفه‌ی بسیجی ۳۶۷
- ❖ برنامه‌ی بسیج هم فلسفه دارد ۳۶۸
- ❖ همه‌ی قشرها بسیجی است ۳۶۸
- ❖ سه سؤال مهم ۳۶۸
- ❖ چه کسانی بسیجی را گرامی می‌دارند؟ ۳۶۹
- ❖ چه کسی از بسیجی عصبانی است؟ ۳۶۹
- ❖ بزرگ‌ترین دشمن بسیج و بسیجی؟ ۳۶۹
- ❖ بسیج چه آگاهی‌هایی را باید در خود تقویت کند؟ ۳۷۰
- ❖ بسیجی آگاه است و می‌فهمد چه کار می‌کند ۳۷۱
- ❖ متهم کردن بسیج به ناآگاهی، بی‌تقوایی است ۳۷۲
- ❖ بسیجی‌ها باید آگاهی را در خود تقویت کنند ۳۷۲
- ❖ تا وقتی این روحیه‌ی بسیجی است دشمن هیچ غلطی نمی‌تواند بکند ۳۷۳

- بیانات «دیدار دانشجویان بسیجی» «طرح ولایت» ۱۰/۶/۱۳۷۹..... ۳۷۵
- ❖ خوشامدگویی به حضار ۳۷۷
- ❖ عواطف برخاسته از شور ایمان در نسل جوان ۳۷۷
- ❖ شیعه از موانع تاریخی عبور کرده و فاصله‌ی ژرف را درنور دیده است ۳۷۸
- ❖ جوشش ایمان آمیخته‌ی با عواطف را شیعه حفظ کرده است ۳۷۸
- ❖ حضور دل‌ها و تن‌ها، بدون سلاح در انقلاب ایران ۳۷۹
- ❖ حرکتی که الهامش از انقلاب اسلامی گرفته‌شده بود ۳۷۹
- ❖ وقتی فکر و عمل باهم نبود، هدایت و تفضّل الهی هم نخواهد بود ۳۸۰
- ❖ هدف دشمن حسابگر از شبهه‌افکنی و تهمت و تحقیر ۳۸۰
- ❖ درست اندیشیدن وظیفه‌ی سنگین برای جوانان مؤمن ۳۸۲
- ❖ توجّه دشمن بیشتر به دانشگاه‌هاست ۳۸۲
- ❖ در محیط دانشگاه تأثیرگذار باشید ۳۸۳
- ❖ با مخاطبان خودتان برخورد برادرانه داشته باشید ۳۸۳
- ❖ هجوم‌های تبلیغاتی به شخصیت‌های برجسته ۳۸۴
- ❖ تصمیم قاطع و به‌کارگیری ابزار اثرگذار ۳۸۴
- ❖ شکر الهی به خاطر وجود بسیج با نشاط و باایمان ۳۸۹
- ❖ جوانان امت اسلام با مجاهدت، از هویت و هستی خود دفاع می‌کنند ۳۹۰
- ❖ سیاست همیشگی مراکز اقتدار بین‌المللی جدا کردن ملت‌ها از معادله قدرت ۳۹۰
- ❖ راه‌کنار گذاشتن ملت‌ها از معادله قدرت ۳۹۰
- ❖ نتیجه جداسازی ملت از قدرت ۳۹۱
- ❖ نتیجه حضور ملت در معادله قدرت ۳۹۱
- ❖ خصوصیت بسیج ۳۹۲
- ❖ معنا و مفهوم بسیج ۳۹۲
- ❖ راز حمله تبلیغاتی به بسیج ۳۹۳
- ❖ بسیجیان از برجستگان و ممتازان قشرهای مختلف کشورند ۳۹۴
- ❖ بسیجی کیست؟ ۳۹۴

- ❖ بسیج فلسطینی ۳۹۵
- ❖ گفتگو با رژیم صهیونیستی به منزله باز کردن میدان برای جلو آمدن اوست ۳۹۵
- ❖ جوانان فلسطینی بیدار شده‌اند ۳۹۶
- ❖ ملت فلسطین فرهنگ دارد، نمی‌شود از صفحه تاریخ محو کرد ۳۹۶
- ❖ رژیم صهیونیستی، ریشه بحران خاورمیانه ۳۹۷
- ❖ راه حل بحران خاورمیانه ۳۹۷
- ❖ عامل قیام فلسطین ۳۹۸
- ❖ قرارداد شرم‌الشیخ بی‌خاصیت است ۳۹۸
- ❖ استمرار ایستادگی و مبارزه ۳۹۹
- ❖ ایجاد اختلاف از توطئه‌های دشمن ۳۹۹
- ❖ **بیانات دیدار با پیمان و پرسش پاه‌ساران استان گیلان ۱۳۸۰/۲/۱۶** ۴۰۳
- ❖ حضور موثر جوانان مومن در میدان‌های خطر ۴۰۵
- ❖ نقش جوانان مومن و بسیجی در برافراشتن پرچم حق ۴۰۵
- ❖ برکات بسیج و چگونگی تقویت خود ۴۰۶
- ❖ اهمیت منطقه ی خلیج فارس نزد غارتگران جهانی ۴۰۹
- ❖ مهم ترین جرم نظام ما نزد استکبار چیست؟ ۴۰۹
- ❖ بصیرت بسیجی یعنی: دشمن شناسی ۴۱۲
- ❖ اسلام اهل بیت(ع)، نجات بخش انسان‌های مظلوم ۴۱۴
- ❖ چشمه ی جوشان نظام اسلامی منشا تحول در جهان خواهد بود ۴۱۵
- ❖ تسری شعله‌های مقدس نظام ما ۴۱۶
- ❖ وظیفه ی مسئولین در جهت تقویت نیروی مقاومت بسیج ۴۱۶
- ❖ **بیانات دیدار دانشجویان شرکت‌کننده در طرح ولایت ۱۳۸۰/۶/۶** ۴۱۹
- ❖ حرکت عظیم جهانی اسلام، نیازمند روحیه ی پُرنشاط جوانان ۴۲۱
- ❖ تشکیل نظام اسلامی بدون جوان مؤمن و پُرنشاط ممکن نیست ۴۲۲
- ❖ دشمنی‌ها با اسلام در میدان عمل شدت می‌گیرد ۴۲۲
- ❖ طواغیت و مترفین زمان پیامبر ۴۲۳

- ❖ طواغیت و متر فین دوران ما ۴۲۳
- ❖ چالش‌های پیش روی جمهوری اسلامی: ۴۲۴
- ❖ چالش اول) انکار کارآمدی نظام اسلامی ۴۲۴
- ❖ چالش دوم) تغییر جهت کلی نظام اسلامی ۴۲۵
- ❖ اتفاق همین قضایا در صدر اسلام ۴۲۷
- ❖ معنای توکل ۴۲۸
- ❖ تشکر از برگزاری این دوره‌ها ۴۲۸
- ❖ سفارش به تقویت ارتباط با خدا ۴۲۸

بیانات در دیدار اساتید بسیج دانشجویی ۱۳۸۰/۷/۱۸ ۴۳۱

- ❖ نقش روحیه‌ی بسیجی در حرکت علمی ۴۳۳
- ❖ فرهنگ بسیج و بسیجی از پدیده‌های مبارک انقلاب اسلامی ۴۳۳
- ❖ حل مشکل جنگ، بدون حضور بسیج ممکن نبود ۴۳۳
- ❖ فرهنگ بسیج منشأ برکات برای دانشگاه‌ها ۴۳۴
- ❖ جهاد برای کشف و تولید یکی از مظاهر بسیج علمی ۴۳۴
- ❖ بسیج یعنی اقدام مؤمنانه و خالصانه در میدان‌های مختلف ۴۳۵
- ❖ درس علم با درس ایمان همراه شود ۴۳۶

بیانات در دیدار بارزندگان لشکر ۱۴ امام حسین (ع) ۱۳۸۰/۸/۱۴ ۴۳۷

- ❖ مجموعه‌ی سپاه و بسیج در اوج قله است ۴۳۹
- ❖ احساسات متکی به ایمان و منطق، عامل کارآمدی سپاه و بسیج است ۴۳۹
- ❖ آرمان ملت ایران، آرمان امت اسلامی بود ۴۴۰
- ❖ عوامل موثر در آرمان خواهی بزرگ ملت ایران ۴۴۰
- ❖ آرمان بلند مدت ایران، تجسم عدل الهی و جامعه‌ی عادلانه ۴۴۱
- ❖ تمدن مادی غرب در خدمت تبعیض، ظلم و دوری از معنویت است ۴۴۲
- ❖ علت ارادت به سپاه و بسیج ۴۴۲
- ❖ راه امام(ره) سعادت بخش و نجات دهنده است ۴۴۳
- ❖ نکاتی که سپاه باید برای خودسازی معنوی، معرفت دینی و طراوت حفظ کند... ۴۴۳

بیانات در دیدار با پیمان شرکت‌کننده در دوی رزمی فرهنگی علویون ۲۱/۸/۱۳۸۰ ۴۴۵

- ❖ نهال پرثمر بسیج ۴۴۷
- ❖ بسیج مثل ستاره درخشان ۴۴۸
- ❖ دامنه بسیج وسیع‌تر از یک نیرو ۴۴۹
- ❖ اثرات انزوای معنویت ۴۵۰
- ❖ مسئولیت عظیم بسیج برای استقرار معنویت ۴۵۱
- ❖ بسیج آماده به کار برای کارهای بزرگ ۴۵۲
- ❖ احساس مسئولیت سنگین ۴۵۲
- ❖ بیان حقیقت در مقابل ظلم ۴۵۳

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و دانش‌آموزان طرح ولایت ۱۷/۵/۱۳۸۱ ۴۵۵

- ❖ جلسه‌ای شوق‌انگیز با جوان‌های اهل علم و تحصیل ۴۵۷
- ❖ تقدیر از آیت‌الله مصباح ۴۵۷
- ❖ معرفت آموزی و توجه به وظیفه ۴۵۸
- ❖ معرفت و آگاهی و انجام کارهای بسیار بزرگ ۴۵۸
- ❖ رسالت انقلاب اسلامی و نقش نسل جوان ۴۵۹
- ❖ موضع انقلاب اسلامی، موضع هجومی علیه نظام سلطه ۴۵۹
- ❖ معرفت آموزی و احساس مسئولیت ۴۶۰
- ❖ ضرورت انطباق ملاک‌های فعالیت سیاسی با معرفت اسلامی ۴۶۱
- ❖ هدف به تکامل رساندن انقلاب است ۴۶۲
- ❖ نسل آینده، مسئولیت دارد ۴۶۲
- ❖ عدالت‌خواهی اسلامی اساس انقلاب ۴۶۲
- ❖ احساس عزت مسلمان‌های دنیا زیر پرچم عدالت‌خواهی جمهوری اسلامی ۴۶۳
- ❖ سرنوشت آزادی و برابری در دو انقلاب فرانسه و شوروی ۴۶۴
- ❖ وظیفه‌ی اساسی، تحقق عدالت‌خواهی ۴۶۵
- ❖ مفهوم عدالت ۴۶۵
- ❖ آزادی و برابری در بطن عدالت ۴۶۵

- ❖ آزادی و عدالت اسلامی با معنویت همراه است ۴۶۶
- ❖ پیر نشدن و جوان ماندن انقلاب اسلامی ۴۶۶
- ❖ عوامل نابودی انقلاب‌ها ۴۶۷
- ❖ عامل اول: کهنه و زایل شدن شعارهای انقلاب ۴۶۷
- ❖ عامل دوم: از دست دادن صلاحیت حفظ انقلاب ۴۶۸
- ❖ مسئولان طراز اول و برجسته از صلاحیت‌های لازم برخوردارند ۴۶۹
- ❖ مسئولان کشور اصلاحات آمریکایی نمی‌خواهند ۴۶۹
- ❖ احساس مسئولیت جوان‌ها در حفظ انقلاب ۴۷۰
- ❖ دانشگاه و مطبوعات نقاط امید آمریکا ۴۷۱
- ❖ آشوب و حرکت براندازی در برنامه دشمن ۴۷۱
- ❖ حرکت در محیط دانشگاه‌ها عالمانه و منطقی باشد ۴۷۲
- ❖ **بیانات دیدار با پیمان و سپاهین لشکر ۲۵ کربلا ۲۹/۶/۱۳۸۲** ۴۷۳
- ❖ شاخص حرکت سپاه ۴۷۵
- ❖ روح ایستادگی و مقاومت ۴۷۵
- ❖ عدم کارایی حربه دشمن علیه نظام اسلامی ۴۷۶
- ❖ بیداری ملت‌ها ۴۷۷
- ❖ بصیرت، ایستادگی و بیداری ۴۷۷
- ❖ **بیانات دیدار پیمان اتان‌هران ۱۶/۴/۱۳۸۳** ۴۷۹
- ❖ جلسه با جوانان بسیجی، نورانی و ملامال از اخلاص ۴۸۱
- ❖ انقلاب اسلامی معجزه اجتماعی در منطقه ۴۸۱
- ❖ تبلور بینش و بصیرت در جوانان مؤمن و بسیجی ۴۸۲
- ❖ میل حرکت به جلوی جوانان بسیجی تیری به چشم و قلب دشمن ۴۸۲
- ❖ در برابر توطئه دشمن همه هوشیار باشند ۴۸۳
- ❖ به برکت کمک الهی، ریشه‌ی استبداد در این کشور زده شد ۴۸۴
- ❖ آزادی و استقلال در ایران نهاده شده ۴۸۵
- ❖ رفتن به قله‌های بلند در سایه همت و اراده ۴۸۶

- ❖ جوانی، عقل و اراده ابزارهای محکم برای کارهای دشوار ۴۸۶
- ❖ جوان‌ها مطلقاً نباید از کار خسته شوند ۴۸۷
- ❖ حفظ تقوا، اساس کارها ۴۸۸
- ❖ جولان آمریکا در دنیا ناشی از ضعف اوست ۴۸۸
- ❖ آمریکا در عراق منفعل و دچار ضعف است ۴۸۸
- ❖ آمریکا در عراق دچار تناقض است ۴۸۹
- ❖ شرایطی که دولت عراق می‌تواند اقبال مردم را جلب کند ۴۹۰
- ❖ دروغ اشغالگران در عراق در همه‌ی دنیا افشا شد ۴۹۰
- ❖ جنگ تحمیلی، مهم‌ترین نقطه‌ی کیفرخواست صدام حسین ۴۹۱
- ❖ بین دو ملت ایران و عراق همیشه رفاقت بوده است ۴۹۲
- ❖ رژیم امریکا، مجرم‌ترین چهره محکوم در جنگ تحمیلی ۴۹۲
- ❖ جوانی همراه باایمان و شجاعت در اروند چشم دشمن را کور کرد ۴۹۲
- ❖ دفاع از حوزه‌های مختلف به عهده شما جوانان ۴۹۳
- ❖ **بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی ۳/۵/۱۳۸۴** ۴۹۵
- ❖ ترکیب بدیع دانشجو با روحیات فرهنگ بسیجی ۴۹۷
- ❖ فرهنگ بسیجی در یک جمله ۴۹۷
- ❖ میدان چالش‌های حیاتی و اساسی کدامند؟ ۴۹۷
- ❖ خصوصیات و ویژگی‌های بسیجی ۴۹۸
- ❖ ضرورت توانایی شناخت و فهم شبهه‌ها ۴۹۹
- ❖ میدان‌های چالش‌برانگیز ۵۰۰
- ❖ مفهوم تجدد در کشور ما همانند روشنفکری بیمار متولد شد ۵۰۰
- ❖ معنای تجدد و تقلید در کشور ما ۵۰۱
- ❖ مخالفت‌های سطحی با تجدد ۵۰۱
- ❖ تجدد چیست؟ ۵۰۱
- ❖ نقطه‌ی شیب تند سقوط غربی‌ها ۵۰۲
- ❖ تجدد و نوگرایی حقیقی، مطلوب اسلام ۵۰۲

- ❖ بسیج دانشجویی مظهر تام ابتکار و خلاقیت ۵۰۳
- ❖ کلید موفقیت‌ها (اصلاح هم زمان ظاهر و باطن) ۵۰۳
- ❖ مشکلات و انحرافات ناشی از بی‌عمقی ۵۰۴
- ❖ ضرورت برخورداری تفکر اسلامی و بسیجی از عمق ۵۰۴
- ❖ مفهوم بسیجی عدالت‌طلب ۵۰۴
- ❖ جوان دانشجو، سازوکار تحقق اهداف را پیدا کند ۵۰۵
- ❖ منطق ما قوی است و در میدان عمل هم آن را آزموده‌ایم ۵۰۵
- ❖ فکر توام با عمل ۵۰۵
- ❖ ضرورت تلاش بسیج دانشجویی برای حضور حداکثری مردم در انتخابات ۵۰۶
- ❖ یاوه‌گویی‌های آمریکایی‌های نادان همیشگی است ۵۰۶
- ❖ در همه‌ی کشورهای اروپایی به اپوزیسیون میدان نمی‌دهند ۵۰۷
- ❖ در کشور ما باید ورودی‌های میدان سیاست و مدیریت کنترل شود ۵۰۷
- ❖ وجود ملاک‌ها و معیارهای انتخاب ۵۰۸
- ❖ وسوسه و تبلیغات دروغین نباید مانع شناخت حقیقت باشد ۵۰۸
- ❖ عکس خواسته دشمن عمل کردن یکی از معیارهای انتخاب ۵۰۸
- بیانات در مراسم صبحگاه نیروی مقاومت بسیج ۲/۶/۱۳۸۴ ۵۱۱
- ❖ ماهیت و هویت بسیج ۵۱۳
- ❖ بسیج خار چشم دشمنان ۵۱۴
- ❖ حضور بسیج عامل پیروزی‌های بزرگ در میدان‌های جنگ ۵۱۴
- ❖ مکتب بسیج، مکتب مجاهدت و شهادت ۵۱۵
- ❖ جهاد فی سبیل الله حصن حصین مقاومت ۵۱۵
- ❖ جهاد و شهادت، دو فصل بزرگ حرکت بسیجی ۵۱۶
- ❖ امریکا عامل بی‌ثباتی منطقه ۵۱۶
- ❖ بسیج یک حرکت گسترده‌ی مردمی ۵۱۶
- ❖ شکست بزرگ‌تر آمریکایی‌ها تلاش برای استحاله‌ی نظام جمهوری اسلامی ۵۱۷
- ❖ اقیانوس عظیم ملت ایران ۵۱۷

- ❖ ملت ایران نمادش بسیج است ۵۱۸
- بیانات در دیدار خزانگان نفر از پیمان در سالروز شهادت حضرت امام صادق (ع) ۱۳۸۴/۹/۷ ۵۱۹
- ❖ رابطه بین حرکت عمومی معصومین با حرکت بسیجی امروز ۵۲۱
- ❖ وظیفه‌ی ائمه‌ی ما در آن دوران، ایستادگی در مقابل انحراف ۵۲۲
- ❖ اوج حرکت سیاسی و فرهنگی در زمان امام صادق (ع) ۵۲۲
- ❖ دنیای اسلام و عدم تجربه تعالیم و ارزش‌های اسلامی ۵۲۳
- ❖ پیشرفت علمی دنیای غرب بدون وجود معنویت ۵۲۳
- ❖ انقلاب عظیم ایران مبتنی بر تعالیم و هدایت اسلامی ۵۲۴
- ❖ بسیج مظهر خالص تداوم حرکت ائمه (ع) در کشور ۵۲۴
- ❖ معنا و مفهوم بسیج و بسیجی ۵۲۴
- ❖ شدت و ضعف بسیجی ۵۲۶
- ❖ فرهنگ و روحیه‌ی بسیجی تضمین‌کننده تحولات و حرکت ۵۲۶
- ❖ ملت ما با وجود سرمایه‌های انسانی و طبیعی عقب نگه‌داشته شد ۵۲۶
- ❖ با انقلاب ملت ما بیدار شد و گفت می‌توانیم و توانست ۵۲۷
- ❖ ایمان، امید، اعتماد به کمک الهی، قوای اصلی بسیج ۵۲۷
- بیانات در دیدار عمومی پیمان ۱۳۸۵/۱/۶ ۵۲۹
- ❖ آرزوی توفیق برای جوانان کشور ۵۳۱
- ❖ تلاش جامعه برای تحقق اهداف والای پیامبر (ص) ۵۳۱
- ❖ خلق نیکو، تحقق بخش اهداف پیامبر (ص) ۵۳۱
- ❖ «خلق نیکو» چیست؟ ۵۳۲
- ❖ عوامل استقرار اخلاق در جامعه ۵۳۲
- ❖ عوامل پیشرفت در راه تحقق اخلاق در جامعه ۵۳۳
- ❖ استقامت در برابر ترفند های دشمن هنر بزرگی است ۵۳۴
- ❖ بسیج نمونه‌ی بر جسته‌ی استقامت ۵۳۵
- ❖ ایستادگی در برابر تهدید های دشمن ۵۳۵
- ❖ عقب نشینی ملت یعنی قوی شدن دشمن ۵۳۵

- ❖ نقش مهم رهبری در ایستادگی ملت ها ۵۳۶
- ❖ امریکا و صهیونیسم دشمن درجه اول ملت ایران هستند ۵۳۷
- ❖ نخواهیم گذاشت آمریکا بازهم بر ما مسلط شود ۵۳۷
- ❖ **بیانات در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه ۳۱/۲/۱۳۸۶** ۵۳۹
- ❖ دانشجویان بسیجی مایه‌ی مباهات ۵۴۱
- ❖ ذهنیت شفاف و درک متعالی از مسائل کشور و جهان ۵۴۱
- ❖ نگرانی جوان بسیجی، قابل تقدیر است ۵۴۲
- ❖ دانشجوی بسیجی محافظه‌کار نیست ولی کاملاً هوشیار است ۵۴۲
- ❖ ضرورت بیداری کامل در شناخت دشمن ۵۴۳
- ❖ توقع از دانشجوی بسیجی ۵۴۳
- ❖ اردوهای جهادی دانشجویی ۵۴۴
- ❖ بسیج، شکل دوبعدی ۵۴۴
- ❖ سپاه نماد مقاومت انقلابی ۵۴۴
- ❖ هویت سپاه ۵۴۴
- ❖ سپاه تکیه‌گاه مطمئن برای شکل دانشجویی ۵۴۵
- ❖ ارتباط با سپاه افتخار دانشجوی بسیجی ۵۴۵
- ❖ فرق شکل دانشجویی با تشکلهای دیگر ۵۴۶
- ❖ بسیجی، راز ایستادگی و امید ما به آینده ۵۴۶
- ❖ تقسیم دنیا به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر ۵۴۷
- ❖ امریکا رأس سلطه‌گری ۵۴۷
- ❖ زیر سؤال رفتن مسلمات رأس سلطه‌گری ۵۴۸
- ❖ ایران مرکز فرماندهی جبهه‌ای از جنگ اراده‌ها در دنیا ۵۴۸
- ❖ دنیا کفه‌ی نیروی حزب‌اللهی را سنگین ترمی بیند ۵۴۹
- ❖ بسیج دانشجویی در کجای خیمه‌ی فرماندهی است ۵۴۹
- ❖ دشمن، سه هدف را دنبال می‌کند ۵۵۰
- ❖ کمک به کارآمدی دولت ۵۵۰

- ❖ نیازهای بسیج دانشجویی ۵۵۱
- ❖ خطر انشعاب، انشقاق و دودستگی ۵۵۴
- ❖ بسیجی مراقب باشد تحرک خود را از دست ندهد ۵۵۴
- ❖ **بیانات مراسم بیت پیمان نمونه‌ی کشور ۴/۴/۱۳۸۶** ۵۵۷
- ❖ رابطه‌ی پدر و فرزندی بین امام و بسیج ۵۵۹
- ❖ بسیج و تداوم راه و اجرای وصیت امام ۵۵۹
- ❖ بسیج، پشتوانه‌ی اصلی انقلاب ۵۶۰
- ❖ بسیج محور دفاع از انقلاب ۵۶۰
- ❖ بسیج با ارزش‌ترین افراد جامعه ۵۶۱
- ❖ تجسم انقلاب، نظام جمهوری اسلامی است ۵۶۱
- ❖ بسیجی سینه‌اش را سپر می‌کند ۵۶۱
- ❖ ما جنگ طلب نیستیم از خودمان دفاع می‌کنیم ۵۶۱
- ❖ آمادگی برای دفاع از انقلاب همیشه لازم است ۵۶۲
- ❖ خواهران بسیجی در دفاع مقدس سهیم هستند ۵۶۲
- ❖ ضرورت سازماندهی بسیج ۵۶۳
- ❖ کسی بسیجی‌تر است که مقررات را بیشتر رعایت می‌کند ۵۶۳
- ❖ **بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان بسیج ۹/۸/۱۳۸۶** ۵۶۵
- ❖ سیزده آبان روز جوانان دانش‌آموز و دانشجو ۵۶۷
- ❖ حادثه‌ی سیزده آبان ۱۳۴۳ ۵۶۷
- ❖ حادثه‌ی سیزده آبان ۱۳۵۷ ۵۶۷
- ❖ حادثه‌ی سیزده آبان ۱۳۵۸ ۵۶۸
- ❖ دو انتخاب برای تعیین سرنوشت ملت‌ها (پذیرش سلطه یا مبارزه با سلطه) ۵۶۸
- ❖ سرنوشت ملت‌های پذیرش سلطه ۵۶۹
- ❖ سرنوشت ملت‌های مبارزه با سلطه ۵۶۹
- ❖ سبیلی انقلاب اسلامی به سلطه‌طلبی ظالمانه‌ی امریکا ۵۷۰
- ❖ استمرار مبارزه با سلطه در ایران ۵۷۰

- ❖ ایران قبل از انقلاب نقطه‌ی متمرکز سلطه‌ی استکباری ۵۷۰
- ❖ انقلاب اسلامی سرنوشت کشور را عوض کرد ۵۷۱
- ❖ راه خلافت و سازندگی، راه رشد و تکامل را جوان ایرانی باید بپیماید ۵۷۱
- ❖ بسیج عمومی یعنی آمادگی و هوشیاری دائمی ۵۷۲
- ❖ با پیشرفت‌های ایران مخالفند تا تسلط را برگردانند ۵۷۲
- ❖ امریکا اصلی‌ترین عامل ناامنی در منطقه‌ی خاورمیانه ۵۷۳
- ❖ ملت ایران عامل اصلی شکست هیمنه امریکا ۵۷۳
- ❖ افق آینده‌ی کشور بسیار تابان است ۵۷۴

بیانات در دیدار با گردانهای نمونه عاشورا و الزهراء ۱۳۸۶/۹/۵ ۵۷۵

- ❖ بسیجیان دلاور، بهترین جوانان کشور ۵۷۷
- ❖ بسیج از آیات الهی و جنس انقلاب است ۵۷۷
- ❖ بسیج سراسر معنویت است ۵۷۷
- ❖ عملکرد بسیج درس آموز صاحب نظران دنیا ۵۷۸
- ❖ بسیج، مردمی و گسترده در همه‌ی عرصه‌های زندگی است ۵۷۸
- ❖ بسیج یک مجموعه‌ی دینی است ۵۷۹
- ❖ بسیج اهل سازش نیست ۵۸۰
- ❖ به بسیجی بودن خودمان باید افتخار کنیم ۵۸۰
- ❖ دشمنان بسیج شکست خورده اند ۵۸۱
- ❖ تلاش برای ارتقای کیفی بسیج و تاثیر بر جوانان کشور ۵۸۱
- ❖ بیداری ملت ها مرهون نظام مقدس جمهوری اسلامی است ۵۸۲

بیانات در دیدار با بسیجیان استان فارس ۱۳۸۷/۲/۱۴ ۵۸۵

- ❖ دل‌های مشتاق و با نشاط ۵۸۸
- ❖ بسیج شجره طیبه ۵۸۸
- ❖ نقش بسیج در دفاع مقدس ۵۸۹
- ❖ احساس ایستادگی و مقابله با تهاجمات دشمن ۵۹۰
- ❖ نیاز به بسیج در تمامی دوران ها و تمامی قشرها ۵۹۱

- ❖ دشمنی ها با اصل نظام ۵۹۲
- ❖ دائما هوشیار باشیم ۵۹۲
- ❖ دل های خود را با معارف مستحکم کنیم ۵۹۳
- بیانات در دیدار با جمع کثیری از پیمان کشور ۱۳۸۸/۹/۴ ۵۹۵
- ❖ یاد بود شهادت ائمه (ع) دارای چه پیام هایی است ۵۹۷
- ❖ «دههی امامت» دارای چه پیامی است ۵۹۷
- ❖ الهام و کمک الهی همراه با دل نورانی امام(ره)، بسیج را به وجود آورد ۵۹۸
- ❖ ویژگی های بسیج و رمز ماندگاری آن ۵۹۸
- ❖ رمز حفظ استقلال و عزت کشور ۵۹۹
- ❖ معنای بسیجی چیست؟ ۵۹۹
- بیانات در دیدار اعضای بسیج، هیئت علمی دانشگاه ۱۳۸۹/۴/۲ ۶۰۷
- ❖ اساتید بسیجی، مظهر ترکیب علم و ایمان ۶۰۹
- ❖ پیشنهاد نام گذاری روز بسیج اساتید به نام شهید چمران ۶۰۹
- ❖ شهید چمران یک دانشمند تمام عیار ۶۰۹
- ❖ خطرناک ترین دوران حیات چمران ۶۱۰
- ❖ اولین نحوه آشنایی با مرحوم چمران ۶۱۰
- ❖ بصیرت مرحوم چمران ۶۱۰
- ❖ بی ارزش بودن مقام و دنیا برای چمران ۶۱۱
- ❖ اهل دل، خداجو، هنرمند و اهل معنا ۶۱۱
- ❖ قضیه ی پاوه و پیام امام راحل ۶۱۱
- ❖ حضور یک امر دائمی برای چمران ۶۱۲
- ❖ حضور از اولین خصوصیات بسیجی ۶۱۳
- ❖ نقش چمران در فتح سوسنگرد ۶۱۳
- ❖ چمران نمونه ی کامل استاد بسیجی ۶۱۴
- ❖ چمران پروری قاعده مند در دانشگاه ها ۶۱۴
- ❖ ماندگاری جریان عظیم اساتید بسیجی ۶۱۵

- ❖ نتیجه‌ی پرورش عناصر در تراز چمران ۶۱۵
- ❖ نظر به قله باهمت بلند و عالی ۶۱۶
- ❖ آرزوهای ما محورِ نظامِ سلطه ۶۱۶
- ❖ رویشِ سپاه و جهاد از بسیج ۶۱۷
- ❖ عرصه‌ی بسیج خیلی وسیع‌تر از عرصه‌ی نظامی ۶۱۸
- ❖ حسادت‌ها و دشمنی‌ها به خاطر پیشرفت علمی ۶۱۸
- ❖ سرعت پیشرفت علمی کمتر از حد انتظار ۶۱۹
- ❖ نقش حساس و برجسته استاد بسیجی در محیط‌های آموزشی ۶۱۹
- ❖ بسیج اساتید نعمت بزرگ نظام اسلامی ۶۲۰
- ❖ آخرین تلاش‌های مراکز استکباری جهانی در مقابله‌ی با حرکت اسلامی ۶۲۱
- ❖ وضعیت انفعال نظام سلطه در مواجهه‌ی با حرکت اسلامی ۶۲۱
- ❖ اساسی‌ترین و اصلی‌ترین کارها در دانشگاه‌ها ۶۲۳
- ❖ اهداف، شاخص‌ها و خطوط اصلی ۶۲۵
- ❖ **بیانات دیدار جهادگران بسیج سازندگی ۳۱/۶/۱۳۸۹** ۶۲۷
- ❖ جایگاه والای جوانانی ۶۲۹
- ❖ بی‌هدفی و افسردگی جوانان در پیشرفته‌ترین کشورهای دنیا ۶۲۹
- ❖ توان و روحیه خدمت‌گزاری، سرمایه‌ای ذی قیمت ۶۳۰
- ❖ خودجوش بودن حرکت عظیم بسیج سازندگی ۶۳۰
- ❖ انقلاب، شجره‌ی طیبه ۶۳۱
- ❖ تنوع حرکت انقلاب بر اساس نیاز جامعه ۶۳۱
- ❖ ریزش‌ها در اثر غلبه انگیزه‌های مادی ۶۳۱
- ❖ انقلاب یک حقیقت خدائی متکی به ایمان‌ها و تمام‌نشدنی ۶۳۲
- ❖ ورود به میدان‌ها، مهم‌ترین ارزش جوانِ امروزی ۶۳۳
- ❖ بسیج سازندگی، محور اصلی اردوهای هجرت ۶۳۳
- ❖ فواید و برکات اردوهای هجرت: ۶۳۳
- ❖ عبور ملت ایران از پیچ خطرناک تاریخی ۶۳۴

- ❖ صف‌بندی میان جبهه‌ی حق و باطل ۶۳۵
- ❖ حرکت پوینده و بالنده جوانان بسیجی در میدان‌های عمل ۶۳۵
- ❖ جوانان عامل اصلی حرکت پیش برنده‌ی انقلاب ۶۳۶
- ❖ انقلاب و راه و حرکت امام زنده است ۶۳۶
- ❖ احساس مسئولیت و ارتباط با خدا را بیشتر کنید ۶۳۷
- بیانات در دیدار با پیمان استان قم ۱۳۸۹/۸/۲** ۶۳۹
- ❖ آسیب ناپذیری نظام ما با وجود میلیون‌ها بسیجی ۶۴۱
- ❖ بصیرت الهی و تاریخی حضرت امام (ره) در تشکیل بسیج ۶۴۱
- ❖ تا مجاهدت هست، بسیج هم هست ۶۴۳
- ❖ شاخص‌های سه گانه‌ی بسیج ۶۴۴
- ❖ افراد، شاخص حق نیستند ۶۴۴
- ❖ شاخص حق، اسلام است ۶۴۵
- ❖ نقش جهاد اکبر در فعالیت‌های بسیج ۶۴۶
- ❖ اهمیت شناخت فعالیت‌های دشمن ۶۴۶
- ❖ اعتبار نظام ما در میان ملت‌های دنیا ۶۴۷
- ❖ ضرورت تقویت انگیزه‌های انقلابی در بسیج ۶۴۸
- بیانات در جمع ۱۱۰ هزار بسیجی در روز عید غدیر ۱۳۸۹/۹/۴** ۶۵۱
- ❖ عید قدیر متعلق به همه‌ی مسلمانان و حق طلبان است ۶۵۳
- ❖ جریان غدیر، نصب الهی است ۶۵۴
- ❖ جنبه‌های جریان غدیر ۶۵۵
- ❖ انواع امام برای بشر ۶۵۵
- ❖ چرا جریان غدیر مربوط به همه‌ی انسان‌هاست ۶۵۷
- ❖ ویژگی و اوصاف بسیج بی‌شمار است ۶۵۸
- ❖ دل‌های بسیج مملو از ایمان، اعتقاد و عواطف است ۶۵۸
- ❖ بسیج، سازمانی پیشرو و همه‌جانبه ۶۵۹
- ❖ ویژگی‌های مهم امروز بسیج ۶۶۰

- ❖ آفات طغیان، ظلمت و هوای نفس در وجود انسان ۶۶۰
- ❖ بسیجی ماندن متوقف به چیست؟ ۶۶۱
- بیانات در دیدار پیمان استان کرمانشاه ۲۲/۷/۱۳۹۰ ۶۶۳
- ❖ فکر، جریان و روحیه‌ی انقلابی در این استان زنده است ۶۶۵
- ❖ ضرورت آمادگی‌های جسمانی و معنوی ۶۶۵
- ❖ ضرورت «واژه‌سازی» و «نهادسازی» ۶۶۶
- ❖ اصطلاحات و واژه‌های تولیدی انقلاب ۶۶۶
- ❖ مقوله‌ی نهادسازی انقلاب ۶۶۷
- ❖ بسیج، یکی از ارکان آمادگی‌ها ۶۶۷
- ❖ معنای ارتش بیست میلیون یا ده‌ها میلیونی ۶۶۸
- ❖ تعبیر زیبای حضرت امام از بسیج ۶۶۸
- ❖ بسیج پدیده‌ی پیش‌رونده و پیش‌رو ۶۶۹
- ❖ بسیج، حرکت برخاسته‌ی از ایمان و توأم با ابتکار ۶۶۹
- ❖ ضرورت ابتکار عمل بسیج در همه‌ی زمینه‌ها ۶۷۰
- ❖ ابتکار عمل ناشی از روحیه‌ی انقلابی و بسیجی ۶۷۰
- ❖ روحیه‌ی بسیج در همه‌ی بخش‌های کشور ۶۷۱
- ❖ اخلاص، پایه‌ی اصلی کار بسیجی ۶۷۱
- ❖ ضرورت سازماندهی‌های بسیج برای آمادگی دفاعی ۶۷۲
- ❖ به برکت اسلام و انقلاب عدالت جهانی می‌شود ۶۷۲
- ❖ ایستادگی باشد، پیروزی قطعی است ۶۷۳
- ❖ روحیه‌ی بسیجی باشد، پیروزی حتمی و سریع است ۶۷۴
- ❖ دفاع از اصول مسلم اسلامی اساسی‌ترین کار بسیج ۶۷۴
- ❖ ضرورت پایبندی بسیج به قوانین، مقررات و انضباط ۶۷۴
- ❖ مراد از بسیج بی‌ترمز، بی‌انضباطی نیست ۶۷۵
- ❖ نظم، زمینه‌ای برای موفقیت ۶۷۵
- ❖ نظم و انضباط ارزش است نه بی‌نظمی ۶۷۶

- ❖ مقررات مزاحم ابتکار بر طرف شود ۶۷۶
- ❖ موفقیت نظام توهم نیست ۶۷۷
- ❖ پیشرفت یعنی حرکت به سمت کامل شدن ۶۷۷
- ❖ جوان امروز ما عمیق تر از گذشته ۶۷۷
- ❖ اثرگذاری جوانان در محیط پیرامونی ۶۷۸
- ❖ تقویت ارتباط معنوی با خداوند متعال ۶۷۸
- ❖ فتح قله‌های اقتدار جهانی با حرکت بسیجی ۶۷۹
- ۶۸۰ **بیانات در دیدار افتخارنمونه بسیج سراسر کشور ۶/۹/۱۳۹۰**
- ❖ تناسب میان هویت بسیج با هویت محرم ۶۸۳
- ❖ بصیرت و معرفت از خصوصیات مهم عاشورا ۶۸۳
- ❖ راه بسیج ۶۸۴
- ❖ ماهیت بسیج ۶۸۴
- ❖ فرهنگ بسیجی ۶۸۵
- ❖ حقایق بسیج ۶۸۵
- ❖ حرکت و جوشش‌های اسلامی در منطقه ۶۸۶
- ❖ تهدید و تحریم‌ها دور از انتظار نیست ۶۸۶
- ❖ غلبه ملت ایران بر همه‌ی چالش‌ها ۶۸۷
- ❖ حرکت‌های اسلامی، ماندگار و پیش‌رونده ۶۸۷
- ۶۸۹ **بیانات در دیدار پیمان استان خراسان شمالی ۲۴/۷/۱۳۹۱**
- ❖ فضای بسیج فضای معنویت و خلوص ۶۹۱
- ❖ اقدام بسیار خوب «حلقه‌های صالحین» ۶۹۱
- ❖ تمجید از سرود ۶۹۲
- ❖ تعمق و تأمل بر روی خصوصیات بسیج ۶۹۲
- ❖ بسیج همزاد انقلاب ۶۹۲
- ❖ بسیج، پدیده‌ی بی‌نظیر ۶۹۳
- ❖ خصوصیات بسیج ۶۹۳

- ❖ حفظ و تقویت صلاحیت‌های بسیجی ۶۹۶
- ❖ خصوصیات بسیجی ۶۹۷
- ❖ توصیه‌های انتخاباتی ۷۰۱
- بیانات «دیدار جمعی از بسیجیان و فعالان» «طرح صالحین» ۱۳۹۱/۹/۱ ۷۰۵
- ❖ اسلام، زنده به عاشورا ۷۰۷
- ❖ حقایق پرمغز و پر راز و رمز عاشورا ۷۰۸
- ❖ شجره‌ی طیبه‌ی بسیج برجسته‌ترین مظهر فداکاری‌ها ۷۰۸
- ❖ میدان امروز، میدان پیچیده‌تری است ۷۰۸
- ❖ ضرورت ارتقاء عیار خلوص و روحیه‌ی بسیجی در مجموعه‌های صالحین ۷۰۹
- ❖ سختی اندازه‌گیری خلوص در جهاد اکبر ۷۰۹
- ❖ پرهیز از آفات مهلک ۷۱۰
- ❖ عمق‌بخشی معنوی و فکری ۷۱۰
- ❖ وجود بسیج از معجزات انقلاب ۷۱۰
- ❖ تثبیت تجربه‌ی موفق دستورالعمل بسیج در جهان اسلام ۷۱۱
- ❖ سبک زندگی معیار خودشناسی در بسیج ۷۱۱
- ❖ حلقات صالحین از کارهای برجسته بسیج ۷۱۲
- ❖ وحشیگری‌های رژیم صهیونیستی در غزه ۷۱۲
- ❖ حمایت سردمداران نظام استکبار از رژیم صهیونیستی ۷۱۳
- ❖ رفتار نامناسب کشورهای عربی و اسلامی در قضیه غزه ۷۱۳
- ❖ پیروزی مردم غزه، پیام ایستادگی به دنیای اسلام ۷۱۴
- ❖ عوامل ایستادگی ۷۱۴
- ❖ ضرورت حفظ وحدت و اتحاد ۷۱۵
- ❖ احساس مسئولیت دولت و مجلس ۷۱۶
- ❖ مردم بصیرند، خوب و بد را تشخیص می‌دهند ۷۱۶
- ❖ هدیه مدال اهدائی ۷۱۷
- بیانات «دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور» ۱۳۹۲/۸/۲۹ ۷۱۹

- ❖ بسیج مظهر عظمت ملت ۷۲۱
- ❖ حماسه‌ی زینب کبری (س) عدل حماسه‌ی عاشورا ۷۲۱
- ❖ حرکت ما در جهت حرکت زینبی باشد ۷۲۲
- ❖ صدق از عوامل صبر زینب کبری (س) ۷۲۳
- ❖ صدق پیامبران ۷۲۳
- ❖ منافقین نقطه‌ی مقابل صادقین ۷۲۳
- ❖ معنا و مفهوم نرمش قهرمانانه ۷۲۴
- ❖ رژیم صهیونیستی تهدید همه‌ی جهان است، نه ایران ۷۲۵
- ❖ منطق ایران اسلامی، خدمت و نیکی است ۷۲۵
- ❖ ما با استکبار مخالفیم ۷۲۶
- ❖ ضرورت شناخت دوست و دشمن ۷۲۶
- ❖ ویژگی‌های نظام استکباری ۷۲۶
- ❖ مقابله‌ی نظام اسلامی با استکبار ۷۳۲
- ❖ ملت ایران، باید دشمن را مأیوس کند ۷۳۲
- ❖ دشمنی‌های آمریکا روزه‌روز ایران را قوی کرده است ۷۳۳
- ❖ نقش دولت آمریکا در فتنه ۸۸ ۷۳۴
- ❖ تحریم و فشار برای شکست نظام اسلامی ۷۳۴
- ❖ ایستادگی ملت، تنها عامل یاس دشمن ۷۳۴
- ❖ بسیج، مظهر حضور مردمی در صحنه ۷۳۴
- ❖ بسیج همه‌جا امتحان صداقت خودش را داده است ۷۳۵
- ❖ کسانی که دلشان با بسیج است ۷۳۵
- ❖ الزامات اخلاقی، رفتاری و عملی ارتقای توانایی‌های بسیج ۷۳۶
- ❖ مسائل مربوط به سیاست خارجی و هسته‌ای ۷۳۷
- ❖ ضرورت رعایت خطوط قرمز در مذاکرات ۷۳۷
- ❖ ملت ایران با فشار، تسلیم نخواهد شد ۷۳۷
- ❖ تحریم‌ها کارساز نیست، مجبورند تهدید نظامی هم بکنند ۷۳۸
- ❖ سیلی ایران سخت و پشیمان‌کننده خواهد بود ۷۳۸

- ❖ ۷۳۸ رژیم صهیونیستی محکوم به زوال است
- ❖ ۷۳۹ دین، تقوا، علم و نشاط کار از خصوصیات جوانی
- ❖ ۷۴۱ **بیانات در دیدار با اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین ۶/۹/۹۳**
- ❖ ۷۴۴ حضور در عرصه عمل
- ❖ ۷۴۴ منظومه فکری بسیج
- ❖ ۷۴۵ پایه های فکری بسیج
- ❖ ۷۴۷ بصیرت و دشمن شناسی
- ❖ ۷۵۰ نا محدود بودن بسیج
- ❖ ۷۵۱ خلق شدن تفکر بسیجی توسط امام (ره) در ایران
- ❖ ۷۵۱ شکست ناپذیری جمهوری اسلامی
- ❖ ۷۵۲ مسئله هسته ای بهانه است
- ❖ ۷۵۶ رعایت اخلاق
- ❖ ۷۵۷ جلوگیری از سایش اعتقادی

بیانات دیدار مردم چهارمحال و بختیاری و سپهبدان و نیرد و فومن و طلاب پاکستانی

۱۳۶۸/۶/۸

۱. تشکر از حضار
۲. حادثه‌ی تلخ هشتم شهریور سال شصت
۳. کافر یا منافق، با لعن از درگاه و رحمت خدا مطرود می‌شود
۴. کینه‌ی دشمن هیچ وقت از دلتان خارج نشود
۵. اظهار محبت دشمن، تهاجم خصمانه است
۶. دشمن اصلی کیست؟
۷. احساس کم شدن کینه به دشمن، خطرناک است
۸. قوت و قدرت ایمان ملت در برابر حوادث
۹. احساس شکست دشمن
۱۰. مبادا دل‌ها با وسوسه‌های دشمن بلرزد
۱۱. ایمان قوی راز حل تمام مشکلات
۱۲. در برابر شگردهای تبلیغاتی دشمن کاملاً هوشیار باشید
۱۳. آینده‌ی بسیار امیدبخش در سایه حفظ ایمان و اتحاد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در ابتدا از همه‌ی شما برادران و خواهران که از نقاط مختلف کشور و راه‌های دور تشریف آوردید - چه از استان عشایری سلحشور و فداکار چهارمحال و بختیاری و چه از شهرهای اصفهان و یزد و فومن - و همچنین از برادران جوان و پرشور پاکستانی صمیمانه تشکر می‌کنیم. خداوند ان شاء الله خیر و رحمت و فضل خود را بر همه‌ی شما نازل کند و ما را مشمول هدایت و رحمت خود قرار بدهد.

❖ حادثه‌ی تلخ هشتم شهریور سال شصت

این روزها به مناسبت شهادت دو نفر از چهره‌های برجسته‌ی نظام جمهوری اسلامی در هشت سال قبل، روزهای خاطره‌انگیزی است. یک مسئله، خود آن مصیبت و حادثه‌ی تلخ و تحلیل آن است که چه شد در هشتم شهریور سال شصت، این مصیبت بزرگ اتفاق افتاد و چه کسانی این جنایت را مرتکب شدند و چه دشمنی با این دو چهره‌ی مؤمن و فداکار داشتند؟ البته در این هشت سال، همه در این باره حرف زده‌اند و خود شما مردم، آن دست‌های جنایتکار و چهره‌های سیاه و زشت را - که لعنت مردم شامل حال آنها شد - خیلی خوب می‌شناسید.

❖ کافر یا منافق، با لعن از درگاه و رحمت خدا مطرود می‌شود

«لعنت» یعنی طرد و محروم کردن از محبت و عاطفه؛ وقتی می‌گوییم لعنت خدا و ملائکه و مردم بر فلان کافر یا منافق، معنایش این است که آن کافر یا منافق از درگاه و رحمت خدا و حمایت و دعای فرشتگان و محبت مردم مطرود می‌شود. مردم چهره‌های پلید و زشت را طرد

می‌کنند و لذا دیدید که بعد از حادثه‌ی هفتم تیرماه سال شصت و حادثه‌ی هشتم شهریور همان سال، منافقین مطرود و ملعون شدند. یکایک بندگان صالح و مؤمن خدا در این سرزمین و مردم نقاط دیگر دنیا که از این قضایا به‌درستی مطلع شدند، آنها را نفرین کردند و بدان‌ها لعنت فرستادند و به کلی از حوزه‌ی محبت و احساسات خود رانندند.

❖ کینه‌ی دشمن هیچ‌وقت از دلتان خارج نشود

البته این نکته را هم در اینجا مطرح کنم که مردم نباید هیچ‌وقت کینه‌ی شیطان‌ها و شیطان‌صفتان را از دل خود بیرون کنند. نگویید حالا گذشت و تمام شد و چه لزومی دارد که دیگر به یادمان آوریم. نه، دین ما این است: «هل الدین الا الحبّ والبغض» □ دین عبارت از محبت و کینه است؛ از یک طرف محبت به خوبان و خوبی‌ها و مظلومان و انسان‌هایی که مورد جفای شیطان‌ها قرار گرفته‌اند و از طرف دیگر بغض و کینه نسبت به شیطان‌ها و موجودات پلید و پلیدی‌ها و کسانی که برای آنها انسان و انسانیت و خدا حرف مفت است. این هم جزو دین است؛ توکی و تبری جزو فروع دین و به قول بعضی از علما جزو اصول دین است. زشت‌صورتی دشمنان خدا و خلق را فراموش نکنید. اگر فراموش کردید، همان دشمن، چهره‌ی خودش را عوض خواهد کرد و نزدیک می‌شود. دشمن که نزدیک شد، برای ضربه زدن نزدیک می‌شود، دشمن که برای نوازش نزدیک نمی‌شود.

❖ اظهار محبت دشمن، تهاجم خصمانه است

این که شما می‌بینید گاهی دشمنان ما - چه دشمنان شناخته‌شده مثل مستکبران عالم و قلدرهای روزگار و چه دشمنان شناخته‌نشده که خطرشان بیشتر است - چهره‌ی خوب نشان می‌دهند و مثل مار خوش‌خط‌وخال به‌صورت فریبنده به‌طرف انسان می‌آیند، اظهار محبت می‌کنند و می‌گویند بیایید باهم دست بدهیم، بدانید این یک حمله و تهاجم خصمانه است؛ حواستان جمع باشد؛ نباید کینه‌ی دشمن از دلتان خارج شود.

❖ دشمن اصلی کیست؟

وقتی که دشمن می‌گوییم، منظور ما دشمنی نیست که برای یک شاهی صنار دنیا دشمنی کند، (که این‌ها دشمنی نیست) و نه دشمنی برای اختلاف سلیقه و اختلاف نظر، (که این‌ها خیالات است) و نه دشمنی برای امور دنیوی و مادی (که ممنوع و مطرود است)، دشمن یعنی آن شیطان و شیطان‌صفتی که با خوبی‌ها و فضیلت‌ها و بندگان صالح و صلاح و خدای صلاح‌آفرین مخالف و دشمن است؛ این آن دشمن اصلی است.

❖ احساس کم شدن کینه به دشمن، خطرناک است

نباید کینه‌ی این دشمن از دلتان خارج بشود؛ اگر احساس کردید که نسبت به این دشمن در دلتان بغض و کینه کم شد، این یک علامت خطر شخصی برای شماست؛ باید احساس کنید مثل این که درجه‌ی ایمان در حال تنزل است، عیناً مثل محبت بندگان خدا که باید روزبه‌روز در دل قوی‌تر و ریشه‌دارتر بشود. اگر به شیطان کینه و دشمنی نورزید، او می‌آید و راه شما به طرف خدا را سد خواهد کرد. این چیزی است که دیگر قابل جبران نیست. بنابراین نسبت به اصل و تحلیل حادثه و آن سیه‌روهایی که این حادثه را راه انداختند باید آحاد مردم، از کوچک و بزرگ، بغض و کینه داشته باشند و آن را به یکدیگر نیز توصیه کنند.

❖ قوّت و قدرت ایمان ملت در برابر حوادث

این حادثه یک روی دیگر هم داشت، آن روی دیگر عبارت از قوّت و قدرت ایمان ملت ما بود که عظمت حادثه تحت الشعاع قوّت آنها قرار گرفت. این چیز بسیار بااهمیتی بود و امام بزرگوار ما «قدّس الله نفسه ورضوان الله تعالی علیه» - آن مردی که با زبان پیامبران حرف می‌زد و از قلب پیامبران الهام می‌گرفت و حقایق را با چشم آنها می‌دید - روی این نکته تکیه کرد.

معمولاً اگر رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیر یا وزیر یک کشور، موردتهاجم موفق دشمن قرار بگیرد، یک ضربه برای آن کشور محسوب می‌شود و او را تکان می‌دهد و یک مقدار تزلزل ایجاد می‌کند؛ ولی در کشور ما این حادثه اتفاق افتاد و رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر در آتش بغض و کینه‌ی پلید دشمنان سیاه‌رو باهم سوختند و نه فقط در مردم ضعف ایجاد نکرد بلکه آنها

را نیز قوی تر و مصمم تر کرد. این آن نقطه‌ی اصلی است.

❖ احساس شکست دشمن

چون ایمان مردم قوی بود تکان نخوردند و چون تکان نخوردند و ضعیف نشدند، توقف نکردند و توانستند راه را ادامه بدهند و چون راه را ادامه دادند و متوقف نشدند، دشمن پشت دروازه باقی ماند. دشمن منتظر بود که مردم دچار ضعف و فتوری بشوند و سپس او وارد بشود، وقتی که دید این طور نیست و مردم مبارزه و حرکت و جنگ و سازندگی را با قوت ادامه می دهند، متحیر ماند و احساس شکست کرد.

❖ مبدا دل‌ها با وسوسه‌های دشمن بلرزد

برادران و خواهران عزیز، جوانان غیور و سلحشور، خانواده‌های شهدا و جانبازان و اسرا و مفقودان، روحانیون محترم و صاحبان فکر و اندیشه و مسؤولیت و قشرهای مختلف! تا لحظه‌ای که این ملت آن احساس قدرت را داشته باشد، بر همه‌ی موانع و مشکلات فائق خواهد آمد و پیروز خواهد شد؛ بدانید که شما قوی هستید. دشمن با وسوسه‌های خود مبدا دل‌های افراد متوسط و ضعیف را بلرزاند؛ دشمن ضعیف است نه ما؛ دلیلش هم همین چیزی است که مشاهده می کنید.

اگر شما ملت، بعد از رحلت جان‌گداز و مصیبت‌بار امام «ره» - که حادثه‌ی خیلی عظیمی بود - قوی نبودید، زانوان شما می لرزید و از ادامه‌ی راه بازمی ماندید؛ ولی دیدید که زانوان شما نلرزید. این نشانه‌ی زنده بودن ملت ماست که از حادثه‌ی رحلت امام - که همه‌ی دنیا تصور می کردند مردم را ضعیف خواهد کرد - برای قویتر شدن استفاده کرد. این، حیات یک ملت را نشان می دهد. یک ملت زنده یعنی همین، یعنی از چیزی که همه‌ی دنیا خیال می کنند وسیله‌ی ضعف اوست، وسیله‌ی قوت خود را می سازد.

❖ ایمان قوی راز حل تمام مشکلات

بعد از رحلت امام قضاوت دنیا در مورد شما مردم ستایش آمیزتر شد و فهمیدند که این ملت، ملتی قوی است. قوت شما به خاطر ایمان و اتحادتان است، چون به خدا مؤمنید و

اتحاد کلمه دارید. این اتحاد کلمه را حفظ و این ایمان را روزبه‌روز در خودتان قوی کنید. این، راز حل تمام مشکلات است. اگر ایمان به خدا و خودتان و مسئولان و نیز ایمان به موفقیت و هدف، روزبه‌روز در قلب شما قوی‌تر شد و این وحدت کلمه‌ای را هم که بحمدالله دارید حفظ کنید و نگذارید دشمن آن را به‌هم بزند، تمام مشکلات - چه مشکلاتی که امروز مردم ما به آنها توجه دارند (مثل کمبود و گرانی) و چه مشکلاتی که به آنها توجه ندارند یا کمتر توجه دارند (مثل مشکلات اخلاقی و فرهنگی و بی‌سوادی و...) برطرف خواهد شد.

ملاحظه کردید که بحمدالله بااراده‌ی شما دولت قوی و بانشاط و کارآمدی تشکیل شد؛ البته در اینجا هم رادیوهای بیگانه و دست‌های دشمن خیلی شیطنت کردند تا شاید بتوانند مانع تشکیل این دولت بشوند و با تبلیغات و شیطنت خود، کاری کنند که بعضی از اعضای این دولت از مجلس رأی نیاورند و دولت ناقص بیرون بیاید.

❖ در برابر شگردهای تبلیغاتی دشمن کاملاً هوشیار باشید

دشمن در تبلیغات خود شیوه‌ها و شگردهای عجیبی دارد. باید خیلی هوشیار بود تا کسی فریب این تبلیغات را نخورد. خوشبختانه نمایندگان شما در مجلس شورای اسلامی این هوشیاری را به خرج دادند و با رشد و هوشیاری، به‌صورت کامل و بدون این که بگذارند حتی یک وزارتخانه یک روز بدون وزیر بماند، به این دولت رأی اعتماد دادند و وزرا را دنبال مأموریت‌هایشان فرستادند.

الآن، ما یک دولت قوی و خوب، آن‌هم تحت ریاست یک شخصیت محبوب شناخته‌شده‌ی مورد اعتماد و اتکای امام و مورد قبول مردم داریم. بحمدالله انقلاب و ملت ما، سال‌های متمادی است که ایشان را می‌شناسد و به او اعتماد دارد. این اعتماد را هم، ملت ما نشان دادند.

❖ آینده‌ی بسیار امیدبخش در سایه حفظ ایمان و اتحاد

اگر شما ایمان خود را در همان شکل گسترده‌ای که مطرح کردم، حفظ کنید - که البته حفظ می‌کنید - و اتحاد کلمه را نگه‌دارید - که البته نگه می‌دارید - و ان‌شاءالله پشتیبانی از این

مسئولان دلسوز و کارآمد را ادامه دهید، آینده‌ی بسیار روشن و امیدبخشی پیش روی ما خواهد بود و بدانید که دشمنان - امریکا و بقیه‌ی استکبارگران و قلدران - در مقابل چنین ملت و مسئولانی، هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند.

خداوند ان شاءالله به همه‌ی شما برادران و خواهران توفیق بدهد و مشمول فضل و رحمت خود گرداند. خواهش می‌کنیم وقتی ان شاءالله به سلامتی به شهر خود برگشتید، سلام من را به همشهری‌ها و برادران و خواهران مسلمان خوبمان در آن مناطق برسانید. امیدوارم خداوند تأیید خود را نسبت به شما ملت عزیز و قهرمان همواره رو به ازدیاد قرار بدهد.

و السّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

سیانات در مجمع بزرگ فرماندهان سپاه و سیج ۱۳۶۸/۶/۲۶

۱. سابقه مجاهدت در جنگ هشت ساله دست آورد امام فقید (ره)
۲. رضایت امام (ره) از جوانان مجاهد و مخلص
۳. حفظ آمادگی‌های روحی بالاترین فریضه
۴. تقویت آمادگی‌های آموزشی و تشکیلاتی
۵. سپاه و ارتش مکمل یکدیگرند
۶. ارتش و سپاه سدی مستحکم

بسم الله الرحمن الرحيم

❖ سابقه مجاهدت در جنگ هشت ساله، دست آورد امام فقید(ره)

برادران عزیز، فرماندهان و مسئولان محترم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج مستضعفان! خدا را شکر که نفس روح اللهی آن عبد صالح و آن یادگار پیامبران و اولیا (سلام الله علیهم)، نقشی معجز نشان و پایدار در کتیبه‌ی تاریخ نشانده؛ یعنی انسان‌های والا و نفوس طیبه‌ای با تربیت پیامبرگون خود پدید آورد که در ظلمات جاهلیت و مادی که طاغوت‌های زمان و امپراتوران زر و زور در جهان پدید آورده و بر آدمیان تحمیل کرده‌اند، چون ستارگان فروزان بدرخشند و پرتو فضیلت و معنویت را در پیرامون خود بپراکنند و عروج روحی و معنوی و ارزش‌های حقیقی را به جهان بنمایند.

خدا را شکر که زحمت و تلاش آن وارث پیامبران و راهرو راه آنان را برکت بخشید و پاداش او و امتش را با پیروزی عظیمی که قرن‌ها آرزوی همه‌ی مصلحان و ژرف‌اندیشان اسلامی بود، ارزانی داشت و این پیروزی را با فتوحات درخشانی در عرصه‌های گوناگون و از همه بالاتر، در عرصه‌ی تربیت و تزکیه‌ی نفوس جوانانی که پایه‌های استوار و پاسداران بیدار انقلاب و نظام اسلامی‌اند، ضمانت نمود و فتح الفتوحی را که کلید همه‌ی پیروزی‌هاست، نصیب او ساخت.

شما جوانان و جوانمردانی که سابقه‌ی مجاهدت در جنگی هشت ساله را به مثابه‌ی بزرگ‌ترین افتخار دوران انقلاب برای خود کسب کرده‌اید، از جمله‌ی ارزشمندترین دستاوردهای امام فقید بزرگوارمان در تلاش چندین ساله و پر مرارتش می‌باشید.

جمعی از شما شهد شهادت نوشیدند و به مجاورت اولیاء الله و عروج به ملکوت، سرافراز شدند و جمعی دیگر زنده و آماده، پابه رکاب وظیفه‌ی بزرگ خویش‌اند، تا حکم خدا چه باشد و تکلیف الهی چه فرمان دهد: «فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلاً»

❖ رضایت امام (ره) از جوانان مجاهد و مخلص

امام بزرگوار، به شما جوانان مجاهد و مخلص، محبتی پدرانه داشت و قلب منور او از شما راضی بود. این محبت و رضایت، سرمایه‌ی ارجمندی است که باید گرمی داشته شده و حفظ شود. بی‌شک، محبت و رضایت روح مطهر آن سلاله‌ی نبوت و امامت نیز همان برکاتی را خواهد داشت که رضایت و محبت او در دوران زندگی پُربرکتش می‌داشت.

اینک، ما در دورانی قرار گرفته‌ایم که جهاد فی سبیل الله در شکلی اگرچه نه به صراحت دوران جنگ، اما با همان دشواری‌ها و شاید باظرافت بیشتر، بر دوش همه‌ی ماست. جهاد در این دوران، برای آنان که در نیروهای مسلح یا وابسته به آنند، مستلزم اموری جداست.

❖ حفظ آمادگی‌های روحی بالاترین فرضیه

نخست، حفظ آمادگی روحی برای دفاع از انقلاب و کشور و نظام جمهوری اسلامی. از پیامبر اکرم «صلی‌الله علیه و آله وسلم» نقل شده است که: «من لم یغز و لم یحدّث نفسه بغزو مات علی شعبه من النفاق» یعنی آن کسی که در میدان نبرد نباشد، یا در دل و جان، حدیث جهاد بر خود نخواند، به گونه‌ای از نفاق، زندگی را ترک خواهد گفت، ما- همان‌طور که امام راحل عظیم فرمود- در سیاست خود برای رسیدن به صلح، در چهارچوب قطعنامه‌ی شورای امنیت جدی هستیم و هرگز پیش‌قدم در تضعیف آن نخواهیم بود؛ ولی حفظ آمادگی‌های گوناگون، مخصوصاً آمادگی روحی برای دفاعی جانانه از اسلام و انقلاب، بالاترین فرضیه‌ای است که امروز متوجه شما و همه‌ی نیروهای مسلح است. سپاه و بسیج و ارتش، باید این آمادگی را در حد اعلی حفظ کنند و نگذارند اندک فتوری در عزم و اراده‌ی مردانه‌ی آنان پدید آید.

این جانب، مخصوصاً به آحاد نیروهای بسیجی تأکید می‌کنم که جدایی آنان از سازمان متبوعشان- یعنی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی- هرگز به معنای بریدگی از صحنه‌ی دفاع

نظامی و غرق شدن در زندگی شخصی یا شغلی نباشد. حیات طیبه‌ی آنان به این است که رابطه‌ی روحی و سازمانی را در حد اعلای ممکن حفظ کنند.

❖ تقویت آمادگی‌های آموزشی و تشکیلاتی

دوم، تقویت آمادگی‌های آموزشی و تشکیلاتی. سپاه و ارتش، هریک در چهارچوب مأموریت ویژه‌ای که برای آنان وجود دارد، باید به تقویت آموزشی و استحکام سازماندهی خود و نیز آماده نگه داشتن افراد و تجهیزات جنگی سرگرم باشند و کمترین سستی و فتوری در این وظیفه‌ی بزرگ حاصل نشود. اکنون، گنجینه‌ی ذی‌قیمتی از تجارب نظامی در اختیار شماست که باید برای ایجاد آمادگی‌های بیشتر، مورد استفاده قرار گیرد.

البته همه‌ی عزیزان باید توجه کنند که اگرچه مأموریت ارتش و سپاه در درازمدت با یکدیگر متفاوت است، اما امروز وظیفه‌ی قطعی همه، ترمیم و تحکیم خطوط دفاعی در مرزهاست و هریک از دو سازمان و هر یگانی از یگان‌های رزمی آنان، باید فریضه‌ی حضور قوی و مقتدرانه در سنگرهای مرزی را از هر کار و وظیفه‌ی دیگر مهم‌تر بشمرد و از آن، لحظه‌ای غفلت نورزد.

❖ سپاه و ارتش مکمل یکدیگرند

سوم، همکاری کامل و محبت برادرانه میان برادران سپاه و ارتش. دشمن از روی کمال عناد و خصومت، با القای شایعات، سعی در ایجاد تفرقه میان نیروهای مسلح ما دارد و برخی دوستان نیز از روی جهالت، گاه به شایعات ساخته‌ی دست دشمن دامن می‌زنند. گاهی شایعه‌ی انحلال ارتش و گاهی شایعه‌ی انحلال سپاه بر سر زبان‌ها افکنده شده که این هر دو و هر سخنی از این قبیل، سخنی است از سوی دشمن یا در جهت منافع او.

این جانب، به پیروی از امام عظیم‌الشأن و حکیم فقیدمان، قاطعانه می‌گویم: این هر دو سازمان، همچون دو بازوی جمهوری اسلامی، باقی و نیرومند خواهند ماند و تقویت خواهند شد. هریک مأموریتی جدا از مأموریت دیگری و مکمل آن خواهند داشت و سپاه به‌جز

مأموریت رزمی خود، وظیفه‌ی سنگینِ سازماندهی و آموزش و بسیج ارتش بیست میلیونی را هم بر عهده خواهد داشت.

❖ ارتش و سپاه سدی مستحکم

ارتش و سپاه، با کمک و همکاری و رقابت مثبت، خواهند توانست مانند همیشه، سدی مستحکم در برابر دشمنان اسلام و انقلاب و کشور اسلامی و دولت اسلامی پدید آورند و هر تجاوزی را با قدرت پاسخ گویند و حتی فکر تجاوز را هم از یاد دشمن بزایند.

در پایان، بار دیگر به شما عزیزان، فرماندهان و مدیران سپاه و بسیج و به یکایک رزمندگان و بسیجیان تأکید می‌کنم که نظام جمهوری اسلامی، باید قدرت دفاعی و رزمی متناسب با داعیه‌ها و آرمان‌های انقلابی خود داشته باشد. این، تنها با کار و تلاش و حفظ روحیه و آمادگی شما فرزندان اسلام و امام میسر خواهد شد.

به خدا توکل کنید، از او مدد بخواهید، به درگاه او استغاثه کنید، با او راز و نیاز کنید و همه‌ی تلاش و نیروی خود را در این راه روشن به کار بگیرید و خدا با مؤمنان و متوکلان است. این جانب، با همه‌ی توان در خدمت شما و پشتیبان شما خواهم بود و خدا بهترین پشتیبان است.

و السَّلَام عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ

پیام به کردهائی فرماندهان ارتش بیست میلیونی ۱۳۶۸/۹/۲

۱. بسیج یادآور خاطره‌ی زیباترین نابلوه‌های ایثار و فداکاری
۲. بسیج یادآور خاطره‌ی امام راحل بزرگ‌مرد جهان
۳. امام راحل که خود بسیجی بود، عالم را بسیج کرد
۴. احساس خطر قدرت‌های استکباری از اسلام
۵. سازش‌کاری‌های خائنانه‌ی دولت‌ها در برابر حرکت‌های وحشیانه‌ی تروریستی
۶. مسلمانان به جرم پابندی به اسلام محکوم می‌شوند
۷. جامعه‌ی مسلمین با ستمی وسیع و بی‌مهار روبه‌روست
۸. اسلام ناب محمدی «صلی‌الله‌علیه‌وآله» تهدیدی جدی برای نظام سلطه
۹. پیروزی از آن جبهه‌ی حق است
۱۰. شرط پیروزی، اعتماد به خدا، هوشیاری و حفظ وحدت
۱۱. سازماندهی بسیجیان و تشکیل ارتش بیست میلیونی
۱۲. مسئولین دولتی و قضایی به تقویت ارتش بیست میلیونی کمک کنند
۱۳. بسیجیان سلحشور همواره آماده و هوشیار باشند
۱۴. وحدت سرمایه‌ی ملت
۱۵. بسیجیان فداکار ما دفاع از فلسطین را فریضه‌ای دینی می‌شمارند
۱۶. از تجمل‌گرایی، اسراف و ولخرجی شدیداً نگران و متأسفم

بسم الله الرحمن الرحيم

❖ بسیج یادآور خاطره‌ی زیباترین تابلوهای ایثار و فداکاری

سالگرد تشکیل بسیج مستضعفان یادآور خاطره‌ی پرشکوه مجاهداتی است که در دوران هشت‌ساله‌ی جنگ تحمیلی، زیباترین تابلوهای ایثار و فداکاری همراه با نجابت و فروتنی و توأم با شجاعت و رشادت را ترسیم کرده است؛ خاطره‌ی جوانمردان پاکدامن و غیوری که شیران روز و زاهدان شب بودند و صحنه‌ی نبرد با شیطان زر و زور را با عرصه‌ی جهاد با نفس اماره به هم آمیختند و جبهه‌ی جنگ را محراب عبادت ساختند. جوانانی که از لذات و هوس‌های جوانی برای خدا گذشتند و پیرانی که محنت میدان جنگ را بر راحت پیرانه‌سر، ترجیح دادند و مردانی که محبت زن و فرزند و یار و دیار را در قربانگاه عشق الهی فدا کردند. خاطره‌ی انسان‌های بزرگ و کم‌ادعایی که کمر به دفاع از ارزش‌های الهی بستند و از هیبت دروغین قدرت‌هایی که برای حفظ فرهنگ و ارزش‌های جاهلی غرب به مصاف ارزش‌های الهی آمده بودند نه‌راسیدند، خاطره‌ی صدها هزار جوانمرد روستایی و شهری، کاسب و کارگر، دانشجو و طلبه، پزشک و پرستار مهندس و هنرمند، اداری و بازاری، پیر و جوان که عاشقانه به ندهای مکرر امامشان و محبوبشان و سلسله‌جنبان عشق مقدسشان حضرت امام خمینی «اعلی الله مقامه» پاسخ گفتند و رو به خدا و پشت به دنیا کردند؛ برخی فوز شهادت یافتند و بعضی با اسارت و جراحت و نقص عضو آزمایش شدند و برخی جسم و جان مبارک خود را که سرشار از فیض و نور شده بود سالم و کامل به خانه برگرداندند تا همچون ذخیره‌ای برای دفاع در روز احتیاج و در خدمت اسلام و انقلاب و میهن و ملت، از آن نگهداری کنند. "فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلاً..."

❖ بسیج یادآور خاطره‌ی امام راحل بزرگ‌مرد جهان

هفته‌ی بسیج همچنین سرشار از یاد و نام آن بزرگ‌مرد جهان داری است که ندای دعوتش همچون صلا‌ی ربوبی در روز الست، فطرت‌ها را مخاطب می‌ساخت و از اعماق جان، بلی - گویان جواب می‌گرفت، خود عاشق بود و عاشقانه سخن می‌گفت. بنده‌ی سلم خدا بود و دل‌ها را سلم خود می‌ساخت. دردمندانه می‌خروشید و دردهای مهلکی را که افیون مخدر شیطان‌ها از یاد آدمیان برده و از درمان محروم ساخته بود، علاج جویانه به احساس آنان برمی‌گردانید و به درمان نزدیک می‌ساخت ... یاد و نام امام خمینی بزرگ که خداوند فتح‌الفتوح تصرف دل‌هشیاران این ملت و خیل عظیمی از مسلمانان و مستضعفان جهان را نصیب او ساخته بود و او با این سلاح الهی قلعه‌های تصرف‌ناپذیر استکبار را یکی پس از دیگری گشود و رأس استکبار یعنی آمریکای جهان‌خوار را مرعوب ساخت و تخت امپراتوری‌های بی‌منازع را متزلزل ساخت. مسلمانان جهان را بیدار کرد و هسته‌های مقاومت اسلامی را بادم گرم و صدای امید خود متشکل ساخت. جمهوری اسلامی را پدید آورد و از لابه‌لای هزاران مانع و مزاحم و معارض، به سلامت به اوج اعتبار و قدرت رسانید و خطرناک‌ترین دشمنان آن یعنی سردمداران نظام‌های غربی را بارها دچار ناکامی ساخت و متولیان نظام‌های شرقی را از موضعی استوار و مسلط، به بطلان اندیشه‌های مذهب ستیز و انسان‌گریزشان، هشدار داد و هنوز یک سال از نامه‌ی پیامبر‌گون و تاریخی او به رأس هرم قدرت دنیای شرق نگذشته، اکنون جهان شاهد فروپاشی نظام‌های مارکسیست در سراسر جهان است.

❖ امام راحل که خود بسیجی بود، عالم را بسیج کرد

آری رهبر کبیر انقلاب اسلامی که خود را بسیجی می‌شمرد و بدان افتخار می‌کرد، جهانی را در مقابله با استکبار و قدرت‌های ستمگر عالم بسیج کرد و خواب راحت را از چشم زورگویان زدود و نور امید را که کلید همه‌ی پیروزی‌ها و پیشروی‌هاست، در دل ملت‌ها تابانید. بی‌شک همه‌ی دستگاه‌های استکبار نیز به آسانی نخواهند توانست بذری را که او پاشیده

جمع کنند و بنایی را که او پی افکنده، ویران سازند، اگرچه به شدت و قساوتی عناد آمیز با نتایج و ثمرات جهاد بزرگ او در مبارزه و معارضه‌اند.

❖ احساس خطر قدرت‌های استکباری از اسلام

در سالگرد بسیج نکته‌ی مهمی که بسیجیان و همه‌ی ملت ایران باید بدان توجه کنند این است که قدرت‌های استکباری غرب، امروز در همه‌جا خود را با اسلام روبه‌رو می‌بینند. آنان از اسلام احساس خطر می‌کنند. آنان هر نشانه‌ی اسلام‌خواهی را طلیعه‌ی خطری جدی برای قدرت و منافع خود تلقی می‌کنند. بدیهی است که اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله که ظلم و فساد و انحطاط اخلاقی را در محیط زندگی بشر تحمل نمی‌کند برای نظام‌هایی که بر پایه‌ی ظلم و فساد و انحطاط بنا شده‌اند، خطری حقیقی است. این است که همه‌ی قدرت‌های شیطانی عالم امروز در مصاف جلوه‌های اسلام از خشن‌ترین روش‌های برخورد استفاده می‌کنند و بدیهی‌ترین اصولی را که تاکنون شعار داده‌اند زیر پا می‌گذارند.

❖ سازش‌کاری‌های خائنانه‌ی دولت‌ها در برابر حرکت‌های وحشیانه‌ی تروریستی

در فلسطین اشغالی مسلمانانی که بی‌اعتنا به سازش‌کاری‌های خائنانه با دست‌خالی به مبارزات حق طلبانه ادامه می‌دهند، با روش‌های خشن و غیرانسانی سرکوب می‌شوند و زن و کودک و پیرشان به دست سربازان دستور گرفته‌ی صهیونیست شکنجه و تار و مار می‌شوند و از این همه مدعیان حقوق بشر از دولت‌های غربی صدایی برنمی‌خیزد و امریکا و انگلیس و برخی دیگر حمایت عملی و تشویق زبانی هم می‌کنند؛ در لبنان علاوه بر اردوگاه‌های آوارگان مظلوم فلسطینی، خانه و کاشانه‌ی مسلمانان لبنانی به وسیله‌ی جت‌های اسرائیلی بمباران می‌شود و زن و مرد و پیر و جوان رهگذر و غیرنظامی به خاک و خون کشیده می‌شوند و روحانی موجه و محترمی نیمه‌شب به وسیله‌ی مزدوران صهیونی از خانه‌ی خود ربوده می‌شود و از میان این همه دولت غربی که سال‌هاست محکوم کردن تروریسم و آدم‌ربایی را ترجیح‌بند همه‌ی حرف‌های خود قرار داده و به قصد کسب وجهه، مدام هر دولت مخالف منافع خود را بدان متهم می‌دارند، حتی یک نفر هم در برابر این حرکت‌های زشت و وحشیانه‌ی تروریستی

موضوعی جدی نمی‌گیرد و از این که دولتی این طور قلدرانه به خانه‌ی مردم کشوری دیگر بمب بریزد یا از آن آدم بر باید متأثر نمی‌شود.

❖ مسلمانان به جرم پابندی به اسلام محکوم می‌شوند

در بعضی کشورهای اسلامی و در سایه‌ی دولت‌های خودباخته در برابر غرب، خالص‌ترین و غیورترین مسلمانان به چشم عناصر خرابکار نگریسته شده و با شدت و خشونت و با حبس و زجر و اعدام با آنان رفتار می‌شود.

در اروپا و در کشورهایی که خود را مهد تمدن و دموکراسی می‌شمارند، مسلمانان دچار تبعیض و حق‌کشی و حتی فشار و سرکوب قرار می‌گیرند و صریحاً به جرم پابندی به اسلام محکوم می‌شوند.

آنچه در هفته‌های اخیر در فرانسه و بعضی دیگر از کشورهای اروپایی "جنگ روسری" نامیده شد، در واقع مبارزه‌ی سراسیمه و ناشیانه‌ای از سوی سردمداران فرهنگ غربی با پدیده‌هایی است که آنان آن را جهش برقی از فرهنگ اسلام و نشانه‌ی نفوذ روزافزون اسلام تلقی می‌کنند و در مقابله با آن به قدری صبر و متانت را از دست می‌دهند که یک‌باره رؤسای کشور به مبارزه‌جویی در برابر چند دختر بچه‌ی متعبد و چند خانواده‌ی مقید مسلمان ظاهر می‌شوند. این‌ها همان‌ها هستند که فریاد دفاع ریاکارانه‌شان از آزادی‌ها و تمایلات فردی، گوش دنیا را کر کرده است؛ وقتی اعتراض علیه نویسنده‌ای است که وقیحانه به مقدسات یک میلیارد مسلمان دشنام داده، آنان طرفدار آزادی بیان و عقیده‌ی فردی می‌شوند؛ اما وقتی سخن از زن یا دختر بچه‌ی مسلمانی است که می‌خواهد بر طبق عقیده‌ی مذهبی خود لباس بپوشد دیگر آزادی فردی از یاد می‌رود و همه چیز رنگ دیگری می‌یابد و هر گونه حرکت ضد اخلاقی و ضد آزادی‌ها و حقوق فردی، نام مبارزه با ارتجاع می‌گیرد. اف بادبر ریاکاران دروغ‌گو و منافق.

❖ جامعه‌ی مسلمین با ستمی وسیع و بی‌مهار روبه‌روست

در بسیاری از کشورهای اروپایی اقلیت مسلمان مورد آزار و تبعیض و تحقیر قرار می‌گیرد؛ اما در همه‌ی امور کشورهای دیگر زیر عنوان دفاع از حقوق بشر دخالت می‌کنند و حتی از

تحریک انگیزه‌های قومی و مذهبی در مواردی که لازم بدانند ابا نمی‌کنند، کمترین اشاره‌ای به حق تضییع شده‌ی این مظلومان نکرده، با سکوت و احياناً عمل خود به ستمی که بر مسلمین می‌رود مهر تأیید می‌زنند. در برخی کشورهای آسیایی هم اقلیت‌های بزرگ مسلمان دچار همین سرنوشت‌اند و چنانکه همه می‌دانند، امروز جامعه‌ی مسلمین با ستمی وسیع و بی‌مهار روبه‌روست. در نقاط مختلف جهان، دشمنان اسلام به مساجد که پایگاه حریت انسان و جایگاه رابطه‌ی او با خدا و مرکزی برای کسب آگاهی از شیطنت‌های شیاطین زر و زور است، با بغض و کینه‌ای عمیق می‌نگرند و تا آنجا که بتوانند باوجود و حضور و فعالیت آنها ستیزه می‌کنند. هم‌اکنون مسجدالاقصی قبله‌ی دوم مسلمین، که بحمدالله پایگاه بیداری و مبارزه نیز شده است، مورد جسارت صهیونیست‌های پلید قرار گرفته و در فرانسه و هند نیز مساجد در معرض اهانت و تخریب واقع شده است.

❖ اسلام ناب محمدی «ص» تهدیدی جدی برای نظام سلطه

مجموع این حوادث و نظایر فراوان آن، به‌روشنی این حقیقت هشداردهنده را مجسم می‌سازد که امروز قدرتمداران عالم و اداره‌کنندگان نظام سلطه در جهان، اسلام را خطری بزرگ می‌شمارند و تجدید حیات اسلام ناب محمدی «صلی‌الله‌علیه‌وآله» را در ایران، نه تنها برای منافع منطقه‌ای بلکه برای منافع جهانی خود که عملاً در حفظ و استقرار نظام سلطه - یعنی تقسیم کشورهای جهان به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر - متبلور شده است، تهدیدی جدی به حساب می‌آورند و بر این اساس با همه‌ی توان خود به مصاف اسلام آمده و بیش از همه، با سرچشمه‌ی امیدبخش این فیض الهی یعنی انقلاب پیروز اسلامی و نظام مقدس اسلامی در ایران دشمنی و عناد می‌ورزند.

❖ پیروزی از آن جبهه‌ی حق است

دانستن این حقیقت و توجه به ابعاد گوناگون آن، هوشیاری و عزم و جدیت عموم ملت ایران و مسلمانان جهان را در چگونگی مقابله با توطئه‌هایی که از سوی دشمن طراحی می‌شود طلب می‌کند. ملت ما البته در طول ده‌ساله‌ی گذشته با انواع توطئه‌های دشمنان آشنا شده و با

آنها دست و پنجه نرم کرده و بحمدالله بر بیشتر آنها فایق هم شده است و سنت مسلم الهی آن است که در چنین میدانی، در میدانی که ملتی مؤمن و انقلابی و برحق و هوشیار و بااراده در آن با دشمنانی مادی و زورگو و ناب حق و شیطان صفت مبارزه می کند، پیروزی از آن جبهه‌ی حق است که از کمک خدا و اراده‌ی راسخ و روح فداکاری برخوردار است و این همان چیزی است که ما در طول سال‌های قبل و بعد از انقلاب تا امروز تجربه کرده‌ایم و همان چیزی است که در سراسر تاریخ نبوت‌ها تحقق یافته و قرآن بارها از آن خبر داده است.

❖ شرط پیروزی، اعتماد به خدا، هوشیاری و حفظ وحدت

ولی شرط پیروزی، اتکال و اعتماد به خدا و هوشیار و جدی و آماده بودن، حفظ وحدت و فریب تبلیغات دشمن را نخوردن است. امروز یکی از تلاش‌های دشمنان صرف آن می‌شود که نور امید را در دل ملت ما خاموش کنند و آنان را به اوضاع کشور و به دست‌اندرکاران و مجریان امور بدبین سازند. فاصله‌ای که دشمنان ملت مایل‌اند میان ملت و دولت به وجود آید همان چیزی است که اگر خدای نخواستہ موفق شوند دست آنان و ایادی حقیر و ریاکار و خبیث آنان در داخل را برای ضربه‌زدن به کشور و انقلاب بازخواهد کرد، این هدف همیشگی دشمن بوده و هست و لذا اصرار همیشگی امام فقید و عظیم آن بود که پیوند میان ملت و مجریان امور مستحکم‌تر شود. در دوران سازندگی اگر دولت بتواند مشکلات ناشی از جنگ تحمیلی هشت ساله و نیز مشکلات تحمیل شده از سوی دشمنان خارجی را برطرف ساخته و نظام اسلامی را پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی ملت بسازد که به خواست خدا و دعای حضرت ولی‌الله‌الاعظم ارواح‌فداه خواهد توانست بزرگ‌ترین ضربه بر استکبار جهانی وارد خواهد آمد که همواره می‌خواسته نظام اسلامی را ناتوان از اداره‌ی صحیح و کامل کشور معرفی کند و به همین منظور هم جنگ و دیگر مشکلات را بر کشور ما تحمیل می‌کرده است؛ پس پیروزی شما ملت رشید در امر بازسازی، به معنای ناکامی استکبار و پیروزی انقلاب است و این مقصود جز با همکاری صمیمانه و همه‌جانبه‌ی مردم و صبر و عزم انقلابی آنان ممکن نیست. لذا به همان اندازه که دشمن بر جدایی میان قشرهای مردم و بالخصوص میان مردم و

مسئولان اصرار می‌ورزد، ملت باید بر همکاری و همدلی میان قشرهای مردم و بالخصوص میان دولت و ملت اصرار داشته باشند و با هوشیاری تمام، القائنات‌موزیانه‌ی دشمنان را شناخته، در جهت مقابل آن حرکت کنند. اکنون برای تذکر و توجه عموم ملت عزیز، نکاتی را به‌اختصار یادآور می‌شوم:

❖ سازماندهی بسیجیان و تشکیل ارتش بیست‌میلیونی

بسیج برای دفاع از کشور اسلامی و انقلاب اسلامی به وجود آمد. آمادگی برای دفاع، امروز و همیشه یک وظیفه‌ی اسلامی و انقلابی و ملی است. بنابراین نیروی مقاومت بسیج باید کار جذب و سازماندهی بسیجیان عزیز را با برنامه‌ریزی صحیح ادامه دهد و تشکیل ارتش بیست‌میلیونی را میسر و عملی سازد.

❖ مسئولین دولتی و قضایی به تقویت ارتش بیست‌میلیونی کمک کنند

مسئولین محترم دولتی و قضایی نیز موظف‌اند ضمن کمک به اجرای برنامه‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در تکمیل و تقویت ارتش بیست‌میلیونی، مشکلات آحاد بسیجی در دستگاه‌های دولتی را به شکل ویژه حل کرده و عزیزانی را که باعرضه کردن جان خود از انقلاب و کشور حراست کرده‌اند، با توسل به روش‌های معمول اداری و کاغذبازی‌های رایج آزرده نکنند و خدای‌نخواسته موجب دل‌سردی این پشتوانه‌های اطمینان‌بخش انقلاب و کشور نشوند؛ چنین رفتاری از هر یک از مأموران اجرایی و قضایی، تخلف و موجب مؤاخذه است.

امروز بسیج عناصر مؤمن و فداکار، علاوه بر دفاع مسلحانه از کشور و انقلاب باید سازندگی کشور را نیز هدف دیگر خود قرار دهد. امروز روزی است که همه‌ی نیروها باید همه‌ی سرمایه‌های علمی، فکری، تخصصی، تجربی، مادی و معنوی خود را همچون بسیجیان میدان جنگ، پشت سر دولت به میدان سازندگی وارد کنند، دولت به شکل بسیجی عمل کرده و نیروهای کارآمد بسیجی را به حضور در میدان سازندگی تشویق کند و با برنامه‌ریزی جامع، جایگاه هر قشر و هر فردی را در جهاد بازسازی کشور معین کند و آحاد مردم نیز با ترجیح مصلحت سازندگی بر مصالح شخصی، فداکارانه در این میدان مجاهدت کنند.

❖ بسیجیان سلحشور همواره آماده و هوشیار باشند

ما همان‌طور که در جنگ جدی و مصمم بودیم در رعایت آتش‌بس و حرکت به سمت صلحی پایدار نیز جدی و مصممیم، لیکن روند مذاکرات نشان می‌دهد که رژیم عراق آماده‌ی قبول حق نیست و در پشت میز مذاکره نیز با همان روحیه‌ی تجاوزطلبی میدان جنگ سخن می‌گوید. لذا علاوه بر ارتش و سپاه، بسیجیان سلحشور و هسته‌های مقاومت نیز باید همواره آماده و هوشیار باشند تا در صورت لزوم به وظیفه‌ی دفاع مقدس قیام کنند.

❖ وحدت سرمایه‌ی ملت

وحدت عمومی مردم، مظهر فضل الهی و پربرکت‌ترین سرمایه‌ی ملت ماست. همه باید سعی بر حفظ این سرمایه داشته باشند و به هیچ کس اجازه داده نشود که با پراکندن بذر اختلاف و عداوت، این موهبت الهی و این سرمایه‌ی بی‌بدیل را به آتش بکشد. اختلاف سلیقه و نظر سیاسی و اقتصادی و اختلاف در تشخیص مصالح، میان برادرانی که در اصول انقلاب و اسلام، همدل و همفکرند نباید به خصومت و تنازع و کشمکش بینجامد.

❖ سوءظن و بددلی را از دل و از فضای جامعه بزداییم

همه‌ی آحاد ملت عزیز را به روح خوش‌بینی برادرانه میان‌برادران و سوءظن هوشیارانه نسبت به بیگانگان و دشمنان دعوت می‌کنم. اگر تبلیغات استکبار سعی بر ایجاد فضای سوءظن و بددلی در داخل کشور دارد ما باید علی‌رغم خواست و از روی سوءظن به او، هر گمان بد نسبت به برادران اسلامی و انقلابی خود را از دل و از فضای جامعه بزداییم. مخصوصاً گویندگان و نویسندگان و آنان که در خود شایستگی آن را می‌بینند که با مردم و برای مردم سخن بگویند باید مراقب باشند که به سود استکبار و هم‌زبان با تبلیغات استکباری فضای زندگی مردم را به بدبینی و بددلی آلوده نکنند و نوای امید و نشاط سر دهند.

❖ بسیجیان فداکار ما دفاع از فلسطین را فریضه‌ای دینی می‌شمارند

تبلیغات آمریکایی و همدستانان می‌خواهند القاء کنند که در ایران دوران جوشش انقلاب به سر آمده و انقلاب راه گذشته‌ی خود را تغییر داده است. علی‌رغم دشمن اعلام می‌کنیم و

همه باید عملاً و قولاً نشان دهند که انقلاب اسلامی، راه مبارزه با ظلم و استکبار و فساد را رها نکرده و هرگز نخواهد کرد. اگر قلدردان عالم، خوش خیالانه گمان می کنند که این سنگر مظلومان و این مدافع مستضعفان و این پایگاه مبارزه با نظام سلطه و ظلم و استکبار جهانی، لحظه‌ای هدف‌های بزرگ خود را از یاد خواهد برد، سخت در اشتباهند. ما همچنان و همیشه مدافع ملت‌های مظلوم و زیر یوغ استکبار هستیم و خواهیم بود؛ ما همواره در کنار ملت مسلمان و مبارز و رشید فلسطین و بر ضد صهیونیسم جنایتکار هستیم و خواهیم بود و به برادران فلسطینی خود توصیه می کنیم که راه خدا، یعنی مبارزه با دشمن غاصب و حامیانش را با توکل و اعتماد به خدا و تا نابودی دولت صهیونیست غاصب ادامه دهند. ملت بزرگ و بسیجیان مؤمن و فداکار ما دفاع از فلسطین را فریضه‌ای دینی می‌شمارند و در راه خدا هیچ هدفی را دست‌نیافتنی نمی‌دانند. ما همواره از حق ملت مظلوم افغانستان در برابر آنان که با او به‌زور یا تزویر عمل کرده‌اند، دفاع خواهیم کرد و معتقدیم ملت افغان که با نثار خون هزاران شهید توانسته نیروهای بیگانه را از خانه خود بیرون براند، در سایه‌ی توکل به خدا و قطع امید از قدرت‌های مداخله‌گر و کسانی که به آنان خدمت می‌کنند، خواهد توانست نظام اسلامی مستقل از شرق و غرب و مبتنی بر خواست و اراده‌ی ملت را در کشور خود مستقر نماید. ما خود را همواره نسبت به ملت مقاوم و مظلوم لبنان که دستخوش توطئه‌ی مشترک صهیونی-مارونی-آمریکایی است، دارای تکلیف دانسته‌ایم و خواهیم دانست. این راه ما و وصیت امام عظیم‌الشان ما و دستور اسلام ماست و به آن همواره وفادار خواهیم ماند.

❖ از تجمل‌گرایی، اسراف و ولخرجی شدیداً نگران و متأسفم

این جانب از این که کسانی می‌کوشند تا در میان مردم ما رسم تجمل‌گرایی و اسراف و ولخرجی را شایع کنند، شدیداً نگران و متأسفم؛ و از این که مردم فداکار و انقلابی ایران در امور شخصی به مصرف‌گرایی سوق داده شوند و قناعت انقلابی را از یاد ببرند، به خدا پناه می‌برم. آنان که تجملات و زبایدی‌های غیرضروری و ولخرج‌مآبانه را از روی بی‌دردی ناشی از وسعت و توانایی مالی انجام می‌دهند به خود آیند و به انفاق روی آورند؛ و آنان که با سختی و

تنگدستی، بر خود چنین چیزی را تحمیل می کنند از این امر خسارت بار دست بکشند. برای متمکنین، میانه روی و برای قشرهای متوسط، قناعت در امور شخصی، و برای همه، تلاش و کار و تولید و رونق دادن به وضع عمومی، فریضه ای انقلابی و رسمی اسلامی است.

از خداوند توفیق همگان را در راه هدف های والای انقلاب اسلامی عزیزمان درخواست می کنم. به روان پاک امام و قائد بزرگمان درود می فرستم، و علو درجات شهدای عزیز به ویژه شهدای بسیج را از خداوند متعال مسألت می کنم.

و السَّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

بیانات در دیدار جمعی از رزمندگان بسیجی نمونه‌ی سراسر کشور ۵/۹/۱۳۶۸

۱. ثبت زحمات در گرام‌الکاتبین و حافظه‌ی تاریخ
۲. همه موظف به دفاع از ارزش‌های الهی و انقلابی هستیم
۳. انقلاب مثل آتشفشان می‌جوشد
۴. بسیجی‌ها، بازوان خوبی برای سپاه

بسم الله الرحمن الرحيم

❖ ثبت زحمات در کرام‌الکاتبین و حافظه‌ی تاریخ

هر کدام از این صدها و هزارها روزی که شما در جبهه بودید، سازنده‌ی یک عمر تاریخ ملتی است و اگر کسانی مثل شما در آن سنگرها نبودند، امروز از اسلام و نظام اسلامی و اسم و یاد امام، هیچ خبری در این مملکت نبود. هیچ کس خیال نکند که این ساعت‌ها و این روزها هدررفته و تمام شده و فراموش گردیده است. خیر، هر ساعتی که آن روزها را به وجود آوردند، الآن در علم الهی و منشور کرام‌الکاتبین و حافظه‌ی تاریخ این ملت موجودند.

این عمری که شما در جبهه صرف کردید و این سال‌ها و ماه‌ها و روزهای زرینی که در آنجا حضور داشتید، هر کدام حقیقتاً برکت و نعمتی از طرف پروردگار برای این ملت است. خیلی خوب و بجا وظیفه‌ی بزرگی را انجام دادید و انجام این وظیفه، نعمت بزرگی از سوی خدا بر شما بود. خوشا به حال شما که موفق شدید وظیفه‌تان را انجام بدهید و بدا به حال کسانی که این وظیفه را شناختند و از آن سرباز زدند و آن را به بازیچه گرفتند. بدانید که این وظیفه تمام هم نشده است.

❖ همه موظف به دفاع از ارزش‌های الهی و انقلابی هستیم

همه‌ی ما موظف به دفاع از ارزش‌های الهی - که امروز در این نظام اسلامی مجسم است - هستیم. دفاع از استقلال این کشور اسلامی، دفاع از تمامیت ارضی آن است. دفاع از انقلابی که این همه برکات و خیرات برای همه‌ی دنیا داشته و هر حرکتی که شما کردید و هر تیری که

زدید و هر گلوله‌ای که به سمت دشمن پرتاب کردید و هر شبی را که به صبح رساندید، ان شاء الله در حفاظت این نظام و به ثمر رسیدن نتایج آن، تأثیر گذاشته است.

❖ انقلاب مثل آتشفشان می‌جوشد

بعضی آدم‌های یاوه‌گو و سطحی، خیال می‌کنید که کاری انجام نشده است. آنها می‌گویند: رفتن به جبهه چه فایده‌ای داشته است؟! یا بعضی دیگر می‌گویند: رفتیم، زحمت هم کشیدیم، کار هم کردیم؛ ولی نتایج انقلاب کجاست؟! این‌ها، خیلی ظاهربین و سطحی‌نگرند. این‌ها، نمی‌فهمند چه حادثه‌ای در شرف اتفاق افتادن در این کشور است و الآن هم دائم در حال اتفاق افتادن می‌باشد. خیال نکنید که انقلاب تمام شده است. خیر، انقلاب مثل آتش‌فشانی است که تمام شدن ندارد و مثل جویباری است که اگر آنجا نجوشد، اینجا خشک خواهد شد. می‌بینید که اسلام و قرآن در جریان است و می‌جوشد و همچنان دشمن را می‌لرزاند و می‌ترساند و دوست‌ها را شاداب می‌کند و قوت می‌دهد.

❖ بسیجی‌ها، بازوان خوبی برای سپاه

از خدا کمک و هدایت بخواهید تا ان شاء الله بتوانید همیشه در سنگرهای مهم دفاع از انقلاب و کشور، حضور داشته باشید. در هر مسئولیت و مأموریتی که هستید، بازوان خوبی برای سپاه باشید تا بتوانید ان شاء الله کار سازماندهی و بسیج ارتش بیست‌میلیونی را انجام بدهید؛ بخصوص که امروز، بسیج مسئولیت بسیار مهمی دارد و شما، بسیجی‌های کارآمد و کارآزموده هستید.

خداوند ان شاء الله به همه‌ی شما توفیق و خیر بدهد و زحماتتان مشکور و مأجور باشد.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

بیانات در دیدار با فرماندهان نیروی مقاومت بسیج ۱۳۶۹/۹/۱

۱. حقیقت قضیه بسیج
۲. تحقق واقعی ارتش بیست میلیونی
۳. فراگیر شدن بسیج، انقلاب را نیمه می کند



بسم الله الرحمن الرحيم

❖ مسئله‌ی بسیج جدی گرفته شود

برادران عزیز! خیلی خوش آمدید. إن شاء الله که با این تلاش های ارزشمند، خسته نباشید. من از یکایک برادران مسئول در سطوح مختلف نیروی مقاومت بسیج، صمیمانه تشکر می‌کنم. مسأله‌ی بسیج، مسأله‌ی بسیار مهمی است. البته این مسئله، در نظام جمهوری اسلامی همیشه جدی گرفته شده است. شخص حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) و بقیه‌ی مسئولان و مردم، بسیج را جدی گرفتند و از این پس هم باید کوشش کنیم که مسأله‌ی بسیج، همچنان جدی گرفته بشود و یک حالت روانی اهتمام به بسیج، در سطوح مختلف مسئولان و در گستره‌ی زندگی مردم، باقی بماند.

البته همه‌ی این برنامه‌هایی که برادر عزیزمان جناب آقای افشار اشاره کردند، خوب است و فقط در سایه‌ی وجود بسیج، جدی بودن بسیج و رو به رشد بودن بسیج تحقق پیدا خواهد کرد. پس، اصل قضیه این است که بسیج به معنای حقیقی کلمه یک پدیده‌ی انقلابی است و باید این کشور و این ملت و این انقلاب، این پدیده را همیشه جدی بگیرد و قدر بداند.

❖ حقیقت قضیه بسیج

دو نکته را می‌خواهم عرض کنم: نکته‌ی اول این است که بسیج، نیروی خاصی در قبال نیروهای دیگر نیست. یعنی این طور نیست که ما بگوییم یک نیروی زمینی داریم، یک نیروی هوایی داریم، یک سپاه داریم، یک ارتش داریم، یک بسیج هم داریم. اگر این طور بگوییم، بسیج را کوچک کرده ایم. درست است که ما در سپاه، اسم این نیرو را نیروی مقاومت

گذاشتیم، اما معنایش این نیست که این نیرو، عدل نیروهای دیگر است. این، در شکل سازمانی است. حقیقت قضیه‌ی بسیج، بیش از این‌هاست. بسیج، یعنی مردم. غیر از این است؟ شما مردم را به چند قشر تقسیم کنید. در میان این‌ها، آدم‌های از کار افتاده هست، آنها هیچ؛ آدم‌های لاابالی هست، آنها هیچ؛ آدم‌های کم‌انگیزه هست، آنها هیچ؛ بچه‌های کوچک نرسیده به حد انگیزه هستند، آنها هیچ؛ سر و ته قضیه را که زدید، آن گُلب مطلب، بسیج است. یعنی همه‌ی نیروهای مؤمنِ پُرانگیزه‌ی باشورِ با توان در جامعه‌ی اسلامی اعم از زن و مرد عضو بسیج اند. توقع شما از بسیج، کمتر از این است؟

پس، بسیج یعنی متن مردم؛ آن مردمی که می‌توان امید دفاع از انقلاب را از آنها داشت. این مردم، کجا هستند؟ این مردم، در اداره و مدرسه و دانشگاه و حوزه و دکان و ... هستند؛ یعنی یک زندگیِ دو زیستی. تا وقتی هنوز مسأله‌ی دفاع نظامی، به مرور به صورت یک فرهنگ در نیامده، مردم بر اساس وظیفه‌شان حرکت می‌کنند. این، در جامعه‌ی اسلامی، بتدریج به شکل یک فرهنگ در خواهد آمد. اینکه امام فرمودند: «مملکت اسلامی، همه‌اش نظامی است»، همان فرهنگ صدر اسلام است. این، همان فرهنگ اسلامی است. در جامعه‌ی ما، هنوز چنین حالتی نیست.

شما می‌بینید، یکی می‌گوید من سه ماه در جبهه بودم. چرا سه ماه؟ مگر ما سه ماه جنگ داشتیم؟ ما هشت سال جنگ داشتیم. همه باید ببینند از آن هشت سال، چقدر سرش خالی است؛ علت آن را از خودشان پرسند. شما می‌خواهید تا آن روزی که حقیقت بسیج، در جامعه‌ی ما به شکل یک فرهنگ در بیاید، کاری کنید که این دو زیستی بودن مردم زیست نظامی و زیست معمولی زندگی جا بیفتد. این، کار بسیار ظریفی است. نکته‌ی اول من، همین ظرافت کار شماست.

تشکیلات بسیج، یعنی هیئت رئیسه و مدیران و مسئولان بسیج، باید آن‌چنان ظریف عمل کنند که بتدریج بتوانند همه‌ی آحاد مستعد کشور را مستعد به همان معنا که اول گفتم داخل در خیمه‌ی بسیج کنند، تا او ضمن اینکه احساس می‌کند زن خانه‌دار است، احساس کند یک

نظامی است؛ ضمن اینکه احساس می‌کند یک دانشجو است، احساس کند یک نظامی است. این کار، با تبلیغات و سازماندهی خوب و توجه به اینکه از هر قشری چه انتظاری هست و ذهن آن قشر را چگونه می‌شود با حقیقت مسأله‌ی بسیج، سیراب و اشباع کرد، میسر است.

این کار، کار بسیار ظریف و مستمری است. یعنی می‌خواهم بگویم که در بررسی‌های شما، یک سطح بالا لازم است. بایستی مسئله را به چشم یک امر خیلی ظریف و دقیق نگاه کنید. این طوری نیست که حالا تصور کنید جمعیتی هست، ما هم تور را وسط می‌اندازیم و عده‌یی بالاخره می‌آیند، آنها را به پادگانی می‌آوریم و آموزش می‌دهیم، بعد هم حد اکثر یک کُد رویشان می‌گذاریم و می‌گوییم شما متعلق به فلان لشکرید، فلان گردان با فلان فرمانده، فلان گروهان هم با فلان فرمانده است! اگر سازماندهی دقیق هم انجام شود دیگر بالاتر از اینکه نیست در اینجا قضیه تمام نمی‌شود. غیر از قضیه‌ی سازماندهی، همین ظرافت‌هایی که گفتم، وجود دارد.

ما اگر دیدیم اقبال مردم به سمت پایگاه‌های مقاومت که میدان عمل بسیج است در داخل شهر و به سمت دفاتر شما که مرکز اداری است کُند شد، باید بدانیم که ما در این ظریف کاری، یک مقدار لنگیم. وقتی از مردم می‌گوییم، منظور صاحبان فکر و اندیشه‌ی انقلابی هستند؛ بخصوص آنهایی که جنگ را به عنوان یک امکان دایمی برای کشور ما تلقی کرده‌اند، نه آدم با فکری که بنشیند بیافد و از انقلاب هم چیزی نفهمد.

اگر کسی خیال کند که جنگ تمام شد، به نظر من، دقیق نگاه نکرده است. جنگ، یک امکان دایمی است. ما یک نظام انقلابی هستیم. استکبار، با ما بد است. استکبار زنده است، پس خطر زنده است. ممکن است این خطر به شکل نظامی باشد، ممکن است به شکل غیر نظامی باشد؛ اما امکان نظامی همواره وجود دارد. نمی‌خواهیم حالا میان مردم بیفتیم و بگوییم جنگ، جنگ. نه، داعی نداریم؛ اما ما به عنوان مسئولان، باید همواره این امکان را جدی، فعلی و قابل تحقق در آینده حتی آینده‌ی نزدیک بدانیم؛ و الا غافلگیر خواهیم شد.



❖ تحقق واقعی ارتش بیست میلیونی

نکته‌ی دوم این است که شما برای تحرک بسیج، دو میدان اصلی دارید. البته این سوادآموزی و قرآن‌آموزی و امثال این‌ها، چیزهایی است که در حاشیه‌ی کار و یا بعضی به عنوان روح کار لازم است؛ اما آنچه که میدان کار عملی شماست، یکی جبهه و دیگری هسته‌های مقاومت شهری است. ما می‌خواهیم کاری کنیم که این مجموعه‌ی که شما تا حالا توانسته‌اید در این دو میدان گرد بیاورید، به بیست میلیون نفر گسترش پیدا کند. البته بعضی از برادران، بیست و پنج یا سی میلیون را گفته‌اند، که من در سال گذشته در اجتماع برادران گفتم: نه، ما حالا همان بیست میلیونی را که امام فرمودند، تأمین کنیم. اگر بخواهیم این چهل، پنجاه میلیونی را که در کشورمان جمعیت داریم، استحصال کنیم، شاید ته آن، بیشتر از بیست میلیون زبده هم در نیاید. اگرچه مثلاً فرض کنید آن ده، دوازده، سیزده میلیون دیگر هم، باز جزو عزیزان قابل‌التعلیم در حمل سلاح هستند و باید به فکرشان باشیم، اما بیست میلیون خوب است. ما می‌خواهیم این را به بیست میلیون برسانیم. شما چگونه می‌خواهید این بیست میلیون را تأمین کنید؟

همه‌ی دستگاه‌های نظامی ما می‌توانند این فرض را بکنند که کارشان در یک حد که رسید، دیگر گسترش پیدا نمی‌کنند. مثلاً سپاه می‌گوید این قدر نیروهای قراردادی داریم، این قدر استخدامی داریم. می‌گوییم خیلی خوب، شما این تعداد را تا این سطح پایین بیاورید، یا تا آن سطح بالا ببرید، بعد ببندید. برای بسیج نمی‌توانیم سقف ببندیم. سقف، بیست میلیون است. تا آنجا، خیلی فاصله داریم.

ممکن است شما بگویید، دو یا سه و یا چهار میلیون نفر را آموزش داده‌ایم. خیلی خوب، اولاً هرچه آموزش داده‌اید، عضو شما که نیست. یکی آمده، پانزده روز آموزش دیده و رفته، بعد هم شما هرگز از او خبری ندارید. وانگهی، سه میلیون دوران جنگ و اول کار، با این هفده میلیونی که باید در دوران علی‌الظاهر غیر جنگ به بسیج پیوندند، خیلی فرق دارد. شما چگونه می‌خواهید این هفده میلیون را جذب کنید؟ می‌خواهید جذب کنید یا نه؟ باید جذب کنید؟

شکی نیست. در کشور ما، ارتش بیست میلیونی باید یک تحقق واقعی باشد. این نمی شود، مگر با جذب این شانزده و یا هفده میلیون نفر دیگر. این ها را باید جذب کنید. همه را باید سازماندهی کنید.

❖ فراگیر شدن بسیج انقلاب را بیمه می کند

پس، شما تنها سازمان نظامی ای هستید که میدان کارتان برخلاف بقیه که قطع و بسته می شود دائماً رو به گسترش است. شما دائم رو به گسترشید. بنای کار را بر این گسترش بگذارید. حرف اصلی، این است. پایه ی کار را آن چنان محکم بکنید که مثل ساختمانی که می سازید، استحکام چندین طبقه ی دیگر را داشته باشد. یک وقت می خواهید روی یک ساختمان، دو طبقه ی دیگر بسازید. یک وقت هم می خواهید روی آن، بیست طبقه ی دیگر بسازید. در این صورت، پایه فرق می کند. پایه را به گونه یی بچینید که بشود بیست طبقه ی دیگر روی آن ساخت. این کار، کار خیلی مهم و دقیق و نفس گیری است.

آن وقت در کنار این نکته، این قضیه مطرح است که بسیج یعنی نیروی مردمی را نمی شود با روش های جذب بقیه ی نیروها جذب کرد. انسان، ارتشی را طور خاصی، و سپاهی را یک طور دیگر جذب می کند مثلاً مختصر فرقی باهم دارند اما بسیجی را آن طوری نمی شود جذب کرد. بسیجی، توده ی مردم است. شما می خواهید او را تحت یک سازمان بیاورید، با نظم و انضباط آشنایش کنید، فرمانبری به او یاد بدهید و استعداد و شوق و ایمانی که برای دفاع از کشور در او هست، آن را به بهترین شکلی به کار بگیرید و اگر در او کم است، تزریق کنید. چه کار می خواهید بکنید؟ این کار، کار بسیار مهمی است و من عرض می کنم که اگر این کار.

یعنی فراگیر شدن بسیج انجام شد، این انقلاب، بیمه ی بیمه است؛ اگر نشد، جای نگرانی است. یعنی بسیج با سرنوشت انقلاب سروکار دارد. اگر بسیج، قوی و کارآمد شد و گسترش پیدا کرد و همان طور که عرض کردیم پایه اش مستحکم بود، هیچ قدرتی در دنیا، هر چه هم توطئه کنند، هر چه هم با یکدیگر همدست بشوند، قادر نخواهند بود نسبت به این کشور و این انقلاب، کمترین چشم زخمی وارد کنند. اگر نیروی بسیج یعنی نیروی نظامی مردم را کم



گرفتیم، آن وقت جای نگرانی و اشکال است؛ چون صحنه‌ی حضور مردم، فقط صحنه‌ی سیاسی و اقتصادی نیست. صحنه‌ی نظامی، اهم صحنه‌هاست و این حضور، در سایه‌ی بسیج است.

می‌خواهم به این وسیله، اهمیت کار شما و اهمیت کار هریک نفر از این بچه‌ها و جوانان بسیجی را که به معنای واقعی کلمه، جزو این مجموعه‌ی عظیم بسیج هستند یادآور شوم. هیچ نفری را نباید رها نمود و یا کاری کرد که رها بشوند. اگر این جوان بسیجی که در جنگ، آن همه خدمت کرده، خدای نکرده به سمت چیزهایی در متن جامعه سوق داده شود، خسارت جبران‌ناپذیری است. همه‌ی این جوانانی که شما در خیابان‌ها می‌بینید مشغول زندگیند و دنبال کار خودشانند، باید در دل تان آنها را یک بسیجی بالقوه فرض کنید و بسیج بشوید، برای اینکه آنها را جذب کنید. ما نمی‌توانیم راضی بشویم که جوان این کشور و جوان مسلمان، از بسیج عمومی مردم بیرون بیاید.

من هم إن شاء الله در خدمت این کار بزرگ خواهم بود. هر کاری از ما ساخته باشد، حرفی نداریم که در خدمت آقایان، این کار إن شاء الله انجام بشود. دعا می‌کنیم که خدا شما را قوت بدهد و کمک کند، تا این کار بزرگ را إن شاء الله به بهترین وجهی انجام بدهید. خداوند إن شاء الله قلب مقدس ولی عصر را از شما راضی کند و روح مطهر امام عزیزمان را همواره از شما شاد بگرداند.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

بیانات در مراسم ویژه‌ی روز بسیج در یادگان امام حسن مجتبی (ع) ۱۳۶۹/۹/۵

۱. تشکیل ارتش بیست میلیونی از افتخارات بزرگ امام راحل
۲. قوام انقلاب به بسیج است
۳. انقلاب اسلامی، یک انقلاب مردمی
۴. مدرن‌ترین تجهیزات، در مقابل یک نیروی مقاوم شهادت طلب، از کار بازمی‌ماند
۵. تبلیغات دشمن، روی انسان‌های مؤمن اثری نمی‌گذارد
۶. بسیج انقلاب را بیمه می‌کند
۷. پایگاه‌های مقاومت، سنگر دفاع از انقلاب و اسلام
۸. بسیج یعنی همین پایگاه‌های مقاومت
۹. بسیج فتح‌الفتوح امام
۱۰. بسیج؛ همین نیروی عظیم
۱۱. بسیج یعنی کل نیروهای مؤمن و حزب‌اللهی
۱۲. یاد خدا را فراموش نکنید
۱۳. ایمان بدون نظم، کارایی ندارد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم محمد و على اله الأطيبين الأطهرين المنتجبين الهداة المهديين سيما بقية الله في الارضين. قال الله الحكيم في كتابه: ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفا كأنهم بنيان مرصوص^۱

❖ تشکیل ارتش بیست میلیونی از افتخارات بزرگ امام راحل

یکی از افتخارات انقلاب اسلامی و بخصوص از افتخارات بزرگ امام راحل عظیم الشان ما (رضوان الله علیه)، تشکیل ارتش بیست میلیونی بود. این ارتش، جای خودش را در افکار عمومی مردم دنیا باز کرده است. تقریباً در طول دوازده سالی که از پیروزی انقلاب اسلامی گذشته است، نیروی عظیم بسیج توانسته در میدان های پُرخطر، وظیفه های سنگینی را بر عهده بگیرد و کارهایی را که گاهی از هیچ عنصر دیگری ساخته نبود و برنمی آمد، انجام بدهد.

البته مسئولان عزیز ما در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج، زحمات زیادی در این چند سال کشیده اند و از سال گذشته هم که رسماً نیروی مقاومت تشکیل شد - و بحمدالله شرح وظایف آن هم تصویب شده است و امروز به مسئولان محترم داده خواهد شد - فصل نویی در زندگی بسیج و حیات پُرافتخار این نیرو به وجود آمد.

❖ قوام انقلاب به بسیج است

برادران و خواهران! مسئله ی بسیج، یک مسئله ی اساسی و اصولی انقلاب است. اگر شما

ملاحظه می کنید که امام بزرگوار ما این قدر روی بسیج تکیه می کردند، ناشی از همان فکر اصولی حاکم بر انقلاب اسلامی است. بر اساس آن فکر، اگر بگوییم قوام انقلاب به بسیج است، حرف گرافیک نگاشته ایم. من این جمله را اندکی توضیح می دهم، تا معلوم بشود که مسئله، مسئله‌ی شعار و احساسات نیست؛ بلکه یک واقعیت است و همه باید بر اساس این واقعیت، حرکت و برنامه‌ریزی و پشتیبانی و اقدام کنند.

❖ انقلاب اسلامی، یک انقلاب مردمی

انقلاب اسلامی، یک انقلاب مردمی است. اساساً هنر ایمان اسلامی در همین است که دل‌های مردم را آن‌چنان مجذوب می کند و نیروهای آنان را آن‌چنان در خدمت هدف‌های عالی و والا به کار می اندازد که خود این، انقلاب و حرکت اسلامی را بیمه می کند و نصرت الهی را به دنبال می آورد. صدر اسلام هم عیناً همین گونه بود. در صدر اسلام، حضور آحاد مردم و ایمان مخلصانه‌ی آنها، موجب نصرت شد. این، صریح قرآن است. آیه‌ی قرآن می فرماید: «هو الَّذی اَیَّدک بنصره و بالمؤمنین»^۱ یعنی خدای متعال، با نصرت خود و به وسیله‌ی مؤمنین، پیامبر را تأیید کرد.

انقلاب ما، این برتری قاطع را بر همه‌ی حرکات و نهضت‌ها و انقلاب‌ها داشت که متکی به آحاد مردم بود، و همیشه هم متکی خواهد بود. علت این که استکبار جهانی نتوانسته است - و به فضل الهی هیچ وقت نخواهد توانست - این انقلاب را شکست بدهد، همین است.

❖ مدرن‌ترین تجهیزات، در مقابل یک نیروی مقاومِ شهادت‌طلب، از کار بازمی‌ماند

دشمن، با توده‌ی مردم و انسان‌های مؤمن و مخلص، چه کار می تواند بکند؟ مگر ابزارهای دشمن چیست؟ ابزار دشمن، عبارت از تجهیزات است. تجهیزات، در مقابل نیروی ایمان و شور و عشق و اراده‌ی مردم، کارایی ندارد. تجهیزات، کسانی را می ترساند که بخواهند فقط با اتکا به تجهیزات خودشان بجنگند و مبارزه کنند. این گونه آدم‌ها، اگر در مقابل خودشان تجهیزاتی

در موسم ولادت روز سید در باطن امام حسن مجتبی (ع)
۱۳۹۹، ۵

را ببینند که از تجهیزات خودشان مدرن تر و بالاتر است، ممکن است احساس رعب کنند؛ اما در مقابل مردم باایمان و با اخلاص، از تجهیزات مدرن دشمن کاری ساخته نیست. مدرن ترین تجهیزات، در مقابل یک نیروی مقاوم ایستاده‌ی شهادت طلب، از کار بازمی ماند.

مگر هیچ دشمنی می تواند میلیون ها انسان از آحاد یک ملت را عقب بنشانند؟ همین توده‌ی مردم حزب الله بودند که در خیابان های سرتاسر این کشور، در مقابل تجهیزات مدرن از دشمن گرفته‌ی رژیم پادشاهی ایستادند. چرا آن تجهیزات نتوانست بر آنان قایق بیاید؟ درحالی که آن تجهیزات می توانست طرف خودش را بکشد. اگر کسی از مرگ ترسید، از آن تجهیزات می ترسد؛ اما اگر کسی مرگ را شهادت دانست، از تجهیزاتی که مرگبار باشد، نخواهد ترسید. در تمام مبارزات تحمیل شده‌ی از سوی دشمنان، این مطلب صادق است.

❖ تبلیغات دشمن روی انسان های مؤمن اثری نمی گذارد

ابزارهای دیگر دشمن چیست؟ تبلیغات. تبلیغات دشمن، روی انسان های مؤمن اثری نمی گذارد. الآن شما پیچ رادیو را که باز کنید و هر کدام از رادیوهای دشمن - رادیو اسرائیل، رادیو امریکا، رادیو کشورهای اروپایی و رادیوی گروهک ها - که دهان باز کنند، یک مشت تبلیغات سوء و تهمت علیه اسلام و مسلمین و نظام جمهوری اسلامی را بر زبان جاری می کنند. کسی این ها را باور می کند که دلش باایمان و آگاهی ناشی از ایمان، روشن نباشد. این امواج، روی مردم مؤمن اثری ندارد. همین تبلیغاتی که امروز در سرتاسر دنیا از طرف صهیونیست ها و امثال آنها، علیه اسلام و انقلاب اسلامی می شود، مگر چه قدر در فکر و روحیه‌ی مردم مؤمن دنیا، یا توده‌ی مؤمن حزب الله در کشور خود ما، اثر گذاشته و یا می خواهد اثر بگذارد؟

یکی از شگردهای دشمن تبلیغات است. تبلیغ کنند که جمهوری اسلامی نتوانست. تبلیغ کنند که اسلام کافی نیست. تبلیغ کنند که مردم ایران ترسیدند و عقب نشینی کردند. تبلیغ کنند که ملت ایران، از انقلاب و از اسلام فاصله گرفته اند. تبلیغ کنند که دولت ضعیف است و نمی تواند کار کند. سعی کنند که احساسات قشری و صنفی را در افراد زنده کنند، تا چوب



لای چرخ دولت و مسئولان و کارگزاران کشور بگذارند. دشمن فقط این کارها را می‌تواند بکند؛ کار دیگری از دست دشمن ساخته نیست.

این کارها، بر روی ذهن و دل آدم‌های مؤمن و انسان‌های حزب‌الله چه اثری دارد؟ ملتی که شور و شوقش نسبت به اسلام، روزه‌روز رو به افزایش است، ملتی که هدف‌های پلید و خباثت‌آمیز استکبار را می‌فهمد، تبلیغات دشمن در او اثری ندارد. پس، حربه‌ی نظامی و اقتصادی و تبلیغاتی استکبار جهانی، حربه‌ی امریکا و صهیونیست‌ها و دشمنان، بر روی توده‌ی مؤمن ملت، هیچ‌گونه کارگر نیست و کارایی ندارد.

❖ بسیج انقلاب را بیمه می‌کند

بنابراین، اگر یک انقلاب از طرف مردم مؤمن حمایت شد، بیمه است. این مطلبی است که همه آن را می‌فهمند. اگر بخواهیم انقلاب و کشور بیمه باشد، جمهوری اسلامی آسیب‌ناپذیر باشد، باید این شور و شوق، این حرکت عمومی مردم و این بسیج عظیم نیروهای ملت را روزه‌روز تقویت کنیم.

❖ پایگاه‌های مقاومت، سنگر دفاع از انقلاب و اسلام

بسیج، در جبهه‌های جنگ، در داخل شهرها و در پایگاه‌های مقاومت، نشان داد که بهترین مدافع انقلاب و اسلام است. حتی دشمنان ما هم به این نکته اعتراف کرده‌اند. آن‌وقتی که خیل بسیجیان، باایمان و شور و شوق خود، به سمت هدفی در میدان جنگ سرازیر می‌شدند، هیچ نیرویی نمی‌توانست جلوی آنها را بگیرد. حتی دشمنان ما هم این را در جنگ دیدند؛ چه آن کسانی که جنگ را بر ما تحمیل کرده بودند، و چه آن کسانی که به‌وسیله‌ی ماهواره‌هایشان، صحنه‌های جنگ را ذره‌ذره می‌دیدند و به دشمنان ما گزارش می‌کردند. در دنیا همه دیدند که نیروی سرشار از شور و شوق و عشق به اسلام، چگونه در میدان جنگ می‌جنگد. در داخل شهرها هم از روز اول انقلاب، این پایگاه‌های مقاومت، سنگر دفاع از انقلاب و اسلام شد و تا امروز هم همین‌طور است.



شما خیال نکنید که دشمن فقط از جبهه‌ی جنگ حمله می‌کند. دشمن وقتی در مقابل نظامی مثل نظام جمهوری اسلامی قرار گرفت و دید که نمی‌تواند از جبهه، بر این انقلاب و بر این ملت پیروز بشود، سعی می‌کند که در داخل ملت رخنه کند و از درون، کار را مشکل نماید.

❖ بسیج یعنی همین پایگاه‌های مقاومت

در اینجا، یکی از عوامل دفاع جانانه‌ی از انقلاب و اسلام کیست؟ بسیج؛ یعنی همین پایگاه‌های مقاومت و همین نیروهای جوان و پُرشور؛ همین جوانانی که در طول تاریخ ما از اول اسلام تا امروز، نظیرشان را به این زیادی در هیچ دوره‌ای نداشته‌ایم؛ همین جوانانی که در عین جوانی و شور جوانی، به جای این که مثل جوانان بی‌درد و جوانان معمول همه‌ی مناطق عالم، دنبال عیش و عشرت و عیاشی باشند، دنبال احساس تکلیف و خدمت به خلق و تلاش و کاربرای آرمان‌ها و هدف‌ها و دفاع از اسلام‌اند؛ همین جوانانی که با قرآن مأنوس‌اند؛ همین جوانانی که نماز و عبادتشان، پدران و مادران پیر را به شگفتی و تعجب وادار می‌کند. خانه‌ی هر شهید که پا گذاشتیم، اغلب پدران و مادران آنها گفتند که ما دین را از این جوانمان یاد می‌گرفتیم!

❖ بسیج فتح‌الفتوح امام

بله، هنر انقلاب این است، و هنر امام این بود. آن بزرگوار، در جامعه‌ای که دشمن پنجاه، شصت سال به‌طور مستقیم و غیرمستقیم روی آن کار کرده بود، تا آن را به لجنزار فساد بکشاند، کار کرد و جوانانش را مثل گل، پاک و پاکیزه تربیت کرد. خود آن بزرگوار فرمود: این، فتح‌الفتوح است. بله، فتح‌الفتوح امام، ساختن جوانان مؤمن، مخلص، سالم، صادق، بی‌اعتنای به شهوات و دل‌هایشان متوجه به سمت خدا بود. در طول تاریخ، در این مملکت و یا در سایر ممالک اسلامی، ما چه موقع این قدر جوان خوب و صالح، مثل دوران انقلاب داشتیم؟

❖ بسیج؛ همین نیروی عظیم

مگر دشمن این‌ها را نمی‌بیند؟ دشمن می‌خواهد این‌ها را از دست انقلاب بگیرد. دشمن



برای شایع کردن فساد در بین جوانان این کشور، برنامه‌ریزی می‌کند. چه کسی باید در مقابل این اشاعه‌ی فساد بایستد؟ چه کسی باید در مقابل خرابکاری‌ها بایستد؟ چه کسی باید در مقابل توطئه‌هایی که دشمن به وسیله‌ی عوامل خود در داخل کشور انجام می‌دهد و ممکن است یک عده آدم ساده‌لوح را هم به دنبال خود بکشاند، بایستد؟ بسیج؛ همین نیروی عظیم.

❖ بسیج یعنی کل نیروهای مؤمن و حزب‌اللهی

بسیج، عبارت از چند هزار آدم در هر شهر نیست؛ بسیج، یعنی کل نیروهای مؤمن و حزب‌اللهی کشور ما. این که امام گفتند «بسیج بیست میلیونی»، یعنی این. حالا دشمنان بنشینند تحلیل کنند که بله، ایران بالاخره هم بیش از یک میلیون نتوانست! کل نیروهای مؤمن و حزب‌اللهی کشور ما بسیج محسوب می‌شوند، تا چشم دشمنان کور بشود!

همه‌ی جوانان، پیران، زنان و مردان این کشور، برای دفاع از شرف و استقلال و اسلام و نظام جمهوری اسلامی آماده‌اند. هیچ کس خیال نکند که جنگ تمام شد، بسیج هم تمام شد؛ ابداً. مگر جنگ که تمام می‌شود، نیروهای نظامی - ارتش و سپاه - هم تمام می‌شوند؟ نه، به فرموده‌ی امام (ره)، «مملکت اسلامی، همه‌اش نظامی است». زن و مرد باید آمادگی نظامی داشته باشند و برای دفاع نظامی آموزش ببینند.

البته ممکن است دشمن هرگز به فکر حمله به چنین ملت دلاوری که میدان کارزار را با شور و عشق خودشان سرشار می‌کنند، نیفتد؛ اما اسلام حکم می‌کند که شما آماده‌باشید. تمام مسئولان کشور، در مقابل تجهیز و آماده‌سازی و ایجاد ترتیبات برای بسیج مسئولیت دارند؛ و من خودم را بر دفاع از سازمانی که امروز به عنوان نیروی مقاومت بسیج مشغول خدمت است، موظف میدانم و دفاع خواهم کرد.

❖ یاد خدا را فراموش نکنید

البته شما باید خدا را فراموش نکنید، به یاد خدا باشید، به خدا توکل کنید و از دستورات او الهام بگیرید. این، روح مطلب است. آن چیزی که شمارا از همه‌ی تشکیلات علی‌الظاهر مردمی در کشورهای دیگر ممتاز می‌کند، همین است. آنچه که شمارا به این حد از کارایی

می‌رساند، همین یاد خداست. بخصوص شما جوانان، یاد خدا را هرگز از دست ندهید؛ خودتان را با خدا مأنوس کنید. شما جوانید؛ دل‌ها و روح‌های شما، پاک و مطهر است. شما آلوده به زخارف این زندگی مادی نشده‌اید. شما کسانی هستید که روح‌ها و دل‌هایتان، برای پرتوگیری از انوار الهی آماده است؛ این را قدر بدانید و برای خودتان حفظ کنید.

❖ ایمان بدون نظم کارایی ندارد

رعایت نظم هم نکته‌ی بعدی است. برای جنگیدن و مبارزه کردن، نظم لازم است؛ همین نظم و ترتیبی که الآن مظهرش را می‌شود در این میدان مشاهده کرد. ایمان تنها و بدون نظم، کارایی نخواهد داشت، یا بسیار کم خواهد داشت. این نیروی مقاومتی که برادران در سپاه پاسداران ترتیب داده‌اند و با جدیت دنبال کار آن هستند، به خاطر همین نظم دادن و سازماندهی و آموزش به نیروهای بسیجی است، تا آن روزی که انقلاب و اسلام و کشور به این‌ها نیاز دارد، آماده باشد.

خوشبختانه امروز الطاف الهی شامل حال این ملت است. شما امروز نمونه‌های آن را در سطح دنیا و در سطح منطقه، در مقابل چشم خودتان می‌بینید. بحمدالله امروز مسئولانی که در رأس کار هستند - دولت لایق خدمتگزار و بقیه‌ی مسئولان - باکمال جدیت، برای بازکرده گره‌ها - چه گره‌های گذشته و چه گره‌های دوران جنگ - شب و روز تلاش می‌کنند. نباید کسی خیال کند که بعد از هشت سال جنگ - که هرروز جنگ، مشکلاتی را برای کشور ما به وجود آورده است - همه‌ی این مشکلات، در ظرف مدت کوتاهی برطرف خواهد شد. نه، مشکلات برای برطرف شدن، زمان می‌طلبد. یک ساختمان را در ظرف دو روز می‌شود خراب کرد؛ ولی گاهی در ظرف دو سال نمی‌شود آن را ساخت.

لطف خدا شامل حال این ملت است. مردم خوب و مؤمن و پُرشور، جوانان مستعد، دولت لایق و کارآمد و خدمتگزار و دیگر مسئولان، مجلس شورای اسلامی، دستگاه قضایی، نیروهای نظامی و انتظامی - ارتش و سپاه و کمیته و شهربانی و ژاندارمری - بحمدالله برای

خدمت به این کشور آماده‌اند. باید از این فرصت استفاده کرد و ان‌شاءالله دوران سازندگی را با خدمت کامل گذرانند.

از خداوند متعال متضرعانه مسألت می‌کنم که تفضل و رحمت خودش را بر همه‌ی شماها نازل کند و ان‌شاءالله بسیج و سایر نیروهای نظامی و انتظامی ما را روزبه‌روز از قوّت و صلابت بیشتری برخوردار نماید.

و السّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته



بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان و پرستاران و پرسنل نیروی دریایی ارتش

۱۳۶۹/۹/۷

۱. بسیج روی حساسیت‌های دشمن، حساس باشد
۲. بسیج هوشیار باشد و دشمن را بشناسد
۳. دشمن ملت ایران را نشناخته
۴. دشمن کینه‌ای منتظر فرصت
۵. نقض حقوق بشر توسط استکبار
۶. اسلام بزرگ‌ترین ضامن حقوق بشر
۷. دفاع آمریکا از حقوق بشر، مضحک است
۸. دشمنی‌های استکبار و آمریکا فراموش‌شدنی نیست
۹. خیالی که دشمن بعد از رحلت امام (ره) داشت
۱۰. ضرورت هوشیاری در برابر تهدید
۱۱. بسیج، حامل صفای جهاد و عطر شهادت
۱۲. زحمات طاقت‌فرسای پرستاران در دوران گرفتاری‌های جنگ

بسم الله الرحمن الرحيم

❖ بسیج، حامل صفای جهاد و عطر شهادت

اجتماع پُرشور بسیجیان و مدافعان عاشق و صادق انقلاب و ارزش‌های اسلامی، حامل صفای جهاد و عطر شهادت است. جبهه‌های جنگ و دفاع مقدس، در طول مهر و موم‌های متمادی، از خون عزیزان بسیجی رنگین شد و ناصیه‌ی انقلاب را درخشان کرد. هفته‌ی بسیج، در حقیقت فرصت و بهانه‌ای برای زنده نگه داشتن ارزش‌ها و روح بسیجی در آحاد ملت، مخصوصاً جوانان پُرشور و مدافعان عاشق صادق است. به یکایک بسیجیان در سرتاسر کشور، از زن و مرد و پیر و جوان، ارادت و اخلاص صادقانه‌ی خود را عرض می‌کنم و همان‌طور که امام و پیشوای راحل عظیم‌الشأن ما فرمودند، من هم آرزو می‌کنم و از خدا می‌خواهد که با بسیجیان محشور باشم. بسیج، یک افتخار و یک ارزش است. سعی کنید این روحیه‌ی بسیجی را برای کشور و انقلاب و اسلام حفظ کنید.

❖ زحمات طاقت‌فرسای پرستاران در دوران گرفتاری‌های جنگ

امروز در جمع ما، عده‌ای از خواهران و برادران پرستار حضور دارند. به مناسبت بزرگداشت پرستار در این روزها، وظیفه‌ی من است که از همه‌ی پرستاران عزیزمان صمیمانه تشکر کنم. زحمات این عزیزان، همیشه و مخصوصاً در دوران گرفتاری‌های جنگ، زحمات طاقت‌فرسا و بسیار ارزشمندی بود. پرستاری، شغل مقدسی است. این شغل، عبادت است و از برجسته‌ترین نمونه‌ها و مصداق‌های خدمت به مظلومان و ضعفاست. خواهران و برادران پرستار، ان شاء الله این کار را با جدیت و شور و شوق انجام داده، ادامه بدهند و کادرهای پرستاری ما در

بیمارستان‌ها، از جهت کمیت و کیفیت، ان شاء الله تقویت بشوند. به این برادران و خواهر آن‌هم خوش آمد عرض می‌کنم.

❖ ضرورت هوشیاری در برابر تهدید

امروز روز نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران است و جمعی از برادران این نیرو در این جمع حضور دارند. زحمات آنها در طول این چند سال - چه در اوایل جنگ، چه بخصوص در اواخر جنگ و چه در بین این دو مقطع - مهم و باارزش و شجاعانه بود. برادران توجه بکنند که دریا منطقه‌ی حساس و خلیج فارس نقطه‌ی مهمی است. دشمنان با چشم‌های طمع کار، به این نقطه چشم دوخته‌اند و برای حفظ منافع نامشروع و ناحق خود، از هزاران کیلومتر آن طرف‌تر، ناوگان‌ها و نظامیان خود را به این منطقه آورده‌اند و می‌آورند. این، تهدیدی علیه ملت‌ها و کشورهای این منطقه و بخصوص تهدیدی علیه جمهوری اسلامی است؛ هوشیار باشید. مسئله‌ی نیروی دریایی ما - هم نیروی دریایی ارتش و هم نیروی دریایی سپاه - مهم است. این دونیرو، در کنار هم و با وظایف متفاوت، این وظیفه‌ی بزرگ را باید انجام بدهند و امیدواریم که ان شاء الله کاملاً موفق باشند. همچنین به برادران عزیز روحانی در ارتش جمهوری اسلامی ایران که امروز در مجلس حضور دارند، خوش آمد می‌گوییم و به خاطر زحماتشان و خدماتی که در جهت پیشبرد کیفیت اسلامی و معنوی ارتش جمهوری اسلامی ایران انجام می‌دهند، تشکر می‌کنم. این روزها، ما یک مسئله‌ی اساسی و عمده در سطح جهان داریم که همه‌ی قشرهای مردم، از نظامی و غیرنظامی، از دولتی و غیردولتی، از شهری و روستایی، از پیر و جوان، باید نسبت به آن هوشیار باشند و آن، این است که هرچه می‌گذرد، استکبار جهانی بیشتر احساس می‌کند که نظام جمهوری اسلامی، در مقابل منافع ناحق و نامشروع و در مقابل تجاوزهای او، محکم و قاطع ایستاده است و مزاحم تجاوزطلبی و افزون‌خواهی اوست. این را خوب فهمیده‌اند.

❖ خیالی که دشمن بعد از رحلت امام (ره) داشت

شاید تا مدتی تصور می‌کردند که بعد از رحلت امام بزرگوار ما (رضوان الله تعالی علیه)،

شعله‌ی آرمان‌خواهی در جمهوری اسلامی کم بشود، یا فروبنشیند و یا خاموش گردد. خیال می‌کردند که بعد از رحلت امام (رضوان‌الله‌علیه)، تدریجاً همه چیز تمام خواهد شد؛ یعنی احساسات انقلابی و روح مجاهدت و فداکاری در مردم و نیز دشمنی آنها با ایادی ظلم و استکبار و استعمار در دنیا، تمام خواهد شد.

چنین چیزی را انتظار داشتند؛ ولی دیدند که این‌طور نشد و هر چه می‌گذرد، پابندی این مردم نسبت به خطی که امام راحل و پیشوا و معلم بزرگ ما ترسیم کرده‌اند و نیز علاقه‌ی آنها به امام و انقلاب کم نمی‌شود. احساس کردند که دولت و ملت، مردم و نمایندگان آنها و مسئولان گوناگون، در هر جای این کشور محکم ایستاده‌اند، تا از اسلام و انقلاب دفاع کنند.

آنها خوب فهمیده‌اند که مردم حاضر نیستند ارزش‌های عزیز اسلامی و انقلابی را با چیزی معامله کنند. سر قضایای تجاوز عراق به کویت هم این معنا برایشان روشن شد و دیدند با این که در قضیه‌ی کویت، کشور عراق تجاوزکار است و ملت ایران، متجاوز را به هر شکلی و به هر نحوی محکوم کردند - از اول هم دولت و ملت ما این را گفتند - اما این موضع مانع نشد که مردم و مسئولان ما، از دخالت‌های متجاوزانه‌ی بی‌جای امریکا انتقاد نکنند. خیال می‌کردند مابعد از این که دیدیم عراق به کویت تجاوز کرد، امریکا را فراموش خواهیم کرد؛ غافل از این که ملت ما دست‌پرورده‌ی انقلاب و امام است و مسئولان ما شاگردان امام هستند.

❖ دشمنی‌های استکبار و آمریکا فراموش‌شدنی نیست

مگر ممکن است که ملت ما، دشمنی‌های استکبار و بیش از همه امریکا را فراموش کنند؟ مگر ممکن است طمع‌ورزی‌ها و زیاده‌طلبی‌ها و تجاوزهای پنهان و آشکار امریکا را ندیده بگیرند؟ فهمیدند که دشمنی ملت ایران نسبت به دشمنان اسلام و در رأس آنها رژیم امریکا، تمام‌شدنی نیست. فهمیدند که ملت ایران ایستاده است، تا از اسلام انقلابی و اسلام ناب محمدی «صلی‌الله‌علیه و آله وسلم» دفاع کند. فهمیدند که دولت و ملت و مسئولان، اهل سازش و معامله نیستند. حالا که این‌ها را فهمیده‌اند، از همه طرف خباثت‌هایشان را شروع کرده‌اند - متوقف نشده بود؛ تشدید کردند - و مثل زمان حضرت امام و همین دوران فاصله‌ی رحلت

حضرت امام تا امروز، بلندگوهای جهانی را از تبلیغ علیه نظام اسلامی پُر کردند. امروز، چنین وضعیتی است.

❖ دفاع امریکا از حقوق بشر، مضحک است

امروز ملت ایران باید هوشیار باشد؛ چون دشمن با اسم‌های مختلف - از جمله به نام حقوق بشر - در فکر دشمنی کردن و ضربه زدن به انقلاب و اسلام است. دفاع امثال امریکا از حقوق بشر، برای ملت‌ها و مظلومان دنیا، هم خنده‌آور و هم گریه‌آور است. از طرفی، خنده‌آور و مضحکه است؛ چون خود نقض کنندگان درجه‌ی اول حقوق بشر، سنگ حقوق بشر را به سینه می‌زنند! چه کسانی داعیه‌ی حقوق بشر دارند؟ کسانی که همین امروز از پنجه‌هایشان، خون مردم فلسطین می‌چکد. حالا هرچه در مهر و موم‌های گذشته، در شرق و غرب عالم - در آفریقا و آسیا و در جاهای گوناگون - ملت‌ها را نابود کردند و کشتند و بشر و حقوق بشر را به مسخره گرفتند، به جای خود محفوظ. همین امروز رژیم صهیونیستی، به پشتیبانی امریکا و هم‌پیمانانش، ملت فلسطین را با بدترین و فجیع‌ترین وضعی، زیر فشار و شکنجه قرار داده و خون مردم و شهدای فلسطین، به گردن اوست. چنین انسان‌هایی، دم از حقوق بشر می‌زنند! این، مضحکه و تمسخر نیست؟!

❖ اسلام بزرگ‌ترین ضامن حقوق بشر

از طرف دیگر، گریه‌آور هم است. برای بشریت، مصیبتی از این بالاتر نیست که مفاهیم و ارزش‌های انسانی، این‌طور در دست‌وپای این سیاست‌بازان خبیث بیفتد. ایران اسلامی را به نقض حقوق بشر متهم می‌کنند؛ درحالی‌که اسلام بزرگ‌ترین ضامن حقوق بشر است. ما به عنوان یک ملت، چرا از ملت فلسطین دفاع می‌کنیم؟ ما به عنوان یک انقلاب، چرا از ملت‌های مظلوم دفاع می‌کنیم؟ ما با مردم آفریقای جنوبی، چه قوم‌و خویشی‌ای داریم؟ ما از این مظلومانی که در مناطق مختلف جهان، به خاطر سیطره‌ی حکومت‌های خبیث علی‌الظاهر دمکراتیک و عملاً فاشیستی، جرئت نمی‌کنند مظاهر اسلامی خودشان را رعایت کنند، چرا دفاع می‌کنیم؟ دیدید که در فرانسه، به دختر مسلمان اجازه نمی‌دهند روسری به سر کند!

دیدید که در امریکا، مأموران دولتی، برای انجام فرایض مذهبی، مسلمانی را در جلوی چشم مردم کتک می‌کنند، که چرا در فرودگاه نماز خواندی! چرا هر جا مظلومی صدا بلند می‌کنم و استغاثه می‌نماید، ما احساس تکلیف می‌کنیم که هر طور ممکن است، به کمک او بشتاییم، یا لاقفل فریاد او را منعکس کنیم؟ این، به خاطر دستور اسلام مبنی بر حفظ حقوق انسان‌هاست.

❖ نقض حقوق بشر توسط استکبار

شما سردمداران ظلم و استکبار هستید که حقوق بشر را نقض کرده‌اید. شما هستید که سازمان ملل و گروه حقوق بشر و مفاهیم انسانی را به مسخره گرفته‌اید و همه را بازیچه‌ی دست خودتان می‌خواهد. برای ما، ارزش انسان و ارزش حقوق انسان، آنقدر زیاد بوده و زیاد است که به خاطر آن‌ها حاضر شده‌ایم با همه‌ی قدرت‌های استکباری جهان، مقابل و مواجه بشویم. نوکران امریکا و دیگر دولت‌های استکباری، در طول سالیان متعدد، بر این کشور حکومت کردند، صد صد و هزارهزار از این مردم را در این خیابان‌ها کشتند و خونشان را بر زمین ریختند. همین‌الآن هم در جاهای دیگر، نظیر این واقعه، از بقیه‌ی نوکران امریکا سر می‌زنند. زندان‌هایشان پُر از انسان‌های مظلوم است؛ ولی در محافل جهانی، از هیچ کس صدا بلند نمی‌شود!

❖ دشمن‌کینه‌ای منتظر فرصت

شماها اگر طرفدار حقوق بشر بودید، چرا به رژیم‌های مرتجع و ظالم و مستبد و خبیث که بویی از دموکراسی نشنیده‌اند و در کشورشان به‌عنوان نمونه، یک‌بار یک صندوق رأی گذاشته نشده است، اعتراض نمی‌کنند؟! چرا فقط به جمهوری اسلامی که مظهر آزادی و دخالت مردم در امور است و در مسائل مختلف، انتخابات آزاد و پی‌درپی برگزار می‌کنم و مردم در کوچه و خیابان و مجامع عمومی، حرف دلشان را می‌کنند و شعار می‌دهند، اعتراض می‌کنیم؟!!

شما طرفدار حقوق بشر نیستید؛ شما طرفدار بی‌دینی و تسلط خودتان بر کشورها و ملت‌ها هستید. شما از کوتاه شدن دست پلید خودتان از کشور ثروتمند و وسیع ایران و تهدید شدنتان در سایر کشورها ناراحتید. شما نسبت به انقلاب، دشمن خونی هستید. این انقلاب، نوکران

شمارا در اینجا از بین برد. شما با انقلاب کینه‌دارید؛ حقوق بشر بهانه است. شما چه می‌فهمید که بشر چیست و حقوقش کدام است؟ ملت ایران باید هوشیارانه، تمام دشمنی‌های این طیف وسیع استکبار و دشمنان اسلام و انقلاب را بفهمد و بشناسد؛ همچنان بحمدالله اکثریت قاطع این کشور، می‌فهمد و می‌شناسند.

برادران و خواهران عزیز من در سرتاسر کشور! بدانید که امروز امریکا و یاران و مزدوران و هم‌پیمانانش، منتظر فرصت اند که از انقلاب انتقام بگیرند. منتظر فرصت هستند که انتقام محمدرضای خبیث و خاندان ظالم و ساواکی‌های دورانش را از جوانان انقلابی ما بگیرند. دنبال منفذی می‌گردند، تا در داخل انقلاب نفوذ کنند. هوشیار باشید؛ همچنان بحمدالله هوشیار بودید و هستید.

❖ دشمن ملت ایران را نشناخته

ملت ما، هرگونه دخالت و هرگونه انگشت مودی دشمن را قطع خواهد کرد و با مشت گره‌کرده، با او روبه‌رو خواهد شد. من از همین جا، به دشمنان خبیثان که علاوه بر خباثت، بی‌هوش و نادان هم هستند و انقلاب و ملت ما را نشناخته‌اند و سیزده، چهارده سال است که درباره‌ی این ملت و این کشور، غلط تحلیل می‌کنند و غلط می‌فهمید و به همین جهت هم مرتب شکست می‌خورند، می‌گویم که بدانید شما در شناخت ملت ایران، اشتباه کرده‌اید. این ملت، پاینده به اسلام است. این ملت، خادمان و خدمتگزاران اسلام را دوست می‌دارد. این ملت، سعادت خودش را هم در اسلام جستجو می‌کند. این ملت، با پابندی و ایمان به اسلام، ان‌شاءالله خواهد توانست تمام گره‌هایی را که شما بر زندگی او تحمیل کرده‌اید، باز کند. این ملت، تسلیم بشو نیست.

❖ بسیج هوشیار باشد و دشمن را بشناسد

بسیج، در سرتاسر کشور هوشیار باشد. همه‌ی نیروهای مسلح - ارتش، سپاه و نیروهای انتظامی - باید هوشیار باشند. همه باید هوشیار باشند؛ اما بسیج، احتیاج به هوشیاری مضاعف دارد. آحاد بسیج در هر جا هستند - در شهر، در ده، در عشایر، در دانشگاه، در حوزه‌ی علمیه،

در دبیرستان، در بازار، در اداره، در کارخانه - باید هوشیار باشند. دشمن، برای ضربه زدن به انقلاب و اسلام، از یک‌راه نمی‌آید؛ از راه‌های مختلف می‌آید. باید چشمتان را باز کنید، متوجه باشید و دشمن را بشناسید. امام بزرگوار، این خطوط را برای ما درست مشخص کردند.

❖ بسیج روی حساسیت‌های دشمن، حساس باشد

هر چیزی که دیدید دشمن روی آن حساسیت نشان می‌دهد، شما هم روی آن حساس بشوید و بفهمید که دشمن از اینجا می‌خواهد رخنه کند. وقتی که می‌بینید دشمنان خیث، نسبت به ملت و انقلاب و پابندی مردم به انقلاب تبلیغات می‌کنند، بدانید که دشمن از پابندی مردم به انقلاب و از حضور آن‌ها در صحنه‌های انقلاب می‌ترسد. حضور شما در صحنه‌های انقلاب و هوشیاری و آمادگی‌تان، دشمن را مأیوس خواهد کرد.

البتة ما فضل و کمک الهی و پشتیبانی واضح خدا را در همه‌ی امورمان مشاهده کرده‌ایم و بازهم مشاهده می‌کنیم. خدای متعال به این ملت و به این کشور، خیلی لطف کرده و خیلی لطف داشته و در شدايد، به این ملت کمک کرده است و بازهم لطف و رحمت الهی ان شاء الله شامل حال این ملت است.

امیدواریم که خدای متعال، به همه‌ی شما توفیق بدهد و دعای ولیعصر (ارواح‌نفاذه) را شامل حالتان بکند و روح مقدس امام (ره) را از شما خشنود و راضی بفرماید.

و السّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

بیانات در دیدار بسیجیان ۱۳۷۰/۸/۳۰

۱. محور اصلی، دفاع مسلح از انقلاب

۲. بسیجیان نشان را با خدا خالص کنند

۳. تقوا مانع طمع شیطان

۴. دل سپردن به خدا ضامن پیشرفت هدف‌های اسلام و انقلاب

۵. حفظ تقوا، بزرگ‌ترین کار بسیجی

۶. اهمیت سازماندهی بسیج



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

❖ محور اصلی، دفاع مسلح از انقلاب

برادران و خواهران بسیجی عزیز! خیلی خوش آمدید؛ امیدوارم که همیشه مشمول لطف و تفضلات الهی باشید.

بسیج، یکی از برکات پروردگار عالم بر کشور و بر انقلاب و بر امام بزرگوار ما بود. اگر نیروهای مسلح در هر کشور به آمادگی کامل برسند، ولی از نیروهای داوطلب مردمی پشتیبانی نداشته باشند، یقیناً توانایی آنان کامل نخواهد بود. و در کشور و در انقلاب ما، اگر نیروهای بسیجی - این داوطلبان مخلص و مؤمن به هدف‌های انقلاب - در گذشته پشتیبان میدان‌های نبرد نمی‌بودند و برای همیشه نباشند - معاذ الله - یقیناً کار دفاع از انقلاب لنگ خواهد ماند. اساس، نیروی مردم، یعنی همین بسیج است. به همین خاطر است که شما جوانان عزیز - چه طلبه، چه دانشجو، چه اقشار دیگر - که جزو این مجموعه‌ی عظیم جهاد فی سبیل الله قرار گرفته‌اید، باید به این نکته توجه کنید که محور اصلی، دفاع مسلح از انقلاب است و باید هرچه بیشتر تقویت بشود.

❖ بسیجیان نیتشان را با خدا خالص کنند

نسبت به بسیج، یک کاربر عهده‌ی مسئولان است، یک کار هم بر عهده‌ی خود نیروهای مؤمن و فداکار بسیج. ما حالا به این دومی کارداریم و اشاره خواهیم کرد. کسانی که این موهبت را به دست آورده‌اند که توانسته‌اند داوطلبانه برای رضای خدا در صفوف جهاد فی سبیل الله، آن‌هم صفوف مقدم قرار بگیرند و خط‌شکنی کنند و سختی‌ها را متحمل بشوند و



انواع و اقسام کارهایی را که بسیجیان کرده‌اند و همه می‌دانند، انجام بدهند، باید نیتشان را با خدا خالص کنند و در رشد معنویت و اخلاق و تقوا و عمل صالح در وجود خودشان خیلی تلاش کنند.

❖ تقوا مانع طمع شیطان

برادران و خواهران! بدانید که ما هرگز از طمع شیطان دور نیستیم. شیطان در همه حال به ما طمع می‌ورزد. شیطان حتی به پیامبران طمع ورزید؛ چه برسد به امثال ما! آن چیزی که بندگان مخلص را از دیگران متمایز می‌کند، این است که دائماً بینی شیطان را به خاک می‌مالند و طمع او را ناکام می‌گذارند. این با چه چیزی ممکن است؟ باتقوا. تقوا هم چیز معضلی نیست که انسان نتواند بفهمد.

❖ دل سپردن به خدا ضامن پیشرفت هدف‌های اسلام و انقلاب

معنای تقوا این است که هر آنچه را خدای متعال بر انسان تکلیف کرده است، انجام بدهد؛ واجبات را بجا بیاورد و محرمات را ترک کند. این، اولین مرتبه‌ی تقواست. محرمات الهی را باید شناخت و دوروبر آن نچرخید و نگشت. شیطان وسوسه‌گر است. وقتی که روحیه‌ی تقوا و دل سپردن به خدا و معامله‌ی با خدا و یاد خدا و توجه و ذکر و دعا و توکل، در دل این جوان بسیجی مؤمن - چه دانشجو، چه طلبه، چه قشرهای دیگر، چه شهری، چه روستایی - جا گرفت و رشد کرد، آن وقت همان صف مستحکم مرصوصی است که هیچ قدرتی توانایی تکان دادن آن را ندارد. این، ضامن پیشرفت هدف‌های اسلام و انقلاب است؛ قدر این را باید دانست.

❖ حفظ تقوا، بزرگ‌ترین کار بسیجی

شما جوانان که بسیجی و عزیز هستید و مورد علاقه‌ی امام بودید و ان شاء الله مورد توجه وجود مقدس ولیعصر (ارواح‌افاده) و مشمول دعوات زاکیه‌ی آن بزرگوار باشید، بزرگ‌ترین نکته‌ی کار شما همین حفظ تقواست؛ آماده بودن برای فداکاری در راه خدا و برای حضور در آنجایی که خدای متعال اراده کرده است.



دشمنان انواع و اقسامی دارند: دشمن خارجی و دشمن داخلی. گاهی در درون هم دشمن هست. دشمن داخلی - آن چهره‌ی نفاق‌آلوده - را هم باید شناخت. در مقابله‌ی با این دشمنان گوناگون، امید به شماهاست. شما هستید که باید مثل بنیان مستحکمی، در مقابل این دشمنان بایستید.

❖ اهمیت سازماندهی بسیج

سازماندهی بسیج و حضور مرتب و منظم شما هم در مراکزی که باید باشید، بسیار مهم است. باید به صورتی باشد که هر یک از افراد بسیجی بدانند که متعلق به کدام یگان است و کجا باید باشد؛ آن وقتی که مورد احتیاج اسلام و نظام اسلامی شد، بتواند خودش را آماده کند. امیدواریم که خداوند متعال به شماها توفیق بدهد و شماها را حفظ کند. ان شاء الله مشمول لطف و تفضل الهی باشید و پیوسته در طول زندگی خودتان، با پیشرفت در راه اهداف مواجه باشید و هر روز بهتر از روز گذشته، گام‌های استوارتری بردارید.

و السّلام علیکم و رحمة الله و بركاته



بیانات در دیدار فرماندهان گردان های عاشورا ۲۳/۴/۱۳۷۱

۱. بسیج بیست میلیونی عاشورایی است
۲. درس های عاشور
۳. عبرت های عاشورا
۴. اولین عبرت در قضیه عاشورا
۵. جامعه ما مواظب باشد که به بیماری کوفه دچار نشود
۶. فوری ترین پیام عاشورا؟
۷. درد اساسی و بزرگ جامعه آن روز از نگاه قرآن
۸. دلسوزان، نگذارند معیارهای الهی در جامعه عوض شود
۹. وقتی ارزش های مادی بر ارزش های معنوی ترجیح داده شود
۱۰. نگذاریم روح انقلاب و فرزند انقلاب در جامعه منزوی شود
۱۱. مفهوم سازندگی و فرق آن با دنیاطلبی
۱۲. "تهاجم فرهنگی" «شیخون فرهنگی» «غارت فرهنگی» «قتل عام فرهنگی»
۱۳. همه امر به معروف و نهی از منکر کنند
۱۴. امر به معروف و نهی از منکر از جهاد بالاتر
۱۵. نگذارید به نام امر به معروف و نهی از منکر، فساد ایجاد نمایند
۱۶. امر به معروف و نهی از منکر زبانی مهم تر است
۱۷. بسیجی و مهم ترین نقش او در امر به معروف و نهی از منکر
۱۸. بسیجیان امید امریکا و صهیونیست ها را از جمهوری اسلامی به کلی قطع کنند



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

❖ بسیج بیست‌میلیونی عاشورایی است

دیداری بسیار مناسب، در وقتی مناسب است. ایام عاشورای حسینی است و شما برادران و خواهر آن‌هم از عاشورایی‌ها و حسینی‌ها هستید. بسیج بیست‌میلیونی انقلاب اسلامی، ثابت کرده است که در صراط حسین ابن علی «علیه‌السلام» و صراط عاشورا قدم برمی‌دارد.

آنچه که من امروز عرض خواهم کرد، مربوط به همین قضیه عاشورا است که باوجود آن‌همه سخنی که درباره این حادثه گفته‌اند و گفته‌ایم و شنیده‌ایم، بازهم جای سخن و تأمل و تدبّر و عبرت‌گیری نسبت به این حادثه باقی است. این حادثه عظیم؛ یعنی حادثه عاشورا، از دو جهت قابل تأمل و تدبّر است. غالباً یکی از این دو جهت، موردتوجه قرار می‌گیرد. بنده امروز می‌خواهد در اینجا آن جهت دوم را، بیشتر موردتوجه قرار دهد.

❖ درس‌های عاشورا

جهت اوّل، درس‌های عاشوراست. عاشورا پیام‌ها و درس‌هایی دارد. عاشورا درس می‌دهد که برای حفظ دین، باید فداکاری کرد. درس می‌دهد که درراه قرآن، از همه‌چیز باید گذشت. درس می‌دهد که در میدان نبرد حقّ و باطل، کوچک و بزرگ، زن و مرد، پیر و جوان، شریف و وضع و امام و رعیت، باهم در یک صف قرار می‌گیرند. درس می‌دهد که جبهه دشمن با همه توانایی‌های ظاهری، بسیار آسیب‌پذیر است. (همچنان که جبهه بنی‌امیه، به‌وسیله کاروان اسیران عاشورا، در کوفه آسیب دید، در شام آسیب دید، در مدینه آسیب دید، و بالأخره هم این ماجرا، به فنای جبهه سفیانی منتهی شد). درس می‌دهد که در ماجرای دفاع از دین، از همه‌چیز بیشتر، برای انسان، بصیرت لازم است. بی‌بصیرت‌ها فریب می‌خورند. بی‌بصیرت‌ها در



جبهه باطل قرار می گیرند؛ بدون این که خود بدانند. همچنان که در جبهه ابن زیاد، کسانی بودند که از فساق و فجّار نبودند، ولی از بی بصیرت ها بودند.

این ها درس های عاشورا است. البته همین درس ها کافی است که یک ملت را، از ذلت به عزّت برساند. همین درس ها می تواند جبهه کفر و استکبار را شکست دهد. درس های زندگی سازی است. این، آن جهت اول.

❖ عبرت های عاشورا

جهت دوم از آن دو جهتی که عرض کردم، «عبرت های عاشورا» است. غیر از این درس، عاشورا یک صحنه عبرت است. انسان باید به این صحنه نگاه کند، تا عبرت بگیرد. یعنی چه، عبرت بگیرد؟ یعنی خود را با آن وضعیت مقایسه کند و بفهمد در چه حال و در چه وضعیتی است؛ چه چیزی او را تهدید می کند؛ چه چیزی برای او لازم است؟ این را میگویند «عبرت». شما اگر از جاده ای عبور کردید و اتومبیلی را دیدید که واژگون شده یا تصادف کرده و آسیب دیده؛ محاله شده و سرنشینانش نابود شده اند، می ایستید و نگاه می کنید، برای این که عبرت بگیرید. معلوم شود که چطور سرعتی، چطور حرکتی و چگونه رانندگی ای، به این وضعیت منتهی می شود. این هم نوع دیگری از درس است؛ اما درس از راه عبرت گیری است. این را قدری بررسی کنیم.

❖ اولین عبرت در قضیه عاشورا

اولین عبرتی که در قضیه عاشورا ما را به خود متوجّه می کند، این است که بینیم چه شد که پنجاه سال بعد از درگذشت پیغمبر صلوات الله و سلامه علیه، جامعه اسلامی به آن حدّی رسید که کسی مثل امام حسین «علیه السلام»، ناچار شد برای نجات جامعه اسلامی، چنین فداکاری ای بکند؟ این فداکاری حسین بن علی «علیه السلام»، یک وقت بعد از هزار سال از صدر اسلام است؛ یک وقت در قلب کشورها و ملت های مخالف و معاند با اسلام است؛ این یک حرفی است. اما حسین بن علی «علیه السلام»، در مرکز اسلام، در مدینه و مکه - مرکز وحی نبوی - وضعیتی دید که هر چه نگاه کرد چاره ای جز فداکاری نداشت؛ آن هم چنین فداکاری خونین

باعظمتی! مگر چه وضعی بود که حسین ابن علی «علیه السلام»، احساس کرد که اسلام فقط با فداکاری او زنده خواهد ماند، والا ازدست رفته است؟! عبرت اینجاست. روزگاری رهبر و پیغمبر جامعه اسلامی، از همان مکه و مدینه پرچم‌ها را می‌بست، به دست مسلمان‌ها می‌دید و آنها تا اقصی نقاط جزیره العرب و تا مرزهای شام می‌رفتند؛ امپراتوری روم را تهدید می‌کردند؛ آنها از مقابلشان می‌گریختند و لشکریان اسلام پیروزمندانه برمی‌گشتند؛ که در این خصوص می‌توان به ماجرای «تبوک» اشاره کرد. روزگاری در مسجد و معبر جامعه اسلامی، صوت و تلاوت قرآن بلند بود و پیغمبر با آن لحن و آن نفس، آیات خدا را بر مردم می‌خواند و مردم را موعظه می‌کرد

و آنها را در جاده هدایت با سرعت پیش می‌برد. ولی چه شد که همین جامعه، همین کشور و همین شهرها، کارشان به جایی رسد و آن قدر از اسلام دور شدند که کسی مثل یزید بر آنها حکومت می‌کرد؟! وضعی پیش آمد که کسی مثل حسین بن علی «علیه السلام»، دید که چاره‌ای جز این فداکاری عظیم ندارد! این فداکاری، در تاریخ بی نظیر است. چه شد که به چنین مرحله‌ای رسیدند؟ این، آن عبرت است. ما باید این را امروز مورد توجه دقیق قرار دهیم.

❖ جامعه ما مواظب باشد که به بیماری کوفه دچار نشود

ما امروز یک جامعه اسلامی هستیم. باید ببینیم آن جامعه اسلامی، چه آفتی پیدا کرد که کارش به یزید رسید؟ چه شد که بیست سال بعد از شهادت امیرالمؤمنین «علیه الصلوة والسلام»، در همان شهری که او حکومت می‌کرد، سرهای پسرانش را بر نیزه کردند و در آن شهر گرداندند؟! کوفه یک نقطه بیگانه از دین نبود! کوفه همان جایی بود که امیرالمؤمنین «علیه السلام» در بازارهای آن راه می‌رفت؛ تازیانه بر دوش می‌انداخت؛ مردم را امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد؛ فریاد تلاوت قرآن در «اناء اللیل و اطراف النهار» از آن مسجد و آن تشکیلات بلند بود. این، همان شهر بود که پس از گذشت سال‌هایی نه‌چندان طولانی در بازارش دختران و حرم امیرالمؤمنین «علیه السلام» را، با اسارت می‌گرداندند. در ظرف بیست سال چه شد که به آنجا رسیدند؟ اگر بیماری‌ای وجود دارد که می‌تواند جامعه‌ای را که در رأسش کسانی مثل پیغمبر



اسلام و امیرالمؤمنین علیهما السلام بوده‌اند، در ظرف چند ده سال به آن وضعیت برسانند، این بیماری، بیماری خطرناکی است و ما هم باید از آن بترسیم. امام بزرگوار ما، اگر خود را شاگردی از شاگردان پیغمبر اکرم صلوات الله و سلامه علیه محسوب می‌کرد، سرِ فخر به آسمان می‌شود. امام، افتخارش به این بود که بتواند احکام پیغمبر را درک، عمل و تبلیغ کند. امام ما کجا، پیغمبر کجا؟! آن جامعه را پیغمبر ساخته بود و بعد از چند سال به آن وضع دچار شد. این جامعه ما خیلی باید مواظب باشد که به آن بیماری دچار نشود. عبرت، اینجاست! ما باید آن بیماری را بشناسیم؛ آن را یک خطر بزرگ بدانیم و از آن اجتناب کنیم.

❖ فوری‌ترین پیام عاشورا

به نظر من این پیام عاشورا، از درس‌ها و پیام‌های دیگر عاشورا برای ما امروز فوری‌تر است. ما باید بفهمیم چه بلایی بر سر آن جامعه آمد که حسین ابن علی «علیه السلام»، آقازاده اول دنیای اسلام و پسر خلیفه مسلمین، پسر علی بن ابی طالب «علیه الصلاة والسلام»، در همان شهری که پدر بزرگوارش بر مسند خلافت می‌نشست، سربریده‌اش گردانده شد و آب از آب تکان نخورد! از همان شهر آدم‌هایی به کربلا آمدند، او و اصحاب او را با لب تشنه به شهادت رسانند و حرم امیرالمؤمنین «علیه السلام» را به اسارت گرفتند!

❖ درد اساسی و بزرگ جامعه آن روز از نگاه قرآن

حرف در این زمینه، زیاد است. من یک آیه از قرآن را در پاسخ به این سؤال مطرح می‌کنم. قرآن جواب ما را داده است. قرآن، آن درد را به مسلمین معرفی می‌کند. آن آیه این است که می‌فرماید: «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا»^۱. دو عامل، عامل اصلی این گمراهی و انحراف عمومی است: یکی دور شدن از ذکر خدا که مظهر آن نماز است. فراموش کردن خدا و معنویت؛ حساب معنویت را از زندگی جدا کردن و توجه و ذکر و دعا و توسل و طلب از خدای متعال و توکل به خدا و محاسبات خدایی را از زندگی کنار گذاشتن. دوم «وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ»؛ دنبال شهوت‌رانی‌ها رفتن؛ دنبال هوس‌ها

رفتن و در یک جمله: دنیاطلبی. به فکر جمع آوری ثروت، جمع آوری مال و التذاذ به شهوات دنیا افتادن. این‌ها را اصل دانستن و آرمان‌ها را فراموش کردن. این، درد اساسی و بزرگ است. ما هم ممکن است به این درد دچار شویم. اگر در جامعه اسلامی، آن حالت آرمان‌خواهی از بین برود یا ضعیف شود؛ هر کس به فکر این باشد که کلاهش را از معرکه درببرد و از دیگران در دنیا عقب نیفتد؛ این که «دیگری جمع کرده است، ما هم برویم جمع کنیم و خلاصه خود و مصالح خود را بر مصالح جامعه ترجیح دهیم»، معلوم است که به این درد دچار خواهیم شد.

❖ دلسوزان، نگذارند معیارهای الهی در جامعه عوض شود

نظام اسلامی، باایمان‌ها، باهمت‌های بلند، با مطرح شدن آرمان‌ها و بااهمیت دادن وزنده نگه داشتن شعارها به وجود می‌آید و حفظ می‌شود و پیش می‌رود. شعارها را کم‌رنگ کردن؛ اصول اسلام انقلاب را مورد بی‌اعتنایی قرار دادن و همه چیز را با محاسبات مادی مطرح کردن و فهمیدن، جامعه را به آنجا خواهد برد که به چنان وضعی برسد.

آنها به آن وضع دچار شدند. روزگاری برای مسلمین، پیشرفت اسلام مطرح بود؛ رضای خدا مطرح بود؛ تعلیم دین و معارف اسلامی مطرح بود؛ آشنایی با قرآن و معارف قرآن مطرح بود؛ دستگاه حکومت، دستگاه اداره کشور، دستگاه زهد و تقوا و بی‌اعتنایی به زخارف دنیا و شهوات شخصی بود و نتیجه‌اش آن حرکت عظیمی شد که مردم به سمت خدا کردند. در چنان وضعیتی، شخصیتی مثل علی بن ابی‌طالب «علیه‌السلام»، خلیفه شد. کسی مثل حسین بن علی «علیه‌السلام» شخصیت برجسته شد. معیارها در این‌ها، بیش از همه هست. وقتی معیار خدا باشد، تقوا باشد، بی‌اعتنایی به دنیا باشد، مجاهدت در راه خدا باشد؛ آدم‌هایی که این معیارها را دارند، درصحنه عمل می‌آیند و سر رشته کارها را به دست می‌گیرند و جامعه، جامعه اسلامی می‌شود. اما وقتی که معیارهای خدایی عوض شود، هر کس که دنیا طلب‌تراست، هر کس که شهوتران‌تراست، هر کس که برای به دست آوردن منافع شخصی زرنک‌تر است، هر کس که با صدق و راستی بیگانه‌تر است، بر سر کار می‌آید. آن وقت نتیجه این می‌شود که امثال عمر بن سعد و شمر و عبیدالله بن زیاد به ریاست می‌رسند و کسی مثل حسین بن علی «علیه‌السلام»،

به مذبج می‌رود، و در کربلا به شهادت می‌رسند! این، یک حساب دودوتا چهارتا است. باید کسانی که دلسوزند، نگذارند معیارهای الهی در جامعه عوض شود. اگر معیار تقوا در جامعه عوض شد، معلوم است که انسان باتقوایی مثل حسین بن علی «علیه‌السلام»، باید خودش ریخته شود. اگر زرنگی و دست و پاداری در کار دنیا و پشت‌هم‌اندازی و دروغ‌گویی و بی‌اعتنایی به ارزش‌های اسلامی ملاک قرار گرفت، معلوم است که کسی مثل یزید باید در رأس کار قرار گیرد و کسی مثل عبیدالله، شخص اوّل کشور عراق شود. همه کار اسلام این بود که این معیارهای باطل را عوض کند. همه کار انقلاب ما هم این بود که در مقابل معیارهای باطل و غلط مادی جهانی بایستد و آنها را عوض کند.

❖ وقتی ارزش‌های مادی بر ارزش‌های معنوی ترجیح داده شود

دنایای امروز، دنایای دروغ، دنایای زور، دنایای شهوت‌رانی و دنایای ترجیح ارزش‌های مادی بر ارزش‌های معنوی است. این دنیا است! مخصوص امروز هم نیست. قرن‌هاست که معنویت در دنیا روبه افول و ضعف بوده است. پول‌پرست‌ها و سرمایه‌دارها تلاش کرده‌اند که معنویت را از بین ببرند. صاحبان قدرت، یک نظام و بساط مادی‌ای در دنیا چیده‌اند که در رأسش قدرتی از همه دروغ‌گوتر، فریبکارتر، بی‌اعتناتر به فضایل انسانی و نسبت به انسان‌ها بی‌رحم‌تر مثل قدرت امریکا است. این می‌آید در رأس و همین‌طور، می‌آیند تا مراتب پایین‌تر. این، وضع دنیا است. انقلاب اسلامی، یعنی زنده کردن دوباره اسلام؛ زنده کردن «سنّ اکرم کم عندالله اتقیکم»^۱. این انقلاب آمد تا این بساط جهانی را، این ترتیب غلط جهانی را بشکند و ترتیب جدیدی درست کند. اگر آن ترتیب مادی جهانی باشد، معلوم است که شهوت‌ران‌های فاسدِ روسیاه و گمراهی مثل محمدرضا باید در رأس کار باشند و انسان بافضیلت منوری مثل امام باید در زندان یا در تبعید باشد! در چنان وضعیتی، جای امام در جامعه نیست. وقتی زور حاکم است، وقتی فساد حاکم است، وقتی دروغ حاکم است و وقتی بی‌فضیلتی حاکم است، کسی که دارای فضیلت است، دارای صدق است، دارای نور است، دارای عرفان است و دارای توجّه به خداست،

جایش در زندان‌ها یا در مقتل و مذبح یا در گودال قتلگاه‌هاست. وقتی مثل امامی بر سر کار آمد، یعنی ورق برگشت؛ شهوت‌رانی و دنیاطلبی به انزوا رفت، وابستگی و فساد به انزوا رفت، تقوی بالای کار آمد، زهد روی کار آمد، صفا و نورانیت آمد، جهاد آمد، دلسوزی برای انسان‌ها آمد، رحم و مروت و برادری و ایثار و از خودگذشتگی آمد. امام که بر سر کار می‌آید، یعنی این خصلت‌ها می‌آید؛ یعنی این فضیلت‌ها می‌آید؛ یعنی این ارزش‌ها مطرح می‌شود. اگر این ارزش‌ها را نگه داشتید، نظام امامت باقی می‌ماند. آن وقت امثال حسین ابن علی «علیه‌الصلاة والسلام»، دیگر به مذبح برده نمی‌شوند. اما اگر این‌ها را از دست دادیم چه؟ اگر روحیه بسیجی را از دست دادیم چه؟ اگر به جای توجه به تکلیف و وظیفه و آرمان الهی، به فکر تجملات شخصی خودمان افتادیم چه؟ اگر جوان بسیجی را، جوان مؤمن را، جوان با اخلاص را - که هیچ چیز نمی‌خواهد جز این که میدانی باشد که در راه خدا مجاهدت کند - در انزوا انداختیم و آن آدم پرروی افزون‌خواه پر توقع بی صفای بی معنویت را تسلط کردیم چه؟ آن وقت همه چیز دگرگون خواهد شد. اگر در صدر اسلام فاصله بین رحلت نبی اکرم صلوات الله وسلامه علیه و شهادت جگر گوشه‌اش پنجاه سال شد، در روزگار ما، این فاصله، خیلی کوتاه‌تر ممکن است بشود و زودتر از این حرف‌ها، فضیلت‌ها و صاحبان فضایل ما به مذبح بروند. باید نگذاریم. باید در مقابل انحرافی که ممکن است دشمن بر ما تحمیل کند، بایستیم.

❖ نگذاریم روح انقلاب و فرزند انقلاب در جامعه منزوی شود

پس، عبرت‌گیری از عاشورا این است که نگذاریم روح انقلاب در جامعه منزوی و فرزند انقلاب گوشه‌گیر شود. عده‌ای مسائل را اشتباه گرفته‌اند. امروز بحمدالله مسئولین دلسوز و علاقه‌مند و رئیس‌جمهور انقلابی و مؤمن بر سر کارند، و کشور را می‌خواهند بسازند. اما عده‌ای، سازندگی را با مادی‌گرایی، اشتباه گرفته‌اند. سازندگی چیزی است، مادیگری چیز دیگری است. سازندگی یعنی کشور آباد شود، و طبقات محروم به نوایی برسند.

❖ مفهوم سازندگی و فرق آن با دنیاطلبی

سال‌های سال، این کشور را ویران کرده‌اند. بعد از انقلاب هم، به وسیله مهاجمین خارجی،

هشت سال، همان کار را ادامه دادند. این کشور، باید ساخته شود. این سازندگی، تلاش لازم دارد. از پایان جنگ تا امروز، هنوز سه سال و اندی می‌گذرد. زمان زیادی از پایان جنگ تا امروز نگذشته است. یک بمب در یکجا بیفتد، یک لحظه ویرانگری است؛ اما ساختن همان ویرانه، چقدر طول می‌کشد؟! فرض کنید ساختمانی، خانه‌ای، عمارت دو، سه طبقه‌ای، در یک لحظه منفجر می‌شود؛ اما در یک لحظه، ساخته نمی‌شود. یک کشور را هشت سال ویران کردند. مگر شوخی است؟! قبل از این، خاندان منحوس پهلوی - که لعنت خدا بر آنها و بر کارگزاران و دستیارانشان، و لعنت خدا بر خانواده قاجار و دستیارانشان باد - این مملکت را ویران کردند. بعد که انقلاب شد تا آن را بسازد، مگر دشمنان توانستند تحمّل کنند؟! امروز اسناد همکاری آمریکا با عراق در جنگ تحمیلی علیه ما، در حال رو شدن است. ما آن روز می‌گفتیم؛ ما آن روز قاطعانه می‌گفتیم که شرق و غرب از عراق حمایت می‌کنند. اما یک عده کوتاه‌فکرهای داخلی، انکار می‌کردند و می‌گفتند به چه دلیل؟ بفرمایید؛ این هم دلیل! امروز اسناد خود آمریکایی‌ها را آمریکایی‌ها رو می‌کنند و معلوم می‌شود که در این چند سال، چه کمک‌های عظیمی به عراق کردند. شرق و غرب با یکدیگر همدست شدند؛ این جنگ را به راه انداختند و مملکت را ویران کردند. بعد از سال‌ها ویرانگریِ حکام فاسد پهلوی و قاجار و بعد از چند سال ویرانگریِ جنگ، اکنون دولت جمهوری اسلامی، به کمک مردم و کارگزاران و متخصصین و کاردان‌هایش، می‌خواهد این کشور را بسازد. این، کار یک روز و دو روز نیست؛ کار یک سال و دو سال هم نیست. این همه مراکز مادی از بین رفته، این همه امکان اشتغال نابود شده...! این‌ها چیزی نیست که ظرف مدت کوتاهی برگردد. این را می‌گویند «سازندگی». این، یک مجاهدت است، یک جهاد فی سبیل‌الله است. هر کس که در این مجاهدت شرکت کند، جهاد کرده است. کسی که در راه اداره و حفظ جامعه اسلامی - که یک واجب بزرگ است - گامی برداشته، خیلی باارزش است. اما آن طرف قضیه، مادیگری است، ماده‌پرستی است، دنیاطلبی است. آن، یک حرف دیگر است.

سازندگی، کاری بود که علی بن ابی طالب «علیه السلام» داشت؛ که حتی شاید در دوران خلافت هم - که حالا من این را تردید دارم. اما تا قبل از خلافت، قطعی است - با دست خود نخلستان آباد می کرد؛ زمین احیا می کرد؛ درخت می کاشت؛ چاه می کند و آبیاری می کرد. این، سازندگی است! دنیا طلبی و مادی طلبی، کاری است که عیدالله زیاد و یزید می کردند. آنها چه وقت چیزی را به وجود می آوردند و می ساختند؟! آنها فانی می کردند؛ آنها می خوردند؛ آنها تجملات را زیاد می کردند. این دو را باهم اشتباه نباید کرد.

❖ "تهاجم فرهنگی" «شیخون فرهنگی» «غارت فرهنگی» «قتل عام»

امروز عده ای به اسم سازندگی خودشان را غرق در پول و دنیا و ماده پرستی می کنند. این سازندگی است؟! آنچه که جامعه ما را فاسد می کند، غرق شدن در شهوات است؛ از دست دادن روح تقوا و فداکاری است؛ یعنی همان روحیه ای که در بسیجی هاست. بسیجی باید در وسط میدان باشد تا فضیلت های اصلی انقلاب زنده بماند. دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط - فرهنگ فساد و فحشا - سعی می کند جوان های ما را از ما بگیرد. کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می کند، یک "تهاجم فرهنگی" بلکه باید گفت یک «شیخون فرهنگی» یک «غارت فرهنگی» و یک «قتل عام فرهنگی» است. امروز دشمن این کار را با ما می کند. چه کسی می تواند از این فضیلت ها دفاع کند؟ آن جوان مؤمنی که دل به دنیا نبسته، دل به منافع شخصی نبسته و می تواند بایستد و از فضیلت ها دفاع کند. کسی که خودش آلوده و گرفتار است که نمی تواند از فضیلت ها دفاع کند! این جوان با اخلاص می تواند دفاع کند. این جوان، از انقلاب، از اسلام، از فضایل و ارزش های اسلامی می تواند دفاع کند.

❖ همه امر به معروف و نهی از منکر کنند

لذا، چندی پیش گفتیم: «همه امر به معروف و نهی از منکر کنند». الان هم عرض می کنم: نهی از منکر کنید. این، واجب است. این، مسؤولیت شرعی شماست. امروز مسؤولیت انقلابی و سیاسی شما هم هست. به من نامه می نویسند؛ بعضی هم تلفن می کنند و می گویند: «مانهی از منکر می کنیم. اما مأمورین رسمی، طرف ما را می گیرند. طرف مقابل را می گیرند!» من

عرض می‌کنیم که مأمورین رسمی - چه مأمورین انتظامی و چه مأمورین قضایی - حق ندارند از مجرم دفاع کنند. باید از آمر و ناهی شرعی دفاع کنند. همه دستگاه حکومت ما باید از آمر به معروف و ناهی از منکر دفاع کند. این، وظیفه است. اگر کسی نماز بخواند و کس دیگری به نماز گزار حمله کند، دستگاه‌های ما از کدام یک باید دفاع کنند؟ از نماز گزار یا از آن کسی که سجاده را از زیر پای نماز گزار می‌کشد؟ امر به معروف و نهی از منکر نیز همین‌طور است. امر به معروف هم مثل نماز، واجب است

❖ امر به معروف و نهی از منکر از جهاد بالاتر

در نهج البلاغه می‌فرماید: «و ما اعمال البر كلها و الجهاد فی سبیل الله عند الامر بالمعروف و النهی عن المنکر الا کنفثة فی بحر لجی»^۱ یعنی امر به معروف و نهی از منکر، در مقیاس وسیع و عمومی خود، حتی از جهاد بالاتر است؛ چون پایه دین رامحکم می‌کند. اساس جهاد را امر به معروف و نهی از منکر استوار می‌کند. مگر مأمورین و مسؤولین ما می‌توانند آمر به معروف و ناهی از منکر را بادیگران مساوی قرار دهند؛ چه رسد به این که نقطه مقابل او را تأیید کنند؟!

❖ نگذارید به نام امر به معروف و نهی از منکر فساد ایجاد نمایند

البته جوان حزب‌اللهی هم باید باهوش باشد. باید چشم‌هایش را باز کند و نگذارد کسی در صفوف او رخنه کند و بنام امر به معروف و نهی از منکر، فساد ایجاد نماید که چهره حزب‌الله را خراب کند. باید مواظب باشید. این، به عهده خودتان است. من یقین دارم - و تجربه‌های این چند سال هم نشان داده - تا نیروهای مؤمن حزب‌اللهی برای انجام کاری به میدان می‌آیند، یک عده عناصر بدلی و دروغین، بانام این‌ها در گوشه‌ای فساد ایجاد می‌کنند تا ذهن مسؤولین را نسبت به نیروهای مؤمن و حزب‌اللهی و مردمی چرکین کنند. مواظب باشید. مسئله امر به معروف و نهی از منکر، مثل مسئله نماز است. یاد گرفتنی است. باید بروید یاد بگیرید. مسئله

در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشورا ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳

دارد که کجا و چگونه باید امر به معروف و نهی از منکر کرد؟

❖ امر به معروف و نهی از منکر زبانی مهم‌تر است

البته من عرض می‌کنم - قبلاً هم گفته‌ام - در جامعه اسلامی، تکلیف عامه مردم، امر به معروف و نهی از منکر با لسان است؛ با زبان. اگر کار به برخورد بکشد، آن دیگر تکلیف مسئولین است. آنها باید وارد شوند. اما امر به معروف و نهی از منکر زبانی، مهم‌تر است. عاملی که جامعه را اصلاح می‌کند، همین نهی از منکر زبانی است. به آن آدم بد کار، به آن آدم خلاف کار، به آن آدمی که اشاعه فحشا می‌کند، به آن آدمی که می‌خواهد قبح گناه را از جامعه برد، مردم باید بگویند. ده نفر، صد نفر، هزار نفر! افکار عمومی روی وجود و ذهن او باید سنگینی کند. این، شکننده‌ترین چیزهاست.

❖ بسیجی و مهم‌ترین نقش او در امر به معروف و نهی از منکر

همین نیروهای مؤمن و بسیجی و حزب‌اللهی؛ یعنی همین عامه مردم مؤمن؛ یعنی همین اکثریت عظیم کشور عزیز ما؛ همین‌هایی که جنگ را اداره کردند؛ همین‌هایی که از اوّل انقلاب تا به حال با همه حوادث مقابله کردند، در این مورد مهم‌ترین نقش را می‌توانند داشته باشند. همین نیروهای مردمی، که اگر نبودند - این بسیج اگر نبود، این نیروی عظیم حزب‌الله اگر نبود - در جنگ هم شکست می‌خوردیم؛ در مقابل دشمنان گوناگون هم در این چند سال شکست می‌خوردیم و آسیب‌پذیر بودیم. کارخانه ما را می‌خواستند به تعطیلی بکشاند؛ نیروی حزب‌اللهی از داخل کارخانه می‌زد به سینه‌شان. مزرعه ما را در اوایل انقلاب می‌خواستند آتش بزنند؛ نیروی حزب‌اللهی از همان وسط بیابان‌ها و روستاها و مزارع، می‌زد توی دهانشان. خیابان‌ها را می‌خواستند به اغتشاش بکشند؛ نیروی حزب‌اللهی می‌آمد سینه سپرمی کرد و در مقابلشان می‌ایستاد. جنگ هم که معلوم است! این، آن نیروی اصلی کشور است. نظام اسلامی متکی به این نیروست. اگر مردم؛ یعنی همین نیروهای مؤمن و حزب‌اللهی، با نظام باشند، با دولت باشند - که هستند بحمدالله - اگر این نیروی عظیم و این نیروی بزرگ شکست‌ناپذیر



مردمی در کنار مسئولین و پشت سر مسئولین باشد - که بحمدالله هست هیچ قدرتی نمی تواند با جمهوری اسلامی مقابله کند. دشمنان ما، از این می ترسند.

❖ بسیجیان امید امریکا و صهیونیست ها را از جمهوری اسلامی به کلی قطع کنند

در تبلیغات جهانی، بلندگوهای آمریکایی و صهیونیستی، الآن مدتی است که جمهوری اسلامی ایران را به نظامی گری افزایش سلاح متهم می کنند! می گویند: «ایران سلاح های کشتار جمعی دارد! این ها سلاح های اتمی درست می کنند! از فلان جا کلاهک اتمی آورده اند!» حرف هایی که هر عاقلی در دنیا، اگر تأمل کند، می فهمد دروغ است. بمب اتم چیزی است که بشود بی سروصدا از یک کشور به کشور منتقلش کرد؟! می فهمند دروغ است؛ می دانند دروغ است؛ شایعه درست می کنند. برای این که از نظام اسلامی چهره ای بسازند که گویی با صلح و استقرار صلح در دنیا مخالف است. یکی از تلاش های خباثت آمیز امریکا و صهیونیست ها علیه جمهوری اسلامی، این است. من می گویم: شما اشتباه کرده اید. شما اشتباه کرده اید که خیال کرده اید قدرت جمهوری اسلامی در این است که در داخل، بمب اتمی فراهم کند یا بسازد. این ها نیست. اگر این بود که جمهوری اسلامی حالا بخواهد مثلاً یک بمب اتمی درست کند، صدهایش را کشورهای بزرگ دارند. اگر کسی با بمب اتم می تواند بر کسی پیروز شود، امریکا و شوروی سابق و بقیه قدرت های خبیث دنیا، تابه حال صدبار جمهوری اسلامی را از بین برده بودند. چیزی که به یک نظام قدرت می دهد، بمب اتم نیست. قدرت نظام اسلامی - که امریکا و شوروی سابق و بقیه قدرت های ریزودرشت عالم تا امروز نتوانسته اند و نخواهند توانست با آن مقابله کنند - قدرت ایمان نیروهای حزب الله است. جمهوری اسلامی باید این نیرو را حفظ کند. این قدرت عظیم را باید حفظ کند. شما جوان ها باید دائم در صحنه باشید. باید دائم نشان دهید که جمهوری اسلامی آسیب ناپذیر است. نیروی مؤمن بسیج و نیروهای حزب اللهی در سرتاسر کشور و آحاد مؤمن در این کشور، باید کاری کنند که امید امریکا و صهیونیست ها و بقیه قدرت های دشمن از جمهوری اسلامی به کلی قطع شود. امیدواریم خداوند متعال، شما جوان های مؤمن و فداکار و باتقوا را محفوظ بدارد و

ان شاء الله قلب مقدّس و لیعصر ارواحنا فداه از همه شما خوشود باشد. ان شاء الله با قدرت ایمان و حضور شما، همه کید و توطئه‌های دشمن، خنثی شود.

و السّلام علیکم و رحمة الله و برکاته.



بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان بسیج ۲۸/۸/۱۳۷۱

۱. بسیج یعنی توانایی ایستادگی در مقابل دشمنان
۲. روحیه و معرفت بسیجی باید فراگیر شود
۳. ارتباط معنوی و صمیمی با خدا مایه اصلی کار بسیج
۴. اساس بسیج بر معرفت و آگاهی
۵. ضرورت حفظ و افزایش بصیرت
۶. سیاست آینده امریکا
۷. ملت‌های دنیا با اسلامند
۸. خاصیت جهاد و روحیه بسیجی
۹. ضرورت شناسایی ترفندهای دشمن
۱۰. در مقابل وسوسه‌های شیطان مقاومت کنید
۱۱. تقوا بهترین سلاح بسیج
۱۲. تضرع و دعا را رها نکنید
۱۳. مسجد پایگاه بسیار مهم برای بسیج
۱۴. باوجود بسیج قدرت‌های مادی عالم قادر به شکست ایران نیستند
۱۵. مسئولین قدر بسیجی‌ها را بدانند



بسم الله الرحمن الرحيم

❖ بسیج یعنی توانایی ایستادگی در مقابل دشمنان

اولاً به همه برادران و خواهران بسیجی عزیز، به مناسبت شرکت در این اجتماع و مراسم این هفته، خوشامد عرض می‌کنم و امیدوارم خداوند متعال، شما جوانان عزیز و مؤمن را مشمول برکات خاصه خود قرار دهد.

درباره بسیج و این هفته، چند مطلب اصلی هست. یک مطلب درباره خود بسیج است؛ که در حقیقت بسیج عظیم ملت ایران، مظهر شخصیت ذاتی و ملی آن است. چون بسیج به این معناست که جوانان ملت و عناصر کاری ملت، در میدان‌های سخت، احساس کنند که به امید خدا و با توکل بر او، دارای چنان قدرت و توانایی هستند که می‌توانند در مقابل دشمنان بایستند. این، معنای بسیج است. وقتی که بسیج را با نظر تحلیلی و دقیق نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که میدان نبرد نظامی، تنها میدان حضور بسیج نبود. این، کار خدا بود که بسیج ملت ایران بتواند در سخت‌ترین میدان‌ها که همان میدان جنگ است، چنان قدرتی از خود نشان دهد که دیرباورترین افراد هم قبول کنند که ملت ایران دارای توانایی است.

دشمنان در طول سال‌های متمادی، خیلی زحمت کشیده‌اند تا به ما ملت بفهمانند و بیاورانند که قادر نیستیم از خودمان دفاع کنیم؛ قادر نیستیم شخصیت خودمان را نشان بدهیم و قادر نیستیم در معادلات جهانی، نقش ایفا کنیم. اقلای یکی دو قرن، تلاش استعمار این بود که ایرانی را از صحنه فعالیت همه‌جانبه جهانی خارج کند. وقتی انقلاب پیروز شد و همه دنیا فهمیدند که ملت ایران دارای چنان قدرتی است که می‌تواند یک نظام ظالم و فاسد را کنار بزند و در مقابل



خطرات این کار، که مسئله جنگ بود، با قدرت بایستد؛ در حقیقت شخصیت ملت ایران آشکار شد. و این، به برکت بسیج بود. نیروهای مردمی بودند که در صحنه‌های جنگ توانستند دشوارترین کارها را انجام دهند. و اگر نبودند، بی شک سرنوشت جنگ طور دیگری می شد.

❖ روحیه و معرفت بسیجی باید فراگیر شود

این، سخت ترین میدان‌ها بود. در حقیقت بسیج می تواند در میدان سازندگی هم محور باشد و در میدان علم، مقدم بر دیگران قرار گیرد. بسیج در همه جای کشور حضور دارد. بسیج در دانشگاه، در حوزه، در بین متخصصین، در دستگاه‌های علمی، در میان روحانیون، در روستاها، در شهرها و در طبقات مختلف حضور و نمود دارد و نشان داده است که در حقیقت نمونه کامل ملت ایران است. شاید بشود گفت که در میان یادگارهای ارزشمند باقیمانده از امام عزیز و عظیم القدر ما، یادگاری که از همه بیشتر گسترش دارد، بسیج است. عظیم ترین و ماندگارترین یادگار آن بزرگوار، همین بسیج مردمی است که در همه جا حضور دارد؛ در همه فعالیت‌ها می تواند پیشرو باشد و روحیه بسیجی را نشان دهد. باید هم همین طور باشد. خیلی‌ها می خواستند بعد از تمام شدن جنگ، چنین وانمود کنند که بسیج تمام شد. این، یک تلقین شیطانی بود، که شاید دست‌های دشمن هم در آن بی تأثیر نبود. اما من عرض می کنم که بسیج تمام شدنی نیست. بسیج باید روزبه‌روز توسعه پیدا کند و قوی شود. روحیه بسیجی و معرفت بسیجی باید فراگیر شود، تا این کشور بتواند بار سنگینی را که بر دوش دارد - که همان بار هدایت الهی و سعادت انسان‌هاست - به سر منزل برساند. لذا، بسیج، تمام شدنی نیست.

❖ ارتباط معنوی و صمیمی با خدا مایه اصلی کار بسیج

نکته بعدی این است که بسیج عظیم ملت ایران، دارای خصوصیات است. در همه جای دنیا و در قضایای سخت، آنجاهایی که دولت‌های مردمی باشند، آحاد مردم، بخصوص در جنگ‌ها به کمک دولت‌ها می روند. این را در تاریخ دیده‌ایم. اما این بسیج، با حضور مردم در جاهای دیگر و کشورهای دیگر، فرق‌هایی دارد. یک ویژگی این است که در بسیج ملت ایران، مایه اصلی، ارتباط با خداست. جوان بسیجی یا هر قشری از قشرهای آن؛ یعنی مرد و زن



و پیر و جوان بسیجی، دارای یک ارتباط معنوی و صمیمی با خداست. این، مایه اصلی کار است. آن عاملی که موجب می شود انسان در میدان ها خسته نشود، یاد خداست. آن نیرویی که انسان را در مقابل همه قدرت ها با قوّت کامل نگه می دارد، توکل به خداست. اگر توکل و اعتماد به خدا و ارتباط با خدا بود، حرکت مردمی و بسیجی، حرکتی پایدار و ماندگار خواهد بود. و اگر نبود، یک هیجان و اشتعال در برهه ای از زمان پیدا می شود، ولی باقی نمی ماند و از بین می رود. شما اگر نگاه کنید، در دنیا کشوری را با خصوصیات کشور ایران پیدا نخواهید کرد که توانسته باشد در مقابل آن همه دشمن بایستد، بر آنها غالب شود، موانع را بردارد، راه خود را بگشاید، و در جهت اهداف خود حرکت کند. غالباً در کشورها، در انقلاب ها و در حرکت های عمومی، به خاطر فشارها و معامله گری ها، انحراف پیدا شده است. آن چیزی که تا امروز، این حرکت را در ایران اسلامی این طور مستقیم به سمت هدف هدایت کرده است، همین ایمان شما، ارتباطتان با خدا و روحیه دعا و تضرعی است که در نیروهای بسیجی ما وجود دارد. این، همان دعای کمیلی است که شما مقید بودید و هستید بخوانید. این، همان نماز جمعه های شماست. این، همان توسلات و توجّهات شما به ائمه علیهم السلام است. و این پیوند و رابطه معنوی است که همه چیز را حفظ کرده است. این، یک خصوصیت است که در جاهای دیگر نیست، و باید آن را حفظ کنید.

❖ اساس بسیج بر معرفت و آگاهی

مطلب بعد این است که اساس بسیج در جمهوری اسلامی، بر آگاهی است. در اینجا نظام جمهوری اسلامی هرگز نخواست است عده ای بیایند و چشم هایشان را ببندند و با اطاعت کورکورانه و بی خبر از آنچه که اتفاق می افتد، به میدان بروند و اسلحه ها را بکشند و بنای جنگیدن بگذارند. این را ما نخواستیم. جمهوری اسلامی و امام این جمهوری - رضوان و رحمت خدا بر او - عکس این حرکت کردند. ملت ما با آگاهی راه افتاد، میدان را انتخاب کرد و در آن میدان جنگید. کسانی که در جبهه های نبرد، در هشت سال جنگ تحمیلی و قبل از آن و مقداری بعد از آن ایستادند و جنگیدند، علی بصیرة جنگیدند. فهمیدند که چه می کنند، با چه



کسی می‌جنگند، چرا می‌جنگند و از چه دفاع می‌کنند. جوانان بسیجی ما، اگر شهری بودند، اگر روستایی بودند، اگر علی‌الظاهر مدرک تحصیلی نداشتند، اگر دانشگاهی نبودند، اگر متخصص عالی‌رتبه نبودند - هر که بودند - مکرر در مکرر از زبان‌شان شنیدیم که «ما برای خاک همی‌جنگیم؛ ما برای یک وجب زمین نمی‌جنگیم؛ ما برای اهداف و آرمان‌هایمان همی‌جنگیم.» این، همان معرفت است.

❖ ضرورت حفظ و افزایش بصیرت

من می‌خواهد عرض کنم: جوانان عزیز! بسیجیان عزیز! هر جای کشور که هستید، این بصیرت را روزبه‌روز زیاد کنید. نگذارید بعضی از نیازهای مادی و مسائل کوچک، جلو بصیرت‌ها را بگیرد. بصیرت‌تان را حفظ کنید و دشمنان را بشناسید. دشمن، ترفندهای گوناگون دارد؛ و آن ملتی موفق می‌شود که فریب نخورد. دشمن سعی می‌کند آرزوهای انقلابی را در نظر یک ملت مؤمن، کوچک کند. سعی می‌کند نیازهای مادی و کوچک را در نظر او بزرگ کند. نیاز مادی هم نیاز است، اما از جان که بالاتر نیست! ملتی که در راه خدا، جان برایش نثار کردنی است، آنجایی که میدان مبارزه با دشمن است، نیازهای دیگر چه تأثیری می‌تواند داشته باشد؟! شما الآن نگاه کنید! سیاست‌های امروز و دیروز دنیا را مشاهده کنید! ببینید چه هنگام بوده است که علیه این نظام مقدس اسلامی، توطئه‌هایی در آستین استکبار و استبداد جهانی نباشد؟ آنها از شیوع اسلام می‌ترسند. علناً اظهار می‌کنند که احساسات انقلابی اسلامی، در کشورهای اسلامی رو به گسترش است. خود ما هم این را می‌بینیم. این، یک واقعیت است. امروز ملت ایران یک ملت منزوی نیست. به کشورهای گوناگون در دنیا، مثلاً به قلب اروپا نگاه کنید و از کسانی که به آنجا رفته‌اند پرسید و بشنوید که چطور ملتی مثل ملت بوسنی هرزگوین که در محاصره دشمنان انسانیت قرار گرفته است، به نام شما جوانان ایرانی، شعار می‌دهد و چطور از شما، در بستن پیشانی‌بندها تقلید می‌کند! ببینید چطور احساس کرده است که راه، آن راهی است که شما رفتید و باید همان راه را برود تا دشمن را شکست دهد! این، احساسات اسلامی است که روزبه‌روز گسترش پیدا می‌کند. کانون این احساسات، همین کشور



مقدس اسلامی شما بود و الآن هم هست. از این روست که استکبار، به طور مداوم برنامه ریزی می کند. برنامه هایش هم برنامه هایی است که انسان اگر با بصیرت نگاه کند، می تواند آنها را بشناسد.

❖ سیاست آینده امریکا

من احساس می کنم امروز سیاست های امریکا، برای این که مشکل خود را با کشورهای عربی و مسئله فلسطین حل کند، بر این است که به دولت های عرب منطقه این طور حالی کند که «اگر می خواهد با کسی یا جایی دشمنی کنید، آن، اسرائیل نباید باشد. بروید سراغ ایران!» بر این است که به آنها حالی کند «ما - که امریکا باشیم - از شما کشورهای منطقه حمایت می کنیم؛ مشروط بر این که جبهه خود را به طرف ایران بکشاید و دیگر با اسرائیل کاری نداشته باشید!» سیاست جدید حکومت امریکا، حمایت از صهیونیست های غاصب است. برای حفظ اعراب منطقه هم، راهش این است که به اعراب منطقه، چنین تفهیم کنند که «اگر سلاح می خواهد، اگر حمایت می خواهد، اگر کمک می خواهد، دیگر نباید با اسرائیل کاری داشته باشید. بروید و مسئله تان را با اسرائیل حل کنید. اگر می خواهد با کسی مبارزه کنید، معارضه کنید، تعارض لفظی داشته باشید، تبلیغات منفی داشته باشید؛ بروید سراغ جمهوری اسلامی و با آن مبارزه کنید!» طبق آنچه که از قرائن فهمیده می شود، این سیاست آینده امریکا است. البته، برای ملت ایران، بعد از تجربه های چهارده ساله، این تهدیدها بی ارزش است. آن روزی که امریکا و شوروی علیه جمهوری اسلامی با یکدیگر همدست بودند، این ملت ایستاد و با کمال قدرت مبارزه کرد. چه وقت بوده است که دو قدرت - آن روزی که در سطح جهان بودند - علیه جمهوری اسلامی با یکدیگر همدست نبوده باشند؟! آن وقتی که امریکا و شوروی با یکدیگر همدست بودند، کشورهای مرتجع طرفدار امریکا هم، چه در کمک به عراق و چه در شکل های دیگر، مقابل جمهوری اسلامی ایستادند و معارضه کردند و جمهوری اسلامی هم، با قدرت ایستاد. این ملت آن روز از تهدیدها نترسید؛ امروز که جای خود دارد!



❖ ملت‌های دنیا با اسلام‌اند

این که حالا چند دولت و کشور را از این طرف و آن طرف دنیا وادار کنند که رادیوهایشان را علیه جمهوری اسلامی تجهیز کنند، برای ما اهمیتی ندارد. این ملت، ملتی قوی است. این ملت، ملت پول‌دینی است. این ملت، ملت مجرّبی است. مسؤولینی که امروز بر این مملکت خدمت و حکومت می‌کنند، کسانی هستند که امواج چهارده، پانزده ساله را از سر گذرانده‌اند. این‌ها که از چیزی نمی‌ترسند! نگرانی من از این است که مبدا دولت‌های عرب منطقه، فریب آمریکا را بخورند. آنها باید به فکر خودشان باشند. دولت‌های عرب منطقه اگر به این نصیحت شیطانی آمریکا گوش فرا دهند، فاصله خودشان را با ملت‌های خودشان، باز هم زیاده‌تر می‌کنند. ملت‌ها با ما هستند، ملت‌ها با اسلام‌اند، و به نام جمهوری اسلامی شعار می‌دهند. شما ببینید در کشور مصر، یک عده جوان مسلمان، یک عده مردم مسلمان، می‌ایستند و شعار اسلامی می‌دهند و هیچ ارتباطی هم بر حسب ارتباطات معمولی انسانی، بین آنها و مردم ما نیست. اما به قدری شعارهای آنها به شعارهای ما نزدیک است، که رئیس‌جمهور بدبخت روسیاهشان می‌گوید «این‌ها از طرف ایران تحریک شده‌اند!» ما چه ارتباطی با آنها داریم؟ آنها مسلمان‌اند. خود آنها شعار قرآن می‌دهند. خود آنها هستند که احساس می‌کنند باید در راه خدا حرف بزنند، فریاد بکشند و حرکت کنند؛ مثل همان فریادی که ملت ایران در دوران طاغوت علیه آمریکا و علیه استکبار و استبداد جهانی کشید و باز هم می‌کشد

❖ خاصیت جهاد و روحیه بسیجی

ملت‌ها دلشان با جمهوری اسلامی است و افرادی غافل و روسیاه، خیال می‌کنند که این‌ها تحریک شده ایران‌اند. چه تحریکی؟! ما چه کار داریم که ملت‌های دیگر را تحریک کنیم؟ ما شعار اسلام می‌دهیم؛ ما پرچم اسلام را بلند می‌کنیم، و هر کس که در دلش شعله اسلام هست، به‌طور طبیعی دور این پرچم جمع می‌شود. ما چه وقت رفتیم در بوسنی هرزگوین تبلیغ جمهوری اسلامی را بکنیم؟ ببینید آنجا پرچم جمهوری اسلامی چقدر عزیز است! هر جا که ملّتی به نام اسلام سربلند کرد و زبان باز کرد، بلاشک بدانید آنجا نام ملت ایران، نام عزیز و



محترمی است. این، خاصیت مبارزه شماس. این، خاصیت جهاد و فداکاری شماس. و این، خاصیت همان روحیه بسیجی شماس. موضوع این است!

❖ ضرورت شناسایی ترفندهای دشمن

بصیر باشید در شناسایی دشمن. بصیر باشید در شناسایی ترفندهای دشمن. ببینید دشمن چطور می‌خواهد جمهوری اسلامی را در سطح جهان بد معرفی کند، یا با شکل‌های غلط معرفی کند! البته موفق که نمی‌شود. تبلیغات دشمن، انصافاً تبلیغات حساب‌شده‌ای است. این را باید قبول کنیم. پول خرج می‌کنند؛ میلیاردها دلار خرج می‌کنند، برای این که بتوانند حرفی را جعل کنند که وقتی این حرف بر بال امواج رادیوهایشان قرار گرفت و با یکی دو واسطه به گوش فردی از ملت ایران رسید، در دل او اثر کند. چقدر دروغ‌ها همین‌طور درست کردند! این‌ها متخصصینی برای این‌طور کارها دارند. لذا هدفشان را باید فهمید. هدف آنها این است که ما را از اسلام جدا کنند؛ ملت را از مسئولین جدا کنند؛ ملت را از انقلاب دلسرد کنند؛ ملت را از آینده جهاد و دفاعش ناامید کنند؛ ملت را از میدان و مرکز صحنه مبارزه عقب بزنند. البته باید بدانند که هرگز در این خواستن‌ها، موفق نخواهند شد.

❖ در مقابل وسوسه‌های شیطان، مقاومت کنید

مطلب بعدی و مطلب آخر، مربوط به خود شما بسیجیان عزیز است. قرآن به ما می‌گوید: «و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون^۱». یعنی سست نشوید، غمگین نشوید، شما بالاتر از دیگران هستید. به دنبال این جمله، قیدی دارد: «ان کنتم مؤمنین»؛ اگر مؤمن باشید. همه این حرف‌هایی که زدیم، مربوط به آن وقتی است که رابطه ما با خدا خوب باشد؛ مربوط به آن وقتی است که شما جوانان عزیز، باتقوا باشید؛ مربوط به آن وقتی است که شما زن و مرد، سعی کنید دینتان را حفظ کنید؛ در مقابل جاذبه‌های گناه، تسلیم نشوید و در مقابل وسوسه شیطان، مقاومت کنید. شما می‌توانید و امتحان کردیم که شما می‌توانید. بالاترین وسوسه‌های شیطان، وسوسه حفظ نفس است. چقدر شما در زیر گلوله باران‌های پی‌درپی دشمن و آتش‌های انبوهی که دشمن،

در جنگ بر سر تان می ریخت، جلو رفتید و نترسیدید! پیکر مطهر و مبارک رفیقان را دیدید که پهلوی شما افتاد و شهید شد، اما شما جلو رفتید. شیطان در اینجاها وسوسه بسیار قوی‌ای دارد. شیطان می ترساند؛ «یخوف^۱ اولیاءه». اما نتوانست شمارا بترساند. نتوانست شمارا در قبضه و تصرف خود بگیرد و در مقابل گناه هم نخواهد توانست.

❖ تقوا بهترین سلاح بسیج

بدانید امروز یکی از سلاح‌های دشمنانی که مرگ بر آنها می گوید، این است که در مقابل جوانان ما دانه پاشند - دانه گناه، دانه جاذبه‌های گناه، جاذبه‌های فساد - تا بلکه بتوانند آنها را جذب کنند. نفس قوی باید بایستد و تسلیم این جاذبه‌ها نشود. مراقب باشید! جوانان بسیجی ما مؤمن‌اند، مطهرند، پاک‌اند. اما ممکن است در میان آنها افرادی پیدا شوند که روح قوی نداشته باشند و تسلیم ترفند دشمن و شیطان گردند. اینجا، تقوا به درد می خورد. تقوا یعنی این که دائم مراقب خودمان باشیم و نگذاریم که اشتباه کنیم. یکی از سلاح‌های ما، دعاست؛ «لایملک الّا الدّعاء»^۲. ما دعا راداریم؛ سلاح دعا راداریم؛ سلاح تضرع راداریم و سلاح بکاء راداریم. ما از ترس، هیچ وقت گریه نمی کنیم. از هیچ کس و هیچ قدرتی در دنیا نمی ترسیم. اما بزرگ‌ترین افتخار برای یک انسان مؤمن این است که در مقابل عظمت خدای خود، اشک بریزد؛ به حال خود گریه کند؛ بر گناهان خود و بر عمری که در گناه گذشته است، تأسف بخورد.

❖ تضرع و دعا را رها نکنید

پیش خدا تضرع کنید و همه چیز را با تضرع، از خدا بخواهید. این بازوی قوی، این اراده نیرومند و پولادین، با دعاست که کارایی پیدا خواهد کرد. در میدان جنگ هم، پیغمبر اکرم و امیرالمؤمنین علیهما السلام دعا کردند و با تضرع از خدای متعال خواستند. امام عزیز ما هم در جنگ دعا می کرد. دل ما به دعا‌های آن بزرگوار و دعا‌های مؤمنین و صالحین، قرص بود.



(۱) آل عمران: ۱۷۵

(۲) مفاتیح الجنان: دعای کمیل

دعاها را رها نکنید. همه چیز را با دعا بخواهید. ما برای مردم محروم و مظلوم بوسنی هرزگوین، هرچه از دستان برآید، کمک می کنیم. کمک کردیم و باز هم می کنیم. اما من می گویم: برایشان دعا هم بکنید. دعاهم باید کرد. انسان با تضرع و از اعماق دل می تواند برای آنها دعا کند.

❖ مسجد پایگاه بسیار مهم برای بسیج

خودسازی باید بکنید. مساجد را رها نکنید. نیروی مقاومت بسیج، بهترین جایی که دارد، همین مساجد است. منتها مساجد را مسجد نگه دارید. با امام جماعت مسجد، با عبادت کنندگان مسجد و با مؤمنینی که در مسجدند، برادرانه صمیمی باشید - که بحمدالله هستید - و آن را حفظ کنید و بیشتر کنید. اول وقت، نماز را به جماعت، پشت سر پیش نماز هر مسجدی که در آن هستید، بخوانید. در مراسم دینی مسجد و تبلیغات آن شرکت کنید. در مراسم دعا و قرآن و مراسم مذهبی شرکت کنید. شما و امام جماعت آن مسجد - هر کس که هست - مشترکاً مسجد را حفظ کنید. برای مسجد، جاذبه درست کنید تا بچه ها، جوانان و زن و مرد محله، معجذب مسجد شوند که شما در آن هستید و بیایند. مسجد، پایگاه بسیار مهمی است.

❖ باوجود بسیج قدرت های مادی عالم قادر به شکست ایران نیستند

آخرین نکته این که، به خدای متعال، با همه وجودتان توکل کنید. من با همه وجود و با همه قلب عرض می کنم: بدانید که اگر قدرت امریکا و همه قدرت های مادی عالم دست به دست هم بدهند و بخواهند باوجود بسیجیان مؤمن ما، این نظام اسلامی را شکست دهند، واللّه قادر نخواهند بود.

❖ مسئولین قدر بسیجی ها را بدانند

مسئولین عزیز کشور هم، قدر بسیجی ها را بدانند. بحمدالله خودش آن هم بسیجی هستند. رئیس جمهور عزیز ما، یک بسیجی است؛ بسیجی میدان جنگ دیده، خطر کشیده، کتک خورده انقلاب و یک بسیجی حقیقی. بقیه مسئولین هم، بحمدالله هر یک، کم و بیش حظ و سهمی از بسیجی و بسیجی گری دارند.



قدر بسیجی‌ها را باید بدانند. در داخل هر دستگاه و هر وزارتخانه‌ای، آن انسانی را که دارای روحیه بسیجی است، باید عزیز بشمارند. در دستگاه‌های گوناگون دولتی، کسی که دارای روحیه بسیجی است؛ متخصص بسیجی، پزشک بسیجی، دانشجوی بسیجی، روحانی بسیجی، مدیر بسیجی، کارمند بسیجی، هرجایی که هست، بایستی عزیز و گرامی داشته‌شود. با این وضعیت، به فضل پروردگار، این یادگار عزیز امام امت، همیشه برای این ملت خواهد ماند و برکات خود را به این ملت خواهد داد.

امیدوارم که خداوند به همه شما کمک کند و نور هدایت را در دل‌های شما قرار دهد.
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.



بیانات در جمع فرماندهان بسیج و نیروی دریایی سپاه ۵/۳/۱۳۷۲

۱. جگونگی قبول عبادت
۲. معراج المؤمن، بالاترین خواص نماز
۳. نهی از فحشاء و منکر، بزرگ‌ترین خاصیت نماز
۴. چیزهای حیوانی برای انسان جاذبه دارد
۵. نماز نیروی باز دارنده از گناه
۶. استخوان‌بندی درست نماز
۷. نماز، فرصت ملاقات با خدا
۸. ترقی معنوی، تقرب الهی است
۹. دل تاریک خود را با نور حضور الهی منور کنیم
۱۰. توجه به معانی دعای عرفه
۱۱. ضرورت معنویت همراه با معرفت سیاسی

بسم الله الرحمن الرحيم

از دیدار شما برادران عزیز - هم برادران نیروی دریایی ، هم فرماندهان مقاومت ، هم برادران بسیج دانشجویی ، خیلی خوشحالم ؛ انشاء الله نماز را از شما قبول بفرماید.

❖ چگونه قبول عبادت

قبول عبادت ، یک چیز بی منطق و کتره یی نیست ؛ هر چیزی قبول نمی شود . نمی شود ما یک فلز را که طلا نیست ، در دستگاهی که خوراک و مصرف آن طلاست ، بیندازیم و آن دستگاه که درست هم کار می کند ، آن مس یا آن حلبی ما را مثل طلا مصرف کند ! این که نمی شود ، باید در آن دستگاه ، یا در آن آزمایشگاه ، طلا انداخت ، تا فایده مطلوب را ببخشد . نمی شود آن ماده ای که جنبه تغذیه برای بدن ما را ندارد ، داخل جوف خودمان بکنیم ؛ در داخل بدن ما برود و کاری را بکند که ماده دارای خاصیت تغذیه می کرد . باید چیزی را که درست است به دستگاه داد .

❖ معراج المؤمن، بالاترین خواص نماز

بله ، می شود از کرم و فضل الهی انتظار داشت که اگر کمی و کسری دارد ، آن را به فضل خود ندیده بگیرد ؛ این می شود ، اما باید نماز داد ، تا نماز تحویل گرفته بشود و به اصطلاح قبول بشود . اگر آن چیزی که نماز است را دادیم ، خواص خیلی زیادی دارد که بالاترین آن خواص ، معراج المؤمن است ، یعنی شما که مؤمن هستید ، عروج می دهد ، یک رکعت نماز به قدر یک رکعت شما را عروج خواهد داد - بی بروبر گرد - اگر دیدیم عروج نکردیم ، باید

بدانیم یک رکعت را به جا نیاوردیم؛ آن چیزی که به جا وردیم، آن معراج نبود. این مهم ترینش است.

❖ نهی از فحشاء و منکر بزرگ ترین خاصیت نماز

البته یک خاصیت بزرگ دیگر هم دارد که آن به درد ما آدم‌های متوسط می‌خورد و آن «تنهی عن الفحشاء و المنکر» است. «تنهی عن الفحشاء»، یعنی نهی می‌کند و به ما می‌گوید فحشاء و منکر را انجام نده. این چیز خیلی مهم و مفیدی است. انسان احتیاج به یک واعظ دایمی دارد.

❖ چیزهای حیوانی برای انسان جاذبه دارد

این امکانات - پول، مقام، تسهیلات، راحتی، لذت، خور و خواب، خانه خوب، تجملات خود انسان و زن و بچه‌های انسان، شکم پر و بدن بی‌زحمت - برای انسانی که طبیعتش حیوان است، جاذبه است ما خوب می‌دانیم دیگر، انسان یکی از حیوانات است؛ منتهی حیوان ناطق است، حیوان عاقل است؛ اما در هر حال حیوان است. این چیزهای حیوانی برای ما جاذبه دارد؛ خدای نکرده به آن طرف سرازیر می‌شویم. طرفش هم سرازیری است؛ در سرازیری هم انسان راحت‌تر از سربالایی حرکت می‌کند؛ ولو انسان را در سرازیری به باتلاق، و در سربالایی به قله خواهند رساند؛ اما آن اولی آسان‌تر است. یک نیرو، باید دائم به ما بگوید که پست نشو، تنزل نکن، لغزش پیدا نکن، به طرف پایین نرو؛ دایم باید بگوید!

❖ نماز نیروی باز دارنده از گناه

آن نیرو چیست؟ نماز! اگر نماز را با توجه خواندید، شمارا نهی می‌کند، نه اینکه اگر نماز خواندیم، دیگر گناه نمی‌کنیم؛ نه، این برداشت درستی نیست. بلکه اگر نماز خواندیم، این واعظ الهی و معنوی را همیشه دم گوش خودمان داریم، لذاست که برادران و خواهران - من اول خواهران را ندیده بودم، ذکر نکردم عقب تشریف دارند، نماز را قدر بدانید و در بحبوحه‌ی اشتغالاتان هم نماز را از یاد نبرید و سعی کنید آن را درست انجام بدهید.

❖ استخوانبندی درست نماز

درست بودن نماز هم به طولانی بودن رکوع و سجده و اذکار زیاد و اینها نیست - البته کسی دوست داشت و توفیق پیدا کرد، هر چه بهتر - استخوانبندی درست نماز، یعنی شما وقتی می‌گویید « الحمد لله رب العالمین » ؛ « ایاک نعبد و ایاک نستعین » ، اهدانا الصراط المستقیم ..، حقیقتاً با خدا در حال گفتگو باشید، با خدا حرف بزنید این جور نباشد که انسان یک ورد را بر زبان جاری می‌کند، بدون آنکه به معنای آن توجه داشته باشد؛ این فایده ندارد. مثل - فرض کنید - دبستان‌های کودکان که سرودی را یاد گرفته‌اند، تا هر روز بخوانند؛ حواسشان هم پرت است، دارند آن را هم می‌خوانند - حفظ کرده‌اند - این جوری نباشد.

❖ نماز، فرصت ملاقات با خدا

نه، شما هر وعده نماز، با یک نفر روبرو هستید، در حضور او و در حضور شعاع نورانی او واقع می‌شوید و او خداست. و هر وعده‌ای از نماز، فرصتی به شما داده می‌شود که با او ملاقات می‌کنید و حرف بزنید. اگر می‌خواستیم خود ما آن حرفی را که می‌خواستیم بزنیم، انتخاب کنیم، نمی‌توانستیم به آن خوبی که نماز جمع و جور شده است انتخاب بکنیم؛ ما چیزهای دیگر می‌خواستیم و حرف‌های دیگری می‌زدیم. بهترین و مفیدترین و موردنیازترین چیزهایی که ما هر وعده با خدا داریم، این به صورت سوره حمد و یک سوره از قرآن و اذکار نماز، جمع و جور کرده‌اند و به شما داده‌اند. هر وعده، وقتی در محضر پروردگار عالم قرار می‌گیرید، همین نسخه را با خدا بگویید؛ با او حرف بزنید؛ او را تسبیح و مدح کنید و از او بخواهید. این شمارا بالا خواهد برد.

❖ ترقی معنوی، تقرب الهی است

شما به این احتیاج دارید که ترقی معنوی کنید و ترقی معنوی و تقرب الهی است که همه گره‌های شمارا باز خواهد کرد. یک گره کوچک در کار شما باقی نخواهد ماند البته اگر برای شما شرح بدهند که چه جور « و من یتق الله يجعل لهو مخرجاً » و درست ملتفت شویم؛ ما درست ملتفت هم نمی‌شویم؛ می‌گوییم چه ارتباطی بین تقوا و فلان مشکل درسی، یا مشکل

خانوادگی، یا مشکل با پدر و مادر، و با همسرو با اداره و با پول است؟! این‌ها چه ارتباطی باهم دارد؟ این یکی از آن رازهاست؛ وقتی انسان وارد شد، می‌فهمد که مشکل‌ها چطور باز می‌شود. یعنی آنچه که امروز برای ما یک مشکل به حساب می‌آید، بعد می‌بینیم که اصلاً مشکل نبوده است و ما خیال می‌کردیم یکی از مشکلات است، این را می‌یابیم و می‌فهمیم.

فرضاً کودک شما می‌خواهد به مدرسه برود، صبح که نگاه می‌کند، می‌بیند که گوشه یک ورق از کتابش یک‌ذره پاره شده است؛ مثل کوهی در دل او یک غصه قرار می‌گیرد؛ مشکل به این بزرگی! گوشه کتابش یک‌ذره، پاره شده است. هر کاری بکنید که به او بفمایند این که مشکلی نیست. این که مسئله‌ای نیست، این که در هیچ چیزی تأثیر ندارد، او ملتفت نیست، اما شما که از او بالاترید، می‌بینید اگر همه این ورق هم کنده می‌شد، اصلاً مشکلی نبود. تقوا ما را به اینجا می‌رساند؛ چشم را باز و دل ما را نورانی می‌کند.

❖ دل تاریک خود را با نور حضور الهی منور کنیم

برادران و خواهران! ما برای اینکه بتوانیم این بار سنگینی را که خدای متعال بر من و شما منت نهاده و بر دوش ما گذاشته است، حمل بکنیم و به سر منزل برسانیم - که اگر رساندیم، بزرگ‌ترین سعادت برای ما و برای بشر دوران ما خواهد بود - باید این دل تاریک را با آن نور حضور الهی، نور ذکر، نور تضرع، نور دعا، نور طلب و نور تسلیم در مقابل پروردگار، منور کنیم.

❖ توجه به معانی دعای عرفه

روز عرفه نزدیک است؛ بعد از ظهر این یک روز، یکی از آن ساعات بهشت است - البته اگر ما بتوانیم آن را درک بکنیم - بیخود نیست که شخصیتی مثل حسین بن علی (ع) با آن عظمت، آن نصف روز را با آن دعا صرف می‌کند! حتماً سعی کنید به معانی این دعا توجه کنید دقت کنید ببینید چه می‌گوید. نه اینکه بنشینید روی آن فکر کنید؛ این‌ها فکر کردن نمی‌خواهد؛ فقط وقتی حرف می‌زنید، ببینید دارید با مخاطبی سخن می‌گویید و معانی آن کلمه را بفهمید که چیست و دعای امام سجاد (س) در روز عرفه مثل شرح دعای امام حسین (ع) است؛ گویی

این پسر، تعلیقی، تبیین و شرحی بر کلمات پدر در ذیل دعا و با زبان دعا نوشته است؛ هر کدام طعمی دارد.

❖ ضرورت معنویت، همراه با معرفت سیاسی

بنده آرزویم این است که بچه‌های بسیج، این جور بار بیایند. شما برادرانی که مسئولان پایگاه‌های مقاومت هستید، همچنین آن برادرانی که در دانشگاه‌ها، یا در حوزه، یا در دبیرستان‌ها و امثال آن با بسیج، سروکار دارند، باید کوشش کنند جوان بسیجی را به این سمت بکشانند؛ به سمت معرفت همراه با روشن‌بینی - هم در زمینه سیاسی، هم توجه به پروردگار و پیمودن راه کمال - اگر معرفت سیاسی نباشد، هر چه که انسان بار معنوی هم داشته باشد، ممکن است یکجا آن را اشتباهی خرج کند!

إن شاء الله خداوند همه‌ی شمارا موفق و مؤید دارد و عبادات و عمل شمارا مقبول خودش قرار دهد؛ اگر إن شاء الله طبق برنامه و مقررات، عمل کنید آن هم عبادت بزرگی است. إن شاء الله خداوند شمارا بر آنها موفق کند و آنها را از شما قبول کند.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

بیانات در جمع بزرگ سپجیان تبریز ۸/۵/۱۳۷۲

۱. از دیدار با بسیجیان آذربایجان بسیار خرسندم
۲. بسیاری از سپاهیان برجسته‌ی و سرداران لشکر عاشورا بسیجی بودند
۳. نظام مردمی، انقلاب مردمی، دولت مردمی، دفاع مردمی
۴. معنای بسیج و بسیجی
۵. بسیجیان انسان‌های باارزش
۶. نیروی بسیجی، یک جمع عظیمی از اقشار مختلف
۷. روحیه، لباس و سلک بسیج را از دست ندهید
۸. بسیجیان هیچ زورگویی و گردن‌کلفتی را از هیچ قدرتی در دنیا تحمل نمی‌کنند
۹. پیش‌قدم در میدان‌های گوناگون
۱۰. جمهوری اسلامی از موضع قدرتمندانه خود کوتاه نخواهد آمد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله ربّ العالمين و الصّلاة و السّلام على سيّدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمّد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين الهداة المهديين المعصومين المكرمين المظلومين و المجاهدين في سبيل الله و الشّهداء باموالهم و انفسهم.

❖ از دیدار با بسیجیان آذربایجان بسیار خرسندم

برای بنده بسیار موجب مسرّت است که امروز با جمع بسیجیان عزیز آذربایجان، این دیدار باصفا و صمیمیت را داشته باشم. حقیقتاً نقطه‌ی روشن عشق و محبت ما عبارت است از عنصر عزیز و بی‌همتای بسیج. و بنده در فکر این بودم که در یک جمعی از بسیجیان شرکت بکنم و علاقه‌ی خودم و امید خودم به بسیج را یک‌بار دیگر روبه‌رو با آنها در میان بگذارم.

❖ بسیاری از سپاهیان برجسته‌ی و سرداران لشکر عاشورا بسیجی بودند

الحمد لله که آنچه می‌خواستیم، در تبریز پیش آمد. تبریزی که مرکز شور و عشق و مجاهدت فداکارانه است و بسیج تبریز همان عنصر باارزشی است که در قالب لشکر عاشورا به‌طور عمده و شاید بعضاً در غیر آن، در میدان نبرد در طول سال‌های جنگ تحمیلی آن‌کاره‌ای درخشان را انجام دادند. بسیاری از سرداران لشکر عاشورا هم بسیجی بودند. سپاهیان برجسته‌ی ما هم، همه در درجه‌ی اوّل بسیجی هستند؛ بسیج عظیم مردمی افتخار آفرین جمهوری اسلامی، آن‌هم در بخش تبریز و با آن سابقه‌ها و خاطرات پرشکوه. این است که بنده از این دیدار بسیار خرسندم.



❖ نظامِ مردمی، انقلابِ مردمی، دولتِ مردمی، دفاعِ مردمی

آقایان و خواهران، بسیجیان عزیز! یک نکته‌ی اساسی این است که انقلاب اسلامی از آغاز شروع نهضت اسلامی یک انقلاب مردمی بود. نهضت اسلامی هم نهضت مردمی بود. انقلاب هم که شروع شد، انقلاب مردمی بود. جنگ را هم که بر ما تحمیل کردند، دفاع ما دفاع مردمی بود. امروز هم هرگاه برای نظام اسلامی خدای نخواستہ مشکلی پیش بیاید، باز حل آن مشکل، حل مردمی است. کل نظام جمهوری اسلامی هم که بر دوش آحاد مردم قرار دارد. خب، پس نظامِ مردمی، انقلابِ مردمی، دولتِ مردمی، دفاعِ مردمی؛ این عنصر مردمی در نظام جمهوری اسلامی یک عنصر اصلی است. وقتی این مطلب را قبول کردیم و درست دانستیم، آن وقت معلوم می‌شود که آن نیروی دفاع کننده و رزمنده‌ای که از دل مردم برمی‌خیزد، چقدر برای جمهوری اسلامی دارای ارزش و دارای اهمیت است. همه چیز مردمی است.

❖ معنای بسیج و بسیجی

بعضی‌ها می‌خواهند برای بسیج یک تعریف نظامی ذکر بکنند. البته بسیج یک عنصر نظامی است و یک بخشی از مجموعه‌ی نظامی کشور و نیروهای مسلح کشور است؛ بخصوص که با تشکیل نیروی مقاومت مردمی -- که یکی از پنج نیروی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است - این معنا روشن تر و واضح تر هم هست؛ ولی من می‌خواهد این را عرض بکنم که خصوصیت بسیج این است که متکی به آحاد مردم کشور است؛ بسیج یعنی این. بسیجی یعنی آن فردی از افراد ملت که در هنگام بروز حادثه در صف جلو قرار دارد؛ این معنای بسیجی است. همیشه در میان یک ملت با ارزش ترین افراد آن ملت، آن کسانی هستند که در هنگام خطر و بخصوص خطرهای بزرگ، حضورشان محسوس تر است، ملموس تر است.

❖ بسیجیان انسان‌های باارزش

آن‌هایی که بر سر سفره غذای رنگین، جمع می‌شوند و می‌نشینند، اما وقتی خطری متوجه بشود، گم‌اند، آنها انسان‌های بی‌ارزشی هستند. آن کسانی که در [طول] هشت سال که این ملت در خون و آتش گذرانید، ده‌ها شهر کشور موردتهاجم هوایی و بمباران دشمن قرار گرفت و

میلیون‌ها نفر از آحاد این مردم به مرور در این هشت سال در قالب نیروهای بسیجی به این میدان‌های جنگ رفتند و برگشتند و چقدر شهید شدند، دامنش آن‌هم به دریای جنگ و خطر تر نشد، آدم‌های سست‌عنصری هستند. البته بعضی‌ها نمی‌توانند، قادر نیستند، آن بحث دیگری است. نظام جمهوری اسلامی بعضی‌ها را نمی‌گذارد به میدان جنگ بروند؛ آن‌ها را نگه می‌دارند. بودند کسانی که ما در هنگام جنگ به آن‌ها می‌گفتم به میدان جنگ نروید، چون با شما در پشت جبهه کار دیگری داریم. اما آن کسی که عذری ندارد، مشکلی ندارد، و در سرنوشت دشوار ملت خود، خود را سهم نمی‌کند، او آدم سست‌عنصری است. در نقطه‌ی مقابل، آن کسانی که در طول این هشت سال به میدان نبرد رفتند یا عزیزان خود را فرستادند - مثل همین مادران رزمندگان و همسران رزمندگان و بعضی پدران رزمندگان که این‌ها خودشان نمی‌توانستند به جبهه بروند، اما عزیزانشان را به میدان جنگ فرستادند - در معیارهای الهی و حتی در معیارهای انسانی باارزش و پیشرفته‌هم، از ارزش والایی برخوردارند. شما بروید در مقابل هر یک از آدم‌های باانصافی که در هر جای دنیا زندگی می‌کنند، بگویید یک ملّتی دچار یک آزمایش بسیار دشوار هشت ساله شده است و این آقا از اوّل آمادگی خودش را اعلام کرده است و بعضی ده ماه، بعضی بیست ماه، بعضی پنجاه ماه، بعضی صد ماه رفتند در این جبهه ایستادند، جنگیدند یا عزیزانشان را فرستادند، قضاوت تو نسبت به این شخص چیست؟ آن کسی که می‌خواهد قضاوت کند، لازم نیست مسلمان باشد، لازم نیست با ما دوست باشد. همین قدر که باانصاف باشد، خواهد گفت این یک انسان باارزشی است که برای کشور خود و ملّت خود و ارزش‌های خود و ناموس خود و شرف خود و دفاع مشروع به میدان جنگ می‌رود و جان خود را در معرض خطر قرار می‌دهد. این را همه آدم‌های باانصاف عالم، تصدیق می‌کنند.

❖ نیروی بسیجی، یک جمع عظیمی از اقشار مختلف

اما امروز یک توطئه‌ی تبلیغاتی بسیار رذالت‌آمیزی احساس می‌شود در رسانه‌های صهیونیستی و استکباری عالم که می‌خواهند عناصر بسیجی و عناصر حزب‌الله در کشور ما را با



تعریف‌های غلط و دروغین معرفی کنند. این‌ها - گردانندگان این رسانه‌ها - حتی از کمترین شرف و انصاف هم برخوردار نیستند. بسیجی بودن افتخار است؛ حزب‌اللهی بودن افتخار است؛ حزب‌اللهی یعنی آن عنصری که در مقابل مشکلات سینه سپر می‌کند و احساس مسئولیت می‌کند؛ این بهتر است یا آن کسی که هیچ مسئولیتی در مقابل مسائل کشور خودش و جامعه‌ی خودش قائل نیست و تنها همین [را] بلد است که به شکم خود و لذائذ خود و جیب خود برسد و پردازد. تبلیغات مسموم جهانی می‌خواهد این جور وانمود بکند که بسیج، یک جمع کوچکی از جامعه‌ی ما است؛ و این خلاف است، زیرا که نیروی بسیجی، یک جمع عظیمی است در کشور سرافراز و سربلند ایران. ما بحمدالله از همه‌ی قشرهای کشورمان - از کارمندان دولتی واداری، و خواهران و زنان - بسیجی و نیروی حزب‌اللهی داریم؛ دکتر حزب‌اللهی، دانشجوی حزب‌اللهی، روحانی حزب‌اللهی، کارگران حزب‌اللهی، روستاییان و کشاورزان حزب‌اللهی، عناصر پیشه‌ور و کسبه‌ی حزب‌اللهی و بسیجی. ما شخصیت‌های برجسته‌ای از لحاظ علمی و از لحاظ تشخص در بین ملت ایران که افتخار می‌کنند که بسیجی‌اند و حزب‌اللهی‌اند، هم داریم؛ ما استاد دانشگاه داریم، حزب‌اللهی و بسیجی؛ آن‌هم نه کم، تعداد قابل توجهی. زنانی متخصص در رشته‌های گوناگون دانش داریم، حزب‌اللهی و بسیجی؛ و مردانی بامعلومات، آگاه، بامعرفت، هوشمند، دارای فهم و بیش سیاسی و برخوردار از فرهنگ بالا و بسیجی و حزب‌اللهی داریم. حزب‌اللهی بودن و بسیجی بودن یعنی همان روح بیداری و هوشیاری و آمادگی.

❖ روحیه، لباس و سلک بسیج را از دست ندهید

من می‌خواهد به شما بسیجی‌های تبریز و آذربایجان و همه بسیجی‌های کشور عرض بکنم که روحیه‌ی بسیج را و لباس بسیج را و سلک بسیج را از دست ندهید؛ و نظام جمهوری اسلامی در قضایای گوناگون متکی به نیروی بسیجی شما است. بسیجی‌ها، آموزش‌هایشان را باید تقویت کنند. گردان‌های عاشورا و گردان‌های مقاومت بایستی سازماندهی را تقویت کنند،



سازماندهی صحیح و مستحکم پیدا کنند؛ و این یک ارزش است برای هر یک فردی از افراد که در یک چنین مجموعه‌هایی عضو باشند.

❖ بسیجیان هیچ زورگویی و گردن‌کلفتی را از هیچ قدرتی در دنیا تحمل نمی‌کنند

ما امروز بحمدالله در شرایطی هستیم که دشمنان ما از اینکه جنگی را بر ما تحمیل کنند، می‌ترسند. این کار را هم شما کردید؛ شما بسیجی‌ها، شما نیروهای مسلح؛ سپاه و ارتش و بسیج و عشایر و رزمندگان ما و بقیه‌ی نیروهایی که همیشه در میدان جنگ بودند و کاری کردند که همه‌ی قدرتمندان دنیا می‌دانند که جمهوری اسلامی خودش پیش‌قدم برای جنگ نمی‌شود؛ ما طرفدار صلحیم، ما پیام‌آور صلحیم، چون که اسلام پیام‌آور صلح است. ما طرفدار شروع جنگ نیستیم؛ اما همه این را هم دانسته‌اند که جمهوری اسلامی و ملت سرافراز و بسیجیان شجاع آن هیچ تحمیلی را، هیچ زورگویی و گردن‌کلفتی را از هیچ قدرتی در دنیا تحمل نمی‌کنند. خوب است سردمداران بعضی کشورهای استکباری که دوست دارند مرتب جمهوری اسلامی را و ملت ایران را تهدید کنند، این درس را از ملت ایران و از بسیجیان ما خوب یاد بگیرند و بدانند ایران و نظام جمهوری اسلامی و این ملت سرافراز تهدید پذیر نیست.

❖ پیش‌قدم در میدان‌های گوناگون

در میدان اقتصادی هم تا آنجایی که می‌توانید، شما باید پیش‌قدم باشید؛ در میدان فرهنگ هم باید پیش‌قدم باشید؛ امر به معروف و نهی از منکر یک واجب عمومی است؛ اما در این میدان هم شما باید پیش‌قدم باشید و [این] وظیفه‌ی بزرگ را بر دوش بگیرید؛ وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ. ^۱ آن امت در میان جامعه‌ی اسلامی شما هستید. بسیج یک ذخیره‌ی تمام‌نشده‌ی برای انقلاب اسلامی است و این ذخیره را باید روزه‌به‌روز بیشتر کنید. مِنَ الْبَنَةِ تَوْصِيَةُ مَوْكَّدٍ دِيْغَرِي هَمْ دَارْم و آن، رسیدگی به فکر و اندیشه و معلومات است. در هر سطحی که هستید، با کتاب و با معلومات و مانند این‌ها به‌طور

(۱) آل عمران ک بخشی از آیه ۱۰۴

دائم باید انس داشته باشید. این، بسیجی نمونه و کامل است.

❖ جمهوری اسلامی از موضع قدرتمندانه خود کوتاه نخواهد آمد

امروز جمهوری اسلامی در صحنه‌ی سیاست جهانی یک خصوصیات مخصوص به خود دارد که همه‌ی دنیا هم آن را با این خصوصیات می‌شناسند. مهم‌ترین این خصوصیات عبارت است از استقلال و اتکا به خود. جمهوری اسلامی تابع هیچ کس نمی‌شود. در قضیه‌ی فلسطین آمریکا بازور و تهدید و تطمیع و مانند این‌ها توانست بسیاری از کشورها را وادار به سازش کند؛ اما جمهوری اسلامی همان موضع قدرتمندانه و همیشگی خود را که امام بارها اعلام کردند، حفظ کرده است: نابودی اسرائیل؛ و ما از این موضع کوتاه نخواهیم آمد. ما از مبارزان فلسطین و مبارزان مسلمان لبنان و همه‌ی مسلمانانی که از حقّ خود و حقّ مشروع خود دفاع می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم، آنها را به حق می‌دانیم. متأسفانه دست ما آن قدری باز نیست که بتوانیم پشتیبانی مادی و مالی بکنیم، امکانش برای ما نیست؛ اما پشتیبانی معنوی و سیاسی خود را از همه‌ی مسلمانان در هر نقطه‌ی دنیا که هستند، قطع نمی‌کنیم. مسلمان‌ها نیروی عظیمی هستند و متأسفانه در بسیاری از بخشه‌ای دنیا مورد تهاجم و ستم‌اند. و من آینده را بسیار روشن می‌بینم؛ بنده امیدوار هستم که به فضل الهی در آینده‌ای که شاید ان شاء الله چندان دور هم نباشد، ملت مسلمان و قهرمان ایران بتوانند باز هم عزّت جهانی خود و عزّت مسلمین را بیش از پیش بکنند.

خیلی خوشحالم از اینکه امروز این توفیق را پیدا کردیم که شما عزیزان بسیجی را در اینجا ملاقات کنیم. به خانواده‌های عزیز شهدای شما و به جانبازان عزیزی که در مجموعه‌ی حاضر تشریف دارند، و بخصوص به آزادگان سلام می‌فرستم و برای همه‌ی شما عزیزان آرزوی توفیق می‌کنم و امیدوارم که وجود مقدّس ولی عصر (ارواح‌نافه) شمارا مشمول ادعیه‌ی زاکیه‌ی خودشان قرار بدهند و روح مقدّس امام از شما شاد باشد.

و السّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۳۰/۸/۱۳۷۲

۱. نعمت بزرگ بسیج عنایت خدای متعال به مردم انقلابی
۲. تاریخچه بسیج فراموش نشدنی است
۳. شکست ایران در ادوار گذشته در برابر تهاجمات دشمنان
۴. ناکامی کشورهای اسلامی در برابر تهاجمات دشمنان
۵. پیوند دائمی مردم با مرکزیت نظام؛ عامل پیروزی‌های بزرگ ملت ایران
۶. علت شکست‌های گوناگون در تاریخ
۷. حاصل پیوند و ارتباط مستحکم نیروی عظیم مردمی با مرکزیت نظام
۸. قدرت ایستادگی ایران در برابر استکبار ناشی از پیوند مسئولین با مردم
۹. یک معیار برای شناخت خط دشمن، ضعیف کردن پیوند بین مسئولین و آحاد ملت است
۱۰. دشمن را نباید کوچک تر یا بزرگ تر از آنی که هست گمان کرد
۱۱. قدرت واقعی، قدرت ملت‌هاست
۱۲. دشمنان بر ما تسلط و نفوذ ندارند
۱۳. دل‌های پاک و صاف و نورانی بسیجی‌ها را از آسیب تبلیغات دشمن محفوظ نگه‌دارید
۱۴. سلام مخلصانه به همه بسیجیان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

❖ نعمت بزرگ بسیج، عنایت خدای متعال به مردم انقلابی

خدای متعال را سپاسگزاریم که الحمدلله نعمت بزرگ بسیج را به مردم انقلابی و مؤمن ما عنایت فرمود. برای این که درباره موضوع بسیج که یک موضوع بسیار مهم در انقلاب و برای مردم ماست، و امروز بحمدالله چهارده سال از تشکیل این نهاد مقدس و این شجره طیبه گذشته است، یک روشن بینی برای آحاد مردم در این زمینه به وجود آید، چندجمله ای عرض می کنیم.

❖ تاریخچه بسیج فراموش نشدنی است

درباره بسیج، یک تاریخچه وجود دارد. که مربوط به گذشته است. یکی هم آینده بسیج است. یک مقدار هم وظایفی است که بر دوش ما و همه آحاد ملت است که باید ان شاء الله انجام دهیم. آنچه مربوط به تاریخچه بسیج است، به گمان بنده، چیزی است که هرگز در تاریخ کشور بزرگ پر حادثه ما فراموش نخواهد شد. یعنی در یک جنگ چندساله طولانی - نمی شود گفت هشت ساله؛ چون قبل از این هشت سال هم، نیروی مردمی بسیج، در میدان بود. بعد از آن هم، تا امروز بوده است - یک نیروی عظیم مردمی وارد میدان شد، و همه معادلات را به زیان حسابگران سیاسی و نظامی دنیا بر هم زد. این نیروی مردمی همان نیروی بسیج است. نیروهای مسلح ما - اعم از سپاه یا ارتش - خیلی زحمت کشیده اند و خدمات بزرگی انجام داده اند. اما بنده به جرئت می توانم ادعا کنم: اگر حضور مردمی نبود؛ اگر نیروهای بسیج نبودند که در طول این سال های متمادی، از خانه ها و مدرسه ها و کارخانه ها و ادارات و شهرها و روستاها و از سنین مختلف و از زن و مرد، به سمت صحنه ها و میدان هایی که به آنها نیاز بود،



سرازیر شوند، نه در جنگ قادر می‌شدیم از کشور، آن‌چنان که شایسته است، دفاع کنیم و نه در صحنه‌های دیگری که تا امروز تقریباً هر لحظه در مقابل دشمنان داشتیم، می‌توانستیم آن قدرت ملی خودمان و پایداری جمهوری اسلامی را به همه دنیا ثابت کنیم. این، بسیج بود که چنین قدرتی را به ما داد. این تاریخچه چندین ساله؛ چه آنچه که در میدان جنگ نظامی اتفاق افتاده است و چه آنچه که در صحنه‌های دیگر - مثل همین صحنه‌های تظاهرات مختلف و حضور عظیم مردم در همه صحنه‌های گوناگون - اتفاق افتاد، واقعاً - تا امروز که ما باهم صحبت می‌کنیم - به گمان من، به رشته تحریر و گزارش کشیده نشده است. یعنی خیلی کتاب باید نوشت. خیلی تصویر و نقاشی و عکاسی و فیلم و نمایش و داستان و بقیه نشانه‌های آثار هنری باید به کار بیفتد، تا بتواند عظمت این حضور مردم و تأثیر آن را برای کسی که به چشم خودش ندیده است، نشان دهد. من و شما هم که به چشم خودمان دیده‌ایم، وقتی گزارشی از جایی که در آنجا نبوده‌ایم به ما می‌دهند، می‌بینیم بسیاری از نکات از دیدمان پنهان بوده است. وقتی بناست حرکتی در جبهه علیه دشمن انجام گیرد، شما می‌بینید آن کسانی که باید سلاح به دست گیرند، از همه اطراف سرازیر می‌شوند. آن‌هایی که باید این سلاح به دستان را آموزش دهند، از هر جا که هستند و می‌توانند، حضور پیدا می‌کنند. آن‌هایی که باید این سلاح به دستان را به صف مقدم برسانند، با وسایل نقلیه خودشان حضور پیدا می‌کنند و این وظیفه را انجام می‌دهند. آن‌هایی که باید این گروه را پشتیبانی کنند و برایشان غذا و لباس و وسایل آسایش و تغذیه فراهم آورند، از همه جای این کشور، مشغول می‌شوند: خانه‌ها به خیاط خانه و حسینه‌ها و مسجدها به آشپزخانه تبدیل می‌شود تا این گروه مسلحی را که راه افتاده‌اند و به جبهه رفته‌اند، پشتیبانی کنند. آن‌هایی هم که هیچ کدام از این کارها را نمی‌توانند انجام دهند، می‌آیند برای قهرمانانی که در وسط صحنه‌اند، دعا می‌کنند. برای آنها شعار می‌دهند و آنها را تقویت روحی می‌کنند. اگر ایمان و شور و شوق نباشد، مگر می‌شود چنین وضعیتی را برنامه‌ریزی کرد؟! این، ایمان مردم بود. این، شور و شوق مردم بود. این، امید مردم بود.



❖ شکست ایران در ادوار گذشته در برابر تهاجمات دشمنان

اینجا یک نکته وجود دارد و آن این است که ملت ایران - جمعیت و توده مردم - همیشه بوده است. اما چرا در ادوار دیگر تاریخ، این اتفاق نیفتاد که در مقابل حوادث عظیم اجتماعی این طور مردم یکسره بریزند و با حضور خود، یک معضل اجتماعی را حل کنند؟ البته نمی‌گوییم در گذشته، هیچ وقت اتفاق نیفتاده است. چرا! وقتی که حادثه مهلکی پیش آمده است، غالباً مردم ما، وقتی احساس کرده‌اند که این تکلیف دینی است - که البته این تکلیف دینی را هم بایستی رهبران دینی و علمای دین به آنها می‌گفتند - راه افتاده‌اند و دفاع کرده‌اند. ما قضایای متعددی را در تاریخ گذشته - چه در ماجرای مشروطه، چه قبل از آن، چه بعد از آن و چه در جنگ‌ها - داریم. اما چرا یک حضور همگانی از همه جای کشور، با این استقامت، با این روشن‌بینی؛ آن‌هم به مدت چند سال، در گذشته دیده نشده بود؟ چرا در طول این یکی دو قرن گذشته - شاید از دویست سال پیش به این طرف - ایران در همه جنگ‌هایی که با همسایگان خود و دیگران داشته، شکست خورده است؛ مگر در همین جنگ تحمیلی هشت ساله که از همه جنگ‌هایی که ملت ایران در این مدت با آن مواجه شد، سخت‌تر و طولانی‌تر بود؟ این، سابقه ندارد. در جنگ‌های ایران و روس در زمان فتح‌علی‌شان، ما شکست خوردیم. در جنگ هرات شکست خوردیم. در جنگ بین‌الملل دوم، آن وقت که متفقین وارد کشور ما شدند، شکست خوردیم. در این مدت، هر کدام از همسایگان، در هر جا از این کشور، تحرک و تجاوزی کردند، ما در مقابل تجاوز آنها شکست خوردیم. اما در این جنگ هشت ساله که تقریباً تمام قدرت‌های نظامی دنیا با یکدیگر همدست شدند و کشوری را علیه ما بسیج نمودند و به ما حمله کردند، ما آنها را شکست دادیم. شکست نخوردیم، و پیروز شدیم. چرا؟ عین همین مطلب، در سایر کشورها هم هست. این‌ها را می‌گوییم تا فکر کنید و پاسخ درست سؤال را پیدا کنیم، تا بشود با یک فهم عقلانی درست، با هدایت عقلانی و محاسبه دقیق، راه آینده را پیدا کرد. همچنان که به فضل الهی، ملت ایران تا امروز، همین گونه حرکت کرده است.



❖ ناکامی کشورهای اسلامی در برابر تهاجمات دشمنان

به کشورهای دیگر نگاه کنید: مردم سایر کشورهای اسلامی هم مسلمان‌اند. نمی‌شود گفت که مردم فلان کشور، دین و ایمان درستی ندارند. حال اگر در بعضی کشورها، بر اثر بعضی عوامل، مردم دچار سستی ایمان باشند و برخی عادات غیردینی داشته باشند، این یک حرف دیگر است. اما ایمان مردم، در غالب کشورهای اسلامی، ایمان عمیقی است و می‌شود شواهد این را پیدا کرد. در همین کشورهای آسیای مرکزی، که در آنها حدود هشتاد سال علیه دین کار کردند، باز هم می‌بینید هنوز مردم علاقه دینی دارند. در خیلی از کشورها، نماز مردم، روزه مردم - یعنی چیزهایی را که فهمیده‌اند دین آنها را از آنان می‌خواهد - درست انجام می‌شود. اما همان مردم، در مقابل تهاجم فرهنگی دشمنان، در مقابل تهاجم سیاسی دشمنان، در مقابل تهاجم اقتصادی کمپانی‌های استکباری دنیا و - اگر روزی پیش آید - در مقابل تهاجم نظامی دشمنان، هیچ کاری از دستشان بر نمی‌آید. چرا؟ چرا کشورهای بزرگ و پرجمعیتی که در منطقه خاورمیانه هستند و بعضی از همین کشورهای پرجمعیت که با رژیم متجاوز صهیونیست همسایه‌اند، نمی‌توانند این غده سرطانی را علاج کنند.

❖ پیوند دائمی مردم با مرکزیت نظام، عامل پیروزی‌های بزرگ ملت ایران

علت چیست؟ علت، همان چیزی است که موجب شده بود ملت بزرگ ایران باوجود دین و ایمانش، تا قبل از برهه انقلاب - در دوران‌های قبل - در همه قضایایی که برایش پیش آمد، دچار ناکامی شود. علت، در همه جا، یکی است. علت این است که ملت ما از آن خصایص ممتازی که در طول این هشت سال از آنها برخوردار بود، در گذشته برخوردار نبود. امروز هم متأسفانه بسیاری از کشورهای مسلمان دیگر، از آن برخوردار نیستند. اما ملت ما، در طول سال‌های بعد از انقلاب، از آن برخوردار بود. آن چیست؟ این، یک نکته اساسی است. این، عامل پیروزی‌های بزرگ و کامیابی ملت ایران است. یعنی ارتباط این توده عظیم مؤمن - این جوانان، این مردان وزن‌ها و قشرهای مختلف - با آن مرکزیت و رهبری الهی ایمانی که با همه وجود در راه هدف‌های اسلامی تلاش می‌کرد و مردم را در آن راهی که بایستی حرکت



می کردند، هدایت می کرد. وجود یک رهبری، یک مرکزیت و یک دستگاه هدایت، که در امام بزرگوار ما - آن مرد حکیم و معنوی - مجسم شده بود. او بود که به این توده عظیم مسلمان مؤمن متعهد ما راه نشان می داد. به مردم می گرفت که باید با چه کسی مبارزه کنند. مردم را دعوت می کرد به این که دلشان را با خدا مرتبط کنند و به خدا توکل نمایند. به مردم هشدار می داد که چگونه در مقابل دشمن خود را مجهز و آماده نگهدارند که دشمن نتواند آنها را فریب دهد. هر وقت لازم بود، آنچه را که دانستن آن برای مردم لازم بود به مردم می گرفت. پشت سر امام هم، دستگاه اداره کننده کشور، یعنی نظام جمهوری اسلامی بود. اما قضیه، به شخص امام منحصر نمی شود. مبدا کسی خیال کند که در نظام جمهوری اسلامی، توده های عظیم مردم، فقط باید با شخص رهبر در ارتباط باشند و دستگاه اداره کننده کشور به عنوان یک پدیده، در جذب و هدایت و راهنمایی و راه اندازی نیروی مردم و پشتیبانی آنها نقشی ندارد! نه؛ این اشتباه است. برای همین بود که شما می دیدید که امام بزرگوار، بارها و بارها از مسئولین رسمی کشور حمایت و پشتیبانی می کردند.

البته اگر در مسئولین کشور، یک وقت خدای ناخواسته انحرافی پیدا می شد، امام بزرگوار هشدار می داد، و این، یک وظیفه است. اما آن مرکزی اتی که من می گویم «توده مردم و بسیج عمومی مردم با آن متصل است»، عبارت است از مرکزیت نظام جمهوری اسلامی. یعنی در نظام اسلامی ما، مردم - این توده عظیم - نسبت به مسئولین کشور که محورش مسئولین و نقطه مرکزی آن هم شخص امام بزرگوار و رهبر است، یک پیوند دائمی باهم دارند. این، آن چیزی است که عامل پیروزی های جمهوری اسلامی تا امروز بوده است. به این، توجه داشته باشید.

❖ علت شکست های گوناگون در تاریخ

من، چندی قبل عرض کردم: علت شکست های گوناگون در تاریخ، این است که مردم، گاهی قدرت تحلیل را از دست می دهند. هر جا مردم نتوانستند درست تحلیل کنند، آنجا نقطه خطرناکی است. آنجا، جایی است که ممکن است دشمن ضربه را وارد کند.



❖ حاصل پیوند و ارتباط مستحکم نیروی عظیم مردمی با مرکزیت نظام

من می‌خواهد به شما عزیزانم و به شما فرزندان و برادران بسیجی خودم، این نکته را عرض کنم که این را سر رشته یک تحلیل طولانی و همیشگی قرار دهید تا دشمن را بشناسید و بفهمید دشمن، امروز چه کار می‌کند. وقتی در یک نظام، مسئولینی - عده‌ای که یک کشور بزرگ مثل ایران را اداره می‌کنند - متکی به آحاد مردم هستند؛ به این نیروهای زنده و پرنشاط؛ به این جوانانی که خطر را در مقابل هدف‌های خودشان به هیچ می‌انگارند؛ به این دل‌های سرشار از شور و شوق و عشق به هدف والا؛ همین‌هایی که جنگ هشت ساله را اداره کردند؛ همین‌هایی که امروز اگر ما در مقابل استکبار جهانی با قدرت می‌ایستیم، به خاطر این است که به ایستادگی این نیروی عظیم در داخل کشور اعتماد و اطمینان داریم؛ وقتی که بین این نیروی عظیم با مرکزیت کشور، با مسئولین کشور، با دستگاه اداره کننده کشور، با رهبر، با دولت، پیوند و ارتباط مستحکم باشد، اداره کنندگان چنان قدرت روحی پیدا می‌کنند که در مقابل فشارها و تحمیلات جهانی بگویند «نه»؛ تا استکبار نتواند بر آنها چیزی را تحمیل کند. کما این که امروز آمریکایی‌ها و بقیه قدرت‌های ظالم و غاصب، بر خیلی از دولت‌ها تحمیل می‌کنند. هم آنها قدرت پیدا می‌کنند، هم نیروی مردم در راه مصالح کشور به کار می‌رود. اراده‌های مردم، مشتهای گره کرده مردم، در راه استقلال و آباد شدن کشور و در راه آزاد زیستن و عزت ملت به کار می‌افتد. و کدام عزت برای یک ملت از این بالاتر، که هیچ قدرتی نتواند آن را ابزار دست و وسیله برای رسیدن به خواست‌های خودش قرار دهد؟! این، برای یک ملت، از هر عزتی بالاتر است.

❖ قدرت ایستادگی ایران در برابر استکبار ناشی از پیوند مسئولین با مردم

امروز قدرتمندان عالم، آن قدر وقیح شده‌اند، آن قدر روحیه استکبار در درون ناپاکشان قوی شده است که صریحاً می‌گویند فلان دولت، فلان کشور و فلان رژیم، باید برای منافع ما کار کند! شما کی هستید؟! شما چه کاره هستید که در مسائل فلان کشور آسیایی یا آفریقایی یا هر نقطه دیگر دنیا دخالت می‌کنید؟! شما اگر خیلی آدم‌های خوبی باشید؛ اگر مردم کشورتان



پشت سر شمایند، باید کشور خودتان را اداره کنید. به شما چه که در مسائل فلان کشوری که در یک نقطه دیگر عالم است، دخالت می کنید؟! این «به شما چه» را متأسفانه دولت ها و ملت ها و دستگاه های اداره کننده دنیا، صریحاً، مثل یک مشت توی صورت دستگاه استکبار نمی زنند؛ و الا استکبار این قدر پررو نمی شد. اما ملت ایران، در مقابل مستکبرین و زورگوها و پرروها، این قدرت را دارد که با مشت توی صورت آنها بکوبد. این قدرت را، مسئولین جمهوری اسلامی، از اول انقلاب تابه حال، از پیوند با مردم به دست آوردند و مردم از پیوند با مسئولین، و همه از اتکای به خدا و الهام گرفتن از تعلیمات قرآن مقدس و آیات الهی.

❖ یک معیار برای شناخت خط دشمن، ضعیف کردن پیوند بین مسئولین و آحاد ملت است

شما به تبلیغات جهانی نگاه کنید! به تبلیغات داخل کشور هم نگاه کنید! به اظهارات افراد هم نگاه کنید! این، یک معیار است. هر گفتار و هر صدایی که سعی می کند پیوند بین دستگاه مرکزیت نظام جمهوری اسلامی و آحاد ملت را ضعیف کند، مال دشمن است. بروبرگرد ندارد! هر دستگاه و هر صدا و هر گفتار و هر قلمی که سعی می کند دل های مردم را نسبت به حرکت مرکزیت نظام جمهوری اسلامی دچار تردید کند، مردم را متزلزل کند و در شک بیندازد، مال دشمن است. هرچند ممکن است خودش هم نداند. آن کسی که می نویسد، ممکن است خودش هم ملتفت نباشد چه می نویسد. ممکن است تحت تأثیر یک احساسات غلط آنی، حرفی بزند یا چیزی بنویسد؛ اما درنهایت و بلاشک، به تحریک دشمن یا به سود دشمن است؛ مال دشمن است. همه قلم ها و گفتارها و دست ها و تلاش هایی که سعی می کنند این یکپارچگی و وحدت عمومی ملت را درراه دفاع از منافع جمهوری اسلامی و دفاع از منافع ملت ایران خدشه دار کنند، مال دشمن اند. چون ما از همین طریق یکپارچگی بود که توانستیم دشمن را به زانو درآوریم. هر سخنی، هر نوشته ای، هر دستگاهی که کوشش کند چهره امام بزرگوار را - ولو امروز که آن بزرگوار به ملکوت اعلی پیوسته است - مخدوش کند؛ کارهای او را زیر سؤال ببرد؛ تصمیماتی که روزی ملت ایران را به اوج اعتبار در سطح جهانی رساند امروز مورد «آیت و لعل» قرار دهد، بدانید مربوط به دشمن است. آن نفسی، آن قلبی و آن



گفتاری حقّ است که سعی می کند پیوندها را میان آحاد مردم، میان مردم و دستگاه‌های اداره کننده کشور، میان مردم و اصول دین، میان آحاد مسئولین کشور با یکدیگر و میان ارگان‌ها مستحکم کند. سعی می کند در دل‌های مردم نسبت به آینده، امید ایجاد کند و به مردم ثابت نماید و بفهماند که نیروی عظیمی مثل نیروی ملت ایران، وقتی که به عشق الهی و به ایمان و اعتقاد به خدا و مکتب اسلام منور شده باشد، و وقتی که این دست‌ها و بازوها با یکدیگر گره خورده باشد، این قدرت را دارد که همه دشمنان را عقب بزند و ملت و کشور را به همان شکلی که شایسته یک ملت اسلامی است بسازد. حرف آن کسی حقّ است که در دل‌ها امید ایجاد می کند، قدم‌ها را مستحکم می کند، ذهن‌ها را روشن می کند، پیوندها را مستحکم می کند، ایمان‌ها را مستحکم می کند و قدرت دشمن را مورد مبالغه قرار نمی دهد.

❖ دشمن را نباید کوچک تر یا بزرگ تر از آنی که هست گمان کرد

البته دشمن را نباید کوچک تر از آنی که هست گمان کرد؛ چون انسان آن وقت ضربه خواهد خورد. اما نباید هم دشمن را بزرگ تر از آن که هست جلوه داد. یعنی همان کاری که امروز دستگاه تبلیغاتی صهیونیست‌ها و مستکبرین، خودشان انجام می دهند: از امریکا و از قدرت‌ها غولی درست کردند، که اگر کسی تجربه نداشته باشد، خیال می کند به یک اشاره این‌ها، همه جا دود خواهد شد، پودر خواهد شد و از بین خواهد رفت! این حرف‌ها چیست؟! این‌ها اگر قدرت داشتند، روزبه‌روز نهضت اسلامی در دنیا ریشه‌دارتر و پرشکوه‌تر نمی شد! این‌ها در هر جا که دخالت زورمندانه و قدرتمندانه کردند - یا خودشان یا عواملشان - برای خودشان و عواملشان جهنّم سوزان و باتلاقی درست کردند که تا خرخره در آن فرورفتند. نگاه کنید به آنجاها که این‌ها کسانی را بر مردم تحمیل کردند! ببینید در چه وضعیت زشتی به سر می‌برند و در چه گرفتاری‌هایی زندگی می‌کنند!

❖ قدرت واقعی، قدرت ملت‌هاست

قدرت استکبار را نباید مورد مبالغه قرار داد. آنی که به معنای واقعی قدرت است، قدرت ملت‌هاست؛ در صورتی که باایمان به خدای متعال و با آشنایی و معرفت به احکام الهی،



دل‌هایشان محکم و مستحکم شده باشد. وقتی که آحاد ملت، به محوریت و تمرکز مسئولین دلسوز، ایمان و اعتقاد و امید پیدا کرده باشند، این‌هاست که یک قدرت واقعی را تشکیل می‌دهد. و این، همان چیزی است که بحمدالله در کشور ما، از اوّل انقلاب، وجود پیدا کرد: امام بزرگوار در جلو، مسئولین کشور در اطراف ایشان و آحاد عظیم ملت هم، به نور هدایت امام، دل‌هایشان منور شد. هر طرفی که مصلحت این کشور و این ملت ایجاب می‌کرد، به همان طرف متوجه شدند؛ کارهای بزرگ را انجام دادند و به فضل پروردگار، کشور را پیش بردند

❖ دشمنان بر ما تسلّط و نفوذ ندارند

امروز ملت ایران در دنیا عزیز است. امروز ملت ایران به‌عنوان یک ملت بزرگ شناخته شده است. امروز در داخل کشور، اراده خود مردم است که حکومت می‌کند و راه را در مقابل ملت ایران باز می‌کند. امروز دشمنان بر ما تسلّط و روی ما نفوذ ندارند و به فضل الهی، هرگز این نفوذ را پیدا نمی‌کنند. البته تلاش می‌کنند مشکلات درست کنند، گره در کارها بی‌نند، چوب لای چرخ‌های نظام جمهوری اسلامی بگذارند و آنچه که می‌توانند، علیه این کشور و این ملت و مسئولین تبلیغات می‌کنند. اما به فضل پروردگار، باهمت شما مردم، بااراده این ملت، همه این‌ها پوچ خواهد شد. «هَبَاءٌ مَّنْثُورٌ»^۱ خواهد شد و از بین خواهد رفت.

❖ دل‌های پاک و صاف و نورانی بسیجی‌ها را از آسیب تبلیغات دشمن محفوظ نگهدارید

قدر بسیج را بدانید. بسیجی‌ها هم قدر خودشان را بدانند. مسئولین، آحاد بسیج را به‌عنوان شایسته‌ترین افراد ملت ایران برای آن کارهایی که توانایی آن را دارند به حساب بیاورند. جوانان بسیجی، بخصوص شما فرماندهان هسته‌های بسیجی و یگان‌های بسیجی در سراسر کشور که امروز اینجا اجتماع کرده‌اید، قدر این تشکّل و تجمّع الهی را بدانید که بسیار چیز باارزشی است. سعی کنید این جوانان پاکیزه، این جوانان مؤمن، این دل‌های پاک و صاف و نورانی را از آسیب تبلیغات دشمن محفوظ نگهدارید. یکی از کارهایی که دشمن می‌کند این است که این جوانان پاک و پاکیزه و طیب و طاهر ما را دچار آلودگی کند. هزار تلاش می‌کنند تا این



جوانان ما - چه پسران و چه دختران - را آلوده کنند. خودِ جوانان باید اوّل کسانی باشند که در مقابل اغواگری‌ها و شرّ آفرینی‌های دشمن؛ در مقابل تبلیغات هوس‌انگیز دشمن که گمراه‌کننده جوانان است، مقاومت کنند. بعد هم باید فرماندهان و مسئولین بسیج - مسئولین فکری و روحانی - این مواظبت را بکنند. علاوه بر توجّه و مراقبت، با آموزش الهی و دینی و نظامی، با تمرین، با مانورهای لازم، با تشکّل کاملاً مستحکم، با گسترش دادن دستگاه بسیج، مسئولیت سپردن به آحاد بسیجی - از مرد و زن و پیر و جوان - به‌حسب فرصت‌ها و امکانات شغلی که هر کسی دارد، باید ان‌شاءالله بتوانند این نیروها و عناصر زبده بسیجی را در این راه مقدّس و پرافتخار، ثابت‌قدم بدارند.

❖ سلام مخلصانه به همه بسیجیان

بنده لازم می‌دانم به همه بسیجیان عزیز در سراسر کشور، که شما در حقیقت نمایندگان آنها هستید، سلام مخلصانه و دوستانه خودم را ابلاغ کنم. همه ما باید درود بفرستیم به ارواح مطهّر شهدا: شهدای بسیج، شهدای نیروهای مسلّح ارتش، سپاه، نیروی انتظامی و همه شهدایی که در میدان‌های مختلف شربت شهادت نوشیدند و در راه وظیفه جان دادند. همچنین سلام و درود بفرستیم به خانواده‌های این عزیزان شهید و خانواده‌های رزمندگان که مشوّق آنها بودند، و همچنین آزادگان و مفقودالائرهایی که هنوز در اسارت‌اند، و امیدواریم که خبرهای خوشی از آنها به ما و به خانواده‌هایشان آنها برسد، و همچنین به جانبازان و مجروحین و خانواده‌های آنها.

امیدواریم که همه شما و همه این عزیزان مشمول رحمت و لطف پروردگار باشید. بسیار شایسته است که ان‌شاءالله، روزبه‌روز کانون‌های بسیجی گرم‌تر و شوق و استقبال از آنها در میان مردم، بیشتر شود.

و السّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته.



بیانات در دیدار بسیجیان و پاسداران و جهادگران استان مازندران ۱۴/۷/۱۳۷۳

۱. دانشجوی، شایسته‌ترین قشر بسیج
۲. بسیج هم احساسی است، هم عقلایی
۳. منطق بسیج، دوشادوش احساس
۴. بسیج دانشجویی دارای جایگاه کاملاً منطقی
۵. زندگی توأم با سرشکستگی در دوران دیکتاتوری
۶. جوان ایرانی امروز در کشوری پرافتخار زندگی می‌کند
۷. اساسی‌ترین وظیفه جوان دانشجو
۸. یکی بودن مسئولیت و تکلیف در برابر کارها مختلف
۹. زندگی جوانی در زیر سایه اسلام و پرچم قرآن



بسم الله الرحمن الرحيم

❖ دانشجو، شایسته‌ترین قشر بسیج

اگرچه بحمدالله پرچم مبارک بسیج، بر فراز همه‌ی قشرهای جامعه- یا اغلب قشرها - به احتراز درآمده است و این لباس مقدس بر قامت جوانان و مردان و زنان بی‌شماری پوشیده شده و به آن شکوه و عظمت بخشیده است، اما شاید بشود گفت که هیچ قشری به‌قدر قشر جوان دانشجو، شایسته قرار گرفتن در زیر این پرچم مبارک نیست- چه دانشجویان دانشگاه‌ها و چه دانشجویان حوزه علمیه- شاید بشود گفت هیچ اندامی متناسب‌تر با این لباس باشوکت، همچون اندام دانشجویان نیست. چرا؟

❖ بسیج هم احساسی است، هم عقلایی

چون بسیج در ذات و باطن خود، یک حرکت درعین حال عاطفی و منطقی است؛ هم احساسی است، هم عقلایی. احساسی است، زیرا در آن شور عشق و احساس فداکاری، از هر احساس دیگر آشکارتر است؛ و منطقی و عقلایی است؛ زیرا به تشخیص هر عقل سلیم، تنها نیرویی که می‌تواند مرزهای یک کشور را حراست کند و عزت یک ملت را حفظ کند، نیروی مردمی است. نیروی مردمی، حتی اگر قدم در میدان جنگ هم نگذارد، سایه‌اش باید بر سر نیروی نظامی باشد، تا نیروی نظامی بتواند بجنگد. مگر می‌شود، بی مردم از یک کشور، از یک حقیقت و از یک ملت دفاع کرد؟! این هم منطق.

❖ منطق بسیج، دوشادوش احساس

برای کدام یک از کارهای زندگی ما منطقی به این استحکام داریم؟ پس منطق بسیج،



دوشادوش احساس است. جوان، محور همه‌ی خوبی‌هایی است که خدای متعال در روز قیامت نمی‌گذارد هیچ بنده‌ای قدم از قدم بردارد، مگر اینکه چند سؤال از او می‌کند، یکی این است که سرمایه‌ی جوانی را چگونه و کجا خرج کردی؟ خدا سؤال می‌کند؛ به خاطر ارزش این است؛ چون محور و مرکز همه‌ی خوبی‌هاست. مصوب همه‌ی خوبی در وجود شماست؛ با جوانی می‌توانید به اوج نیکی‌ها پرواز کنید. بالاترین قدرت‌های معنوی را مثل قدرت‌های مادی، با جوانی می‌توانید به دست آورید و جوان با این ثروت عظیم، دنبال چیزی می‌گردد که اندیشه و خرد او و درعین حال عاطفه و احساس او را سیراب کند و پاسخگو باشد-البته اگر جوان اندیشمندی باشد- که دانشجویها این جورند.

❖ بسیج دانشجویی دارای جایگاه کاملاً منطقی

بسیج دانشجویی از روز اول، یک جایگاه کاملاً منطقی و حساب‌شده و دارای استدلالی را داشته است. جوانان عزیز- پسرها، دخترها، دانشجویها- این کشور، مال شما و فردای این کشور در دستان شماست. اگر شما در نظامی زندگی می‌کردید که جسم بیمار ناتوان حقیر یک ملت و یک کشور را به شما تحویل می‌داد، تا آن را اداره کنید- هر جایش را که بخواهید اداره کنید- شما احساس سرشکستگی می‌کردید درعین حال هم باید اداره می‌کردید؛ مثل دوران رژیم‌های فاسد که هیچ استدلالی پشت سر آن رژیم‌ها نبود.

❖ زندگی توام با سرشکستگی در دوران دیکتاتوری

چرا باید این آقا بر یک ملت حکومت کند؟ به چه دلیل؟ هیچ دلیلی نداشت. دلیلش این بود که چون قلدر و دیکتاتور و بندوبست چی و تسلیم در مقابل قدرت فائقه‌ی آن روز انگلیس؛ پس باید سرکار بیاید و در این کشور و بقیه آحاد این ملت حکومت کند! هیچ دلیل دیگری نداشت؛ کشور وابسته، و دولت فاسد بود، آدم‌ها به شدت حقیر بودند، از لحاظ معنوی، فکر، سواد، معرفت و آرمان‌های انسانی به کلی تهیدست بودند؛ هیچ احساس عزتی و نفسی و شخصیتی در آنها نبود که وادارشان کند در مقابل تحمیل قدرت‌های بیگانه بایستند. اگر روزی هم می‌خواستند خودشان را زیر باریک قدرت نجات بدهند بایستی به زیر بار دیگری می‌رفتند!

مثل یک انسان بی‌ریشه - یک آدم بی‌بزرگ‌تر - که به‌شدت وابسته می‌گردد، زیر دامان این‌و آن، سایه سری برای خودشان پیدا کنند؛ این‌جوری بودند. آن روز که می‌خواستند خودشان را از زیر بار انگلیسی‌ها نجات بدهند - آن‌هم به خاطر اینکه دیگر منافع خودشان درست تأمین نمی‌شد - زیر بار آلمان هیتلری رفتند؛ ببینید چقدر ننگ است! دو دولت، سه دولت، یا پنج دولت در آن طرف دنیا دارند باهم می‌جنگند، همدیگر را می‌درند، یک نفر در این طرف دنیا در رأس یک ملت خودش را مجبور ببیند که یا باید دست این را ببوسی، یا باید پای آن بیفتی و یکی از این‌ها را انتخاب بکند!

باز در دوران دیگر، وقتی از زیر بار انگلیسی‌ها بیرون آمدند، دست آمریکایی‌ها پشت گردنشان و دامان آمریکایی‌ها آماده بود که روی سرشان بیفتد! این ننگ نیست؟! در آن چنین کشوری، در آن چنین نظامی از زیر قدرت چنین دولتی، انسان احساس ننگ می‌کند؛ هیچ احساس افتخاری نمی‌کند. مملکتی که آنها به جوانان تحویل می‌دهند، یک مملکت بیمار، یک مملکت بی‌افتخار، یک مملکت مغلوب، یک دولت حقیر و این جور چیزی است.

❖ جوان ایرانی امروز در کشوری پرافتخار زندگی می‌کند

اما امروز جوان ایرانی در کشوری زندگی می‌کند که هیچ قدرتی از قدرت‌های بزرگ دنیا - چه قدرت‌های سیاسی، مثل این دولت‌های بزرگ؛ چه قدرت‌های اقتصادی، مثل کمپانی‌ها و کارتل‌ها و تر است‌های عظیم بین‌المللی و فراملیتی - و هیچ قدرت نظامی نمی‌تواند کوچک‌ترین تحمیلی به او بکند و کمترین حرف زوری به او بزند. شما در میان ملتی شجاع - ملتی که از خودش در یک تجربه بسیار پررنج؛ اما پرافتخار از خودش دفاع کرده است - زندگی می‌کنید.

شاید در میان شما هستند کسانی که وقتی جنگ تمام شد؛ سناشان هنوز آن قدری نبود که بتوانند در جبهه‌های جنگ به‌صورت فعال شرکت کنند - البته بسیاری از شماها هم در جبهه جنگ بودید و آن را باوجود خودتان لمس کردید - اما جوان امروز و نسل‌های پی‌درپی جوان‌ترین کشور، هرگز از یاد نمی‌برند که در میان ملتی و خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که



توانستند یک روز در یک تجربه ۸ ساله، در مقابل همدستی همه‌ی قدرت‌های بزرگ آن روز دنیا بایستند و مقاومت کنند و مانع کامیابی آنها بشوند؛ این چیز خیلی بزرگی است و خیلی افتخار دارد.

شما در میان چنین ملت‌ی، در چنین کشوری، در میان مسئولانی که خودشان را از مردم می‌دانند، افتخار می‌کنند که مردمی هستند و سعی‌شان این است که به مردم، هرچه نزدیک‌تر باشند و از متن مردم و بطن گروه‌ها و اجتماعات مردم هم انتخاب شده‌اند، زندگی می‌کنید؛ آن‌هم با آرمان‌های بزرگ، با آرزوی نجات‌بخش، با آرزوی سعادت کامل ایران و تشکیل یک ایران صد در صد خوشبخت و سعادتمند و مسئول؛ ایرانی که در آن هر انسانی می‌تواند هم دنیای شما و هم دنیا و هم آخرت خودش را تأمین کند؛ یعنی زندگی آرمانی برای هر آدم هوشمند و اندیشمند.

❖ اساسی‌ترین وظیفه جوان دانشجو

شما در چنین جایی زندگی می‌کنید و در فضای چنین کشوری دارید تنفس می‌کنید تا روزی که إن شاء الله دوران تحصیل را به پایان ببرید و آماده خدمت در این نظام مقدس بشوید چنین کشوری را تحویل خواهید گرفت. خوب، حالا چی؟ یکی از اساسی‌ترین وظایف هر جوان در این دوران جوانی و دانشجویی و درس‌خوانی - یا به هر کار دیگری که در دوران جوانی مشغول باشد - چیست؟ اینکه این روحیه‌ی دفاع، مسئولیت احساس تکلیف در مقابل این کشور و این آرمان‌ها را در خودش زنده نگه دارد.

بسیج برای شما این است؛ آماده‌باشید که همیشه از این کشور دفاع کنید. ممکن است برای این کشور و این ملت تا سال‌های متمادی، هیچ تجربه و حادثه نظامی دیگر پیش نیاید - احتمالش هم زیاد است که پیش نیاید؛ زیرا بعید است دشمن جرئت کند که همان ناکامی‌های تلخ گذشته خودش را برای خودش تکرار کند؛ علی‌القاعده هیچ دشمنی جرئت نمی‌کند - اما شما باید آماده‌باشید. بسیج یعنی آمادگی، یعنی احساس تکلیف در همه لحظات و حضور در همه میدان‌هایی که در آن میدان از انسان کاری می‌طلبند؛ فرقی هم بین زن و مرد نیست.



❖ یکی بودن مسئولیت و تکلیف در برابر کارها مختلف

البته ممکن است کارها مختلف و توان‌ها متفاوت باشد؛ اما مسئولیت و تکلیف، یکی است. یک روز در دانشگاه، یک روز در جبهه، یک روز در خیابان، یک روز در محیط کار و یک روز در مقابل دشمنی که ممکن است از خارج حمله بکند، یک روز در مقابل آن که می‌خواهد روحیه مردم را از بین ببرد، یک روز در مقابل یک خائن و یک روز در مقابل ستون پنجم دشمن؛ هرروز در میدانی - آن میدانی که این نظام، آن را آراسته و برای خود جهاد در آن را واجب دانسته و تکلیف الهی، ما را به آنجا دعوت کرده است.

❖ زندگی جوانی در زیر سایه اسلام و پرچم قرآن

خوشا باحالتان؛ خوشا به حالتان که دارید جوانی‌تان را در زیر سایه اسلام و با آرمان‌های بلندمی‌گذارید؛ حسین‌ابن‌علی (ع) در دعای عرفه یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های خدا را که شکر می‌کند، این است که می‌گوید خدایا تو را شکر می‌کنم که من را در دولت باطل به دنیا نیاوردی؛ در دولت حق به دنیا آوردی. شما هم همان جوید؛ ما از امتیاز شما برخوردار نبودیم. شماها دارید در دولت حق زندگی می‌کنید. در جوانی‌تان - بهترین وقت زندگی‌تان - در زیر سایه اسلامی و زیر پرچم قرآن زندگی می‌کنید؛ با آقايتان حسین‌ابن‌علی (ع) - در این جهت شریکید.

این نعمت‌ها را شکر بکنید، قدر بدانید و مغتنم بشمارید؛ شکر آنها را بگذارید و نیروی خودتان را برای خدا و در راه خدا و برای این کشور و برای آرمان‌ها و ارزش‌های والا قرار بدهید. انشاء الله خدا هم در همه قدم‌ها به شما کمک خواهند رساند. انشاء الله موفق باشید.

و السَّلَام عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ



بیانات در دیدار بسیجیان و پاسداران و جهادگران استان مازندران ۲۳/۷/۱۳۷۴

۱. نقش لشکر ۲۵ کربلا در دفاع مقدس
۲. معیار های ارزش گذاری در نظام اسلامی
۳. مجاهدان فی سبیل الله، اشراف امت نظام اسلامی
۴. اولی بودن ارزش های معنوی برای مجاهدان فی سبیل الله
۵. اهداف سپاه و بسیج در جنگ، نابودی استکبار
۶. تاثیر گسترش علم بدون ایمان و تعهد
۷. اهمیت جهاد نظام اسلامی ما برای عبادت خداوند روی زمین
۸. برپا نمودن نظام ما با ماندگاری سپاه و بسیج میسر است



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. والصلاة والسلام على سيدنا و نبيّنا افضل الاولين و الآخرين و اشرف الخلائق اجمعين. سيدنا ابي القاسم محمّد و على آله الأطيبين الأطهرين المنتجبين. الهداة المهديّين المعصومين المكرّمين المطهّرين. سيّما بقية الله في الارضين.

❖ نقش لشکر ۲۵ کربلا در دفاع مقدس

برای حقیر سفر به استان مازندران، بدون این که یک دیدار اختصاصی با عزیزان سپاه و بسیج این استان داشته باشم، متصوّر نبود؛ یعنی یکی از دلخوشی های بنده در این سفر - از قبل از شروع سفر - همین بود که ساعتی را با شما برادران عزیز بنشینیم و درباره ی مسائلی که تصوّر می شود برای امروز ما و برای سپاه و بسیج و کشور قابل توجّه است، قدری صحبت کنیم.

البته نه فقط بنده، بلکه هر کس که در جریان حوادث سال های پرمارت جنگ باشد، باید برای استان مازندران حساب مخصوصی باز کند. این استان، خودش را در دوران جنگ، یک استان نیروخیز و در واقع یک استان اهل جهاد و شهادت معرفی کرد. لشکر ۲۵ کربلا هم سوابق درخشانی را در جبهه ی جنگ، در خط شکنی، در تصرف میدان های بسیار مهم و خطرناک و در قبول مسؤولیت های سنگین، از خود به یادگار گذاشته است.

من همین جا لازم است از شهدای گرانقدر این لشکر و این استان - از سپاه و بسیج - صمیمانه تشکر کنم و به سهم خود، یاد آنها را گرامی بدارم و خاطره شان را - که البته فراموش



نشدنی است - تعظیم و تجلیل کنم. همین طور برای سردارانی هم که در ایجاد این لشکر، یا تیپ های مستقلی از سپاه که امروز بحمدالله در این استان هستند و نقشی داشته اند، یا لشکر را در برهه ای از زمان اداره کرده اند و شما آنها را می شناسید، از خداوند متعال اجر وافر و مسألت کنیم و توفیق آنها را بخواهیم.

❖ معیارهای ارزش گذاری در نظام اسلامی

نکته ای که لازم است مورد توجه قرار گیرد، این است که در یک جامعه، قشرها و مجموعه هایی هستند که در حقیقت باید این مجموعه ها را ترسیم کنندگان خطوط اصلی زندگی در آن جامعه به حساب آورد. آنها چه کسانی هستند؟ معمولاً در یک کشور، دانشمندان، سرداران بزرگ، سیاستمداران بزرگ، یا روحانیان و اشخاص معنوی بزرگ، جزو این قشرها به شمار می آیند. اینها را خواص حساب می کنند. چرا؟ چون در هدایت جامعه، نقش دارند.

این محاسبه در کشور و در جامعه ی بزرگ اسلامی ما، مقداری با بقیه ی جوامع، متفاوت است. علتش هم این است که معیارها در اسلام، با جاهای دیگر متفاوت است. چیزهایی در اسلام ارزش است که در جاهای دیگر - در عرف ها و فرهنگ های دیگر - به آن اندازه روی آنها حساب نمی شود؛ یا چیزهایی در معیار اسلامی، ارزش نیست، اما در عرف های دیگر ارزش به حساب می آید.

❖ مجاهدان فی سبیل الله، اشراف امت نظام اسلامی

من اگر بخواهم با همان بینش اسلامی و نگاه انقلابی و فهم قرآنی درست، طبقات ممتاز تأثیر گذارنده بر روی حرکت جامعه را اسم بیاورم، در درجه ی اوّل باید اسم مجاهدان فی سبیل الله را مطرح کنم. مجاهدان فی سبیل الله، چه کسانی هستند؟ اگر شما در جامعه ی ما مطالعه کنید، سپاه و بسیج در خط مقدّم مجاهدان فی سبیل الله هستند؛ یعنی با تعبیر رایج تر در دنیا، اگر هر ملتی اشراف برگزیدگان و قشرهای ممتازی دارد، امتیاز آنها به خاطر برخورداری



از مادیات است؛ ولی اشراف امت در نظام اسلامی، مجاهدان فی سبیل الله و کسانی هستند که شب و روزشان را برای دفاع از حریم دین صرف می کنند.

❖ **اولی بودن ارزش های معنوی برای مجاهدان فی سبیل الله**

البته زمان ها مختلف است. ممکن است دوره ای بر ملتی بگذرد که در آن دوره و در آن وضعیت، تکیه ی بیشتر بر روی ارزش دیگری باشد؛ لیکن در نظام اسلامی - آن هم در دنیای مادی - علی العجالة بزرگترین ارزش، متعلق به جهاد فی سبیل الله است. مخصوصاً اگر این نکته را هم در نظر بگیریم که مجاهدان فی سبیل الله در جامعه ی ما از ارزش های درجه ی اول دیگر هم برخوردارند. یعنی زهد و پشت کردن به دنیا هم متعلق به آنهاست و در میدان جنگ هم برای ارزش های معنوی جنگیدند.

فرق است بین آن کسی که در میدان جنگ برای هوی و هوس، یا برای تهیه ی غنیمت، یا برای بلند کردن آوازه ی خود می رود، و آن کسی که برای خدا حرکت می کند. وقتی کسی جریان جنگ هشت ساله را در گزارش های بی نظیری که از این جنگ وجود دارد، ملاحظه می کند، می بیند که با همه ی جنگ های دیگر، تفاوت می کند.

بنده، گزارش های جنگ های دیگر را هم خوانده ام - خاطرات رزمندگان کشورها و جنگ های دیگر - می دانم که آنها در میدان جنگ، در پشت خاکریز، در پای توپخانه، یا در صفوف مقدم، چگونه فکر می کردند و چه احساسی داشتند. انسان که آن را نگاه می کند، می فهمد این دو با یکدیگر قابل مقایسه نیستند. از لحاظ حرکت ظاهری، یک چیز است و این هم شبیه آن است، اما از لحاظ روح و معنا، این با آن متفاوت است.

❖ **اهداف سپاه و بسیج در جنگ، نابودی استکبار**

یک نکته ی اساسی در باب سپاه و بسیج هست که این را نباید فراموش کنید. آن نکته این است که سپاه و بسیج، فقط یک نیروی حرفه ای رزمنده ی محض نیست. یک نیروی حرفه ای رزمنده، به هیچ چیز غیر از جنگ - یعنی رفتن در میدان - نمی اندیشد و با قواعدی هم که جنگ دارد، عمل می کند. سپاه و بسیج، جنگ را برای ارزش بالاتری انجام می دهد. البته من



که عرض می کنم سپاه و بسیج؛ معنایش این نیست که بخواهم ارتش را از این دایره، خارج کنم؛ نه. خوشبختانه همراهی در میدان جنگ، این ارزش ها را متبادل کرده است؛ منتها چون شما ارتش متوکل شده‌ی با انقلاب هستید - همزاد انقلابید - راحت تر می شود راجع به شما حرف زد.

جنگ ما برای ارزش های برتر، برای گسترش ارزش های الهی و برای سرکوب کردن آن نیروهایی است که می خواهند با توحید و عدالت و انسانیت و ارزش های دیگر الهی و انسانی مبارزه کنند؛ و جنگ برای ریشه کن کردن استکبار از روی زمین.

❖ تأثیر گسترش علم بدون ایمان و تعهد

در دنیای جدید، علم، وسیله‌ی پیشرفت بشر شد؛ اما همین علم، وسیله‌ی پیدا شدن نوعی از استکبار بی سابقه هم گردید؛ استکباری که به موجب آن، فرمانروایان نقطه‌ای از دنیا به خودشان حق می دهند در هر نقطه از نقاط عالم به خاطر حفظ منافع شان، یا به خاطر آنچه که آن را حفظ منافع می نامند، حضور قدرتمندانه پیدا کنند!

شما نگاه کنید کجا تنگه‌ی حساسی وجود دارد - تنگه‌ی هرمز، تنگه‌ی جبل الطارق، تنگه‌ی داردانل، و... کجا یک گذرگاه آبی حساسی وجود دارد که نیروهای استکبار جهانی - و امروز امریکا - در آن جا به بهانه‌ای حضور پیدا نکرده باشند! خوب؛ اینها را چه عاملی به وجود آورد؟ این از نتایج گسترش علم است. علم بدون ایمان، همین می شود.

اگر پیشرفت علم نبود، اگر فن آوری نبود، اگر سلاح های پیشرفته نبود، اگر زیردریایی ها و موشک های قاره پیمای و هواپیمای کذایی و هزاران دستگاه مهلک و خطرناک، در اختیار کسانی نبود که برخوردار از فن آوری و دانش جدید هستند، مگر ممکن بود دولت و حکومتی این طور روحیه‌ی استکباری خود را در دنیا گسترش دهد و به همه‌ی دنیا دست اندازی کند؟! این در طول تاریخ، بی سابقه است. این مربوط به زمان ماست.

❖ اهمیت جهاد نظام اسلامی ما برای عبادت خداوند روی زمین

در دنیایی که با نظام مبتنی بر چنین علمی به وجود آمد، ارتش هایی که به وجود آمدند،



برای انجام همان مقاصد مادی و پیشبرد همان روحیه‌ی استکباری به وجود آمدند؛ در آن چنان دنیایی، نظامی با تفکر اسلامی و الهی، ارزش برترش همیشه جهاد فی سبیل الله است. این برو برگرد ندارد. امروز با هزارسال قبل، از این جهت قابل مقایسه نیست. اگر نظام اسلامی نتواند جهاد کند، دیگر خدا در روی زمین عبادت نمی‌شود. البته نه جهاد به معنای دست اندازی در سرزمین این و آن؛ جهاد به معنای نگه داشتن این پرچم.

پرچمی در دست ملت ایران است. از همه‌ی ابزارها استفاده می‌شود برای این که این پرچم را از دست این ملت بگیرند و سرنگون کنند. اگر ملت ایران نتواند این پرچم را نگه دارد، آن وقت دیگر خدای متعال در روی زمین عبادت نخواهد شد. نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم دست‌ها را در میدان جنگ بلند کرد و گفت: «اللهم ان تهلك هذه الاصابة لن تعبد على وجه الارض»؛ اگر این مجموعه، شکست بخورند و نابود شوند، عبادت خدا از دنیا برخواهد افتاد. امروز این گونه است.

چگونه می‌شود این پرچم را نگه داشت؛ جز با جهاد فی سبیل الله؟ علم هم در خدمت جهاد فی سبیل الله است. معنویت هم برای این است که بتواند جهاد فی سبیل الله به بهترین وجه انجام شود؛ چون اگر این جهاد نباشد، ریشه‌ی همه چیز زده خواهد شد.

برادران سپاه در سال شصت و هفت - بعد از قضایای قطعنامه که بنده در منطقه‌ی جنوب، پادگان‌ها را یکی یکی سرکشی می‌کردم هر جا می‌رفتم، سؤال‌شان این بود که تکلیف سپاه چه خواهد شد؟ خیال می‌کردند وقتی که جنگ تمام شد، سپاه هم دیگر در ایران و در نظام اسلامی کاری ندارد. البته همه این گونه فکر نمی‌کردند. عده‌ای اصلاً می‌خواستند این فکر را ترویج کنند که این هم یک نوع موزیگری بود! بنده آن روز گفتم،

❖ برپا نمودن نظام ما با ماندگاری سپاه و بسیج میسر است

امروز هم می‌گویم و همیشه خواهم گفت که انقلاب اسلامی و نظام ارزشی اسلام، اگر بخواهد برپا بماند، باید سپاه و بسیج بماند. حوادث، یکی پس از دیگری نشان داد - همان‌طور



که امام، آن دید با بصیرت، راجع به امریکا فرمودند - همه ی مستکبران و از جمله امریکا، هیچ غلطی نمی توانند بکنند.

امیدواریم خدای متعال شما را موفق بدارد؛ این شجره ی طیّبه را روزبه روز پربارتر و سرافرازتر کند؛ و ان شاءالله توفیقات خود را شامل حال یکایک شما گرداند و آن روزی را ببینید که ان شاءالله بینی دشمنان، بیش از این هم به خاک مالیده شده است.

و السّلام علیکم و رحمة الله و برکاته



بیانات دیدار جمعی از بسیجیان ۸/۹/۱۳۷۴

۱. استمرار جریان مبارک بسیج
۲. بسیج یک حرکت منطقی و اسلامی منطبق بر نیازهای امروز دنیای اسلام
۳. دو آفت در سطح جهان اسلام
۴. آفت اول، مربوط به دولت‌ها
۵. نتیجه آفت مربوط به دولت‌ها
۶. رابطه معکوس بین ارتباط با مردم و ارتباط با قدرت‌ها
۷. آفت دوم، مربوط به ملت‌ها
۸. منشأ فساد در میان جوانان دنیا
۹. آثار آفت مربوط به ملت‌ها
۱۰. حرکت عظیم بسیج، هردو آفت را در کشور ما ریشه‌کن کرد
۱۱. رابطه و پیوند برادرانه و صمیمانه بین مسئولان و آحاد مردم
۱۲. موضع شجاعانه ایران در مقابل امریکا به برکت بسیج
۱۳. بسیج متن حرکت نظام است
۱۴. حقیقت بسیج
۱۵. اندیشه و تفکر بسیجی
۱۶. مفهوم بسیجی و فرهنگ بسیج
۱۷. «بسیج»؛ در مقابل دشمن و ایادی او می‌ایستد
۱۸. بسیج، یک امر احساسی نیست
۱۹. از همه مهم‌تر آرمان‌ها، ارزش‌ها و هدف‌هاست
۲۰. بسیج سرباز وجود مقدس ولی عصر «ارو حنا فدا» است



بسم الله الرحمن الرحيم

❖ استمرار جریان مبارک بسیج

برادران و خواهران عزیز؛ خیلی خوش آمدید. امیدوارم پروردگار متعال همه شمارا در هر جای این میهن بزرگِ اسلامی عزیز، مشغول تلاش هستید، مشمول لطف و رحمت و فضل خود قرار دهد.

هفته بسیج، بحمدالله با وضع درخشانی برگزار شد و بار دیگر به برکت همت و تلاش و کار مستمر و پرنج دوره سال شما، نام و یاد و روحیه بسیجی، در جامعه اسلامی زنده شد. این جریان مبارک، باید همچنان در همه مقاطع و فصول و در همه سال‌ها، مثل یک شط خروشان و پربرکت و پرفیض، ادامه پیدا کند و جریان داشته باشد.

❖ بسیج یک حرکت منطقی و اسلامی منطبق بر نیازهای امروز دنیای اسلام

مطلب اساسی این است که بسیج، یک حرکت بی‌ریشه و سطحی و صرفاً از روی احساسات نیست. بسیج یک حرکت منطقی و عمیق و اسلامی و منطبق بر نیازهای امروز دنیای اسلام و - به طریق اولی - جامعه اسلامی است. قرآن کریم می‌فرماید: «هو الذی أُنْذِرُکَ بنصره و بالمؤمنین^۱؛ ای پیامبر! خدای متعال تو را، هم به وسیله نصرت خودش و هم از طریق مؤمنین، مؤید قرارداد و کمک کرد. این خیل عظیم مؤمنینی که در اینجا مورد اشاره آیه قرآن قرار گرفته‌اند، عبارت دیگری است از آنچه که امروز به نام «بسیج» در جامعه ما وجود دارد. آیات دیگر قرآن هم، آنجا که اشاره به مردم و آحاد مؤمن و انسان‌های با اخلاص می‌کند،



بسیج عزیز کم نظیر زمان ما را که محصول فکر و درایت امام بزرگوار است، نشانه می گیرد. درباره نیاز دنیای اسلام به این حرکت، واقعاً باید تأمل و تعمق کرد. بعضی کسان «بسیج» را درست نفهمیدند. آنها خیال می کنند بسیجی یعنی کسی که از کارهای دیگر بازماند! این، ضعف بینش آنهاست. این، ندانستن حقیقت و کوتاه فکری است. بسیج و بسیجی بودن و حرکت و فرهنگ بسیجی، از این تخیلات بی اساس، خیلی فراتر است.

مایلم مطالبی را در این زمینه مطرح کنم تا برای شما جوانان عزیز و همه جوانان خوب این مملکت، چه در پایگاه های مقاومت، چه در دانشگاه ها و دبیرستان ها، چه در میان برادران و یا خواهران، چه در شهرها و روستاها و چه در اصناف و قشرهای مختلف - که قوام بسیج به شما و امثال شماست - سرشته باشد و روی آن تکیه و تعمق شود.

❖ دو آفت در سطح جهان اسلام

امروز دو آفت در سطح جهان اسلام مشاهده می شود که یکی مربوط به دولت ها و حکومت ها و رژیم های حاکم است و دیگری به مردم مربوط می شود.

❖ آفت اول؛ مربوط به دولت ها

آن آفتی که به دولت ها و رژیم ها مربوط می شود، این است که غالباً در دنیای اسلام، حکومت ها از مردم منقطع اند. ممکن است انتخاباتی انجام گیرد و اکثریتی - واقعی و یا صوری - رأی هم بدهند و مثلاً فردی هم رئیس جمهور شود؛ ولی اکثریت مردم در صحنه نیستند و رابطه آنها با نظام قطع است. بعضی از کشورها همین انتخابات صوری را هم ندارند و مثلاً رئیس جمهور و یا پادشاه مادام العمر، بر آنها حکومت می کند و نظر و اراده مردم، نقشی در سرنوشت کشور ندارد. مردم، کار خودشان را می کنند؛ حکومت ها هم راه خودشان را می روند!

شما نگاه کنید در این سی، چهل سال اخیر، چقدر کودتا در کشورهای اسلامی انجام گرفته است! عده ای آمده اند و عده قبلی را از بین برده اند و خودشان سر جای آنها



نشسته‌اند و مردم هم اصلاً بدون این که بر آن گذشتگان بگریند یا برای آیندگان جشن بگیرند، فقط وضعیت را تماشا کرده‌اند! این، جدایی ملت‌ها از حکومت‌هاست.

اگر شما به زندگی چنین حکومت‌ها و رؤسای نگاه کنید، می‌بینید که شبیه مردمشان نیستند و اگر به مردم نگاه کنید، می‌بینید از وضع حکامشان اصلاً خبر ندارند! گذشته کشور خودمان نیز همین گونه بود و هیچ ارتباط و پیوند عاطفی و عملی، میان مردم و رؤسای کشور وجود نداشت. مردم منتظر حرف و دستور آنها نبودند و اگر حرف و دستوری هم می‌دادند، گوش نمی‌کردند و در مواقعی از روی ترس، دستورات را اجرا می‌کردند.

❖ نتیجه آفت مربوط به دولت‌ها

نتیجه این آفت و عیب بزرگ، این شده است که حکومت‌های بریده از ملت‌ها، چون موقعیت خودشان را متزلزل و پشتشان را خالی می‌بینند، به دامن قدرت‌ها پناه می‌برند. یعنی یا به دامن امریکا می‌چسبند یا دیروز که شوروی بود، به سراغ آن کشور می‌رفتند و یا به یکی دیگر از دولت‌هایی که سرشان به تنشان می‌ارزد، تکیه می‌کنند!

❖ رابطه معکوس بین ارتباط با مردم و ارتباط با قدرت‌ها

رابطه و نسبت معکوسی بین ارتباط با مردم و ارتباط با قدرت‌ها و پناه بردن به آنها وجود دارد: هر حکومتی که ارتباطش با مردم خود صمیمانه است، به قدرت‌ها بی‌اعتناست و به آنها نگاه و تکیه نمی‌کند و به حرف آنها محل نمی‌گذارد و دستور آنها را به گوش نمی‌گیرد و به سراغ آنها نمی‌رود؛ ولی هر حکومتی که با مردم خود رابطه ندارد، با قدرت‌های بزرگ گرم می‌گیرد و به آغوش آنها پناه می‌برد و به آنها تکیه می‌کند و قهراً از آنها حرف می‌شنود و دستور آنها را اجرا می‌کند! از آن طرف نیز همین‌طور است: هر حکومتی که به قدرت‌ها نزدیک شد، از مردم خود دور می‌شود و هر حکومتی که از قدرت‌های بزرگ جهانی دور شد، در دل مردم خود جای می‌گیرد. این، یک امر روشن و بدیهی در فرهنگ و معارف سیاسی امروز دنیاست.

متأسفانه اغلب دولت‌های اسلامی با مردم خودشان رابطه ندارند و نتیجتاً به آغوش قدرت‌ها



پناه می‌برند. اگر امریکا دستوری داد و فرمانی صادر کرد، فوراً اطاعت می‌کنند و دست‌به‌سینه در مقابل او می‌ایستند! حال شما نگاه کنید و ببینید که امروز کدام‌یک از کشورهای اسلامی، این‌گونه نیستند!

❖ آفت دوم؛ مربوط به ملت‌ها

آفت دوم - که آن‌هم خیلی دردناک و گریه‌آور است - مربوط به ملت‌هاست. متأسفانه در کشورهای اسلامی، از چهل، پنجاه سال قبل تاکنون، جوانان به سمت فساد سوق داده می‌شوند. این روش‌هایی که می‌شنوید، در گذشته در کشور ما هم بود و امروز در کشورهای دیگر به صورت عمومی وجود دارد. امروز اگر در کشور ما فردی بخواهد در گوشه‌ای تظاهر به فساد کند، همه به او اخم می‌کنند و چهره در هم می‌کشند؛ اما متأسفانه در کشورهای دیگر، این حالت وجود ندارد. دختران و پسران کشورهای اسلامی، در دام موج فساد همه‌گیری قرار گرفته‌اند که از سمت کشورهای غربی و فرهنگ آن دیار برنامه‌ریزی شده و به طرف آنها سرازیر گردیده است.

البته جوانان در همیشه تاریخ، احساسات شهوانی و غرایز گوناگون دارند و آسیب‌پذیرند؛ اما شاید در هیچ دوره‌ای از دوره‌های تاریخ، این‌گونه که حدس می‌زنیم، این همه فساد در میان جوانان دنیا مشاهده نشود و همه‌گیر نشده باشد!

❖ منشأ فساد در میان جوانان دنیا

همان‌طور که گفتم منشأ این فساد، کشورهای غربی - امریکا و اروپا - هستند. آنها با فرهنگ خودشان، فساد را به سمت کشورهایی که پذیرای آن بودند، صادر کردند. شما در کشورهای اسلامی، جوانانی را مشاهده می‌کنید که از همان جوانانی که اسم‌های گوناگونی دارند (و من نمی‌خواهم فضای مجلس را با این اسم‌ها خراب کنم) و تحت نام‌های مختلف و شکل‌ها و موها و لباس‌ها و رفتارهای عجیب و غریب، به چیزهای زائد زندگی سرگرم‌اند؛ تقلید می‌کنید!

البته در حاشیه، به این نکته هم اشاره کنم که غرب به تدریج چوب رفتار و اعمال فساد انگیز



خود را می‌خورد؛ مثل همان کسی که در دست خود، ظرفی پر از مایع میکروب طاعون بگیرد و در آب شربِ خانه‌ها بریزد! بالاخره خود او نیز، روزی دچار طاعون خواهد شد. امروز، طاعون فساد در غرب، خودش را نشان می‌دهد؛ به‌طوری که عقلاً دستپاچه شده‌اند و از چنین وضعیتی نگران‌اند. این نگرانی، در مطبوعات مهم اروپا و بخصوص امریکا، منعکس است که ما آن را مشاهده می‌کنیم.

❖ آثار آفت مربوط به ملت‌ها

بنابراین، آفت دوم این است که فساد همه‌گیر و سیل آسا و تباه‌کننده‌ای، به سمت جوانان کشورهای اسلامی سرازیر شده است. اثر این فساد و تباهی، این است که جوانِ فاسد شده، به فکر اصلاح نمی‌افتد و انگیزه پیدا نمی‌کند و دین و معنویت و ایمان و سیاست به معنای صحیح، برای او دیگر معنا پیدا نمی‌کند و اگر از روی اجبار و برای نان بخور و نمیر، درس بخواند، آن درس هم همراه با فساد است و وقتی متخصص شد، تازه یک آدم فاسد، فارغ التحصیل شده است! این، عیبِ بزرگِ جوامع اسلامی است که وقتی انسان ابعاد این عیب عظیم و آفت بزرگ را می‌بینند، واقعاً باید به خدای متعال پناه ببرد.

❖ حرکت عظیم بسیج، هردو آفت را در کشور ماریشه‌کن کرد

به اعتقاد من، امام عزیز ما با الهامی که پروردگار متعال به قلب آن بزرگوار کرد و او را هدایت نمود، با این حرکت عظیم بسیج، این دو عیب را در کشور ماریشه‌کن کرد. شما بسیج را این گونه در نظر بگیرید. بسیج از طرفی به معنای حرکت خودجوش مردمی است؛ مردمی که خودشان را صاحب مملکت خویش می‌دانند؛ مردمی که - بخصوص جوانانش - با معنویت هستند و دلشان با خدا آشناست؛ مردمی که اولاً از هرگونه انحراف در مشی کلی کشورشان آگاه می‌شوند، ثانیاً از آن رنج می‌برند و ثالثاً در مقابل آن انحراف می‌ایستند. این، معنای بسیج است.

کسی که به مسائل و جریان کلی کشور خود و به دشمنی که از هر طرف به او حمله کند -



چه نظامی و چه فرهنگی - حسّاس است، نمی تواند به سمت فساد برود و فرصت اندیشیدن به خواسته های فاسد و مفسدی که دشمنان در جامعه القا می کنند، ندارد.

❖ رابطه و پیوند برادرانه و صمیمانه بین مسئولان و آحاد مردم

آن روزی که امام فرمودند: ارتش بیست میلیونی در ایران تشکیل شود؛ کشور ما چهل میلیون یعنی نصف جمعیت کنونی، جمعیت داشت و همه دارای خصوصیات بسیجی بودند. امروز هم این گونه است. مردمی که چنین خصوصیاتی دارند، نسبت به مسائل محیط و جامعه و نظام خود، بی تفاوت نیستند. کسی در رأس امور قرار می گیرد که مورد حمایت آنها باشد و اگر کسی مورد حمایت مردم نباشد، در رأس امور قرار نمی گیرد. پس رابطه و پیوند بین مسئولان کشور و آحاد مردم که متن عمومی آنها هم همین بسیجی ها هستند، یک رابطه تنگاتنگ و برادرانه و صمیمانه است و این خصوصیت، آن عیب اوّل را از بین می برد. حکومتی که این گونه به مردم متّکی باشد، به امریکا که هیچ، اگر در جهان ده قدرت هم وجود داشته باشند و هر کدام هم به عظمت استکبار امریکا باشند؛ آنجایی که لازم باشد، با قدرت و شهادت و توکل به خدا، به ده آن همه این ها میزند.

❖ موضع شجاعانه ایران در مقابل امریکا به برکت بسیج

امروز همه مردم دنیا و همه دولت ها و شخصیت های سیاسی، شاهدند که نظام مقدّس جمهوری اسلامی، در مقابل خواسته ها و تحمیل ها و تقاضاهای امریکا «نه» می گوید و جنایت ها و فاجعه آفرینی های امریکا و استکبار و زائده های او - از جمله رژیم صهیونیستی - را امضا نمی کند. این، موضع شجاعانه و برجسته ای است و کار کوچکی هم نیست. کسانی که در دنیا مسائل را می فهمند - از جمله رؤسای برخی از کشورها و مسئولان بزرگ سیاسی و شخصیت های مصلح - در مقابل این موضع، سر تسلیم فرود می آورند.

البته در مقام دشمنی و خباثت، دشمنی خودشان را می کنند؛ اما به خاطر همین موضع امتناع عظیم و مستحکم، عظمت نظام جمهوری اسلامی و دولت و حاکمیت دین، در چشم آنها



آشکار و روشن است. این، به یمن همین پیوند و به برکت بسیجی بودن و حضور بسیج در سطح ایران و در همه زوایای کشور است.

بسیج، یک سازمانِ مشخص رزمی - مثل دیگر سازمان‌ها - نیست. بسیج، یعنی متن ملت و همه آحاد مؤمن و یک حقیقت گسترده در تمام زوایای جامعه. در موضع گیری مردم، این عامل تعیین کننده است. لذا شما می بینید هفده سال بعد از پیروزی انقلاب و بعد از این همه فشار و تبلیغات و این همه موزیگری و خباثتی که دشمنان از خارج و ایادی آنها در داخل انجام می دهند؛ وقتی زمان حضور مردم در بیست و دوم بهمن و روز قدس و ایام انتخابات و اعلام موضع عمومی فرامی رسد، مردم مثل کوه استوار می ایستند. این، از برکات بسیج است.

❖ بسیج، متن حرکت نظام است

کسی خیال نکند که بسیج، یک حاشیه است و ملت و دولت و حکومت، به راهی می روند و بسیج هم در کناری نشسته و به خود مشغول است؛ خیر. «بسیج» متن حرکت نظام است. همه باید بسیجی باشند. دولت و مسئولان هم باید بسیجی باشند و بحمدالله هستند. بسیاری از بلندپایگان و مسئولان برجسته کشور، حقیقتاً بسیجی و دارای فرهنگ و عقاید و حرکت بسیجی هستند.

درمان واقعی آفت دوم هم - که فساد جوانان در دنیا است - همین حرکت و فرهنگ بسیج است. شما در دوران دفاع مقدس و حتی بعد از آن تا امروز، دیدید و می بینید که جوانان کشور ما، باصفا و پاک دامن و مشتاق حقیقت و سرشار از معنویات و ارزش های اسلامی و انقلابی بودند و هستند و با بی اعتنایی و اعراض از آن چیزهایی که جوانان دیگر را در دنیا به خود مشغول می کند، در جامعه ما حضور دارند.

❖ حقیقت بسیج

در کجای دنیا، این همه جوان مؤمن و پارسا دیده می شود و وجود دارد؟ هیچ جا این گونه نیست. این، از برکات بسیج است. بنابراین، در حقیقت بسیج یک فرهنگ و یک حرکت



فرهنگی است. فرهنگ بسیجی، یعنی چیزی که ما برای هر یک از آحاد جامعه اسلامی، آن را آرزو می‌کنیم. این که می‌گوییم همه باید بسیجی باشند، معنایش همین است.

❖ اندیشه و تفکر بسیجی

بسیجی کسی است که برای ارزش‌های اسلام، اهمیت قائل است و معتقد به خدا و خاضع و خاشع در مقابل پروردگار عالمیان است. در دل، مشتاق صلاح است و می‌خواهد صالح و پاک باشد و از رذایل اخلاقی دور بماند. می‌خواهد روزبه‌روز اُنس خود را با خدا بیشتر کند و بنده او باشد و بر طبق فرمان او زندگی کند. بسیجی این راه را راه سعادت می‌داند. او سعادت را در شهواتِ زودگذرِ زندگی و پوشیدن لباس الوان و رنگارنگ و قرار گرفتن در معرض دید این و آن به خاطر ارضای یک‌ساعته نمی‌داند. روح او با این چیزهای کوچک و حقیر، ارضا نمی‌شود؛ روح او با معارف الهی ارضا می‌گردد.

بسیجی بلندهمت است. خواسته‌های او بزرگ و در حدّ اعتلای کشور است. خواسته او، نجات همه آحاد بشر و رفع فساد و فقر و تبعیض و بی‌عدالتی و سلطه دشمن است. او از این که زیر پرچم امریکا یا دیگر قدرت‌های بیگانه زندگی کند و مثل حیوانات بچرد، بیزار است. برای او فرق می‌کند و مهم است که چه کسی بر کشور او فرمان براند: یک انسان فاسد و فاسق و فاجر و مزدور بیگانه، یا بندگان صالح خدا. او به این که در خانه و در محیط زندگی‌اش، حکومتِ الله مستقر باشد یا حکومت دشمنانِ الله، اهمیت می‌دهد. لذا برای این کار می‌ایستد.

❖ مفهوم بسیجی و فرهنگ بسیج

در دوران دفاع مقدّس، بسیجیان ما از سرتاسر کشور، از کار و زندگی و استراحت و آغوش خانواده و زن و بچه و همسر و فرزند و عزیزانشان، چشم می‌پوشیدند و به سمت بیابان‌های گرم خوزستان و یا قلّه‌های یخزده و پربرف غرب و شمال غرب کشور می‌رفتند و تابستان و زمستان را در آنجا می‌گذراندند. آنها این کار را برای دفاع از اسلام و کشور و شرف و استقلال و آزادی و حاکمیت دین خدا می‌کردند و می‌دانستند که اگر نظام اسلامی در مرزها شکست بخورد، در مرکز هم شکست خواهد خورد و اگر از لحاظ نظامی شکست بخورد، از لحاظ



سیاسی هم شکست خواهد خورد. آنها با اقدام خود، امامشان را تنها نگذاشتند. این، مفهوم بسیجی و فرهنگ بسیج است. این مفهوم همیشه خواهد بود.

امروز هم بسیجی برای کشور دل می‌سوزاند؛ برای آبادانی کشور تلاش می‌کند؛ برای حفظ استقلال ملی، هر چه بتواند کار می‌کند و از جان خود هم می‌گذرد. امروز هم اگر احساس کند دشمن می‌خواهد از روزنه‌ای - چه اقتصادی و سیاسی و چه فرهنگی - به داخل کشور نفوذ کند، در مقابل او می‌ایستد و با مشت به صورتش می‌کوبد.

❖ «بسیج» در مقابل دشمن و ایادی او می‌ایستد

در زمان حکومت نبی اکرم و امیرالمؤمنین علیهما السلام، باآنکه این بزرگواران در داخل کشورشان اقتدار داشتند، ولی دشمنان اسلام حضور خود را نیز حفظ کرده بودند. مگر دشمنان و منافقان نمی‌خواستند مرکب پیامبر را در آن گردنه رم دهند که خدای متعال وجود مقدس آن حضرت را نجات داد؟ در زمان آن بزرگواران، ایادی دشمنان خارجی در داخل بودند و حتی به صورت مسجد سازی (مسجد ضرار)، قصد ضربه به حکومت اسلامی را داشتند: «و ارسادالمن حارب الله و رسوله^۱». آنها منتظر بودند که دشمن خارجی بیاید و به او کمک برسانند و حکومت پیامبر را از بین ببرند!

آن روز هم دشمنان اسلام بودند؛ امروز هم هستند. ما انتظار نداریم که دشمن در جامعه و داخل کشور ما، جاسوس و سرانگشت و ایادی و انسان‌های خبیث و خودفروخته و منافق نداشته باشد. خیر؛ امروز هم هستند. چه کسی در مقابل آنها می‌ایستد؟ طبیعی است که عناصر «بسیج»؛ یعنی همان نیروی عظیم خروشان و زبده ملت مؤمن، در مقابل دشمن و ایادی او می‌ایستد.

❖ بسیج، یک امر احساسی نیست

امام فرمودند: «بسیج باید سازماندهی شود؛ باید یکدیگر را بشناسند؛ باید آمادگی به وجود



بیاورند و آن را حفظ کنند». امروز هم تکلیف بزرگ شما، همین کار است. خیال نکنند که بسیج، یک امر احساسی است. بسیج یک امر منطقی و فکری و ریشه دار و عمیق است و کسانی که در کار این حقیقت بزرگ، شرکت دارند، همه آحاد ملت اند. هر کس که بسیجی است، باید به بسیجی بودن خود افتخار کند. بسیجی بودن، مایه سرافرازی و سربلندی پیش پروردگار است.

❖ از همه مهم‌تر آرمان‌ها، ارزش‌ها و هدف‌هاست

فرهنگ بسیجی، فرهنگ معنویت و شجاعت و غیرت و استقلال و آزادگی و اسیر خواست‌های حقیر نشدن است. خواست‌های زندگی، برای همه مهم است؛ اما آنچه که مهم‌تر است، آرمان‌ها و ارزش‌ها و هدف‌هاست. آنها را باید مقدم داشت. این، راه شماست. هفته بسیج، هفته بزرگداشت این ارزش‌ها و این حقیقت زنده و مجسم بود. همه طول سال هم برای بزرگداشت چنین ارزش‌هایی زیاد نیست. این هفته تمام شد؛ اما حقیقت بسیج، زنده است و یاد و بزرگداشت او تمام‌نشدنی است.

❖ بسیج سرباز وجود مقدس ولی عصر ارواحنا فداه است

امیدوارم که پروردگار عالم، به شما تفضل کند و وجود مقدس ولی عصر ارواحنا فداه از شما راضی باشد. هر جا هستید - چه در دانشگاه و حوزه علمیّه و مدارس گوناگون و چه در بازار و کارخانه‌ها و پادگان‌ها و روستاها و شهرها احساس کنید که سرباز وجود مقدس ولی عصر ارواحنا فداه هستید. برای آن بزرگوار کار کنید و از خدای متعال هم توفیق و کمک بخواهید.

و السّلام علیکم و رحمة الله و برکاته



بیانات در جمع اعضای کنگره بزرگداشت شهید فهمیده و روز نوجوان

۱۳۷۵/۸/۶

۱. دوران جوانی فرصت استثنایی
۲. اهمیت به کار تعلیم و تربیت در امر بسیج
۳. معنای بسیج
۴. نقش بسیج در عرصه‌های مختلف
۵. بسیج متعلق به تمام عرصه‌ها
۶. ائمه معصومین (ع) آرمان‌های ملت‌ها
۷. شخصیت امام (ره) اسطوره‌ی واقعی
۸. بسیج گنجینه‌هایی از استعداد
۹. جوانی آغاز به فعلیت رساندن استعدادها
۱۰. فرق جوان‌های ما با غربی‌ها در شکوفایی استعدادها
۱۱. تربیت‌های الحادی در کشورهای دنیا
۱۲. اهمیت بسیج دانش‌آموزی
۱۳. قدر دانستن زی بسیجی

بسم الله الرحمن الرحيم

❖ دوران جوانی فرصت استثنایی

خیلی خوشحالیم از اینکه مسئولان، بحمدالله مسئله بسیج دانش آموزان عزیز را با همان اهمیتی که دارا است، موردتوجه قرار دادند. این جوانان عزیزی که در سنین نوجوانی و آغاز جوانی قرار دارند، در یک فرصت بسیار استثنایی از لحاظ عمر انسان به سر می‌برند؛ یعنی این فصلی که جوانان ما - چه پسرها، چه دخترها - در آن قرار دارند - از سنین چهارده، پانزده سالگی، تا حدود نوزده، بیست ساله - یکی از فاصله‌های درخشان و فوق‌العاده مهم، حساس، مغتنم و باارزش است.

❖ اهمیت به کار تعلیم و تربیت در امر بسیج

اگر انسان بخواهد به رشد معنوی، به تعالی روحی، به رشد علمی و فکری و به رشد جسمانی و کارایی‌های بدنی برسد - خلاصه، هر آینده‌ای را که انسان در طول دوران شصت سال، هفتادسال، هشتاد سال زندگی، بیشتر و کمتر، بخواهد برای خود رقم بزند - این دوره‌ای که این عزیزان در آن قرار دارند، برای رقم زدن آن آینده، نقش فوق‌العاده حساس و مؤثر و فعالی دارد؛ لذا پرداختن به این قشر در کار تعلیم و تربیت، به‌خصوص در امر بسیج که یک امر همه‌جانبه معنوی و مادی و فردی و اجتماعی است، اهمیت بسیاری پیدا می‌کند؛ چون این‌ها در سنین رشد و شکوفایی هستند و توجه به این‌ها در این سنین، خیلی حائز اهمیت است.

❖ معنای بسیج

شما حالا در کار بسیج و وزارت آموزش و پرورش به این قضیه پرداختید که این بخش سنی را در بین جوانان، مورد ملاحظه قرار بدهید و این‌ها را وارد مرحله از فعالیت‌های اجتماعی



بکنید؛ که ما اسم آن را بسیج می‌گذاریم. بسیج یعنی چه؟ معنای بسیج این است که افرادی از جامعه - که غالباً هم‌متن جامعه و اکثریت جامعه هستند - آماده باشند و همت بگمارند و دامن به کمر بزنند برای اینکه کشورشان و ملتشان را به آن شخصیت و عزت و اعتلای لازم برسانند. بسیج، یعنی این.

❖ نقش بسیج در عرصه‌های مختلف

بسیج در دورانی که کشور دچار تهاجم خارجی است، در قشر مدافع خط اول و درجه اول، ظهور می‌کند و سنی هم نمی‌شناسد؛ لذا از نوجوانان ۱۳ ساله - مثل شهید حسین فهمیده - تا پیرمردها را شامل می‌شود. وقتی که موسم کار سازندگی است، بسیج یعنی آن مجموعه‌ای از کشور و ملت که با یک اهتمام لازم به مسئله سازندگی نگاه می‌کند، باز به آن می‌پردازد و نقش آن را که باید و شاید، ایفا می‌کند. وقتی که نوبت تحصیل علم و ساختن متخصصین است، باز بسیج پا به میدان می‌گذارد و به فراگیری و آموزش می‌پردازد. وقتی نوبت تعلیم دادن است، باز بسیج وارد میدان می‌شود؛ به کسانی که احتیاج به تعلیم دارند - تعلیم سواد، تخصص، فن، صنعت و تعلیم ظرافت و هنر - می‌پردازد.

❖ بسیج متعلق به تمام عرصه‌ها

یعنی بسیج را مخصوص جنگ ندانند؛ بسیج در دوران جنگ، مال جنگ است، در دوران پشتیبانی، مال پشتیبانی است، در دوران علم، مال تحصیل و تدریس است، در دوران سازندگی، بسیج مال سازندگی است؛ یعنی شما که وارد میدان بسیج شدید - شما پسرها و دخترهای عزیز - شماها باید بدانید که این یک عمل نمادین و یک عمل رزمی است؛ معنایش این است جوانانی در این سنین - در سنین نوجوانی و اول جوانی - پا به میدانی گذاشتند که در آن میدان، آحاد ملت از جوان تا پیر، همه مشغول تلاش و فعالیت‌اند. شماها که در آن میدان باشید، قهراً در جلو قرار می‌گیرید؛ چون اقتضای سن شما این است که جلو قرار بگیرید. ببینید، قضیه، این قدر اهمیت پیدا می‌کند!

❖ ائمه معصومین (ع) آرمان‌های ملت‌ها

البته هر کشور و هر ملتی با آرمان‌ها و اسطوره‌ها و نمونه‌های خودش زندگی می‌کند؛ این را شما بدانید. وقتی که ما راجع به شخصیت امیرالمؤمنین (ع)، یا امام حسن (ع) و امام حسین (ع)، یا حضرت صدیقه‌ی طاهره فاطمه‌ی زهرا (س) صحبت می‌کنیم، درباره‌ی آن‌ها حرف می‌زنیم، برای آن‌ها اشک می‌ریزیم و به یاد آن‌ها روح و دل‌وجان خودمان را صفا می‌دهیم، معنایش این است که ما یک نمونه، یک رمز و نمادی را آنجا گذاشته‌ایم و می‌خواهیم خودمان را به سمت آن بکشانیم و به آن نزدیک کنیم.

❖ شخصیت امام (ره) اسطوره‌ی واقعی

همیشه اسطوره‌ها و نمادها در یک کشور، این نقش را ایفا می‌کنند؛ که ما بحمدالله در تاریخ خومان از این نمادها زیاد داریم. در زمان خود ما هم شخصیتی مثل شخصیت امام (ره) داشتیم که این بزرگوار، خودش واقعاً یک نمونه اسطوره‌ای بود - اسطوره‌ای بر طبق واقعیت - این چیز خیلی عجیب است. معمولاً اسطوره‌ها را می‌سازند، ذهن‌ها و خیال‌ها در تاریخ‌های انسان‌ها، پندار می‌سازند - به اسطوره‌های کشورها که غالباً ساخته‌اند، نگاه کنید - اما اسطوره‌ی ما واقعی بود. شخصیتی مثل امام (ره) در زمان بود که از لحاظ ابعاد، دارای ابعاد یک اسطوره و مثل یک موجود افسانه‌ای است؛ اما واقعیت و وجود داشت، او را از نزدیک دیدیم و همین ابعاد را در او لمس کردیم. باز شما در کنار امام (ره) و در حاشیه این حرکت عظیم نگاه کنید، از این قبیل اسطوره‌ها داریم؛ یکی از آن‌ها همین شهید حسین فهمیده است. این کتابی که شما در احوال او منتشر کردید - من از اول تا آخر آن را خواندم و آن عکس‌ها را دیدم - حقیقتاً همین جوری است که می‌گویید او واقعاً یک نوجوان نمونه، استثنایی و پرورش‌یافته در آب‌وهوای تحول یک ملت، و البته با استعداد لازم بود.

❖ بسیج گنجینه‌هایی از استعداد

خوب، در آن اوقات، بچه دوازده، سیزده ساله، خیلی بودند؛ اما وقتی استعداد لازم در کسی بود، ناگهان او چنین رشدی را پیدا می‌کند. این بچه دوازده، سیزده ساله، عشق به جبهه و

عشق کردستان رفتن پیدا کند و مرتب برود و او را به زور برگردانند! با التماس برود، با قدرت، یا بازور برود و در جبهه فقط به پیام‌رسانی، با تفنگ در دست گرفتن، یا چهار تیر پرتاب کردن اکتفا نمی‌کند؛ بلکه آنجا احساس مسئولیت می‌کند و مثلاً جوان هم‌سنگرش که مجروح می‌شود، او را برمی‌دارد- آن‌طور که در شرح حالش نوشته بودند- عقب می‌آورد، بعد خودش جلو می‌رود، برای اینکه کار را تمام کند! می‌بینید که این‌ها دیگر کار یک بچه نیست؛ این‌ها کار یک شخصیت است.

شما نوجوان‌ها و جوان‌های عزیزی که اینجا هستید - چه پسرها و چه دخترها و نظایر ما- بدانید که شما گنجینه‌ای از استعداد هستید. خدای متعال در شماها این قدر توان - همین‌طور لایه‌لا - گذاشته است که اگر همه عمرتان - مثلاً در طول هشتاد سال - هر روز یکی از این صفحات را باز کنید و بخواهید به آن فعلیت و جان بدهید، تمام نمی‌شود! یعنی تا آخر عمر، این استعدادها باقی است.

❖ جوانی آغاز به فعلیت رساندن استعدادها

من نه اینکه بخواهم از بر، همین‌طور حرفی بزنم؛ باز نمونه برای ما امام (ره) است. شما ببینید، امام در سنین بین هشتادسالگی و نودسالگی شروع کرد به شعر گفتن؛ این چیز خیلی عجیبی است! کسانی که اهل ادبیات و شعر و ذوق هستند، می‌دانند، اصلاً وقت این‌طور چیزها جوانی است؛ اگر در جوانی شروع شد، پایه‌ای گذاشته شد و انسان ادامه داد، بعد هم ادامه پیدا خواهد کرد. این که انسان در سنین نزدیک نودسالگی، تازه از نو شروع به شعر گفتن و غزل‌سرایی کردن و رباعی گفتن کند و تخیل خود را به غالب الفاظ درآورد، این همان باز کردن یکی از صفحات است. خداوند متعال این صفحه را در آن وجود، همین‌طور گذاشته است؛ حالا یک صفحه را باز می‌کند. این استعدادها مندرج در وجود انسان، حضور دارند. شما الآن این جورید.

❖ فرق جوان‌های ما با غربی‌ها در شکوفایی استعدادها

خوب، دشمنان ما مایل‌اند که این جوان، این نوجوان، این دختر و این پسر، همین‌طور

بیکاره بمانند. این که می بینید در کشورهای اروپایی، جوان های هم سن شما به سیگار و مشروب و مواد مخدر و عشق بازی و از این فسادها و آلودگی ها و هرزگی ها مبتلا می شوند، به خاطر این است که آنجا تربیت ها آن جور اقتضاء می کند؛ آن ها در وضع گذشته، زندگی مناسب و تاریخ و مفاخری داشتند؛ ولی در وضع کنونی، آن ها دارند این امکان بروز و شکوفایی استعدادها را در جوان های خودشان می کشند، می میرانند و از بین می برند! چرا چون معنویات را از آن ها گرفتند؛ امکان چنین چیزی در دسترس آن ها نیست. حالا شما جوان ها اسلحه می بندید و لباس بسیجی می پوشید- چه لباس زیبایی هم برای این ها درست کرده اید- و اگر میدان مبارزه ای باشد، وارد میدان مبارزه می شوید و مردانه و باقوت، پسرها یک جور، دختر یک جور، از ارزش های خودتان دفاع می کنید و حضور، شخصیت و جوهر خودتان را اثبات می کنید و به کسانی که حاضر نیستند قبول کنند، آن را تحمیل می کنید؛ یعنی اراده به خرج می دهید.

❖ تربیت های الحادی در کشورهای دنیا

شما این جورید؛ ولی تربیت های الحادی در کشورهای دنیا - در خیلی کشورها، نه در همه جا- جوان هایی در سنین شمارا به سیگار کشیدن، سیگار دزدیدن، مشروب خوردن، لات بازی درآوردن، جلوی این و آن را گرفتن و از آن ها پول خواستن و اخاذی کردن و برای پول، آدم و در مدرسه، هم شاگردی خودشان را کشتند، می کشانند! ببینید، این ها چیزهایی است که واقعیت دارد؛ همه این ها امروز در این مطبوعات آمریکایی هست. بنده خودم این ها را در موارد متعددی دیده ام و نقل از آمارهای دشمنان آن ها نیست، خودشان این ها را می گویند! در فلان مدرسه، فلان پسر بچه دوازده - سیزده ساله - اسلحه برده و بنا کرده است هم شاگردی خودش را کشتن و نابود کردن! یعنی انحراف و فساد، یعنی ضایع و باطل شدن. آن ها با این موهبت الهی، این جور عمل می کنند!

❖ اهمیت بسیج دانش آموزی

بنابر این مسئله بسیج، مسئله خیلی مهمی است و پرداختن به بسیج دانش آموزی، کار مهمی

است. نگه داشتن یاد این نوجوانان بسیجی - که حالا شما یک نمونه‌اش را که همین شهید حسین فهمیده است، به خوبی برجسته و بزرگ کرده‌اید و در مقابل چشم‌ها قرار داده‌اید - بسیار خوب است. بگردید نمونه‌های دیگری هم پیدا کنید، حالا اگر به آن برجسته‌ی هم نباشند، بر هر حال کسانی هستند که از این قبیل‌اند. در همان ایام جنگ، پسر بچه سیزده ساله‌ای می‌خواست میدان جنگ برود، قبولش نکرده بودند - این‌ها با ما همسایه و نزدیک بودند؛ در زمان ریاست جمهوری من بود - مادر این نوجوان به منزل ما آمده بود و به خانواده ما التماس می‌کرد که شما به فلائی بگویید کاری برای این بچه بکند؛ این قدر در خانه گریه می‌کند که به جنگ برود و ما را عاجز کرده است!

شما ببینید، واقعاً یک بچه در سنین سیزده سالگی، در شوق رفتن به جبهه، کاری کند که مادر خودش را وادار کند بیاید و با التماس از ما بخواهد که ما برای او وسایل جنگ را فراهم کنیم! خوب، بچه سیزده ساله را چه کسی می‌گذارد به میدان جنگ برود؟! جلوی او را می‌گیرند و مانعش می‌شوند. این مادر، پیش من آمده و التماس، که شما اجازه بدهید این بچه به جنگ برود؛ چون آن شوق و آن آتش عشق مقدس در دلش، او را به این جور حرکتی کشانده است. این‌ها چیزهای خیلی مهمی است.

البته از این قبیل که می‌گویم، یکی هم نبود؛ ما آن چند نمونه این جوری داشتیم، در جبهه، جوان‌هایی بودند. هر کدام از شماها لابد از این قبیل، کسانی را می‌شناختید؛ بنده هم تعداد قابل توجهی از این‌ها را می‌شناختم. بعضی از این‌ها بحمدالله زنده هستند و بعضی به شهادت رسیده‌اند. این‌ها را پیدا و معرفی کنید، تا اینکه سرمشقی باشند.

❖ قدر دانستن زی بسیجی

شما پسرها و دخترهای عزیز هم که بحمدالله به این زی بسیجی مُتَرَبِّی و مفتخر شده‌اید، قدر این را بدانید و از لحاظ اعمال، رفتار، کارکرد، درس خواندن و پیش قدمی در کارهای خیر، جوری بکنید که برای دیگران، نمونه برجسته‌ای باشید. انشاء الله خداوند هم کمک کند که در آینده، کشور با مردان وزنانی مثل شماها - که ده سال، پانزده سال دیگر، شماها مردان

وزنانی هستید و ان شاء الله در این کشور، مشغول یک کار سازنده و فعال خواهید بود - بتواند به آن اهداف اسلامی و والای خودش برسد. از همه آقایان محترمی که دست انکار بودید، تشکر می‌کنم که این کار بزرگ را انجام دادید.

والسلام و علیکم و رحمة الله و برکاته

بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان سراسر کشور ۳۰/۸/۱۳۷۵

۱. حرکت بسیج یک حرکت خردمندانه، منطقی، استوار و کاملاً حکیمانه است
۲. بسیج داروی شفا بخش ضعف‌ها، هزیمت‌ها و عقب‌ماندگی‌ها
۳. اساس فضیلت، متوجه به بسیج
۴. سپاه پاسداران از فراورده‌های بسیج است
۵. اگر بسیج نمی‌بود نظام توان مقابله با توطئه‌ها و دشمنی‌ها را نداشت
۶. دشمنی‌ها علیه ایران اسلامی زیاد است
۷. دشمن اصلی ایران صهیونیست‌ها و امریکا هستند
۸. ترتیب دشمنی‌ها به‌طور متوالی علیه کشور وجود داشته
۹. جنگ تحمیلی و حمایت‌های جهانی از رژیم بعثی
۱۰. تأیید به کار بردن سلاح‌های شیمیایی توسط طرفداران حقوق بشر
۱۱. کمک‌های پنهان و آشکار کشورهای بلوک غرب به رژیم بعثی
۱۲. پایان جنگ تحمیلی، سرافکنده‌گی و شکست دشمنان
۱۳. پایان جنگ تحمیلی و ادامه خیانت‌ها و دشمنی‌ها
۱۴. دشمنی با ملت ایران به خاطر دفاع از اسلام
۱۵. نظام مقدس اسلامی به تهدید دشمن اعتنا نمی‌کند
۱۶. بزرگ‌ترین نقطه قوت ملت ایران از نظر دشمن عیب است
۱۷. هر کسی با این ملت مقابله کند، تیرش به سنگ خواهد خورد.
۱۸. آمریکایی‌ها هیچ غلطی هم نتوانستند بکنند
۱۹. ملت‌های ضعیف زیر چتر کمک ایران
۲۰. ایران طرفدار حق، دشمن باطل



بسم الله الرحمن الرحيم

❖ حرکت بسیج یک حرکت خردمندانه، منطقی، استوار و کاملاً حکیمانه است

برادران و خواهران عزیز بسیجی؛ خیلی خوش آمدید. بخصوص شما برادران و خواهرانی که از راه‌های دور و شهرهای دیگر، زحمت کشیدید و تشریف آوردید و این جلسه صمیمی و باصفا و پُر از روح معنویت و عشق و ایثار را تشکیل دادید.

هفته بسیج، در حقیقت فرصتی برای ارائه حرکت عظیمی است که به وسیله امام بزرگوار راحل، در این کشور پایه‌گذاری شد و این حرکت، در این منطقه اسلامی و دینی، برای دیگر ملت‌ها هم ان شاء الله الگو و سرمشق خواهد شد. از حوادث زودگذری که گاهی بر اثر تبلیغات خصمانه دشمنان، در افکار عمومی ملت‌ها به وجود می‌آید و مانع و عایقی برای الگوگیری ملت‌ها می‌شود، بگذرید. حرکت ماندگار، این است. «الم تر كيف ضرب الله مثلاً كلمة طيبة كشجرة طيبة اصلها ثابت».^۱ مسئله این است که ریشه و پایه، سالم و محکم و استوار باشد. حرکت بسیج، از این قبیل است. علی‌رغم اظهارات خصمانه دشمنان جمهوری اسلامی - که هر هنری هم این ملت دارد، آنها سعی می‌کنید با چشم بدبینی به آن نگاه کنند و آن را عیب معرفی نمایند - و به کوری چشم آنها، حرکت بسیج، یک حرکت خردمندانه و منطقی و استوار و کاملاً حکیمانه است.

❖ بسیج داری شفاعت ضعیف‌ها، هزیمت‌ها و عقب‌ماندگی‌ها

حکمت امام بزرگوار ما، در خیلی از مسائل آشکار شد. این، یکی از برجسته‌ترین آن

مسائل است. بدون این که بخواهیم نسبت به زحمات نیروهای مسلح سازماندهی شده منظم نظامی - که حقیقتاً در کشور ما، سپاه و ارتش، دنیروی مسلح کارآمد ارزشمند هستند و زحمات عظیمی هم کشیده‌اند و خدمات بزرگی هم کرده‌اند - تردیدی به ذهن بیاوریم، باید عرض کنیم که عمده کار در هر حرکت نظامی، پشتیبانی مردم است و این پشتیبانی - که در کشور ما، به شکل بسیج بود - هر جا باشد، درنبرد نظامی و هر نبرد دیگر، داروی شفابخش ضعف‌ها و هزیمت‌ها و عقب‌ماندگی‌هاست.

❖ اساس فضیلت، متوجه به بسیج

بنابراین، هم در جنگ تحمیلی، هم پیش از آن و هم بعد از آن تا امروز، اساس فضیلت، متوجه به بسیج است. خود حرکت بسیج هم، از روز اول تا امروز، یک حرکت خردمندانه بوده است. به تبلیغات دشمنان، که بهترین جوانان ما و فداکارترین و باصفا‌ترین و نورانی‌ترین عناصر این ملت را، به تعصب و تحجر رمی می‌کنند، کاری نداریم. روشن‌بینی، حرکت منطقی و خردمندانه، محاسبات دقیق، کار دقیق و نتایج علمی، جزو خصوصیات بوده که از روز اول تا امروز، در بسیج مردمی محسوس بوده است.

❖ سپاه پاسداران از فرآورده‌های بسیج است

من می‌خواهد عرض کنم، اولین تشکیلات مسلح نظامی انقلاب که از انقلاب جوشید، در حقیقت فرزند بسیج بود. کمیته انقلاب اسلامی هم، درواقع از بسیج نیروها به جود آمد. خود سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با این همه برکاتی که در طول سال‌های متمادی از آن دیده شد، درواقع فرآورده‌ای از فرآورده‌های بسیج نیروهای مردمی است. بعد هم بحمدالله تا امروز، بسیج به شکل یک مؤسسه و یک سازمان و یک نیرو، وجود و حضور دارد و بعد از این هم، بایستی این چنین باشد. این، یک حرکت خردمندانه بود.

❖ اگر بسیج نمی‌بود نظام توان مقابله با توطئه‌ها و دشمنی‌ها را نداشت

برای کشوری که آماج این همه حمله خصمانه و خباثت‌آمیز دشمنان است، جز بسیج نیروهای مردمی، هیچ راه علاجی وجود ندارد. اگر بسیج نیروهای مردم نمی‌بود و امام

بزرگوار، از نیروی ایمان و عشق مردم، در سازماندهی این عناصر مؤمن و نورانی در سراسر کشور - اقوام مختلف و مرزداران و عشایر و جوانان و دانشگاهیان و روحانیون و دانش‌آموزان و پیرمردان و زنان و دختران جوان و سایر اقشار ملت - استفاده نمی‌کرد و این انبوه عظیم نیروی فعال را به وجود نمی‌آورد، بدون شک جمهوری اسلامی می‌توانست در مقابل این همه توطئه و خباثت و دشمنی و سنگ‌اندازی، مقاومت کند.

❖ دشمنی‌ها علیه ایران اسلامی زیاد است

وقتی شما به اطراف عالم نگاه می‌کنید، از هر طرف، فریاد خصمانه یک جمع و مرکز و گروهی، از روز اول تا امروز، علیه انقلاب وجود داشته، هنوز هم هست و بعدازاین هم خواهد بود؛ تعجبی هم ندارد. طبیعت این حرکت، که ملت ایران را مستقل می‌خواهد، دخالت بیگانگان را اجازه نمی‌دهد، دست‌های دخالت‌گر را قطع می‌کند، در سیاست‌ها مستقل می‌اندیشد، کمپانی‌ها را - که همه‌چیز دنیا، در دست آن‌هاست - ندیده می‌گیرد و شبکه سرطانی جهانی صهیونیسم را دشمن می‌دارد، بدیهی است که علیه‌اش دشمنی زیاد است.

❖ دشمن اصلی ایران صهیونیست‌ها و امریکا هستند

البته ملت ایران، در شناخت دشمن اصلی، اشتباه نخواهد کرد. این را همه مردم دنیا بدانند. دشمن اصلی، در مقابل نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران، اولاً صهیونیست‌ها هستند که می‌دانند از نظر ملت ایران، رژیم غاصب آن‌ها در فلسطین، یک رژیم غیرمقبول و شناخته‌نشده و غیررسمی و رو به اضمحلال است. بیشتر دشمنی‌ها هم، از طرف آن‌هاست. سرمایه‌داران صهیونیست، در اطراف دنیا، مخصوصاً در امریکا و اروپا، مشغول فعالیتند. رادیوها، روزنامه‌ها، وسایل ارتباط جمعی و بسیاری از امکانات، در اختیار آن‌هاست و علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی و ملت ایران، فعالیت میکنند. دشمن دیگر هم، رژیم امریکا است که در واقع، روی دیگر این سکه است. آن دشمنی هم، به خاطر این است که پایگاه عظیم اقتصادی و سیاسی و نظامی امریکا در ایران - که آن را پیش‌بینی کرده و ترتیب داده بود - از دستش رفته است.



هر نظامی، با هر فکر و منطق و مشایی که در ایران بر سر کار می آمد و جلو زیاده طلبی امریکا را در این کشور نمی گرفت، این قدر مورد دشمنی نبود. بنابراین، دشمن اصلی، این دو عنصر پلید و خبیث - یعنی شیطان بزرگ و صهیونیست ها - هستند. ملت ایران، دچار اشتباه نخواهد شد. هر جایی هم، هر دشمنی ای مشاهده شود، از طرف این دو دشمن است. اگر هر اسم و گروه و بلندگو و شخص و دولت دیگری، وارد این میدان شود، درجه دو و فرعی است. دشمن اصلی، صهیونیست ها و نیز دولت و رژیم امریکا است که تحت تأثیر کمپانی ها و فروشندگان و صادر کنندگان اسلحه و چپاولگران بین المللی قرار دارد و به دست آنها، اداره و پشتیبانی می شود. این، اساس مسئله است.

❖ ترتیب دشمنی ها به طور متوالی علیه کشور وجود داشته

شما اگر از اول پیروزی انقلاب تا امروز هم نگاه کنید، ترتیب دشمنی ها، به طور متوالی بوده است و نگذاشته اند که بین خصومت علیه جمهوری اسلامی، فاصله ای به وجود آید. قبل از آن که جنگ تحمیلی شروع شود، انواع و اقسام دشمنی های اقتصادی و سیاسی و تهدیدهای گوناگون وجود داشت. جنگ تحمیلی که به وجود آمد، همه دشمنی ها، در مسئله جنگ متمرکز شد. هر جای دنیا، اگر کسانی دشمن تشکیل یک حکومت بر مبنای اندیشه های نورانی اسلام و تفکر مترقی اسلامی بودند، در مسئله جنگ کوشش کردند که نگذارند ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی، با پیروزی نظامی، دشمن خود را از صحنه جنگ خارج کند و می خواستند مانع فتح نظامی جمهوری اسلامی شوند.

❖ جنگ تحمیلی و حمایت های جهانی از رژیم بعثی

در جنگ، کمک به دشمن ما - یعنی رژیم بعثی عراق - را همه برای خودشان یک امر لازم و واجب تلقی کردند و بی محابا، این کمک را انجام دادند! اگر ما خیلی خوش بین باشیم و نگوییم که اصل شروع جنگ، به تحریک و دخالت قدرت های استکباری بود - ممکن است کسانی در این قضیه تردید کنند؛ ولی شواهد فراوانی در این خصوص وجود دارد - بدون

شک، ادامه جنگ و کمک به رژیم عراق، برای جلوگیری از پیروزی نظامی جمهوری اسلامی، جای هیچ انکار و تردیدی نیست.

❖ تأیید به کار بردن سلاح‌های شیمیایی توسط طرفداران حقوق بشر

شما به این دولت‌هایی که در آن روز، قدرت‌های جهانی محسوب می‌شدند، نگاه کنید! قدرت نظام مارکسیستی، در هر نقطه دنیا که وجود داشت، پشت سر رژیم عراق بود. قدرت نظامی و مالی و سیاسی امریکا، پشت سر رژیم عراق بود. رژیم عراقی که امروز با انواع وسایل و تبلیغات، چهره سران آن را زشت وانمود می‌کنید و زشتی‌ها و فجایع ناشی از کارهای آنها را بر زبان می‌آورند؛ همین رژیم، با همین خصوصیات و با همین ماهیت، با ایجاد فجایعی از قبیل حلبچه و جنگ شهرها و به کار بردن سلاح شیمیایی و غیر آن، چند سال متوالی، مورد تأیید همین آقایان به اصطلاح طرفدار حقوق بشر و طرفدار ملت‌ها و مخالف با سلاح‌های شیمیایی و غیره بود!

❖ کمک‌های پنهان و آشکار کشورهای بلوک غرب به رژیم بعثی

امریکا کمک کرد، کشورهای بلوک غرب تقریباً به طور کامل کمک کردند. بعضی صریحاً و بعضی هم محرمانه کمک کردند. امریکا و صهیونیست‌ها و عوامل و هم‌پیمان‌ها و تجار وابسته و پشتیبانان مالی آنها، هر چه توانستند به کار بردند، برای این که شاید بتوانند جمهوری اسلامی را در این نبرد هشت ساله شکست دهند، ضربه‌ای وارد کنند، یا به نظام لطمه بزنند، یا اصل نظام را از بین ببرند، یا نظام را سرافکنده کنند و یا قطعه‌ای از کشور را ببرند. ملت ایران محکم ایستاد و بسیج نیروها، جوهر و حقیقت خود را در آن ماجرای عظیم نشان داد.

❖ پایان جنگ تحمیلی، سرافکندگی و شکست دشمنان

بعد از هشت سال جنگ تحمیلی، بالاخره دشمن اعتراف به عجز کرد و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و ملت ایران، به کوری چشم دشمنان توانستند، سربلند و پیروز از این جنگ بیرون آیند و نگذارند یک وجب از خاک کشور اسلامی و حرکت این ملت، به وسیله دشمن



مورد غصب قرار گیرد. بزرگ‌ترین افتخار ملت ایران در رابطه با جنگ، همین است که در طول هشت سال، همه قدرت‌ها پشت سر رژیم بعثی ایستادند، تا بتوانند جمهوری اسلامی را سرافکنده و شکست خورده کنند؛ ولی نتوانستند. ملت ایران، ایستاد و فداکاری کرد. امام بزرگوار، بزرگ‌ترین تجربه دوران نورانی رهبری خود را در اینجا نشان داد و نگذاشت که ملت ایران، لحظه‌ای احساس هزیمت و شکست کند و بالاخره دشمن مجبور شد، با سرافکنندگی عقب بکشد و در مقابل ضربات رزمندگان اسلام، تاب مقاومت نیاورد و عقب‌نشینی کند و برود.

❖ پایان جنگ تحمیلی و ادامه خباثت‌ها و دشمنی‌ها

جنگ، هشت سال طول کشید. الآن هم قریب هشت سال است که دوران بازسازی و تجدیدقوا و دوران رسیدن ملت ایران به کارهایی است که هشت سال به خاطر جنگ، نتوانسته بود آن کارها را برای کشور خود انجام دهد. در این هشت سال دوم هم آنچه نتوانسته‌اند، نسبت به این ملت، خباثت و دشمنی انجام داده‌اند و فروگذار نکرده‌اند. بازهم پیش‌قراول، امریکا و صهیونیست‌هایند. شما نشان‌نامه دشمنی‌ها و جهالت‌ها و خباثت‌ها را نسبت به حقیقت این انقلاب و نسبت به ملت آزاد و مستقلی که می‌خواهد باعقیده خود زندگی کند، در آنجا مشاهده می‌کنید. ملت ایران که جرمی غیر از این ندارد.

❖ دشمنی با ملت ایران به خاطر دفاع از اسلام

جرم ملت ایران، فقط این است که می‌خواهد آزاد و مستقل زندگی کند؛ از قدرت‌های متجاوز و مستکبر دنیا اطاعت نکند؛ مسیر خود را خودش معین کند؛ سرنوشت خود را خودش تعیین نماید. جرم ملت ایران، دشمنی با ظلم و دفاع از حقیقت و در یک کلمه، دفاع از اسلام است. جرم ملت ایران، پیروی از اسلام، حرکت در پرتو اسلام و زندگی با احکام نورانی اسلام است. جهان‌خواران، نمی‌توانند این را ببینند. دشمنان ملت‌ها، نمی‌توانند این را تحمل کنند. اسلام و قرآن، با ظلم و تجاوز و ستمگری و با تسلط رژیم‌های خودکامه بر ملت‌ها و بر مردم

دنیا، نمی سازد. بدیهی است، ملتی که با چنین نظامی، با چنین فکری و در پرتو چنین مشعلی زندگی می کند، زیر بار نمی رود.

❖ نظام مقدس اسلامی به تهدید دشمن اعتنا نمی کند

این ها مایل اند، در ایران و در هر کشور دیگری، رژیم هایی بر سر کار باشند که از مردم منقطع باشند، به آن قدرت ها متصل باشند، منافع مردم را زیر پا لگد کنند، منافع کمپانی های جهان خواران را تأمین کنند، بر طبق تشخیص مردم و به خیر و صلاح آنها حرکت نکنند و طبق اشاره انگشت استکبار حرکت کنند. رژیم های مرتجعی که شما می بینید، این گونه اند و چقدر هم برای این زمامداران امریکا، محبوب و مطلوب اند. اما نظام مقدس اسلامی، نظامی است که همه مردم در آن بیدار و هوشیارند؛ بااراده تصمیم می گیرند، در صحنه مسائل زندگی حضور دارند، مسئولان کشور - دولت، دستگاه قضایی، قوه مقننه - آزاد و اسلامی فکر می کنید، برای خدا حرکت می کنند، به تهدید دشمن اعتنا نمی کنند و از تطمیع کسی به طمع نمی افتند. چنین نظامی، برای آنها مطلوب نیست.

❖ بزرگ ترین نقطه قوت ملت ایران از نظر دشمن عیب است

در چنین کشور و نظامی، هر حسنی هم که در مردم وجود داشته باشد، از نظر آنها عیب است! از نظر آمریکایی ها، بزرگ ترین عیب جمهوری اسلامی این است که غصب غاصبان صهیونیست نسبت به فلسطین را قبول نمی کند. بزرگ ترین نقطه دشمنی آنها با نظام جمهوری اسلامی این است که چرا شما قبول نمی کنید چکمه پوشان اسرائیلی، بدون اجازه در خانه مردم حرکت کنند و بر سر آنها بکوبند و حاکمان آن مردم باشند؟! همه دنیا قبول کرده اند، شما چرا قبول نمی کنید؟! بزرگ ترین نقطه قوت این ملت، از نظر آنها، بزرگ ترین نقطه ضعف است!

ملت ایران، عقیده و ایمان و عشق خود، عدالت اجتماعی و رفاه و امنیت در سایه اسلام و توحید و احکام نورانی و مقدس اسلام را، هدف قرار داده است و برای آن تلاش می کند و شعار می دهد. این، از نظر آنها تحجر و تعصب و کج فهمی است و آن را عیب می گیرند! ملت ایران از روز اول، با رژیم مستکبر امریکا مبارزه کرده است؛ باز هم مبارزه می کند. آن طور که

از قرائن به دست می آید، هنوز که هنوز است، رژیم مستکبر امریکا تصمیم دارد با این فکر و این راه و این هدف و این ملت، مقابله کند.

❖ هر کسی با این ملت مقابله کند، تیرش به سنگ خواهد خورد

البته در طول این هفده سال، چه رژیم مستکبر امریکا و چه دشمنان متجاوز دیگر، در مواجهه با این ملت، همیشه تیرشان به سنگ خورده و بینی شان به خاک مالیده شده است. در آینده هم به فضل پروردگار، چه آنها و چه غیر آنها، هر کسی با این ملت مقابله و مبارزه کند و قصد تجاوز و تعرض داشته باشد و بخواهد حق این ملت را پایمال کند، باز هم تیرش به سنگ خواهد خورد و بینی اش به خاک مالیده خواهد شد.

❖ آمریکایی ها هیچ غلطی هم نتوانستند بکنند

پانزده سال پیش که امام بزرگوار می فرمود: «امریکا، هیچ غلطی نمی تواند بکند»، بعضی ها می گفتند، چه دلیلی دارید که هیچ غلطی نمی تواند بکند؛ شاید هم غلطی کرد. اما اگر امروز ما بگوییم، امریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند، پانزده سال گذشته را به عنوان سند در مقابلمان داریم. تابه حال، چه کار می توانستند بکنند که نکرده اند؟ دیدید که هیچ غلطی هم نتوانستند بکنند.

آن طوری که من احساس می کنم، شیاطین صهیونیست، حتی سردمداران دولت امریکا را هم وسوسه می کنند و به یک معنا، آنها هم در بعضی از موارد، عامل این ها هستند. امروز احساس می شود، برای تعرض و مقابله و خباثت و دشمنی علیه ملت ایران و جمهوری اسلامی، وسوسه تند و شدیدی، از طرف شیاطین صهیونیست، نسبت به سردمداران دولت امریکا وجود دارد؛ لیکن تجربه ی گذشته، در مقابل روی ما و روی آنهاست.

❖ ملت های ضعیف زیر چتر کمک ایران

این ملت، حق گو و حق طلب است و در موضع حق قرار دارد. ما به کسی تجاوز نکردیم، ما علیه هیچ ملتی اقدام نکردیم، ما یک وجب از خاک ملتی را غصب نکردیم، ما منافع هیچ ملتی را تصاحب نکردیم؛ از ما همیشه کمک بوده است. تقریباً می شود گفت که همه و یا اغلب

ملت‌های ضعیف، در طول این چند سال، با همه گرفتاری‌هایی که ما داشتیم، به نحوی مشمول کمک و عطوفت ملت ایران شدند.

شما نگاه کنید، اگر ملتی در اروپا، مورد فشار قرار گرفت و ضعیف شد و مظلوم واقع گردید، ملت ایران به کمکش شتافت. اگر در آفریقا چنین وضعی پیش آمد، ملت ایران به کمک او رفت. اگر در آسیا بود، اگر در همسایگی ما بود، اگر حتی دولتی بود که مورد ستم واقع شد و مستضعف و محتاج کمک بود. ملت ایران همیشه به ملت‌ها کمک کرده است.

❖ ایران طرفدار حق، دشمن باطل

ما حق کسی را نگرفتیم، ما کسی را تهدید نکردیم. علی‌رغم خباثت‌ها و وسوسه‌های دشمنان در خلیج فارس نسبت به همسایه گان‌هم، هیچ‌وقت برای هیچ همسایه‌ای تهدید نبوده‌ایم. همسایه‌ها، علیه ما تهدید درست کرده‌اند؛ اما ملت ایران و نظام مقدس جمهوری اسلامی، علیه هیچ دولت و ملت و کشوری، تهدید نبوده است. ما همیشه کمک کرده‌ایم. ملت و نظام جمهوری اسلامی، این است: ملتی در موضع حق، طرفدار حق، دشمن با باطل، دشمن با ظلم و ستم و زورگویی؛ ملت و دولتی که اهل زورگویی و تجاوز و تعرض نیست و فقط با متعرضانی که می‌خواهند به حقوقش تجاوز و تعرض کنند، مبارزه و مقابله می‌کند و محکم می‌ایستد و تسلیم زورگوهای دنیا نمی‌شود. جرم ملت ایران، فقط این است.

هر جا ملتی با این خصوصیات باشد، مورد حمایت پروردگار و مورد حمایت سُنن و قوانین تاریخی است. هر کس با او مقابله کند، شکست خواهد خورد و ضربه خواهد دید و ستم خواهد کشید. این، از برکات ایمان و عشق و ایستادگی و حرکت خردمندانه این ملت و این نظام به سمت هدف‌های متعالی و نورانی آن است.

امیدواریم که خداوند متعال، شما عزیزان و همه ملت ایران و مسئولان کشور را موفق کند و در راهتان مستدام بدارد و کمک‌های الهی در حق این ملت، همیشگی باشد و دشمنان این ملت را مقهور و منکوب فرماید و قلب مقدس ولیعصر ارواحنافداه را از همه شما راضی کند.

و السَّلام علیکم و رحمة الله و برکاته



بیانات در دیدار نیروهای حاضر در مانور طریق القدس ۳/۲/۱۳۷۶

۱. مانورهای بزرگ حقیقت فراموش نشدنی
۲. اجتماعی که دست خدا با آن است
۳. توطئه‌های صهیونیستی و جوانان مؤمن مخلص باصفا
۴. مضمون و مفهوم مانورهای جوانان و رزمندگان
۵. مانور یعنی نمایش قدرت یک ملت، باغیرت ملی
۶. مانورها تهدیدی علیه کشورهای همسایه نیست
۷. مانورها اعلام آمادگی در مقابل قدرت‌های زورگو
۸. استکبار قانع نیست
۹. ما باکارهای استکباری مخالف و ضدیم
۱۰. اسلام ملت ما را زنده کرد
۱۱. هیچ قدرتی نمی‌تواند ملت ایران را برگرداند.
۱۲. تحلیل و فهم غلط دشمنان از ملت و کشور
۱۳. بصیرت ملت ایران نسبت به گذشته رژیم استکبار
۱۴. ملت ایران حاضر به آشتی با امریکا نیست
۱۵. دنیای تعالی معنوی شایسته انسان است نه دنیای مادیگری
۱۶. آینده متعلق به بسیجیان
۱۷. اتهام ایران بسیار ظالمانه، مغرضانه و غیرمنصفانه
۱۸. اعتراف آلمانی‌ها به تحویل سلاح‌های شیمیایی به رژیم بعثی
۱۹. جوانان بسیجی دل‌های پاک، اخلاص و باصفا را در خودشان حفظ کنند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين. و الصَّلَاة و السَّلَام على سيدنا و نبينا ابي القاسم محمد و على آله
الاطيبين الاطهرين المنتجبين. سيما بقيه الله في الارضين

❖ مانورهای بزرگ حقیقت فراموش نشدنی

خدا را با همه وجود سپاسگزاریم که ایران اسلامی را یکبار دیگر، مشهد و منظر عظیم
ایمان جوشان و انگیزه‌های بی‌پایان نیروهای مؤمن و مخلص انقلاب قرارداد. هر یک از این
مانورهای بزرگ - که بهترین و عزیزترین فرزندان این ملت و این کشور در آن اجتماع
می‌کنند - در حقیقت یک صحنه پرشکوه و یک نمونه فراموش نشدنی از حقیقت عظیمی است
که امروز در این کشور و در این سرزمین الهی و در این مقطع حساس تاریخ حضور دارد و این
عزیزان آن را در مقابل چشم جهانیان و کسانی که مایل‌اند ببینند و حقایق را بفهمند، قرار
می‌دهند.

❖ اجتماعی که دست خدا با آن است

آن اجتماعی که دست خدا با آن است، همین اجتماع است. اجتماع دل‌های مؤمن، اجتماع
جان‌های پاک و روح‌های نورانی و باصفا، اجتماع جوانان پاکیزه این ملت که در عصر
حاکمیت مادیگری بر زندگی قشرهای جوان در سرتاسر عالم، توانسته‌اند خود را از تصرف
مادیگری نجات دهند و شعله معنویت را - که خدا در همه دل‌ها و ژوئن‌ها برافروخته است -
در دل و جان خودشان، برافروخته و مشتعل نگهدارند.

❖ توطئه‌های صهیونیستی و جوانان مؤمنِ مخلصِ باصفا

در دورانی که توطئه‌های صهیونیستی بلند مدّت، تصمیم گرفته بودند نسل جوان کشورها را به مسائل حقیر و به شهوات و آلودگی‌ها دچار کنند و سرگرم نگهدارند و متأسفانه در بسیاری از کشورها موفق هم شده‌اند، جوانان این ملت، این فرزندان مؤمنِ مخلصِ باصفا، این کسانی که استعدادهای گوناگون بشری در آنها به صورت جوشانی هم وجود دارد و این را در همه جا ثابت کرده‌اند و نشان داده‌اند، توانسته‌اند خود را از این توطئه بزرگ صهیونیستی تاریخ معاصر و پیش از دوران معاصر ما حفظ کنند و نگهدارند. این، یک پدیده بسیار شگفت‌آور و پرشکوه و افتخارآمیز است.

❖ مضمون و مفهوم مانورهای جوانان و رزمندگان

اجتماع چنین جوانان و چنین دل‌هایی، همان اجتماعی است که در آن نور الهی به چشم اهل بصیرت می‌آید. در چنین مجموعه‌های عظیم است که انسان خدا را می‌بیند، قدرت خدا را حس می‌کند و اراده لایزال الهی را بر اصلاح بشریت و اصلاح تاریخ، با همه وجود درمی‌یابد. در چنین موقعیتی، دل هر انسان دیرباوری از امید سرشار می‌شود. مانور بزرگ طریق‌القدس ما، ناظر به این معانی است. مانورهای جوانان و رزمندگان ما در سرتاسر کشور، - هرجایی که تشکیل می‌شود - دارای این مضمون و چنین مفهوم برجسته‌ای است.

❖ مانور یعنی نمایش قدرت یک ملت، باغیرت ملی

ملت ایران در دوران هجده ساله انقلاب، یک مانور بزرگ سیاسی و نظامی و انسانی را به طور مستمر در مقابل چشم بشریت قرار داده است. همه این مانورهایی که در طول جنگ، خود را به صورت واقعی در جبهه‌های نبرد نشان می‌داد و امروز به صورت تمرین‌ها و ایجاد آمادگی‌هایی در اینجا و آنجا به وجود می‌آید، جزئی از آن مانور عظیم ملت ایران است. این، یعنی نمایش قدرت ملتی که تصمیم گرفته است از نیروهای خداداده خود، برای بنای زندگی شرافتمندانه‌اش بهره گیرد و استفاده کند. این، یعنی یک ملت، باغیرت ملی خود و با احساس شرفی که در وجود و تاریخ و عقاید او نهفته است و می‌خواهد بگوید: دست دشمنان کوتاه،

دست متجاوزان کوتاه، مستکبران عالم و قدرت‌های پر توقع و ضد فضایل و ارزش‌های انسانی به کناری بروند.

❖ مانورها تهدیدی علیه کشورهای همسایه نیست

این ملت، ملتی نیست که با تهدید و ارباب و حضور تهدیدآمیز قدرت‌های مادی - که عادت کرده‌اند حرف خود را علیه ملت‌ها و جوامع به کرسی بنشانند - پا عقب بگذارد، قدرت خود را فراموش کند و به ضعف تلقینی دشمن گوش دهد. این ملت می‌داند که قوی است و فهمیده که دارای اقتدار است. معنای این مانورها و این اجتماعات مبارک و منور این است. مانور ما، تهدید هیچ همسایه و هیچ ملت و دولتی نیست. علی‌رغم تبلیغات آمریکایی و صهیونیستی و بوق‌هایی که در طول این هجده سال، همواره خواسته‌اند ایران اسلامی را تهدیدی علیه کشورهای خلیج فارس نشان دهند، ملت ایران علیه کشورهای خلیج فارس و ملت‌های همسایه و هیچ کشور دیگری که متعرض به آن نباشد، تهدیدی به وجود نمی‌آورد.

❖ مانورها اعلام آمادگی در مقابل قدرت‌های زورگو

ما کسی را تهدید نمی‌کنیم؛ اما در مقابل آن قدرت‌هایی که عادت کرده‌اند همه ملت‌هایی را که حاضر نیستند در مقابل آنها زانو بزنند، تهدید کنند و به آنان زور بگویند، این ملت با قدرت و توانایی خود و با تکیه به خدا و دستورات قرآن مقدس که به او گفته است به خدا تکیه کن و از کسی ترس، تصمیم دارد که بایستد، تهدید نشود و تهدید آنها را جدی نگیرد و از مواضع به حق و از راه و مدّعی حق طلبانه خود، حتی یک قدم عقب ننشیند. مضمون حقیقی این مانورها، این است.

ما کسی را تهدید نمی‌کنیم. اگر کسانی، دولت‌هایی، سیاستمدارانی، مطبوعاتچی‌هایی دوست دارند که برای سرگرمی خودشان، یا برای سرگرمی مردمشان، وانمود کنند که ایران اسلامی به عنوان یک همسایه، آنها را تهدید می‌کند، این بسته به میل خود آنهاست. نیروی ما در خلیج فارس و در محدوده کشور، برای دفاع از مرزهای این میهن پرافتخار اسلامی، برای دفاع از استقلال این ملت و برای ایستادگی در مقابل قدرت‌های زورگوست.

❖ استکبار قانع نیست

متأسفانه امروز دنیا غالباً به اردوگاه استکبار و زورگویی از یک طرف، و اردوگاه کسانی که حاضر شده‌اند زورگویی زورگویان را بشنوند از طرف دیگر، تقسیم شده است. می‌بینید که دستگاه استکباری، با تشبث به همه امکانات، در صدد است که قدرت ظالمانه و غاصبانه خود را در هر نقطه‌ای از نقاط عالم که بتواند، گسترش دهد. امروز دولت امریکا به این قانع نیست که بر کشور و منافع خود تسلط داشته باشد و خود را به عنوان یک کشور و یک ملت، طبق میل و اراده خود اداره کند. آنها می‌خواهند در هر نقطه‌ای از عالم که موقعیت جغرافیایی حساسی وجود دارد، حضور داشته باشند؛ هر جا آبراه مهمی وجود دارد، بر آن مسلط باشند؛ هر جا منابع حیاتی زیرزمینی‌ای وجود دارد، زیر کلید آنها باشد؛ هر جا پول و قدرت و امکانی هست، آنها بتوانند بر آن تسلط داشته باشند و هر جا مجموعه‌ای از انسان‌ها زندگی می‌کنند، تا آنجا که می‌توانند، اراده خودشان را بر آن مجموعه انسانی تحمیل کنند. استکبار، یعنی این.

❖ ما با کارهای استکباری مخالف و ضمیم

ما با این کارها، مخالف و مقابل و ضمیم. ما نمی‌توانیم این را قبول و تحمل کنیم. هیچ ملتی هم این را نمی‌خواهد. هیچ ملت و هیچ مجموعه انسانی‌ای، نمی‌خواهد که زیر فرمان دیگران باشد. منتها خیلی از مجموعه‌های انسانی، متأسفانه یا قدرت خود را کشف نکرده‌اند و خیال می‌کنند که نمی‌توانند، یا شاید هم واقعاً نمی‌توانند. ملت ایران هم متأسفانه در سال‌های متمادی دوران حاکمیت طاغوت‌ها و زمان حاکمیت حکومت فاسد پهلوی و قبل از آن، حکومت فاسد قاجارها، همین وضعیت را داشت. این ملت بزرگ، این فرهنگ عمیق، این توانایی‌های عجیب و این استعداد کم‌نظیر و درخشان، این گونه مورد سوءاستفاده دشمنان قرار می‌گرفت. معلوم است که دشمن با یک ملت چه می‌کند.

❖ اسلام ملت ما را زنده کرد

عزیزان من! این ملت، از لحاظ علم و فرهنگ و پیشرفته‌ای فکری و علمی و اجتماعی، عقب‌مانده و عقب‌افتاده نبود. این را همین قدرت‌های تجاوزگر در طول زمان‌های گوناگون، به

کممک حکام فاسد بر او تحمیل کردند و ملت ایران را به زور و ظلم، از قافله تمدن و دانش بشری و پیشرفت‌های علمی، عقب نگهداشت‌اند. اسلام آمد، این ملت را زنده کرد و او را با توانایی‌های خودش آشنا نمود. خدای متعال، معلّمی برای این ملت فرستاد که با زبان پیامبران با او حرف زد، او را بیدار کرد و به حقّ خود و قدرتش آشنا نمود. به او فهماند که اگر یک ملت بخواهد اراده کند، چه معجزه‌های بزرگی از او و به دست او سر میزنند. این ملت بیدار شد. هجده سال است که این ملت با بهره‌گیری از این درس‌های آسمانی و الهی توانسته است یکی پس از دیگری، این بندهای جادویی را که دشمنان در دست‌وپا و بر گردن او بسته بودند، باز کند. از لحاظ علمی و سازندگی کشور، به حرکت افتاد و از لحاظ اخلاقی و ارزش‌های دینی، راه زیادی را پیمود.

❖ هیچ قدرتی نمی‌تواند ملت ایران را برگرداند.

امروز این ملت، ملتی است که در مقابل هیچ قدرتی در دنیا مرعوب نیست. این، چیز کمی نیست. این ملت، احساس قدرت می‌کند. روزی در این دنیا، دو ابر قدرت دست‌به‌دست هم دادند و با اینکه در همه مسائل، یا بسیاری از مسائل ضد هم بودند، در این مسئله یکی شدند تا این ملت را از راه اسلام برگردانند و او را پشیمان کنند و در را بر همان پاشنه قبلی بچرخانند؛ اما نتوانستند. واللّٰه هیچ قدرتی امروز در دنیا نمی‌تواند ملت ایران را از راه پرافتخار اسلام و قرآن برگرداند. کسانی که غیر از این گمان می‌کنند، چه فکر می‌کنند؟

❖ تحلیل و فهم غلط دشمنان از ملت و کشور

آن‌هایی که عادت کرده‌اند به هر مناسبتی یا بی‌مناسبت، زبان انتقاد بر روی ملت ایران باز کنند، یاوه بگویند و یاوه بنویسند، دچار تحلیل و فهم غلط از مسائل این کشورند؛ چون این ملت و زبان این ملت را می‌فهمند. من این سخن را به همه کسانی که در سطح دولت‌های عالم، درباره ملت ایران و کشور ایران می‌اندیشد و تصمیم می‌گیرند، می‌گویم که سعی کنند این ملت را درست بشناسند. تحلیل‌های غلط، راه‌حل‌های غلط در مقابل انسان‌ها می‌گذارند. وقتی که این ملت را بد می‌فهمند، آن وقت بد هم تصمیم می‌گیرند. مثل آمریکایی‌ها که

هیچ وقت سعی نکردند این ملت را آن‌چنان که هست، بشناسند و زبانش را بفهمند. فرهنگ آنها با همان چارچوب‌های قالبی، با همان واژه‌هایی که برای خود آنها معتبر است، ممکن است برای اکثر ملت‌های عالم معتبر نباشد. هر ملتی، فرهنگی دارد. برای یک ملت، چه اجباری است که فرهنگ و ایمان و فهم خود را از مسائل رها کند و تسلیم فرهنگ و فهم کس دیگری از مسائل شود؟ چرا بعضی این قدر پر توقع، خشک مغز و دچار تفکرهای قالبی هستند؟! هر کس که امروز درباره ملت ایران، این طور حرف بزند و قضاوت کند، دچار اشتباه خواهد شد. خطّ مشی ملت ایران، یک خطّ مشی روشن در مسائل جهانی است.

❖ بصیرت ملت ایران نسبت به گذشته رژیم استکبار

ملت ایران به خاطر این که گذشته خود را با بصیرت نگاه می‌کند، چشم خود را برگزیده نمی‌بندد. مسائل تاریخ خود، تاریخ نزدیک خود، از صدسال پیش، از پنجاه سال پیش، از سی سال پیش را با دقت نگاه می‌کند. ملت ایران به این نتیجه رسیده است که رژیم استکبار - و در وضع فعلی، رژیم ایالات متّحد امریکا - در طول شاید قریب سی و پنج سال که در زمان رژیم منحوس پهلوی بر این کشور تسلط سیاسی داشته، به او خیلی بدی کرده است. ملت ایران، این را فهمیده و دانسته و دیده است. دست این‌ها به خون مردم آغشته است. به این ملت اهانت کردند، ثروت‌های او را بردند و از رژیم فاسد ضد بشری - مثل رژیم محمدرضا - حمایت کردند.

❖ ملت ایران حاضر به آشتی با امریکا نیست

بعد از آن مدت سی و پنج سال، از اوّل پیروزی انقلاب تا امروز هم، آمریکایی‌ها هر چه توانسته‌اند با این کشور و با این ملت دشمنی کرده‌اند. ملت ایران، با مشاهده این وضعیت، حاضر نیست به این آسانی‌ها گناه آمریکایی‌ها را ببخشد؛ تمام شد و رفت. ملت ایران حاضر نیست که از گناه رژیم ایالات متّحد امریکا صرف نظر کند. آن کسانی که در سطح عالم، خودشان را به امریکا وصل می‌کنند؛ خودشان را در جبهه امریکا قرار می‌دهند، به همان اندازه که خود را به امریکا وصل کنند، از نظر ملت ایران، در جرائم دولت امریکا شریک‌اند.

آمریکایی‌ها سعی کرده‌اند این طور وانمود کنند و جا بیندازند که غرب، یعنی امریکا و اصلاً بلوک غرب، بدون امریکا معنا نمی‌دهد. البته واقعیت این نیست. من در چند سال قبل از این - در زمان حیات مبارک امام رضوان‌الله تعالی علیه - به یکی از این سیاستمداران اروپایی گفتم: ما هیچ وقت حاضر نیستیم استقلال خودمان را در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، به هیچ چیزی بفروشیم و معامله کنیم؛ اما غرب به عنوان یک طرف برای جمهوری اسلامی مطرح است؛ مشروط بر این که غرب به معنای امریکا نباشد. ملت ایران از امریکا نمی‌گذرد و با او کنار نمی‌آید. به او گفتم: امریکا سعی می‌کند این طور وانمود کند که غرب مساوی با امریکا است. ما می‌گوییم که این طور نیست؛ اما اگر کشورهای اروپایی می‌خواهند تصدیق کنند که غرب منهای امریکا معنا ندارد، ملت ایران هیچ اهمیتی نمی‌دهد که غرب را به عنوان یک طرف تجاری و سیاسی و معامله‌ی خودش نداشته باشد. این طور نیست که خیال کنید ملت ایران، به ارتباط با یک کشور، یا با مجموعه‌ای از کشورها نیاز دارد. البته همه کشورها در دنیا، به نحوی از ارتباط با یکدیگر استفاده می‌کنند. به یک معنا، همه به نحوی به هم احتیاج دارند - این محل بحث ما نیست - اما این که کسی خیال کند ملت ایران یا دولت جمهوری اسلامی ایران، ناچار است با فلان مجموعه از کشورها ارتباط داشته باشد، این خطای فاحش و غلط بزرگی است. امروز هم ما همین حرف را تکرار می‌کنیم. ما دنیا را به یک چشم نگاه نمی‌کنیم. ما کشورهای گوناگون را به یک چشم نگاه نمی‌کنیم. آن دولت‌هایی که به ملت ایران بدی کرده‌اند، با آن دولت‌هایی که به عنوان یک طرف سالم در زمینه‌های گوناگون مطرح شده‌اند، یکسان نیستند.

❖ دنیای تعالی معنوی شایسته انسان است نه دنیای مادیگری

دنایی که با تعلیمات ارزشمند پیامبران الهی و با آیات نورانی خدای متعال، برای بشر آراسته و منور شده است، دنیای شایسته انسان است. دنایی که در آن، هم آبادی و رفاه و پیشرفت علمی و پیشرفت صنعتی هست و هم اقتدار سیاسی و تعالی معنوی وجود دارد. دنایی که در آن، انسان‌ها کنار یکدیگر احساس آرامش و امنیت و اطمینان می‌کنند و انسانیت در آن

شکوفاست؛ چیزی که در دنیای ساخته تمدن مادی وجود ندارد؛ چون در دنیای مادیگری، انسان‌ها مثل گرگ‌ها باید از هم بترسند. ملت ایران مصمم است که چنین دنیایی را هم از جنبه مادی و هم از جنبه معنوی، برای خود به وجود آورد و بسازد. این، یک مبارزه طولانی و بلند مدت است.

آن‌هایی که می‌کشند این‌طور وانمود کنند که ملت یا دولت جمهوری اسلامی ایران، در پی آن است که به آن کشور، به آن دولت، به آن مرز جغرافیایی تجاوز کند، اشتباه نکنند. ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران، برای بنای این کشور و پیشرفت این جامعه، هزاران کار بزرگ و درخشان پیش پای خوددارند که آنها را از پرداختن به چنین کارهایی باز می‌دارد. امروز بحمدالله کاروان علم و تمدن اسلامی - تمدنی که می‌تواند به دنیا خدمت کند - در این کشور به راه افتاده است.

❖ آینده متعلق به بسیجیان

جوانان عزیز من؛ بسیجیان عزیز، جوانان مؤمن، دل‌های نورانی‌ای که آیات خدا را شنیدید، پذیرفتید، فهمیدید و به کار بستید! آینده متعلق به شماست. میدان در مقابل شما باز است؛ پس خودتان را در همه جبهه‌ها و عرصه‌های گوناگون آماده کنید. البته همه بدانند که این راه، راهی است که اگر یک ملت مثل شما، آن را با موفقیت بپیماید و به فضل پروردگار به نتایج آن برسد، ملت‌های دیگر از آن درس می‌گیرند و راه را پیدا می‌کنند. این، همان چیزی است که استکبار را وادار می‌کند که با همه وجود بخواهد علیه ملت ایران وارد اقدام‌های خشن و خصمانه شود. باید برای مقابله با دشمنی که در مقابل ملت ایران - اگر بتواند - مہیای هرگونه اقدام خشنی است، آماده بود.

❖ اتهام ایران بسیار ظالمانه، مغرضانه و غیرمنصفانه

دولت‌های مستکبر، چه در گذشته و چه در حال، تا هر جا که توانستند و بتوانند، همیشه خودشان را به ابزارهای تسلیحاتی مجهز می‌کنند. آنجایی که لازم باشد، حرفی ندارند که دوستانش آن‌هم تسلیحات جنایت‌آمیز را برای خودشان به وجود آورند! این، چیزی است که

در دنیا مشهود است. همین‌هایی که امروز در کشور آلمان، جمهوری اسلامی را به بی‌اعتنایی به جان انسان‌ها متهم می‌کنند و این اتهام بسیار ظالمانه و مغرضانه و غیرمنصفانه را به ایران می‌زنند، همان کسانی هستند که اگر نگوییم خودشان، اما حداقل این است که بگوییم جلو چشمشان، شرکت‌های آلمانی، رژیم بعثی را با خطرناک‌ترین و جنایت‌بارترین سلاح‌های شیمیایی مجهز کردند.

جنگ، اتفاق خشن و نامطلوبی است؛ اما بالاخره قاعده و قانونی باید داشته باشد. در جنگ هم جوانمردی و ناجوانمردی داریم. رژیم متجاوز بعثی، ناجوانمردانه‌ترین روش‌ها را علیه ملت ایران و جوانان ما به کاربرد. شهر تهران و ده‌ها شهر را بارها و بارها، برای مدت‌های طولانی با موشک‌های دوربرد کوبیدند. در جبهه‌ها، سلاح‌های شیمیایی به کاربردند؛ نه بک بار، نه دو بار، نه مدت یک ماه، دو ماه؛ سال‌های متمادی، شاید پنج سال، شش سال، در این جبهه‌های ایران و عراق، سلاح شیمیایی به وسیله رژیم بعثی به کار رفت. این سلاح‌ها را چه کسی به آنها داده بود؟ غیر از کشورهایی که دم از حقوق بشر می‌زنند؟! این سلاح‌ها را غیر از آنها کس دیگری در اختیار رژیم بعثی گذاشته بود؟

❖ اعتراف آلمانی‌ها به تحویل سلاح‌های شیمیایی به رژیم بعثی

امروز خیلی چیزها آشکار شده است. خدای متعال، پشت گردن خود غریبها-همانهایی که بعضی با ملت ایران و با جمهوری اسلامی، بسیار هم بدند و دشمن‌اند - زد، تا به دلایلی وادار شوند اعتراف کنند و بنویسند. خودشان در کتاب‌ها و مقالاتشان نوشتند: شرکت‌های آلمانی - که یقیناً بسیاری از این‌ها را بدون اجازه دولت آلمان نمی‌فروختند - این سلاح‌های شیمیایی و این مواد مرگبار را به عراقی‌ها فروخته‌اند! برای چه فروختند؟ آیا نمی‌دانستند که بناست این‌ها در میدان جنگ به کاربرد؟ گاز خردل را کجا به کار می‌برند؟ کسی که سلاح‌های مرگبار شیمیایی را می‌خرد، کجا می‌خواهد به کار ببرد؟ آیا می‌خواهد ببرد در خانه خودش استنشاق کند؟! معلوم است که می‌خواهد ببرد در میدان جنگ مصرف کند.

همین‌هایی که دولت جمهوری اسلامی را به بی‌مبالاتی نسبت به جان انسان‌ها متهم می‌کنند، از خدایی که به او اعتقاد ندارند، خجالت نکشیدند و نترسیدند؛ از وجدان بشری ملاحظه نکردند و این‌ها را به میزان زیادی به رژیم بعثی فروختند. او هم آن سلاح‌های مرگبار را در جلو چشم آنها، در مرزها و در میدان‌های جنگ به کاربرد. بعد ما بسیاری از مجروحان شیمیایی را برای معالجه به همین آلمانی فرستادیم که سلاح شیمیایی از زیر دستش خارج شده بود! این‌ها وجدان دارند؟! این‌ها برای ارزش‌های انسانی و جان انسان‌ها احترام قائل‌اند؟ آیا شرم نمی‌کنند که ادعاهای واهی را مطرح می‌کنند؟!

❖ جوانان بسیجی دل‌های پاک، اخلاص و باصفا را در خودشان حفظ کنند

عزیزان من! این دشمنی‌ها با نظام جمهوری اسلامی - این بی‌انصافی‌ها، این غرض‌ورزی‌ها - همه به خاطر این است که ملت ایران، راه استقلال در سایه حاکمیت قانون الهی را برگزیده است و حاضر نیست که در مقابل آنها به زانو درآید و اظهار ضعف کند. در مقابل چنین دشمنی‌هایی باید مجهز و آماده بود. شما این آمادگی را به این ترتیب به وجود آوردید. من از همه نیروهای مسلح سرافرازمان در سرتاسر کشور - از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، از ارتش جمهوری اسلامی و از نیروی انتظامی - به خاطر آماده‌ای‌هایشان تشکر می‌کنم. امروز نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، به معنای حقیقی کلمه، در خدمت حق و حقیقت و ارزش‌های اسلامی‌اند. سپاس و ستایش و تمجید و تحسین فراوان خود را بر جوانان بسیجی مؤمن در سرتاسر کشور؛ این دل‌های پاک، این دل‌های تپنده با عشق به خدا، با ایمان به حقیقت، با اخلاص و باصفا، نثار می‌کنم. این اخلاص و صفا را در خودتان حفظ کنید.

بحمدالله این میدانِ بانظم و ترتیبی که امروز مشاهده کردیم، مایه خرسندی و افتخار است؛ نظم و ترتیبی که حاکی از رشد فکری و آمادگی‌های کامل در زمینه‌های مربوط به این چیزهاست. ان شاء الله فردا هم مانورهای زمینی این نیروهای مؤمن، هم در اینجا و هم در سایر مناطقی که برادران عزیز مسئول در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ذکر کردند و برنامه‌ریزی نمودند، اجرا خواهد شد. من از همه شما و از آن برادران عزیزی که در این میدان نیستند - در

دایره وسیعی هستند که مانور بزرگ طریق القدس، آن را شامل است - سپاسگزارم و برای همه شما دعا می‌کنم. از خداوند متعال، با تضرع و با خضوع درخواست می‌کنم که فضل و رحمت و لطف و هدایت و توفیق و کمک خود را بر همه شما نازل فرماید.

پروردگارا! تو را به قرآن، تو را به آیه‌های نورانی نازل شده بر قلب مبارک پیامبر اسلام، ما را در راه قرآن و در راه اسلام زنده بدار و در همان راه بمیران. پروردگارا! مرگ ما را جز به شهادت در راه خودت قرار نده. پروردگارا! قلب مقدس ولی عصر را از ما راضی کن. پروردگارا! ما را از سربازان آن بزرگوار قرار ده. پروردگارا! روح مطهر شهیدان و روح متعالی و مقدس امام بزرگوار را از ما راضی و خشنود کن.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۵/۹/۱۳۷۶

۱. بسیج یادگار امام راحل
۲. بسیج مجموعه‌ای از پاک‌ترین و فداکارترین جوانان کشور
۳. بسیج مظهر یک وحدت مقدس
۴. بسیج مظهر عشق و ایمان
۵. اخلاص و معنویت و ارتباط با خدا در بسیجی
۶. رابطه با خدا، راز و نیاز و صفا و اخلاص گره‌گشای همه کارهاست
۷. اگر اخلاص امام راحل نبود؟
۸. معنای اخلاص
۹. توطئه دشمن تمام‌شدنی نیست، باید هوشیار بود
۱۰. ضرورت آمادگی معنوی برای مقابله با توطئه پیچیده دشمن
۱۱. شناخت اعماق توطئه
۱۲. دشمن، خود را پشت پرده پنهان می‌کند
۱۳. دشمن را باده واسطه بشناسید
۱۴. هدف گرفتن رهبری توسط دشمن
۱۵. نقش رهبری در خنثی‌سازی توطئه دشمن
۱۶. دشمن با رهبری مقتدر مخالف است
۱۷. دشمن دنبال اختلاف و دودستگی در کشور
۱۸. تحلیل غلط دشمن از ملت و انقلاب
۱۹. مواضع خوب ملت، مراجع و مسئولان، مشت محکم به دهان دشمن
۲۰. رهبری از حق مردم مطلقاً اغماض نخواهد کرد
۲۱. با اخلاص گران و خائنین طبق قانون رفتار شود
۲۲. بسیج خود را برای دفاع از اسلام و انقلاب آماده نگهداری
۲۳. جسم و جان رهبری برای مقابله با دشمن



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا و نبيّنا ابي القاسم محمد و على
اله الأطيبين الأطهرين المنتجبين الهداة المهديين المعصومين. سيّما بقيّة الله
فى الارضين.

امسال سالروز تشكيل ارتش مبارك بيست ميليونى - به فرمان امام راحل حكيم ما با ايامى
مصادف شده است كه از لحاظ تاريخى، حامل خاطره هاى بزرگى است. امروز، روز شهادت
هفتمين امام معصوم، حضرت موسى بن جعفر «عليه السلام» است، كه من به شما عزيزان و فرزندان
بسيجى ام، اين خاطره مصيبت بار را تسليت عرض مى كنم.

در روزهاى آينده هم مبعث عظيم و الهى حضرت خاتم النبیین محمد مصطفى صلى
الله عليه وآله وسلم است كه پيشاپيش، اين عيد بزرگ را هم به همه ملت ايران، به همه مسلمانان
جهان و بخصوص به شما جوانان عزيز بسيجى در سرتاسر كشور، تبريك مى گويم و اميدوارم
كه مبعث، در دل و جان، در رفتار و جهت گيرى هاى عمده زندگى شما، نقش اول و اساسى را
داشته باشد.

❖ بسيج يادگار امام راحل

بسيج، يکى از برکات انقلاب و از پديده هاى بسيار شگفت آور و مخصوص اين انقلاب
است؛ اين هم يکى از آن گنجينه هاى معنوى بى پايانى است كه امام بزرگوار ما باديده الهى خود



و با حکمتی که خدای متعال به او ارزانی کرده بود، برای کشور و ملت و انقلاب ما به یادگار گذاشت.

❖ بسیج مجموعه‌ای از پاک‌ترین و فداکارترین جوانان کشور

اگر بخواهیم بسیج را در یک تعریف کوتاه معرفی کنیم، باید بگوییم: بسیج، عبارت است از مجموعه‌ای که در آن، پاک‌ترین انسان‌ها، فداکارترین و آماده به کارترین جوانان کشور، در راه اهداف عالی این ملت و برای به کمال رساندن و به خوشبختی نائل کردن این کشور، جمع شده‌اند. بسیج، عبارت است از تشکیلاتی که در آن، افراد متفرق و تنها، به یک مجموعه عظیم و منسجم و به یک گروه آگاه، متعهد، بصیر و بینای به مسائل کشور و به نیاز ملت، تبدیل می‌شوند؛ مجموعه‌ای که دشمن را بیمناک و دوستان را امی دوار و خاطر جمع می‌کند. معنای بسیج، این است.

❖ بسیج مظهر یک وحدت مقدس

بسیج در حقیقت، مظهر یک وحدت مقدس، میان افراد ملت است. همه میدان‌هایی که بسیج در آن حضور پیدا کرده است، میدان‌های ملی است؛ میدان‌های مربوط به همه ملت - مثل میدان دفاع مقدس، میدان سازندگی و خدمات عمومی - است. هیچ وقت کشور، از یک مجموعه عظیمی که از بهترین فرزندان کشور و با این خصوصیات تشکیل شده است، بی‌نیاز نیست.

❖ بسیج مظهر عشق و ایمان

بسیج درواقع، مظهر عشق و ایمان و آگاهی و مجاهدت و آمادگی کامل، برای سربلند کردن کشور و ملت است. شما که در بسیج هستید، به عنوان نیروهای مؤمن و آگاه، قدر این خصوصیت را بدانید. امروز سازماندهی بسیج در سراسر کشور، در حدود پنج میلیون نفر است؛ اما این سازماندهی، یقیناً از این گسترده تر خواهد شد. و با یک دید وسیع که نگاه کنیم، همه انسان‌هایی که این خصوصیات را دارند، درواقع جزو بسیج‌اند. در حقیقت همه انسان‌های مؤمن،



آگاه، بصیر، عاشق، متعهد، علاقه‌مند و آماده‌به‌کار، در هر میدانی از میدان‌ها که برای ملت مفید است، حضور دارند، جزو بسیج‌اند. لذا بسیج، یک نام مقدس است.

❖ اخلاص و معنویت و ارتباط با خدا در بسیجی

من به شما عزیزانم عرض کنم که یکی از برجسته‌ترین خصوصیات که ما برای فرد بسیجی قائل هستیم، عبارت است از صفا و خلوص. اخلاص و معنویت بسیجی و ارتباط با خدا در بسیجی، یک خصوصیت عمده است. من از این اجتماع بزرگ شما استفاده می‌کنم و به همه شما و همه کسانی که صدایم را می‌شنوند - یا بعداً خواهند شنید - عرض می‌کنم: عزیزان من! رابطه خودتان را با خدا، هر چه می‌توانید مستحکم‌تر کنید؛ بخصوص در این ماه‌های مبارک - ماه رجب و ماه شعبان - که ماه‌های دعا، استغاثه، رابطه گرفتن با خدا، و راز و نیاز کردن با معشوق حقیقی هر انسان است. در این ماه‌ها، خود را برای ورود بر سر سفره ضیافت الهی - در ماه رمضان - آماده کنید.

❖ رابطه با خدا، راز و نیاز و صفا و اخلاص گره‌گشای همه کارهاست

در ماه رمضان هم - در همه روزها و شب‌ها - دل‌هایتان را هر چه می‌توانید با ذکر الهی نورانی‌تر کنید، تا برای ورود در ساحت مقدس لیلۃ‌القدر آماده شوید، که: «لیلة‌القدر خیر من الف شهر. تنزل الملائكة والروح. فیها یأذن ربهم من کل امر»^۱. شبی که فرشتگان، زمین را به آسمان متصل می‌کنند، دل‌ها را نورباران و محیط زندگی را با نور فضل و لطف الهی منور می‌کنند. شب سلیم و سلامت معنوی - سلام هی حتی مطلع الفجر^۲ - شب سلامت دل‌ها و جان‌ها، شب شفای بیماری‌های اخلاقی، بیماری‌های معنوی، بیماری‌های مادی و بیماری‌های عمومی و اجتماعی که امروز متأسفانه دامن بسیاری از ملت‌های جهان، از جمله ملت‌های

(۱) قدر: ۳ و ۴

(۲) قدر: ۵



مسلمان را گرفته است! سلامتی از همه این‌ها، در شب قدر ممکن و می‌سر است؛ به شرطی که با آمادگی وارد شب قدر شوید.

دعا و توجّه شما، ذکر خدا در دل‌های پاک و نورانی شما جوانان عزیز، معجزه‌ها و کارها می‌کند. خود را از اکنون آماده کنید. مخصوص این ایام هم نیست؛ در تمام عمرتان رابطه باخدا، در شما صفا و اخلاص را تقویت می‌کند و صفا و اخلاص، گره‌گشای همه‌کاره است.

من از امام بزرگوار راحلمان که معلّم و امام و محبوب بسیجیان کشور، بلکه محبوب همه انسان‌های پاک نهادی بود که دل آنان در هر نقطه دنیا، به یاد یک معنویت و حقیقتی می‌تپید، مثالی برای شما بزنم.

❖ اگر اخلاص امام راحل نبود؟

عزیزان من! امام، آن کاری که کرد - و عظیم‌ترین کاری بود که ما در زمان معاصر و نزدیک خودمان سراغ داریم - به برکت اخلاص بود؛ اخلاص! اگر اخلاص نبود، شخصیت عظیم و جوهر مستحکم امام هم برای این که این کارها را پیش ببرد، کافی نبود. یک حکومت فاسد و ریشه‌داری را که همه قدرت‌های استکبار هم از آن حمایت می‌کردند، از این سرزمین، از بیخ و بن برگند؛ مردم را از شر آن حکومت راحت کند و یک حکومت الهی به وجود آورد! آن همه فساد را در جامعه با همین حرکت از بین ببرد و نفوذ دشمنان و تسلّط امریکا را که دو قرن در تحقیر ملت ایران کوشیده بودند و در عقب‌نگه‌داشتنش سعی بلیغ داشتند، قطع کند! این‌ها کارهای کوچکی نیست. بعد از پیروزی هم یک جنگ هشت‌ساله را که درواقع، همه قدرت‌های مسلّح دنیا پشتیبان جبهه مقابل ما بودند، با پیروزی ملت ایران تمام کند و این همه توطئه‌ها را خنثی نماید. این، جز به برکت اخلاص امام، ممکن نبود. بعد هم که از دنیا می‌رود، نه میلیون انسان در خیابان‌های تهران، او را مشایعت کنند، تا در مرجع و مقام ابدی، به خاکش بسپارند! این‌ها به برکت اخلاص بود. امروز هم بحمدالله، روزه‌روز نام امام در دنیا بلندتر می‌شود و علاقه‌مندان و ارادتمندان او در اکناف عالم، روبه‌تزايدند.



❖ معنای اخلاص

اخلاص یعنی چه؟ اگر اخلاصی را که امام داشت و مایه آن، در دل همه شما هست - و مختصراً معنا خواهم کرد - شما هم داشته باشید، ما هم داشته باشیم، دست اندر کار آن هم داشته باشند، امروز هم تمام توطئه‌های دشمن، نقش بر آب خواهد شد! آن سلاحی که هیچ دشمن مادی، قادر به مقابله با آن نیست، سلاح ایمان مخلصانه و عمل مخلصانه است. اخلاص یعنی این که انسان، کار را برای خدا و به عشق انجام وظیفه، انجام دهد. انسان برای هوای نفس، برای رسیدن به مال، به ثروت، به مقام، نام نیک، قضاوت تاریخ، برای انگیزه‌های نفسانی، برای اشباع صفت پلید حسد، طمع، حرص، زیاده‌طلبی و افزون‌طلبی کار نکند! کار را برای خدا و محض انجام وظیفه بکند. این، معنای اخلاص است. چنین کاری پیش می‌رود. این گونه کاری مثل شمشیر برنده، هر مانعی را از سر راه برمی‌دارد. امام با این سلاح، مجهز بود. بارها گفت من نسبت به نزدیک‌ترین نزدیکان خود هم، اگر قدمی برخلاف حق بردارند، اغماض نمی‌کنم و همین‌طور هم بود. در مواقع حساس نشان داد که آنچه برای او مطرح است، انجام وظیفه است. در آشکار، در خلوت، در کارهای بزرگ و کارهای کوچک، این را نشان داد. این درسی شد برای مریدان، فرزندان و شاگردان امام که با همین سلاح در جبهه‌های جنگ، آن روز آن معجزه‌ها را آفریدند! بعضی از شما در آن میدان‌ها بودید، خودتان از نزدیک آنها را دیدید، بعضی هم شنیدید. امروز هم به همان احتیاج است.

❖ توطئه دشمن تمام‌شدنی نیست، باید هوشیار بود

عزیزان من! کسی گمان نکند که توطئه دشمن، باگذشت هجده سال از پیروزی انقلاب، تمام شد؛ نه! دشمن، از مقابله با نظامی که منافع نامشروع استکبار را در منطقه، از او گرفته است، آشتی نخواهد کرد. البته به زبان، چیزهایی اظهار می‌کنند، ولی باطن، چیز دیگری است! نظام اسلامی به همت والای ملت ایران و آن رهبری الهی، توانسته است الگویی در دنیا درست کند که امروز بسیاری از ملت‌های مسلمان، به آن الگو نگاه می‌کنند. شما خیال می‌کنید که استکبار، از چنین چیزی به آسانی می‌گذرد؟! امروز در هر جای کشورهای اسلامی و حتی



بعضی کشورهای غیر اسلامی، هر ملت و هر جمعیتی که می‌خواهد علیه زیاده‌طلبی‌های استکبار جهانی اعتراضی بکند، با شعار شما ملت ایران - حتی با تمسک به نام ملت ایران و به امام راحل - این کارها را می‌کند! آمریکا و ایادی استکباری و دنباله‌روها و جیره‌خوارهایش، از این نمی‌گذرند؛ مبارزه می‌کنند، توطئه، حيله‌گری، و کید و مکر می‌کنند. مثل این که تابه‌حال در این هجده سال کردند. البته کید و مکر دشمن، در مقابل آگاهی و بیداری و حضور و فعالیت درست ملت و دولت، خنثی خواهد شد و اثری نمی‌کند؛ اما باید بیدار بود، باید هوشیار بود، باید رابطه را با خدا قوی کرد، باید اخلاص را تقویت کرد.

❖ ضرورت آمادگی معنوی برای مقابله با توطئه پیچیده دشمن

من به شما عرض کنم که توطئه دشمن، در گذشته یک تفاوت با امروز داشت. در گذشته، توطئه دشمن از روی بی‌تجربگی بود. یعنی آمریکا، استکبار جهانی، کمپانی داران بزرگ صهیونیست و امثال آنها که می‌خواستند با ملت و انقلاب ایران مبارزه کنند، از روش‌های ساده‌تری استفاده می‌کردند که برای همه، قابل افشا بود. مثلاً تحریک به حمله نظامی و راه انداختن جنگ، توطئه بود؛ اما همه، این را می‌شناختند. توطئه روشن می‌شد؛ مردم به پا می‌خاستند و مقابله می‌کردند. یا مثل حمله آمریکایی‌ها به صحرای طبس و از این قبیل، آنچه که انجام دادند - محاصره اقتصادی، حملات تبلیغی و غیره - کارهایی آشکار بود. به‌مرور فهمیدند که نمی‌شود ملت ایران و انقلاب اسلامی را با این توطئه‌ها و کارها شکست داد. این تجربه، موجب شده است که روش‌های خودشان را پیچیده‌تر کنند. به همان نسبتی که آنها روش‌ها را پیچیده‌تر می‌کنند، ملت ایران هم بایستی هوشیارش را بیشتر کند. جوانان بایستی آمادگی‌شان را بیشتر کنند. نه آمادگی جنگی؛ چون امروز بحث جنگ نظامی نیست. البته آمادگی رزمی هم برای روز مبادا ضروری است؛ اما آن چیزی که برای همه لازم است، آمادگی معنوی؛ یعنی آمادگی فکری، آمادگی روحی، آمادگی سیاسی و حفظ وحدت، اتصال و ارتباط نیروها با یکدیگر، ارتباط مستحکم و دوستانه ملت و دولت و شناختن چهره



دشمن در هر لباسی است. دشمن با شکل‌های مختلفی خود را به مقابله با انقلاب می‌کشانند. همیشه بالباس نظامی وابسته به فلان دولت بیگانه، جلو نمی‌آید

❖ شناخت اعماق توطئه

چندی قبل، در یکی از اجتماعاتی که درباره انقلاب و خطرات انقلاب برای استکبار، در یکی از کشورهای بیگانه تشکیل شده بود، بعضی از کسانی که در آنجا سخنرانی کردند، گفته بودند که انقلاب اسلامی، به وسیله روحانیت و به پشتیبانی جوانان حوزه و دانشگاه پیش رفت و به‌طور کلی با تکیه به نسل جوان ادامه یافت. برای زدن و کوبیدن انقلاب هم باید از همین وسیله استفاده کنیم! باید سراغ حوزه علمیه، سراغ یک معمم و سراغ حوزه و دانشگاه برویم؛ بلکه از آن طریق بتوانیم این انقلاب را ضربه بزنیم! غافل از این که حوزه ما بیدار است، دانشگاه ما بیدار است، بزرگان ما بیدارند. کسانی که توطئه می‌کنند، ملت ایران را بد شناخته‌اند! در این توطئه‌ای که اخیراً نشانه‌های آن را مشاهده کردید - که من مایل نیستم در جزئیات این گونه چیزها وارد شوم - دلم نمی‌خواهد از کسانی اسم بیاورم؛ اما اصل قضیه را ملت ایران، باید درست توجّه کند و اعماق توطئه را بداند.

❖ دشمن خود را پشت پرده پنهان می‌کند

عزیزان من! ما در شناختن دشمن، دچار اشتباه نخواهیم شد؛ این را دشمن بداند! خیال نکند که اگر آمدند و چند نفر آدم ساده‌لوح و معمم را وادار کردند که حرفی بزنند، ما اشتباه می‌کنیم و خیال می‌کنیم که دشمن ما این‌ها هستند! این‌ها کسی نیستند! دشمن، خود را پشت پرده پنهان می‌کند. دشمن که جلو نمی‌آید و خود را نشان نمی‌دهد. دشمن سعی می‌کند شناخته نشود! آن کسی که سینه سپر می‌کند و به خیال خود جلو می‌آید، یک عامل است؛ ممکن است خودش هم نداند عامل است!

❖ دشمن را با ده واسطه بشناسید

امام بزرگوار، مکرّر می‌فرمود که گاهی دشمن با ده واسطه، یک نفر را تحریک می‌کند که حرفی بگوید، یا کاری را انجام دهد! اگر شما بخواهید دشمن را بشناسید، باید ده واسطه را



طی کنید و بروید. دشمن انقلاب در ایران - یعنی ایادی استکبار جهانی - راحت می‌تواند ده واسطه پیدا کنند و خودشان را در حوزه قم، به بیچاره‌ای برسانند و او را به حرفی، به گفته‌ای و به یک موضع‌گیری غلط و ناشیانه وادار کنند! آن‌قدر در کشور، ورشکستگان سیاسی، ضربت‌خورده‌های از انقلاب، تودهنی‌خورده‌های از همین بسیج، ضربت‌خورده‌های از دادگاه‌های انقلاب، ساواکی‌های قدیم و کسانی که امیدشان به این بود که نظام مزدور گذشته ظالم بماند و آنها از آن استفاده کنند و محروم ماندند، هستند که واسطه بشوند تا آن ده واسطه را درست کنند و خبر غلط و حرف دروغی را به فلان آدم بیچاره و مفلوک بدهند و او خیال کند که اوضاع و احوال به صورتی است که باید حالا حرفی زد؛ خودش و دیگران و زن و بچه خود را به بلا بیندازد!

❖ هدف گرفتن رهبری توسط دشمن

باید هوشیار بود. من امیدوارم که ملت ایران در شناخت دشمن، اشتباه نکند و دشمن را بشناسد. دشمن، استکبار جهانی و امریکاست. دشمن، صهیونیست‌ها هستند. دشمن برای مبارزه با انقلاب، انواع و اقسام روش‌ها را تجربه کرده است. این دفعه به خیال خود خواستند روش مؤثرتری را تجربه کنند و آن، هدف گرفتن رهبری است! یقیناً بعد از مطالعه زیاد و بااطلاع از اوضاع و احوال گوناگونی - و البته خبرهای راست و دروغی - توانسته‌اند به این نتیجه برسند که باید رهبری را هدف قرارداد! چرا؟ به خاطر این که می‌دانند در کشور، اگر یک رهبری مقتدر وجود داشته باشد، همه توطئه‌های آنها نقش بر آب خواهد شد؛ والا این‌ها با شخص، طرف نیستند! شخص، برای این‌ها مهم نیست؛ هر کس باشد. مگر همین کسانی که امروز به این زبان خشن حرف می‌زنند و این‌طور ناجوانمردانه سیل تهمت و افترا روانه می‌کنند، با امام، طرف نشدند؟! همین افراد با امام هم طرف شدند؛ دل امام را پر از خون کردند، که امام در آن نامه، به آن اشاره فرمود! همین کارها را با رهبری می‌کنند؛ چون می‌دانند رهبری در جامعه اسلامی و ایران اسلامی، گره‌گشاست.



❖ نقش رهبری در خنثی‌سازی توطئه دشمن

رهبری، یعنی آن نقطه‌ای که هر جا دولت - هر دولتی در ایران - مشکلی داشته باشد، مشکلات لاعلاجش به دست رهبری حل می‌شود. توجه کنید؛ هر جا که تبلیغات دشمن کاری کند تا مردم را به دولت‌ها بدبین سازد، اینجا نقش رهبری است که حقیقت را برای مردم، روشن، و توطئه دشمن را برملا می‌کند. این چندساله ندیدید که درباره دولت‌ها، دولتمردان و مسئولان چه می‌کردند و چگونه سعی می‌نمودند که تبلیغات دروغ و ترفندهای گوناگونی را رایج کنند تا مردم را مأیوس نمایند!

آنجایی که می‌خواهند مردم را مأیوس کنند، رهبری است که امید به مردم می‌دهد. آنجایی که می‌خواهند یک توطئه سیاسی بین‌المللی برای ملت ایران به وجود آورند، رهبری است که قدم جلو می‌گذارد و تمامیت انقلاب را در مقابل توطئه قرار می‌دهد - مثل همین قضیه اخیر اروپا که ملاحظه کردید - و دشمن را وادار به عقب‌نشینی می‌کند. آنجایی که می‌خواهند در بین جناح‌های گوناگون مردم، اختلاف ایجاد کنند، رهبری است که می‌آید مایه الفت و مانع از تفرقه می‌شود.

آنجایی که می‌خواهند صندوق‌های انتخابات را خلوت کنند و مردم را از حضور در پای صندوق‌ها و رأی دادن مأیوس نمایند، رهبری است که به مردم الگو می‌دهد و می‌گوید که انتخابات وظیفه است. آنگاه مردم اعتماد می‌کنند، وارد می‌شوند و حماسه عظیمی می‌آفرینند. آنجایی که جایگاه ابراز نظر مردم در مسائل انقلاب است، چشم مردم به دهان رهبری است.

❖ دشمن با رهبری مقتدر مخالف است

در زمان امام راحل این را بارها تجربه کردند و به لطف پروردگار، تودهنی خوردند. بعد از رحلت امام راحل هم با کمک مردم، باهمت و با همکاری مردم، ده‌ها بار با همین کیفیت و همین شیوه، پیوند جوشیده استوار میان مردم و رهبری، توانسته است مشت محکم به دهان دشمنان بزند. لذا بسیار طبیعی است که با رهبری، بد باشند و کینه عمیق داشته باشند؛ جای تعجبی ندارد. البته رهبری مقتدر؛ اگر یک رهبری بی‌حال، بیجان و بی‌حضور باشد - که نه از جایی خبر دارد و راحت می‌شود ذهنش را عوض کرد؛ راحت می‌شود او را به اشتباه انداخت



-چنین رهبری ضعیفی، چندان برایشان اهمیت ندارد. اما اگر قرار شد رهبری مقتدری که اسلام می گوید، مردم می خواهند، انقلاب طلب می کند و قانون اساسی حکم می کند، باشد، با آن مخالف اند! حق دارند مخالف باشند! من تعجب نمی کنم از این که این ها رهبری را هدف قرار دهند!

البته ملت بیدارند. علما، بزرگان و مسؤولین کشور، به فضل پروردگار، مثل همیشه درنهایت هوشیاری عمل کردند و تا دیدند که توطئه است، اقدام نمودند. البته سخنرانی در دنیا زیاد است، شب نامه در دنیا زیاد است، حرف نادرست، تهمت و افترا و دروغ، کم نیست؛ اما هر تهمت و دروغی، توطئه نیست، هر شایعه ای به وسیله دشمن نیست. آن شایعه ای که توطئه دشمن است، به وسیله انسان های خبیر و بصیر شناخته می شود.

اوّل کسی که در مقابل این حرف ها در این چند روز - این یکی دو هفته - وارد میدان شد و حرف زد، رئیس جمهور عزیزمان جناب آقای خاتمی بود. در مصاحبه خود به شکل بسیار دقیق و هوشمندانه، آنچه را که می خواستند در ذهن مردم القا کنند، ایشان از ذهن مردم، پاک کرد، رفت و در مقابل این توطئه قرار گرفت؛ آنها هم خیلی عصبانی شدند.

❖ دشمن دنبال اختلاف و دودستگی در کشور

بعد از انتخابات ریاست جمهوری امسال که برای مردم، یک حادثه شیرین بود - سی میلیون جمعیت در انتخاباتی شرکت جویند، رئیس جمهوری را با بیست میلیون رأی انتخاب کنند، بعد دولت تشکیل شود، مجلس شورای اسلامی به تمام وزرا رأی دهد، وزرا بدون هیچ دغدغه ای در سرتاسر کشور مشغول کارشان شوند و به موقع گزارش دهند؛ این ها کارهای کوچکی نیست. این ها برای مردم، رخدادهای شیرینی است - به همین نسبت برای دشمن، تلخ بود. نتوانستن تحمّل کنند. فهمیدند که این انسجام، این حرکت صحیح و عمومی و مردمی، کانونی دارد. کانون آن، وحدت ملت است؛ کانون آن، انسجام است؛ کانون آن، اعتقاد است. خواستند این اعتقاد، این ایمان و این همبستگی مردم را از بین ببرند و این طور وانمود کنند که در نظام جمهوری اسلامی، تشّت هست!



امروز کسانی که به رادیوهای بیگانه گوش می‌دهند - که غالب این تحلیل‌های غلط هم از رادیوهای بیگانه است - پی می‌برند که متأسفانه آدم‌های ساده‌دل، عین همان را که دشمن القا و پول خرج می‌کند تا آن را به ذهن‌های مستمعین خود برساند، قبول می‌کنند! اگر کسی به این رادیوها گوش بدهد، خواهد دید که غوغا می‌کنند تا ثابت کنند الآن در نظام جمهوری اسلامی، اختلاف، دودستگی، دو جریانی و دشمنی هست و همدیگر را تحمل نمی‌کنند!

❖ تحلیل غلط دشمن از ملت و انقلاب

بیچاره‌ها! نه ملت ایران را شناختید، نه انقلاب را شناختید، نه روحانیت را شناختید، نه مسئولان را شناختید! با همین جهل و بی‌خبری بود که در انقلاب، شکست خوردید! با همین جهل و تحلیل غلط بود که هجده سال است شکست می‌خورید! به فضل الهی، با همین اشتباهی که می‌کنید، در این دفعه هم به دست مردم شکست خوردید و تا آخر، همیشه شکست خواهید خورد!

❖ مواضع خوب ملت، مراجع و مسئولان، مشت محکم به دهان دشمن

دشمن سعی کرد بگوید دو جریان است که باهم مخالف‌اند، و بر سر اختیارات، باهم اختلاف دارند. نخیر؛ ایشان در مصاحبه، قشنگ تشریح و روشن کردند. معلوم شد که روابط، کاملاً تعریف شده و مشخص است. همه می‌دانند که تکلیف و وظیفه‌شان چیست و با همکاری و محبت، کارهای خودشان را پیش می‌برند. دشمن، اینجا ناکام شد! بعد هم بزرگان و مراجع عظام قم ایستادند. یکی از برکات مهم الهی برای این کشور، وجود مراجع آگاه است. مرجع تقلید آگاه، برای مردم از هر نعمتی بالاتر است. مرجع تقلید آگاه، مرجعی که فریب نمی‌خورد، مرجعی که ذهن او را تبلیغات دشمن نمی‌سازد، مرجعی که تحلیل سیاسی خود را از رادیو اسرائیل نمی‌گیرد، خیلی ارزش دارد. دیدید که مراجع، چطور در مقابل این زمزمه‌ها و شایعه‌های دشمن ساز، ایستادند؛ بعد هم حوزه و روحانیت قم، بعد هم شهرهای مهم و مختلف کشور، موضع خودشان را مشخص کردند. معلوم شد که ملت ایران، بیدار است. انصافاً، هم ملت، هم مسئولان و هم روحانیون، موضع بسیار خوبی نشان دادند. من از یکایک آنها تشکر



می‌کنم؛ نه به خاطر شخص. عزیزان من! اینجا مسئله شخص نیست. من هم مثل یکی از شما، از نظام اسلامی، از رهبری اسلامی و از ولایت فقیه به عنوان ستون فقرات این نظام، باید دفاع کنم. وظیفه من است. تکلیف شرعی است؛ مسئله شخصی نیست. به خاطر مسئولیت سنگینی که من دارم، از همه کسانی که در این برهه، قدم در میدان گذاشتند تا حرف دشمن را در گلوی او خفه کنند و مشت به دهان دشمن بکوبند، صمیمانه تشکر می‌کنم.

❖ رهبری از حق مردم مطلقاً اغماض نخواهد کرد

همین جا می‌خواهم از همه خواهش کنم که دیگر این راهپیمایی‌ها را متوقف کنید؛ بس است. وقت برای حضور در صحنه و در میدان، در راهپیمایی برای مسائل و قضایایی که همیشه این ملت با آن مواجه است، بسیار است؛ لزومی ندارد که این راهپیمایی‌ها ادامه پیدا کند. در هر جای کشور، من خواهش می‌کنم دیگر راهپیمایی نکنند. البته گویندگان و نویسندگان، باید ذهن‌ها را روشن کنند. تکلیف هدایت مردم، یک تکلیف الهی است. در این قضیه، ممکن است بعضی تصور کنند که به شخص، ظلم شد. اگر در این مسئله به شخص من ستمی رفته باشد و کسی ظلمی کرده باشد، من از حق شخصی خودم به‌طور کامل می‌گذرم و هیچ شکایتی از هیچ کس ندارم.

البته امام بزرگوار در طول ده سال، خیلی حرف‌ها داشت که بعضی از آنها را به مردم گفت، خیلی را هم به مردم نگفت! ما هم حرف‌هایی داریم که اگر خدای متعال در پیشگاه خودش اجازه نطق داد، با خود او در میان خواهیم گذاشت. لزومی ندارد که انسان همه چیزها را بگوید! من مسئله شخصی در این قضیه ندارم؛ اما از حق مردم مطلقاً اغماض نخواهم کرد.

❖ با اخلال گران و خائنین طبق قانون رفتار شود

آن کسانی که خواستند خاطر مردم را مغشوش، ذهن مردم را خراب و امنیت مردم را به هم بزنند، به خیال خود خواستند مردم را در مقابل یکدیگر قرار دهند و صفوف را از هم جدا کنند. این‌ها به مردم خیانت کردند، به انقلاب و به کشور خیانت کردند و البته باید در چارچوب قانون با این‌ها رفتار شود. من خواهش می‌کنم هیچ کار و هیچ حرکت غیرقانونی



نشود. هیچ کس از آحاد مردم درصدد برنیاید که خودش برود و به خیال خود، کسی را مجازات کند؛ نه، به عهده قانون است. البته به هیچ وجه نباید انتقام گیری کرد؛ انتقام گیری چیزی نیست که جایش اینجا باشد. انتقام را از دشمنان مستکبر، در جای خود باید گرفت. کسانی که از روی نادانی، نفهمی، هوای نفس زودگذر، هواهای بشری ناشی از خصال زشت و بد و حسد و غیره، اقدامی می کنند، شایسته این نیستند که کسی به فکر انتقام گیری از آنها بیفتد؛ لیکن قانون باید اجرا شود. اگر این کارهایی که بعضی کردند و می خواهند بازهم ادامه بدهند - من اطلاع دارم که بازهم برای آینده، برنامه هایی دارند - غیرقانونی است و اگر خیانت به مردم است - که هست - باید مسئولین اجرایی و قضایی، وظایف خودشان را درباره این ها انجام دهند. البته من اطلاع دارم که انجام هم خواهند داد و هیچ گونه سستی ای در این زمینه وجود نخواهد داشت.

❖ بسیج خود را برای دفاع از اسلام و انقلاب آماده نگه دارد

عزیزان من! آنچه مهم است، این است که همه آحاد ملت، بخصوص جوانان، بخصوص اعضای بسیج - بسیج دانش آموزی، دانشجویی، کارگری، صنفی و عشایری، یگان های گوناگون بسیج - و کسانی که جزو سازمان بسیج نیستند و درواقع جزو بسیج اند، همه و همه در پای انجام تکلیف، حاضر و آماده باشند؛ خودشان را برای دفاع از اسلام و انقلاب آماده کنند.

دفاع هم همیشه، با آلات قهریه نیست؛ با مشت نیست، با تفنگ نیست. گاهی دفاع، با فهمیدن است. گاهی دفاع، با زبان است. گاهی دفاع از حقیقت، با حضور درجایی است. شاید یکی از بزرگ ترین خدماتی که انقلاب به ملت ایران کرد، این بود که ذهن ها را باز کرد، ذهن ها را سیاسی کرد، چشم ها را باز کرد، و همه را با مسائل کشور آشنا کرد. این آشنایی و این بصیرت، باید روزبه روز بیشتر و زیاده تر شود. اگر این بشود، دشمن هیچ کاری نمی تواند انجام دهد. شما بدانید مسئولین کشور، همه آماده هستند برای این که وظایف خودشان را به بهترین وجهی انجام دهند.



امروز مسئولین قوه قضاییه، مسئولین قوه مقننه، مسئولین قوه مجریه، اعضای هیئت دولت، شخص رئیس جمهور محترم، همه کسانی که دست‌اندرکارند، نیروهای نظامی و انتظامی، کسانی که در بخش‌های مختلف مسئولند، همه آماده هستند تا آنچه که وظیفه الهی و اسلامی آن‌هاست، انجام دهند و هیچ سستی و کوتاهی وجود ندارد. همه هم در یک جهت حرکت می‌کنند.

دشمن به اختلاف سلیقه درباره فلان مسئله سیاسی نگاه نکند و خیال کند که بین این‌ها اختلاف است؛ نه. درباره مسائل اصلی جامعه، درباره ناموس انقلاب و مسائل اساسی اسلام، هیچ اختلافی بین این‌ها نیست. یکپارچه‌اند و روحانیت معظم و بزرگان حوزه‌های علمیه هم مثل همیشه، در جلوی صفوف قرار دارند و حرکت می‌کنند.

❖ جسم و جان رهبری برای مقابله با دشمن

بنده از خدای متعال خواسته‌ام که جسم و جان ناقابل من هم در همین راه و در خدمت اسلام و ملت ایران قرار گیرد. آنچه در اختیار من وجود دارد و خدای متعال، به ودیعه به من سپرده است - جسم و جان و نیروها و همه و همه - به فضل پروردگار در خدمت این راه و در مقابله با دشمن خواهد بود. دشمن بداند این انقلاب اسلامی، همان انقلابی است که تخت امپراتوری استکبار را لرزاند و با همان قدرت، با همان هیئت، با همان هیمنه و به فضل الهی با همان پیروزی‌ها و پیشرفت‌هاست. بحمدالله نیروی عظیم جوانان هم در صحنه هستند. خداوند همه شما را حفظ فرماید و دل‌های نورانی شما را با انوار معرفت خود روشن تر و نورانی تر کند. ان شاءالله به همه شما لطف و فضل خود را عنایت کند و وجود مقدس ولیعصر ارواح‌فداه و عجل‌الله فرجه، از همه شما راضی باشد و روح مقدس امام بزرگوار، شما را مشمول دعای خود قرار دهد.

و السلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته



بیانات دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه تهران ۱۱/۱۱/۱۳۷۶

۱. ترکیب مفهومی «بسیج دانشجویی»
۲. بار معنایی کلمه‌ی «بسیج»
۳. بار معنایی کلمه‌ی «دانشجو»
۴. حالت بی‌تفاوتی، مصیبت خیلی بزرگ برای دانشجو
۵. حساسیت منفی؛ نگران کننده‌تر از بی‌تفاوتی
۶. ضرورت حساسیت نسبت به سرنوشت دانشجو
۷. من نمی‌توانم حساسیت و رابطه‌ام را با قشر دانشجو قطع کنم
۸. در کلمه‌ی بسیج، «بسیج شدن» خیلی مهم است
۹. بسیج رقیب هیچ تشکیلاتی نیست
۱۰. بسیج همه را زیر بال‌های خود بگیرد
۱۱. عدم ثبات در عقیده گرفتاری بزرگ جوان
۱۲. ایمان‌تان را عمیق و شفاف کنید
۱۳. بزرگان و اساتید قم منبع و منشأ خیر و برکت
۱۴. تفکر انقلابی و سیاسی بسیج
۱۵. جوانان بی‌تفاوت را در تیررس فکری دینی و سیاسی خودتان قرار دهید
۱۶. حضور فعال و خردمندانه در دانشگاه
۱۷. تلقین اشتباهات سیاسی از بیرون دانشگاه
۱۸. تعداد بسیج دانشجویی
۱۹. در مسائل جاری و امور سیاسی کشور همواره فکر کنید
۲۰. نگرانی دشمن از وضع ثبات سیاسی کشور
۲۱. اراده‌ی الهی حمایت و دفاع از ملت ایران
۲۲. مشکلات و نابسامانی‌ها مخصوص ما نیست



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برادرمان^۱ حرف‌های بسیار خوبی را بیان کردند. از این که الحمدلله شما جوانان خوب و مؤمن، در دانشگاه هستید و حضور دارید، من خیلی خوشحالم. این کارهایی را هم که گفتید می‌کنید و کرده‌اید، همه خوب است.

❖ ترکیب مفهومی «بسیج دانشجویی»

عنوان «بسیج دانشجویی»، از دو بخش تشکیل شده است که هر کدام از این دو بخش، نقل‌ها و داستان‌ها دارد و به دنبال خودش تکالیفی بر دوش انسان می‌گذارد. یکی کلمه‌ی «بسیج» است، یکی کلمه‌ی «دانشجو» است.

❖ بار معنایی کلمه‌ی «بسیج»

وقتی می‌گوییم «بسیج»، معنایش این است که مجموعه‌ای موردنظر است که در عرصه‌ی مجاهدت انقلابی حضور پیدا کرده و حضور دارد؛ غایب نیست، آماده است. بسیج شدن نیرو، معنایش این است دیگر. وقتی می‌گوییم نیروها را بسیج کردیم، یعنی چه؟ یعنی به این‌ها آمادگی لازم برای حضور در میدان کار، میدان مبارزه و مجاهدتی که موردنظر است، داده‌ایم. پس در کلمه‌ی «بسیج»، معنای حضور و آمادگی - آن‌هم در حد فداکاری - هست. در جنگ هم وقتی می‌گفتیم «بسیج»، آن معنایی که به ذهن ما متبادر می‌شد، عبارت بود از زبده و

(۱) سخن گوی دانشجویان دیدار کننده



عصاره‌ی بهترین نیروهای کشور و جامعه. بسیج، یعنی نیرویی که این وظیفه را برحسب حد و حدود و خط‌کشی‌های رایج اداری و قشری، بر عهده‌اش نگذاشته‌اند؛ اما داوطلبانه وارد میدان شده و ابراز آمادگی می‌کند و حضور خودش را اعلام می‌نماید که اینجا حاضرم.

عین همین معنا در بسیج دانشجویی، یا در بسیج‌های قشری، قهراً وجود دارد. بنابراین کلمه‌ی بسیج، حامل یک چنین معنای عالی و فاخر و اهتمام‌برانگیز است.

❖ بار معنایی کلمه‌ی «دانشجو»

کلمه‌ی دانشجو هم باز همین‌طور؛ از لحاظ بار معنایی، از جهت دیگری حامل معنای خیلی جالب توجه و مهمی است. دانشجو یعنی جوانِ طالب علمی که آینده در دست اوست. این خصوصیات، در کلمه‌ی دانشجو هست. دانشجو، یعنی جوان؛ چون دانشجویی، قهراً مربوط به دوران جوانی است. طالب علم بودن و جستجوی از دانش هم در کلمه‌ی دانشجو هست. چون فرض این است که آینده‌ی کشور، به سمت اداره‌ی علمی کشور پیش می‌رود دیگر؛ یعنی به سمت اداره‌ی عالمانه و منطبق بر موازین دانش پیش می‌رود و هر کشور و هر جامعه‌ای که علم و فهم و محاسبه‌ی دقیق، در همه‌ی شئون آن دخالت داشته باشد، وضعش بهتر است.

بنابراین دانشجو یعنی کسی که ناظر به آینده و متعلق به آینده است؛ آینده هم متعلق به اوست. ببینید؛ این عناوین و مفاهیمی که در کلمه‌ی دانشجو گنجانده شده، خیلی مهم است. به همین دلیل، فوراً اینجا استفاده کنیم که اگر دانشجو از لحاظ جهت‌گیری فکری و سیاسی دچار انحراف باشد، مصیبت بزرگی خواهد بود. درست است؟

❖ حالت بی‌تفاوتی، مصیبت خیلی بزرگ برای دانشجو

اگر هدف دانشجو این باشد که درس بخوانم، برای این که زندگی شخصی خودم را - مثلاً - آباد کنم، بقیه هر چه شد، بشود؛ خطر خیلی بزرگی است. اگر جهت زندگی دانشجو این باشد که به مسائل جامعه و آنچه که می‌گذارد، بااهمیت، بی‌اهتمام، بی‌علاقه و بی‌مبالا باشد، مصیبت، خیلی بزرگ است.



فرض بفرمایید به دانشجو گفته شود که بخشی از نیروهای کشور، دچار آفات عقیدتی و فکری‌اند. او شانه بالا بیندازد و بگوید به من چه! همچنان که اگر بگویند بخشی از مردم در فلان جا دچار زلزله شدند و از بین رفتند، شانه بالا بیندازد و بگوید به من چه! بخشی از مردم از لحاظ وضع معیشتی دچار دشواری و مشکل‌اند؛ شانه بالا بیندازد و بگوید به من چه! این حالت بی تفاوتی، مصیبت خیلی بزرگی است.

❖ حساسیت منفی؛ نگران کننده‌تر از بی تفاوتی

کسی که بناست فردا امور مملکت در دست او باشد، این قدر نسبت به مسائل جامعه و سرنوشت مردم بی‌اعتنا شود، خیلی نگران کننده است. از این نگران کننده‌تر، این است که بی تفاوت نیست - حساس است - منتها حساسیت منفی؛ یعنی درست علاقه‌مند به این است که بخشی از مردم جامعه - فرضاً - در یک زلزله نابود شوند! حالا زلزله، یک مثال واضح و یک نوع آفت جسمانی و مادی است؛ از این بدتر، آفت معنوی است که کسی به آن توجه نمی‌کند. مثلاً دلش بخواهد که مردم، غرق در شهوات شوند! دلش بخواهد که مردم، غرق در بی‌ایمانی شوند؛ خودش هم اصلاً این طور باشد و به این سمت بتازد!

❖ ضرورت حساسیت نسبت به سرنوشت دانشجو

ببینید مسئله‌ی دانشجو چقدر حساس می‌شود! اگر ما معنای دانشجو و مفاهیمی را که منطقی و مندرج در عنوان دانشجویست، به دقت مورد ملاحظه قرار دهیم، باید نسبت به سرنوشت قشر دانشجو خیلی حساس شویم - هر که هستیم؛ چه خودمان دانشجو باشیم، چه استاد، چه از مسئولان آموزش عالی کشور، چه از مسئولان کشور و چه آدمی معمولی باشیم که در خیابان راه می‌رویم - اگر بدانیم دانشجو یعنی چه، باید نسبت به سرنوشت دانشجو خیلی حساس باشیم.

❖ من نمی‌توانم حساسیت و رابطه‌ام را با قشر دانشجو قطع کنم

خوشبختانه بنده شخصاً این حساسیت را از قبل از انقلاب داشتم؛ لذا بخش عمده‌ای از عمر من با دانشجویان گذشته است. در دوره‌ی پیش از انقلاب هم، مسجدی که در مشهد می‌رفتم،



مرکز دانشجویان بود. بعد از انقلاب هم در آن برهه‌ی اوّل انقلاب - یعنی قبل از مسئله‌ی انقلاب فرهنگی و آن قضایا که درواقع دانشگاه، ستاد جنگ‌های نامنظم نیروهای ضدانقلاب شده بود - بنده در دانشگاه، رفت و آمد دائمی داشتم.

شما در برهه‌ی اوّل انقلاب، در دانشگاه نبودید؛ آن وقت کوچک بودید و وقت دانشجویی تان نبوده است. من آن زمان، هر هفته به این مسجد می‌آمدم، نماز می‌خواندم، سخنرانی می‌کردم و پاسخ به سؤالات می‌دادم. حتی روزی از روزها در همین دانشگاه تهران، دانشجویان عضو آن احزاب غیرقانونی - که الحمدلله اسم‌های خیلی از آنها هم از یاد همه، از جمله از یاد بنده رفته است - بنا داشتند که نیروهای انقلابی را در دانشگاه، تار و مار کنند. واقعاً در این دانشگاه تهران، وحشت، تمام فضا را گرفته بود! من اتفاقاً پیش از ظهر آن روز، کاری داشتم - چون آن وقت، سال پنجاه و هشت کارهای زیادی بر دوش من بود - آن کار را انجام دادم و ظهر که شد، طرف دانشگاه آمدم. دو سه نفر از بچه‌های سپاه که به عنوان محافظ با من بودند گفتند: به دانشگاه نروید، امروز دانشگاه خطرناک است. گفتم؛ نه، اتفاقاً امروز هم باید به دانشگاه برویم؛ وقتش امروز است. به دانشگاه تهران آمدم؛ هیچ کس نبود - در مسجد دانشگاه، شاید چهار پنج نفر بودند. دقیقاً یادم نیست چند نفر؛ تعداد خیلی کمی بودند - آنها هم به من گفتند که آقا، زودتر از اینجا بروید، خطرناک است. اگر آن گروه‌ها مرا می‌شناختند - از دور که می‌شناختند، می‌دانستند من فلانیم - واقعاً برای من خطرهای جدی هم داشت. آنها ترسیدند و ما را از دانشگاه، بیرون بردند!

غرض؛ من از دانشگاه جدا نشدم. بعد هم در دوران ریاست جمهوری، با آن همه گرفتاری که داشتم، گاهی به دانشگاه می‌آمدم. آن وقت‌ها را ممکن است بعضی از شما یادتان باشد. به دانشگاه تهران و دانشگاه‌های دیگر، رفت و آمد می‌کردم؛ سخنرانی و پاسخ به سؤالات داشتم. من بعد هم ان شاء الله خواهم آمد. به هر حال این چند سالی هم که فاصله شده است، من خودم هیچ وقت راضی نبودم که به دانشگاه نیایم. ان شاء الله برنامه‌ریزی می‌کنم و باز هم به دانشگاه‌های



مختلف - از جمله دانشگاه تهران - می‌آیم. یعنی من نمی‌توانم رابطه‌ام را با قشر دانشجوی قطع کنم؛ به خاطر همین اهمیتی که از نظر من دارد.

❖ در کلمه‌ی بسیج، «بسیج شدن» خیلی مهم است

بنابراین بسیج دانشجویی، یعنی دو عنوان که باهم ترکیب شده، و شما شده‌اید. این، ادّعی خیلی بزرگی است! شما با همه‌ی نجابت و خوبی‌ای که دارید و من هم واقعاً دوستان دارم، ادّعیاتن خیلی بزرگ است: بسیج دانشجویی. یعنی این عنوانی که در کلمه‌ی بسیج هست، خیلی مهم است؛ عنوانی هم که در کلمه‌ی دانشجوی هست، آن هم خیلی مهم است. البته فرقت این است که در کلمه‌ی بسیج، حقیقتاً «بسیج شدن» خیلی مهم است؛ ولی در کلمه‌ی دانشجوی حقیقتاً «دانشجو شدن» مهم نیست؛ چون بالاخره کسی که به دانشگاه رفت و درس خواند، دانشجوی می‌شود. در اینجا عمل کردن به وظایف دانشجویی، کما هو حقّه، خیلی مهم است.

❖ بسیج رقیب هیچ تشکیلاتی نیست

به نظر من از همین جا پاسخ بعضی از سؤالات شما روشن شد. معلوم است یک‌مشت جوان دانشجوی که در دانشگاه، ادّعی این را دارند که بسیج‌اند و می‌خواهند به وظایف دانشجویی عمل کنند، کار سیاسی‌شان هیچ حدّ و حدودی ندارد. البته شما نباید به عنوان یک حزب مطرح شوید. اگر شما یک حزب و یک تشکیلات در کنار تشکیلات دیگر شدید، بقیه‌ی تشکیلات رقیب شما می‌شوند. درحالی که طبیعت بسیج این است که رقیب هیچ تشکیلاتی، مگر تشکیلات ضدانقلاب نیست؛ بلکه تشکیلات دیگر را در زیر بال‌های خودش می‌گیرد. بسیج، این گونه است دیگر؛ کما این که در دوره‌ی دفاع مقدّس، از اوّل انقلاب، همواره بسیج آن مجموعه‌ای بود که همه‌ی افراد و جناح‌ها و گروه‌های مختلف را زیر بال‌های خود می‌گرفت.

❖ بسیج همه را زیر بال‌های خود بگیرد

شما طوری حرکت کنید که بتوانید همه را زیر بال‌های خودتان بگیرید. البته چه کسی زیر بار شما خواهد آمد؟ آن که اصول شما را قبول کند. شما نباید از اصولتان تخطّی کنید. باید اصول خودتان را با همه‌ی دقّت‌هایش حفظ کنید، والا آن وقت کلمه‌ی بسیج، صدق نمی‌کند و



چیز دیگری خواهد شد. اگر می‌خواهد بسیج به معنای حقیقی کلمه باشد، باید از آن اصول و مبانی انقلابی و دینی و ایمانی خودتان، با دقت تمام محافظت و بر آنها پافشاری کنید.

البته در عین حال از لحاظ جهت‌گیری سیاسی و از لحاظ موضع‌گیری گروهی، هر کس با هر گرایشی که بخواهد زیر بال شما بیاید، با شما کار کند و در ثواب شما شریک شود، باید بگویند عیبی ندارد. البته نه این که حتماً عضو شما شود؛ چون لابد عضویت، باید شرایطی داشته باشد. قاعداً این‌ها را خودتان بهتر از من میدانید؛ چون در میدان عمل آن کار هستید. عضویت، ممکن است شرایطی داشته باشد، ولی همکاری، نداشته باشد؛ همکاری هم ممکن است درجاتی داشته باشد؛ و هلم جراً.

بنابراین، من محدودیتی برای یک مجموعه می‌بینم، مگر محدودیت‌هایی که فکر و مبانی و مواضع دینی و ایمانی و سیاسی شما برای شما ترسیم می‌کند. جز این‌ها، من محدودیتی برای کار فکری، یا سیاسی نمی‌یابم.

ببینید عزیزان من؛ جوان، یک گرفتاری مهم دارد. جوان، مجموعه‌ای از زیبایی‌ها، برجستگی‌ها، درخشندگی‌ها، خوبی‌ها، استعدادها و امکانات است که هر چه به طرف پیری می‌رود، این استعدادها و امکانات - حتی از لحاظ معنوی مرتب به سمت نازیبایی کم می‌شود. هر چه پیش می‌روید، فعلیت‌هایتان بیشتر می‌شود؛ اما استعدادها و امکاناتتان، مرتب کاهش می‌یابد! استعداد، چیز خیلی مهمی است. امکانات، چیز خیلی مهمی است. استعداد، یعنی توان و توان خیلی مهم است.

❖ عدم ثبات در عقیده گرفتاری بزرگ جوان

با همه‌ی این چیزهای مثبت و جالب و درخشان در وجود جوان، جوان یک گرفتاری بزرگ دارد و آن، عدم ثبات است - احتمال تزلزل - که هر چه سن بالاتر می‌رود، این حالات، کمتر می‌شود. التفات می‌کنید؟ این گرفتاری را حواستان باشد؛ این گرفتاری را در خودتان و در دیگران علاج کنید. کاری کنید که ثبات در عقیده داشته باشید.

ببینید؛ شما در دعاها، چقدر «ثبات الیقین» می‌خوانید؟! در دعای سحر روز جمعه: «و هب



لی ثبات الیقین و محض الاخلاص».^۱ در دعای ماه رمضان می‌خوانید: «اللهم انی اسألك ایماناً لا اجل له دون لقاءک»؛^۲ من از تو ایمانی می‌خواهد که تا هنگام لقای تو، هیچ پایانی ندارد - هست، تا وقتی تو را ملاقات کنم - «احینی ما احییتی علیه»؛ تا وقتی مرا زنده نگه می‌داری، این ایمان را برای من نگهدار. «و توفنی اذا توفیتی علیه»؛ وقتی جان من را می‌گیری - «توفی»، یعنی گرفتن جان - بر ایمان، جان مرا بگیر. «وابعثنی اذا بعثتنی علیه»؛ حتی قیامت، وقتی مرا بر میانگیری، با این ایمان برانگیز. این دعاست!

امام، آنچه را که از خدا می‌خواهد - در دعای ابوحمزه، آن‌هم در دعا‌های پر حال و پر شور - نشان‌دهنده‌ی این است که این، یک نیاز حتمی است. توجه می‌کنید؟

جوان، ثبات لازم دارد و این ثبات هم به‌خودی‌خود به دست نمی‌آید. باید آن را پیدا کرد. جوان، دائم در معرض تزلزل قرار می‌گیرد. البته همه‌ی جوانان این‌طور نیستند - نمی‌خواهم بگویم که هر جوانی این‌گونه است - به‌هرحال، این استعداد تزلزل هم مثل بقیه‌ی استعدادها، در جوان هست؛ که این به یک معنا استعداد خوبی نیست. البته به یک معنا هم خوب است؛ چون خود این هم یک تحول است. از همین هم می‌توان استفاده کرد. مرتب می‌شود بهتر شد و بالاتر رفت؛ اما باید مواظب باشید که این، وسیله‌ی لغزش، دور افتادن از راه و دور افتادن از خدا نشود و به غلتیدن در پرتگاه‌هایی که انسان باید از آنها پرهیز کند، منتهی نگردد.

❖ ایمان‌تان را عمیق و شفاف کنید

شما، جوانان دانشگاه را که با آنها کار می‌کنید، با این دید نگاه کنید. چگونه می‌شود جلو لغزش و تزلزل را گرفت؟ با شفاف شدن و عمیق شدن ایمان. هرچه می‌توانید، سعی کنید ایمان‌تان را عمیق و شفاف کنید؛ و این، کار دشواری هم نیست، کار خیلی آسانی است؛ به یک معنا آسان‌ترین کارهاست. چرا؟ چون آن چیزی که شما به آن ایمان

(۱) مصباح المجتهد، ص ۲۷۹

(۲) الاقبال بالاعمال الحسنه، ج ۱، ص ۱۷۳



پیدا کرده‌اید، هم از جنبه‌ی دینی و هم از جنبه‌ی سیاسی، قوی‌ترین، مستحکم‌ترین، قابل‌اعتمادترین و درخورترین، برای عشق ورزیدن است. هم تفکر انقلابی ما - که خوشبختانه تفکر سیاسی ماست - این‌طور است و هم تفکر دینی این‌گونه است.

❖ بزرگان و اساتید قم منبع و منشأ خیر و برکت

تفکر دینی ما، ارتباط با خدا، ارتباط با منبع قدرت، منبع زیبایی و منبع وجود است. هرچه این ارتباط، بیشتر باشد، بهتر است. هرچه این ایمان، قوی‌تر و این استدلال‌ها، استدلال‌های محکم باشد، بهتر است. خوشبختانه امروز اساتید بزرگی هستند. حالا به آقای «محمّدی عراقی» و بعضی از برادران دیگر اشاره کردید؛ خوشبختانه این‌ها فضلا و افراد برجسته هستند؛ این‌ها خوب‌اند. از این‌ها می‌توانید حداکثر استفاده را بکنید. در قم، بزرگان و اساتیدی مثل آقای «مصباح» و دیگران هستند؛ هرچه می‌توانید، از آنها استفاده کنید. آنان برای شما از لحاظ فکری، خیلی منبع و منشأ خیر و برکت‌اند

❖ تفکر انقلابی و سیاسی بسیج

تفکر شما از لحاظ سیاسی هم، آن تفکری است که تمام جهاز تبلیغاتی انقلاب، برای آن بسیج شده است؛ آنها هم در مقابل بسیج شما، در جهت باطل بسیج‌اند! بسیج شده‌اند برای این که این تفکر و این جهت‌گیری را بکوبند، از چشم ملت‌ها بیندازند، از ذهن ملت‌ها پاک کنند و تاکنون با این همه تبلیغات، نتوانسته‌اند! صدای ما در کوه‌های بین تهران و مازندران، از رادیو درست پخش نمی‌شود؛ ولی صدای آنها در هر کورده‌ده ما، با صد زبان می‌آید - همه جا و خیلی جاهای دیگر دنیا - در عین حال شما نگاه کنید، امروز در هر نقطه‌ای از نقاط دنیای اسلام، وقتی که نام امام آورده می‌شود؛ نام انقلاب و نام ملت ایران آورده می‌شود، با تجلیل و با عظمت به آن نگاه می‌کنند. این تفکر انقلابی شما و این راه سیاسی‌ای که شما انتخاب کرده‌اید - راه استقلال یک ملت، راه شرف و راه عزّت یک ملت - چیزهای خوبی است. شما نقطه‌ی ضعفی ندارید. می‌توانید این ایمان را در جوانانی که با شما هستند، مستحکم، قوی و شفاف کنید. این کار را بکنید. اشاره‌ی من به این نکته‌ای است که خوشبختانه خود شما اشاره



کردید و گفتید که مجموعه‌ی تشکیلات بسیج دانشجویی، از لحاظ کیفی پیشرفتی نداشته است. حتماً این را علاج و کار کنید

❖ جوانان بی تفاوت را در تیررسِ فکری دینی و سیاسی خودتان قرار دهید

چون دانشگاه، مرکز جوانان و جو آن هم مجموعه‌ای از استعدادهاست - که از جمله، استعداد پیش رفتن و پذیرش است - دشمن هم از همین نقطه استفاده می کند. کار شما خیلی هم دشوار نیست. اگر بتوانید همین جوانانی را که در دانشگاه، بی تفاوت اند؛ خیلی هم هستند و فقط آمده اند تا درس بخوانند - بعضی هم همراه با این درس خواندن، حتی یک مقدار انحرافات و خطاهای معمولی بشری دارند - در تیررسِ فکری خودتان درزمینه‌ی دین و سیاست - هر دو - قرار دهید، به نظر من شما دانشگاه را فتح خواهید کرد.

❖ حضور فعال و خردمندانه در دانشگاه

قدرت و سنگینی کفه، متعلق به طرفی است که شما در آن طرف قرار دارید؛ این را بدانید - البته ان شاء الله هم می دانید - هیچ دغدغه‌ای نداشته باشید. اگر حضور شما در دانشگاه، حضور فعال، خردمندانه، متکی به استقلال و البته همراه با شرایط دانشجویی باشد - که از جمله اش درس خواندن و پیشرفت کردن در کار تحقیق و درس است - هیچ مخاطبی باقی نمی ماند، مگر این که به جهتی که شما می خواهید و به سمتی که شما دارید، گرایش پیدا خواهد کرد؛ مگر کسانی که دچار مرض و بیماری هستند.

❖ تلقین اشتباهات سیاسی از بیرون دانشگاه

این اشتباهاتی که گاهی در دانشگاه مشاهده می شود - بعضی از این مجموعه ها از لحاظ سیاسی، اشتباهاتی دارند - غالباً چیزهایی است که از بیرون دانشگاه به آنها تلقین شده است. این را توجه داشته باشید. مربوط به خود جماعت دانشجو نیست؛ اشکالاتی است که از بیرون، بر مجموعه های گوناگون، تلقین و تحمیل کرده اند. این ها از خود فضای دانشجویی برمی خیزد.



در آنجاها صفا و رو کردن به حقیقت و معنویت وجود دارد؛ از این استفاده کنید. مسجد را گرمی بدارید. مسجد، خیلی خوب است. اجتماعاتتان را - که به وجود می آورید - با افراد خردمند و عمیق و فاضل، زینت دهید.

❖ تعداد بسیج دانشجویی

البته من نپرسیدم - شما هم نگفتید - که الآن تعداد بسیج دانشجویی - دختر و پسر - در دانشگاه تهران چقدرند و در کل دانشگاه‌ها چقدرند. آماری دارید؟ چهار هزار نفر؟ خیلی خوب است؛ تعداد بالایی است.

حالا ببینید، این اعضا که زیادند، کسانی هستند که به صورت داوطلب آمده‌اند و عضو بسیج شده‌اند؛ این خیلی خوب است. پس از طرف آنها، شوق و کشش و جاذبه و علاقه هست؛ مرکزی لازم بوده است که این‌ها را حفظ و جذب کند، کیفیت دهد و پیش ببرد. اگر نقصی بوده، از آنجاست. پس شوق، در دانشجویان هست؛ باید این را خیلی مغتنم بشماریم. چیز بسیار خوبی است، از این استقبال کنید.

برادران دفتر نمایندگی هم همان اخلاصی را که ما به جوانان خوب و مؤمن داریم، حتماً دارند؛ شکی نداشته باشید. آنها هم قاعدتاً شمارا خیلی دوست می‌دارند؛ همچنان که بنده شمارا دوست می‌دارم.

❖ در مسائل جاری و امور سیاسی کشور همواره فکر کنید

ان شاء الله موفق و مؤید باشید و در مسائل جاری کشور - و مسائل مربوط به امور سیاسی - همواره فکر کنید. تشخیص درست را از طرق صحیح خودش به دست آورید و بر آن، پا بفشارید. آن چیز صحیح، این است. اگر انسان، دچار بعضی از کج فهمی‌ها نشود و آنچه را که خدای متعال از انسان - طبق تشخیص آدم - خواسته است، انجام دهد، خدا هم کمک خواهد کرد؛ یعنی هیچ دغدغه‌ای از این جهت وجود ندارد؛ خدای متعال کمک می‌کند.

در قرآن، چند جا وعده‌ی صریح داده شده است که اگر خدا را یاری کردید، خدای متعال



شمارا یاری می کند. «ان تنصروا الله ينصرکم»^۱، «ولينصرنَّ الله من ينصره»^۲. در قرآن، چیزی دیگر از این صریح‌تر! انسان از خدای متعال، چه می‌خواهد؟ صریح و با تأکید، قطعاً «لينصرنَّ الله»؛ یعنی دقیقاً، قطعاً خدای متعال، کسی که او را یاری کند، یاری می‌کند.

یاری خدا یعنی چه؟ یاری خدا یعنی این که انسان به دنبال این باشد که راه خدا را راه همواری کند، بر تعداد رهروان آن راه بیفزاید، و کمک کند به مردم که در این راه حرکت کنند. این، یاری خداست دیگر. خدا هم یاری خواهد کرد؛ تا حالا هم یاری کرده است.

❖ نگرانی دشمن از وضع ثبات سیاسی کشور

شما خیال نکنید که چنانچه این اخلاص‌ها و این نیت‌های خوب نبود، ممکن بود وضع کشور، این‌طور که هست باشد. افسوس که شما به منابع خبری دسترسی ندارید؛ وقتان هم واقعاً ایجاب نمی‌کند - شاید لزومی هم ندارد که شما این قدر در معرض اخبار گوناگون دنیا باشید؛ یعنی از کارهایتان می‌مانید - لیکن ما در جریان هستیم. اگر بدانید که وضع کنونی ایران برای دشمنان قدرتمند، حقیقتاً چقدر نگران‌کننده و ناراحت‌کننده است!

همین وضع سیاسی کشور، همین ثباتی که وجود داد، همین جهت‌گیری صحیح به سمت هدف‌های الهی که امروز در این کشور وجود دارد و محسوس است، برای آنها خیلی نگران‌کننده است. دیگران به صورت‌های مختلف، خیلی تحلیل می‌کنند و تحلیل می‌کردند. بعد از همه‌ی این حرف‌ها و جاروجنجال‌ها و دعوایها و - به خیال خودشان - موفقیت‌ها و خوشحالی‌هایی که کردند و کف‌هایی که زدند، روز قدس ملاحظه کردید که چه اتفاقی افتاد؟! این‌ها خیلی مهم است.

❖ اراده‌ی الهی حمایت و دفاع از ملت ایران

واقعاً اگر کسی این‌ها را از دور نگاه کند، عظمت و اهمیتش را احساس خواهد کرد. ما در قضایا هستیم، گاهی افراد، کمتر احساس می‌کنند. این خیلی مهم است، کار خداست؛

(۱) محمد: ۷

(۲) حج: ۴۰



خدای متعال به ما کمک می کند و این کمک، ان شاء الله حالا حالاها ادامه خواهد داشت. اراده‌ی الهی بر این قرار گرفته است که از این ملت و از این راه و از این هدف‌ها، حمایت و دفاع کند؛ علت آن هم این است که خوشبختانه در این جهت گیری و در این راه، عده‌ی زیاد و قابل توجهی هستند که با اخلاص برای خدا کار می کنند و خدا را یاری می دهند. خدای متعال هم وعده کرده است. خدای متعال «اصدق القائلین» و «أوفی العاهدین» است؛ عهد کرده است، به عهد خودش وفا می کند و به ما نصرت می دهد.

❖ مشکلات و نابسامانی‌ها مخصوص ما نیست

این مشکلات و نابسامانی‌ها و گرفتاری‌هایی که شما می بینید - البته شما در دنیا زندگی می کنید - در هر جا از قبیل این‌ها و امثال این‌ها و بدتر از این‌ها، در بخش‌های مختلف، هست. البته مشکلات همه جا مثل هم نیست. چون آدم، گاهی گرفتاری‌های خودش را که می بیند و از دور به جاهای دیگر نگاه می کند، نمی فهمد که آنها هم گرفتاری دارند، خیال می کند که این مشکلات، مخصوص ماست؛ نه. البته مقداری هست که باید برطرف شود؛ شکی نیست. ان شاء الله شما روی کار بیایید و بقایای این گرفتاری‌ها را برطرف کنید. در آینده‌ی نه چندان دوری شما می آید و ان شاء الله امور مملکت را به عهده خواهید گرفت و این‌ها درست خواهد شد؛ شکی نیست.

این گرفتاری‌هایی که هست، چیز مهمی نیست؛ این‌ها طبیعت بدعمل کردن‌هایی است که گوشه و کنار، ما خودمان داریم. آن چیزی که طبیعت لطف خداست، خیلی بارزتر و خیلی واضح تر است و چیزهای عجیبی مشاهده می شود. ان شاء الله بعد از این هم الطاف الهی خواهد بود و خدا کمک خواهد کرد. شما قرص و محکم و ایستاده و پابرجا، بدون اندک انحطاط و تنزلی از اصول و باورهای اصلی خودتان، در دانشگاه باشید. شما جای مهمی را انتخاب کرده اید؛ سنگر بسیار مهمی است. هر کدام هم که از دانشگاه، بیرون می آید، حتماً کسانی را جای خودتان تربیت کنید و نگهدارید. بخصوص، کاملاً بروید اطراف دانشجویان سال اوّل که



وارد می‌شوند؛ آنها را توجیه و حمایت کنید، تا ان شاء الله این راه را ادامه دهند. خدای متعال هم به این کارها کمک خواهد کرد.

و السَّلام علیکم و رحمة الله و برکاته



بیانات در جمع رزمندگان و بسیجیان بندرعباس ۳۰/۱۱/۱۳۷۶

۱. تفکر اسلام ناب، بوستان همیشه بهار است و خزان ندارد
۲. دوران سقوط و خزان مخصوص انقلاب های مادی
۳. عده ای آزادی بیان نیست را آزادانه بیان می کنند
۴. بهار انقلاب تمام شد، یعنی انسان سازی تمام شد
۵. افراد متزلزل خیال می کنند که انقلاب، متزلزل است!
۶. انقلاب اسلامی کارخانه ی انسان سازی
۷. نمونه های انسان سازی در تاریخ اسلام
۸. خصوصیات انسان سازی مکتب اسلام
۹. ایمان به غیب راز اصلی انسان سازی
۱۰. ظلم و کفر نتیجه عدم ایمان به غیب
۱۱. فکر ماورای ماده نابود شدنی نیست
۱۲. ایمان مذهبی و دینی قابل خدشه نیست
۱۳. ارتباط معنوی و شکوفه های معنوی جوان ایرانی
۱۴. از یاد با معرفت خدا غافل نشوید
۱۵. تعمق و تدبیر در دعا
۱۶. انسان سازی، در ظل حکومت الهی
۱۷. امریکا با تمام امکانات و همه ی عقبه ی فرهنگی هم هیچ غلطی نمی تواند بکند
۱۸. انگیزه های الهی را حفظ کنید
۱۹. استقامت و ایستادگی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين. والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا محمد وعلى آله
الأطيبين الأطهرين المنتجبين. سيما بقية الله في الارضين.

❖ تفکر اسلام ناب، بوستان همیشه بهار است و خزان ندارد

شاید یکی از شگفتی‌های متعدّد انقلاب عظیم اسلامی این است که گل‌های شکفته بر
نهال‌های معنوی و روحی و فکریِ تفکرِ زیربناییِ این انقلاب، مربوط به یک فصل و یک
دوران نیست؛ یک بوستان همیشه بهار است! خطاست اگر کسی گمان کند که در دوران
اولیه‌ی انقلاب، جوانانی بودند که از معنویت اسلام، سرشار و سرمست، دل به خدا سپرده، قدم
در راه کمال نهاده، بی‌محبا حرکت می‌کردند و به مقصد می‌رسیدند، اما این مخصوص دوران
اوّل انقلاب و بهار انقلاب بود و دیگر تمام شد!

همین الان قلم‌ها و نفس‌ها و مغزهایی هستند که می‌خواهند هندسه‌ی انقلاب را این گونه
ترسیم کنند: یک دوران، دوران شکوفایی و بهار، با فراآورده‌های شگفت‌انگیز و گوناگون از
عواطف و احساسات و افکار انسان‌ها، و به دنبال آن حضور و حرکت انسان‌ها؛ یک دوره
هم دوره‌ی خزان، دوره‌ی بی‌برگ و باری و دوره‌ی افسردگی! هم این را می‌نویسند، هم
می‌گویند، هم به صد زبان تکرار می‌کنند! شاید خودشان هم واقعیت جامعه‌ی ما را خیلی
منطبق بر این سخن باطل نبینند؛ اما تلقین و القا کردن در مسائل اجتماعی، خود یک عامل
تحقق بخشیدن چیزی است که انسان از آن سخن می‌گوید! من عرض می‌کنم این سخن، غلط
و این فکر خطاست و این گفتن‌ها و نوشتن‌ها خائنه است! اگر نگوییم خائنه، پس غافلانه



است! حرف امروز من با شما هم اصلاً همین است که راجع به این موضوع، قدری صحبت می‌کنم.

نسل شما و جنس شما، مسطوره و نمونه‌ی شما، نمونه‌ی بهترین جوانان، بلکه بهترین انسان‌های این روزگار در زیر آسمان است؛ در این منطقه هم شما یید. بحمدالله در هر نقطه‌ای از کشور، کمیت و کیفیت عظیمی از بهترین جوانان - پسران و دختران - از این قبیل هستند.

من می‌خواهم با شما این مطلب را در میان بگذارم که بوستان تفکر معنوی انقلاب که از آن، گل‌های عواطف و احساسات و اراده و تصمیم می‌روید و بر اثر این اراده و تصمیم و آن ایمان و احساس، انقلاب‌ها پیروز می‌شود، جنگ‌ها - جنگ هشت‌ساله - به پیروزی می‌رسد و توطئه‌های دشمنان ناکام می‌ماند، یک بوستان همیشه‌بهار است که خزان ندارد! آن کس که از خزان سخن می‌گوید، خودش دچار پژمردگی و افسردگی است؛ خودش خزان‌زده است و می‌خواهد به پای انقلاب بنویسد! من همین مطلب را قدری برای شما عزیزان، گسترش دهم و باز کنم.

❖ دوران سقوط و خزان مخصوص انقلاب‌های مادی

ببینید؛ در حوادث اجتماعی، وقتی حرکت باایمان همراه نباشد، این دوره بند‌ها صحیح است. فرض کنید یک مجموعه از انسان‌ها با یک انگیزه‌ی مادی، راهی را آغاز می‌کنند، به شوقی و به عشقی قدم در راهی می‌گذارند؛ اما نه عشق معنوی و نه شوق ایمانی، بلکه در چهارچوب بده بستان مادی! این گونه حرکت، یک دوره‌ی اوج و یک دوره‌ی توقّف و سرازیری و رکود دارد؛ بروبرگرد هم ندارد. اول، همه‌چیز با شوق و عشق و اشتیهای بیشتر انجام می‌گیرد، بعد به تدریج عادی می‌شود، بعد کم‌کم گرایش به آن‌طرف آغاز، یا گرایش به آن‌طرف، وجه غالب می‌شود. در مسائل مادی و در انگیزه‌های غیر الهی و غیر معنوی این گونه است. مثال هم برای آن فراوان است. گاهی این دوران، خیلی هم کوتاه می‌شود؛ یعنی ناگهان از بهار و از دوران اوج شکوفایی، به دوران سقوط و انحطاط و خزان منتقل می‌شود! یعنی غوره نشده، مویز می‌شود؛ گل نداده، پرپر می‌گردد!

در انقلاب اکبر شوروی منحل شده، دوران اوج، در اوّل انقلاب بود. هنوز پنج شش سالی گذشته، یا نگذشته بود که حرکت، از آن طرفی شروع شد. دوران «استالین» دوران استبداد سیاه و خونین و دوران نابودی همه‌ی ارزش‌هایی است که بر زبان می‌آوردند! درواقع شاید از اوّل هم خیلی وجود نداشت؛ از آن طرفی برگشت. قضیه مادی بود؛ اگر غیرازاین بود، در آنجا تعجّب داشت!

یا انقلاب کبیر فرانسه که مربوط به دو قرن و چند سال پیش - اواخر قرن هجدهم - است. در عرض دوازده، سیزده سال، یک انقلاب مردمی محض، به یک حکومت سلطنتی بسیار خشن - یعنی حکومت ناپلئون - تبدیل شد! چرا؟ چون پای خدا، پای معنویت و مراقبت درونی برای قشرهای مختلف - از پایین تا بالا - در میان نبود! همین‌طور که گفتیم، در آنجا بهاری، تابستانی، خزانی و سرمای سخت زمستانی هست! همه‌چیز تمام می‌شود.

❖ عده‌ای آزادی بیان نیست را آزادانه بیان می‌کنند

در انقلاب اسلامی، یک عده خواستند این‌طور شود؛ یک عده هم می‌خواستند حال که این‌گونه نیست، این‌طور تبلیغ کنند! الآن هم در مطبوعات کشور ما، کسانی می‌نویسند؛ همان کسانی که دائم هم داد می‌زنند که در جمهوری اسلامی، آزادی بیان نیست! ما هم می‌گذاریم آن چیزی را که می‌خواهند، بنویسند، تا خودشان، خودشان را تخطئه کنند! می‌نویسند که آزادی بیان نیست و همین «آزادی بیان نیست» را آزادانه بیان می‌کنند! همه‌ی دنیا به این‌طور نویسندگان و این‌گونه بیانات می‌خندند! «و مکروا و مکر الله»؛ به‌نظام جمهوری اسلامی تهمت می‌زنند، در همان حال گریبان خودشان گرفته می‌شود، خودشان هم ملتفت نیستند، باز هم مرتّب می‌گویند آزادی نیست!

❖ بهار انقلاب تمام شد، یعنی انسان‌سازی تمام شد!

در همین مطبوعاتی که سخن نادرست و تهمت به عزیزترین پدیده‌ی دوران حاضر - یعنی انقلاب اسلامی - را برای خودشان، مباح می‌شمارند و آزادانه بیان می‌کنند، سعی این است که

بگویند «بهار انقلاب تمام شد!»! یعنی چه بهار انقلاب تمام شد؟ یعنی انقلاب از پدید آوردن انسان‌های مخلص، پُرشور، مؤمن، فداکار و ایثارگر، ناتوان است! آیا این طور است؟!

آن انسان، یا با غرض می‌گوید و می‌نویسد، یا واقعاً آن‌گونه خیال می‌کند. اگر مغرض است که محل بحث نیست؛ دشمن ما سعی می‌کند و هزار راه را می‌پیماید، برای این که این انقلاب را از راه صحیح خودش که برای همه‌ی مستکبران عالم، بسیار خطرناک است - خطرناک بود، خطرناک هست و به یاری خدا، خطرناک خواهد بود و خواهد ماند - منحرف کند و تصوّرش هم این است که کارهایی می‌کند!

خوب، از او توقعی هم نیست؛ می‌داند که دروغ می‌نویسد! می‌خواهد این دروغ را بگوید، تا شاید این دروغ در فضای خارج و بیرون از ذهن، واقعیت و تحقّق پیدا کند! این همان حرفی است که من در یکی از دو خطبه‌ی امسال نماز جمعه‌ی تهران، درباره‌ی آن بحث کردم - نقش تبلیغات - تبلیغ می‌کنند، تا آنچه را که می‌خواهند، بشود!

یک وقت شما چیزی را که وجود دارد تبلیغ می‌کنید؛ یک وقت چیزی را تبلیغ می‌کنید تا به وجود آید؛ این از نوع دوم است. می‌گویند شاید بشود! یک وقت هم هست که نه، این انسان - از این نوع آدم‌ها داریم - واقعاً خیال می‌کند که بهار انقلاب تمام شده است!

❖ افراد متزلزل خیال می‌کنند که انقلاب، متزلزل است!

من عرض می‌کنم آن انسانی که این چنین خیالی می‌کند، مشکل در خود او، در درون او و در ایمان او است. خانه‌ی خود او است که پایه‌اش را موریانه خورده و متزلزل است و دیگران را به خود قیاس می‌کند! خیال می‌کند که چون خود او متزلزل است، همه متزلزل‌اند و انقلاب، متزلزل است! خطای او اینجاست؛ اما واقعیت این نیست.

❖ انقلاب اسلامی کارخانه‌ی انسان‌سازی

واقعیت این است که انقلاب اسلامی، یک نیروی انسان‌سازی در خود داشت و دارد که این نیرو در ذات انقلاب است اگر شرایطی - که آن شرایط را هم عرض خواهم کرد - تحقّق پیدا کند، این کارخانه به‌طور دائم، انسان‌سازی می‌کند. اگر آن شرایط تحقّق پیدا کند،

کارخانه به طور دائم، به قدر لازم انسان سازی می کند. اگر آن شرایط تحقق پیدا نکند، این کارخانه بازهم انسان سازی می کند؛ اما کم، نه به قدر لازم! اشکال کار این است که به قدر لازم نیست، والا بازهم کارخانه ی انسان سازی و پردازش آدم های طراز معنویت اسلامی، از این حقیقت والا گرفته نمی شود.

❖ نمونه های انسان سازی در تاریخ اسلام

یعنی شما صد و پنجاه سال بعد از هجرت پیامبر، آن کسی را پیدا می کنید که وقتی امام صادق «علیه السلام» در تنور را برمی دارد و به او می گوید «برو در تنور روشن»، او در تنور روشن می رود، امام هم در تنور را می گذارد! این همان کارخانه ی انسان سازی است؛ ولی چون شرایط، تأمین نیست، تولیدش کم است. تولید دارد و بازهم انسان می سازد.

صد و هفتاد، هشتاد سال بعد از هجرت پیامبر و آن قضایای عجیب و خون دل خوردن های امیرالمؤمنین «علیه السلام» و صلح امام حسن «علیه السلام» و حادثه ی خونین کربلا و خانه نشینی بزرگان، بازهم همین کارخانه، «محمد بن ابی عمیر بزاز» را می سازد که وقتی حکومت ظالم و جائز، او را می برد و زیر سخت ترین شکنجه ها قرار می دهد و می گوید: بگو این ها را از چه کسی گرفتی؟ پول ها را به چه کسی دادی؟ لب باز نمی کند!

قریب هزار و چهارصد سال بعد از هجرت، در این نقطه از عالم، امام بزرگوار و یارانش را می سازد که می توانند از شرایط موجود استفاده کنند و ناگهان یک کاروان به راه افتاده به سمت جهنم را یکجا به سمت بهشت برگردانند و کار را بر صاحبان مادی آن دشوار کنند!

پس کارخانه ی آدم سازی، انسان برجسته پردازی، سلمان سازی و حمزه سازی، از کار بازنمی ماند. لذا شما امروز که نگاه می کنید، جوانان مؤمن، خالص و پُرشور - حتی در میان کسانی که امام را ندیدند، جنگ را ندیدند، شخصاً در دفاع مقدس حضور نداشتند و چیزی از انقلاب یادشان نیست - پیدا می کنید که اگر همین حالا میدان آزمایش باز شود، دروازه ی جهاد و شهادت بر روی پاشنه بچرخد، این ها مثل همان دوران دفاع مقدس خواهند رفت، جان

خود را کف دست خواهند گرفت، پای سخن حق، پای فرمان خدا و عَلمِ سعادت انسان، آن قدر خواهند ایستاد، تا جان خود را تقدیم کنند.

پس خلاصه‌ی سخن تا اینجا این شد: تفکراتی که این انقلاب را به وجود آورد - تفکر اسلام ناب - این عواطف و احساساتی که این بساط عظیم را چید و این توفان عظیم را در دنیای سیاست و انسانیت به وجود آورد، بوستان همیشه بهار است؛ یعنی همیشه گل می‌دهد، همیشه هم میوه می‌دهد و خزان ندارد. کسی سخن از خزان می‌گوید که خودش به دلیلی خزان زده است؛ اشکالی در خود اوست! این حرف اول.

❖ خصوصیات انسان‌سازی مکتب اسلام

اینجا لازم است دو مطلب دیگر عرض شود: یکی این که نکته‌ی اصلی در این تفکر و مبنایی که این خصوصیات را دارد - که این گونه انسان‌های برجسته و بزرگ و فداکار می‌سازد - چیست و چرا این طور است؟ این را مختصر عرض می‌کنم. مطلب بعدی این است که بینیم آن شرایطی که می‌تواند این شکوفایی را به طور مستمر نگهدارد، چیست؟ این یک بحث اساسی و مهم است که من اینجا مختصراً شروع کردم و ان شاء الله در آینده در اجتماعات گوناگون، این را دنبال خواهیم کرد.

این بحث، یکی از آن بحث‌هایی است که نسل جوان مؤمن، لازم است بیشتر با آن آشنا شود، بر آن تعمق کند و اطراف آن را با ذهن و فکر جوال خود بسنجد. این‌ها به عنوان ابزارهای فرهنگی، پشتوانه‌ی اساسی فکر و اندیشه‌ی انقلاب هستند که مثل پولاد، مثل بتون آرمه، بایستی پایه‌های این انقلاب را محکم نگهدارند.

❖ ایمان به غیب راز اصلی انسان‌سازی

حرف اول این که مگر خصوصیت این فکر و این مکتب، چیست؟ خیلی ساده است؛ خصوصیتش، ایمان به غیب است. ایمان به غیب، یعنی فراتر از خوردن و خوابیدن و آشامیدن و لذت بردن روزمره - که یکی دارد، یکی ندارد، یک روز هست و یک روز نیست - بهترین و شیرین‌ترین آن‌هم دوران کوتاهی دارد که بالاخره یک روزی - هنگام مرگ، یا دوران پیری

- همه به حسرت آن خواهند نشست! فراتر از این تمتعات و تلذذات مادی، جهان دیگری، گستره و میدان دیگری، تلذذ و تمتع و بازار دیگر و سود و سودای دیگری برای بشر وجود دارد:

اگر زین خاکدان پست، روزی بربری بینی

که گردون‌ها و گیتی‌هاست ملک آن جهانی را

انسان، بزرگ‌تر از این عرض و طول محدود و این تمتعات کوچک و حقیر است. دروازه‌ای وجود دارد که همه‌ی انسان‌های تاریخ، تاکنون از آن عبور کرده‌اند، جلو چشم ما هم هزار هزار عبور می‌کنند، من و شما هم عبور خواهیم کرد؛ دروازه‌ی اجل، بروبرگرد هم ندارد!

❖ ظلم و کفر نتیجه عدم ایمان به غیب

اجل، یعنی سرآمد؛ سرآمدِ مدّت، پایانِ مدّت. برای هرکسی، مدّتی است؛ بعد از آن که این مدّت به سرآمد، باید از این دروازه عبور کنیم. عده‌ای در دنیا - کوتاه‌بینان - خیال می‌کنند که وقتی این مدّت به سرآمد، همه‌چیز نیست و نابود می‌شود! بدا به حالشان! بیچاره‌ها به چه امیدی زندگی می‌کنند؟! آن کسی که خیال می‌کند بعد از چهل سال، پنجاه سال، شصت سال، هشتاد سال، نیست و نابود خواهد شد - مثل مورچه‌ای که لِه می‌شود و از دنیا می‌رود - بدا به حالش!

انسان با این همه تفکرات، با این همه آرزوها و همت‌ها، با این ذخیره‌ی عظیمی که در وجودش، در فکر و در آرزو و در اندیشه و احساسات و عواطفش وجود دارد، همه‌چیزش مثل مورچه‌ای تمام می‌شود و می‌رود؟! مثل قطره‌ی آبی تمام می‌شود، به خاک فرومی‌ریزد، یا بخار می‌شود و می‌رود؟! کسی که این طور خیال می‌کند، اولاً بی‌امید و مأیوسانه زندگی می‌کند. ثانیاً نتیجه‌ی این فکر، همان چیزی است که شما امروز در زندگی مادی غربی مشاهده می‌کنید؛ آدمکشی ارزان، جنایت آسان و پا گذاشتن روی حقوق دیگران، معمولی و عادی است. کتمان حق در بده بستان‌های معمولی، کار رایج است!

زندگی آنها همین است که در فیلم‌های غربی ملاحظه می‌کنید. درست است که این فیلم‌های غربی، فیلم است، داستان و قصه است؛ اما هیچ قصه و داستانی نیست که حکایت از واقعیتی نکند. زندگی شان همین است! آدم کشی برایشان مثل آب خوردن و جنایت برایشان آسان‌ترین کارهاست! فحشا و لذایذ مادی و خوراک - شکم پر کردن - برایشان جزو هدف‌های عالی و زندگی روزمره‌ی آنهاست! نمی‌گویم همه‌ی آنها این‌طورند؛ اما وجه غالب زندگی مادی این است.

در محدوده‌ی اجتماعی هم، استعمار و استکبار وجود دارد. از آن طرف دنیا، یک پرتغالی بلند می‌شود، اینجا می‌آید و این لبه‌ی تنگه‌ی هرمز را می‌پسندد! می‌بیند جای خوبی است؛ دیگر فکر این را نمی‌کند که اینجا اهلی دارد، مالکی و صاحبی دارد، حقّی وجود دارد و لازم است اجازه‌ای گرفته شود! همین‌جا علمش را می‌کوبد و می‌ماند! اگر یک شاه‌عباس صفوی پیدا شد، آمد و گوشش را گرفت و دور انداخت، خوب، کرده است، والا خواهد ماند؛ همچنان که در آفریقا و در آمریکای لاتین ماندند، همچنان که انگلیسی‌ها در هندوستان و در هر نقطه‌ای از دنیا که توانستند، ماندند. حتّی وقتی یک ملت هم در مقابل موفقیت استکبار قرار گیرد، آن ملت را راحت ناکام می‌کند؛ برایش اهمیتی ندارد!

بدیهی است وقتی که زندگی در چارچوب همین دنیای مادی محدود می‌شود، نتیجه‌ی طبیعی‌اش همین است؛ چرا ظلم نکند؟! چرا حتّی عواطف و احساسات خودش را به نفع لذایذ خودش سرکوب نکند؟ که راحت می‌کنند! این، آن زندگی مادی است. در آن گونه تفکّر و آن‌طور زندگی، حیات هر کسی محدود به وجود خودش است.

فرعون لذّت می‌برد، حکومت می‌کند، قدرت دارد، ظلم و جور و کفر و طغیان می‌کند؛ همه چیز کامل، اما تا کی؟ تا لحظه‌ای که در آب دریا - پشت سر موسی - غرق نشده است! وقتی غرق شد، همه چیز تمام و قضیه‌ی فرعون هم تمام شد!

رضاخان پهلوی و محمدرضا - پسرش - همه‌ی تمتعات زندگی و همه‌ی لذایذ را برای خودشان تأمین می‌کنند؛ راه‌های خائنانه و کارهای جنایت کارانه انجام می‌دهند؛ اما آنچه که

آنها می خواهند و می پسندند، آنچه که آنها انجام می دهند و فکر می کنند، محدود به دوران حیات خودشان است! او سوار کشتی شد و از ایران رفت؛ دیگر رفت و تمام شد! این یکی وقتی به آن گوشه‌ی دنیا رفت و سر به زمین گذاشت و نابود شد، آنچه که به او مربوط بود، نابود شد؛ چون مربوط به شخص او بود، مال ماده بود، ماده هم همین چند سالی است که انسان عمر می کند!

❖ فکر ماورای ماده نابود شدنی نیست

اما کسی که گستره‌ی حیات را فراتر از مادیات می داند، آن وقت لذایزش فراتر از لذایذ حقیر، آرزوهایش بالاتر از آرزوهای فردی، همت‌ها بلندتر، تصمیم‌ها بلند مدت تر و محبوب‌ها و مطلوب‌ها بزرگ ترند؛ محدود به یک کار کوچک شخصی نمی شوند و زمان هم طولانی تر است. یعنی آن کسانی که - مثلاً - با رضاخان و محمدرضا، در همین دوران نزدیک به خودمان مبارزه می کردند و از دنیا رفتند، فکرشان باقی است؛ کما این که فکر پیامبران باقی است. حضرت عیسی، یا حضرت موسی، یا بقیه‌ی پیامبران، چند سالی با مردم بودند؛ آن یکی به آسمان رفت و بقیه - اغلب - از دنیا رفتند؛ اما ماجرایشان تمام نشد. هر کسی که در دنیا آن فکر را بپذیرد و برای آن کار کند و موفقیتی کسب نماید، باوجود او صاحب آن فکر وجود دارد؛ با حیات او زنده و با موفقیت او پیروز است.

وقتی در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی، انقلاب اسلامی در ایران پیروز شد، معنایش این است که نبی مکرم اسلام و همه‌ی یاران و اصحابش و همه‌ی کسانی که وجودشان بانام مبارک «محمد بن عبدالله» پیوند خورده بود، همه در این دوران زنده شدند! همه حضور دارند؛ چون فکر آنها حضور دارد. ماورای ماده، این خصوصیت را دارد. عشق به چیزی که فراتر از چارچوب‌های حقیر مادی است، خصوصیتش این است که کهنه، پژمرده و تمام نمی شود. راز اصلی آن، ایمان به غیب است!

❖ ایمان مذهبی و دینی قابل خدشه نیست

لذا شما نگاه کنید، با این که مسئله‌ی «ایمان به غیب»، مسئله‌ی سیاسی نیست، حتی در

دوران سیاست و در ماجراهای سیاسی - در این نوزده سال بعد از پیروزی انقلاب تابه حال - بیشترین دشمنی با همین «ایمان به غیب» ملت ایران شده است! مسخره کردند، اشکال و خدشه کردند و به خیال خودشان خواستند پایه‌ی این «ایمان به غیب» را بزنند؛ اما ایمان است و ایمان در یک ملت، عمیق است. ایمان مذهبی و دینی، به این آسانی‌ها قابل تکان خوردن نیست. خودشان را خسته می‌کنند.

✧ ارتباط معنوی و شکوفه‌های معنوی جوان ایرانی

حال برمی‌دارند و می‌نویسند: چرا به جوانان می‌گویید که دعا و قرآن و تهجد و نافله و توسل و تضرع داشته باشند! پس نگوئیم؟! جوان را به معنویت، به عشق حقیقی و به ارتباط با محبوب حقیقی فرا نخوانیم؟! جوان را که در او چشمه‌های معنویت و روحانیت می‌جوشد، تشویق نکنیم به این که دل پاک و نورانی خود را با صحیفه و خورشید معنوی روبه‌رو کند؟! چرا؛ اگر به اسم ورزش، به اسم کار هنری و کار توریستی و کار سیاسی، جوانان را به میدان‌هایی بکشانند - که امروز جوانان بیشتر کشورهای دنیا تا گلو در مرداب‌های آن فرو رفته‌اند - آنها ایراد نمی‌کنند؛ اما اگر گفته شود که جوانان ما در ایام اعتکاف، به مساجد می‌روند و اعتکاف می‌کنند - آفرین بر این جوانان - اعتراض می‌کنند که چرا جوانان را به این کار تشویق می‌کنید؟! این انعکاس همان خواست خائنانه‌ی دشمن است. می‌خواهند رابطه‌ی معنوی و غیبی را از جوان بگیرند که البته نمی‌توانند.

من در تشییع جنازه‌ی مرحوم آیت‌الله اراکی رضوان‌الله‌علیه در تهران - که یک تشییع میلیونی بود - شرکت کردم؛ جوانان هجده، نوزده، بیست‌ساله را دیدم که مثل ابر بهاری گریه می‌کردند، درحالی که مرحوم آیت‌الله اراکی، فقط دو سه سال برای ملت ایران مطرح شد! ملت ایران که آیت‌الله اراکی را نمی‌شناختند! البته ما می‌شناختیم، علما می‌شناختند؛ لیکن آحاد ملت که ایشان را نمی‌شناختند. ایشان دو سه سال مرجع عام شدند؛ جوانان از ایشان تقلید کردند و دیدند که چه مرد نورانی و چه عنصر پاکیزه و طیب و طاهری است! از خدا صد و سه سال عمر گرفته است - با طهارت و تقوا - بعد هم از دنیا رفت.

در صحبتی - در ظاهر، خطاب به آن جوان و در باطن، خطاب به آن دل‌های سیاه و تاریکی که نمی‌توانند جوان انقلاب را بشناسند - گفتم: «ای جوان عزیز! تو چرا گریه می‌کنی؟ آیت‌الله اراکی بحمدالله صدوسه سال عمر بابرکت از خدا گرفت و از دنیا رفت؛ چه چیزی اشک تو را می‌ریزد؟!»

آری؛ این همان ارتباط معنوی و شکوفه‌های معنوی است که به‌طور دائم از این درخت همیشه‌بهار، جوانه می‌زند، می‌شکفتد، می‌وزد و فضا را معطر می‌کند! به کوری چشم کسانی که نمی‌خواهند ببینند، ملت ایران یک ملت معنوی و جوان ایران یک جوان دینی و پایمند به معنویت است! «ایمان به غیب» این است.

❖ از یادِ بامعرفت خدا غافل نشوید

عزیزان من؛ جوانان و فرزندان من، ای دل‌های نورانی، کسانی که در همه‌ی عالم، جوانانی به پاکی، به طهارت، به صفا، به صدق و به روشن‌بینی شما وجود ندارد! ارتباط معنوی و ارتباط باخدا را قدر بدانید. هر کس و هر جا هستید - در دانشگاه، در پایگاه بسیج، در مدرسه، در خانه و در مدرسه‌ی علوم دینی - خدا و رابطه‌ی باخدا را فراموش نکنید. این صفحه‌ی دلتان را با نور فیوضات الهی و یاد خدا روبه‌رو کنید. اساس همه‌چیز، یاد خداست. بیچاره کسانی که از یاد خدا غافل می‌شوند! نسیان و غفلت - غافل شدن از خدا - بزرگ‌ترین بلایی است که بر سر انسان می‌آید. «یاد» که باشد، گناه می‌گریزد. «یاد» که باشد، دل با طراوت می‌ماند و صفحه‌ی دل نورانی و شفاف شما، مقابل خورشید ذات مقدس ربوبی قرار می‌گیرد؛ مثل آینه‌ای که مقابل خورشید نگهدارید، می‌بینید که چطور می‌درخشد! البته یادِ بامعرفت. سعی کنید معرفتان را عمیق کنید. اگر دعای کامل می‌خوانید، حتماً سعی کنید که آن را بفهمید و معنایش را درک کنید. این دعا، سخن یک انسان بسیار عظیم - یعنی علی‌بن‌ابی‌طالب «علیه‌السلام» - باخداست! ببینید این انسان بزرگ، باخدا که حرف می‌زند، چگونه حرف می‌زند! اگر توانستید و فرصت پیدا کردید - ان‌شاءالله پیدا کنید - و حالش را داشتید - ان‌شاءالله داشته باشید - دعا‌های صحیفه‌ی سجادیه را بخوانید؛ ببینید امام سجاد «علیه‌السلام»، چگونه باخدا حرف می‌زند!

❖ تعمق و تدبّر در دعا

آیا دلتان نمی‌خواست که ببینید وقتی - مثلاً - امام دعا می‌کند، به خدا چه می‌گویید؟ دل انسان می‌خواست! خوب؛ امیرالمؤمنین «علیه‌السلام» - که امام، خاک پای او بود و افتخار می‌کرد - با خدا حرف زده، دعا کرده و این‌گونه حرف زده است - دعای کمیل! البته دعای کمیل و دعاهاى دیگر هم از یک جهت، شبیه قرآن است - نمی‌گوییم قرآن است؛ قرآن، همان قرآنى است که می‌شناسید، یک کلمه کم‌وزیاد نیست - از این جهت شبیه قرآن است که احتیاج به تدبّر دارد؛ یعنی اگر سرسری بخوانید، ولو معنایش را هم بفهمید، خیلی چیزى دستتان را نمی‌گیرد! باید تعمق و تدبّر کنید، باریک شوید و فکر کنید.

«قَوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي، وَاشْدُدْ عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي وَ هَبْ لِي الْجَدَّ فِي خَشْيَتِكَ»؛ خدایا در خشیت خودت، به من حالت جدّ عنایت کن. در خشیت از تو جدّی باشم، در یمناکی در مقابل عظمت تو - که به آن، خشیت می‌گویند - جدّی باشم. خوب، فکر کنید ببینید جدّی بودن چگونه است؟ طبیعی است که این رابطه‌ها، همان «ایمان به غیب» را تقویت می‌کند و تا موقعی که این حالت‌ها باشد، این بوستان همیشه‌بهار است. متأسفانه گناهان، شهوات و آلودگی‌ها، این را از انسان می‌گیرد!

❖ انسان‌سازی، در ظلّ حکومت الهی

یک مطلب دیگر را هم عرض کنم و آن این است که این انسان‌سازی، در ظلّ حکومت الهی است. اگر قدرت و حکومت و زمام جامعه در دست کسانی است که خودشان با همه‌ی وجود، به این راه اعتقاد دارند، آن وقت این کارخانه‌ی انسان‌سازی، کار خود را با تمام ظرفیت انجام می‌دهد - مثل دوران نبی اکرم و دوران امیرالمؤمنین - ولی اگر حکومت، در دست بیگانگان، دست نامحرمان و دست کسانی باشد که اعتقادی در دل خودشان ندارند، آن وقت کار می‌کنند، ولی کم و ناقص! لذا اسلام، هزار و چهارصد سال در غربت می‌ماند، هزار و چهارصد سال در مظلومیت می‌ماند! این که امام می‌فرمود: «حفظ نظام از همه‌ی واجبات بالاتر است» یعنی این. این که امر به معروف، پایه‌ی اساسی نظام است، یعنی این. این که

امیرالمؤمنین «علیه السلام» در همه‌ی دوران‌های گوناگون زندگی خود - در هر دوره به همان نحوی که ایجاب می‌کرده است - سعی می‌کرد تا نظام اسلامی را حفظ کند، به خاطر این است. امیرالمؤمنین «علیه السلام»، چهار دوران مشخص دارد: اول، دوره‌ی قبل از هجرت پیامبر - دوره‌ی غربت اسلام - دوم، دوره‌ی حاکمیت اسلام که دوره‌ی حیات مبارک نبی اکرم است. سوم، دوره‌ی کنار گذاشتن حضرت از آن مسؤولیت الهی. چهارم، دوره‌ی چندساله‌ی به دست گرفتن زمام مسؤولیت. هر وقت به نحوی، هر طور که اقتضا داشته است، سعی در حفظ نظام داشت؛ که این‌ها شاخصه‌های زندگی امیرالمؤمنین «علیه السلام» است. چون حاکمیت حق و حاکمیت و قدرت اسلام، شرط اصلی است برای این که این انسان‌ها به وجود آیند، که بحمدالله امروز این حاصل است.

❖ امریکا با تمام امکانات و همه‌ی عقبه‌ی فرهنگی هم هیچ غلطی نمی‌تواند بکند

امریکا هم هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. تمام امکانات دشمن، با همه‌ی عقبه‌ی فرهنگی آن‌هم نمی‌تواند کاری بکند! می‌دانید عقبه‌ی فرهنگی دشمن تا کجاست؟ مجلات، روزنامه‌ها، رادیوها، ماهواره‌ها، تشکیلات عظیم، کتاب نویسی‌ها، مزدورهای قلم‌به‌دست و قلم به‌مزد، همه عقبه‌ی فرهنگی استکبارند! همه‌ی این‌ها باهم، به‌اضافه‌ی محاصره‌ی اقتصادی، تهدید سیاسی و اتهامات گوناگون، به‌اضافه‌ی آدم‌های حقیر پستی که در داخل کشور، طبق اشاره‌ی دست آنها حرکت می‌کنند و می‌چرخند، همه و همه کوچکتر از آنند که بتوانند در این بنای استواری که با عواطف و احساسات و افکار و با دفاع بهترین نسل‌های تاریخ ایران - یعنی همین نسل شما - پدید آمده است، اندک تزلزلی ایجاد کنند! تا وقتی که ان‌شاءالله این بنا مستقر است و مستقر خواهد بود، به فضل پروردگار و به لطف دل‌های پاک و آماده و روح‌های متوجّه به خدا در میان انسان‌های مؤمن در هر نقطه‌ای از نقاط کشور - که الحمدلله خیل عظیمی از مردم هم این‌طورند و متن ملت، علاقه و دل به این سمت دارد - همه‌ی امیدها به روی این ملت، لبخند می‌زند. مشکلات و کمبودها زیاد است. راه، دشوار و درجاهایی سنگلاخ است؛ اما راه و جاده هست. باید رفت و رفتن ممکن است؛ اگرچه دشوار باشد. به



فضل پروردگار، تا جان در بدنِ رَوَدگان این راه است، هیچ نیرویی نمی‌تواند از پیمودن راه اسلام در این کشور - که راه سعادت و رفاه و آزادی و آبادی این کشور و این ملت است - جلوگیری کند.

❖ انگیزه‌های الهی را حفظ کنید

انگیزه‌هایتان را که همان انگیزه‌ی الهی است، حفظ کنید. افکارتان را عمق دهید. ارتباطات محبت‌آمیز و برادرانه و صمیمانه را میان آحاد ملت، تا آنجا که در توان شماست، مستحکم کنید. هوشیاری را زیاد کنید. استقرار و ثبات جامعه را حفظ کنید. در راه هدف‌ها و سیاست‌های اعلام‌شده‌ی کشور، در هر جا که هستید، تلاش کنید. انضباط و نظم اجتماعی را پاسداری کنید. نیروی مؤمن و حزب‌اللهی کشور، باید پرچم انضباط اجتماعی، پرچم رعایت حدود و موازین و پرچم همه‌ی ارزش‌ها را در دست داشته باشد. با فقر هم شما باید مبارزه کنید. با بی‌عدالتی هم شما باید مبارزه کنید. با فساد و فحشا هم شما باید مبارزه کنید. با بی‌قانونی و بی‌نظمی هم شما باید مبارزه کنید. آن‌وقت این مبارزه، یک مبارزه‌ی منطقی، صحیح، منضبط، قابل فهم و قابل انتقال می‌شود. هر کس که نگاه کند، آن را فرامی‌گیرد.

من - همان‌طور که در دیدار عمومی هم گفتم - هرچه که نگاه می‌کنم، به فضل پروردگار، آفاق را روشن و پاک و صاف می‌بینم. خدا را شکر می‌کنیم که امام عزیز را که یک حکیم معنوی بود، به ما داد. خیلی چیزها را این بزرگوار دید، فهمید و به ما آموخت. راه، روشن است، افق‌ها هم روشن است، دشمن هم خیلی تلاش می‌کند؛ اما تلاش بی‌فایده! پیروزی، متعلق به شما، متعلق به ملت ایران، متعلق به اسلام و متعلق به حق است. البته گفتیم، راه سعادت این ملت، راه آسفالت نیست؛ تلاش سنگین لازم دارد. آن کسانی که صبرشان زود تمام می‌شود، آن کسانی که زود به فکر بهره‌برداری از موجودی می‌افتند، آن کسانی که سرمایه‌گذاری فراموششان می‌شود، آن کسانی که شکاف کوه را با مشاهده‌ی پیروزی عمده‌ی قوا، رها می‌کنند و از دشمن کمین کرده، غافل می‌شوند و برای جمع غنائم، مأموریت خودشان را از دست می‌دهند، این‌ها بد می‌کنند، اشتباه می‌کنند!

❖ استقامت و ایستادگی

استقامت، شرط اصلی است. ایستادگی و راه را طولانی دیدن - اگرچه موفقیت آمیز - لازم است. اگر شما برای راهی که باید یک شبانه روز طی کنید، همت دو ساعت راه را با خودتان برداشتید و وارد این راه شدید، از کار خواهید ماند! باید با همت بیست و چهار ساعت راه، حرکت کنید، راه را طولانی ببینید. البته راه، بن بست نیست، راهی است که موفقیت در آن حتمی است؛ اما حتمی بودن موفقیت، معنایش این نیست که راه را کوتاه بینیم، بی صبری کنیم، پا به زمین بکوبیم و از جمع و از اهدافِ والا، به نفع شخص خودمان غفلت کنیم! این کسانی که مشغول جمع کردن می شوند و سر در آخور شخصی می کنند، در اشتباه اند. به خودشان ضربه می زنند، به جمع هم ضربه می زنند!

خوشبختانه امروز جوانان مؤمن، مردم مؤمن، زن و مرد مؤمن در همه جا، با همان دید بصیر، فراوان اند - کم نیستند - و دلِ متنِ ملت هم در این جهت و در این سمت است. بنابراین پیروزی، متعلق به شما و متعلق به این ملت است و دشمن طُرفی نخواهد بست!

پروردگارا! قلب مقدس ولیعصر را از این جمع و از جمع حزب الله سراسر کشور راضی و خشنود کن. دعای آن بزرگوار را شامل حالشان قرار بده. روح مطهر شهدا و روح مطهر امام را از همه ی ما راضی و خشنود گردان.

پروردگارا! ما را در راه خودت زنده بدار و در راه خودت بمیران. مرگ ما را جز به شهادت در راه خودت قرار مده.

پروردگارا! به حقّ محمد و آل محمد، کسانی را که در این راه تلاش و کوشش کردند،

بیانات پیام به پانجمین گروه‌های بسیج دانشجویی ۱۴/۷/۱۳۷۷

۱. بسیج دانشجویی ارزنده‌ترین یادگار امام راحل

۲. بسیج مدرسه‌ی عشق

۳. ماهیت دانشجوی بسیجی

۴. حقیقت تفکر بسیجی

بسم الله الرحمن الرحيم

❖ بسیج دانشجویی ارزنده‌ترین یادگار امام راحل

عزیزان، بسیج دانشجویی یکی از ارزنده‌ترین یادگارهای امام راحل بزرگوار ما است. آن روزی که آن حکیم فرزانه، یکی از ضروری‌ترین تشکلهای بسیج دانشجویی و طلبه اعلام کرد، کمتر کسی به اهمیت حضور این مجموعه‌ی ارزشمند در دانشگاه کشور واقف بود، و امروز که دانشگاه و همه‌ی عرصه‌های زندگی، صحنه‌ی زورآزمایی فرهنگی - سیاسی - تبلیغاتی استکبار و صهیونیسم با انقلاب و نظام اسلامی است، روشن‌بینی امام بزرگوار ما از همیشه آشکارتر گردیده است.

❖ بسیج مدرسه‌ی عشق

در صحنه‌ای که دشمن با ابزار فرهنگی و تکیه بر سلاح تبلیغ، مزورانه به میدان می‌آید، چه کسی شایسته‌تر از دانشجوی و طلبه است که در صفوف مقدم این دفاع مقدس قرار بگیرد و با تکیه بر ایمان صادقانه و منطق قوی و عمل صالح خود، دشمن را مغلوب و رسوا کند. آری، بسیج مدرسه‌ی عشق است، و در همه‌ی میدان‌های دشوار، فقط حضور عاشقانه و مخلصانه است که می‌تواند پرچم حق و عدل و راستی و ایمان را به اهتزاز درآورد و جنود شیطان را منهدم سازد.

❖ ماهیت دانشجوی بسیجی

دانشجوی بسیجی، آن عنصر نورانی و پاک‌نهادی است که در حال فراگرفتن دانش و آماده‌سازی علمی و فکری خود برای شرکت در پیشرفت مادی ملت و کشورش، چراغ ایمان

و هدایت را نیز در دل خود و در محیط دانشگاه فروزان می‌کند و فضا را با صلاح و صفا و نورانیت خود نورانی می‌سازد. دانشجوی بسیجی کسی است که دشمن کمین‌گرفته را از یاد نمی‌برد و غافلانه، خود و دانشگاه و کشورش را به دست تجاوز دشمن نمی‌سپرد. دانشجوی بسیجی، جوانی خود را مغتنم می‌شمرد و از لحظه‌های گران‌بهای آن برای خودسازی علمی و فکری و روحی بهره می‌گیرد. دانشجوی بسیجی، پیکار فرهنگی و فکری و عقلانی را نیز مانند حضور در میدان‌های جنگ، با تکیه بر هوشمندی و تلاش و توکل به‌پیش می‌برد و خود را در همه حال، سرباز اسلام و انقلاب و فرزند خمینی کبیر می‌شمرد. بسیج دانشجویی در عین آن‌که یک تشکل نظم یافته و برخوردار از سازماندهی است، نه در جناح‌های سیاسی، هضم و حل می‌شود و نه خود را رقیب سازمان‌های دانشجویی متعارف می‌شمرد. هر دانشجویی با هر سلیقه‌ی سیاسی، اگر پایبند به ارزش‌های انقلاب و آماده‌ی حضور در عرصه‌ی مبارزه‌ی فرهنگی و سیاسی با استکبار و ایادی آشکار و نقاب‌دار آن است، می‌تواند در خیل بسیجیان دانشگاه و عضوی از بسیج دانشجویی باشد.

❖ حقیقت تفکر بسیجی

عزیزان، سلاح شما ایمان صادقانه و منطق مستحکم و عزم پولادین است. نباید تصور کرد که بسیج دانشجویی حتی در دورانی که کشور در حال جنگ مسلحانه نیست، یک مجموعه‌ی نظامی است. سازمان بسیج در دوران حاضر باید کانون رشد و اشاعه‌ی تفکر بسیجی باشد. و تفکر بسیجی ترکیبی است از ایمان عمیق، تلاش مخلصانه، هشیاری در شناخت دشمن، گذشت و ایثار در برابر دوست، و ایستادگی و مقاومت شجاعانه و خستگی‌ناپذیر ... و این است آن حقیقت والایی که امام بزرگوار ما به خاطر آن، بسیجی بودن را افتخار خود می‌دانست.

امروز دانشگاه، بیش از همیشه به بسیج دانشجویی و بسیج دانشجویان در صراط مستقیم انقلاب نیازمند است، و تشکل بسیج دانشجویی، بیش از همیشه به خودسازی و هوشمندی و پایداری.

امید است همگی، مشمول تفضلات الهی و منظور نظر حضرت بقیة‌الله (ارواح‌افاده) باشید.

بیانات در جمع سپاهیان و بسیجیان لشکر ۱۰ سیدالشهدا ۲۶/۷/۱۳۷۷

۱. شما مثل فرزند من هستید
۲. فهم مسئله‌ی نفاق در پرتو آیات قرآن
۳. جریان تاریخی نفاق
۴. توهم نفاق
۵. استفاده‌ی بهترین از معارف الهی و قرآنی
۶. منافق دشمن نقاب‌دار
۷. مفهوم نفاق در قرآن
۸. ماهیت گروه منافقین در ایران
۹. سه دسته منافق از نگاه قرآن
۱۰. دسته اول از منافقین
۱۱. مظلومیت و استقامت مؤمنین
۱۲. سخن حق کارگراست
۱۳. پیامبر اکرم تکیه‌گاه مسلمانان
۱۴. دعوت پیامبر به مدینه
۱۵. تحت تأثیر قرار گرفتن مردم مدینه با ورود پیامبر
۱۶. همان اول همه یک نوع ایمانی آوردند اما قوی نبود
۱۷. ایمان کسانی که مستحکم نبود
۱۸. بی‌ایمان‌های باطنی، منافق شدند
۱۹. مخالفین پیامبر
۲۰. زاویه‌ی انحراف به تدریج وسیع‌تر می‌شود
۲۱. دسته‌ی دوم از منافقین
۲۲. کاری کردند که خدا در دل‌های آنها نفاق را به وجود آورد
۲۳. مراقبت معنوی نشد ایمان از دست می‌رود
۲۴. مراقبت، همان تقواست
۲۵. جریان دوم نفاق جریان مستمری بود

۲۶. دسته‌ی سوم از منافقین
۲۷. مشکل نفاق
۲۸. منافق در دوران صدر اسلام، قابل شناسایی نبود
۲۹. شاخص شناخت نفاق در جامعه امروزی
۳۰. مقابله بانفوذ عامل دشمنی
۳۱. ایستادگی راسخ سپاه مقابل موج سلطه دشمن
۳۲. «مورد سوءظن قرار می‌گیرد»، یعنی چه؟
۳۳. نفاق، عامل حادثه‌ی کربلا
۳۴. همراهی با دشمن، معیاری مهم برای شناخت نفاق
۳۵. برخورد هوشمندانه با پدیده‌ی نفاق
۳۶. پدیده‌ی نفاق، پدیده‌ای خطرناک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلّاة و السّلام على سيّدنا و نبينا ابى القاسم محمّد و على
اله الأطيبين الأطهرين المنتجبين سيّما بقيّة الله فى الارضين.

❖ شما مثل فرزند من هستید

درواقع این که من عرض کردم به برادران که صحبتی با جمع اعضای این لشکر و فرماندهان و مسئولان و بقیه ی کسانی که جزو این لشکرنده، داشته باشیم، حقیقت قضیه این است که بخش مهمی بهانه است برای این که ما یک جلسه ی صمیمی و برکنار از تشریفات نظامی و این چیزها با شما جوانان عزیز و چهره های نورانی داشته باشیم و من آنچه را که به ذهنم می رسد، با شما که مثل فرزند من هستید و حقیقتاً بنده یک علقه ی عاطفی و معنوی را با امثال شما جوانان دارم، در میان بگذارم - مثل آن لشکر حضرت رسول که آنجا هم چنین جلسه ای داشتیم - فکر کردم بحثی درباره ی مسئله ی نفاق مطرح کنم که یک بحث قرآنی و تاریخی باهم است

❖ فهم مسئله ی نفاق در پرتو آیات قرآن

هم این مفهوم نفاق و منافق و دیگر چیزهایی که به این مربوط می شود، در سرتاسر قرآن، در سوره ی متعددی منتشر است و فهمیدن این معنا به فهم بسیاری از آیات، کمک می کند؛ این از یک طرف، از طرف دیگر فهم مسئله ی نفاق و آنچه را که منافقین دنبال می کردند و می خواستند و می کردند، اگر این ها را در پرتو آیات قرآن بفهمیم، به فهم تاریخ اسلام کمک

می‌کند؛ یعنی انسان می‌تواند صدر اسلام و دوره‌ی نبی اکرم و دوره‌های بعد از نبی اکرم را با بصیرت بیشتری بشناسد. این جهت دوم. جهت سوم هم این است که قضایای تاریخی از این قبیل، قضایای یک بُرهه‌ی خاص از تاریخ نیست.

رگ رگ است این آب شیرین و آب شور پر خلاق می‌رود تا نفخ صور

❖ جریان تاریخی نفاق

جریان کفر، جریان ایمان، جریان نفاق و انسان‌هایی که در قرآن به «فی قلوبهم مرض» تعبیر شده است، جریان‌های ویژه‌ای نیستند که در صدر اسلام به وجود آمده باشند، قبل از آن نباشند و بعد از آن هم نباشد؛ این جور نیست، همه‌ی زمان‌ها، از جمله در زمان ما هستند.

پس بایستی هدایت قرآنی و نور قرآن را در این مورد شناخت و از آن استفاده کرد؛ لذا به نظرم رسید بحث مهمی است. البته بحث بسیار مفصلی است و امکان ندارد که من بتوانم این بحث را در اینجا به طور مستوفی مطرح کنم. البته دیشب که قدری صرف وقت کردم تا بعضی از مطالب و آیات را جمع و جو کنم و یادداشت‌هایی هم فراهم کردم، دیدم گوشه‌ی کوچکی از بحث خواهد شد. من مقداری در این زمینه صحبت می‌کنم، اگر فرصتی و عمری بود و مقدر بود، دنباله‌ی این بحث را یک جای دیگر در جمعی از قبیل شما مطرح خواهم کرد؛ و اگر مقدر نبود که من دنبال بکنم، دیگران باید دنبال بکنند، چون بحث بسیار مهمی است و آیات زیادی هم دارد.

❖ توهّم نفاق

اولاً من این نکته را عرض بکنم، ما که مسئله‌ی نفاق را مطرح می‌کنیم و راجع به منافق و منافقین حرف می‌زنیم، منظورمان این نیست که هرکسی فوراً در ذهنش این معنا بیاید که مبدا فلانی منافق باشد، مبدا فلان کس‌ها منافق باشند؛ مرتب با توهّم نفاق، افرادی را از دایره‌ی مؤمنین خارج کنند. این اصلاً مراد نیست و نباید هم این کار بشود.

❖ استفاده‌ی بهترین از معارف الهی و قرآنی

متوجه باشید که از هر معرفتی از معارف الهی و قرآنی استفاده‌ی بهترین بشود. استفاده‌ی

بهترین این است که اولاً انسان، خود را مصونیت ببخشد؛ چون هر علمی و اطلاعی مصونیتی به انسان می‌دهد، آن هم علمی که از قرآن گرفته شده و معارف نورانی قرآنی باشد. ثانیاً جامعه‌ای مثل جامعه‌ی ما که در یکی از پرنشاط‌ترین ادوار خود زندگی می‌کند. در جامعه‌ی ما خمودگی، یأس و ترس از دشمن نیست؛ این‌ها امتیازات خیلی مهمی است.

خیلی از جوامع هستند که حال ایستادن برای منافع خودشان را ندارند، بعضی هم اگر حالش را داشته باشند، امید این را ندارند که به پیروزی برسند - به خاطر تجربه‌های گذشته مأیوس‌اند - اگر احیاناً امیدی هم داشته باشند، از دشمنی‌ها و دشمن‌ها هم می‌ترسند.

در جامعه‌ی ما هیچ‌یک از این آفت‌ها نیست؛ مردم ما از امریکا نمی‌ترسند، از مجموع امریکا و شوروی هم که یک روز بودند، نمی‌ترسیدند؛ از دریای دشمن نمی‌ترسند، ناامید هم نیستند. چون این ملت در سخت‌ترین اوضاع - یعنی در دوره‌ی پادشاهان، آن‌هم در بدترین دوره‌های پادشاهی که دوره‌ی پنجاه‌ساله‌ی قبل از انقلاب اسلامی است؛ دوره‌ی پهلوی، دوره‌ی سیاه، اختناق، استبداد، دوره‌ی دروغ، فریب و وابستگی به بیگانه، دوره‌ی نفوذ تحقیرآمیز بیگانه‌ها - تجربه کرده است.

❖ منافق دشمن نقابدار

این ملت در چنین دوره‌ی سیاه و ننگینی توانست حصارها را بشکند، خورشید را فروزان کند و چنین عظمتی را برای خودش به وجود بیاورد. بنابراین تجربه‌ی ما به ما امید می‌بخشد. در ملتی با چنین شرایطی باید هوشیاری وجود داشته باشد - هوشیاری در مقابل دشمن‌های گوناگون - و بدترین دشمن‌ها آن دشمنی است که پوشیده و نقابدار است؛ دشمنی او معلوم نیست - یعنی از جمله منافق - بنابراین از این جهت هم فهم مسئله‌ی نفاق و منافق، مهم است.

چون من در ذهنم وقت محدودی را برای این کار من گذاشته‌ام، برای این که از این وقت استفاده کنیم، نکاتی را در باب این مسئله عرض می‌کنم، تا اگر یک‌وقتی شد، آن مسئله را به شکل جمع‌بندی شده و کامل عرض خواهم کرد.

❖ مفهوم نفاق در قرآن

یک نکته راجع به مفهوم نفاق است. نفاق، آن چنان که در قرآن به روشنی درمی آید - در اصطلاح قرآنی - عبارت است از این که کسی یا جماعتی، یک فکری، راهی و جهت گیری را داشته باشند و خلاف آن را به مؤمنین ابراز کنند؛ این نفاق است. مؤمن نباشند و وانمود کنند که مؤمن اند. در راه خدا نباشند و وانمود کنند که در راه خدایند - دروغ بگویند - پنهان کردن یک ضلالت و تاریکی و نشان دادن چیزی برخلاف آن، که در آنها نیست. این معنای نفاق در قرآن است.

لذا در اول سوره ی بقره که ملاحظه می کنید، مردم را سه فصل می کند؛ یک فصل، مؤمنین اند که از آنها تعبیر به «متقین» شده است، یک فصل کافری اند و یک فصل، منافقین اند. و عجیب این است که در اول سوره ی بقره درباره ی مؤمنین چهار آیه، درباره ی کفار، دو آیه و درباره ی منافقین، بیش از ده آیه، مطلب ذکر می شود. این به خاطر آن است که پرداختن به قضیه ی منافقین برای مؤمنین در آن روز، اهمی ات بیشتری داشته است.

چرا؟ چون دشمن پوشیده، نقاب دار و دارای شیوه های غیرقابل فهم - در این نگاه اول - بودند. وقتی که دشمن، عریان پیش شما آمد و شما فهمیدید که دشمن است، رفتار خودتان را با او تنظیم می کنید؛ اما وقتی خود را پوشیده کرد و شما نفهمیدید که او دشمن است، رفتاری بر اساس یک دشمن با او تنظیم نمی کنید، لذا او می تواند از فرصت استفاده کند و ضربه بزند. استفاده کند و ضربه بزند. این نقطه ی مهمی است که موجب شده است در قرآن به مسئله ی نفاق، پرداخته بشود. پس معنای منافق یعنی این؛ کسانی که ادعای ایمان می کنند، لیکن در باطن، ایمان ندارند.

❖ ماهیت گروه منافقین در ایران

این گروهی را که ملت ایران از سال شصت، به حق اسم «منافق» گذاشت، آنها همین جور بودند. تفکری را نشان می دادند که آن را تفکر اسلامی معرفی می کردند. در افکار آنها نشانه های اسلامی از قرآن و نهج البلاغه بود و دلایلی می آوردند که هر کس خیال می کرد آنها

مؤمن بالله هستند؛ وقتی که دقیق می‌شدیم، می‌دیدیم نه، مطلقاً خبری از تفکر اسلامی در کار آنها نیست. ظواهر اسلامی ولی باطن، تفکر مارکسیستی بود - هم در اصول، هم در فروع، هم در شیوه‌ها، هم در اخلاق - لذا به این‌ها گفته شد «منافق»؛ و درست هم بود. در کشور در آن وقت، احزاب و گروه‌های کمونیستی بودند، خودشان هم اعلان می‌کردند؛ ولی ایدئولوژی منافقین به قول خودشان، ایدئولوژی مارکسیستی بود و اعلان نمی‌کردند! تظاهر می‌کردند که اسلامی است. شاید بعضی از عوامشان و افراد سطح پایینشان واقعاً هم خیال می‌کردند که اسلامی هستند، لیکن آن کسی که آگاه بود، می‌دید که نیستند. این تسمیه به «منافقین» برای آنها، بهترین و مناسب‌ترین تسمیه بود که آن روز در واقع از دل مردم برخاست و روی آنها ماند تا امروز.

❖ سه دسته منافق از نگاه قرآن

نکته‌ی بعدی این است که در قرآن، از سه گروه هم حقیقت نفاق، مشترک است؛ ولی سه نوع‌اند. من حالا این سه نوع را برای شما عرض بکنم که این برای امروزها از آن بخش‌های بسیار مهم و آموزنده است. سه نوع که می‌گوییم، یعنی باهم تفاوت عنصری ندارند؛ اما سه گروه‌اند. سه دسته منافق را در قرآن ذکر می‌کند و از آنها یاد می‌کند:

❖ دسته اول از منافقین (کسانی که تظاهر به ایمان می‌کردند)

یک دسته منافقین اول ورود پیامبر به مدینه هستند. که آنها کسانی بودند که یا اصلاً هیچ به اسلامی ایمان نیاورده بودند، یا بعضی از آنها ایمانی از روی احساسات - به اسلام - آورده بودند؛ اما حتی در آن‌هایی هم که ایمان احساساتی و سطحی آورده بودند، اعتقاد به اسلام و به پیامبر و معارف اسلامی، هیچ عمقی نداشت، باندک تکانی در همان اوایل کار، این ایمان زایل شد و همان کفری که قبلاً وجود داشت، مستقر شد. آنها چه افرادی بودند؟ کسانی بودند که تعبیر قرآن این است: «فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضاً» همان منافقینی هستند که در اول سوره‌ی بقره و در چند جای دیگر قرآن، راجع به آنها صحبت می‌شود.

❖ مظلومیت و استقامت مؤمنین

وقتی که حرکت اسلام، از مکه آغاز شد و آن شورونشاط اسلامی همراه با مظلومیت و استقامت مؤمنین، کار خودش را کرد اولین جایی که پرتو انداخت، مدینه بود - یثرب آن روز - چون مجاهدت پیامبر و یاران او در مکه، به شدت مجاهدت مظلومانه‌ای بود؛ نام خدا را می‌آوردند، به توحید و به تعقل دعوت می‌کردند و در مقابل، کتک می‌خوردند، کشته می‌شدند، شکنجه می‌شدند. انواع و اقسام فشارها وارد می‌شد، در آخر هم قضیه‌ی شعب ابی طالب بود که جزو سخت‌ترین فشارها بر پیامبر و مسلمانان بود.

❖ سخن حق کارگراست

خوب، این‌ها پوشیده نمی‌ماند. البته آن روز مثل امروز، امکانات تبلیغاتی نبود، لیکن مکه، مرکز رفت و آمد قبایل گوناگون عرب بود. طایف، از یثرب و از در ایام خاصی به مکه می‌آمدند و از قضایای مکه مطلع می‌شدند و حقیقت، این‌گونه است. سخن حق، بخصوص اگر با مظلومیت همراه باشد، کار خودش را می‌کند؛ بالاخره در دل‌های مستعد، کارگر خواهد شد، بخصوص هنگامی که پیگیری از طرف اهل حق باشد - که بود؛ خود پیامبر، ستون مستحکمی بود در آن وسط ایستاد، بقیه‌ی مسلمانان هم خودشان را به این ستون تکیه می‌دادند.

❖ پیامبر اکرم تکیه‌گاه مسلمانان

مسلمانان کتک هم می‌خوردند، شکنجه هم می‌شدند، ترس و لرز، محرومیت‌های گوناگون و بیرون کردن از خانه هم بود، محروم کردن از ارث برای بچه‌های اعیان و کتک خوردن به دست ارباب‌ها برای غلام‌ها و کنیزها هم بود؛ اما هر وقت روی هر کدامشان فشار می‌آمد، خودشان را به پیامبر تکیه می‌دادند و پیامبر اکرم با استقامت معنوی و باروح الهی، آنها را از آن سرچشمه‌ی تمام‌نشدنی که می‌توانست همه‌ی آفرینش را نیرو بدهد، نیرو می‌بخشید. این چند نفر - آن عده‌ی مسلمان‌هایی که اطراف پیامبر بودند - تغذیه می‌شدند، لذا همه می‌ایستادند.

این ایستادگی، کار خودش را کرد. اولین جایی که این اثر، منعکس شد، یثرب بود که منتهی شد به این که پیامبر را دعوت کردند؛ گفتند حالا که اهل مکه شمارا قبول ندارند، به شهر ما «یثرب» بیایید. پیامبر قبول کرد.

❖ دعوت پیامبر به مدینه

البته با آنها عهد بست؛ گفت: من که یثرب آمدم، باید از من حمایت کنید، باید از من دفاع کنید - پیش‌بینی می‌کرد که حمله خواهد شد، جنگ خواهد شد - گفتند: حاضریم؛ اگر به یثرب بیایی، جانمان بلاگردان جان توست، خانواده‌ی ما بلاگردان تو هستند، اموال ما بلاگردان توست. یک‌مشت جوان‌ها از اهل یثرب غالباً جوان بودند - ایمان عمیق و راسخی را نشان دادند. یک‌عده از بزرگان‌شان هم - مثل «سعدین عباد» «سعدین معاذ» - تبعیت کردند؛ پیامبر را دعوت کردند و به مدینه بردند. اسم یثرب را هم عوض کردند و «مدینه» گذاشتند - «یثرب» بود، «مدینه‌النبی» گذاشتند.

❖ تحت تأثیر قرار گرفتن مردم مدینه با ورود پیامبر

درست توجه کنید: این حالت مظلومانه و معصومانه، سخن نو، چهره‌های درخشان، حادثه‌ی جدید و اول کار، همه را تحت تأثیر قرارداد؛ همه به هیجان آمدند. حتی بعضی از یهود هم که در مدینه ساکن بودند - با این که یهود در دوره‌های بعد، از همه معاندتر بودند - اول کار تحت تأثیر قرار گرفتند؛ یعنی نفس آمدن پیامبر با آن حالت بخصوص - که هنگام آمدن هم قریش را نکرند، به آنها ضربه زدند، تعقیبشان کردند، عده‌ای را در بین راه محاصره کردند و چه کردند - بیشتر به مقبولیت ورود پیامبر به مدینه کمک می‌کرد.

❖ همان اول همه یک نوع ایمانی آوردند اما قوی نبود

خوب، پس اول کار، همه یک نوع ایمانی آوردند؛ مگر تعداد خیلی معدودی که شاید همان اول کار هم ایمان نیاوردند. لیکن اولاً ایمان همه‌ی آن‌هایی که ایمان آوردند، قوی نبود. این ایمان مثل بذری در دل توده و عامه‌ی مردم افتاد - انسان‌های سالم، انسان‌های بی‌غل و غش، انسان‌های بی‌طمع و بی‌غرض و مرض - روزه‌روز بیشتر رشد کرد و مستحکم‌تر شد.

❖ ایمان کسانی که مستحکم نبود

این بذر ایمان در انسان‌هایی که در قلب‌هایشان مرض و غرض بود - خودخواه، هواپرست و لالابالی بودند، انسان‌هایی بودند که به فکر هیچ چیز غیر از خودشان نبودند - پا نگرفت؛ بود، اما ضعیف بود، عمقی هم پیدا نکرد. ارتباط با دشمنان سرسخت عمیق اسلام هم که ایده باشند، نگذاشت این ایمان در آنها مستحکم بشود.

❖ بی‌ایمان‌های باطنی، منافق شدند

البته آنها تعداد زیادی نبودند، عده‌ی کمی بودند. این عده‌ای که عرض می‌کنم، آن ایمان را در باطن از دست دادند از اول هم ایمان نیاورده بودند، ولی جرئت هم نمی‌کردند که این بی‌ایمانی خودشان را ابراز کنند. فضای شور و شوق مدینه، علاقه‌ی روزافزون مردم، آن جوان‌های پرشور، آن ایمان‌های بی‌شائبه و خالص، آن آیات روشن و منوری که هرروز از زبان مبارک پیغمبر جاری می‌شد - به مردم می‌خواند - و قضایای روزبه‌روز پرهیجان، آن چنان فضای مدینه را قبضه کرده و در دست گرفته بود که آنها جرئت هم نمی‌کردند که اظهار مخالفت بکنند، پس «منافق» شدند؛ منافقین دسته‌ی اول، یعنی باطن بی‌ایمان این که می‌گوییم بی‌ایمان، منظور این است که یا اصلاً ایمان نیاورده بودند، یا اگر آورده بودند، ایمان خیلی ضعیفی بود؛ اما ظاهر مؤمن علت دوری آنها از اسلام هم این بود که منافعشان به خطر افتاد.

❖ مخالفین پیامبر

یکی مثل «عبدالله بن ابی بن شلول»، کسی بود که اول کار ملتفت چیزی نبود، بعد که دید این آقا^۱ اینجا آمده و از مردم پیمان گرفته است که باید از او دفاع بکنند و گفتند: «ما جانمان فدای جان توست، خانواده‌ی ما فدای تو، زندگی ما فدای تو»، او رییس آن جمعیت شد. خوب، پیغمبر آمد و حکومت تشکیل داد؛ امرونی می‌کند، قضاوت می‌کند، دستور می‌دهد، نظام جنگ و صلح را معین می‌کند، مرتب آیات قرآن و احکام به مردم می‌دهد، سهم مالی - مالیات - درست می‌کند و یک حکومت شده.

(۱) منظور پیامبر است

این آقا خودش را برای شخصی که بیاید و احترامی از او بکنند، آماده کرده بود؛ اما خودش را برای یک حاکم، آماده نکرده بود، لذا دشمن شد.

دیگری آدم عیاش، شهوتران، اهل می‌خوارگی و اهل کارهای خلاف بود، دید که این آقا - این پیغمبر جدید - که روز اول هم از او خوشمان آمد - به مدینه آمده، حالا بناست که با عیاشی‌ها و هرزگی‌ها و لابلایی‌گری‌ها هم مقابله بکند - نکنید، بکنید - حتی گاهی حد و تعزیر شرعی دارد، لذا مخالف شد.

یعنی عده‌ای در همان اوایل کار، ایمان‌ها را از دست دادند؛ آن ایمان ظاهری پرید، رفت، و آن کفری که قبلاً وجود داشت، آن حالت شرکی که قبلاً وجود داشت، بر جای خود باقی ماند. نسبت به پیغمبر ما و مسلمان‌ها و مؤمنین و مخلصین به او هم یک حالت عنادی پیدا کردند. این‌ها آن منافقین دسته‌ی اول‌اند که قرآن می‌فرماید: «فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضاً»؛ در دل‌های آنها مرضی بود.

❖ زاویه‌ی انحراف به تدریج وسیع‌تر می‌شود

مرض دل، یک نوع نیست؛ خودخواهی یک مرض دل است، شهوترانی یک مرض دل است، حق‌ناپذیری یک مرض دل است، قوم‌و خویش‌دوستی بی‌حد و حصر یک مرض دل است، تکبر و نخوت و این چیزها یک مرض دل است. در این یک چیزهایی بود اما به تدریج زیاد شد. انحراف همین جور است، اول از جای کوچکی شروع می‌شود؛ اگر علاج نکردید، زاویه‌ی انحراف به تدریج وسیع‌تر خواهد شد، مرض روحی از جای کمی آغاز می‌شود، اگر علاج نشد، افزایش پیدا می‌کند. این‌ها یک دسته؛ این‌ها کسانی بودند که کارهای بدی که بعداً اگر فرصت شد، عرض می‌کنم - انجام دادند و فصل مهمی از قرآن، مربوط به این‌ها، درباره‌ی شرح حال و خباثت‌های این‌هاست.

❖ دسته‌ی دوم از منافقین (کسانی ایمان آنها به خاطر عدم مراقبت آسیب دید)

دسته‌ی دوم، کسانی هستند که جزو مؤمنین بودند و اول کار مطلقاً هیچ نشانه‌ای از نفاق در آنها وجود نداشت؛ لیکن به مرور دچار عوارضی شدند. این عوارض، کار دست آنها داد.

درست مثل این است که جسم سالمی، یک زخم کوچک به وجود می‌آید، بعد بی مراقبتی می‌کنند، این زخم کوچک - در انگشت او، در پای او، در بدن او - چرک می‌کند؛ بی‌اعتنایی می‌کنند، این چرک زیاد می‌شود؛ بی‌اعتنایی می‌کنند، تبدیل می‌شود به این که باید این انگشت را ببرند؛ بی‌اعتنایی می‌کنند، به تدریج بالاتر می‌آید، دست را می‌گیرد و پیش می‌رود. همه چیز از خراش کوچکی شروع شد. در جامعه‌ی اسلامی زمان پیغمبر، این حادثه پیش آمد این‌ها ربطی به آن منافقین دسته‌ی اول ندارند؛ آنچه در این‌ها پدید آمد - از لحاظ حقیقت - غیر از آن چیزی نیست که در آن منافقین صدر اول پدید آمد. آنها هم به همان بلیه دچار شدند، این‌ها هم به همان بلیه؛ اما آنها از اول جبهه‌ی دشمنی با اسلام گرفتند. این دسته‌ی دوم کسانی هستند که با پیغمبر، با حرکت اسلامی و با آن انقلاب عظیم، هیچ دشمنی نداشتند، دوست هم بودند؛ احیاناً در جنگ‌هایی هم شرکت کردند، در حوادث بزرگی هم بودند، اما یکجا خراش کوچکی پیش آمد، آن را علاج نکردند.

❖ کاری کردند که خدا در دل‌های آنها نفاق را به وجود آورد

خدای متعال در آن آیه‌ی شریفه به آنها گفت: صدقه بدهید، یا انفاق کنید، یا چه بکنید؛ آنها سوگند خوردند که این کار را خواهند کرد و نکردند، «فاعقبهم نفاقاً فی قلوبهم الی یوم یلقونه بما اخلف الله ما وعدوه و بما كانوا یکذبون». خلف وعده‌ای که آنها با خدا کردند، دروغی که با عمل خودشان گفتند، کار آنها را به آنجا رساند که «فاعقبهم نفاقاً فی قلوبهم الی یوم یلقونه»؛ خدا در دل‌های آنها نفاق را به وجود آورد. کسی که منافق نیست، بعداً منافق می‌شود.

❖ مراقبت معنوی نشد ایمان از دست می‌رود

در آیه‌ی دیگری می‌فرماید: «ثم کان عاقبة الذین اساء السوء ان کذبوا بایات الله»؛ خلافتکاری، گناه، ارتکاب محرم، عدم اعتنا و مبالغت به تربیت خود، گاهی کار را به جایی می‌رساند که جزای کار بد آنها «سوء» است. البته این آیه را دو سه جور نقل کرده‌اند. این بنابر یک وجه از آن وجوهی است که معنا شده است. «سوء» یعنی بدترین؛ علاج خرابی کار بد

آنها بدترین شد. آن بدترین چیست؟ ان کذبوا بایات الله». تکذیب به آیات خدا، یعنی یک مؤمن بر اثر عدم مراقبت، عدم دقت، مواظب خود نبودن - مواظب حرف خود، کار خود، رفتار خود، معاشرت خود، فکر خود - و از خود مراقبت معنوی نکردن، کارش به جایی می‌رسد که ایمان خود را از دست می‌دهد، تکذیب «آیات الله» می‌کند.

❖ مراقبت، همان تقواست

اسم این مراقبت، همان تقواست؛ این تقوایی که دائم گفته می‌شود: «تقوا، تقوا» تقوا یعنی شما مراقب خودتان باشید، در رفتار و گفتار و حرف، مواظب باشید که شیطان در شما نفوذ نکند. البته هیچ انسانی از گناه بیرون نیست؛ مگر معصومین. همه گناه می‌کنند، همه‌ی ما در این جهت مثل هم هستیم؛ جز معصومین. فرق آدم با تقوا با آدم بی‌تقوا این است که آدم بی‌تقوا خودش را در مقابل گناه، رها می‌کند؛ مثل این که شما یک برگ را در روی موجی و جریان آبی بیندازید، این جریان این برگ را می‌برد، هیچ مقاومتی در مقابل جریان ندارد. آدم با تقوا مثل آن کسی است که اگر هم در یک جریان تندی افتاده است، شنا می‌کند، نمی‌گذارد، خود را جمع و جور می‌کند، خود را اداره می‌کند؛ نمی‌گذارد که او را آب ببرد. به فرض هم که یک قدم عقب رفت، یکجا هم پایش لغزید، مراقب خودش است.

فرق است بین جسد مرده‌ای که روی آب افتاده است، یا بی‌هوشی که روی آب افتاده و آب دارد او را می‌برد، با یک نفر که دارد تلاش می‌کند؛ بر فرض که آب، یک مقدار هم او را عقب ببرد. گناهی که برای متقی پیش می‌آید، این گونه است. آن کسی که این رعایت را نکند، در معرض آن خطر است که «عاقبة الذین اسا السوء ان کذبوا بایات الله»؛ در معرض این خطر هست، و ما در صدر اسلام داشتیم.

❖ جریان دوم نفاق جریان مستمری بود

آن جریان اولی - دسته‌ی اول از منافقین - مجموعه‌ای مخصوص همان صدر اول بودند، هر چه هم گذشت، به تدریج دوره‌ی آنها تمام شد و طبعاً عده‌ی معدودی بودند؛ اما مجموعه‌ی دوم - دسته‌ی دوم - یعنی آن کسانی که ایمان آنها به خاطر عدم مراقبت، ضعیف شد - این

پوسته یکجا آسیب‌پذیری پیدا کرد و میکروب واردش شد - جریان مستمری بود. این در دنیای اسلام بود و ادامه پیدا کرد. ادامه پیدا کرد و کرد و آن چیزی که بالاخره جریان اسلام را در صدر اول شکست داد، این بود! آن فجایع، آن فضایح و آن مشکلات، از این ناحیه پیش آمد - جریان دوم نفاق - البته آن روز، وضع سخت‌تر از امروز بود، امروز از این جهت، وضع خیلی آسان‌تر است.

❖ دسته‌ی سوم از منافقین (منافقین محارب)

دسته‌ی سوم از منافقین آن کسانی هستند که در یکی از آیات قرآن، از آنها اسم آورده شده است: «و ما لکم فیالمنافق فئین واللّٰه اراکسهم بما کسبوا تحبون ان تهدوا من اضل اللّٰه»؛ که این، آن منافقینی هستند که مدینه آمدند و ایمان آوردند. بعد دچار همان لغزش‌های مؤمنانه شدند، خودشان را حفظ نکردند؛ این لغزش ادامه پیدا کرد و کارشان به آنجا رسید که به «یمامه» رفتند و با پیغمبر اعلان جنگ دادند - یعنی منافق محارب - این دسته‌ی سوم است.

غرض این که حقیقت نفاق در همه‌ی این‌ها یکسان است، حقیقت نفاق یک چیز است؛ منتها در قرآن در مورد سه دسته از منافقین اشاره شده است که اگر ما این سه دسته را شناسیم، ممکن است خطاب‌های بعضی از آنها درباره‌ی بعضی دیگر تلقی بشود و انسان تعجب کند که این آیه شریفه دارد چه می‌گوید. وقتی شناختیم، معلوم خواهد شد.

آن نکته‌ای که عرض کردم «وضع آن روز، از وضع امروز دشوارتر و مشکل‌تر بود و امروز وضع آسان‌تر است»، آن را مختصراً عرض بکنم، تا بعد اگر مجالی بود، حرفه‌ای دیگری که هست - تا هر جا وقت بود - عرض بکنم.

❖ مشکل نفاق

مشکل نفاق چیست؟ مشکل نفاق عبارت است از ناشناخته بودن؛ دشمن منافق، هرچه ناشناخته‌تر باشد، خطر او بیشتر است. اگر به نحوی در یک جامعه وسیله‌ای دست مردم آمد که توانستند با آن وسیله، منافق را بشناسند، این خیلی خوب خواهد بود. این وسیله، در صدر اسلام نبود. عده‌ای منافق بودند، ولی از کجا می‌شد فهمید که آنها منافق‌اند؟ البته پیغمبر اکرم به

بعضی‌ها نشان داده بود؛ بعضی‌ها به دستور پروردگار، چهره‌ی منافقین را می‌شناختند، اما همان‌ها هم مأمور بودند (که) به کسی نگویند.

گروه دوم، کارشان سخت‌تر است؛ این ضعف‌الایمانی که به تدریج به سمت نفاق کشانده می‌شوند. مگر می‌شود آنها را شناخت! کسی است که فرض کنید در عداد مجموعه‌ی شما بوده است و به خاطر مشکلی ایمان خود را ازدست‌داده است و در جرگه‌ی دشمنان قرار گرفته است، اما شهادت اظهار ندارد، یا مصلحت را در عدم اظهار می‌بیند. از کجا می‌شود این را شناخت؟

❖ منافق در دوران صدر اسلام، قابل‌شناسایی نبود

در صدر اسلام، هیچ وسیله‌ای برای شناسایی نبود این که شما می‌بینید مردم صدر اسلام در برهه‌ی خاصی از زمان، دچار انحراف‌های عجیب و غریبی شدند، مقداری مربوط به این است که هیچ شاخصی وجود نداشت. البته کلمات پیغمبر شاخص بود، وجود امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) شاخص بود، آنچه پیغمبر در مورد امیرالمؤمنین و درباره‌ی اهل بیت فرموده بود، اما این گونه الفاظ و کلمات، همیشه کسانی هستند که این گونه الفاظ و کلمات را تأویل کنند و شهادتی برایش درست کنند. حتی در مورد قرآن هم این کار را می‌کردند؛ در مورد آیات قرآن هم شبهه و تأویل و این حرف‌ها بود. همیشه بوده، حالا هم هست

❖ شاخص شناخت نفاق در جامعه امروزی

امروز یک نشانه وجود دارد؛ آن نشانه چیست؟ همراهی با دشمن شناخته شده! چون امروز نظام اسلامی، دشمن‌های شناخته‌شده‌ی معروفی دارد که هیچ پرده‌ی ریا و نفاقی روی صورتشان نیست؛ که در عرف انقلاب ما از آنها به استکبار تعبیر می‌شود. مظهرش حالا - مثلاً - آمریکا و بعضی از کشورهای دیگر هستند. معلوم است که آنها دشمن هستند؛ دشمنی آنها هیچ پوششی ندارد، پنهان هم نمی‌کنند، دشمنی‌شان را هم می‌گویند.

در زمان پیغمبر، چنین چیزی وجود نداشت؛ یعنی حکومت رم آن روز، یا ایران آن روز، اصلاً در دسترس نبودند که دشمنی آنها معلوم باشد، یا ابراز دشمنی بکنند. دنیا، دنیایی بود که

ارتباطات در آن بسیار کم، ضعیف و ناممکن بود. مثل امروز نبود؛ امروز شما می‌دانید در دنیا کسانی که با این انقلاب دشمن‌اند، چه کسانی هستند. حتی بسیاری از مردم، علل این دشمنی را هم می‌دانند.

❖ مقابله با نفوذ عامل دشمنی

چرا با این انقلاب دشمن‌اند؟ معلوم است، اگر کسی به مسئله‌ی فلسطین، به معاملات بزرگ نفتی، به زد و بندهای مسائل تجاری، به نفوذی که دشمن‌ها در کشورهای گوناگون نفت خیز و غیر نفت خیز می‌کنند، نگاه کند، خواهد فهمید که چرا با ما دشمن‌اند. دستگاه‌های استکباری دنیا می‌توانند در همه جای دنیا نفوذ سیاسی و نفوذ اقتصادی و نفوذ فرهنگی را بدون هیچ دغدغه و مانعی انجام بدهند؛ دولت‌ها هم کمکشان می‌کنند!

یکجا هم در دنیا وجود دارد که در مقابل نفوذ دشمن، در مقابل تسلط دشمن، در مقابل این که کشور، دستخوش دشمن باشد، ایستاده‌اند؛ خوب، پیداست که با اینجا دشمن خواهند بود. روشن است که سعی می‌کنند این مانع را درهم بشکنند. این مانع چیست؟ نظام اسلامی! البته مبنا و اصل کار، ملت‌اند؛ اما ملت، مجموعه‌ای از انسان‌هاست. اگر نظامی، نظامی، قانیدی، فرماندهی، دولتی و تشکیلاتی این ملت را بر طبق مطلوب، به سمتی متوجه نکنند، مثل همه‌ی ملت‌های مسلمان دیگری خواهند بود که مسلمان‌اند، احیاناً همین احساسات اسلام دوستی ملت ما را هم دارند - اگر همه هم نداشته باشند، بعضی دارند - اما هیچ حرکتی انجام نمی‌گیرد. پس درواقع آن چیزی که باید آنها با آن دشمنی بکنند، نظام و تشکیلات حکومت است، این بنای شامخ اسلامی است که اسلام در اینجا به وجود آورده است؛ و هر بخشی از این بنای شامخ که مستحکم‌تر باشد، بیشتر مورد بغض آن‌هاست، هر بخشی راسخ‌تر و قاطع‌تر در ایستادگی باشد، آنها بیشتر بدشان می‌آید.

❖ ایستادگی راسخ سپاه مقابل موج سلطه دشمن

مثال آن، خود شما هستید - سپاه - دشمن‌ها معمولاً از سپاه، بیشتر بدشان می‌آید. استکبار از سپاه، خیلی بدش می‌آید. چرا؟ چون سپاه، یکی از آن بخش‌هایی است که در مقابل موج

سلطه، واضح تر و راسخ تر ایستاده است؛ پابندیش به ارزش ها، پابندیش به اصول، پابندیش به مبانی و دشمنی اش با کسانی که با آنها مخالف اند، واضح تر از همه است، لذا با سپاه، بیشتر دشمن اند. مثال های دیگری هم دارد.

خوب، حالا که ما یک دشمن صریح داریم، دشمن کوچکی هم نیست، دشمن پنهانی هم نیست، سراغ داخل می آییم. منافق را می شود از همراهی با دشمن شناخت. این وسیله، امروز در اختیار امروز ماست، ولی در اختیار مسلمان دوران پیغمبر نبود، هر کس که با دشمن همکاری می کند، مورد سوءظن قرار می گیرد. حالا می گویم که چرا می گویم و مورد سوءظن، نمی گویم «منافق»

❖ «مورد سوءظن قرار می گیرد»، یعنی چه؟

هر کسی که برای دشمن و در جهت خواست او کار می کند، مورد سوءظن قرار می گیرد. «مورد سوءظن قرار می گیرد»، یعنی چه؟ یعنی آیا حتماً منافق است؟ نه، چون ممکن است کارهایی از روی غفلت انجام بگیرد. یک نفر کاری را انجام می دهد، بد هم هست، آن دشمن صریح هم از او استفاده می کند، اما آن کننده ی کار از روی غفلت، این کار را انجام می دهد، نمی شود گفت «منافق»، عرض کردم، اول بحث هم ما نباید معیاری در دست بگیریم و مرتب این متر و معیار را روی افراد، امتحان کنیم و مرتب بگوییم: این منافق، او منافق، او منافق! این که نمی شود.

پس «مورد سوءظن قرار می گیرد»، یعنی چه؟ یعنی این امکان به وجود می آید که او بر روی خود پوششی کشانده باشد، درواقع جزو جبهه ی دشمن باشد و پوشش ایمان، پوشش ظاهری باشد. این گمان پیش می آید. خوب، راه برای امتحان باز است. چنانچه دیدیم نشانه ی غفلت در او هست و پیداست که غافل، یا جاهل است، حکم بکنیم به این که این از روی غفلت است؛ اما اگر دیدیم نشان عناد در او هست، می فهمیم که منافق است.

پس منافق امروز، از دوران صدر اسلام، قابل شناسایی است، آن روز این خصوصیت نبود، یا بسیار دشوار بود. برای همین است که آن قضایای صدر اسلام با همه ی شگفت آوریش پیش

آمد؛ قضایایی که تا حادثه‌ی کربلا استمرار داشت و بعد هر چه پیش آمد، در مقابل حادثه‌ی کربلا کوچک بود - چون حادثه‌ی کربلا اوج این قضایا بود.

❖ نفاق، عامل حادثه‌ی کربلا

بعدها ائمه (علیهم السلام) خانه نشین شدند، خیلی از مسلمان‌ها از در خانه‌ی آنها کنار رفتند؛ اما این‌ها در مقابل حادثه‌ی کربلا، در مقابل شهادت جگرگوشه‌ی پیغمبر، در مقابل اسیر شدن دختران پیغمبر و در مقابل آن‌همه وحشی‌گری‌ها با اولاد پیغمبر، کوچک بود، قضایای بعدی چیزی نبود، اهمیتی نداشت. پس پنجاه سال بعد از رحلت پیغمبر - شصت سال بعد از هجرت - این قضایا استمرار داشت و مسلمان‌ها به خاطر همین - به خاطر عدم امکان معرفت و شناسایی - دچار آسیب‌هایی بودن. عامل چه بود؟ نفاق بود. بخشی از قبیل دسته‌ی اول منافقین بودند؛ یعنی کسانی که ایمانی نداشتند، برای خرابکاری، برای دشمنی و از ترس جانشان تظاهر به ایمان کردند، اظهار بی‌ایمانی نکردند. بعضی از این قبیل بودند که این‌ها معمولاً در اقلیت هستند، کمند. بعضی از نوع دسته‌ی دوم منافقین بودند، یعنی کسانی که جزو خیل عظیم مؤمنین هستند، اما به خاطر بی‌احتیاطی، یا به خاطر عدم توجه، دچار آسیب می‌شوند. این آسیب، بالاخره آنها را به مشکل خواهد انداخت؛ دچار دردسرهای بزرگ خواهد کرد.

❖ همراهی با دشمن، معیاری مهم برای شناخت نفاق

مردم این زمان باید از این همراهی با دشمن که امکان شناسایی است، استفاده کنند، این معیار را بایستی به کار ببندند؛ معیار بسیار مهمی است. امام (رضوان الله علیه) بارها این مطلب را بیان می‌کردند که هر وقت دشمنان از ما بدگویی می‌کنند، ما خوشحال می‌شویم؛ می‌فهمیم که در رفتار خودمان - که رفتار دارای جهت‌گیری انقلاب و اسلام است - جووری حرکت کرده‌ایم که آنها را عصبانی کرده است، پس درست حرکت کرده‌ایم.

وای به آن وقتی که آنها از ما تعریف کنند! آن وقت بایستی ما دغدغه پیدا کنیم، فکر کنیم مقصودشان چیست؟ در ما چه مشکلی به وجود آمده است که از ما تعریف می‌کنند؟ البته گاهی هم تعریف را از روی دغلی می‌کنند؛ به کسی هیچ علاقه‌ای هم ندارند، ولی برای ایجاد

اختلاف بین مؤمنین، از یکی تعریف می‌کنند. این را هم ما در این دوره‌های زمان جنگ و بعد از جنگ، و تا امروز داشته‌ایم. گاهی از کسی یا جمعی تعریف می‌کنند، درحالی‌که با آنها دشمن‌اند؛ برای این که دیگران را به آنها بدبین کنند، از آنها تعریف می‌کنند. ما این را هم داشته‌ایم. حیل‌های دشمن حیل‌های گوناگونی است.

✧ برخورد هوشمندانه با پدیده‌ی نفاق

البته من اینجا آنچه که به‌عنوان نکات قابل ذکر، مطرح کردم، خیلی طولانی است و قصدم این بود که امروز حدود یک ساعت، یک ساعت و نیم در این باره صحبت کنیم، لیکن هم وقت قدری گذشته، هم من خسته شدم. ان شاء الله این بحث را می‌گذارم به‌طور سرجمع شده، در فرصت مناسب دیگری مطرح می‌کنم؛ اما این سفارش را به همه‌ی شما برادران عزیز می‌کنم که با پدیده‌ی نفاق، هوشمندانه برخورد کنید.

✧ پدیده‌ی نفاق، پدیده‌ی خطرناک

پدیده‌ی نفاق، از آن پدیده‌های خطرناک است؛ و همیشه به یاد داشته باشید که آن چیزی که در صدر اسلام توانست کوشش مجاهدین صدر اول اسلام و سربازان دوروبر پیغمبر و خود نبی مکرم اسلام و بهترین مؤمنان را در نهایت معطل بگذارد - نمی‌گوییم ضایع و باطل کند؛ چون ضایع که نمی‌شود کوشش‌های آنها ضایع شدنی نیست، بالاخره اثر خودش را خواهد بخشید، منتها با تأثیر - نیروها و لشکرهای دشمنان قداره کش و واضح نبود؛ بلکه حیل‌ها و تکرارها و قدرهای دشمنان نقاب‌دار بود. کسانی که در باطن، مسلمان نبودند، اما ظاهراً چهره‌ی اسلامی به خود می‌گرفتند. یا از منافقین دسته‌ی اول بودند، یا از منافقین دسته‌ی دوم.

اگر توجه به این باشد، هوشیاری در مقابل مسئله‌ی نفاق و منافق، در جای خود قرار خواهد گرفت؛ و من اصرار دارم که روی مسئله‌ی منافقین در قرآن - آیات مربوط به منافقین - مطالعات خوبی انجام بگیرد کارهای اساسی بشود بنده هم اگر ان شاء الله یک‌وقتی فرصت بود و مناسبی بود و جمعی مثل عزیزان بودند، ان شاء الله اگر عمری بود، یک روزی این بحث‌ها را به‌طور مستوفا و مفصل خواهم کرد.

پروردگارا! به محمد و آل محمد ریشه‌های نفاق را از دل‌های ما بر کن.

پروردگارا! ایمان و محبت به خود را در دل ما راسخ کن.

پروردگارا! ما را از اولیای خود هرگز جدا مکن. ما را به دشمنان خودت قدمی نزدیک مفرما.

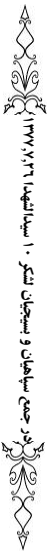
پروردگارا! ما را فریفته‌ی لبخندهای دشمنان خودت مگردان.

پروردگارا! ما در میدان دفاع از حق تو - حقایق عالم آفرینش - پایداری و شجاعت ببخش.

پروردگارا! به محمد و آل محمد، قلب مقدس و لیعصر را از ما خشنود کن؛ روح مطهر امام و شهدای عزیز را از ما خشنود کن.

پروردگارا! اسلام را در هر نقطه‌ای از نقاط عالم که هستند نصرت عنایت بفرما؛ دشمنان اسلام را مخدول و منکوب بفرما.

و عجل فی فرج مولینا صاحب الزمان



بیانات در دیدار جمعی از پاسداران و سپهبدان ۲/۹/۱۳۷۷

۱. استمرار نام و یاد و روحیه بسیجی
۲. بسیج یک حرکت منطقی و اسلامی منطبق بر نیازهای امروز دنیای اسلام
۳. دو آفت در سطح جهان اسلام
۴. آفت اول؛ مربوط به دولت‌ها
۵. نتیجه آفت مربوط به دولت‌ها
۶. رابطه معکوس بین ارتباط با مردم و ارتباط با قدرت‌ها
۷. آفت دوم؛ مربوط به ملت‌ها
۸. منشأ فساد در میان جوانان دنیا
۹. آثار آفت مربوط به ملت‌ها
۱۰. حرکت عظیم بسیج، هردو آفت را در کشور ما ریشه‌کن کرد
۱۱. رابطه و پیوند برادرانه و صمیمانه بین مسئولان و آحاد مردم
۱۲. موضع شجاعانه ایران در مقابل امریکا به برکت بسیج
۱۳. بسیج «متن حرکت نظام است»
۱۴. حقیقت بسیج
۱۵. اندیشه و تفکر بسیجی
۱۶. مفهوم بسیجی و فرهنگ بسیج
۱۷. «بسیج»؛ در مقابل دشمن و ایادی او می‌ایستد
۱۸. بسیج، یک امر احساسی نیست
۱۹. از همه مهم‌تر آرمان‌ها، ارزش‌ها و هدف‌هاست
۲۰. بسیج سرباز وجود مقدس ولی عصر ارواحنا فداه است



بسم الله الرحمن الرحيم

❖ معطر شدن فضای جلسه به یاد شهیدان و حضور رزمندگان

به میمنت میلاد باسعادت حسین بن علی «علیه السلام»، سرور عاشقان حق و سرمستان باده حضور حضرت پروردگار، بحمدالله جلسه ما هم جلسه پر حضور و پرفیزی شد. یاد شهیدان، حضور رزمندگان، حضور پدران و مادران بزرگوار شهدا و بیاناتی که از دل‌ها برمی‌خیزد، فضای این جلسه را معطر کرده است. ان شاءالله که روز ولادت حضرت اباعبدالله «علیه السلام» و هفته پاسدار و هفته بسیج، بر شما سپاهیان و بر همه بسیجیان و بر همه ملت ایران، بخصوص خانواده‌های شهدا و همه ایثارگران، مبارک باشد.

❖ وجود الگوهای بزرگ و درخشان در اسلام

در خلال ده‌ها و صدها خصوصیتی که امت اسلام به برکت اسلام و قرآن و اهل بیت از آن برخوردار است، یکی هم این است که مردم ما الگوهای بزرگ و درخشان در جلو چشم خود دارند. برای ملت‌ها، الگو خیلی مهم است. شما ببینید؛ ملت‌های مختلف، اگر در شخصیتی رشحه‌ای از عظمت وجود داشته است، او را مطلق می‌کنند، بزرگ می‌کنند، نام او را جاودانه می‌کنند؛ برای این که حرکت عمومی نسل‌هایشان را به آن سمتی که می‌خواهند، جهت بدهند. گاهی شخصیت واقعی هم ندارند؛ اما در داستان‌ها و شعرها و افسانه‌های گوناگون ملی و اساطیر، آنها را مطرح می‌کنند. این‌ها همه از این سرچشمه گرفته است که ملت‌ها از میان خود، به دیدن نمونه‌های بزرگ احتیاج دارند. این در اسلام به صورت فراوان و بی‌نظیری هست، که



از جمله بزرگ‌ترین آنها حضرت اباعبدالله «علیه‌السلام» پیشوای مسلمین و فرزند پیامبر و شهید بزرگ تاریخ بشر است

❖ صفات برجسته‌ی اباعبدالله الحسین (ع)

برجستگی وجود اباعبدالله «علیه‌السلام» دارای ابعاد است که هر کدام از این ابعاد هم بحث و توضیح و تبیین فراوانی به دنبال دارد؛ ولی اگر دو، سه صفت برجسته را در میان همه این برجستگی‌ها اسم بیاوریم:

۱- اخلاص

یکی از آنها «اخلاص» است؛ یعنی رعایت کردن وظیفه خدایی و دخالت ندادن منافع شخصی و گروهی و انگیزه‌های مادی در کار.

۲- اعتماد به خدا

صفت برجسته دیگر «اعتماد به خدا» ست. ظواهر حکم می‌کرد که این شعله در صحرای کربلا خاموش خواهد شد. چطور این را «فرزدق» شاعر می‌دید؛ اما امام حسین «علیه‌السلام» نمی‌دید؟! نصیحت کنندگانی که از کوفه می‌آمدند، می‌دیدند؛ اما حسین ابن علی «علیه‌السلام» که عین الله بود، نمی‌دید و نمی‌فهمید؟! ظواهر همین بود؛ ولی اعتماد به خدا حکم می‌کرد که علی‌رغم این ظواهر، یقین کند که حرف حق و سخن درست او غالب خواهد شد. اصل قضیه هم این است که تبت و هدف انسان تحقق پیدا کند. اگر هدف تحقق پیدا کرد، برای انسان با اخلاص، شخص خود او که مهم نیست.

یکی از بزرگان اهل سلوک و معرفت را دیدم در نامه‌ای نوشته است که اگر فرض کنیم - به فرض محال - همه کارهایی که نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم انجام داد و هدف او بود که آنها را انجام دهد، انجام می‌گرفت، منتها به نام یک کس دیگر، آیا در آن صورت پیامبر اسلام ناراضی بود؟ آیا می‌گفت که چون به نام دیگری است، نخواهم کرد؟ آیا این گونه بود؟ یا نه؛ هدف این است که آن کارها انجام گیرد؛ به نام چه کسی انجام گیرد، مهم نیست.

پس، هدف مهم است. «شخص» و «من» و «خود» برای انسان با اخلاص اهمیتی ندارد. اخلاص را دارد، اعتماد به خدا را هم دارد. می‌داند که خدای متعال حتماً این هدف را غالب خواهد کرد؛ چون فرموده است: «و انّ جندنا لهم الغالبون»^۱ خیلی از این جنودی که غالب‌اند، در میدان جهاد به خاک شهادت می‌افتند و از بین می‌روند؛ لیکن فرموده است: «و انّ جندنا لهم الغالبون»؛ درعین حال غلبه با آن‌هاست.

۳- موقعیت‌شناسی

خصوصیت سوم، شناختن «موقع» است. امام حسین «علیه‌السلام» در فهم «موقع» اشتباه نکرد. در قبل از حادثه کربلا، ده سال امامت و مسئولیت با او بود. آن حضرت در مدینه مشغول کارهای دیگری بود و کار کربلایی نمی‌کرد؛ اما به مجرد این که فرصت به او اجازه داد که آن کار مهم را انجام دهد، فرصت را شناخت و آن را چسبید؛ موقع را شناخت و آن را از دست نداد.

❖ امام (ره) نیز از این سه خصوصیت برخوردار بود

این سه خصوصیت، تعیین‌کننده است. در تمام ادوار نیز همین‌طور است؛ در انقلاب نیز همین‌گونه بود. امام ما هم که می‌بینید این قدر خدای متعال او را به مقام رفیع رساند - و رفعناه مکاناً علیاً^۲ - و علی‌رغم همه عوامل در سرتاسر دنیای مادیّت و استکبار که می‌خواستند او را محو کنند، به فراموشی دهند و کوچک کنند، او را حفظ و بزرگ کرد و ماندگار و جاودان نمود، علّت همین بود که این سه خصوصیت را داشت: اولاً با اخلاص بود و برای خود چیزی نمی‌خواست؛ ثانیاً به خدای خود اعتماد داشت و می‌دانست که کار و هدف، تحقق پیدا خواهد کرد - به بندگان خدا هم اعتماد داشت - ثالثاً زمان و «موقع» را از دست نداد. در لحظه لازم، اقدام لازم، صحبت لازم، اشاره لازم و حرکت لازم را کرد.

(۱) صفات ک ۱۷۳

(۲) مریم ک ۵۷

❖ دشمنان هنوز این انقلاب را درست نشناخته‌اند

انقلاب عظیمی اتفاق افتاد که هنوز هم دشمنان این انقلاب از گیجی آن خارج نشده‌اند و نمی‌توانند این انقلاب را درست بشناسند! من این را ادعا می‌کنم و می‌توانم ثابت کنم. از کارهایشان، از حرف‌هایشان، از تدابیری که به خیال خودشان برای نابود کردن انقلاب می‌اندیشند، درست معلوم می‌شود که این انقلاب را هنوز نشناخته‌اند. هفت گنبد گردون از این انقلاب پُر از صداست؛ اما آن کوتاه‌نظران سخن را به این مختصری گرفته‌اند که خیال می‌کنند با دو کلمه حرف و با یک اشاره و با یک لبخند، همه قضایا تمام شده است! ساده‌لوح‌تر از آنها، پیروان و مریدانشان هستند که گاهی در اینجا هم همان حرف‌ها را تکرار می‌کنند! به لبخند آنها، این بیچاره‌ها هم لبخند می‌زنند!

❖ این انقلاب بزرگ ریشه در دل‌ها دارد

این انقلاب، بزرگ است. این انقلاب، ریشه در دل‌ها و در تاریخ و در سطح جهان مادی امروز دارد. امروز ما مرتب در خبرها می‌خوانیم - مربوط به اوایل انقلاب نیست؛ همین امروز و در این برهه می‌خوانیم - که دنیای غرب، دنیای مسیحیت و دنیای مادیگری، گرایش به اسلام پیدا می‌کنند. اسلام از این کانون آنها را جذب می‌کند. این کانون در حال کمال فعالیت است؛ حال یک عده خیال می‌کنند این کانون خاموش شده است! حرف‌هایی می‌زنند که باب آن توهم ابلهانه و خنده‌آور است. حالا حرف‌هایی می‌گویند، بعد هم به‌زودی خواهند فهمید که اشتباه کرده‌اند.

❖ حرکت امام (ره) به خاطر آن سه عامل عمق پیدا کرد

بنابراین، حرکت امام به خاطر آن سه عامل عظیم - یعنی اخلاص، اعتماد به خدا و شناختن «موقع» و بهره‌برداری از آن - بود که این عمق را پیدا کرد و خیلی عمیق است. شما پاسداران هم همین‌طور باید حرکت کنید؛ که تا به حال هم همین‌گونه حرکت کرده‌اید.

❖ پاسداران نیز حضورشان در جبهه ناشی از اخلاص، اعتماد به خدا و موقعیت‌شناسی بود

درباره پاسداران باید عرض کنم: این‌ها کسانی هستند که علی‌رغم همه انگیزه‌هایی که در

دنیای مادی امروز برای جوانان وجود دارد، لباس عفاف و تقوا پوشیدند، به استقبال معنویات رفتند، برای خدا قدم در میدان گذاشتند و هر جا هر چه از وجودشان لازم بود - جانشان، سلامتی شان و حضورشان در میان خانواده؛ که این ها نعمت های خداست - همه را تقدیم کردند. بسیاری از این پاسداران و جوانان ما، کسانی هستند که بحمدالله سالمند. به شهادت نرسیدند و سلامتی شان را هم از دست نداده اند؛ اما در حکم شهدا هستند؛ زیرا آنجایی که حضورشان در جبهه و فعالیت آنها در میدان لازم بود، آن را به انقلاب و به ملت و به کشور و به خدا تقدیم کردند. این همان کاری است که این ها کردند؛ یعنی موقعیت و زمان را شناختند، به خدا اعتماد کردند و اخلاص هم ورزیدند.

❖ سپاه پاسداران مظهر کامل اخلاص

این شهدای بزرگ ما، همین شهدای عزیز، همین شهدای نام آور، برادران «زین الدین» - که مادر گرامی شان صحبت کردند - و بقیه سرداران شهید، روزی که قدم در این میدان گذاشتند، به این نیت نبودند که یک روز نام آنها پشت بلندگوهای عظیم این کشور و این دنیا برده شود؛ نه. مثل یک انسان معمولی به جبهه رفتند، برای این که وظیفه خودشان را انجام دهند. هر جا هم احساس کردند که آنجا وظیفه است، به آنجا رفتند. این اخلاص است. این اخلاص را امروز ملت ما با خود حمل می کند و دارد؛ مظهر کامل آن هم در مجموعه های جوان و مؤمنی است که یکی از بهترین و برجسته ترین آنها، مجموعه سپاه پاسداران است.

❖ مخالفت و موافقت با سپاهی که طیبه است، تأثیری ندارد.

از روز اوّل هم کسانی که با استقلال این کشور مخالف بودند، با این انقلاب مخالف بودند، با خارج شدن از سیطره استکبار مخالف بودند، با رفتن به سمت اسلام مخالف بودند، با عفت زنان و مردان مخالف بودند، با سلامت اخلاقی جوانان مخالف بودند و دل در هوای فساد فرهنگ های بیگانه داشتند، با سپاه مخالف بودند. مربوط به امروز نیست که عده ای خیال کنند کسانی با سپاه مخالفت می کنند؛ نه. آن کسانی که این خصوصیات را داشتند، از همان روزهای اوّل مخالف بودند. امروز هم که به تبع گذشت زمان در اوضاع و احوال عالم تغییراتی پیش آمده



و می‌آید، کسانی که کم‌ویش همان خصوصیات را دارند، باز هم با حضور سپاه، با بودن سپاه، با تدین سپاه و با موفقیت‌های سپاه در میدان‌های گوناگون مخالف‌اند. این بدیهی است و امر خلاف انتظاری نیست؛ لیکن مهم این است که وقتی کلمه‌ای، کلمه الهی و کلمه طیبه شد، مخالفت و موافقت تأثیری ندارد. اگر اساس درست بود - که بحمدالله درست است - وقتی راه روشن بود - که روشن است - وقتی اخلاص و ایمان در افراد بود - که بحمدالله در شما هست - اهمیتی ندارد که افراد چه بگویند و چه بیندارند. رهرو وقتی که وارد حرکت در جاده طولانی شد، آنچه لازم دارد، عزم و اراده است. لازم است تصمیم بگیرد که به سمت هدف برود. حالا یکی بگوید که این هست، یکی بگوید نیست، یکی بگوید اشتباه می‌کند. اگر در او این عزم و اراده وجود داشته باشد، این حرکت انجام خواهد گرفت و به پایان و سرمنزل خواهد رسید. این بحمدالله حاصل است.

❖ بسیج نیروی کارآمد کشور برای همه میدان‌ها

یک جمله هم در مورد بسیج عرض کنم. بعضی کسان خیال می‌کنند که «بسیج» یک سازمان نظامی، مثل سازمان‌های نظامی دیگر - یعنی ارتش و سپاه - است. این خطاست. بسیج، یعنی نیروی کارآمد کشور برای همه میدان‌ها. میدان جنگ مطرح بود، بسیج کارآمدی خود را ثابت کرد. میدان‌های دیگر هم که پیش بیاید - و تابه‌حال خیلی از آنها پیش آمده است - باز بسیج کارآمدی خود را اثبات می‌کند. همان جوان دل‌باخته و عاشقی که در میدان جنگ، چشم به دهان فرمانده داشت و فرمانده‌اش را از شدت اخلاص و فداکاری و شیف‌تگی خود متحیر می‌کرد، همان جوان وارد دانشگاه هم که می‌شود، استاد خود را متحیر می‌کند؛ وارد آزمایشگاه علمی هم که می‌شود، همین‌طور است؛ در میدان تحلیل سیاسی هم که وارد می‌شود، همین‌گونه است.

❖ مثل بسیج خودمان درجایی سراغ ندارم

بدانید که همه کشورها چنین چیزی را دارند؛ منتها به این برجستگی ندارند. در کشورهایی که در آنها ملت‌ها زنده‌اند - با کشورهایی که سیاست‌های غلطی آنها را اداره می‌کنند و ملت

میدانی ندارد، اراده‌ای ندارد، حضور و ارزشی ندارد، کار ندارم - در کشورهایی که مردم از نظر مسئولان نقشی دارند، همه‌جا چیزی شبیه بسیج هست؛ منتها به این درخشندگی، به این فراگیری، به این زیبایی و به این فداکاری، من درجایی سراغ ندارم. با اطلاعی که از کشورهای مختلف - چه گذشته نزدیکشان؛ تاریخ صدساله، دوست‌ساله دنیا و چه زمان حاضرشان - دارم، بنده مثل بسیج خودمان درجایی از دنیا سراغ ندارم.

❖ بسیج در همه قشرها هست

بسیج، به جوانان اختصاص نداشت؛ جوان و پیر، دوش‌به‌دوش در آن حرکت می‌کردند. پدر و پسر باهم می‌آمدند. گاهی پدربزرگ و نوه باهم می‌آمدند و امروز باهم هستند. بسیج، اختصاص به مردان نداشت؛ زن و مرد باهم بودند. نام و نشان در آن نقشی نداشت؛ مسئولیت مطرح بود. هر وقت که کشور گرهی داشته باشد، آن سرانگشتی که در درجه اول باید آن گره را باز کند، نیروی عظیم بسیج مردمی است. این بسیج در همه قشرها هست؛ در قشرهای جوان، در قشرهای پیر، در قشرهای دانشگاهی، در قشرهای دانشجویی، در قشرهای کارگری، در قشرهای کاسب و پیشه‌ور و در قشرهای روحانی. بسیج، اختصاص به یک منطقه جغرافیایی و یک منطقه انسانی و طبقاتی و قشری ندارد؛ همه‌جا هست.

❖ ایمان عاشقانه توأم با عواطف، عامل درخشان شدن بسیج

علّت این که در کشور ما بسیج این‌طور درخشان شد و شگفت چه بود؟ ایمان عاشقانه، ایمان عمیق، ایمان توأم با عواطف که از خصوصیات ملت ایران است. مثل بعضی از ملت‌های دیگر، عواطف در این ملت جوشان است؛ کلید بسیاری از مشکلات است. این ایمان با آن عواطف همراه شد و این رودخانه عظیم خروشان را به این دریای پهناور تبدیل کرد و مشکلات را در هرجایی که لازم بود، از بین برد. امروز هم هست، باید هم باشد، ادامه هم خواهد یافت و باید هم ادامه پیدا کند.



❖ تحلیل غلط دشمن از بسیج

در شرایط کنونی کشور، بعضی کسان با همان تفسیر غلطی که فکر می‌کنند بسیج یک مجموعه نظامی است، یا سپاه و ارتش و نیروهای نظامی، فقط در دوران جنگ حضورشان لازم است و بعد باید به کلی فراموش شوند و کنار بروند، با این تحلیل غلط معتقدند که همه ارزش‌های بسیجی، همه ارزش‌های خوب الهی - که بسیج مظهر آن است - بایستی از جامعه کنار برود! البته این تبلیغ دشمن است. وای به حال ملتی که گوشش به تبلیغ دشمن باشد. دشمن، خیر انسان را که نمی‌خواهد. دشمن اگر از شما تعریف هم بکند، بایستی نسبت به این تعریف سوءظن پیدا کنید. اگر بدگویی هم بکند، باید به آن بدگویی‌اش لبخند تمسخر بزنید. اگر بگوید وضعت خراب است، باید بدانی وضعت خوب است. اگر بگوید این راهی که می‌روی، غلط است، باید بدانی او از این راه صدمه می‌بیند. اگر از شما تعریف کند، باید به خودتان نگاه کنید و ببینید چه کار خلافی از شما سرزده که موجب خوشحالی اوست؛ البته اگر تعریف او واقعی باشد و کلکی در کار نباشد.

❖ استکبار با سه عامل مالی، نظامی، تبلیغی کار خود را پیش می‌برد

عزیزان من! امروز استکبار در همه جای دنیایی که می‌خواهد بر آن چنگ بیندازد، با سه عامل کار خود را پیش می‌برد و تلاش می‌کند. در این جایی که نشسته‌اید، تابه‌حال این سه عامل او کارگر نشده است. یک عامل، عامل مالی است؛ یک عامل، عامل نظامی است؛ یک عامل، عامل تبلیغی است.

۱- عامل مالی

به وسیله عامل مالی، انسان‌ها را می‌خرند. منظور من از عامل مالی این نیست که در اقتصاد کشورها دخالت می‌کنند. هیچ کشوری نمی‌تواند در اقتصاد کشور دیگر - اگر مردم آن کشور بیدار باشند - تأثیر بلند مدت و تعیین کننده داشته باشد. البته بله؛ اخلا لگري می‌کنند، خرابکاری می‌کنند، روی قیمت نفت اثر می‌گذارند، درآمد یک کشور را به نصف می‌رسانند؛ مثل این که الآن در شرایط کنونی در کشور ما این کارها را کرده‌اند. این نکته را هم من در همین جا عرض

کنم: بعضی کسان روی مسئله اقتصادی کنونی کشور، خیلی بزرگ‌نمایی و جنجال می‌کنند. خبری نیست، مسئله‌ای نیست. مگر ما ملتی هستیم که مشکل اقتصادی ندیده باشیم؟ مگر ما کشوری هستیم که درآمد کم مالی و نفتی و غیره در گذشته بیست‌ساله مان نباشد؟ در گذشته نیز همین‌طور بود؛ درآمدها کم می‌شد، زیاد می‌شد و مسئولان کشور و دل‌سوزان دولت، با پشتیبانی مردم و با همراهی قشرهای مختلف و با خودداری این توده عظیم مردم مؤمن ما، مشکلات را می‌گذراندند؛ امروز هم می‌گذرانند. این همان تأثیر عامل تبلیغی دشمن است که چون درآمد نفت کم شده است، پس دیگر ملت ایران باید بنشیند زانوی غم در بغل بگیرد! نه؛ این‌طور نیست.

پس، اگر ملتی بیدار باشد، زنده باشد، سرپا باشد، همت کند، اراده کند، اتحاد داشته باشد - بخصوص اتحاد و وحدت - پشت سر مسئولانش باشد، به کارگزاران کشورش اعتماد داشته باشد - شما به این کسانی که در رأس کار گذاشته‌اید، باید اعتماد کنید. مسئول دولتی است، اقدامی می‌کند، کاری انجام می‌دهد، باید به او اعتماد کنید، تا بتواند کارش را پیش ببرد - با این خصوصیات در امر اقتصادی کشورش نمی‌تواند تأثیرات بلند مدت بگذارد. ضربه وارد می‌کنند؛ اما یک ملت زنده، ضربه اقتصادی را هم مثل ضربه شمشیر، مثل ضربه گلوله، خرد می‌کند، از بین می‌برد، اثرش هم باقی نمی‌ماند. عامل مالی که عرض کردم، یعنی رشوه. عناصر ضعیف را می‌خرند. با عامل مالی، استکبار، انسان‌های پول‌دوست را در دنیا برده خود می‌کند. امروز این کار در دنیا رایج است. دست در کیسه فتوت خودشان - فتوت شیطانی - می‌کنند، کسانی را که دهان‌هایشان برای مال دنیا باز است، شناسایی نموده و با پول می‌خرند و اسیر خودشان می‌کنند! در بسیاری از کشورهای دنیا، این صدمه بزرگ را به ملت‌ها زدند. آدم‌های طماع، شکم‌پرست و پول‌دوست را با این متاع بی‌ارزش - یعنی پول - خریدند و ملک خودشان کردند!



۲- عامل نظامی

عامل دیگر، عامل نظامی است که وسیله تهدید است. تا دو نفر در گوشه‌ای از دنیا حرفشان می‌شود، ناوگان امریکا به آن طرف راه می‌افتد و تهدید می‌کند! سال‌های متمادی است که ناوگان امریکا در خلیج فارس است؛ چند نفر از ملت ایران از این ناوگان ترسیدند؟ چند نفرشان از ترس خود را مخفی کردند؟ چند نفر از مسئولان کشور از ترس ناوگان امریکا، حرف خودشان را پس گرفتند؟ ملت‌های زنده که نمی‌ترسند. ملت مؤمن که نمی‌ترسد. دلی که باایمان است، به این چیزها اعتنایی ندارد. آدم‌های ترسو، آدم‌های بی‌ایمان، آدم‌های جبون و انسان‌های نالایق، این ناوگان‌ها و این تهدیدها برایشان ترس دارد و می‌ترسند.

۳- عامل تبلیغات

عامل سوم، عامل تبلیغات است. سعی می‌کنند دل‌ها را بفرینند و حقایق را قلب کنند. عزیزان من! بدانید، اول کاری هم که در کشورها می‌کنند، این است که کانون‌های حقیقی صدق و صفا را در زیر سؤال ببرند؛ رسانه‌های صادق را زیر سؤال ببرند؛ انسان‌های مؤمن را زیر سؤال ببرند؛ تهمت‌ها بزنند؛ مردم را مردّد کنند؛ دل‌ها را بربایند و حقایق را قلب کنند. امروز استکبار با این سه عامل در دنیا کار می‌کند.

❖ ایمان با بصیرت، راه مقابله با عوامل نفوذ دشمن

حربه مقابله با این سه عامل چیست؟ فکر کنید، ببینید برای مقابله با عامل پول که انسان‌ها را برده می‌کند، با عامل سلاح که انسان‌ها را می‌ترساند و مرعوب می‌کند و با عامل تبلیغات که انسان‌ها را خام می‌کند و فریب می‌دهد، چه کار باید کرد. چه چیزی می‌تواند در مقابل این‌ها بایستد؟ ایمان روشن، ایمان با بصیرت. این همان چیزی است که ملت ما دارد و از اول انقلاب هم داشته است؛ همان چیزی است که بسیجی به آن متمیز است.

❖ ملت ما به برکت اسلام؛ طلسم سلطه بیگانه و امریکا را شکست

مسئله در کشور ما این است که این ملت به برکت اسلام توانسته است یک طلسم غیرقابل شکست را بشکند؛ طلسم سلطه بیگانه، سلطه امریکا. بعضی از کشورها هستند که از سلطه

امریکا می‌نالد؛ اما نمی‌توانند آن را از بین ببرند. شما خیال نکنید کشورهایی که زیر سلطه امریکایند، همه مردم و حتی دولت‌هایشان خوشحال‌اند - البته بعضی خوشحال‌اند؛ چون منافعتشان در این است و رشوه می‌گیرند - خیلی از آنها ناراحت‌اند و نمی‌توانند این بختک افتاده روی بدنشان - این لاشه سنگین تسلط امریکا - را از بین ببرند؛ اما این ملت توانسته است کلاً این طلسم را بشکند و دست دشمن را کوتاه کند.

❖ ملت، دولت و بسیج مقابل سلطه ایستاده‌اند

ایران جای حساسی است؛ سرشار از منابع غنی است؛ سرشار از ثروت است؛ سرشار از ثروت فرهنگی است و موقعیت بسیار مهم سوق‌الجیشی دارد؛ لذا به این آسانی دلشان نمی‌آید که از آن دست بکشند. تلاش می‌کنند که برگردند و مجدداً سلطه پیدا کنند و همان منافع نامشروع را از این کشور ببرند. پول و عامل نظامی و عامل تبلیغاتی را به کار انداخته‌اند. ملت هم ایستاده است، بسیج هم ایستاده است، نیروهای مؤمن هم ایستاده‌اند، دولت هم ایستاده است، مسئولان هم ایستاده‌اند؛ همه ایستاده‌اند.

❖ حقیقت بسیج؛ فهم با بصیرت از اسلام

مگر امروز کسی جرئت می‌کند برخلاف نظر این مردم - که اسلام را می‌خواهند و با دشمن اسلام دشمن‌اند - حرکتی انجام دهد؟ امروز همه جوانان ما، پیران ما، دانشجویان ما، روحانیون ما، بزرگان ما، کوچکان ما و قشرهای مختلف ما - مگر من شد و نداری که دل به زندگی‌های رنگ و لعابی دروغین غرب بسته باشند - فهمیده‌اند که سعادتشان در این است که اسلام را با بصیرت و با روشن‌بینی و خردمندی بفهمند و آن را چه کار گیرند تا بتوانند از دشمنی‌ها بکاهند، دشمنی‌ها را دفع کنند. این همان بسیج است؛ حقیقت بسیج یعنی این. ارتش بیست میلیونی که امام فرمودند، یعنی این.



❖ مشکل ایران اسلامی برای استکبار و امریکا حل‌شدنی نیست

بدانید که مشکل ایران اسلامی برای استکبار و برای امریکا حل‌نشده است و حل هم نخواهد شد. این تبلیغاتی که بعضی از مطبوعات و رسانه‌ها در گوشه و کنار به شکل‌های مختلف می‌کنند، ملاک نیست. همان‌طور که گفتیم، از آن سه عامل استفاده می‌شود؛ برای همین تبلیغات هم استفاده می‌شود. تبلیغاتی که عده‌ای بخواهند ملتی را به اسارت تشویق کنند. از این ابلهانه‌تر حرفی هست؟ یک ملت را به زیر بار بردن و زیردست کردن. یک قدرت استکباری ظالم را به آقایی و سروری پذیرفتن! آیا این حرفی است که یک ملت بتواند آن را بزند، یا یک انسان سالم بتواند آن را بیان کند؟ البته بعضی گروهک‌های سیاسی هستند که دنبال مقاصد سیاسی خودشان‌اند؛ حرف‌هایی می‌زنند و بعضی هم طوطی صفت حرف‌های آنها را تکرار می‌کنند. این نمی‌تواند حرف مجموعه‌های سالم و صحیح و قوی باشد.

سعادت و استقلال کشور «تمسک و عمل به اسلام»، «وحدت کلمه» و «شناختن دشمن» است؛ امروز استقلال این کشور در تمسک به اسلام و عمل به اسلام، در وحدت کلمه و در شناختن دشمن است، که دشمن ایران هم امروز استکبار است و رأس استکبار هم امریکا است. این است راه سعادت این ملت. این ملت این راه سعادت را خواهد رفت و همه هم وظیفه‌دارند که با آنچه که نیاز این زمان است، خود را آشنا کنند و به آن پاسخ بگویند. در همه نیروهای فرهنگی و فکری، نیروهای علمی و نیروهای هنری هم این نیروی عظیم بسیج مردمی می‌تواند پیشرو باشد؛ چون جوان است، چون بانشاط است، چون از متن مردم است. همه نیروهای مؤمن وظیفه‌دارند که به خدا توکل و اعتماد کنند. راه روشن و منوری که امام بزرگوار بر روی این ملت گشوده است، این راه را ان‌شاءالله دنبال کنند؛ خدای متعال هم به آنها برکت خواهد داد، آنها را کمک و پیروز خواهد کرد و ان‌شاءالله به اهداف عالیه‌شان خواهد رساند و قلب مقدس و لیعصر ارواحنافداه را از آنها راضی خواهد کرد.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی ۲۵/۹/۱۳۷۷

۱. خصوصیت جوانی، خصوصیت خیلی مهمی است
۲. بسیاری از مردم در برهه جوانی دچار خسارت می‌شوند
۳. بزرگ‌ترین هنر این انقلاب تربیت جوانانی پاک و نورانی
۴. جوانانی که تحت تأثیر عظمت امواج نورانی جوانان ایرانی قرار گرفتند
۵. جوان ایرانی توانست در زیر سایه انقلاب خصوصیات جوانی را حفظ کند
۶. جوان مسلمان ایرانی، شخصیت پیدا کرد
۷. انقلاب مثل اکسیر جوان ایرانی را عوض نمود
۸. انقلاب ارزش‌ها چیزهایی که برای یک جوان، مهم است تغییر می‌دهد
۹. جوانی، گوهر گران‌بهایی که بی‌ارزش شده بود
۱۰. جوانی اگر نقطه‌ی فتح‌الفتوح انقلاب است، فتح‌الفتوح استکبار هم است
۱۱. حرکت مؤمنانه‌ی انقلابی بسیج دانشجویی
۱۲. برای تداوم راه انقلاب بسیج شوید
۱۳. انقلاب یک بنای مبارک و شجره‌ی طیبه‌ای است
۱۴. جوانان عزیز ارتباطتان را با خدا روز به روز قوی‌تر کنید
۱۵. تودهنی محکم ایران به فرهنگ استکباری



بسم الله الرحمن الرحيم

❖ خصوصیت جوانی، خصوصیت خیلی مهمی است

خیلی خوش آمدید. از خداوند متعال درخواست می‌کنم که دل‌های نورانی و جان‌های پاک شما را با تفضلات معنوی و با هدایت و لطف و توفیق خود، نورانی‌تر کند. شاید خدای متعال در بین پدیده‌های ظاهری انسانی، از لحاظ زیبایی، هیچ پدیده‌ای مثل جوانی نیافریده باشد. در خصوصیات مادی زندگی انسان، بعد از نعمت حیات، خصوصیت جوانی، خصوصیت خیلی مهمی است. لذا شما ببینید در روایات ما مکرر آمده است که خدای متعال در روز قیامت نمی‌گذارد هیچ انسانی قدم از قدم بردارد، مگر این که درباره‌ی چهار چیز از او سؤال و مؤاخذه می‌کند. یکی از آن چهار چیز جوانی است؛ «جوانی را چگونه و در کجا صرف کردید؟

❖ بسیاری از مردم در برهه جوانی دچار خسارت می‌شوند

خدای متعال، این منبع عظیم انرژی و توان را که در یک برهه از عمر، به همه‌ی انسان‌ها داده می‌شود - بی‌استثنا همه از این دوره‌ی زرین زندگی عبور می‌کنند - جهت ذخیره‌سازی و ایجاد قاعده‌ی مستحکمی برای زندگی سعادت‌مند قرار داده است. بعد که از این دوره گذشتید، همت کارهای بزرگ در انسان تقلیل می‌یابد؛ توانش هم در انسان کم می‌شود؛ انسان نمی‌تواند کارهای زیربنایی را انجام دهد و شخصیت‌سازی و خودسازی برایش، دشوار می‌گردد. البته خدای متعال هیچ چیز را برای بشر - با این قدرت عظیمی که به او داده - محال نکرده است. بالاخره هر کسی تا آخر عمر می‌تواند انواع کارها و تلاش‌های بزرگ را انجام دهد؛ اما دشوار شدن کار بعد از دوره‌ی جوانی و روانی و آسانی آن در دوران جوانی، یک حقیقت مهم است. بسیاری از مردم دنیا در طول تاریخ، در این برهه دچار خسارت می‌شوند؛ یعنی جوانی را که



سرمایه‌ای زایل شدنی است، خرج می‌کنند، بدون این که با این خرج، سرمایه‌گذاری مهمی برای آینده‌ی زندگی خودشان بکنند. بعضی به غفلت، بعضی به شهوات، بعضی به برخی از امور مفید، اما بدون رعایت صلاح معنوی و روحی خودشان، آن را صرف می‌کنند.

❖ بزرگ‌ترین هنر این انقلاب تربیت جوانانی پاک و نورانی

بزرگ‌ترین هنر این انقلاب که امام آن را فتح‌الفتوح انقلاب دانستند، این بود که توانست جوانانی را تربیت کند که در دنیای مادی آلوده و از لحاظ اخلاقی، لجن‌زار، انسان‌هایی بادل‌های پاک و نورانی و با تصمیم‌های راسخ باشند و هوشمندانه و خردمندانه، راه بزرگان بشریت و راه سعادت بشر را انتخاب کنند. هنوز زود است؛ هنوز آن‌قدری زمان نگذشته است که انسان بتواند چهره‌های منور جوانان این کشور را آن‌چنان که هست - با همان درخشندگی - ببیند؛ اگرچه از دور می‌بینند! از دور بافاصله‌های مکانی، تلاؤی جوانان ما دل‌هایی را در دنیای اسلام منقلب کرد.

❖ جوانانی که تحت تأثیر عظمت امواج نورانی جوانان ایرانی قرار گرفتند

در کشورهایی که اسمشان اسلامی بود، اما از گرایش و میل و عزت اسلامی، هیچ خبری در آنها نبود، دختران و پسران بدون این که ایران و ایرانی و امام ایران و جوانان ایرانی را دیده باشند، با امواج نورانی‌ای که جوانان ایرانی فرستادند، منقلب شدند.

در سال‌های اواسط دهه‌ی شصت در سفر به یکی از کشورهای عربی که به شدت تحت تأثیر فرهنگ منحن‌غرب قرار داشت، من در خیابان‌ها به چشم خود دیدم که سبک لباس پوشیدن دختران و پسران، سبک جوان‌های حزب‌اللهی ماست؛ درحالی که آنها به ایران نیامده بودند و از تلویزیون‌ها و از بعضی خبرها توانسته بودند جوان ایرانی را از دور ببینند و تحت تأثیر عظمت او قرار گیرند.

❖ جوان ایرانی توانست در زیر سایه‌ی انقلاب خصوصیات جوانی را حفظ کند

جوان ایرانی توانست در زیر سایه‌ی انقلاب، چیزهایی را که جزو زیبایی‌های حقیقی او بود، برای خود حفظ و آنها را مضاعف کند؛ مثل هوشمندی، زرنگی، فعالیت، جلالت،

شجاعت و اقدام. این‌ها مال جوان ایرانی است. همین‌طور چیزهایی را که در طول یک قرن یا بیشتر، با وسایل فکری، با وسایل گوناگون اقتصادی و سیاسی و استعماری کار کرده بودند که به او تزریق کنند تا آن زیبایی‌ها تحت الشعاع قرار گیرد - مثل مدها و عادت‌های غلط، اعتیادهای مرگبار و معاشرت‌های به‌شدت مضر - توانست رها سازد و از خودش دور کند.

❖ جوان مسلمان ایرانی، شخصیت پیدا کرد

روزگاری یک جوان در دنیای اسلام، درحالی که نمازش در حال قضا شدن بود، خجالت می‌کشید درملاءعام بایستد نماز بخواند! جوان ایرانی کاری کرد که در شلوغ‌ترین فرودگاه‌های دنیا و در مراکز فساد و بی‌بندوباری و بی‌اعتنایی به مذهب، گاهی سه نفر، پنج نفر جوان حزب‌اللهی - به هر جهتی که آنجا بودند - اوّل وقت اذان می‌گفتند! نمی‌گفتند آخر وقت که به تهران برسیم، نماز می‌خوانیم؛ همان‌جا اوّل وقت در فرودگاه، به نماز می‌ایستادند و تکریم و تعظیم دل‌ها و احترام حقیقی را از همه سو به‌طرف خودشان جلب می‌کردند. من بعضی این‌ها را به چشم خودم دیدم؛ بعضی‌ها را هم از گزارش‌هایی نقل می‌کنم که مثل این است که به چشم خودم دیده باشم! جوان مسلمان، شخصیت پیدا کرد.

❖ انقلاب مثل اکسیر جوان ایرانی را عوض نمود

دوره‌ی اوّل شهدای دفاع مقدس - تا سال‌های شصت و یک و شصت و دو - که خیلی جوانان دانشجو و کارگر و کاسب و طلبه به میدان‌های دفاع مقدس می‌رفتند و به شهادت می‌رسیدند، چهره‌های نورانی‌شان در این عکس‌ها دیده می‌شد. من یک‌وقت بر سر بحثی در قضیه‌ی انقلاب فرهنگی و مسائل دانشگاه‌ها، به دوستان آن روز ستاد انقلاب فرهنگی گفتم: به داخل خانه‌های همین چهره‌های منور شهدای حزب‌الله بروید و بگوئید آلبوم عکس‌های چهار، پنج سال پیش آنها را بیاورند و به شما نشان دهند! بنده خودم این کار را نسبت به بعضی‌ها کرده بودم؛ دارای چهره‌های عجیب و غریب، موها و آرایش‌های گوناگون! گفتم: این جوانی که امروز اسوه‌ی دین و تقوا و معنویت است، همانی است که عکسش را در آن آلبوم می‌بینید! چهار، پنج سال پیش، آرایشش، نگاه کردن و مدگرایی‌اش، مثل یک مقلد محض نسبت به

فرهنگ منحنی و فاسد غربی بود و مثل یک موجود پوک، هیچ چیز از درخشش های انسانی را که آدم دوست می دارد در یک جوان ببیند، در او نبود!

گفتم: این ها همان ها هستند که انقلاب مثل کیمیا، مثل اکسیر و ماده ای که با زحمت به دست می آید - اما به دست می آید - مس وجودشان را تبدیل به طلا کرد. این انقلاب، آن اکسیر بود؛ مس ها را طلا و فلزها و ظرفیت ها را عوض نمود. جوان انقلاب، این گونه بود.

درست مثل همان کاری که پیامبر در صدر اسلام کرد. وقتی «مصعب بن عمیر» در جنگ اُحد شهید شد، پیامبر بالای سر او آمد و گریه کرد - طبق آنچه که در روایت و تاریخ هست - و به اصحابش گفت: این جوان در مکه - البته قبل از مسلمان شدنش - بهترین و زیباترین و فاخرترین لباس ها را می پوشید و با زیباترین آرایش ها می خرامید (به تعبیر من) و همه ی مرد و زن مکه به او نگاه می کردند. جوانی طبق ارزش های جاهلی و غرق در همان ارزش ها که همه ی همتش در آن روز این بود که لباس زیباتر و فاخرتری بپوشد و چهره ی جذاب تری داشته باشد. اسلام، این جوان را منقلب و تبدیل به یک قهرمان و یک آدم معنادار کرد. مدت ها قبل از آن هم که پیامبر از مکه به مدینه هجرت کند، برای این که یثربی های آن روز، قرآن یاد بگیرند، این جوان را فرستاد. پیرمرد هم دوروبر خود داشت، ولی این جوان را فرستاد و او معلّم قرآن اهل یثرب شد! در جنگ اُحد هم به شهادت رسید. روی خاک های داغ بیابان افتاده بود؛ پیامبر ایستاد، به جسد مطهر او نگرست و بنا کرد گریه کردن!

❖ انقلاب ارزش ها چیزهایی که برای یک جوان، مهم است تغییر می دهد

این انقلاب است؛ انقلاب ارزش ها یعنی این؛ یعنی آن چیزهایی را که برای یک جوان، مهم است تغییر می دهد. برای یک جوان، مهم این بود که فلان عطر را بزند، فلان نوع کفش را بپوشد، موهایش را فلان طور آرایش کند و در فلان خیابان، یک ساعت، دو ساعت راه برود! نه به فکر پیشرفت و آبادانی کشور، نه به فکر پر کردن شکم فقرا، نه به فکر اندکی سروسوورت دادن به اوضاع کشور، نه به فکر اندکی آباد کردن و نورانی کردن دل خود! غرق در همین

مسائل مادی که نقطه‌ی اوجش - فرضاً - یک شهوترانی در امور جنسی، یا در امور خوراکی بود!

❖ جوانی، گوهر گران‌بایی که بی‌ارزش شده بود

عزیزان من! جوانی این گونه می‌گذشت و انقلاب آن را تبدیل کرد. مثل این که گوهر گران‌قیمتی به دست یک مشت بچه‌ی نادان بیفتد؛ در کوچه‌ها و خیابان‌ها با آن تیل‌بازی کنند، بعد کسی بیاید و آن را تمیز و قیمت‌گذاری کند و در جای مناسب خودش مصرف نماید. این جوانی همان گوهر گران‌بایی بود که در فرهنگ و رژیم گذشته، بر اثر تبعیت کورکورانه از فرهنگ غربی، بی‌ارزش شده بود. مصلحت‌سیاستمداران آن روز این نبود که جوانان فکر کنند، چیزی بفهمند و در راه حقیقی، در راه اصالت‌ها، در راه خدا، در راه معنویت و در راه خودسازی حرکتی کنند و برایشان مایه‌ی دردسر بود. لذا استقبال می‌کردند که جوانان به فساد گرایش پیدا کنند.

❖ جوانی اگر نقطه‌ی فتح‌الفتوح انقلاب است، فتح‌الفتوح استکبار هم است

انقلاب آمد و آن گوهر را به جوانان شناساند. جنگ تحمیلی هم می‌دانی برای بروز این گوهر تابناک در وجود جوانان شد و الحمدلله بعد از جنگ هم ادامه پیدا کرده است. من به شما می‌گویم بدانید که دشمن، همین نقطه را هدف قرار داده است! اگر نورانی کردن جوانان و متوجه کردن آنها به اهمیت مصرف کردن جوانی در راه ارزش‌های والا، نقطه‌ی فتح‌الفتوح انقلاب است، فتح‌الفتوح استکبار و ضد حمله‌ی استکبار هم این است که همین نقطه را از جوانان بگیرد؛ باز جوانان را سرگرم فساد، آلودگی، بدفهمی و بحث‌های پوچ و بیهوده‌ی شبه‌فلسفی کند که هیچ حقیقی پشت سرش نیست و فقط برای گفتگو کردن و سر و کله زدن و ساعتی وقت گذراندن - بدون این که هیچ فایده‌ای در آن باشد - و غافل کردن آنها از حقیقت، از راه زندگی، از آرمان‌های انقلاب و از انتظاری که این ملت و انقلاب از جوانان دارد، به کار می‌رود! اگر العیاذبالله، استکبار بتواند - که نخواهد توانست - مطمئناً نمی‌گذارد دل‌های پاک و فکرهای مصمم و اراده‌های نیرومندی که بحمدالله در کشور ما هم فراوان



است، به دشمن فائق آیند. بعضی را دچار آلودگی اخلاقی، بعضی را دچار آلودگی ذهنی، بعضی را دچار دغدغه، دچار افسردگی و دچار نومیدی می‌کند. هرکسی را به یک نحوی مشغول می‌کند و سعی دارد این نسل جوان شادابی را که انقلاب به میدان آورد، از میدان پراکنده کند.

❖ حرکت مؤمنانه‌ی انقلابی نسل جوان دانشجو

شما جوانان دانشجو و مؤمن؛ شما جوانان بسیج دانشجویی، به این نکته توجه کنید. من در آن پیام هم گفتم - بارها گفته‌ام - بسیج دانشجویی یعنی آن حرکت مؤمنانه‌ی انقلابی نسل جوان دانشجو. این معنای بسیج دانشجویی است. اگر نسل جوان دانشجو بخواهد یک حرکت مؤمنانه‌ی انقلابی انجام دهد، معنایش بسیج شدن این قشر در راه خداست. البته امروز جنگ نداریم؛ لذا این بسیج، ماهیت و هویت نظامی پیدا نمی‌کند.

❖ برای تداوم راه انقلاب بسیج شوید

برای تداوم راه انقلاب، برای عمق بخشیدن به فکر انقلاب و به این اندیشه‌ی بلند و بزرگ، بسیج شوید. فلسفه‌ی انقلاب، یک بنای فکری شامخ است؛ بنایی فکری و دارای آن‌قدر استحکام که توانست یک نظام را که بزرگ‌ترین قدرت‌های دنیا پشتیبانش بودند، منهدم و زیرو رو کند، یک نظام نو به وجود آورد و تمام کسانی را که در دنیای امروز، چیزی شبیه آن نظام منهدم شده دارند، به خود بلرزاند! آری؛ به خود لرزیدند. این است که هنوز هم که هنوز است، تا حرف می‌زنند، می‌گویند جلو این صدور انقلاب را بگیرید؛ ما از این صدور انقلاب، خیلی می‌ترسیم! این یعنی چه؟ یعنی این که فلسفه‌ی مستحکم قوی خوش‌بنیه‌ی اسلامی و الهی و قرآنی، همه‌ی کسانی را که وجه مشترک زیادی با آن نظام دارند - که این فلسفه، آن را منهدم کرده است - به خود می‌لرزاند! یک چنین چیزی است.

❖ انقلاب یک بنای مبارک و شجره‌ی طیبه‌ای است

این را به‌روشنی دریابید؛ اعتقاد و ایمان به آن را در دل‌های خودتان و در دل‌های دیگران، عمیق کنید و بدانید آینده‌ی این کشور و آینده‌ی این قرن، متعلق به اسلام و قرآن است.



دشمنان خیال نکنند که خواهند توانست سروته این انقلاب را که چند سالی است اسباب زحمتشان شده است، به گونه‌ای جمع کنند؛ نخیر، این گونه نیست. این یک بنای مبارک و شجره‌ی طیبه‌ای است که «اصلها ثابت و فرعها فی السماء تؤتی اکلها کل حین باذن ربّها».^۱

❖ جوانان عزیز ارتباطتان را با خدا روزه‌روز قوی‌تر کنید

من شما جوانان عزیز - چه پسران و چه دختران - را دوست دارم. شما دانشجویان روی این مسائل فکر کنید. بحمدالله امکان هم برای شما فراهم است. همین تلاش را که دوستان کردند، با زحمات و درواقع با رهبری و تعلیم حضرت آقای مصباح (دامت برکاته) - که وجود شریف ایشان، واقعاً از مفاخر زمان ما و از برکات خدا بر ملت و بر حوزه‌ها و بر جوانان ماست - قدر بدانید و دنبال کنید. این فکرها را در خود تعمیق نمایید. ارتباطتان را با خدا روزه‌روز قوی‌تر و در منابع دینی تأمل کنید. فکر کنید، کار کنید؛ خدا هم کمک خواهد کرد.

❖ تودهنی محکم ایران به فرهنگ استکباری

عزیزان من! ان شاء الله بنای آینده‌ی این کشور بر روی دوش شماست و آن که تعیین کننده است، شما هستید، نه امواج فرهنگ آمریکایی و استکباری و غربی و امثال این‌ها که مرتب می‌خواهند موج بفرستند و به خیال خودشان با امواج، اینجا را آن‌طور که می‌خواهند بسازند! نخیر، همچنانی که در گذشته خطا کردند و این ملت را نشناختند و تودهنی خوردند، در این برهه و این مرحله هم این ملت را نمی‌شناسند؛ خطا می‌کنند و ان شاء الله باز هم از این ملت، تودهنی محکم خواهند خورد

و السّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته



بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۰/۶/۱۳۷۸

۱. ایام فاطمیه، دعوت دل‌ها به تدبیر
۲. یاد شهیدان، راهنما و شاخص حرکت نظام اسلامی
۳. جوانان بسیجی، زبدگان جامعه
۴. امنیت نعمتی بزرگ
۵. میزان اهمیت امنیت
۶. فشار ناامنی از سوی دشمن
۷. اعاده امنیت
۸. انکار بسیج، نابخردانه یا خائنانه
۹. مفهوم امنیت اقتصادی
۱۰. مفهوم امنیت سیاسی
۱۱. انکار ضروریات اسلام نوعی ناامنی سیاسی
۱۲. اراده ملت برای استقرار نظام اسلامی
۱۳. حرکت در جهت تهذیب نفس و زندگی



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. والصلاة والسلام على سيدنا و نبينا و حبيب قلوبنا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الأطيبين الأطهرين المنتجبين. الهداة المهديين المعصومين المكرمين. سيما بقیة الله فی الارضین.

❖ ایام فاطمیه، دعوت دل‌ها به تدبیر

هم ایام فاطمیه و یاد گرامی بانوی دو عالم، سیده زنان از اولین و آخرین، حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها مناسبتی است که دل‌ها و ذهن‌ها را به تدبیر در مسائل فراوانی که امروز در پیش روی امت اسلام است، دعوت می‌کند، و هم بخصوص آنچه که مربوط به این استان و این منطقه است.

❖ یاد شهیدان، راهنما و شاخص حرکت نظام اسلامی

امروز، سالروز شهادت شهید کاوه، یکی از سرداران عزیز، مؤمن، معصوم و جان‌برکف این مجموعه خدمتگزار و پرشور است. البته ما نمی‌توانیم درباره‌ی شهدای عزیزی که هر کدام از آنها حقیقتاً ستاره درخشانی در تاریخ و در آسمان معارف این ملت محسوب می‌شوند، خیلی سخن بگوییم و حقایقی که به آنها دسترسی نداریم، بیان کنیم. مقام شهیدان، بسیار والاتر از آن است که ذهن‌ها و دل‌ها و زبان‌های ما بتواند به آن برسد؛ ولی همین اظهار نام این بزرگواران، امروز، هم وظیفه است، هم برای دل‌بستگان به حرکت اسلامی و نظام اسلامی، یک راهنما و یک شاخص است.



❖ جوانان بسیجی، زبدگان جامعه

قبل از هر سخنی، من لازم می‌دانم از یکایک شما برادران و خواهران عزیز تشکر کنم که امروز این اجتماع عظیم را تشکیل دادید؛ شما جوانان بسیجی و سپاهی و جوانان مؤمن که آگاهی را با احساس مسئولیت و شور و شعور همراه کردید. شما صفوه و زبده جوانان این روزگار و جامعه ما هستید؛ کما این که جوانان کشور ما، امروز مجموعاً بهترین جوانان کشورهای جهان - تا آنجایی که ما می‌شناسیم - هستند. لازم است تشکر و اخلاص خودم را به شما جوانان عزیز و این مجموعه

مؤمن و پرشور عرض کنم. البته بهانه‌ی دیدار ما این بود که برادران سپاهی و بسیجی در این بخش از مرزهای طولانی، توانسته‌اند خدمت بزرگی انجام دهند و امنیت ایجاد کنند. بحث امنیت، بحث مهمی است و من لازم دانستم از نیروهایی که در ماه‌های گذشته، با زحمات فراوان و فداکاری‌های ارزنده و برجسته توانستند اعاده امنیت کنند و به برکت آنها در این منطقه امنیت مستقر شود، تشکر کنم. این اجتماع عظیم شما، بنده را وادار می‌کند که درباره امنیت - که امروز یکی از مقولات اساسی جامعه و کشور ماست - چند کلمه‌ای عرض کنم:

❖ امنیت نعمتی بزرگ

امنیت، نعمت بزرگی است. در قرآن هم راجع به امن و امنیت سخن رفته است. در هر جامعه‌ای، زمینه لازم برای پیشرفت‌های مادی و معنوی، امنیت است. البته افراد برجسته‌ای هستند که در فضاها و ناامن هم کارهای بزرگی انجام می‌دهند؛ در زیر فشار اختناق رژیم‌های ظالم و ستمگر - همان گونه که قبل از انقلاب در این کشور بود - کسانی بودند که در همان ناامنی هم کارهای بزرگی می‌کردند؛ لیکن شرط حرکت عظیم اجتماعی برای یک ملت، در درجه‌ی اول «امنیت» است. امنیت هم انواعی دارد؛ یکی از آنها امنیت نظامی و انتظامی است که شما ملاحظه می‌کنید در بعضی از مناطق عالم، از لحاظ نظامی و انتظامی ناامنی هست. این، بخشی از مقوله امنیت است. امنیت سیاسی و اقتصادی و فکری و عقیدتی هم داریم که همه این‌ها مقولات بسیار بااهمیتی است. من سرفصل‌ها و جملاتی را عرض می‌کنم که لازم است



شما جوانان عزیز، ذهن و فکر خودتان را وارد این مقوله کنید تا ان شاء الله برای استنتاج‌های کلی تان مفید باشد.

❖ میزان اهمیت امنیت

اگر بخواهیم درست تشخیص دهیم که برای پیشرفت یک کشور، امنیت چقدر اهمیت دارد، از برخورد دشمن با مقوله امنیت، می‌شود این را فهمید. وقتی انقلاب پیروز شد، درواقع یک مانع بزرگ از مقابل ملت ایران برداشته شد که بتواند در میدان‌هایی که در طول صدسال، صدوپنجاه سال عقب مانده بود، جبران عقب‌ماندگی‌های گذشته را بکند. نظام اسلامی آماده بود که هدایت مردم را در پیشرفت در همه این میدان‌ها بر عهده گیرد و ملت ایران در زمینه علم و صنعت و خودکفایی و در زمینه مسائل فکری و عملی و مادی و معنوی، به حرکت عظیمی دست بزند و آن را شروع کند. اولین کاری که دشمنان برای سنگ‌اندازی در این راه انجام دادند، ایجاد ناامنی بود یعنی مرزهای ما را ناامن کردند. ببینید این نکته خیلی اساسی و مهمی بود. همان دشمنانی که انقلاب علیه آنها بود؛ همان قدرت‌هایی که تا آنجا که توانسته بودند، سعی کرده بودند نگذارند این انقلاب پیروز شود، بعد از آن که انقلاب پیروز شد، برای مقابله با آن، از حربه ایجاد ناامنی علیه این ملت و این انقلاب استفاده می‌کردند. در درجه اول، در این منطقه نزدیک خراسان - حدود ترکمنستان - و در منطقه کردستان و غرب و شمال کشور و نیز مناطق دیگری در جنوب - منطقه خوزستان - با تحریک قومیت‌ها، شروع به مفسده‌انگیزی و ایجاد ناامنی کردند؛ ولی نظام اسلامی بر این‌ها فائق آمد. آن روز همین بسیجیان و همین جوانان مؤمن مثل شما، به همین مناطق گوناگون - چه در خراسان و چه در مناطق دیگر - رفتند، سینه سپر کردند، فداکاری نمودند و توانستند امنیت را برگردانند؛ یعنی درواقع توانستند ریشه فتنه را در مناطقی خشک کنند. دشمنان قبلاً فکر می‌کردند که با ایجاد ناامنی خواهند توانست انقلاب را به‌زانو درآورند؛ اما دیدند که نشد. لذا جنگ را تحمیل کردند. ناامنی‌ای که از یک جنگ تمام‌عیار برای کشور به وجود می‌آید، خسارت‌بارترین و سخت‌ترین و سنگین‌ترین ناامنی‌هاست. این‌ها این کار را کردند. رژیم عراق را به جنگ، به



آتش افروزی، به حمله به مرزها از طرف غرب کشور وادار کردند. مسئله هم به جنگ بین دو ملت و با امکانات دو کشور محدود نماند؛ بلکه تمام امکاناتی را که عراق توانایی جذب آن را در این جنگ داشت، به سمت عراق سرازیر کردند!

❖ فشار ناامنی از سوی دشمن

ببینید؛ عزیزان من! جوانان! این مطالبی که من به شما عرض می‌کنم، جزو بینات و واضحات فضای عمومی کشور در پانزده سال قبل است. در پانزده سال قبل، این حرف‌هایی که الآن عرض می‌کنم، برای هیچ‌کس در این کشور تازگی نداشت؛ چون همه با تمام وجود آن را لمس می‌کردند؛ اما امروز نسل جوانی که آن روز را به‌درستی لمس و درک نکرده، در میدان است. ناامنی تبلیغاتی و ناامنی سیاسی از طرف دشمن به قدری پرفشار است که می‌خواهد مانع شود و نسل جوان امروز، این حقایق را که ده سال قبل، پانزده سال قبل جزو واضحات بود، انکار کند و پوشیده بدارد. من می‌خواهم ذهن شما نسل جوان امروز را به این حقیقت متوجه کنم که حتی حقایق به این روشنی را - که برای کسانی که آن روز در این مملکت صحبت می‌کردند و امروز هم اکثر مردم مملکت را تشکیل می‌دهند، چیزهای جدیدی نیست - دشمن می‌خواهد با حمله سنگین تبلیغاتی و سیاسی خود بپوشاند. آن روزه نفع عراق که با ما وارد جنگ شده بود تا مرزهای ما را ناامن کند، همه قدرت‌هایی که در دنیا می‌توانستند در این زمینه کاری بکنند، وارد شدند. عده‌ای - یا ناخرمندان و یا خائنان - می‌خواهند از یاد این ملت ببرند که دشمنی رژیم آمریکا با ملت ایران، چقدر برای این ملت خسارت ایجاد کرده است

❖ اعاده امنیت

و هنوز هم خسارت ایجاد می‌کند؛ می‌خواهند این را انکار کنند! همین رژیم آمریکا - که آن روز ما به‌صورت تحلیل می‌گفتیم و بعد از جنگ، اخبار و آمار و اطلاعات ریز آن منتشر شد - به عراق کمک کرد؛ کمک الکترونیکی، کمک تسلیحاتی، کمک در روش‌های جنگیدن، کمک مالی، کمک مستقیم و غیرمستقیم! ناتو هم کمک کرد؛ بسیاری از کشورهای



عربی هم کمک کردند؛ برای این که بتوانند با فشار ناامنی، نظام انقلابی را از پا بیندازند و یا به زنان در آورند. باز هم همت جوانان این مملکت، دل‌های پاک و باایمان این کشور، همین بسیج، همین سپاه، همین ارتش، همین انسان‌های مؤمن و پاک نهادی که در پشت جبهه‌ها کانونِ همت را گرم نگه می‌داشتند، توانست بر تمام توطئه‌های دشمن فائق آید و به رژیم مهاجم و به همه پشتیبانانش - از امریکا و شوروی آن روز و دیگران - تودهنی بزند و ملت ایران را به عنوان قهرمان این برهه، در مقابل چشم جهانیان قرار دهد و امنیت را به عنوان بزرگ‌ترین نعمت به این مملکت برگرداند؛ مرزها را آرام کند و برای شهرهایی که زیر بمباران بودند - که در دوران جنگ، تقریباً نیمی از جغرافیای این کشور در زیر بمباران بود - اعاده امنیت کند؛ برای زن و مرد، برای کاسب، برای عالم، برای دانشجو، برای کارگر، برای سیاستمدار، برای رئیس، برای مؤس و برای همه کسانی که به امنیت نیاز دارند، امنیت ایجاد کند؛ حتی برای آن‌هایی که ناشکرانه این امنیت را انکار می‌کنند. بنابراین، دل‌های باایمان و عزم ایمانی و راسخ این جوانان، امنیت را برای همه مردم به وجود آورد.

❖ انکار بسیج، نابخردانه یا خائنه

البته دشمن مأیوس نبوده است؛ الان هم مأیوس و منصرف نیست. اگر ما خیال کنیم که دوران ایجاد امنیت نظامی و انتظامی تمام شده است، برداشت درستی نیست. دشمن هر جا بتواند، ایجاد ناامنی می‌کند. هر وقت دشمن بتواند، ناامنی نظامی و انتظامی را بر این ملت تحمیل می‌کند؛ کما این که دیدید یک بهانه کوچک یافتند و یا درست کردند و در همین ایام تیرماه، در تهران ایجاد ناامنی کردند. یا بهانه را خودشان درست می‌کنند، یا اگر فرض کنیم بهانه را آنها درست نمی‌کنند، بهانه کوچکی می‌یابند تا ایجاد ناامنی کنند؛ به خیابان‌ها بیایند، شیشه بشکنند، مغازه آتش بزنند، ماشین آتش بزنند و مردم را تهدید کنند! بنابراین، دشمن از ایجاد ناامنی مأیوس و منصرف نیست. این که عده‌ای بیایند، لزوم وجود و اهمیت عناصر و عوامل مؤمنی را که ضامن امنیت‌اند و از اوّل انقلاب تا امروز هم نشان داده‌اند که امنیت را برای این ملت به وجود می‌آورند، انکار کنند، این یا نابخردانه و یا خائنه است؛ از این دو حال



خارج نیست. وجود نیروهایی که بتوانند برای این ملت و این کشور و برای هر فعالیت سازنده و حیاتی در این مملکت امنیت به وجود آورند، برای هر ملتی مثل هوا و آب ضروری است. عده‌ای می‌خواهند این‌ها را انکار کنند. نیروهای نظامی و انتظامی و بسیج عمومی مردم ما، مؤمن و با اخلاص‌اند و به‌عنوان پشتوانه‌ای که هیچ خدشه‌ای در آن راه ندارد، محسوب می‌شوند. نیروهای نظامی با اخلاص ما - سپاه و ارتش - الحمدلله کم نیستند. این‌ها سازمان‌های مبتنی بر ایمان‌اند. در این بحثی نیست؛ اما فرق است بین آن نیروهایی که به‌عنوان وظیفه سازمانی وارد میدان دفاع می‌شوند، با نیروهایی که به دنبال وظیفه ایمان و عشق و به دنبال دستور قاطع عواطف برخاسته از اعماق جان وارد میدان می‌شوند. این بسیج است. انکار بسیج، انکار بزرگ‌ترین ضرورت و مصلحت برای کشور است. ما در میدان جنگ هم اگر بسیج را نداشتیم، کمیتان لنگ بود. در دوران بعد از پایان جنگ هم اگر بسیج نمی‌بود و اگر امروز هم نباشد، کمیت این انقلاب و این نظام و همه حرکت‌های سازنده این کشور لنگ است. انکار بسیج و بی‌احترامی به آن، یا نابخردانه است، یا خائنانه است. تا زمانی که برای این کشور امنیت لازم است و تا وقتی که این کشور و این ملت به امنیت احتیاج دارد - یعنی همیشه؛ چون همیشه احتیاج به امنیت هست - به نیروی بسیج، به انگیزه بسیجی، به سازماندهی بسیجی و به عشق و ایمان بسیجی احتیاج هست.

❖ مفهوم امنیت اقتصادی

امنیت سیاسی هم یک نوع از امنیت است. البته این روزها بحث امنیت اقتصادی هم مطرح است؛ که حرف درستی هم هست و ما هم آن را تأیید می‌کنیم. ما هم درباره امنیت اقتصادی در این کشور، اعتقاد راسخ داریم که باید طوری باشد که در این کشور، کار اقتصادی، حرکت اقتصادی، تلاش اقتصادی، رونق اقتصادی و سازندگی اقتصادی - از هر نوعش - امکان‌پذیر باشد و کسانی که اراده این کار را دارند، با امنیت بتوانند این کار را انجام دهند. بحمدالله، هم دستگاه قضایی و هم دستگاه اجرایی بر این مطلب توافق کردند و من هم به آنها کمک خواهم کرد تا بتوانند این مقصود را که برای کشور مهمی است، انجام دهند. اما این



نکته را بگویم: مبدا کسی خیال کند که ایجاد امنیت اقتصادی، یعنی باز گذاشتن راه برای مفت خورهای اقتصادی، سوءاستفاده‌چی‌های اقتصادی و زالوهای اقتصادی! امنیت اقتصادی، به معنای این نیست که قوانین و مقررات سالم کشور، ندیده گرفته شود. امنیت اقتصادی یعنی این که انسان‌ها و آحاد مردم این کشور، از هر قشری، بخواهند کار اقتصادی بکنند - چه کار صنعتی، چه کار کشاورزی، چه سرمایه‌گذاری، چه تجارت - بدانند که کسی مزاحم آنها نخواهد شد؛ اما این معنایش آن نیست که آن کسانی که چه در دوران جنگ و چه در دوران سازندگی، توانستند از پیچ‌وخم‌های اقتصادی استفاده‌های نامشروع بکنند و ثروت‌های نامشروع به وجود آورند، این امکان را داشته باشند که بتوانند چنین حرکت نامشروعی را به عنوان امنیت اقتصادی انجام دهند. معنای امنیت اقتصادی، هُرُهری مسلک بودن در مسئله اقتصاد نیست؛ معنایش میدان دادن به زرنگ‌ها و سوءاستفاده‌چی‌ها و کسانی که منتظرند از هر فرصتی برای پر کردن کیسه خود از راه نامشروع - نه راه مشروع - بهره ببرند، نیست؛ این را توجّه داشته باشند. هر نوع سرمایه‌گذاری‌ای که قانون آن را اجازه دهد، بایستی امنیت داشته باشد. تصوّر هم نشود که تابه‌حال ناامنی اقتصادی از ناحیه‌ی مسئولان کشور یا بخش‌های قانونی کشور بوده است؛ نخیر، ناامنی اقتصادی هم بیشتر از قبل آدم‌های سوءاستفاده‌چی بوده است. هر جا که یک سوءاستفاده‌چی هست، یک نوع اختلال در کارها هست و یک‌طور ناامنی هم وجود دارد. بنابراین، امنیت اقتصادی هم مسئله مهمی است و ما هم به آن اعتقاد داریم.

❖ مفهوم امنیت سیاسی

و اما امنیت سیاسی. امنیت سیاسی معنایش این است که تفکرات و معارف سیاسی در جامعه، معارف واضح و دور از نفاق و دوگونه‌گویی و دوگونه‌اندیشی باشد. معنایش این است که کسانی که متصدی بیان مسائل سیاسی برای مردم هستند، نسبت به مردم امانت به خرج دهند. معنایش این است که کسانی که متصدی نوشتن و پخش کردن و منتشر کردن معارف فکری جامعه هستند، دروغ نگویند، فریب ندهند، تقلّب نکنند و در طعامی که علی‌الظاهر شیرین هم هست، زهر مخلوط نکنند؛ این امنیت سیاسی است. آن قلمی که برمی‌دارد بیست



سال تلاش و مجاهدت مظلومانه و فداکارانه این ملت را در مقابله با قدرت‌های زورگویی چپاولگر دشمنِ ظالم انکار می‌کند، این امنیت سیاسی کشور را به هم می‌زند و ناامنی فکری ایجاد می‌کند. آن کسی که در داخل کشور، با استفاده از امکاناتی که قانون و بیت‌المال این مردم در اختیار او گذاشته است، برمی‌دارد خواسته‌های دولتمردان و سیاستمداران فلان کشور دشمن را توجیه می‌کند و با قالب‌های علی‌الظاهر پسندیده، به خورد یک عده می‌دهد، این ناامنی سیاسی و فکری ایجاد می‌کند. این هم مثل همان دزد سرگردنه است - فرقی نمی‌کند - مثل همان اشرار لب مرز است. آنها مگر چه کار می‌کنند؟ آنها هم جنس قاجاق می‌آورند و جوانان مردم را دچار انواع بدبختی‌ها و بیماری‌ها و اعتیاد می‌کنند. آن که این کار را می‌کند، از او که کمتر نیست؛ اگر خطرناک‌تر نباشد! این‌ها ذهن‌ها را منحرف و گمراه می‌کنند. بنده درباره مطبوعات و نوشتن‌ها، صحبت‌های زیادی کرده‌ام. هیچ کس هم نمی‌تواند منکر این بشود که بنده طرفدار فکر آزاد، قلم آزاد، بیان آزاد و معارف منتشرشده گونه‌گون در این کشورم؛ اعتقاد من این است. من می‌گویم بایستی افکار و آراء و سلايق مختلف در کشور، به صورت صحیح و درست مطرح شود؛ اما گفتنِ معارف گوناگون یک حرف است، دروغ گفتن به مردم و دروغ نوشتن و تحریف کردن حقایق و بلندگوی دشمن شدن، حرف دیگری است؛ آنچه که من در باب مطبوعات نمی‌توانم قبول کنم و بپذیرم، این دومی است.

❖ انکار ضروریات اسلام نوعی ناامنی سیاسی

عوض بیست روزنامه، دویست روزنامه هم منتشر شود، طوری نیست. یک عده اگر توانایی داشته باشند و حرفی برای گفتن داشته باشند، لابد خواننده‌هایی هم پیدا خواهند کرد؛ مانعی هم ندارد؛ اما اگر قرار باشد روزنامه‌ای که منتشر می‌شود، با استفاده از امکانات این مردم، با استفاده از بیت‌المال این مردم، با استفاده از کمک این مردم، علیه مصالح این مردم بنویسد - آن‌هم به شکل دروغ و افتراء؛ نه این که عقیده‌ای دارد و می‌نویسد - و بنا باشد بلندگوی رادیو اسرائیل یا رادیو امریکا در این کشور شود، این قابل قبول نیست. کسانی بیايند احکام و ضروریات اسلام را انکار کنند - مثلاً قصاص را منکر شوند - این هم یک مقوله دیگر است؛



نوع دیگری از ایجاد ناامنی است. البته من در این ایام سفر و اشتغالات آن نتوانستم به طور مسجل و دقیق به کنه این مطلب برسم؛ گفتم رسیدگی کنند. اگر کسی پیدا شود که به انکار ضروریات دین - که از جمله ضروریات دین، قطعاً قصاص اسلامی و شرعی است - تجاهر کند، این مرتد است و حکم مرتد هم در اسلام معلوم است. اگر کسانی خیال می کنند که با پشتیبانی دستگاه های تبلیغاتی استکباری و شبکه و امپراتوری تبلیغاتی صهیونیستی در دنیا، می توانند کارشان را در این مملکت از پیش ببرند، اشتباه می کنند؛ چنین چیزی نیست. در این مملکت، با این ملت زنده و بیدار، با این جوانان مؤمن، همه چیز در مجرای اراده و خواست و ایمان این ملت باید حرکت کند. همه آن هایی که به مزدوران خودشان در اینجا دل خوش کرده اند و هم این کسانی که به حمایت اربابان بیگانه دل خوش کرده اند، بدانند که چنین چیزی امکان ندارد. این ملت، یک ملت مؤمن و مسلمان است. این ملت، ملتی است که برای حفظ و امنیت این نظام و این کشور، برای این که دولتمردان این کشور بتوانند کار کنند، عالم و دانشجو و متعلم و اهل هر فعالیت سازنده ای بتواند کار کند، جان داده اند. مگر می شود در قبال این ملت و در قبال این اراده دینی عظیم، اراده دستگاه ها و عناصر اطلاعاتی و سیاسی دشمن بر سرنوشت این کشور حاکم باشد؟!

❖ اراده ملت برای استقرار نظام اسلامی

بدانند این کشور، کشور اسلام است و این ملت برای اسلام قیام کرده است. امروز هم اراده این ملت بر استقرار نظام اسلامی است.

نظام اسلامی، بینات و واضحات و امرو نهی ای دارد. نظام اسلامی، نظام عدالت است؛ هر بی عدالتی ای محکوم است. نظام اسلامی، نظام قسط است، هر تبعیضی محکوم است. نظام اسلامی، نظام استقلال ملی است؛ هر نوع وابستگی ای محکوم است. نظام اسلامی، نظام اخوت و برادری و پیوندهای قلبی آحاد ملت است؛ هر نوع تفرقه افکنی محکوم است. نظام اسلامی، نظامی است که مسئولان، خدمتگزار مردم و برای مردم اند؛ هر نوع جدایی بین مسئولان و مردم محکوم است. این طور نیست که بشود در این نظام کسانی بیایند که بر طبق میل دشمنان این



ملت و برخلاف جهت کلی این نظام و این مردم و حرکت مردم در جهت اسلام، تلاش کنند و نظام اسلامی هم بیکار و ساکت و بی تفاوت بماند. مگر چنین چیزی ممکن است؟! همه آحادی که اهل فکر و اهل تأمل در مسائل اند، باید بر روی این مسئله فکر خود را متمرکز کنند. امروز این کشور با این امکانات وسیع، با این جمعیت جوان، با این آفاق روشن آینده، با این پیشرفت‌هایی که بحمدالله در زمینه‌های مختلف در این بیست سال به وجود آمده است، با زمینه‌های مضاعفی هم که برای پیشرفت وجود دارد، مصلحتش در این است که حکیمانه و خردمندانه و شجاعانه، راه اسلام را - که دنیا و آخرت او را تأمین می‌کند - پی بگیرد و دنبال کند. دشمن، فریب و تبلیغات اغواگر خود را هم قطع نمی‌کند؛ نباید تسلیم تبلیغات اغواگر دشمن شد. آن کسانی که سعی می‌کنند با شعارهای انحرافی در میان مردم، ذهن مردم را از حرکت عمومی اسلامی و ایمانی آنها جدا کنند، به نفع دشمن کار انجام می‌دهند؛ چه بفهمند، چه نفهمند؛ چه بدانند، چه ندانند.

❖ حرکت در جهت تهذیب نفس و زندگی

امروز وحدت در زیر سایه اسلام، حرکت در جهت سازندگی اسلامی، حرکت در جهت محکم کردن پایه‌های استقلال این کشور و حرکت در جهت تهذیب معنوی و روحی ضروری است. جوانان عزیز! از تهذیب و تزکیه روحی و قلبی غافل نشوید. پایه همه بدبختی‌های ملت‌ها، مسئولان، بزرگ‌ها و کوچک‌ها، خودخواهی و خودپرستی و خود را عمده کردن و خدا کردن و ایجاد فرعونیت در درون دل است. گاهی انسان در بیرون قالب جسم خود - یعنی در ظاهر خود - هیچ نشانه فرعونیت ندارد؛ اما در دل، فرعون است. خودخواهی‌ها، خودپرستی‌ها، خودمحوری‌ها، عمده کردن خود و خواست‌ها و تمایلات و شهوات و سود و منفعت خود، این‌هاست که منشأ اغلب مفاسد زندگی است؛ لذا به سمت تهذیب نفس حرکت کنید. این حرکت‌های عمده - چه حرکت‌های در جهت سازندگی فضای کشور، سازندگی محیط‌های گوناگون، سازندگی درون دل - امروز فریضه‌ای است که بر دوش همه ماست.



امیدوارم که خدای متعال به همه شما عزیزان توفیق دهد و دعای ولی عصر ارواحنافداه شامل حال همه شما باشد.

و السّلام علیکم و رحمة الله و برکاته



بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان بسیجی «طرح ولایت» ۱۳/۶/۱۳۷۸

۱. نسل جوان برای هر کشوری تعیین‌کننده است
۲. نشانه‌های زوال نسل جوان
۳. واقعیت در جهان غیر از آن چیزی است که ادعا می‌کنند
۴. چگونگی شکل‌گیری نسل جوان ممتاز در ایران
۵. امام به برکت نام و راه خدا، دل‌های جوانان را در قبضه گرفت
۶. امر الهی به میدان آید، طاغوت کنار می‌رود
۷. جنگ، نسل جوان مؤمن را آبدیده کرد
۸. حضور بسیجیان در جبهه، دشمن را درمانده کرد
۹. این انقلاب، تاریخ را عوض کرد
۱۰. طرح ولایت، مفید و خوب و سازنده
۱۱. اسلام هدف والا و زیبایی دارد که غربی‌ها ندارند
۱۲. جناب آقای مصباح خلاء شهید مطهری را پر می‌کند

بسم الله الرحمن الرحيم

❖ نسل جوان برای هر کشوری تعیین کننده است

اجتماع شما فرزندان عزیز؛ جوانان، پسران و دختران مؤمن و انقلابی و با بصیرت در این ساعت و در اینجا، برای من فوز بزرگی است. برای هر اجتماعی این مهم است که جوانان آن اجتماع و آن کشور، چگونه فکر کنند، چگونه عمل و چگونه احساس کنند. نسل جوان برای هر کشوری در اصل تعیین کننده است. حتی اگر کشورهایی در اوج پیشرفت مادی و علمی و صنعتی و اقتصادی و ثروت های گوناگون باشند، اگر نتوانند نسل جوان خودشان را درست اداره کنند و نسل جوان از دست آنها برود، مطمئناً باید در انتظار آینده ی سختی باشند.

❖ نشانه های زوال نسل جوان

این اتفاقی است که امروز در دنیای غرب - بخصوص در بعضی از کشورهای غربی - رخ می دهد. البته این قسم توفان های اجتماعی و تاریخی به تدریج خودش را نشان می دهد. آدم های نا هوشمند تا آن اواخر هم نمی فهمند چه شد؛ به طریق اولی آدم های خودخواه و خودپرست و سود طلب و به فکر جیب خود هم یا نمی فهمند، یا اگر هم بفهمند، برایشان اهمیت ندارد؛ اما آدم های تیزبین و دلسوز در هر جامعه ای این خطر را حس می کنند که بینند نسل جوانشان از دست می رود. الآن این اتفاق افتاده است؛ یعنی دلسوزان و هوشمندان در همان جوامع غربی که عرض کردم، احساس کرده اند که برای آنها چه فاجعه ای رخ می دهد. جوانانشان به میزان بسیار زیادی دچار بلاهای اجتماعی مثل اعتیاد و از این قبیل هستند. تعداد بسیار زیادشان دچار هیجان های گمراه کننده اند که منجر به قتل و دزدی و غارت و جنایت و شهوت رانی های بسیار زشت می شود. تعداد زیادی هم دچار بی تفاوتی اند؛ در انتخابات ها و در مسائل جمعی شرکت

نمی‌کنند. وقتی از آنها سؤال می‌پرسند که چرا شرکت نمی‌کنید، می‌گویند برایمان اهمیتی ندارد -حالت بی تفاوتی - این‌ها نشانه‌های زوال است.

❖ واقعیت در جهان غیر از آن چیزی است که ادعا می‌کنند

حالا فلان نظریه پردازان صهیونیسم بنشینند و در مجلات پرتیراژ جهانی خود بنویسند که به هر حال ما امروز یا فردا مالک جهانیم. این‌ها را نوشتند! متفکران سیاسی آمریکایی صریحاً این را می‌گویند که بشریت چه بخواید، چه نخواهد، سرنوشت دنیا امروز و فردا در دست ماست؛ حقّ ما هم هست! این را می‌نویسند و من خودم این را دیدم. خوب؛ بگویند. واقعیت غیر از این را نشان می‌دهد؛ چون ابزار پیشرفت، بیش از همه چیز، سلامت عزم و اراده‌ی انسانی و داشتن یک هدف جمعی است، تا همه به آن هدف توجّه کنند، آن را قبلاً بپذیرند و با قدرت به سمت آن هدف حرکت کنند.

این کار از همه‌ی افراد جامعه متوقّع است، اما عمده‌ترین عامل این حرکت جمعی در هر جامعه، جوانان هستند. ببینید؛ نسل جوان این قدر اهمیت دارد.

❖ چگونگی شکل‌گیری نسل جوان ممتاز در ایران

در کشور خودمان به برکت انقلاب، به برکت ایمان اسلامی و به برکت همین رابطه‌های قلبی میان دل‌های پاک و نورانی با خدا و با هر چیزی که احساس می‌کنند رنگ‌خدایی دارد، نسل جوان ممتازی شکل گرفته است. رابطه، خیلی مهم است و این رابطه از قبل از انقلاب تا شروع انقلاب و از اوّل پیروزی تا امروز هست.

قبل از انقلاب، همه‌ی عوامل در جهت عکس این قضیه بود؛ یعنی جوانان به سمت فساد و بی‌تفاوتی سوق داده می‌شدند. اصلاً بنا و سیاست، این بود. این بنا را هم حکومت وابسته‌ی ایران نگذاشته بود؛ چون آنها اصلاً به این برنامه‌ریزی‌های دقیق و بلند مدّت و انسانی توجّه نداشتند. بنا را دیگران گذاشته بودند! برای خارجی‌هایی که می‌خواهند یک مملکت را در بست در اختیار گیرند، این مهم است که نسل جوان آن مملکت چگونه باشد. اگر نسل جوان،

بی تفاوت و بی اعتنا به مصالح کشور و سرنوشت کشور باشد، برای آنها خیلی بهتر است. آنها سوق می دادند؛ عوامل در جهت عکس تدین و عزم و خلوص و صفا و حرکت جوانان بود.

❖ امام به برکت نام و راه خدا، دل های جوانان را در قبضه گرفت

اما یک عامل فوق العاده پیدا شد. آن عامل، فریاد امام بود؛ فریاد امام نه به عنوان یک شخص. حُسن بزرگ امام این بود که خود را به عنوان یک شخص، مطرح نکرد و برای خودش هم در مسائل مربوط به اسلام و مسلمین، عنوان شخصی قائل نشد. امام به عنوان یک انسان حل شده در اسلام و یک انسان دل داده به معارف الهی مطرح بود. او از بن دندان و از صمیم قلب، این معارف را پذیرفته بود و جزو جانش شده بود. او حاکمیت خدا را بر زندگی انسان قبول کرده بود؛ کما این که در زندگی شخصی خودش حاکمیت خدا را حقیقتاً پذیرفته بود؛ عبد خدا و مطیع خدا بود.

حاکمیت الهی از اینجا شروع می شود: اول دلمان را بنده ی خدا کنیم؛ خدا را بر دل و بر وجودمان حاکم نماییم و بعد در سمت ایجاد حاکمیت «الله» بر کل فضای زندگی جامعه و کشور، حرکت کنیم، تا بعد به دنیا برسیم. انسان هایی با این خصوصیت می توانند کار کنند و پیش بروند و امام، حقیقتاً در این میدان، امام و رهبر الهی بود؛ لذا فریادی که او سرداد، فریاد اسلام و فریاد خدا بود و به برکت نام و راه خدا، بادل ها رابطه برقرار کرد و دل ها را در قبضه گرفت.

❖ امر الهی به میدان آید، طاغوت کنار می رود

همیشه همین طور است که وقتی پای یک امر الهی به میان آمد، بافته های طاغوتی به خودی خود کنار زده می شوند. مهم این است که آن امر الهی، آن عزم و آن اقدام الهی، قدم به میدان بگذارد: «فاذا دخلتموه فانکم غالبون»^۱. کنار که بنشیند، هیچ اثری ندارد. بزرگ ترین انسان ها، بالاترین تقدس ها و دانش ها، وقتی وارد میدان نشود و کنار بنشیند، همه ی امواج از

روی سر او رد خواهد شد و عقب می ماند؛ اما وقتی که آن چنان ایمان و عزمی، آن چنان دانش و دل پر نور و باصفایی وارد میدان شد، آن وقت: «سحر با معجزه پهلو نزند، دل خوش دار». هر سحری با آمدن معجزه، باطل می شود. وقتی عصای موسی وسط آمد، «ما جئتم به السحر»^۱ آن چیزی که شما به میدان آورده اید، جادو و فریب است؛ حقیقت نیست. حقیقت، عصای موسی است که وقتی وارد شد، همه ی آن سحرها مثل سایه ای که در مقابل فروزش یک چراغ از بین می رود، از بین رفتند.

امام این کار را کرد؛ لذا دل ها جذب شد. بعضی تعجب می کنند و در تحلیل این پدیده مانده اند که چطور شد در آن نظام فاسد و باطل که همه ی عوامل فرهنگی، جوانان را به سمت فساد سوق می داد، ناگهان جوانان جلو آمدند و این انقلاب عظیم، راه افتاد! علت، این است. این تحلیل جامعه شناختی و روان شناختی کاملاً واضحی هم دارد. امام با مَرکبی وارد این میدان شد که هر که بر آن مَرکب، سوار باشد، می تواند همه ی خفتگان سالم را بیدار کند.

❖ جنگ، نسل جوانِ مؤمن را آبدیده کرد

نسل جوانِ مؤمن شکل گرفت؛ بعد امتحان جنگ پیش آمد. امتحان جنگ مثل کوره ای که شمشیر را آبدیده می کند، جوانان را آبدیده کرد. این نسل، بخصوص آن هایی که به میدان رفتند و حتی آن هایی هم که توفیق رفتن به جبهه را پیدا نکردند، آبدیده شدند. البته نه آن هایی که عمداً پشت کردند؛ آنها به عکس! آن هایی که از روی ترس و ضعف و عناد و تن پروری پشت کردند، آبدیده نشدند. معمولاً امتحان، دو طرف دارد؛ یک طرف را قبول و یک طرف را روزه می کند. آنها روزه شدند؛ اما کسانی که از روی اعراض نبود، بلکه پیش نیامد، توفیق پیدا نکردند، یا توانایی آن را پیدا نکردند - اشکال سنی، یا اشکال کاری داشتند - اما دلشان با جبهه بود، حتی آنها هم آبدیده شدند؛ یعنی در حقیقت، اکثریت ملت ایران. جنگ، حقیقتاً کوره ای بود که جوانان و بقیه ی مردم را آبدیده کرد. از همان وقت، برنامه های دشمن هم شروع شد. ببینید؛ شما جوانان عزیز در آن سال هایی که من اشاره می کنم - سال های ۶۴ و ۶۵

و ۶۶ - در میدان نبودید. بعضی خیلی کوچک بودید، بعضی هم به هر حال در میدان نبودید. قضیه، این طور بود که وقتی امام یک اشاره می کرد، سیل داوطلبان جبهه به سمت پایگاه‌ها و پادگان‌ها سرازیر می شد. بعضی هم بی اجازه به طرف جبهه می رفتند که البته نیروهای نظامی، این‌ها را می گرفتند، سازماندهی می کردند، به آنها آموزش‌هایی می دادند و از این‌ها در جبهه استفاده می شد. همین‌ها گره‌ی بسیاری از مشکلات را باز می کرد؛ یعنی در دوران جنگ، ما کمتر وقتی دچار کمبود نیروی انسانی شدیم. از لحاظ تجهیزات، مشکل خیلی بود؛ اما از لحاظ نیروی انسانی نه؛ چون همیشه آماده بودند.

❖ حضور بسیجیان در جبهه، دشمن را درمانده کرد

دشمن چه می گفت؟ دشمن واقعیت را می دید؛ لذا درمانده بود. آنها وقتی که جنگ را طرّاحی و حمله‌ی نظامی به انقلاب را برنامه‌ریزی می کردند، فقط روی نیروهای سازمانی ارتش حساب کرده بودند؛ فکر سپاه و بسیج و فکر نیروهای عظیم انسانی را نکرده بودند و چون با آن مواجه می شدند، برنامه‌شان غلط از آب درمی آمد. باید با این کار به مبارزه می پرداختند؛ پس شروع به تبلیغات می کردند. از جمله حرف‌هایی که در دوران جنگ، بارها و بارها علیه نظام و انقلاب و امام گفته شد، این بود که ایران از امواج انسانی استفاده می کند. ما در جواب می گفتیم بله؛ ما از امواج انسانی استفاده می کنیم؛ منتها امواج انسانی آگاه و مؤمن. بله، ما از نیروی عشق و ایمان استفاده می کنیم. نگران بودند؛ لذا برنامه‌ریزی را شروع کردند، برای این که نسل جوان را از این حرکت عظیم بگیرند.

❖ این انقلاب، تاریخ را عوض کرد

عزیزان من! این انقلاب، پدیده‌ی بسیار عظیمی است. مسئله‌ی این انقلاب، حتّی به تشکیل نظام جمهوری اسلامی، محدود نمی شود. این انقلاب، تاریخ را عوض کرده و یک‌راه جدید در مقابل بشر به وجود آورده است - چه برسد به ملت‌های اسلامی - این انقلاب، حادثه‌ی بی سابقه‌ای است. من یک وقت تاریخ انقلاب‌ها را مقایسه‌ای کوتاه کردم - میان این انقلاب و انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ شوروی سابق و انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹؛ دوست و چند سال قبل

- این‌ها باهم خیلی تفاوت دارد. اصلاً این انقلاب از نوع آن انقلاب‌ها نیست؛ پدیده‌ی عجیبی است. سیاستمدارانِ باهوش صهیونیستِ دنیا دیده‌ی پاردم‌ساییده‌ی رند، فهمیدند که این انقلاب، انقلاب عظیمی است و باید با آن مقابله کنند. آنها با این نیت، برنامه‌ریزی می‌کنند. آنها درواقع از این حرکت عظیم در سطح تاریخ واهمه دارند؛ لذا برنامه‌ریزی‌های بلند مدّت می‌کنند، برای این‌که بتوانند ملت و در درجه‌ی اوّل جوانان را - که جوانان امروز، درواقع همه‌ی جمعیت فرداست - از این انقلاب، جدا کنند.

❖ طرح ولایت، مفید و خوب و سازنده

اهمیت کار شما و این «طرح ولایت» و این زحمات حقیقتاً ارجمندی که برای این‌گونه کارها کشیده می‌شود، در اینجاست. شما با آگاهی، وارد عرصه‌ی حیات اجتماعی خودتان در دوران جوانی می‌شوید. این معرفت‌ها، این آگاهی‌ها - آشنایی با مبانی دین و مبانی فرهنگ محکم و استوار دینی - چیز خیلی عظیمی است؛ و به نظر من این طرح بایستی فراگیر شود. این‌گونه طرح‌ها آن قدر مفید و خوب و سازنده است که هرچه درباره‌ی آن سرمایه‌گذاری شود، به نظر من زیاد نیست. دنیای رو پا، دنیای تسلّط امروز - که عمدتاً همان دنیای غرب و من تبعش هستند - مهم‌ترین خلأ را دارند و آن، خلأ یک فکر، یک اندیشه‌ی راهنما و به اصطلاح متداول، یک ایدئولوژی است که متّکی به یک فکر صحیح و یک تلقّی درست از عالم وجود باشد. مهم‌ترین خلأ آنها نداشتن این است؛ لذا مرتّب سعی می‌کنند ایدئولوژی‌های دروغی، درست و تزریق کنند. یک علّت عمده‌ای که از این انقلاب می‌ترسند، همین است که این انقلاب، یک تفکّر صحیح درست تعریف شده‌ی متّکی بر یک جهان‌بینی صحیح و یک تلقّی مستدل و متین از آفرینش عالم دارد. بر اساس این مجموعه، هر کسی می‌داند کجای دنیا و کجای راه قرار دارد و به سمت کدام هدف حرکت می‌کند. زندگی، هدف‌دار و مبارزه نیز هدف‌دار می‌شود. در مبنا و تفکّر اسلامی، هدف حیات انسان، رسیدن به درجات کمال است؛ کمال معنوی که حتماً آراستگی مادی را با خودش دارد؛ یعنی به تعبیر رایج، آخرتی که از دنیا عبور می‌کند. ایجاد یک جامعه‌ی عادلانه، یک جامعه‌ی صالح، یک کشور پیشرو و معنوی،

در عین حال دارای قدرت‌های والای مادی، با جهت‌گیری معنوی، با اخلاق انسانی و با احساس حقیقی انسانیت.

❖ اسلام هدف والا و زیبایی دارد که غربی‌ها ندارند

ببینید چه هدف والا و زیبایی است! غربی‌ها این را ندارند. همه‌ی این تمدنی که آنها روی هم سوار کرده‌اند و این مسابقه‌ای که وجود دارد، بر اساس فردپرستی و سودپرستی شخصی استوار است؛ لذا در این مسابقه، در یکجا پیشرفت‌هایی به‌دقت می‌آورند، اما در چند جای دیگر، دچار اختلال می‌شوند. این اختلال‌های اخلاقی، این خلأهای فکری، این اختلالات عصبی جوانان و این آشفتگی و بی‌هدفی جوانان ناشی از آن سودپرستی و خودپرستی و شخص‌پرستی است. در نظام اسلامی، این گونه نیست. تفکر فلسفی اسلام و فهم درست از مبانی اسلامی، کاری می‌کند که انسان در هر لحظه‌ای از لحظات، احساس می‌کند در کجای راه و به سمت کدام هدف حرکت می‌کند؛ قدرت تحلیل برای حوادث می‌یابد و وظیفه‌ی خودش را در هر شرایطی تشخیص می‌دهد. امروز باید جوان ما این گونه باشد. البته دشمن، خوشش نمی‌آید. دشمن هر جا چنین چیزهایی را مشاهده کند، هر طور بتواند با آن مبارزه می‌کند.

❖ جناب آقای مصباح خلاء شهید مطهری را پر می‌کند

امروز بحمدالله نظام اسلامی ما مفتخر است که شخصیت‌های برجسته‌ی علمی و معنوی در آن حضور دارند؛ مثل همین شخصیت عزیز و عظیم - جناب آقای مصباح -^۱ که بحمدالله این کار هم از برکات ایشان است. من ایشان را نزدیک به چهل سال است می‌شناسم و به ایشان ارادت قلبی دارم؛ فقیه، فیلسوف، متفکر و صاحب‌نظر در مسائل اساسی اسلام. اگر خدای متعال به نسل کنونی ما این توفیق را نداد که از شخصیت‌هایی مثل مرحوم علامه‌ی طباطبایی، یا مرحوم شهید مطهری استفاده کند، بحمدالله این شخصیت عزیز و عظیم، خلاء آن عزیزان را در زمان ما پر می‌کنند. من حقیقتاً خدا را حمد و شکر می‌کنم که جامعه‌ی ما و بخصوص نسل جوان ما به ایشان خیلی علاقه دارند. بنده از هر جا که کسب خبر کردم - در سرتاسر کشور -

(۱) آیت الله محمد تقی مصباح یزدی

اطلاع یافتیم که نسل جوان ما به ایشان شدیداً علاقه‌مند و معتقد و قدردان است. این هم نعمت بزرگ خدا و دلیل سلامت این کار است. وقتی انسان باروح و باهدف خدایی وارد میدان شد، همین‌طور می‌شود. امیدوارم ان‌شاءالله این کار در حدّ عالی، نتایج و ثمرات خودش را به بار بیاورد و شما جوانان عزیز - هم پسران، هم دختران، هم دانشجویان و هم دانش‌آموزان - این آگاهی‌هایی را که به دست آوردید، معلوماتی که کسب کردید و کتاب‌هایی را که فراگرفتید، استمرار ببخشید و رابطه‌ی خود را با این مرکز، ادامه دهید. ان‌شاءالله این کار هم باید روزبه‌روز به همی ن صورت قوی و خوب، توسعه پیدا کند و کسانی که دست‌اندرکار مسائل فرهنگی هستند، مغتنم بشمارند، قدر بدانند و از آن استقبال کنند. شما هم ان‌شاءالله هرکدامتان در محیط خودتان مثل چراغی فروزان، مایه‌ی هدایت دیگران شوید و دیگران را با افکار عالی‌ی اسلامی آشنا کنید. من از برادران عزیز سپاه و بسیج و همه‌ی دست‌اندرکاران این کار که هرکدام به نحوی دخالت داشتند، صمیمانه تشکر می‌کنم. امیدوارم خدای متعال از همه قبول کند و توفیقات خودش را بر شما ارزانی بدارد و ان‌شاءالله دعای حضرت بقیةالله ارواح‌نافداه شامل حال همه‌ی شما باشد.

و السّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۸/۹/۳

۱. تبریک ولادت مهدی موعود (عج)
۲. عدالت، سرآمد همه خواسته‌های انسانی
۳. وجود مقدس مهدی موعود (عج)، موهبتی برتر
۴. فضای کشور، فضای امام زمان است
۵. آن‌هایی که احساس مسؤولیت می‌کنند، در حقیقت بسیجی‌اند
۶. انقلاب اسلامی، عزت اسلام را به دنیا نشان داد
۷. پیوند ناکستنی و همیشگی میان بسیجیان و مهدی موعود



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله ربّ العالمين. والصلاة والسلام على سيّدنا و نبيّنا ابي القاسم المصطفى محمّد و آله الطيّبين الطاهرين المعصومين. سيّما الكهف الحصين و غياث المضطرّ المستكين و ملجأ الهاربين. بقیة الله في الارضين ارواحنا له الفداء.

❖ تبریک ولادت مهدی موعود (عج)

اولا این عید سعید را به یکایک بسیجیان عزیز، همچنین به همه ملت ایران، همه آزادگان عالم، همه ظلم ستیزان جهان و کسانی که از فشار بی عدالتی ها و ظلم ها به ستوه می آیند - به همه عدالت طلبان جهان - تبریک عرض می کنم.

روز ولادت مهدی موعود ارواحنا لتراب مقدمه الفداء، حقیقتاً روز عید همه انسان های پاک و آزاده عالم است. فقط کسانی در این روز ممکن است احساس شادی و خرسندی نکنند که یا جزو پایه های ظلم، یا جزو پیروان طواغیت و ستمگران عالم باشند، والا کدام انسان آزاده ای است که از گسترش عدالت، از برافراشته شدن پرچم دادگری و رفع ظلم در سراسر جهان، خرسند نشود و آن را آرزو نکند.

❖ عدالت، سرآمد همه خواسته های انسانی

آنچه مسلم است، همه پیغمبران و اولیا برای این آمدند که پرچم توحید را در عالم به اهتزاز درآورند و روح توحید را در زندگی انسان ها زنده کنند. بدون عدالت، بدون استقرار عدل و انصاف، توحید معنایی ندارد. یکی از نشانه ها یا ارکان توحید، نبودن ظلم و نبودن بی عدالتی است. لذا شما می بینید که پیام استقرار عدالت، پیام پیغمبران است. تلاش برای



عدالت، کار بزرگ پیغمبران است. انسان‌های والا در طول تاریخ در این راه تلاش نموده‌اند و بشریت را روزبه‌روز به سمت فهمیدن این حقیقت که عدالت، سرآمد همه خواسته‌های انسانی است، نزدیک کرده‌اند. سلسله انبیاء، پاک‌ترین و مقدس‌ترین و نورانی‌ترین انسان‌های تمام تاریخ بوده‌اند. در میان انسان‌های پاک و انسان‌های والا که دارای روح عرشی و خدایی هستند، وجود مقدس خاتم الانبیا محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سرآمد همه و خاندان پاک و اهل بیت مطهر او - که قرآن، ناطق به این طهارت و پاکیزگی و آراستگی است - در شمار برترین و بالاترین انسان‌های پاک و مطهر و نورانی در همه تاریخ‌اند. زنی مثل فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیه در همه تاریخ، کیست؟! انسانی مثل علی مرتضی در سرتاسر تاریخ بشریت، کجا نشان داده می‌شود؟! سلسله اهل بیت نبی اکرم در طول تاریخ خورشیدهای فروزانی بوده‌اند که در معنا توانسته‌اند بشریت روی زمین را با عالم غیب و با عرش الهی، متصل کنند: «السبب المتصل بین الارض و السماء». خاندان پیغمبر، معدن علم، معدن اخلاق نیکو، معدن ایشار و فداکاری، معدن صدق و صفا و راستی، منبع همه نیکی‌ها و زیبایی‌ها و درخشندگی‌های وجود آدمی در هر عصر و عهدی بوده‌اند؛ هریک چنین خورشید فروزانی بوده‌اند.

❖ وجود مقدس مهدی موعود (عج)، موهبتی برتر

جوانان عزیز؛ بسیجیان! یکی از آن خورشیدهای فروزان، به فضل و کمک پروردگار و به اراده الهی، امروز در زمان ما به عنوان بقیة‌الله فی ارضه، به عنوان حجة‌الله علی عباد، به عنوان صاحب زمان و ولی مطلق الهی در روی زمین وجود دارد. برکات وجود او و انوار ساطعه از وجود او، امروز هم به بشر می‌رسد. امروز هم انسانیت با همه ضعف‌ها، گمراهی‌ها و گرفتاری‌هایش از انوار تابناک این خورشید معنوی و الهی که بازمانده اهل بیت است، استفاده می‌کند. امروز وجود مقدس حضرت حجت ارواح‌فداه در میان انسان‌های روی زمین، منبع برکت، منبع علم، منبع درخشندگی، زیبایی و همه خیرات است. چشم‌های ناقابل و تیره ما آن چهره‌ی ملکوتی را از نزدیک نمی‌بیند؛ اما او مثل خورشیدی درخشان است، بادل‌ها مرتبط و



باروح‌ها و باطن‌ها متصل است و برای انسانی که دارای معرفت باشد، موهبتی از این برتر نیست که احساس کند ولی خدا، امام برحق، عبد صالح، بنده برگزیده درمی آن‌همه بندگان عالم و مخاطب به خطاب خلافت الهی در زمین، با او و در کنار اوست؛ او را می‌بیند و با او مرتبط است. آرزوی همه بشر، وجود چنین عنصر والایی است. عقده‌های فروخورده انسان‌ها در طول تاریخ، چشم به انتهای این افق دوخته است تا انسان والا و برگزیده‌ای از برگزیدگان خدا بیاید و تاروپود ظلم و ستم را - که انسان‌های شریر در همه تاریخ تنیده‌اند - از هم بدرد. امروز، هم بشریت بیش از بسیاری از دوران‌های تاریخ، دچار ظلم و جور است، هم پیشرفتی که امروز بشریت کرده است، معرفت پیشرفته‌تر است. ما به زمان ظهور امام زمان ارواحفاده، این محبوب حقیقی انسان‌ها نزدیک شده‌ایم؛ زیرا معرفت‌ها پیشرفت کرده است.

❖ فضای کشور، فضای امام زمان است

امروز ذهنیت بشر، آماده آن است که بفهمد، بداند و یقین کند که انسان والایی خواهد آمد و بشریت را از زیر بارهای ظلم و ستم نجات خواهد داد؛ همان چیزی که همه پیغمبران برای آن تلاش کرده‌اند، همان چیزی که پیغمبر اسلام در آیه قرآن، وعده آن را به مردم داده است: «و یضع عنهم اصرهم والاغلال التي كانت عليهم»^۱. دست قدرت الهی به وسیله یک انسان عرشی، یک انسان خدایی، یک انسان متصل به عالم‌های غیبی، معنوی و عوالمی که برای انسان‌های کوتاه نگری مثل ما قابل درک و تشخیص نیست، می‌تواند این آرزو را برای بشریت برآورده کند. لذا دل‌ها، شوق‌ها و عشق‌ها به سمت آن نقطه، متوجّه و روزبه‌روز متوجّه‌تر است. ملت ایران، امروز این امتیاز بزرگ را دارد که فضای کشور، فضای امام زمان است. نه فقط شیعه در همه عالم، بلکه همه مسلمانان در انتظار مهدی موعودند. امتیاز شیعه این است که این موعود الهی و قطعی همه طوایف مسلمین، بلکه همه ادیان الهی را با اسم و رسم و خصوصیات و تاریخ ولادت می‌شناسد. خیلی از بزرگان ما در همین دوران غیبت، آن عزیز و محبوب دل‌های عاشقان و مشتاقان را از نزدیک، زیارت کرده‌اند. بسیاری از نزدیک با او بیعت

کرده‌اند. بسیاری از او سخن دلگرم‌کننده شنیده‌اند. بسیاری از او نوازش دیده‌اند و بسیار دیگری بدون این که او را بشناسند، از او لطف و نوازش و محبت دیده و او را نشناخته‌اند. در همین جبهه جنگ تحمیلی، جوانانی که در لحظه‌های حسّاس، احساس نورانیت و معنویت کردند، لطفی از غیب به سوی دل‌های خودشان حس و لمس کردند و نشناختند و نفهمیدند، بسیارند. امروز هم همان‌طور است.

❖ آن‌هایی که احساس مسؤولیت می‌کنند، در حقیقت بسیجی‌اند

این جلسه، جلسه بسیجیان است و بسیجیان، ارتباط خاصی با این نقطه اساسی عواطف دل‌های شیعیان و مسلمانان دارند. بسیجی، یک عنوان ارزشمند و والا است. بسیجی، یعنی دل‌باایمان، مغز متفکر، دارای آمادگی برای همه میدان‌هایی که وظیفه‌ای انسان را به آن میدان‌ها فرامی‌خواند. این معنای بسیجی است. همه جوانان، همه انسان‌ها و همه مردان وزنانی که در این کشور، دلشان با نور ایمان، منور است، در قبال مسؤولیت عظیمی که بر دوش ملت ایران نهاده شده است، احساس وظیفه می‌کنند. این پرچم پرافتخاری که دست ملت ایران سپرده شده است، یعنی پرچم سربلندی اسلام، پرچم عزّت اسلام، پرچم نام‌آوری و شکست‌ناپذیری اسلام؛ این‌ها امروز دست ملت ایران است. همه کسانی که نسبت به این وظیفه بزرگ، احساس مسؤولیت می‌کنند، در حقیقت بسیجی هستند. هر جا وظیفه‌ای باشد، انسان بسیجی در میدان آن وظیفه، حاضر است. عزیزان من! یک روز دشمنان اسلام و دشمنان دین به خود نوید می‌دادند که از اسلام خبری نیست. در آن روز کسانی که دلشان به عشق اسلام می‌تپید، مجبور بودند در مقابل تهاجم دشمنان اسلام، خود را این گوشه و آن گوشه پنهان کنند! مسلمان، این گستاخی و دلیری را نداشت که بگوید من مسلمانم! سران کشورهای اسلامی سعی می‌کردند هرچه بیشتر خود را به شکل و رنگ آن کسانی که می‌خواستند در دنیا نامی از اسلام نباشد، درآورند! عزّت اسلام را با ذلّت خود پنهان کرده و اهل اسلام را ذلیل کرده بودند!



❖ انقلاب اسلامی، عزت اسلام را به دنیا نشان داد

انقلاب اسلامی، عزت اسلام را بر روی دست گرفت و به همه دنیا نشان داد. انقلاب اسلامی نشان داد که اسلام می تواند به یک ملت، سرافرازی و عزت دهد؛ یک ملت را از زیر بار فشار و تحمیل بیگانگان نجات دهد و از حالت تحقیری که بر آن ملت تحمیل کرده اند، بیرون بکشد. می تواند استعداد های یک ملت را در همه میدان ها بروز و ظهور بخشد؛ می تواند به یک ملت، قدرت دفاع از خود، قدرت دفاع از عقاید و از هویت و شخصیت خود بدهد. انقلاب اسلامی این را نشان داد. لذا آن وقتی که انقلاب اسلامی پیروز شد و وقتی امام بزرگ ما - آن شخصیت عظیم، آن شخصیت بی نظیر در زمان ما - توانست از زبان این ملت، سخن بگوید، همه مسلمانان عالم احساس افتخار و حیات کردند؛ احساس کردند که زنده شده اند. این خون تازه ای که در رگ های امت اسلامی دوید، دشمنان را بسیار دستپاچه و سراسیمه کرد. آنها نیروهایشان را روی هم گذاشتند تا با این پدیده عظیم - یعنی اسلام انقلابی که امروز آن را یک ملت فریاد می کند - مبارزه کنند. از روز اول تا امروز - در طول این بیست سال - مبارزه کردند! مبارزه با چیست؟ مبارزه با عزت و استقلال ملت ایران و مبارزه با هویت ملت ایران است؛ اما چون اسلام است که این عزت را داده و به ملت ایران، هویت بخشیده است؛ چون اسلام است که به ملت ایران قدرت بخشیده است تا بتواند آرمان ها، آرزوها و خواسته های خود را علناً بر زبان آورد و آن را دنبال کند و از اخم قدرت ها و دست نشانده گان آنها و حکومت های فاسد نترسد؛ چون اسلام است که این امتیاز را به ملت ایران بخشیده است، با اسلام دشمن اند. دشمنی با اسلام انقلابی، اسلام امام، اسلام زندگی بخش، اسلامی که وقتی پرچمش برافراشته می شود، همه دنیا را به خود متوجه می کند؛ همچنانی که امروز هم همین طور است. دشمنی با این اسلام به خاطر این است که اسلام، دست بیگانگان را از اینجا کوتاه کرد و منابع این کشور را از دست بیگانگان نجات داد.

❖ پیوند ناکستنی و همیشگی میان بسیجیان و مهدی موعود

لذا امروز خدمت به ایران و خدمت به ملت ایران، عبارت از خدمت به اسلام است.



هر کس که امروز اسلام انقلابی، اسلام امام، اسلام زندگی‌بخش و اسلام مبارزه با ظلم و ستم را گرامی بدارد - نه آن چیزی که به نام اسلام در مقابل ظلم و ستم، تعظیم می‌کند! آن اسلام نیست، فریب است - هر کس که امروز اسلام حقیقی و به تعبیر امام بزرگوار ما اسلام ناب محمدی را تأیید و حمایت کند، اوست که برای ایران و ملت ایران، برای تاریخ ایران و آینده ایران و یکایک آحاد این ملت خدمت می‌کند. بسیجیان این امتیاز را دارند که در میدان این خدمت آماده‌اند. بسیج به معنی حضور و آمادگی در همان نقطه‌ای است که اسلام و قرآن و امام زمان ارواحنا فدا و این انقلاب مقدس به آن نیازمند است؛ لذا پیوند میان بسیجیان عزیز و حضرت ولی عصر ارواحنا فدا - مهدی موعود عزیز - یک پیوند ناگسستنی و همیشگی است. امیدوارم ان شاء الله خدای متعال این عید را بر همه ملت ایران، بخصوص بر شما بسیجیان عزیز مبارک کند.

و السَّلَامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ



بیانات در دیدار با فرماندهان سپاه و بسیج ۱۷/۲/۱۳۷۹

۱. سازماندهی برای اوقات تابستان

۲. طرح بسیج سازندگی



بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت الله خامنه‌ای در دیدار با گروهی از فرماندهان سپاه و بسیج، به تشریح «طرح بسیج سازندگی» می‌پردازند. متن زیر، بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب در این دیدار است:

❖ طرح بسیج سازندگی

بسیج یک نعمت بزرگ است که امروز در اختیار ماست. اگر از این نعمت خوب استفاده نشود کفران شده است. هر نعمتی که کفران بشود، خدای متعال آن کفران کننده را مجازات خواهد کرد و اولین مجازات این است که از آن نعمت محروم می‌کند. یک چیز دیگری به ذهن من آمد که گفتیم آقای حجازی و آقای سعیدی کیا شاید بتوانند آن کار را راه بیندازند. نمی‌دانم حالا به کجا رسیده؟ «طرح بسیج سازندگی»

❖ سازماندهی برای اوقات تابستان

یعنی این سه ماه تابستان بچه‌ها بیکارند، عده‌ای بعد از تابستان هم بیکارند. پشت کنکوری‌ها و ... این‌ها را سازماندهی کنید. سازماندهی‌اش با شما، سازماندهی و اعزام با شما. شناسایی‌های قبلی با جهاد سازندگی و دفتر مناطق محروم ریاست جمهوری و بقیه‌ی جاها. بودجه هم با دولت، پول بگذارند بروند روستاهای فراوانی را پیش‌بینی کنند. بروند در این روستاها، اینجا مسجد ندارند، اینجا غسل‌خانه ندارند، اینجا جاده ندارند، این‌جا مزرعه‌ی چهار تا خانواده درو نشده است و ... مثل کارهایی که اول انقلاب می‌کردند. بچه‌ها از خدا هم می‌خواهند.



یک چیز مختصری هم مثل دهان شیرینی که توی جنگ به بچه‌ها می‌دادید وقتی به دوره‌های بیست روزه می‌رفتند، هر کسی بیست روز در بسیج کار بکند. البته در این بین مهندس هم لازم است. کارگر فنی هم لازم است. موتوری هم لازم است. بنا و همه‌جور آدمی ممکن است لازم باشد. جنس را جور کنید. سازماندهی و دسته‌بندی و اعزام و اداره‌ی کار با شما، شناسایی و بقیه‌ی کارها با جهاد سازندگی. پشتیبانی هم با دستگاه‌های دولتی. راه بی‌فتید امسال، الان در اردیبهشت هستیم، یک ماه و اندی وقت دارید. امسال تمرینی عمل کنید، تجربه کسب کنید. از سال آینده به طور مبسوط عمل کنید.

آخر تابستان می‌توانید آمار بدهید، این نیروها رفتند کمک کردند. تعدادی مدرسه در روستاها ساخته شده است. تا در بوشهر آن منظره‌ی رقت‌بار به وجود نیاید که توی خانه‌ی آنچنانی، صد یا پنجاه تا دختر بچه به آن‌جا بروند، پول هم از جیب‌شان بدهند و آنجا درس بخوانند که انسان واقعاً نمی‌تواند این‌طور مناظر را تحمل کند.

و السلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته



بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان اردیبهشت ۱۳۷۹

۱. بسیج مظهر صفا و فداکاری
۲. بسیج مظهر خصوصیات مثبت و ویژه
۳. دوران جنگ صدها هزار بسیجی از قشرهای مختلف
۴. بسیج، پیش قدم در تمام میدانها
۵. بسیج سختیها و رنجها را به جان میخرند
۶. بسیجیان دوران امیرالمؤمنین
۷. بسیجیها کمر بستگی و پابه رکاب بودندشان بیشتر است
۸. فلسفه ی بسیجی
۹. برنامه ی بسیج هم فلسفه دارد
۱۰. همه ی قشرها بسیجی است
۱۱. سه سؤال مهم
۱۲. چه کسانی بسیجی را گرامی می دارند
۱۳. چه کسی از بسیجی عصبانی است
۱۴. بزرگترین دشمن بسیج و بسیجی
۱۵. بسیج چه آگاهی هایی را باید در خود تقویت کند
۱۶. بسیجی آگاه است و می فهمد چه کار می کند
۱۷. متهم کردن بسیج به ناآگاهی، بی تقوایی است
۱۸. بسیجیها باید آگاهی را در خود تقویت کنند
۱۹. تا وقتی این روحیه ی بسیجی است دشمن هیچ غلطی نمی تواند بکند



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين. والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا ابي القاسم المصطفى محمد و

على آله الأطيبين الأطهرين. سيما بقيّة الله في الأرضين ارواحنا له الفداء

❖ بسیج مظهر صفا و فداکاری

جمع پُرشور بسیجیان در همه جا مظهر صفا و بینش روشن و آمادگی برای مجاهدت و فداکاری است. در این استان که مردم آن از شور و صفای خاصی بهره‌مندند، بسیج استان هم به همین نسبت در رتبه‌ی برتری از شور و شعور و احساس و وظیفه و عواطف جوشان قرار دارد. من خوشحالم که در این سفر، این فرصت و توفیق برایم پیش آمد که در جمع شما فرزندان بسیجی خودم - پسران و دختران، مردان و زنان - شرکت کنم.

❖ بسیج مظهر خصوصیات مثبت و ویژه

آنچه مهم است، این است که بسیج فقط شور و هیجان نیست؛ بسیج مظهر خصوصیات مثبت بسیاری است. اگر می‌بینید که امام بزرگوار نسبت به بسیج یک رابطه‌ی ویژه‌ای از خود نشان می‌داد و اگر می‌بینید که همه‌ی کسانی که به سرنوشت این کشور و این نظام علاقه‌مند و دل‌بسته هستند، بسیج را گرامی می‌دارند، این به خاطر همان خصوصیات ویژه است. بعضی این‌طور گمان می‌کنند که بسیج یک مجموعه‌ی نظامی است. این‌طور نیست؛ بسیج جزو سازمان‌های نظامی به معنای خاص آن به حساب نمی‌آید. بسیج یعنی پیشگام و پیش‌قراول در



همه‌ی میدان‌های موردنیاز کشور و نظام اسلامی. هر جا حضور شجاعانه و فداکارانه و مخلصانه ضرورت پیدا می‌کند، بسیج در خط مقدم قرار می‌گیرد. جنگ، یکی از این میدان‌ها بود.

❖ دوران جنگ صدها هزار بسیجی از قشرهای مختلف

لذا شما ملاحظه می‌کنید در دوران جنگ که صدها هزار بسیجی به میدان رفتند. بعضی از این‌ها جوان بودند، بعضی پیر بودند، بعضی نوجوان بودند، بعضی شهری بودند، بعضی روستایی بودند، بعضی کارگر بودند، بعضی دانش‌آموز بودند، بعضی دانشجو بودند، بعضی کاسب بودند، بعضی روحانی بودند، بعضی استاد دانشگاه بودند، بعضی هنرمند بودند، بعضی متخصصین بودند، بعضی پزشک بودند؛ اما همه بسیجی بودند.

❖ بسیج، پیش‌قدم در تمام میدان‌ها

بسیج، عبارت است از مجموعه‌ی عظیمی از انسان‌هایی که در میدان خطر، در میدان مجاهدت، در میدان تلاش - هرگونه تلاشی - آنجایی که به گذشت، به اغماض از استراحت و آسایش، به اخلاص در اقدام و عمل احتیاج دارد، پیش‌قدم است. این معنای بسیج است. بسیج، در جنگ پیش‌قدم بود؛ در آنجایی هم که پای سازندگی به میان می‌آید - اگر میدان بدهند - پیش‌قدم است؛ در آنجایی هم که خدمات عمومی مطرح می‌شود - اگر درخواست کنند - پیش‌قدم است؛ در آنجایی هم که مسئله‌ی آبروی نظام در انتخابات و امثال آن مطرح است، پیش‌قدم است. هر جا یک حضور مخلصانه‌ی شجاعانه لازم است، می‌توان بسیج را در آنجا جست و یافت. این معنای بسیج است. بی‌خود نیست که شخصیتی مثل امام با آن عظمت، که وجود او مرکز توجه همه‌ی عواطف عاشقانه‌ی این ملت بود، به بسیجیان عشق می‌ورزید و با همه‌ی وجود آنها را گرامی می‌داشت

❖ بسیج سختی‌ها و رنج‌ها را به جان می‌خورد

هم وجود بسیج و هم برنامه و عملکرد آن، فلسفه دارد. کسانی که نسبت به بسیج بی‌معرفتی نشان می‌دهند، این فلسفه‌ها را یا نمی‌دانند و یا نسبت به آنها عناد می‌ورزند. فلسفه‌ی وجود بسیج این است که در میان یک ملت وقتی آرمانی مطرح است، وقتی هدف بزرگی در پیش



است، وقتی توطئه‌ی دشمنی این حرکت و راه را تهدید می‌کند، اگرچه همه‌ی ملت باید حرکت کنند، اما از میان ملت به‌طور طبیعی و عادی جمعی پیدا می‌شوند که خود را بیشتر به آب و آتش می‌زنند؛ خود را بیشتر آماده‌ی حضور می‌کنند؛ سختی‌ها را به جان می‌خرند؛ رنج‌ها را به جان تحمل می‌کنند؛ از بسیاری از خیرات می‌گذرند؛ دنبال اجر و مزد مادی نمی‌مانند؛ دنبال تشویق و تقدیر نمی‌مانند؛ محور اصلی کار را می‌چسبند و به‌پیش می‌روند.

❖ بسیجیان دوران امیرالمؤمنین

در صدر اسلام نیز همین‌طور بود. مسلمان زیاد بود، بسیاری‌شان هم مسلمان‌های خوبی بودند و جهاد فی سبیل‌الله می‌کردند؛ اما عمار یاسر و مقداد، زیاد نبود؛ این‌ها بسیجی‌های صدر اسلام بودند. در دوران امیرالمؤمنین، علاقه‌مندان و مخلصان به آن حضرت زیاد بودند؛ اما مالک اشتر و محمدبن ابی بکر و سهل بن حنیف زیاد نبود؛ این‌ها بسیجی بودند. اگر این نام‌گذاری‌ها با اختلاف شرایط زمانی جایز باشد، باید بگوییم بسیجیان دوران امیرالمؤمنین، جماعتی از این قبیل‌اند.

❖ بسیجی‌ها کمر بستگی و پابه‌رکاب بودنشان بیشتر است

نمی‌گوییم فقط بسیجی‌ها مؤمن‌اند؛ نه، مؤمن زیاد است، انقلابی زیاد است، همه هم خوب‌اند؛ اما یک عده در میان انقلابیون پیدا می‌شوند که آمادگی‌شان، کمر بستگی‌شان، پابه‌رکاب بودنشان، شجاعتشان، اخلاصشان برای رفتن به سمت هدف‌های انقلاب از دیگران بیشتر است. این‌ها بسیجی هستند. وقت کشاورزی، کشاورزی خود را رها می‌کرد؛ وقت درو، محصولش روی زمین می‌ماند؛ چرا؟ چون رفیقش از جبهه اطلاع داده بود که عملیات نزدیک است؛ لذا بی‌محابا حرکت می‌کرد. آن وقتی که برای رسیدن به بعضی دستاوردهای مادی ممکن است بعضی افراد باهم مسابقه بدهند، این بسیجی جلو نمی‌افتد؛ عقب می‌ماند؛ اصراری ندارد. بسیجی چنین آدمی است.

❖ فلسفه‌ی بسیجی

آدم‌ها یکسان نیستند؛ همیشه جماعتی پُرشورتر، پراحساس‌تر، بااخلاق‌تر و عاشقانه‌تر در



سمت هدف‌های انقلاب حرکت می‌کنند. این را در صدر اسلام هم داشته‌ایم؛ در اول انقلاب هم داشته‌ایم؛ در دوران جنگ هم داشته‌ایم؛ امروز هم داریم. امروز جنگ نیست، اما اگر یک روز در یک گوشه‌ی کشور امتحانی پیش بیاید، اگر خدمتگزاران این مردم خطاب کنند و از مردم کمک بخواهند، بعضی در اوّل وقت - یعنی مثلاً فردا صبح - حرکت می‌کنند؛ بعضی نمی‌گذارند به فردا صبح برسد، همین لحظه حرکت می‌کنند. این‌ها بسیجی‌اند. بنابراین فلسفه‌ی بسیجی عبارت است از سرعت عمل، کار مخلصانه، کار شجاعانه، حضور داوطلبانه در میدان خطر و کم خواستن و بسیار نثار کردن.

❖ برنامه‌ی بسیج هم فلسفه دارد

برنامه‌ی بسیج هم فلسفه دارد؛ آن‌هم بی‌حساب و کتاب نیست. بعضی افراد می‌خواهند این‌طور وانمود کنند که بسیجی، حساب و کتابی ندارد؛ نخیر، اتفاقاً برنامه‌ی بسیجی حساب و کتابش از بسیاری از برنامه‌ها منسجم‌تر است. برنامه‌ی بسیجی چیست؟ برنامه‌ی بسیجی عبارت است از حراست از دستاوردهای انقلاب و از هویت اصلی انقلاب. لذا هر جا شما می‌بینید گاهی در گوشه و کنار از کسی نعره‌ای بلند می‌شود و به بسیجی اهانتی می‌کند، در کنار آن اهانت، تعریضی هم به یکی از اصول انقلاب و به یکی از دل‌بستگی‌های انقلاب می‌زند؛ این‌ها را باهم یکی می‌داند؛ درستش نیز همین است.

❖ همه‌ی قشرها بسیجی است

ما در همه‌ی قشرها بسیجی داریم؛ بازاری بسیجی، کارگر بسیجی، دانشجوی بسیجی، دانش‌آموز بسیجی، روستایی و کشاورز بسیجی، صنعت‌کار بسیجی، استاد دانشگاه بسیجی، پزشک بسیجی، روحانی بسیجی. من بدون این‌که بخواهم از شأن بقیه‌ی مسلمین و مؤمنین و انقلابیونی که بحمدالله در سرتاسر کشور هستند، چیزی کم بکاهم، عرض می‌کنم که بسیجی گل سرسبد خیل عظیم انقلاب و اسلام است.

❖ سه سؤال مهم

در اینجا سه سؤال مهم مطرح است: اول، چه کسانی بسیجی را گرامی می‌دارند؟ دوم، چه



کسانی از بسیجی عصبانی یا ناراحت‌اند؟ سوم، بسیجی چه وظایفی را باید بر خودش حتم و لازم کند؟ شناختن موضع‌گیری‌ها، اشخاص و ابعاد گوناگون آنها یکی از وظایف هر مسلمانی است. مسلمان باید آگاه باشد - فرق هم نمی‌کند؛ همه باید این آگاهی را داشته باشند - این آگاهی، آگاهی کلاس و درس و دیپلم و لیسانس و اجازه‌ی اجتهاد و علوم حوزه‌ای نیست؛ این آگاهی همگانی است که شهری و روستایی، باسواد و بی‌سواد، پیر و جوان، زن و مرد، اگر بسیجی است، باید این آگاهی‌ها را پیدا کند.

❖ چه کسانی بسیجی را گرامی می‌دارند؟

سؤال اول: چه کسانی بسیجی را گرامی می‌دارند؟ جواب این سؤال معلوم است. گفتیم بسیجی برنامه‌اش حراست از اصل انقلاب و هویت انقلاب و دستاوردهای انقلاب است. هر کسی برایش اصل انقلاب، هویت انقلاب و دستاوردهای انقلاب ارزش دارد، بسیجی برایش ارزش بسیار بالایی دارد و او را گرامی می‌دارد. دوست انقلاب، دوست بسیجی است. بسیجی برای دفاع از ارزش‌های انقلاب و دستاوردهای انقلاب، جان خودش را کف دست می‌گیرد. هر کس این دستاوردها را دوست دارد، این جان‌برکف گرفته را هم دوست دارد و شیفته‌ی اوست.

❖ چه کسی از بسیجی عصبانی است؟

سؤال دوم: چه کسی از بسیجی عصبانی است؟ جواب این هم معلوم است. هر کسی از انقلاب عصبانی است، هر کسی از حاکمیت اسلام ناراضی است، هر کسی از رواج ارزش‌های اسلامی ناراحت است، باید از بسیج عصبانی و ناراحت باشد.

❖ بزرگ‌ترین دشمن بسیج و بسیجی؟

بزرگ‌ترین دشمن بسیج و بسیجی، سرویس‌های جاسوسی امریکا و اسرائیل‌اند. آنها بسیار با بسیجی‌ها بدند؛ چون هدف عمده‌ای که امروز سرویس‌های جاسوسی امریکا و اسرائیل برای خودشان تعریف کرده‌اند، برچیدن بساط انقلاب است. البته من عرض می‌کنم، خواب خوش دیده‌اند، خیر باشد! بیست سال است که این خواب را می‌بینند - مربوط به امروز نیست - بیست



سال است که تودهنی می‌خورند؛ امروز هم تودهنی خواهند خورد. علت هم واضح است: چون با اساس دشمن‌اند؛ با آن نیروی جوشانِ تمام‌نشدنی‌ای هم که دور این اساس را محکم گرفته‌اند و از آن حمایت می‌کنند، دشمن‌اند. این امر طبیعی است

البته اگر در گوشه‌ای صدایی از کسی علیه بسیج بلند شود، ما ادعا نمی‌کنیم آن شخص یا آن صدا مزدور امریکاست؛ نه، ممکن است از روی غفلت باشد. اما ادعا می‌کنیم همسوی امریکاست؛ همسوی دشمن است. اگر غافل است، باید غفلت را از خود دور کند.

هر حقیقتی دشمنانی و پاسدارانی دارد. دشمنان آن حقیقت، به دشمنی کردن با آن حقیقت اکتفا نمی‌کنند؛ بلکه با پاسداران آن حقیقت هم دشمنی می‌کنند؛ حتی دشمنی آنها با پاسداران آن حقیقت، گاهی وحشیانه‌تر و بی‌رحمانه‌تر از دشمنی آنها با خود آن حقیقت است؛ چون می‌دانند اگر این نباشد، با آن حقیقت راحت می‌شود دست‌وپنجه نرم کرد؛ این از آن حقیقت حراست می‌کند

❖ بسیج چه آگاهی‌هایی را باید در خود تقویت کند؟

سؤال سوم: بسیج چه آگاهی‌هایی را باید در خود تقویت کند؟ آگاهی اول همین چیزی است که عرض شد؛ فلسفه‌ی وجود بسیج و فلسفه‌ی برنامه و عملکرد بسیج. مبدا کسی خیال کند که بسیج یک چیز خودرو، بی‌برنامه و بی‌انضباط است. این‌طور چیزی نیست. این، آن تصویری است که دشمنان بسیج می‌خواهند القاء کنند. بسیج از اوّل که به وجود آمد و نام بسیج به خود گرفت، عبارت بود از یک حرکت آگاهانه در دوران جنگ تحمیلی که در سال ۵۹ شروع شد. جوان در این مملکت کم نبود؛ خیلی از این جوان‌ها اصلاً اعتنا نکردند به این که جنگی در مرزهای این کشور هست؛ مشغول خورد و خواب خودشان شدند. اگر کسی برای آنها از جبهه سخن می‌گفت، احیاناً پوزخندی هم می‌زدند. تابستان‌ها خوزستان گرم است؛ زمستان‌ها منطقه‌ی شمال غربی سرد است. از پای کولر راحت و آب‌خنک داخل یخچال و آغوش گرم پدر و مادر بیرون آمدن؛ از کنار مزرعه‌ی محصول بر زمین مانده بیرون آمدن؛ یا کارِ کارخانه‌ای را که ممکن بود بعداً از او بگیرند، یا اداره‌ای را که ممکن بود بعداً دیگر به



آنجا راهش ندهند، رها کردن و بیرون آمدن و رفتن به خوزستان گرم و شمال غرب سرد، برای همه گوارا نبود. خیلی‌ها نکردند؛ نشستند تماشا کردند. وقتی شهرها را بمباران کردند، از آن شهرهایی که بمباران می‌شدند، رخت و لباس برداشتند و به شهر دوردست‌تر رفتند. یک عده این‌گونه عمل کردند. این‌ها هم ایرانی بودند، خیلی‌ها ایشان هم مسلمان بودند؛ اما آن‌همت را نداشتند. در چنین هنگامه‌ای، عده‌ی دیگری پیدا شدند؛ از جاهای مختلف، از قشرهای مختلف، در سنین مختلف، زن و مرد؛ این‌ها آن راحتی را، آن خنک‌های تابستان را، آن کرسی گرم زمستان را رها کردند؛ آغوش پدر و مادر را رها کردند؛ محصول روی زمین مانده را رها کردند؛ کارِ کارخانه و اداره را رها کردند؛ درس دانشگاه و مدرسه را رها کردند و به سمت جبهه راه افتادند. چرا؟ چون احساس کردند که دشمن مرزها را شکسته و وارد میهن اسلامی شده است. اگر جوان، ایثارگران به استقبال دشمن نرود، دشمن به سراغ او در شهر و در خانه‌ی او خواهد آمد. این‌ها وظیفه‌ی جهاد اسلامی را ادراک کردند، فهمیدند، همت گماشتند و رفتند. این‌ها بسیجی هستند. این‌ها همان کسانی هستند که خداوند متعال در قرآن فرمود: «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ اجْرًا عَظِيمًا»^۱. مجاهدین یعنی همین‌ها؛ قاعدین یعنی آنها که در خانه نشستند. قاعد، یعنی نشسته؛ مجاهد، یعنی تلاشگر راه خدا.

آن جوانی، آن پیری، آن دانش‌آموزی، آن دانشجویی که درس خود را رها می‌کند، آن مردی که خانواده‌ی خود را به امان خدا رها می‌کند، آن کسی که دکان خود را رها می‌کند، آن ورزشکاری که مسابقات و افتخارات را رها می‌کند و به سمت جبهه راه می‌افتد، این ناآگاه است؟! این ناآگاه است یا آن کسی که خیر و راحتی نقد خودش را بر خیر مملکت و سرنوشت کشور و ملتش ترجیح می‌دهد؟!

❖ بسیجی آگاه است و می‌فهمد چه کار می‌کند

بسیجی آگاه است؛ بسیجی با آگاهی شروع می‌کند؛ کما این که بسیج با آگاهی شروع شد. چون آگاهی بود، خشنودی هم بود؛ بسیجی‌ها در جبهه شاد بودند. من خودم در اهواز مردی را



دیدم که جوان‌ها نبود - به گمانم همان وقت بعد از شهادتش، در نماز جمعه‌ی تهران هم این خاطره را گفتم - شب می‌خواستند به عملیات بسیار خطرناکی بروند؛ آن‌وقتی بود که عراقی‌ها از رود کارون عبور کرده بودند و به این طرف آمده بودند و در زمین پهن شده بودند. خرمشهر داشت به کلی محاصره می‌شد - سال ۵۹؛ در عین خطر - شب لباس رزم، لباس نظامی - همین لباس بسیجی - را پوشیده بود و با رفقاییش داشتند می‌رفتند. او آذربایجانی بود، اما در تهران تاجر بود؛ داشت با تلفن از منزلش خداحافظی می‌کرد. من نشسته بودم، نمی‌دانست که من هم ترکی بلدم. به زنش می‌گفت «گد یروخ گناخلقا»^۱؛ او هم می‌فهمید که «گناخلوق، نجور گناخلو خدی»^۲! هم این آگاه بود، هم آن آگاه بود؛ می‌فهمیدند چه کار می‌کنند.

❖ متهم کردن بسیج به ناآگاهی، بی‌تقوایی است

بسیجیان آگاهانه حرکت کردند: جوان، آگاه؛ نوجوان، آگاه - نوجوان سیزده، چهارده‌ساله آگاهانه رفت؛ از این قبیل هم ما دیدیم - پیرمردهایی را هم دیدیم با محاسن سفید - از امروز من پیرتر - که در جبهه مشغول بودند؛ دکتر هم دیدیم، روستایی بی‌سواد هم دیدیم، دانشجو هم دیدیم، کاسب هم دیدیم. بسیجی با آگاهی شروع می‌کند. بسیج از روی آگاهی شروع شد. چطور ممکن است کسی بسیج را به ناآگاهی متهم کند؟! دشنام است دیگر؛ فحش را همه رقم می‌شود داد. کسی که تقوا نداشته باشد، ممکن است نسبت به اولیا هم چیزهایی بگوید.

❖ بسیجی‌ها باید آگاهی را در خود تقویت کنند

شما بسیجی‌ها بدانید که باید آگاهی‌هایتان را تقویت کنید؛ معرفت به فلسفه‌ی بسیج - همین مطلبی که من عرض کردم - معرفت به کارهایی که بسیج نسبت به آن حساس است. ممکن است یک اتفاقی هم در گوشه و کنار کشور بیفتد - یک مسئله‌ی سیاسی، یک مسئله‌ی حزبی، یک مسئله‌ی جناحی - این ارتباطی به مسائل اصلی انقلاب ندارد. اینجا بسیج احساساتی نمی‌شود و دخالت نمی‌کند. آنجایی که مسئله‌ی ارزش‌ها مطرح است، آنجایی که مسئله‌ی

(۱) میهمانی می‌رویم

(۲) میهمانی، چه جور میهمانی است



اساس انقلاب مطرح است، آنجایی که مسئله‌ی حاکمیت دین خدا مطرح است، آنجایی که دشمن می‌خواهد از فرصت‌های به خیال خود به‌دست آمده‌اش علیه این انقلاب عظیم و شکوهمند بهره‌برداری کند، آنجا جای حضور بسیج است. فلسفه‌ی بسیج آنجا معنا می‌دهد. این آگاهی را باید بسیجی‌ها در خودشان تقویت کنند. البته به عهده‌ی مسئولان بسیج هم هست. در میان شما، فرماندهان نیز حضور دارند - چه فرماندهان بسیجی و چه فرماندهان سپاهی - به این نکات توجه کنند. این دل‌های پاک و نورانی، این روح‌های جوشان و قلب‌های تپنده، این ایمان‌های راسخ و پُرطراوت و شاداب را با بار آگاهی‌های فراوان هرچه ممکن است بیشتر تقویت کنید. این جزو کارهای لازم است.

❖ تا وقتی این روحیه‌ی بسیجی است دشمن هیچ غلطی نمی‌تواند بکند

من به شما عرض کنم، در همه‌ی مکاتب این گونه است؛ وقتی یک فکری، یک مکتبی، یک انقلابی، یک آرمان بزرگی، یک سخن بزرگی در دنیا مطرح می‌شود، یک مدتی دشمن‌ها گیج‌وویج هستند و نمی‌دانند چه کار کنند؛ اما بعد از مدتی که از گیجی خارج شدند، بنا می‌کنند به ناخن زدن، شبهه کردن، خدشه کردن. در مورد انقلاب ما از این کارها کردند. بعد از آن که از آن گیجی اولیه خلاص شدند، بنا کردند به خیال خودشان خدشه‌ی فکری و علمی در مبانی انقلاب؛ راجع به اصل انقلاب، راجع به اصولی از قانون اساسی، راجع به ولایت فقیه، راجع به وحدت دین و سیاست و از این قبیل حرف‌ها. بنا کردند به خدشه‌هایی که صورتاً برای آدم ناآگاه، منطقی بود، اما باطناً پوچ بود. این هم مربوط به یک دوره‌ای است؛ این دوره را انقلاب گذرانده است.

بعد از این که چنین شبهه‌هایی در فضا مطرح شد، آن وقت انقلاب شروع می‌کند به شکوفه کردن، دل خود را باز کردن، شبهه‌ها را پاسخ گفتن و منطق مستدل خود را عرضه کردن. این کار بحمدالله در جمهوری اسلامی و در انقلاب آغاز شده است؛ آن‌هم به صورت خوب. فضایی جوان، روشنفکران آگاه حوزه‌های مقدّس علمیه و برخی عناصر دانشگاهی، در زمینه‌های گوناگون، راجع به مبانی انقلاب یا مسائل مربوط به انقلاب - چه در تاریخ، چه در



فلسفه‌ی سیاسی، چه در مسائل دینی - شروع کردند به مطالب بسیار خوب. کتاب‌های خوبی هم نوشته‌اند، سخنان خوبی هم گفته‌اند. البته این گونه سخنان با هوچیگری مخالفان روبه‌رو می‌شود - این قهری است - اما آن هوچیگری‌ها تأثیری ندارد. این کتاب‌ها را، این سخن‌ها را، این فکرها را باید پیدا کنید و آگاهی‌ها را بالا ببرید.

من در یک جمله عرض کنم: عزیزان من! تا وقتی این روحیه‌ی بسیجی - یعنی همین آمادگی برای پیشگامی و پیش‌قدمی در میدان‌های خطر، در میدان‌های مجاهدت، در میدان‌هایی که احتیاج دارد انسان یک مقداری گذشت کند - در شما و در هزاران هزار جوان و غیر جوان و زن و مرد در سرتاسر کشور وجود دارد، امریکا نسبت به انقلاب هیچ غلطی نمی‌تواند بکند.

چند جمله دعا کنم: پروردگارا! فضل و لطف و رحمت خودت را بر این جوانان عزیز بسیجی نازل کن. پروردگارا! به محمد و آل محمد تو را سوگند می‌دهیم، روحیه‌ی شهادت و فداکاری همراه با آگاهی را در میان این جمع پُرشور و همه‌ی بسیجیان کشور بیش‌ازپیش فرما. پروردگارا! از بسیجیان عزیز راضی باش؛ سلام این جمع را به مولای ما و سید ما حضرت بقیة‌الله الاعظم ارواحنا فداه برسان؛ قلب مقدس آن بزرگوار را از ما راضی کن؛ دعای آن بزرگوار را شامل حال ما بگردان؛ روح مطهر امام بزرگوار را از همه‌ی ما شاد کن.

و السَّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته



بیانات در دیدار دانشجویان بسیجی «طرح ولایت» ۱۰/۶/۱۳۷۹

۱. خوشامدگویی به حضار
۲. عواطف برخاسته از شور ایمان در نسل جوان
۳. شیعه از موانع تاریخی عبور کرده و فاصله‌ی ژرف را در نور دیده است
۴. جوشش ایمان آمیخته‌ی با عواطف را شیعه حفظ کرده است
۵. حضور دل‌ها و تن‌ها بدون سلاح در انقلاب ایران
۶. حرکتی که الهامش از انقلاب اسلامی گرفته شده بود
۷. وقتی فکر و عمل باهم نبود، هدایت و تفضل الهی هم نخواهد بود
۸. هدف دشمن حسابگر از شبهه‌افکنی و تهمت و تحقیر
۹. درست اندیشیدن و وظیفه‌ی سنگین برای جوانان مؤمن
۱۰. توجه دشمن بیشتر به دانشگاه‌هاست
۱۱. در محیط دانشگاه تأثیرگذار باشید
۱۲. با مخاطبان خودتان برخورد برادرانه داشته باشید
۱۳. هجوم‌های تبلیغاتی به شخصیت‌های برجسته
۱۴. تصمیم قاطع و به‌کارگیری ابزار اثرگذار



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله ربّ العالمین. والصّلاة و السّلام علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمّد و علی آله
الأطیبین الأطهرین المنتجبین. الهداة المهديین. سیما بقیة الله فی الارضین.

❖ خوشامدگویی به حضار

اولاً حضور شما برادران و خواهران عزیز، دانشجویان، اساتید، فضلالی محترم و شخص
جناب آقای مصباح عزیز را به این حسینیّه خوشامد عرض می‌کنم و امیدوارم تلاش شما، همت
شما، نیت شما، برنامه‌ای که اجرا کردید و چشم‌اندازی که برای آینده‌ی تحصیلی خودتان در
نظر گرفتید، همه و همه مشمول هدایت و لطف و فضل و قبول و الطاف بیکران الهی باشد، و
اشخاص شما و آینده‌ی شما مشمول ادعیه‌ی زاکیه‌ی حضرت بقیة الله ارواحنا فداه قرار گیرد.

❖ عواطف برخاسته از شور ایمان در نسل جوان

آنچه که من را به این اجتماع، به این برنامه، به این اردو و به این مجموعه‌ی علمی و
آموزشی و فرهنگی دل‌بسته و معتقد می‌کند، این است که در اینجا آمیزه‌ای از علم و ایمان و
از تفکر و عاطفه، مشاهده می‌شود. اشتباه می‌کنند کسانی که خیال می‌کنند می‌توان عواطف
برخاسته از شور ایمان را از نسل جوان مؤمن این کشور جدا کرد؛ و اشتباه می‌کنند کسانی که
این عواطف را دست کم می‌گیرند.

❖ شیعه از موانع تاریخی عبور کرده و فاصله‌ی ژرف را درنور دیده است

عزیزان من! تاریخ اسلام یک مجموعه‌ی تلخی و شیرینی و فراز و نشیب و دشواری‌ها و ناهمواری‌هاست. اگر کسی این تاریخ را ملاحظه کرده باشد، خواهد دید که بقای اندیشه‌ی شیعی، فکر شیعی، فقه شیعی، فلسفه شیعه و معارف شیعی، خودش یک معجزه است. یعنی در لابه‌لای سنگلاخ‌های سخت، خارهای درهم‌پیچیده و درهم‌تنیده و راه‌های گوناگون و پیچ‌درپیچ با نگهبانان سنگدل پایه‌های قدرت‌های سیاسی نابحق و ظالم و غاصب، یک جریان آب زلال گوارای سالمی از مبدأ سرچشمه‌ی اسلام جاری شده است؛ از همه‌ی این موانع عبور کرده است؛ این فاصله‌ی ژرف را درنور دیده است و روزبه‌روز، هم خالص‌تر، هم وسیع‌تر، هم برجسته‌تر و هم متعالی‌تر شده است. این‌ها گزافه نیست؛ این‌ها واقعیت است.

❖ جوشش ایمان آمیخته‌ی با عواطف را شیعه حفظ کرده است

فقه شیعه، فلسفه‌ی شیعه، کلام شیعی و معارف شیعی، در طول زمان، در میان تحریف‌ها، در میان شبهه افکنی‌ها، در میان بافندگی‌های شبه‌علمی، آن‌هم همراه با پشتوانه‌ی سیاسی ظالمانه، پشتوانه‌ی پول‌های بیت‌المال که در خدمت اهداف مغرضانه قرار می‌گرفته، توانسته است خود را، هم سالم نگه دارد، هم تکامل ببخشد، هم توسعه ببخشد و دل‌ها و ذهن‌های میلیون‌ها انسان را در اقطار عالم - نه فقط در ایران - مقهور عظمت و استحکام خود قرار دهد. این ناشی از چیست؟ یقیناً سلامت و اصالت این فکر، بیشترین تأثیر را دارد. اما جاهایی هست که قدرت علمی به‌تنهایی کافی نیست؛ یک‌چیز دیگر لازم است؛ آن چیزی که پشتوانه‌ی ایمان‌های خالص هم همان است؛ و آن، عواطف صحیح برخاسته از معرفت درست است. این محبت ائمه، این محبت اهل‌بیت - همین چیزی که در قرآن هم‌روی آن تکیه شده؛ «الا المودة فی القربی»^۱ - این تمسک به سخنان اهل‌بیت و راهنمایی‌های آنها و انگشت راهگشای اشاره‌ی آنها در همه‌ی مسائل، آن عامل مهمی است که توانسته این اندیشه‌ی سالم و مستحکم را از گزند‌ها محفوظ نگه دارد. عالمان و متفکرانی که مقهور پول و زور و قدرت و شهوت و بقیه‌ی

لغزشگاه‌ها شدند، کم نیستند. آن عاملی که می‌تواند عالم و عامی را از این لغزشگاه‌ها دورنگه دارد، همین جوشش ایمان آمیخته‌ی با عواطف است. این را شیعه حفظ کرده است.

❖ حضور دل‌ها و تن‌ها، بدون سلاح در انقلاب ایران

امام فرمود: «ماه محرم، ماهی است که خون بر شمشیر پیروز می‌شود». چگونه؟ شما جوانان عزیز، آن روز در این خیابان‌ها نبودید. در عرصه‌ی این دنیای بزرگ، این همه حادثه‌ی تغییر و تحول سیاسی در قرن بیستم اتفاق افتاده است. در سال ۱۹۱۷ در روسیه انقلاب شوروی اتفاق افتاد. بعد از گذشت یکی، دو دهه، در گوشه و کنار دنیا، تحولات سیاسی پی در پی اتفاق افتاد؛ یا با خونریزی‌های سخت، یا با کودتاهای خونین، یا با ارباب‌ها، یا با لشکرکشی‌های عجیب. هیچ‌جا اتفاق نیفتاده بود - تا روز پیروزی انقلاب ما - که ملتی با تن خود و دل خود و عواطف خود، مجسم در شعارهای خود، بدون سلاح، با حجم عظیم وجود خود، فضای جامعه‌ی خود را چنان در زیر سیطره‌ی خودش بگیرد که دشمن در مقابل او قدرت پایداری نداشته باشد. این در ایران اتفاق افتاد.

❖ حرکتی که الهامش از انقلاب اسلامی گرفته شده بود

«نلسون ماندلا» اینجا آمد؛ قبل از این که رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی سقوط کند؛ تازه از زندان آزاد شده بود. البته من قضایای انقلاب در آن کشور را خبر داشتم. در زمان ریاست جمهوری، سفری به مناطق جنوب آفریقا کرده بودم؛ آنجا مطلع شدم که دوستان و نزدیکانش او قضایای انقلاب ایران را در زندان به او می‌دادند و او تحت تأثیر بود و از داخل زندان نسبت به امام اظهار ارادت کرده بود. البته این اظهار ارادت و تحت تأثیر قرار گرفتن مخصوص او هم نبود؛ من او را به خاطر مطلبی که می‌خواهم بگویم، مثال می‌زنم؛ و گرنه شخصیت‌های بسیار برجسته‌تر از او هم در دنیا بودند که همین‌طور تحت تأثیر بودند. راجع به انقلاب شنیده بود، آمد اینجا. یک گره کوری در آفریقای جنوبی بود که این همه مبارزات - سی سال، چهل سال مبارزه کرده بودند - به جایی نمی‌رسید. اینجا با من ملاقات کرد، به او گفتم که تجربه‌ی امام و انقلاب ایران این بود: تجربه‌ی حضور دل‌ها و تن‌ها؛ بدون به کار بردن سلاح، با پشتوانه‌ی



اعتقاد و عاطفه. به اعتقاد من وقتی خیابان‌های شهرها از این مظهر حضور مردم مؤمن پُر شدند - از هر کسی هم بر نمی‌آید؛ یک نوع ایمان لازم است - در مقابل این عظمت، همه‌ی نظام‌های سیاسی فرومی‌ریزند. او همان‌جا نکته را دریافت. بعد از اندکی، حرکت‌های عظیم خیابانی را در آنجا شنیدیم که به تغییر آن رژیم حقیقتاً قهّار و سفاک منتهی شد؛ به‌طوری که بعضی از شخصیت‌های سفیدها آنجا مجبور شدند با این‌ها همکاری کنند! بنابراین یک نظام چندین ده‌ساله‌ی نژادپرستِ ظالمِ ستمگر، با این حرکتی که الهامش از انقلاب اسلامی گرفته شده بود، از بین رفت. امروز هم در دنیا این روشِ کار، روشی مؤثر و مقبول شد است. قبل‌ها معمول نبود

❖ وقتی فکر و عمل باهم نبود، هدایت و تفضّل الهی هم نخواهد بود

عزیزان من! فکر، پایه‌ی اول است. توأم کردن فکر با عمل بر طبق آن اندیشه، پایه‌ی دوم است. «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحَسَنَ مَا أَجْرُ» انسان وقتی که فکر و عمل را همراه کرد، آن وقت تفضّلات الهی - انوار رحمت و هدایت - به سمت دل‌ها سرازیر می‌شود؛ اطمینان و سکینه و آرامش و امید در انسان به وجود می‌آید. مجموعه‌ای که این خصوصیات را داشته باشد، می‌تواند از تمام موانع عبور کند. ما این را داریم. اگر می‌بینید که جوامع اسلامی ما و جامعه‌ی ایرانی خود ما در قرن‌های گذشته با اوضاع و احوال سخت زندگی کردند و روزه‌به‌روز رو به انحطاط رفتند، یا امروز بسیاری از کشورهای اسلامی دچار این مشکلات‌اند، به خاطر این است که یا اندیشه‌ی درستی را که آن ایمان، متکی به آن اندیشه‌ی درست و صحیح و منطقی و قوی و حساب شده باشد، نداشتند و ندارند یا طمع‌ها و ضعف‌ها و سستی‌ها و لغزش‌ها و به دنیا چسبیدن‌ها و شهوت‌ها و هوسرانی‌ها و امثال این‌ها، جلو عمل را گرفته بود و گرفته است. وقتی فکر و عمل باهم نبود، هدایت الهی، تفضّل الهی، دستگیری الهی و کمک الهی هم نخواهد بود؛ مگر یک وقت به‌ندرت و گه‌گاه.

❖ هدف دشمن حسابگر از شبهه‌افکنی و تهمت و تحقیر

آنچه که امروز دشمن حسابگر در قبال این حادثه‌ی عظیم - یعنی ایجاد نظام جمهوری اسلامی - اندیشیده، این است که این ارکان را متلاشی کند؛ پایه‌ی ایمان را متزلزل کند؛ گاهی

با شبهه افکنی ذهن‌ها را دچار تردید کند - کما این که می‌بینید. بعضی افراد کانه مأموریتشان این است که بنشینند فکر کنند و شبهه‌ای پرتاب کنند. این شبهه را بعد فاضلی، عالمی، خوش فکری می‌آید و برطرف می‌کند؛ اما این‌ها کار خودشان را می‌کنند - و یا با توپ و تشر، با تهمت، با تحقیر، با افتراء - یکی از کارهای رایج در دنیای سیاست و در بعضی از دنیاهای دیگر همین است - صاحب حقیقتی را از میدان خارج کنند و نسبت به آن حقیقتی که دارد، دلسردش نمایند. شما اگر یک الماس گران‌بها در اختیار داشته باشید و بخواهند آن را از به ثمن بخش بگیرند، یکی از راه‌هایش این است: نفر اوّل بیاید بگوید «آقا! این شیشه است.»، نفر دوم بگوید «بی رزش است»، نفر سوم همین‌طور، تا شما کم‌کم در حقانیت این الماس دچار تردید شوید. در آن صورت راحت‌تر می‌شود این الماس را از شما بگیرند. این یکی از کارهای رایج دنیاست که پول خرجش می‌کنند.

از اوّل انقلاب، این قانون اساسی مدرن، این خطّ مدرن و نو؛ یعنی خطّ مردم‌سالاری متّکی به ایمان - که امروز در دنیا وجود ندارد - حاکم بوده است. امروز مردم‌سالاری‌ها در دنیا متّکی به پول است. این کتاب‌هایی را که خود آمریکایی‌ها در زمینه‌ی نقش رسانه‌ها و در زمینه‌ی کیفیت انتخابات، در لباس‌های گوناگون و شکل‌های گوناگون نوشته‌اند، بخوانید تا ببینید انتخابات شهرداری‌ها چگونه است؛ انتخابات فرماندارها چگونه است؛ بعد انتخابات رئیس‌جمهور و نمایندگان کنگره چگونه است. نقش سرمایه و پول، نقش اوّل است؛ مردم هم وجه‌المصالحه‌اند؛ دموکراسی‌ای به آن معنا وجود ندارد. دموکراسی در اصطلاح آنها - که خیلی هم سعی می‌کنند آن را آرایش کنند - همین چیزی است که خودشان اولین بار قلم انتقاد و زبان انتقاد را به روی آن باز کردند تا دیرباورترین آدم‌ها باور کنند که آنجا مردم‌سالاری حقیقی نیست. مردم‌سالاری متّکی به ایمان - همین عواطف، همین دیدِ روشن، همین حضور - یک نظام را بر سر پا کرد؛ یک انقلاب را به وجود آورد؛ یک پرچم را در دنیا بلند کرد؛ پرچم هویت بخشیدن به انسان - در درجه‌ی اوّل - و اندیشه‌ی والای اسلامی. برای این که این ایمان و این اعتقاد را ضایع کنند، مرتّب چیز به این درخشندگی را از اوّل انقلاب با شکل‌های

مختلف و با تعبیرات موها در رادیوها، مورد تحقیر قرار دادند. برای چه؟ برای این که صاحبان این فکر، در حفظ و بالندگی آن دچار تردید شوند. یا عمل صالح را با شکل‌های گوناگون مورد تحقیر قرار دادند؛ با همین چیزهایی که جناب آقای مصباح الآن از زبان همه‌ی شما بیان فرمودند؛ همین کمرنگ شدن بعضی از چیزها و توسعه دادن به برخی از خطاها و از این قییل چیزهایی که هست.

❖ درست اندیشیدن وظیفه‌ی سنگین برای جوانان مؤمن

آن چیزی که من می‌خواهم به شما عرض کنم، این است: شما بدانید، این فکر، این خط، این راه و این حادثه‌ی عظیمی که امروز در اینجا اتفاق افتاده، چیزی نیست که دشمن‌ها بتوانند با این گونه تدابیر آن را از حرکت و پیشرفت به جلوباز دارند. خودشان هم معترف هستند. گاهی یک‌بار به یک مناسبتی اندک امیدی پیدا می‌کنند و خیزی برمی‌دارند؛ اما باز دوباره می‌بینند فایده‌ای نکرد. خودشان هم می‌گویند، الان هم دارند می‌گویند. از این محافل، خبرهای فراوانی پیش ما می‌آید. در محافل گوناگون، بعضی از گویندگان‌شان، بعضی از صاحب‌نظرانشان، اظهار یأس می‌کنند و می‌گویند: نشد، نمی‌شود. واقعاً هم نخواهد شد و نمی‌شود. این حرکت عظیم را نمی‌توانند متوقع کنند. منتها آنچه که من می‌خواهم در تکمیل این «نمی‌شود» به شما بگویم، این است که: چرا نمی‌شود؟ چون اندیشه درست است؛ مخاطبان مخلص و سالم و مؤمنی هم دارد و کمر بستگان باعلاقه و با اخلاص و پُرشوری هم در سرتاسر کشور دارد و شما جزو آنها هستید. این یک وظیفه‌ی سنگین برای جوانان مؤمن است.

❖ توجه دشمن بیشتر به دانشگاه‌هاست

عزیزان من! امروز توجه دشمن از همه‌جا بیشتر به دانشگاه‌هاست. دلایلی هم دارد. البته در فهم جوان‌های ما و شناخت آنها و ارزیابی و تقویم آنها، من هم با شما هم عقیده‌ام که دشمن دچار اشتباه است. همان نود و درصدی که در بیانات جناب آقای مصباح بود، این مورد تأیید من است. من تقریباً همه‌ی عمر طلبگی و تبلیغی‌ام را در محیط‌های جوان و با جوان‌ها و با دانشجویها گذراندم؛ طبیعت مسائل جوانان را تا حدودی می‌دانم؛ بنده هم تصدیق می‌کنم. البته

تعدادی از افراد هستند که یا دچار شبهات فکری پیچیده‌اند و نمی‌توانند خودشان را خلاص کنند، یا دارای بعضی انگیزه‌های خانوادگی‌اند، یا دچار بعضی از سرخوردگی‌های اجتماعی‌اند. تعدادی از این قبیل در کنار اندکی تطمیع شده‌ها و دنیاطلب‌هایی که آنها هم حساب خودشان را دارند، هستند. اما نسل جوان ما نسل مؤمنی است. در میان این نسل مؤمن، جمعیت قابل توجهی مؤمنین فعال و پُرشورند؛ یعنی کسانی هستند که به‌صرف مؤمن بودن خودشان اکتفا نمی‌کنند؛ می‌خواهند محیط را هم محیط ایمانی کنند؛ می‌خواهند حتماً عمل صالح را در کنار ایمان بگذارند. مجموعه‌ی عظیمی از جوان‌ها این گونه‌اند و شما هم از این قبیلید.

❖ در محیط دانشگاه تأثیرگذار باشید

آنچه که من عرض می‌کنم، این است که در محیط دانشگاه سعی بر اثرگذاری کنید. به آنچه فراگرفتید، اکتفا نکنید؛ سعی‌تان این باشد که آن را منعکس و منتقل کنید. در محیط دانشگاه، دل‌ها و فکرهای زیادی هستند که می‌توان آنها را با شعاع این معارف، منور کرد. سعی دشمن این است که جوان‌ها از این معارف دور بمانند. همچنان که در قرآن ملاحظه می‌کنید «و هم ینھون عنه و ینأون عنه»^۱. «درباره‌ی پیام پیغمبران نیز همین‌طور بوده است. درباره‌ی پیام پیغمبر اسلام نیز همین‌طور بود. دشمنان، هم دیگران را از قرار گرفتن در شعاع این افکار نورانی نهی می‌کنند، و هم، خودشان را عقب می‌کشند که این شعاع به آنها نتابد. راه مقابله‌اش همین است که شما سعی کنید این افکار را در میان محافل جوان، محافل دانشجویی و دل‌های پاک، نورانی و پذیرنده ببرید.

❖ با مخاطبان خودتان برخورد برادرانه داشته باشید

البته من به شما پدران عرض می‌کنم: عزیزان من! با مخاطبان خودتان - هر که هستند - برخورد برادرانه داشته باشید. حساب آنجایی که دشمنی به میدان می‌آید و انسان وظیفه دارد با او برخورد کند، در جای خود جداست. آنجا و آن موقعیت و آن زمان را هم همیشه باید

مسئولان معین کنند. این‌ها وابسته به تشخیص‌های شخصی نمی‌تواند باشد و آنها موارد استثنایی است. در محیط دانشگاه، در محیط خانواده، در محیط کار علمی، در محیط تحقیقی؛ «ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن». با مجادله‌ی به نحو صحیح، بایان حکمت آموز، با زبان نرم، با رفتار و اخلاق خوش. البته دشمن همین را هم بیشتر اوقات تحمل نمی‌کند.

❖ هجوم‌های تبلیغاتی به شخصیت‌های برجسته

شما می‌بینید این هجوم‌های تبلیغاتی را که به شخصیت‌های برجسته، به انسان‌های والا و بااخلاق‌های برجسته می‌کنند؟ این‌ها همه‌اش نشان‌دهنده‌ی اهداف و نیت دشمن است. وقتی یک نفر مثل جناب آقای مصباح که حقیقتاً این شخصیت عزیز، جزو شخصیت‌هایی است که همه‌ی دلسوزان اسلام و معارف اسلامی بایستی از اعماق دل قدردان و سپاسگزار این مرد عزیز باشند، مورد هجوم تبلیغاتی قرار می‌گیرد، می‌بینید که همین «و هم ینهون عنه و ینأون عنه». حرف رسا و نافذ، منطق قوی و مستحکم، هرجایی که باشد، دشمن آنجا را زود تشخیص می‌دهد؛ چون حسابگر است. دشمن - همان‌طور که گفتم - آنجا را می‌شناسد و به مقابله‌اش می‌آید. با مرحوم شهید مطهری نیز همین‌گونه برخورد کردند. امروز شهید مطهری در دنیا نیست. البته امروز هم بعضی کسان شهید مطهری را رها نمی‌کنند؛ امروز هم حتی به او تهاجم می‌کنند؛ لیکن آن روزی که زنده بود، کسانی که بوده‌اند و دیده‌اند، می‌دانند که با آن شهید عزیز چه کردند؛ چه اهانت‌ها، چه ناشایست‌ها و ناسزاها که به آن چهره‌ی مطهر و منور زده شد.

❖ تصمیم قاطع و به‌کارگیری ابزار اثرگذار

در همه‌ی سطوح ممکن است چنین چیزی پیش بیاید. نسبت به اشخاص هم ممکن است پیش بیاید؛ اما بایستی راه درست را، شیوه‌ی درست را و ابزار درست را، با این چیزها از دست نداد. باید اثرگذاری داشته باشد. دو چیز در کنار هم باید باشد: اول تصمیم قاطع و جدی و

هوشیارانه برای مقابله با ترفند دشمن، دوم، به کارگیری ابزار صحیح و اثرگذار که بهانه‌ای به دست دشمن ندهد که بتواند یک عده بی‌خبر و غافل را با آن گمراه کند

امیدواریم که خدای متعال به همه‌ی شما توفیق دهد. شما جوانان عزیز را در خطّ روشن اسلام، در پای علم سرافرازی امت اسلامی - که امروز در ایران اسلامی برافراشته است - با توفیق و با کمک خودش همیشه باقی بدارد و علمای عزیز، فضایی گران‌قدر، اساتید محترم که این زحمات را بر دوش گرفتند، خداوند از همه‌ی آنها به فضل و کرمش قبول کند و وجودهای باارزش و گران‌مایه‌ای را که امروز بحمدالله در جامعه‌ی ما و برای جوان‌های ما نورافشانی می‌کنند، برای ما حفظ کند. من هم از همه‌شان تشکر می‌کنم. از برادران عزیز ترتیب‌دهنده‌ی این اردو - برادران سپاه و بسیج - به خاطر تدارک این کار بزرگ صمیمانه سپاسگزاری و تشکر می‌کنم. امیدوارم ان‌شاءالله همه‌ی شما مشمول الطاف الهی و ادعیه‌ی زاکیه‌ی بقیةالله ارواحنا فداه باشید.

و السلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

بیانات در جمع بسیجیان در اردوی فرهنگی رزمی یاران امام علی

(ع) ۱۶/۲/۱۳۸۰

۱. شکر الهی به خاطر وجود بسیج با نشاط و باایمان
۲. جوانان امت اسلام با مجاهدت، از هویت و هستی خود دفاع می کنند
۳. سیاست همیشگی مراکز اقتدار بین المللی جدا کردن ملت ها از معادله قدرت
۴. راه کنار گذاشتن ملت ها از معادله قدرت
۵. نتیجه جداسازی ملت از قدرت
۶. نتیجه حضور ملت در معادله قدرت
۷. خصوصیت بسیج
۸. معنا و مفهوم بسیج
۹. راز حمله تبلیغاتی به بسیج
۱۰. بسیجیان از برجستگان و ممتازان قشرهای مختلف کشورند
۱۱. بسیجی کیست؟
۱۲. بسیج فلسطینی
۱۳. گفتگو با رژیم صهیونیستی به منزله باز کردن میدان برای جلو آمدن اوست
۱۴. جوانان فلسطینی بیدار شده اند
۱۵. ملت فلسطین فرهنگ دارد، نمی شود از صفحه تاریخ محو کرد
۱۶. رژیم صهیونیستی، ریشه بحران خاورمیانه
۱۷. راه حل بحران خاورمیانه
۱۸. عامل قیام فلسطین
۱۹. قرارداد شرم الشیخ بی خاصیت است
۲۰. استمرار ایستادگی و مبارزه
۲۱. ایجاد اختلاف از توطئه های دشمن
۲۲. حمایت از برادران فلسطینی با ارزش است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين. والصلاة والسلام على سيدنا و نبيّنا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الأطيبين الأطهرين المنتجبين. الهداة المهديين المعصومين. سيّما بقيّة الله في الأرضين.

❖ شكر الهی به خاطر وجود بسیج با نشاط و با ایمان

بر این توفیق بزرگ که توانستم در جمع جوان و پُرنشاط شما بسیجیان عزیز شرکت کنم، خدای متعال را سپاسگزارم. وجود بسیج باید ما را وادار به شکر الهی کند؛ نشاط جوانان بسیجی باید ما را وادار به شکر الهی کند؛ توسعه روزافزون کیفی و کمی بسیج، جداگانه باید ما را وادار به شکر و سپاس الهی کند. امروز که در دنیای اقتدار سیاسی و استکبار اقتصادی و سیاسی در سراسر عالم، همه عوامل در سمت و سوی آن است که از جوانان دنیا، بخصوص از جوانان کشورهای اسلامی موجوداتی بی حال و بی انگیزه بسازند؛ نسل جوان کشورهای اسلامی را به انسان‌های کم خاصیت و بی خطر برای خودشان تبدیل کنند - که این کار را هم در کشورهای گوناگون جهان سوم و بخصوص در کشورهای اسلامی می کنند؛ و البته خود کشورهای مقتدر سیاسی دنیا هم چه بخواهند، چه نخواهند، گریبانشان در دست بلای فساد و اعتیاد و انحراف نسل جوانشان هست - در چنین دنیایی، انسان بیند نسل جوان کشور ما در میان خود، انبوه عظیمی از دختران و پسران را پرورش می دهد که با انگیزه، در میدان علم، در میدان دین، در میدان جهاد، در میدان حضور سیاسی، در میدان نشان دادن اقتدار و نشاط به چشم‌های حیرت زده و دل‌های ناباورانه دنیا حضور دارند؛ این جای شکرگزاری دارد. من

خدای متعال را به خاطر وجود بسیج، وجود شما، نشاط و نیرو و ایمان شما و آمادگی شما فرزندان عزیزم سپاسگزارم.

❖ جوانان امت اسلام با مجاهدت، از هویت و هستی خود دفاع می کنند

امروز این اردوی رزمی، فرهنگی در حالی تشکیل شده است که جمع کثیری از جوانان امت اسلام، در خود فلسطین و در خود قدس شریف، پرچم جهاد را برافراشته‌اند و با جان خودشان، با تن خودشان، با سرمایه حیات خودشان؛ از عزت خود، از هویت خود و از هستی خود دفاع می کنند و به مجاهدت می پردازند و در خارج از کشور فلسطین عزیز - در دیگر کشورهای اسلامی - به نام و یاد آنها و به عنوان هم دردی با آنها شعار می دهند و حضور خودشان را اعلام می کنند. در چنین شرایطی است که اردوی بزرگ شما در اینجا تشکیل شده است.

❖ سیاست همیشگی مراکز اقتدار بین المللی جدا کردن ملت ها از معادله قدرت

یک مطلب درباره بسیج عرض می کنم، یک مطلب درباره فلسطین. درباره بسیج سخن من این است که سیاست مراکز اقتدار بین المللی از اوایل این قرن تا امروز، همیشه این بوده است که ملت ها را از معادله قدرت جدا کنند؛ یعنی از آن روزی که کشورهای اروپایی و بعد امریکا برنامه ریزی کردند که بخصوص اختیار کشورهای اسلامی این منطقه را در دست گیرند؛ نفتشان استفاده کنند، از موقعیت سوق الجیشی شان استفاده کنند، از بازارهای مصرفشان استفاده کنند، از نیروی کار ارزان شان استفاده کنند؛ یک تصمیم اساسی و حیاتی دیگر هم در کنار این گرفته شد و آن تصمیم این بود که ملت های این منطقه را از معادلات قدرت کنار بگذارند؛ چون اگر ملت ها در معادله قدرت وارد شوند، دستگاه اقتدار طلب استکبار، شکست خورده است.

❖ راه کنار گذاشتن ملت ها از معادله قدرت

ملت ها را چگونه کنار بگذارند؟ راه این که ملت ها در قضایای این منطقه سخنی و نقشی و عزمی نداشته باشند، این بود که در رأس کشورها، عناصر طرفدار خود را که با مردم هیچ

نسبتی و در میان مردم هیچ محبوبیتی نداشتند، سرکار بیاورند. نمونه‌اش در ایران ما، آدمی مثل رضاخان بود؛ بعد هم پسر رضاخان. این‌ها هیچ ارتباطی با مردم نداشتند. وقتی در یک کشور مثل ایران یا مثل بعضی کشورهای شمال آفریقا و یا کشورهای دیگری در این منطقه، ملت‌ها مواجه با قدرت، با حکومت و زمامداری چنان انسان‌هایی می‌شوند، بدیهی است که از آنها پشتیبانی نمی‌کنند. وقتی ملت از زمامدار پشتیبانی نکرد، اختیار این زمامدار در دست آن مرکز اقتدار خارجی است. بگوید بکن، مجبور است بکند؛ بگوید نکن، مجبور است نکند؛ بگوید صلح خاورمیانه را به رسمیت بشناس، مجبور است بشناس؛ بگوید قیمت نفت را این قدر پایین بیاور، مجبور است پایین بیاورد؛ بگوید فلان فرد را از دولت خود کنار بگذار، یا فلان فرد را در داخل دولت خود به فلان کار بگمار، مجبور است بکند! چرا مجبور است؟ چون اگر نکند، باخشم مرکز اقتدار جهانی مواجه می‌شود و ملتی هم ندارد که از او پشتیبانی کند.

❖ نتیجه جداسازی ملت از قدرت

نتیجه این می‌شود: تصمیم‌گیری در این کشورها به وسیله زمامداران فاسد و خودفروخته، می‌شود تصمیم‌گیری دستگاه‌های اقتدار جهانی؛ یعنی همان چیزی که ما از اوّل انقلاب به آن «استکبار» گفته‌ایم؛ آن که ملت‌ها را خرد می‌شمارد؛ آن که به حقوق ملت‌ها اعتنا نمی‌کند؛ آن که منافع ملت‌ها را در نظر نمی‌گیرد. این سیاست استکبار بوده؛ این کار را هم کرده‌اند. در ایران عزیز ما، قبل از انقلاب ده‌ها سال این سیاست دنبال شد. در کشورهای دیگر هم اگر نگاه کنید - من اسم نمی‌آورم و زمان معین نمی‌کنم - می‌توانید نمونه‌های متعددی را ببینید.

❖ نتیجه حضور ملت در معادله قدرت

نقطه مقابل این چیست؟ نقطه مقابل این است که ملت در یک کشور، در معادله قدرت وارد شود؛ «آری» و «نه» بگوید؛ خواست خود را علنی کند؛ حقوق خود را مطالبه کند؛ در مسائل کشورش با چشم‌باز، با عزم راسخ، با قدم ثابت و استوار دخالت کند. این کار را انقلاب عظیم اسلامی ما و رهبر بی‌نظیر این انقلاب، در این کشور - که مانند طلسمی بسته شده بود - باز کردند؛ این کار را راه انداختند. قبل از انقلاب، ده‌ها سال در این کشور نام مجلس و

انتخابات و از این رقم چیزها بود. این مردم در آن دوران یک مرتبه پای صندوق انتخابات نمی رفتند؛ انتخابات نمی شناختند؛ دولت را نمی شناختند؛ از تصمیم ها خبر نداشتند؛ همه چیز در غیاب ملت رقم می خورد و تصمیم گرفته می شد و عمل می شد. از اوّل انقلاب، این ملت است که در وسط میدان است. مسئولان کشور اگر تصمیمی می گیرند، اگر شجاعتی به خرج می دهند و اگر اقدام راسخی می کنند، به پشتیبانی این ملت است. ملت وقتی در یک کشور وسط میدان باشد، در معادله قدرت، شریک و سهیم می شود. دیگر نه قدرت های زورگوی بین المللی می توانند چیزی بر او تحمیل کنند یا کسی را بر گردهی او سوار کنند؛ نه زمامداران می توانند ضعف نشان دهند و تسلیم خواست بیگانگان شوند؛ چون ملت مطالبه می کند.

❖ خصوصیت بسیج

آحاد ملت ایران اسلامی درست می دانند. البته انگیزه ها همه جا یکسان نیست؛ نشاط ها و اراده ها، مانند هم نیست؛ همه یکسان حاضر نیستند در راه هدف های عالی کشور و ملتشان سرمایه گذاری و اقدام کنند. یکی حاضر است جان بدهد، یکی حاضر است مالش را بدهد، یکی حاضر است مقداری وقتش را بدهد، یکی حاضر است چند کلمه حرف زدنش را بدهد، یکی حاضر است تماشاچی باشد و تحسین کند. همه یکسان نیستند. در میان آحاد عظیم ملت شصت و پنج میلیونی ما، کسانی که اگر جان لازم باشد، می دهند؛ اگر مال لازم باشد، می دهند؛ اگر حضور به تن و جسمشان لازم باشد، آن را حاضر می کنند؛ اگر بحث سازندگی باشد، پا وسط میدان می گذارند؛ اگر بحث دفاع باشد، در وسط میدان می آیند؛ اگر لازم باشد برای هدف های کشور، خود را از لحاظ علمی آماده کنند، این کار را می کنند؛ هر چه هدف های والا از آنها بخواهند، حاضرند آن را تقدیم بکنند؛ آن جمعی که این خصوصیت را دارند، اسمشان بسیج است.

❖ معنا و مفهوم بسیج

بسیج معنایش این است که دستگاه های مسئول کشور برای باز کردن گره های بزرگ، برای برداشتن قدم های بلند و برای دفاع از کشور، فقط به سازمان های رسمی و دولتی تکیه

نکنند. در جنگ، ما سازمان‌های مسلح نیرومندی داریم؛ ارتش و سپاه را داریم؛ اما آن روزی که میدان دفاع از مرزهای کشور یا از استقلال کشور یا از سربلندی کشور مطرح باشد و باز بشود، این فقط سازمان‌های رسمی نیستند که وارد میدان می‌شوند؛ بلکه آحاد ملت به این‌ها کمک می‌کنند و وارد میدان می‌شوند؛ همچنان که در طول این بیست سال در دوران جنگ و قبل از جنگ و بعد از جنگ وارد شدند. این معنای بسیج است. بسیج، یعنی حضور بهترین و بانشاط‌ترین و بایمانی‌ترین نیروهای عظیم ملت در میدان‌هایی که برای منافع ملی و برای اهداف بالا، کشورشان به آنها نیاز دارد. همیشه بهترین و خالص‌ترین و شرافتمندترین پُرافتخارترین انسان‌ها، این خصوصیات را دارند. بسیج در یک کشور، معنایش آن زمره‌ای است که حاضرند این پرچم افتخار را بر دوش بکشند و برایش سرمایه‌گذاری کنند؛ که آسان هم نیست. خدا را شکر می‌کنیم که از روز اوّل انقلاب، نیروی خودجوش مردم در همه میدان‌ها حاضر بود و امام، قدر این نیرو را دانست و آحاد ملت قدر این جریان جوشنده عظیم را در میان خودشان دانستند؛ آن‌هایی که خودشان حاضر نبودند، یا آمادگی نداشتند که در این میدان‌های خطر وارد شوند، آن جوانان آماده و عناصر از خود گذشته را تحسین و تشویق کردند. این آن چیزی است که دستگاه‌های اقتدار جهانی را، دستگاه‌های استکبار را، آن کسانی را که می‌خواهند سرنوشت کشورها و ملت‌ها را به ناحق در دست گیرند، خشمگین می‌کند.

❖ راز حمله تبلیغاتی به بسیج

اینجاست که باید راز حمله تبلیغاتی به بسیج را فهمید. چرا در تبلیغات جهانی و رادیوها به بسیج اهانت می‌شود؟ چرا کسانی که همیشه چشم به دهان بیگانگان دارند تا حرف آنها را تکرار کنند، نسبت به بسیج زبان به ناسزا می‌کشایند و بسیج را که در خور تشریف و تعظیم و تحسین است، مورد اهانت و بی‌مهری قرار می‌دهند؟ چون نقش بسیج را در حفظ استقلال ملی، در حفظ غرور ملی، در حفظ افتخارات ملی، در تأمین منافع ملی و بالاخره و بالاتر از همه در اعلاء پرچم اسلام و نظام جمهوری اسلامی می‌دانند؛ به جد با بسیج دشمن‌اند؛ اما دشمنی آنها فایده‌ای ندارد.

❖ بسیجیان از برجستگان و ممتازان قشرهای مختلف کشورند

امروز بحمدالله جوانان ما از قشرهای مختلف، در بسیج احساس حیات و نشاط می کنند؛ نسل جوان ما قدر می شناسد. امروز در انبوه عظیم جوانان بسیجی ما، برجستگان حوزه و دانشگاه، طلبه فاضل ممتاز، دانشجوی درجه یک ممتاز، برنده مدال های بالای مسابقات علمی جهان، دانش آموز ممتاز دبیرستان ها، کارگر ممتاز کارخانه ها، فرد ممتاز در بخش های مختلف، قاری ممتاز، هنرمند ممتاز، استاد ممتاز و ممتازان قشرهای مختلف، حضور دارند و اجتماع کرده اند. مگر دشمن می تواند این ارزش والا را با این تبلیغات خصمانه و یهوده در چشم مردم پایین بیاورد؟

❖ بسیجی کیست؟

من به شما جوانان عزیز، به شما پسران و دختران بسیجی مؤمن، از هر قشری هستید، عرض می کنم: عزیزان من! کشور مال شماست؛ کشور متعلق به نسل جوان است؛ شما باید این کشور را بسازید؛ شما باید پایه های مجد و عظمتی را که این انقلاب و دست توانای معمار انقلاب بنا گذاشته است، حفظ کنید و بالا ببرید؛ شما باید با نیروی خود، با اراده خود، با دانش خود و با ایمان خود، عقب ماندگی های چند ده ساله دوران قبل از انقلاب را جبران کنید. در میان جوانان، هر کس که این احساس مسؤولیت و این احساس علاقه به اهداف را، همراه با اخلاص در وجود خود حس می کند، او بسیجی است. چه در نیروی مقاومت باشد، چه نباشد؛ چه رسماً کارت بسیج گرفته باشد، چه نگرفته باشد. آن کسی که با ایمان است، آن کسی که دنبال اهداف والاست، آن کسی که حاضر است از وجود خود برای کشورش، برای اسلامش، برای نظام اسلامی و برای اتحاد ملتش، با وجود خود، با استعداد خود، با جان و تن خود سرمایه گذاری کند، او بسیجی است؛ در هر کجا که باشد. افتخار کنند جوانان عزیز بسیجی ما در گردان های مخصوص بسیج - گردان های عاشورا و یا زهرا در نیروی مقاومت، در بخش های مختلف بسیج - که توانسته اند با حضور سازمانی در بسیج، این احساس را مجسم کنند.

❖ بسیج فلسطینی

و اینجا بپردازم به مسئله بسیار مهم این روزهای ما؛ یعنی مسئله فلسطین. عزیزان من! در فلسطین هم بسیج هست؛ بسیج فلسطینی که دنیا را امروز متوجه به خود کرده است. آن وقتی که سرنوشت قضیه فلسطین، دست چند نفر سیاستمدار باشد، مردم در آن نقشی نداشته باشند، جوانان در آن حرفی نداشته باشند؛ سرنوشت همان می شود که دیدید: ذلت پشت سر ذلت؛ عقب نشینی پشت سر عقب نشینی؛ میدان دادن به دشمن؛ سنگرها را یکی پس از دیگری به نفع دشمن زورگو، متجاوز، پُرو و وقیح، خالی کردن. این آن وقتی است که مردم در صحنه نیستند. مردم را کنار گذاشتند؛ انگیزه های حقیقی ای که مردم را جذب می کند - یعنی انگیزه ایمانی - فراموش کردند و ده ها سال مسئله فلسطین را عقب انداختند. من اول انقلاب به یکی از این سران فلسطینی که اینجا آمده بود، گفتم چرا شما شعار اسلام را مطرح نمی کنید؟ عذرهای بیهوده ای آورد. نمی خواستند بکنند؛ دلشان به اسلام باور نداشت. امروز بیش از دوازده، سیزده سال است که ملت مسلمان فلسطین، بانام اسلام و با شعار اسلام به میدان آمده است. دشمن فوراً فهمید قضیه چیست. وقتی که در دهه قبل، انتفاضه در فلسطین شروع شد، دشمنان - یعنی صهیونیست ها و رفیق های آمریکایی شان - زودتر از همه احساس خطر کردند. دیدند باید این را نابود کنند؛ چون به نام اسلام است. در صدد علاج برآمدند؛ اما قادر به علاج نیستند؛ چون طبیعتاً زور گویند.

❖ گفتگو با رژیم صهیونیستی به منزله باز کردن میدان برای جلو آمدن اوست

رژیم صهیونیستی در سرزمین مغضوب فلسطین، یک رژیم نژادپرست است. مگر از یک رژیم نژادپرست می شود انتظار عدالت داشت؟! رژیمی که به وسیله قدرتمندان سیاسی و اقتصادی دنیا به وجود آمده است، اصلاً برای این به وجود آمده است که نگذارد دنیای اسلام، اتحادی به خود ببیند؛ عزتی به خود ببیند؛ نگذارد مسلمان ها یک واحد عظیم تشکیل دهند که مبدا خطر بشوند. برای این اصلاً به وجود آمده است. از او می شود انتظار انصاف و عدالت داشت؟! ساده لوح اند کسانی که خیال می کنند گی شود با این رژیم گفتگو کرد. هر گفتگویی

برای رژیم صهیونیستی به منزله باز کردن یک میدان برای جلو آمدن اوست. دیروز او را در گفتگوها کمک کردند، امروز آمدند مدعی مسجدالاقصی شدند! وقتی انسان نداند که با چنین موجود زورگویی چگونه باید رفتار کرد و بخواهد تحت تأثیر فشارهای امریکا و صهیونیست‌های قدرتمند و پولدار دنیا تصمیم بگیرد، همین می‌شود؛ آحاد ملت بالأخره خودشان به میدان آمدند. سه هفته قبل، حضور عنصر نجس و منفور صهیونیست در مسجدالاقصی مردم را بی‌تاب کرد. اگر همان روز، سران مدعی مسئله فلسطین یا سران کشورهای عربی، معترض می‌شدند، مردم احساس می‌کردند کسی هست که حرف آنها را بزند؛ و شاید قضایا این‌طور نمی‌شد؛ اما مردم دیدند خودشان باید به میدان بیایند و به میدان آمدند. الآن سه هفته است که شعله مقاومت در سرزمین فلسطین برافروخته است.

❖ جوانان فلسطینی بیدار شده‌اند

من به این جوانان فلسطینی گفتم، شما بدانید، یک نسل بیدار شده؛ یک نسل به میدان آمده است؛ مگر می‌توانند آن را با این حرف‌ها خاموش کنند؟ تعدادی با ارتکاب جنایت و ارباب، تعدادی از جوانان و مظلومی‌ن را به قتل می‌رسانند؛ اما خون‌های این‌ها درخت نهضت فلسطین و انقلاب فلسطین را آبیاری می‌کند. مسئله به شکلی نیست که قدرت استکباری امریکا یا دست‌نشانده او - حکومت صهیونیستی - بتوانند آن را علاج کنند؛ علاج‌پذیر نیست. ملتی را از خانه خود، از میهن خود، از کشور خود بیرون کرده‌اند و کسانی که مانده‌اند، محکوم بیگانه‌هایی هستند که به آنجا کشانده شدند؛ این ملت را مگر می‌شود ساکت کرد؟

❖ ملت فلسطین فرهنگ دارد، نمی‌شود از صفحه تاریخ محو کرد

دستگاه‌های استکبار از ایران اسلامی گله می‌کنند که شما با روند صلح مخالفید. ما البته مخالفیم؛ اما شما بدانید، اگر ایران اسلامی هم مخالف نبود، اگر هیچ‌یک از ملت‌ها و دولت‌های دنیا هم کمک نمی‌کرد، این خیال خامی است که شما خیال کنید یک ملت را می‌شود از صفحه تاریخ محو کرد و به جای آن یک ملت جعلی به وجود آورد! ملت فلسطین فرهنگ دارد، تاریخ دارد، سابقه دارد، تمدن دارد. هزاران سال این ملت در این کشور زندگی

کرده است؛ آن وقت شما بیاید این ملت را از خانه خودش، از شهر خودش، از تاریخ خودش جدا کنید و بیرون برانید و بعد یک عده مهاجر را، ولگرد را، آدم‌های جورواجور را، سود طلب‌ها را از کشورهای دنیا جمع کنید و یک ملت جعلی به وجود آورید؟! مگر این شدنی است؟! چند صبحی بازور و با فشار کار را انجام می‌دهید؛ مگر این کارها ممکن است ادامه پیدا کند؟! همچنان که ادامه پیدا نخواهد کرد و امروز نشانه‌هایش بُروز کرده است.

❖ رژیم صهیونیستی، ریشه بحران خاورمیانه

من حرف اوّل در باب فلسطین این است که هیچ قدرتی در دنیا وجود ندارد که بتواند انگیزه آزادی و بازگشت فلسطین به صاحبان آن را در دنیا و در دل ملت‌های مسلمان و به‌طور ویژه در دل ملت فلسطین خاموش کند. راه علاج هم یک‌راه بیشتر نیست. من به کسانی که مسئله خاورمیانه را یک مسئله بحرانی دنیا می‌دانند و می‌گویند بایستی سعی کنیم بحران خاورمیانه مهار شود، می‌گویم تنها راه مهار کردن یا از بین بردن بحران خاورمیانه این است که ریشه بحران خشک شود. ریشه بحران چیست؟ رژیم تحمیلی صهیونیستی در منطقه. تا وقتی که ریشه‌ی بحران هست، بحران هم هست.

❖ راه حلّ بحران خاورمیانه

راه حل این است که آوارگان فلسطینی از لبنان و هر نقطه دیگری که هستند، به فلسطین برگردند. این چند میلیون فلسطینی‌ای که در بیرون فلسطین زندگی می‌کنند، به فلسطین برگردند. مردم اصلی فلسطین - چه مسلمان، چه مسیحی، چه یهودی - رفراندوم کنند و تصمیم بگیرند که چه رژیمی بر کشورشان حاکم باشد. اکثریت قاطع مسلمان‌اند؛ تعدادی هم یهودی و مسیحی‌اند که این‌ها ساکنان اصلی سرزمین فلسطین‌اند و پدران‌شان در اینجا زندگی کرده‌اند. نظامی را که مطلوب این جمعیت است، سرکار بیاورند؛ بعد آن نظام تصمیم بگیرد با کسانی که در طول این چهل سال، چهل و پنج سال و پنجاه سال به فلسطین آمده‌اند، چه کار کند. نگه‌شان دارد، برشان گرداند، در نقطه خاصی اسکان داده شوند؛ این دیگر با آن نظام حاکم بر فلسطین است؛ این راه حلّ بحران است.

❖ عامل قیام فلسطین

تا وقتی این راه حل اجرا نشود، هیچ راه حل دیگری کارایی نخواهد داشت؛ آمریکایی‌ها هم با همه قدرت‌نمایی‌شان کاری نمی‌توانند بکنند. آنها هر کاری می‌توانسته‌اند، کرده‌اند؛ نتیجه این است که مشاهده می‌کنید. البته آنها از اوضاع این سه هفته فلسطین اشغالی، از قیام جوانان، از شجاعت مردان وزنان، از عزم و اراده والای آن مردم مظلوم و خشمگین، به شدت عصبانی ندو مرتّب می‌خواهند گناه را به گردن این‌و آن بیندازند. نه آقا! عامل قیام فلسطین جمهوری اسلامی نیست؛ عامل قیام فلسطین مردم لبنان نیستند؛ عامل قیام فلسطین خود فلسطینی‌ها هستند؛ عامل قیام و انتفاضه فلسطینی، رنج‌ها و غم‌های متراکم شده در وجود این نسل جوانی است که امروز با امید و نشاط به میدان آمده است. ما البته آنها را تحسین می‌کنیم؛ ما آنها را از خودمان می‌دانیم؛ ما فلسطین را پاره تن اسلام می‌دانیم و با ملت فلسطین، با جوانان فلسطین احساس برادری و هم‌خونی می‌کنیم؛ اما آنها هستند که انتفاضه را راه می‌برند.

❖ قرارداد شرم‌الشیخ بی‌خاصیت است

این قراردادهایی هم که در «شرم‌الشیخ» و دیگر مناطق، بین اطراف بی‌مسئولیت قضیه بسته شده است، هیچ تأثیری ندارد. مایه شرمندگی قرارداد کنندگان و کسانی که این قراردادها را بسته‌اند، خواهد شد. هیچ فایده‌ای ندارد؛ هیچ تأثیری نخواهد داشت.

در آینده بسیار نزدیکی اجلاس سران عرب تشکیل می‌شود. من لازم می‌دانم به سران کشورهای عربی مسئولیت بزرگی را که امروز متوجه آن‌هاست، یادآوری کنم. امروز امت اسلام از سران عرب انتظار دارد. آمریکایی‌ها سعی کردند در اجلاس «شرم‌الشیخ» کاری کنند که اجلاس سران عرب تحت تأثیر قرار گیرد. نباید تحت تأثیر قرار گیرند. امروز هر تصمیمی که در اجلاس سران عرب گرفته شود، مورد قضاوت همیشگی تاریخ خواهد بود. سران عرب می‌توانند با تصمیم‌های درست، برای خودشان در این اجلاس افتخار ابدی کسب کنند. البته مسئله فلسطین با این اجلاس‌ها حل نمی‌شود؛ اما این اجلاس‌ها می‌توانند مطالبات ملت فلسطین را به دنیا عرض کنند. نقدترین و فوری‌ترین مطالبات ملت فلسطین این است که عاملان کشتار

فلسطینی در این سه هفته باید در یک دادگاه اسلامی یا عربی، محاکمه و مجازات شوند. آن موجود پلیدی که با حضور خود در مسجدالاقصی احساسات مردم مسلمان را جریحه دار کرد، باید مجازات شود. قدس شریف و شهر بیت المقدس باید از وجود صهیونیست‌ها به کلی پاک‌سازی شود؛ اجازه داده شود که ملت فلسطین آزادانه نسبت به آینده و سرنوشت خود تصمیم بگیرد. این‌ها مطالبات نقدی است که سران کشورهای عربی می‌توانند مطرح کنند.

❖ استمرار ایستادگی و مبارزه

من به برادران و خواهران فلسطینی عرض می‌کنم: جهادتان را ادامه دهید. ایستادگی‌تان را ادامه دهید. بدانید هیچ ملتی جز به وسیله ایستادگی و مبارزه نمی‌تواند شرف خود و هویت خود و استقلال خود را به دست آورد. به هیچ ملتی، دشمن با التماس چیزی نخواهد داد. هیچ ملتی به خاطر ضعیف بودن و گردن کج کردن در مقابل دشمن، به چیزی نمی‌رسد. هر ملتی که در دنیا به جایی رسیده است، به خاطر عزم و اراده و ایستادگی و سینه سپر کردن و سر را بالا نگه داشتن رسیده است. بعضی از ملت‌ها این توان را ندارند؛ اما آن ملتی که به اسلام معتقد است، آن ملتی که به قرآن معتقد است، آن ملتی که به وعده خدا معتقد است، آن ملتی که معتقد است «لَیَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ یَنْصُرُهُ» - هر که خدا و دین خدا را یاری کند، خدا با تأکید او را یاری خواهد کرد - این توانایی را دارد.

❖ ایجاد اختلاف از توطئه‌های دشمن

توصیه‌ی دیگر من این است که امروز همه همت دشمن این است که میان صفوف فلسطینی اختلاف بیندازد. حتی آن عناصر خائن فلسطینی هم که با دشمن همکاری می‌کنند، همشان ایجاد اختلاف است. تسلیم این توطئه دشمن نشوید. عناصر حماس، جهاد اسلامی، فتح - جوانان فتح که تازه‌وارد این میدان شده‌اند - این میدان را رها نکنند و همه باهم باشند. رئیس‌ان و سرکردگانی که به نفع دشمن حرف بزنند و دستور بدهند، دستورشان گوش کردنی نیست. آحاد ملت فلسطین بر محور عناصر با اخلاص و مؤمن و فداکار جمع شوند. ملت فلسطین - که امروز چشم دنیای اسلام متوجه به اوست، بدانند که دل‌های امت اسلامی او را تحسین و

برای او دعا می‌کند؛ و اگر برای کمک راه باز بود، امروز امت اسلامی کمک‌های خود را روانه می‌کرد؛ چه دولت‌ها موافق و مایل می‌بودند و چه نمی‌بودند. امت اسلام از فلسطین نمی‌گذرد، از ملت فلسطین نمی‌گذرد، از جوانان فلسطین چشم نمی‌پوشد. حمایت از برادران فلسطینی بارزش است به ملت عزیز خودمان هم عرض می‌کنم، این حماسه حمایت و فداکاری نسبت به برادران عزیز فلسطینی را - که شما بحمدالله در دنیای اسلام به حمایت آشکار و همه‌جانبه از برادران فلسطینی‌تان سرافراز و برجسته‌اید - قدر بدانید. این بسیار بارزش است. همه دنیا می‌دانند که کشور ایران اسلامی عزیز ما، ملت و دولت، اتحاد مردم، زن و مرد، نسبت به مسئله فلسطین علاقه‌مند، حساس، عازم و جازم‌اند و اگر بتوانند، کمک می‌کنند. چقدر خوب است که کمک‌های مالی مردم متمکن جمع شود و کسانی که می‌توانند، از لحاظ مالی کمک کنند. اگر از لحاظ تسلیحات نمی‌توانیم کمک کنیم؛ اگر از لحاظ نیروی انسانی، این امکان وجود ندارد که ملت و جوانان ملت به آنجا بروند؛ اما از لحاظ مالی می‌شود به آنها کمک کرد؛ بعضی از دردهایشان را درمان نمود؛ بعضی از زخم‌هایشان را مرهم گذاشت و دل‌های مادران آنها و عزم پدران آنها را تحت تأثیر این محبت‌ها قرارداد. دیدید نوجوانی را که در آغوش پدرش به قتل رسید؟! این تنها مورد نبود؛ موارد دیگری هم وجود داشته است. عظمت این حرکت آنقدر زیاد است که این گونه فداکاری‌ها به چشم خود آنها بزرگ نمی‌آید؛ همچنان که در دوران جنگ تحمیلی، شما آنقدر فداکاری کردید که به چشم خودتان نمی‌آمد؛ اما فداکاری‌های شما دنیا را خیره کرد. امروز هم ملت فلسطین همین‌طورند؛ به چشم خودشان نمی‌آید، اما دنیا را خیره می‌کند. یک شهادت - مثل شهادت آن نوجوان در آغوش پدرش - توفانی در دل‌های ملت‌های دنیا برمی‌انگیزد. این‌ها بسیار ارزشمند است.

پروردگارا! در این پیش از ظهر جمعه، در این روزی که متعلق به ولی تو و عبد صالح تو، حضرت حَبَّانِ الْحَسَنِ ارواحنفاذاه است، تو را به آن بزرگوار و به خاندان پیغمبر و به وجود مقدس نبی اکرم و به همه اولیا سوگند می‌دهیم، نصرت خود را بر مردم فلسطین و بر همه مسلمانان مبارز در سراسر دنیا نازل فرما. پروردگارا! ملت ایران را سربلند و منصور و مظهر

بگردان. پرورد گارا ! به محمد و آل محمد، جوانان بسیجی ما را بانشاط، پُرانگیزه، در همه میدان‌ها موفق و مؤید بدار. پرورد گارا! دشمنان اسلام و مسلمین را نابود کن. وحدت امت اسلامی را روزبه‌روز مستحکم‌تر بگردان. قلب مقدس ولیعصر ارواحفاده را از ما، از این جمعیت، از همه ملت ایران، بخصوص از بسیجیان عزیز، راضی و خشنود بگردان. پرورد گارا! روح مطهر امام را از آنچه در این کشور به‌وسیله این جوانان مؤمن پیش می‌آید و می‌گذرد، راضی و خشنود بگردان و دعای آن بزرگوار را شامل حال همه ما بکن.

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته

بیانات در دیدار با بسیجیان و پرسنل سپاه پاسداران استان کیلان ۱۶/۲/۱۳۸۰



در دیدار با بسیجیان و پرسنل سپاه پاسداران استان
کیلان ۱۶، ۲، ۱۳۸۰



- ۱- حضور موثر جوانان مومن در میدان های خطر
- ۲- نقش جوانان مومن و بسیجی در برافراشتن پرچم حق
- ۳- برکات بسیج و چگونگی تقویت خود
- ۴- اهمیت منطقه ی خلیج فارس نزد غارتگران جهانی
- ۵- مهم ترین جرم نظام ما نزد استکبار چیست؟
- ۶- بصیرت بسیجی یعنی: دشمن شناسی
- ۷- اسلام اهل بیت (ع)، نجات بخش انسان های مظلوم
- ۸- چشمه ی جوشان نظام اسلامی منشأ تحول در جهان خواهد بود
- ۹- تسری شعله های مقدس نظام ما
- ۱۰- وظیفه ی مسئولین در جهت تقویت نیروی مقاومت بسیج

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. والصلاة والسلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الأطيبين الأطهرين المنتجبين. الهداة المهديين المعصومين. سيما بقیة الله فی الارضين

❖ حضور موثر جوانان مومن در میدان های خطر

جمع بسیار معظم شما جوانان عزیز بسیجی و سپاهی ای گیلانی در این میدان مبارکی که به عنوان مرکز استقرار عزیزان مؤمن و حزب اللهی و پادگان سپاه و بسیج معین شده است، آخرین روز این سفر را با میمنت و مبارکی همراه می کند. خدا را سپاسگزارم که پایان این سفر، با دیدار جمعی از بهترین و باصفا ترین مردان و زنان این منطقه ی مؤمن همراه شد. از همه ی شما برادران و خواهران عزیز معذرت می خواهم، برای این که جمع حاضر، بسیار متراکم و فشرده است؛ زیر آفتاب هم قرار گرفته اید و جلسه ی ما قدری طول کشید؛ لیکن شما جوانان مؤمن و پُرشور بسیجی گیلانی نشان داده اید که در دشواری ها و میدان های خطر، با استقامتی شگفت انگیز، می توانید کارهای بزرگ و اقدامات حیرت آوری انجام دهید.

❖ نقش جوانان مومن و بسیجی در برافراشتن پرچم حق

هر کس که تاریخ این سرزمین را بداند، وقتی منطقه ی گیلان را برخورداری از جوانان پُرشوری مثل شما می بیند، تعجب نمی کند. می توانم بگویم که ملت ایران در دورانی از تاریخ خود، عقیده و ایمانش را مدیون شما گیلانی هاست؛ یعنی در دورانی که حاکمیت بنی عباس و مجموعه های نظامی و مشت های آهنین آنها در سرتاسر دنیای اسلام، تفکر شیعه را در انزوا قرار داده بود، جوانان همین مرز و بوم - دیلمیان - در سرتاسر این کشور پهناور، پرچم محبت



و معارف اهل بیت علیهم السّلام را برافراشتند و نه فقط در ایران، بلکه در عراقِ عرب، نام و شعار تشیع - در اذان و غیر اذان - همه‌ی دل‌ها را تحت تأثیر قرار داد. اگرچه بعد از آنان، باز مجموعه‌های سیاسی و نظامی متعصب ضدّ شیعی سال‌ها و قرن‌های متمادی در این کشور فعالیت کردند تا یاد اهل بیت علیهم السّلام را از دل‌ها بزدایند، اما بدون تردید تأثیر مبارزات و فداکاریها و اخلاص و مجاهدت دیلمیان در قرن‌های اولیه، کار خود را کرد. در واقع ملت ایران در برهه‌ای از زمان، تشیع خود را مدیون جوانان این منطقه است. از اوّل انقلاب هم در همه‌ی مناسبت‌هایی که لازم بوده برای برافراشتن پرچم حق اقدامی صورت گیرد، مردم گیلان - بخصوص شما جوانان مؤمن و پُرشور - پیشقدم بوده‌اید. این جمع عظیم بسیجیانِ جان‌برکف و جوانان بااخلاص و پُرشور، نشان‌دهنده‌ی صدق و حقانیت این مدّعاست.

❖ برکات بسیج و چگونگی تقویت خود

من چند مطلب را به صورت کوتاه عرض می‌کنم تا شما بسیجیان عزیز و جوانان مؤمن و همچنین برادران سپاهی، بیش از پیش به این نکات توجه کنید. موج فعالیت‌های مغرضانه‌ی تبلیغی، گاهی روشن‌ترین حقایق را هم به کنج تاریکی می‌راند.

نکته‌ی اول: بسیج یک حقیقت منحصر به فرد در نظام جمهوری اسلامی است که حاکی از نهایت توانایی مکتب و تفکر عمیق و ماندگار انقلابی و اسلامی در این سرزمین است. بسیج، یعنی مجموعه‌ای از مردم - اعم از جوانان مشغول به تحصیل، یا مشغول به کارِ موظف اداری، یا مشغول به کشاورزی و کارگری، و یا مشغول به مشاغل آزاد دیگر - که با ایمان عمیقِ توأم با عواطف و احساسات پاک و صادقانه‌ی خود حاضرند همه‌ی توان‌شان را در خدمت اهداف نظام و انقلاب و منافع ملت به کار برند. اگر ما بخواهیم از اوّل پیروزی انقلاب تاکنون، در میان عوامل انسانی، به دنبال مؤثرترین عامل بگردیم، عامل بسیج را پیدا می‌کنیم. معنا و مفهوم و حقیقت بسیج، جز این چیز دیگری نیست. یک انسان به خاطر بصیرت و روشن‌بینی خود - که با روح گذشت و فداکاری همراه است - آسایش و راحتی خود و کسب امتیازات شخصی را



در درجه‌ی بعد قرار می‌دهد؛ اما منافع ملت و کشور و سربلندی مردم و پیشرفت انقلاب و آبرومندی نظام را بزرگترین هدف خود می‌کند. این چیز بسیار بزرگ و بااهمیتی است.

در جنگ نیز همین روحیه‌ی بسیجی بود که توانست برای کشور ما افتخار به بار آورد. هر جا این روحیه‌ی بسیجی وارد شد، گره‌ها را باز کرد. در جنگ هم هرگاه در سازمان‌های موظف نظامی، یک فرمانده یا یک نظامی، با روحیه‌ی بسیجی حضور داشت، همه چیز رنگ دیگری به خود می‌گرفت و فداکاری برجسته‌تر، و پیشرفت و امید و نگاه به آینده روشن‌تر می‌شد. هر جا که این روحیه باشد و هر ملتی که مردمانی با چنین روحیه‌ای داشته باشد، بدون تردید آن ملت موفقیت‌های بزرگی به دست خواهد آورد.

فرق است بین کسی که می‌نشیند تا در قالب یک دستور اداری، به اندازه‌ای که مسئولیت و مأموریت او - با رعایت همه‌ی جوانب شخصی - اقتضاء می‌کند، کاری را انجام دهد؛ و کسی که وقتی احساس وظیفه و تکلیف کرد، دیگر خود نمی‌شناسد، برایش منافع شخصی مطرح نیست و حاضر است منافع و آسایش و حتی عمر خود را در راه پیشرفت و صلاح ملت و کشور و اعتلای اسلام و عظمت بخشیدن به ارزش‌های اسلامی، پشت سر قرار دهد و نیروی خود را در این راه به کار گیرد. در دانشگاه هم چنین انسانی - چه شاگرد باشد، چه استاد - یک موجود ممتاز است. در محیط‌های گوناگون تحصیلی، در کارگاه‌ها، در محیط‌های شهری یا روستایی و در هر نقطه‌ی دیگر، اگر چنین انسانی حضور داشته باشد، وجود او فضا را نورانی می‌کند. معلوم است که اگر در ملتی، مجموعه‌ی عظیمی از این گونه جوانان و این‌طور مردم حضور داشته باشند، کار دشمنان مشکل می‌شود.

دشمن همیشه دنبال نقطه‌ای می‌گردد که نفوذپذیر باشد و مانعی سر راه او نباشد تا بتواند تاخت و تاز کند؛ چه از لحاظ نظامی و چه از لحاظ فرهنگی و سیاسی. هر جا مانع وجود دارد، دشمن ناراحت است و همه‌ی قوا و نیروی خود را علیه آن مانع به کار می‌اندازد. شما یک وقت نگاه می‌کنید و می‌بینید که رادیوهای بیگانه و قلم‌های نامطمئن و زبان‌ها و حنجره‌های بی‌تعهد، علیه بسیج حرف می‌زنند. معنای این کار چیست؟ معنایش این است که این نقطه،



یک مانع جدی برای نفوذ دشمن است و دشمن متمرکز شده تا این مانع را از سر راه بردارد. البته در طول این سال ها هرچه دشمنان و دل های فریفته ی آنان علیه بسیج گفتند و نوشتند، به فضل پروردگار نیروی بسیج وسیع تر، انگیزه های بسیج قویتر و نور امید در دل بسیجیان درخشان تر شد.

پس خلاصه ی نکته ی اول این شد: بسیج، یعنی حضور آگاهانه و فداکارانه ی یک انسان در مواجهه با دشمنان انقلاب و نظام و اسلام و کشور و ملت. با چنین مفهوم و حقیقتی، تنها کسی می تواند دشمن و مخالف باشد که مخالف اسلام و مصالح کشور و ملت باشد؛ و الا اگر کسی کشور و ملت و اسلام و نظام را دوست می دارد، باید از چنین عنصری قدردانی و ستایش کند.

نکته ی دوم: عناصر بسیجی در هر کجا هستند، باید درست توجّه کنند که دشمن، آنها را هم به عنوان شخص و هم به عنوان بسیجی هدف گرفته است. این توجّه باید این نتیجه را داشته باشد که هر عنصر بسیجی روزه روز مانع در مقابل دشمن را مستحکم تر کند. این مانع چگونه مستحکم تر می شود؟ استحکام مانع انسانی در مقابل دشمن، با بالا رفتن بصیرت و ایمان و با خودسازی امکانپذیر است. عزیزان من! قبل از آن که دیگران بخواهند ما را بسازند، خودمان باید خود را مستحکم کنیم و از درون بسازیم. هر انسانی مسؤول دل و فکر و احساسات و انگیزه های خود در مقابل خداست. جوانان بهتر از قشرهای دیگر می توانند خودسازی کنند؛ چون نیرومندند. بعضی کسان خیال می کنند جوانان در مقابل گناه بی تابند؛ ولی من می گویم جوان همچنان که از قدرت جسمانی برخوردار است، از قدرت اراده هم بهره مند است. اراده، همان چیزی است که انسان می تواند با اتکال به آن، خود را به خدا نزدیک و از شیطان دور کند. اسلام برای انسان، تربیت و تهذیب نفس و به دست آوردن بصیرت را لازم دانسته و در خلال برنامه های اسلامی، آنها را تأمین کرده است. بصیرت جوان، یعنی این که او بداند با چه وسیله و انگیزه ای دنبال این هدف است؛ بداند کجا می رود و چه کار می کند. امروز ملت ایران و بخصوص جوانان از بصیرت برخوردارند؛ این را همه می فهمند.



❖ اهمیت منطقه ی خلیج فارس نزد غارتگران جهانی

این کشور از لحاظ منابع طبیعی و انسانی، ثروتمند است. هر نقطه ای که از ثروت برخوردار است، دزدان و غارتگران و قلدران به آن جا نظر دارند؛ این طبیعی است. همه می فهمند که اگر ابرقدرتی مثل امریکا پول خرج می کند و ناوها و سربازان خود را مثلاً به منطقه ی خلیج فارس می فرستد، محض رضای خدا این کار را نمی کند و یا نمی خواهد شیوخ خلیج فارس را از شر دشمنانشان محفوظ بدارد. او به دنبال یک منفعت مادی آمده است؛ چون این جا اولاً مرکز ثروت طبیعی است، ثانیاً مرکز ثروت انسانی و بشری است. ثروت انسانی یعنی چه؟ یعنی در این جا استعدادهای جوشان بسیار است - ثالثاً مرکز ثروت جغرافیایی است؛ یعنی یک نقطه ی حسّاس در ارتباطات جغرافیایی جهانی است؛ هم در دوران شوروی سابق و هم بعد از تجزیه و نابودی آن، همواره از جغرافیای سیاسی ویژه و حسّاسی برخوردار بوده است. چنین کشوری که ثروت های گوناگون مادی و معنوی در آن جمع است، مورد توجه همه ی قلدران و نفت نوشان عالم - کسانی که با نوشیدن نفت مست می شوند - و کمپانی های غارتگر است. نفت که مرکز ثروت و مایه ی اصلی انرژیِ امروز در دنیاست و همه ی کارخانجات دنیا با آن می چرخد و نور و گرمای بشر از آن تأمین می شود، از منابع من و شما به وجود می آید. امروز یکی از آن گلوگاه های اساسی ثروت و قدرت در دنیا، نفت است. عدّه ای همه ی تلاش و توان خود را به کار گرفته اند تا بر مراکز نفتی دنیا مسلط شوند. گاز هم در کنار نفت یک پدیده ی بسیار شگفت انگیز و ثروت آفرین است. ایران ما از لحاظ گاز، دومین کشور در سطح جهان است؛ از لحاظ نفت هم یکی از کشورهای بسیار ثروتمند است.

❖ مهم ترین جرم نظام ما نزد استکبار چیست؟

مصلحت امریکا در چیست؟ در این است که این جا یک رژیم و نظام حکومتی و سیاسی ای در رأس کار باشد که منافع امریکا را نسبت به این ثروت عظیم حفظ کند؛ هم منافع امریکا - یعنی منافع کمپانی های نفتی و غیرنفتی - را نسبت به ذخایر این کشور تأمین کند و طبق میل آنها بخرد و بفروشد، هم منافع او را از لحاظ بازارهای عظیمی که در این کشور وجود دارد،



رعایت کند. نظام اسلامی به این کشور آمده و اعلان کرده است آن جایی که منافع ملت با منافع بیگانگان در تعارض باشد، منافع بیگانگان را زیر پا می‌اندازد و منافع ملت را تأمین می‌کند. مهمترین جُرم نظام جمهوری اسلامی در نظر امریکا و در نظر همه‌ی قدرت‌هایی که نظام اسلامی را به چشم یک دشمن و عنصر منفی نگاه می‌کنند، همین است که حاضر نیست منافع آنان را بر منافع ملت و کشور خود ترجیح دهد؛ حاضر نیست نفوذ سیاسی آنان - که پشت سر آن، نفوذ اقتصادی و تسلط بر منابع ثروت است - به کشور راه یابد؛ حاضر نیست نفوذ فرهنگی آنان را تحمّل کند؛ چون نفوذ فرهنگی در واقع جاده صاف کن دشمن برای نفوذ سیاسی و اقتصادی است.

بیست و دو سال است که روی این نظام مقتدر و قوی فشار می‌آورند؛ فشار نظامی آوردند؛ فشار سیاسی آوردند؛ فشار اقتصادی آوردند؛ علیه آن جنجال راه انداختند و متهمش کردند؛ اما از میدان درنرفت و مثل کوه، محکم ایستاده است؛ چرا؟ چرا نظام اسلامی ایستاده است، اما نظام‌های دیگر نمی‌توانند بایستند؟ چرا فلان نظام سلطنتی یا فلان نظام علی‌الظاهر جمهوری، در هر مسأله‌ای با یک تشر امریکا از میدان در می‌رود؛ اما نظام اسلامی، تشر که هیچ، لشکرکشی امریکا و شوروی هم نتوانست آن را یک ذره به عقب نشینی وادار کند؟ چه چیزی موجب پایداری این نظام است؟ این جاست که به آن گوهری می‌رسیم که در درون شماست. عزیزان من! درست توجّه کنید و نکات را دریابید؛ این نکات برای شما و برای ادامه‌ی پایداری‌های مقدّستان بسیار لازم است. علّت این است که این نظام به مردم باایمان متّکی است؛ این راز اصلی است. این نظام اگر به مردم متّکی بود، اما این مردم دین و ایمان نداشتند، این پایداری به دست نمی‌آمد. کسانی که دائماً و پشت سر هم نام مردم را تکرار می‌کنند، اما به ایمان مردم و گوهر درخشانی که در دل جوانان است، توجّهی ندارند، اشتباه می‌کنند. این که بعضی از نظام‌های مردمی هستند، اما در مقابل تحمیلات دشمن نمی‌توانند از نظام خود دفاع کنند، به خاطر چیست؟ به خاطر این است که یک عنصر مشترکِ همگانی عمیقِ قلبی که بتواند آنها را به پایداری و مقاومت در میدان‌های سخت وادار کند، در آنها نیست. در کشور



ما مسأله‌ی اساسی این است که مردم، با ایمان خودشان در همه‌ی میدان‌ها وارد شدند و خطر را پذیرفتند و ایستادند. انقلاب نیز همین‌گونه پیروز شد؛ نهضت امام هم با تکیه به همین دین و ایمان عمیق مردم به پیروزی رسید.

چند ماه قبل از پیروزی انقلاب، بنده در نامه‌ای برای یکی از بزرگان کشور این نکته را نوشتم که امروز هیچ حزبی، هیچ گروهی و هیچ مجموعه‌ی سیاسی‌ای قدرت ندارد این مردم و این اقبانوس عظیم را به تلاطم وادار کند و به میدان بکشد. فقط روحانیت، آن هم در قلّه‌ی روحانیت، مرجعیت آگاه بصیر شجاع دلسته‌ی به خدا و معنویت مثل امام خمینی است که می‌تواند این ملت و این کشور و این جان‌های پاک را بسیج کند و به وسط میدان آورد و این بار سنگین - یعنی انقلاب - را به دست آنان بسپارد. حقیقت قضیه این بود؛ تا امروز نیز همین است. برای همین هم با امام این قدر بد بودند؛ تا امروز هم هنوز بدند و بدترین دشمنی‌ها را با امام می‌کنند. با این که سال هاست جسم امام از میان ما رفته - اگرچه بحمدالله روح او در میان ما حاضر است - اما هنوز هم زهر آگین‌ترین تیرها را به طرف امام پرتاب می‌کنند.

تو در نماز عشق چه گفتی که سال هاست بالای دار رفتی و آن شحنگان پیر از جسم تو، از نام تو، از یاد تو نمی‌گذرند؛ چه کرده‌ای ای امام!؟

امام معجزه‌ی عظیم ایمان و اسلام را در میان مردم و در دل جوانان نشان داد و مجسم کرد. عصای موسوی امام و معجزه‌ی روح الهی او همین بود. شما جوانان و فرزندان عزیز من آن دوران را ندیدید و نمی‌دانید با جوانان مؤمن در این جامعه چگونه رفتار می‌کردند. نمی‌دانید امواج فساد و انحراف چگونه از چهارطرف به ذهن و دل جوانان سرازیر می‌شد. مگر کسی می‌توانست امیدوار باشد و یا تصوّر کند که جوان ایرانی یک روز دستش را به زانوی خود بگیرد و روی پایش بایستد و در مقابل یک رژیم، فریاد بلند کند؟ کاری که امام بزرگوار کرد، عبارت بود از همان معجزه‌ی عظیمی که هنوز دشمنان این ملت و این کشور، مبهوت و متحیرند که در مقابل آن چه کنند!



تمام منابع این کشور در اختیار امریکا بود. امریکا و شوروی در صد مسأله با هم مخالف بودند - تقریباً در همه‌ی مسائل اصلی سیاسی دنیا، مخالف یکدیگر بودند - اما در مقابله و مخالفت با نظام جمهوری اسلامی، این دو قدرت با هم متفق می‌شدند! چرا؟ چون می‌دیدند این کشوری که هر قدرتی به اندازه‌ی قدرتِ خودش دست می‌انداخت تا تگه‌ای از منافع این ملت را برای خود بردارد، اکنون در حراست ایمانی انقلاب و نظام اسلامی قرار گرفته است. عامل اصلی، همین ایمان است؛ ایمانی که در دل جوانان زنده است؛ آن هم همراه با عواطف، نه ایمان خشک؛ عده‌ای حرکات محبت‌آمیز جوان بسیجی را درست درک نمی‌کنند. ایمان، فقط یک فرمول علمی خشک نیست. البته ایمان اسلامی، صددرصد علمی و منطقی و مستحکم است؛ اما در لابلای آن، امواج عاطفه و احساسات، غوغا می‌کند. امیرالمؤمنین سلام‌الله علیه و قبل از او پیامبر مکرم اسلام صلی‌الله علیه و آله و سلم و همه‌ی ائمه‌ی هدی، در کنار فعالیت عقلی، از نیروی عاطفه بهره می‌بردند.

❖ بصیرت بسیجی یعنی: دشمن شناسی

بصیرت بسیجی این است که بدانند امروز با تکیه به چه ایمانی و در مقابل چه کسی ایستاده است. خیال نکنید مخالفان شما چهار نفر آدمی هستند که به ظاهر ممکن است با اخم به شما نگاه کنند؛ نه، اینها برادران و خواهران شما هستند و حداکثر این است که در زمینه‌ای اشتباه می‌کنند. مخالفان و دشمنان شما قدرت‌های استکباری و غارت‌گران بین‌المللی و کمپانی‌های بزرگ اقتصادی دنیا هستند که تقریباً به طور کامل همه‌ی رسانه‌های جمعی را در اختیار دارند.

خدا را شکر می‌کنیم که جوانان بسیجی ما - که یک نمونه‌اش این دریای عظیم بسیجی است که این‌جا حضور دارند؛ یک نمونه‌اش را در روزهای گذشته در خیابان‌های رشت دیدید؛ نمونه‌های دیگرش هم جوانان مؤمن و مستحکم‌الاعتقادی هستند که در جابه‌جای میهن عظیم اسلامی، چه زیر نام نیروی مقاومت بسیج و چه بیرون از آن، فعالیت می‌کنند - نیروی مستحکم و قاعده‌ی اصلی مقاومت در نظام اسلامی را تشکیل می‌دهند و همچنان با قدرت و

قوت و ایمان راسخ در مقابل دشمن ایستاده‌اند و یقیناً شما جوانان آن روزی را خواهید دید که دشمن به زانو درآید و به شکست خود اعتراف کند.

پس خلاصه‌ی نکته‌ی دوم این شد که بسیج بر اساس بصیرت و روشناییِ گوهر ایمان در دل او، ایستاده و مستحکم است و چون این استحکام متکی به آن بصیرت است، تمام شدنی نیست.

نکته‌ی سوم: همچنان که قبلاً گفتم، خودسازی لازم است و بصیرت را هم باید روزبه‌روز بیشتر کنید. وقتی بصیرت انسان زیاد شد، استقامت و پایداری هرگز تمام نمی‌شود و وسوسه‌ی وسوسه‌کنندگان و شکلک در آوردن دشمنِ عاجز، انسان را از میدان خارج نمی‌کند.

بسیج، منطقی است؛ باید منطقی بیندیشد و منطقی عمل کند. البته تأمین بخشی از این قضیه بر عهده‌ی برادران عزیزی است که در دفاتر نمایندگی رهبری و یا در بخشهای فرهنگی مشغول کارند. یکی از کارهایی که دشمن علیه بسیج می‌کند، این است که وانمود کند بسیجی غیرمنطقی است و حرف حساب سرش نمی‌شود. این، دروغ و تهمت است.

برادران عزیز! من تأکید می‌کنم که در برخورد با کسانی که تصور می‌کنید موافق روش و راه شما نیستند، از روش‌های منطقی استفاده کنید: بحث کردن، سخن گفتن، استدلال و نصیحت کردن. خیلی‌ها در این کشور دوست می‌دارند به گونه‌ای عمل شود تا بتوانند بگویند بسیج اهل مواجهه‌ی با حرف حساب نیست، بلکه با روش‌های خشونت‌آمیز رفتار می‌کند؛ یعنی هم بسیج را در جای خود مظلوم کنند، هم مظلومیت را با هر روشی که می‌توانند، بر جوان حزب‌اللهی مؤمن تحمیل نمایند - که در بعضی جاها متأسفانه این کار می‌شود - و هم تهمت بزنند که بسیج از خشونت استفاده می‌کند. من تأکید می‌کنم نگذارید این‌طور وانمود کنند که نیروهای مؤمن و حزب‌اللهی و بسیجی، هرجایی که درمی‌مانند، از مشت استفاده می‌کنند؛ نه، ما به مشت احتیاجی نداریم. البته از مشت و بالاتر از مشت هم استفاده می‌کنیم؛ اما در مقابل امریکا و اسرائیل و دشمن حقیقی و آن کسی که احياناً در فهم موقعیت سیاسی کشور



اشتباه می‌کند. ما حتی با کسی که مخالف عقیده‌ی دینی مان است - و البته تعرضی هم نمی‌کند - باید با رفتار مهربانانه و بزرگوarانه برخورد کنیم.

پس خلاصه‌ی نکته‌ی سوم این شد که آبروی بسیج، آبروی نظام و کشور است. کسانی که اعتراض کوچکی دارند، حق ندارند به بهانه‌ی این اعتراض کوچک، بسیج یا سپاه را زیر سؤال ببرند. دیده شده که اینها چیز کوچکی را بهانه می‌کنند - و اگر بهانه‌ای هم نداشته باشند، گاهی بهانه می‌سازند - برای این که بسیج و سپاه را زیر سؤال ببرند. نه اینها حق دارند این کار را بکنند و نه عنصری که خود عضو مجموعه‌ی نیروهای بسیج و یک جوان حزب الهی است. او هم نباید برخوردی بکند که این نیروی عظیم و مؤمن و پاک نهاد و مؤثر و تعیین کننده زیر سؤال برود؛ مراقب باشید.

نکته‌ی چهارم و آخر: چون نیروی مؤمن و بسیجی دارای هدف است، می‌فهمد چه کار می‌کند؛ لذا چنین نیرویی، هم امیدوار و هم شاد است. بسیجی، نیروی شاد است؛ چرا؟ چون امیدوار است. ممکن است یک جوان به منهیات و منکرات سرگرم و در لذا ید جسمانی پست غرق باشد و در لحظاتی از زندگی اش احساس شادی کاذب هم بکند؛ اما این شادی، شادی زودگذری است. آن جوانی که استعداد و هستی و وجود خود را به جریان فساد می‌سپارد، نمی‌تواند دارای یک هدف عالی باشد. اگر جوان دارای هدف عالی باشد، آن هدف مانع می‌شود از این که خود را در لجنزار و باتلاق مفسد و منکرات گرفتار کند. کسی که هدف ندارد، در هر لحظه‌ای که به آفاق آینده و به وجود خود متوجه شود، احساس افسردگی و غم می‌کند؛ ولو لذت کاذب و زودگذری هم داشته باشد. اما جوان مؤمن و دارای بصیرت، می‌داند برای چه نفس می‌کشد و زندگی می‌کند؛ می‌داند که این دنیای سرشار از بی‌عدالتی و نامردمی، تشنه‌ی عدالت و چشم‌انتظار نظام و فلسفه و منطقی است که بیاید و آینده را به او نوید دهد.

❖ اسلام اهل بیت (ع)، نجات بخش انسان های مظلوم

امروز در دنیا آن منطق قوی، آن فلسفه‌ی عمیق و آن عنصر نجات‌بخش، جز تفکر روشن



اسلام - البته اسلام انقلابی، نه اسلام وابسته به دستگاه قدرت های ظالم این گوشه و آن گوشه‌ی دنیا - چیز دیگری نیست. اسلامی که خلفای بنی امیه و بنی عباس از آن دم می‌زدند و بویی از آن حقیقت نبرده بودند، نمی‌تواند انسان‌ها را نجات دهد. اسلامی که می‌تواند تاریخ و انسانیت و جوامع و کشورها را نجات دهد، اسلام امام سجاد، اسلام امام صادق و امام باقر، اسلام علی بن ابی طالب، اسلام حسین بن علی و اسلام عاشوراست. این اسلام تا پنجاه سال پیش در دنیا گم و غریب بود و نام و نشانی از آن وجود نداشت. زمزمه‌هایی در این گوشه و آن گوشه درست شد و چون صادقانه و با اراده‌ی ازلی حق متعال همراه بود، بتدریج گسترش پیدا کرد؛ دل‌ها را جذب کرد؛ جوانان را با خود همراه کرد؛ این جویهای باریک از سرتاسر کشور حساس و مهم ایران به یکدیگر وصل شد و شطّ خروشان متلاطم و موجی را به وجود آورد؛ و آن وقتی که نقطه‌ی حساس فرارسید، این شطّ خروشان توانست پایه‌های ظلم و ستم را در این کشور درهم فرو ریزد و اولین قدم را در راه مطرح شدن عملی نظام اسلامی - که همان اسلام ناب است - در دنیا بردارد. شما اگر امروز اسلام ناب و اسلام امام سجاد و امیرالمؤمنین و امام حسین را با پنجاه سال قبل از آن مقایسه کنید، می‌بینید که این موجود، یکشبه ره صد ساله رفته است و چون با مجاهدت صادقانه همراه بوده، باز هم پیش خواهد رفت. این اسلام همان اسلامی است که در لبنان، آن معجزه را آفرید. این اسلام همان اسلامی است که امروز در سرزمین فلسطین حادثه‌ای را به وجود آورده که انگشت حیرت‌بران رژییم امریکا و صهیونیست را زیر دندان شان له کرده است.

❖ چشمه‌ی جوشان نظام اسلامی منشا تحول در جهان خواهد بود

دوستان ما از مسافرتی برگشته بودند، می‌گفتند در کشورهای شمال آفریقا - مصر و دیگر کشورهای آن منطقه - به خاطر مجاهدت های حزب الله در لبنان، به مکتب اهل بیت علیهم السلام گرایش پیدا شده است. حزب الله، خودش زاده‌ی این نظام و حرکت عظیم ملت ایران و امام بزرگوار راحل است. من در سفری به منطقه‌ی مسلمان نشین شمال آفریقا، در کشوری دیدم که دختران و زنان، حجاب خودشان را به تقلید از حجاب زنان ایرانی درست



کرده بودند. در شرق دنیای اسلام - تا آن جایی که می توان از آن خبر گرفت - این حرکت ملت ایران و این نشانه ی عظیم تحقق اسلام انقلابی و ناب و راستین، آثار خودش را در دل مردم گذاشته است.

امریکایی ها دل شان خوش است که جلو تکرار تجربه ی انقلاب اسلامی را در کشورهای دیگر گرفته اند! خیال می کنند که امواج انقلاب اسلامی با این حرف ها متوقف می شود. تا وقتی این چشمه ی خروشان و جوشان - یعنی چشمه ی نظام اسلامی در ایران، یعنی همین دل های مؤمن مردان و زنان جوان این منطقه و سایر مناطق کشور - در حال جوشش است، بدانید که کشورهای دیگر این امواج معنوی را پی در پی دریافت می کنند و در درون آنها تحوّل به وجود می آید و آن وقتی که دشمن در انتظارش نیست، آن موقعی که امریکا گمانش را هم ندارد، تجربه ی اعلای کلمه ی اسلام و برافراشته شدن پرچم حکومت و نظام اسلامی در کشورها، یکی پس از دیگری به وجود خواهد آمد.

❖ تسری شعله های مقدس نظام ما

این کانون عظیمی که شما جزو تشکیل دهندگانش هستید، دائماً دارد شعله های مقدّس و انوار تابناک خود را به سرتاسر دنیای اسلام و جهان بشریت می فرستد و آینده ها را روشن تر و افق ها را تابناکتر می کند. این آینده، آینده ای است که هر جوانی را که در این کسوت و در این موضع و در این راه قرار دارد، امیدوار می کند؛ و امید به انسان شادی می بخشد. بعضی کسان می گویند: چرا جوانان بسیجی در مراسم مختلف، سینه می زنند و گریه می کنند؟ اگر این شور و شیدایی جوانان عزیز ما برای حسین بن علی علیه السلام، فاطمه ی زهرا سلام الله علیها و این گوهرهای تابناک والای بشری و بندگان برگزیده ی خدا، با اشک و سوز دل همراه است، اما باطنش نور امید و شادی معنوی را می تاباند. جوان بسیجی شاد است - شاد واقعی و حقیقی - این امید و شادی را پاس بدارید و از همه ی توان و نیروی خود استفاده کنید.

❖ وظیفه ی مسئولین در جهت تقویت نیروی مقاومت بسیج

همه ی مسؤولان باید به قدر مقدور خودشان، به مجموعه های بسیجی و به نیروی مقاومت



بسیج کمک کنند و برنامه های لازم را برای آنها میسر نمایند. وجود این همه جوان مؤمن، از جمله امتیازات اختصاصی و استثنایی نظام جمهوری اسلامی است. این را باید قدر بدانند. باید از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از صمیم قلب تشکر کنیم که این زحمات را بر دوش دارند و تلاش می کنند؛ البته خود اینها هم بسیجی اند. آن روزی که اینها در سنین جوانانِ امروز بودند و وارد این راه شدند، دانشجو یا شبیه دانشجو بودند؛ جوانان بسیجی ای بودند که با استقامت در این راه، بحمدالله مسؤولیت های سنگینی را بر دوش گرفتند.

یقیناً شما جوانان با این شور و این ایمان و این احساسات پاک خواهید توانست خودتان را مصداق این آیه ی شریفه قرار دهید: «من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه».

صدق عهد و پیمان با خدا این است؛ این عهد و پیمان را مستحکم کنید و پاس بدارید. ارتباط خود را با خدا روزه روز مستحکم تر کنید و پیوند با مناجات و تضرع را از دست ندهید. این پیوندی است که دل های شما را روشن و منور خواهد کرد.

پروردگارا! به محمد و آل محمد تو را سوگند می دهیم، الطاف و تفضلات خودت را روزه روز بر جوانان مؤمن ما افزونتر فرما. پروردگارا! قلب مقدس امام زمان را از ما و همه ی این جمع خشنود بگردان. پروردگارا! همه ی ملت ایران و مؤلان کشور و این جمع مؤمن را مشمول ادعیه ی زاکیه ی حضرت بقیه الله قرار بده. پروردگارا! ما را به معنای واقعی کلمه، «بسیجی» قرار بده.

والسلام علیکم و رحمة الله و بركاته



بیانات در دیدار دانشجویان در طرح ولایت ۶/۶/۱۳۸۰

۱. حرکت عظیم جهانی اسلام، نیازمند روحیه‌ی پُرنشاط جوانان
۲. تشکیل نظام اسلامی بدون جوان مؤمن و پُرنشاط ممکن نیست
۳. دشمنی‌ها با اسلام در میدان عمل شدت می‌گیرد
۴. طواغیت و مترفین زمان پیامبر
۵. طواغیت و مترفین دوران ما
۶. چالش‌های پیش روی جمهوری اسلامی:
۷. اتفاق همین قضایا در صدر اسلام
۸. معنای توکل
۹. تشکر از برگزاری این دوره‌ها
۱۰. سفارش به تقویت ارتباط با خدا



بسم الله الرحمن الرحيم

❖ حرکت عظیم جهانی اسلام، نیازمند روحیهی پُرنشاط جوانان

از این که امسال هم موفق شدم با این جمع برگزیده و جوانان مؤمن، پُرشور و امی‌ده‌ای آینده‌ی این کشور دیدار کنم، بسیار خوشحالم. جلسه‌ی ما یک جلسه‌ی بسیار شیرین و پر صفاست. دل‌های نورانی شما جوانان بحمدالله مرکز انعکاس فیوضات الهی و تفضلات و توفیقات پروردگار قرار گرفته است؛ همیشه نیز همین‌طور بوده است. در طول تاریخ، هر جا شما پرچم برافراشته‌ی حقّی را ملاحظه می‌کنید، در پای آن، یک جمع جوانِ باایمان را خواهید دید. غیر از این نمی‌شود. فرمودند: «علیکم بالاحداث»؛ بر شما باد به جوانان. پیغمبر اکرم هم در مدینه و پیش از آن در آغاز بعثت در مکه، این بار سنگین را بر دوش تعدادی جوان قراردادند؛ والا این بار به منزل نمی‌رسید. پیامبر، هم نیروی معنوی و روحی، انگیزه، نشاط، روحیه‌ی حق‌پذیری و کمی تعلّقات دنیوی جوانان، و هم توانایی و طاقت جسمی آنان را برای کارهای بزرگ آماده می‌کردند. وقتی از سوی پیامبران، معرفت ایمانی روشن و متین و مستدل، به این دل‌های نورانی و به این روح‌ها تلقین و منتقل می‌شد، همان چیزی به وجود می‌آمد که از آن به «زبر الحديد» - یعنی پاره‌های پولاد آبدیده - تعبیر شده است. امروز هم حرکت عظیم جهانی اسلام، به همین روحیهی پُرنشاط، انگیزه‌ی موج، دل‌های نورانی و البته همراه با فکر منطقی و مستدل اسلامی و معرفت صحیح دینی، نیازمند است؛ و ما این را داریم. اگر شما می‌بینید میلیارد‌ها دلار در دنیا خرج می‌شود برای این که به وسیله‌ی تبلیغات و انواع و اقسام حیل سیاسی و شیوه‌های امنیتی و اطلاعاتی و روش‌های ناسالم مافیایی، بر روی جوانان جامعه‌ی ما و جوامع مسلمانِ برخاسته و بیدار شده، اثر بگذارند، به خاطر آگاهی از همین نقش



است. انقلاب ما را جوانان پیروز کردند؛ جنگ را هم جوانان اداره کردند؛ کشور را هم باید جوانان پیش ببرند؛ این انقلاب را هم باید جوانان به ثمر برسانند.

این دوره‌ای که شما گذراندید - دوره‌ی معارف و آگاهی‌های دینی و اسلامی - یکی از کارهای بسیار باارزش و یکی از سرمایه‌هایی است که بحمدالله در جامعه و کشور ما فراهم شده است. هر کدام از شما به تنهایی یک سرمایه‌اید. عزیزان من! این سرمایه را حفظ کنید.

❖ تشکیل نظام اسلامی بدون جوان مؤمن و پُرنشاط ممکن نیست

تشکیل نظام اسلامی، از کارهایی است که ممکن است به نظر یک تحلیلگر، یک نظریه پرداز و یک تئورسین، از دور کار ساده‌ای بیاید؛ اما در عمل، متناسب با تأییراتی که این کار در فضای زندگی جهانی دارد، کاری بسیار دشوار و بزرگ است. همچنان که تشکیل یک حکومت اسلامی - آنگاه که به کارآمدی کامل برسد - از تبلیغات یک قرن دستگاه‌های استکبار علیه دین و علیه اسلام کارآمدتر است و می‌تواند طلسم پیچیده‌ی دست‌اندرکاران زر و زور را باطل کند و انسان‌ها را به میزان زیادی در دنیا به ساحل نجات برساند، ادامه و درست راهنمایی کردن و راه بردن چنین حکومت و جامعه‌ای، بسیار دشوارتر است. چه کسی می‌خواهد در مقابل این سختی‌ها و دشواری‌ها و دشمنی‌ها و کارشکنی‌ها، قد علم کند، سینه سپر سازد و لباس مبارزه بر تن بپوشد؟ این کار جز از یک مجموعه‌ی مؤمن، جوان و پُرنشاط - به عنوان موتور این حرکت - ساخته نیست.

❖ دشمنی‌ها با اسلام در میدان عمل شدت می‌گیرد

تا وقتی اسلام فقط به عنوان یک نظریه، در کتاب‌ها و در ذهن گروهی از انسان‌ها مطرح باشد، دشمنی با آن چندان جدی نیست و تنها در همان عرصه‌ی کتاب و مباحث کلامی است؛ اما وقتی فکر و اندیشه‌ی اسلامی وارد میدان عمل شد، به هراندازه در میدان عمل جلو برود، دشمنی‌ها با آن شدت می‌گیرد و ادامه پیدا می‌کند؛ تا آن وقتی که اسلام وارد میدان عمل و تحقق شده، خود را آن چنان مستحکم و مستقر کند که بینندگان دیگر نمی‌توانند با آن مواجه شوند؛ یعنی واقعیت را قبول کنند و تسلیم شوند. همه‌ی دشمنی‌هایی را که در طول تاریخ با



پیامبران شده، در نظر بیاورید؛ اولاً این دشمنی‌ها با چه چیزی بود؟ ثانیاً چه کسانی این دشمنی‌ها را می‌کردند؟

❖ طواغیت و مترفین زمان پیامبر

چیزی که با آن دشمنی می‌شد، ندای توحید و عدالت و پرچم حقیقتی بود که در دست پیامبران قرار داشت. پیغمبران برای نجات انسان‌ها از دست کسانی که بعد از دعوت و ورود پیامبران در میدان، با همه‌ی وجود با آنها مبارزه می‌کردند، آمده بودند. قرآن آنها را معرفی کرده است: طواغیت و مترفین. طاغوت‌ها یعنی کسانی که توانسته بودند با هر وسیله‌ای بر گرده‌ی انسان‌ها سوار شوند؛ بر آنها حکمرانی کنند و اراده‌ی خود را بر آنها تحمیل نمایند. مترفین یعنی کسانی که در سایه‌ی آن نظام ظالمانه و طاغوتی و شیطانی، توانسته بودند جیبی پُر کنند؛ زندگی‌ای برای خودشان ترتیب دهند؛ در اموال مردم دست دراز کنند؛ در سایه‌ی یک ظلم فراگیر، برای خودشان جریان ظالمانه‌ی شخصی و خاصی را به وجود آورند؛ یعنی اشراف جوامع و ثروتمندان ظالم. پیغمبر، تنها وارد میدان می‌شد؛ فقط با زبان و منطق و اراده‌ی خود. درعین حال این همه دشمنی متوجه او می‌شد. حال شما فرض کنید پیغمبر یا کسانی که حامل پیام او هستند، توانسته باشند به‌طور عملی وارد میدان زندگی شوند؛ حکومتی تشکیل داده باشند و قدرت را - که متعلق به خداست - در جهت اراده‌ی الهی به‌کاربرده باشند؛ شما می‌بینید همان دشمنی‌ها و خصومت‌ها در هر نقطه‌ی از دنیا به سمت این‌ها سرازیر می‌شود. این اتفاق است که امروز در دنیا افتاده و می‌افتد.

❖ طواغیت و مترفین دوران ما

همان متصرفینی که با پیغمبران روبه‌رو می‌شدند - یعنی همان انباشت کنندگان ثروت - امروز در چهره‌ی کمپانی‌های عظیم غاصب تجاری و غارتگران بین‌المللی، خودشان را در مقابل جمهوری اسلامی احساس می‌کنند؛ حق هم دارند. همان زمامدارانی که حکومت‌های طاغوتی را تشکیل داده بودند و اراده‌ی ظالمانه‌ی خود را بر گروهی از انسان‌ها در جامعه‌ای که پیغمبر در آن ظهور می‌کرد، حاکم کرده بودند، امروز در هر جای دنیا هستند، احساس



می‌کنند با پرچمی که پرچم پیغمبران است و در دست جمهوری اسلامی قرار دارد، به یک چالش حتمی کشیده شده‌اند. جمهوری اسلامی همان حرف پیغمبران را می‌زند و همان داعیه‌ی پیغمبران را دارد؛ لذا امروز همان دشمنی‌ها هم در مقابل آن به وجود آمده است. این یک امر قهری و طبیعی است و تا هنگامی ادامه دارد که جمهوری اسلامی قدرتمندانه در این راه حرکت می‌کند. آری؛ آن وقت که این نظام توانسته باشد با نشان دادن کارآمدی خود و با تحقق آرمان‌هایی که وعده داده، زبان بدخواهان را کوتاه و افکار عمومی مردم دنیا را در مقابل این حقیقت خاضع کند، این چالش به همین شکل ادامه خواهد داشت. آن روز، دشمنان چاره‌ای جز تسلیم نخواهند داشت؛ یعنی نمی‌توانند کاری بکنند. البته دشمنی‌های خود را ادامه می‌دهند؛ منتها قدرت حق، استحکام و استقرار نظام الهی و وضوح برهان الهی در مقابل افکار عمومی، موجب می‌شود توانایی آنها به شدت کاهش پیدا کند. ما باید جمهوری اسلامی را به آن نقطه برسانیم.

❖ چالش‌های پیش روی جمهوری اسلامی:

چالش اول) انکار کارآمدی نظام اسلامی

امروز جمهوری اسلامی در دو جهت - که به هم مرتبط و متصل است - احتیاج به مجاهدت فراوانی دارد: یکی این که در مجموعه‌ی مسائل کشور، کارآمدی خود را نشان دهد. این چیزی است که ما همیشه از مسئولان دولتی خواسته‌ایم؛ یعنی با فساد مبارزه کنند؛ قوانین خدا را با قوت و قدرت اجرا کنند؛ روش‌های صحیح را برای اداره‌ی جامعه - چنان که اسلام خواسته - برگزینند؛ از تخلف اغماض نکنند؛ با گناهکار، متجاوز، قانون‌شکن، سودجو و چپاول گر کنار نیایند؛ تبلی و کوتاهی را در ادای مسئولیت اجرایی عظیمی که بر دوش آن‌هاست، روا ندارند - منظور از مسئول اجرایی، فقط قوه‌ی مجریه نیست؛ قوه‌ی قضاییه، نیروهای مسلح و حتی قوه‌ی مقننه را هم شامل می‌شود؛ یعنی هر کس که در این نظام کاری بر عهده‌ی اوست - کار خود را خوب و متقین و با اخلاص انجام دهند و با تخلف برخورد کنند. بنابراین مواجهه با چالش اول، بر عهده‌ی مسئولان نظام است. شما جوانان که امروز درس



می خوانید و خودتان را آماده می کنید، فردا همین مسؤولیت ها - در سطوح مختلفش - در دست شما و متعلق به شماست. باید در وجود خودتان آن روح ملکوتی ای را که با انوار معرفت و معنویت الهی متلألئ شده و ضمناً با توکل به خدا استحکام پیدا کرده، در مقابل وسوسه ها تسلیم نمی شود، در برابر تهدیدها عقب نشینی نمی کند و در مقابل مانع ها احساس نومیدی نمی کند، به وجود آورید و خودتان را برای چنان کارهای بزرگی آماده کنید.

چالش دوم) تغییر جهت کلی نظام اسلامی

چالش دومی که در مقابل جمهوری اسلامی قرار دارد - که البته با آن بخش اول کاملاً مرتبط است - درزمینه تفکرات و خطّ کلی نظام اسلامی است. امروز بخش عظیمی از تبلیغات جهانی در این راه صرف می شود که معارف اسلامی را در باب حکومت، مورد تردید و خدشه قرار دهد و فرآورده های ذهنی خود را - که بارها تخلف آن ظاهر شده و ناکارآمدی اش نشان داده شده است - بر ذهن جوامع مسلمان و ازجمله مردم کشور و مسئولان ما تحمیل کند.

من دیروز به مسئولان بلندپایه ی کشور که در اینجا بودند، گفتم یکی از خصوصیات دولت کریمه، نفوذناپذیری است. معنای نفوذناپذیری این نیست که انسان در مقابل سخنی، با اندیشه ورزی مطالعه و تفکر نکند. معنایش این است که در مقابل وسوسه و هوو جنجال و مسلم گرفتن یک غلط از سوی دشمن و پرتاب کردن آن به سمت افکار عمومی، تسلیم نشود. امروز یکی از پیشرفته ترین بخش های علمی دنیا، بخش ارتباطات است؛ همین تبلیغات و چگونگی وانمود کردن یک مطلب غلط به صورت درست و تحمیل آن و تحقیر هر کسی که آن را قبول ندارد. این، آنجایی است که اگر دشمن موفق شد، جهت کلی نظام را تغییر خواهد داد؛ خطر این بیشتر است. اینجا دیگر بحث جزئیات نیست. شما امروز می بینید که در تبلیغات دشمن، بر روی مبانی واضح تفکر اسلامی، علامت سؤال می گذارند؛ بدون هیچ گونه منطق و استدلالی پشت سر این علامت سؤال!



مسلمانان شاهد حکومت‌ها و دستگاه‌های سیاسی‌ای بودند که از اسلام بویی نبرده بودند. به نام مسلمان زندگی می‌کردند، اما اسلام فقط در معبدها و کنج دل‌ها و زاویه‌ی خانه‌ها و عبادتگاه‌ها حضور داشت؛ نه حاکم، اسلامی بود؛ نه ارتباطات حکومتی، اسلامی بود؛ نه جنگ و صلح، اسلامی بود؛ همه چیز مثل روش جاهلی بود. شما به حکومت بنی عباس یا بنی مروان نگاه کنید؛ اسمشان اسلام و مسلمان، اما روش آنها، روش بقیه‌ی حکومت‌های غیر اسلامی بود. همان زورگویی و ظلم و چپاولگری و ارتکاب محرمات و فسق و فجور در دیگر دستگاه‌های حکومتی، در این حکومت‌ها هم دیده می‌شد. این چه اسلامی است؟ مسلمانان قرن‌ها این را تجربه کردند. حتی در زمان ما، در بعضی از نقاط دنیا، حکومت‌هایی به نام حکومت اسلامی تشکیل شده است. امروز در دنیا غیر از جمهوری اسلامی ایران، دو نظام دیگر داریم - من نمی‌خواهم اسم بیاورم - که اسمشان به طور رسمی، جمهوری اسلامی است. قبل از انقلاب می‌گفتند نظام یک کشور آفریقایی، جمهوری اسلامی است؛ اما بنده می‌گفتم بگویید جمهوری اسلامی آمریکایی فلان جا! حقیقتش هم همین بود؛ یک گروه دست‌نشانده‌ی امریکا، از اسم اسلام استفاده می‌کردند. در حال حاضر برای اولین بار حکومتی تشکیل شده که معیارهای حکومت در آن اسلامی است؛ یعنی حاکم اسلامی اگر مرتکب فسق و ظلم و حرام و کار ناشایسته شد، به خودی خود من عزل است. شرط شخصیت‌های برجسته‌ی نظام، عدالت و دوری از گناه و دنیاطلبی است و قوانین در این حکومت، مقید به این است که با شرع تطبیق کند. این اولین بار است که یک نظام اسلامی به این صورت تشکیل شده است. بدیهی است که با آن مخالفت و معارضه می‌شود.

اولین کار مهمی که دشمنان دارند، این است که در اساس این مبنا خدشه ایجاد کنند؛ و آن مسئله این است که آیا اساساً دین می‌تواند اداره‌ی امور زندگی انسان‌ها را به عهده گیرد یا نه؟ این تعبیر دیگری است از این که اصلاً دین درست است یا نه؛ تعبیر پنهانی و منافقانه‌ای است از این که اصلاً آیا دین رسالتی دارد یا نه؟ خود دین می‌گوید من آمده‌ام دنیا و آخرت مردم را اداره کنم. اگر کسی در این شک کرد که آیا دین می‌تواند امور سیاسی و اجتماعی و

اقتصادی جوامع را اداره کند، در حقیقت دین را تکذیب کرده است. کدام دین است که چنین ادعایی نداشته باشد؟ «و ما ارسلنا من رسول الا لیطاع باذن الله»، «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات... لیقوم الناس بالقسط»، اصلاً برای این است که جامعه را نظام بدهند و انسان‌ها را در هیئت اجتماعی‌شان اداره کنند. اگر کسی این را انکار کرد، درواقع اصل دین را انکار کرده است. این همان تغییر جهت کلی است؛ این جزو کارهایی است که در برنامه‌ی بسیار حساب شده و پیگیر دشمنان نظام اسلامی و جمهوری اسلامی وجود دارد. هم در این بخش کار می‌کنند، هم در بخش کارآمدی.

❖ اتفاق همین قضایا در صدر اسلام

عین همین قضایا در صدر اسلام هم بوده است. شما سوره‌ی مبارکه‌ی احزاب را ملاحظه کنید و ببینید خدای متعال در اوّل این سوره در سه آیه خطاب به پیغمبر چگونه حرف می‌زند: «یا ایّها النبی اتق الله و لاتطع الکافرين و المنافقين»؛ ای پیغمبر! مبدا مراقبتی را که بر عهده‌ی توست، لحظه‌ای از دست بدهی و به آن جهتی که کفر و نفاق از تو توقع دارند، گرایش پیدا کنی؛ «ان الله کان علیما حکیماً». تقوای پیغمبر باتقوای انسان‌های عادی قابل مقایسه نیست. تقوای پیغمبر به عنوان رهبر دنیای اسلام و بشریت در تمام طول تاریخ، از زمان خودش تا قیامت، باتقوای انسان‌های معمولی قابل مقایسه نیست؛ اما خدای متعال او را به این وظیفه متوجه می‌کند؛ «اتق الله». خداوند با پیغمبر رودربایستی ندارد. ای پیامبر! وظیفه و خطی که باید مشی کنی، این است: «و اتبع ما یوحی الیک من ربک ان الله کان بما تعملون خبیرا»؛ مکتب و خط و تعلیم الهی و آنچه را که برای اداره‌ی انسان‌ها در اختیار تو گذاشته‌اند، باکمال دقت و مراقبت حفظ و از آن پیروی کن. در آیه‌ی بعد، با پیش‌بینی همین دشمنی‌ها، یک دستور روحی به عنوان کمک معنوی به پیغمبر داده می‌شود: «و توکل علی الله و کفی بالله وکیلاً». بدیهی است که این کار، دشمنی‌ها را برمی‌انگیزد و صفوف را علیه تو مستحکم می‌کند؛ بنابراین به خدا توکل و تکیه کن و بدان که ابزار کار را خدا در اختیار تو قرار داده است.



❖ معنای توکل

معنای توکل معلوم است. معنای صحیح توکل، با آن چیزی که در ذهن بعضی از مردم است، خیلی تفاوت دارد. توکل این نیست که کار را به خدا واگذار کن و خودت برو بگیری بخواب؛ نه، ابزار کار در اختیار توست. نیرو و فکر و تلاش و خرد و اندیشه‌ی تو و نیروهای عظیم انسانی در این راه وجود دارند. روش‌هایی را که برای مواجهه‌ی با دشمن وجود دارد، پیدا کن، از آنها استفاده کن و بدان که خدای متعال تو را کمک می‌کند.

❖ تشکر از برگزاری این دوره‌ها

امروز جوانان عزیز ما باید در هردو میدان هوشیار باشند و شما بحمدالله با تشکیل این جلسات و کلاس‌ها و دوره‌هایی که داشتید، قدم‌هایی را در این زمینه برداشتید. لازم است من از همه‌ی کسانی که این برنامه‌های تابستانی را برای شما جوانان عزیز ترتیب دادند، مخصوصاً از جناب آقای مصباح که حقیقتاً شخصیت مغتنمی هستند، و همچنین از بقیه‌ی برادرانی که در این زمینه همکاری داشته‌اند - چه از جهت پشتیبانی، چه از جهت حضور در درس‌ها و تعلیم و نصیحت و غیره - صمیمانه تشکر کنم.

❖ سفارش به تقویت ارتباط باخدا

عزیزان من! از لحاظ روحی و فکری، خودتان را برای یک حرکت بسیار خوش‌عاقبت و خوش‌فرجام آماده کنید. فکر را با آموختن، اندیشیدن، مراجعه‌ی به صاحب‌نظران و استفاده از نظرات اساتید خبره و مجرب تقویت کنید و روح و جان خود را با ارتباط باخدا، ذکر، تدبر در قرآن و توسل به ذیل عنایت پروردگار صفا دهید و این روشنی را در آن حفظ کنید؛ و این برای شما فراهم است.

بحمدالله دل‌های شما نورانی و جان‌هایتان باصفاست. این یکی از موجبات جلب رحمت الهی است. در دعایی که امروز بعد از نماز ظهر با صدای خوش خوانده شد - «اللهم انی اسئلك موجبات رحمتك و عزائم مغفرتك»؛ پروردگارا! چیزهایی که جلب رحمت تو را می‌کند، از تو می‌خواهم - به این نکته عنایت شده است. قطعاً یکی از موجبات جلب رحمت



الهی، همین اجتماعات و توجّه شماست. امیدواریم ان شاء الله خدای متعال از همه‌ی شما به بهترین وجه قبول کند و هر کدام از شما را مثل یک ستاره‌ی درخشان، راهنمای کسانی قرار دهد که در پیرامون شما، در مجموعه درسی و کاری و خانوادگی قرار دارند.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته



بیانات در دیدار اساتید بسیج دانشجویی ۱۳۸۰/۷/۱۸

۱. نقش روحیه‌ی بسیجی در حرکت علمی
۲. فرهنگ بسیج و بسیجی از پدیده‌های مبارک انقلاب اسلامی
۳. حل مشکل جنگ، بدون حضور بسیج ممکن نبود
۴. فرهنگ بسیج منشأ برکات برای دانشگاه‌ها
۵. جهاد برای کشف و تولید یکی از مظاهر بسیج علمی
۶. بسیج، یعنی اقدام مؤمنانه و خالصانه در میدان‌های مختلف
۷. درس علم با درس ایمان همراه شود



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

❖ نقش روحیه‌ی بسیجی در حرکت علمی

به مجموعه‌ی اساتید عزیز، مؤمن، جوان و انقلابی که در اینجا تشریف دارند، خوشامد عرض می‌کنم. ان شاء الله تلاش و روحیه‌ی بسیجی و ایمانی‌ای که در شما وجود دارد، بتواند در حرکت علمی اسلامی صحیح کشور، نقش بسزایی ایفا کند.

❖ فرهنگ بسیج و بسیجی از پدیده‌های مبارک انقلاب اسلامی

فرهنگ بسیج و بسیجی - با این معنایی که ما امروز آن را به کار می‌بریم - یکی از پدیده‌های بسیار مبارک انقلاب اسلامی است. بسیج، یعنی حضور ناشی از ایمان و اخلاص و انگیزه‌ی دینی و ایمان صادقانه در هر میدانی که انسان احساس می‌کند کارایی و توانایی حضور در آن میدان را دارد. از اوّل انقلاب تا امروز، هر جا که این حالت و انگیزه و اقدام مشاهده شده، خیرات و برکات آن بی‌نهایت بوده است. فرق نمی‌کند؛ در هر میدانی ممکن است این حالت پیش آید، که نمونه‌ی بارز آن، میدان جنگ بود. هر کس که احساس کرد می‌تواند در آن میدان نقش ایفا کند، نه نگاه کرد سَنَسْ چقدر است؛ نه نگاه کرد شأن اجتماعی‌اش چه اندازه است؛ نه نگاه کرد سود مادی او چیست و با این حضور و اقدام، آینده‌ی او چگونه رقم خواهد خورد؛ با همان انگیزه‌ی صادقانه و معنوی و انقلابی، در آن میدان حضور پیدا کرد. این شد بسیج و شد تعیین کننده.

❖ حلّ مشکل جنگ، بدون حضور بسیج ممکن نبود

یقین بدانید اگر بسیج نبود، در مقابل جنگ تحمیلی عراق بر ما، یکی از ننگ‌های بزرگ



تاریخی را برای تاریخمان شاهد می‌بودیم. تنها کلید حل مشکلات جنگ - که خود مشکل جنگ، از همه‌ی مشکلاتی که پیرامون و در دل آن وجود دارد، بزرگ‌تر است - بسیج بود. حل مشکل جنگ، بدون حضور بسیجی ممکن نبود

❖ فرهنگ بسیج منشأ برکات برای دانشگاه‌ها

در همه‌جا، این اخلاص و ایمان و انگیزه و اقدام، متصور است. در وادی علم و معرفت و پیشرفت و نوآوری و خلاقیت علمی و تعلیم و تدریس هم عیناً وجود دارد. نمونه‌اش مجموعه‌ی اساتید مؤمن ما در دانشگاه‌ها هستند. البته مجموعه‌ی بسیج منحصرراً کسانی نیستند که در دانشگاه‌های ما از ایمان و انگیزه‌ی معنوی برخوردارند؛ بحمدالله امروز فضای دانشگاه‌های کشور شاهد اساتید بسیار فراوانی است که دارای ایمان‌اند. ما خوشحالیم که بحمدالله این عنوان و این فرهنگ، در محیط تدریس دانشگاه‌ها هم به‌صورت بارزی خود را نشان می‌دهد. این می‌تواند برای دانشگاه‌ها منشأ برکاتی باشد.

❖ جهاد برای کشف و تولید یکی از مظاهر بسیج علمی

دانشگاه، بسیار مهم است. علم برای یک کشور، بسیار مهم است. فهمیدن این که کدام علم و چگونه تلاش علمی‌ای برای یک کشور می‌تواند آینده‌ساز باشد، بسیار مهم است. یک ملت هنگامی می‌تواند در میدان علم، شأنی کسب کند که در این زمینه حرفی برای گفتن داشته باشد. نگاه کردن به علم دیگران و حداکثر، فراگرفتن آن، علم، آن‌هم در حدی که آنها مصلحت می‌دانند تعلیم دهند و در اختیار دیگران بگذارند، هیچ افتخار علمی برای کشور به وجود نمی‌آورد. علم را باید کشف و تولید کرد. البته ابزار آن، عالم شدن است. پس از آن که یک ملت توانست علم دیگران را فراگیرد و وارد میدان علم شود، آنگاه خودش باید علم تولید کند. این، یک جهاد می‌خواهد. کسی که چشمش به آینده‌ی مادی خود است و چند سالی - که معلوم نیست چقدر هم خواهد بود - زندگی می‌کند و به فکر تأمین آن است، نمی‌تواند خودش را در این جهاد، مخلصانه و خالصانه وارد کند. ما مشاهده می‌کنیم که در فرهنگ برخی از مردم ما، در میدان‌هایی جای تلاش و تن به آب‌و‌آتش زدن هست؛ اما در



میدان علم کانه به چنین تلاشی معتقد نیستند! این نمی‌شود. در میدان علم باید تن به آب و آتش زد و کار کرد. این یکی از مظاهر بسیج علمی است. عامل عمده‌ی اقدام هم می‌تواند همین مجموعه‌ی برادران و خواهران اساتید مؤمنی باشد که در دانشگاه مشغول تعلیم‌اند.

❖ بسیج یعنی اقدام مؤمنانه و خالصانه در میدان‌های مختلف

با این نگاه، بنده مجموعه‌ی بسیج اساتید را یک مجموعه‌ی نظامی نمی‌دانم؛ چون مفهوم نظامی‌گری اصلاً در معنای بسیج نیست. بسیج، یعنی همه‌ی توان و نیرویی که انسان می‌تواند در این میدان در طبق اخلاص بگذارد و تقدیم کند؛ یعنی اقدام، آن هم اقدام مؤمنانه و خالصانه و بانگیزه. اگر آن میدان، میدان جنگ بود، بسیج یک مجموعه‌ی نظامی می‌شود و از نظامی‌ها بهتر هم می‌جنگد. اگر آن میدان، میدان علم بود، بسیج علمی می‌شود. مجموعه‌ی بسیج اساتید، یعنی مجموعه‌ای که می‌خواهد کار بایسته‌ی دانشگاه یک ملت سربلند و مؤمن و مستقل را به او تقدیم کند. البته این فقط در صورتی امکان‌پذیر است که دل از ایمان به خدا لبریز باشد. یعنی این انگیزه فقط می‌تواند از این سرچشمه، به‌درستی و درراه صحیح تغذیه شود و حرکت کند. توصیه‌ی من این است که هرچه ممکن است، این مجموعه اساتید بسیجی را - با همین نام - توسعه دهید. برادران و خواهران و اساتید مؤمن را - که امروز بحمدالله در دانشگاه‌های ما زیادند - در این مجموعه بدانید و بشناسید و وارد کنید. مجموعه‌ی دستگاه‌های دولتی هم باید برای تلاش و تحرّک و پیشرفت این‌ها، میدان را باز کنند. امروز ما اساتید جوان، تحصیل کرده، باسواد، بااستعداد، سرشار از نیرو و لبریز از عشق به کار، فراوان داریم. این‌ها را نباید پشت در نگه داشت. باید وارد میدان کار علمی کرد تا بتوانند حداکثر بهره‌ی ممکن را به این ملت ببخشند. علم هم با نیروی جوانی و همراه باایمان، کیفیت بهتری پیدا می‌کند و امروز، عزیزان من! کشور ما به این احتیاج دارد. امروز کشور ما به تلاش شما احتیاج دارد.

از این که دست‌اندرکاران این مجموعه تلاش کردند و این مجموعه‌ی برگزیده و نخبه را دورهم جمع کردند، خیلی تشکر می‌کنم. این، بسیار باارزش است؛ اما - همان‌طور که عرض کردم - هر چه ممکن است، سعی شود شعاع این نورانیت و معنویت، گسترده‌تر شود.



❖ درس علم با درس ایمان همراه شود

شما باید بتوانید در کلاس‌ها، درس علم را با درس ایمان همراه کنید. اعتقاد این است که انتقال ایمان به فکر و دل دانشجو و دانش آموز از طریق درس‌های غیرمستقیم دینی، میسر تر و طبیعی تر است، تا درس‌هایی که منحصراً برای معارف دینی است. درس معارف دینی، معرفت دینی را می‌دهد؛ اما ایمان و عشق دینی گاهی در درس‌های غیر معارف دینی، به ذهن دانشجوی شما راحت تر منتقل می‌شود. این را قدر بدانید و از این فرصت بسیار والا استفاده کنید.

امیدواریم خداوند متعال به همه‌ی شما توفیق دهد و تأییدتان کند و به مسئولان هم توفیق دهد تا ان شاء الله به اساتید مؤمن و جوان و پُرانگیزه و پر تحرّک در سطح دانشگاه‌های کشور، فرصت کار و تلاش و فعالیت بدهند و بتوانند هرچه بیشتر دانشگاه‌ها را به سمت ایجاد یک دانشگاه حقیقتاً اسلامی رهنمون شوند.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته



بیانات در دیدار بارزندگان لشکر ۱۴ امام حسین (ع) ۱۴/۸/۱۳۸۰

۱. مجموعه ی سپاه و بسیج در اوج قله است
۲. احساسات متکی به ایمان و منطق، عامل کار آمدی سپاه و بسیج است
۳. آرمان ملت ایران، آرمان امت اسلامی بود
۴. عوامل موثر در آرمان خواهی بزرگ ملت ایران
۵. آرمان بلند مدت ایران، تجسم عدل الهی و جامعه ی عادلانه
۶. تمدن مادی غرب در خدمت تبعیض، ظلم و دوری از معنویت است
۷. علت ارادت به سپاه و بسیج
۸. راه امام (ره) سعادت بخش و نجات دهنده است
۹. نکاتی که سپاه باید برای خودسازی معنوی، معرفت دینی و طراوت حفظ کند

بسم الله الرحمن الرحيم

❖ مجموعه ی سپاه و بسیج در اوج قله است

الحمد لله ربّ العالمین. والصلاة والسلام على سيّدنا ابی القاسم المصطفى محمّد و على آله الأطيبيّن الأظهرين المنتجبين، سيّما بقيّة الله في الأرضين. اللهم سدد السنتنا بالصواب و الحكمة.

برای من این جمع و این دیدار، در مرکز جوشش عشق و جهاد و فداکاری، آن هم در شهر اصفهان، بسیار دلنشین و شیرین است. هم اصفهان در مجموعه ی مجاهدت ها و تلاش های بی نظیر ملت ایران یک نقطه ی برجسته دارد، هم سپاه در مجموعه ی قشرهایی که هر کدام به نحوی در طول سال های متمادی مجاهدت کرده اند، جایگاه ویژه ای دارد؛ و سپاه اصفهان جامع هر دو درخشندگی و ویژگی است. بنده از همان ماه های اوّل بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با مجموعه ی جوانان پُرشور و سر تا پا اخلاص در این شهر آشنا شدم. در جمع فداکاران و دلباختگان به انقلاب و اسلام و امام آمدم و آنها را از نزدیک دیدم و احساسات شان را درک و لمس کردم. بعد از گذشت بیست و سه سال، اصفهان همان است؛ امواج متراکم و متلاطم احساسات عمیق و پُرشور نیز همان. باز هم مجموعه ی سپاه و بسیج، در اوج و قله است.

❖ احساسات متکی به ایمان و منطق، عامل کار آمدی سپاه و بسیج است

مهم این است که احساسات و شور و شوق، به منطق و معرفتی متکی باشد. آن چیزی که در مجموعه ی سپاه و بسیج، انسان را به اعجاب و تحسین وادار می کند، این نکته است. احساسات بی منطق، سطحی و کم عمق، در برخورد با حوادث گاهی فروکش می کند و گاهی حتّی به ضدّ خود تبدیل می شود؛ اما وقتی احساسات به فکر و ایمان و منطق متکی است،

روزبه‌روز شفاف‌تر، عمیق‌تر و در هنگامه‌ی خطر، کارآمدتر می‌شود. آن چیزی که انسان را در مقابل مجموعه‌ی سپاه پاسداران و ادار به احترام می‌کند، این است.

❖ آرمان ملت ایران، آرمان امت اسلامی بود

برخی از شما عزیزان، یادگارهای دوران دفاع مقدّس اید. بسیاری از شما در آن هنگامه‌ی کم‌نظیرِ تاریخ کشور ما حضور داشته‌اید و آن را دیده‌اید. بعضی هم از آن، ماجرا و داستانی شنیده‌اید. آنچه برای ملت ایران، بسیار اهمیت داشته و دارد، این است که او به دنبال یک آرمان بزرگ و هدف عالی قیام کرد. این هم توفیق خدا بود. بارها خدا را سپاسگزاری می‌کنیم که ما را در مقطع بیداری و آگاهی و اقدام قرار داد. در دیداری، به امام بزرگوارمان رضوان‌الله تعالی علیه گفتیم اگر تا ابد خدا را شکر کنیم که ما را در زمان شما قرار داد، کم شکر کرده‌ایم. مجموعه‌ی این عوامل، با حضور آن شخصیت عظیم، به ملت ایران این فرصت را داد تا بتواند آرزوهای فروخته و فریادهای در گلو شکسته‌ی امت اسلامی را در فضای دنیا فریاد کند. آرمان ملت ایران، یک آرمان بزرگ، حقیقی و مشترک میان همه‌ی اعضای امت اسلامی بود. امروز نیز همان‌طور است.

❖ عوامل مؤثر در آرمان خواهی بزرگ ملت ایران

در این میدان مبتنی بر حرکت آگاهانه، چند عامل بزرگ توانست نقش ایفا کند؛ یکی شخصیت امام بزرگوار بود که همه‌ی دنیا و همه‌ی چشم‌ها را وادار به اعتراف کرد. تعریف امام، فقط از زبان ما - که مریدان و دوستداران او بودیم - شنیده نشد؛ دشمنان ش هم به آن اعتراف کردند. آن شخصیت به معنای حقیقی کلمه متّصل به سلسله‌ی اولیای الهی، با همان ایمان و اراده و اندیشه‌ی بلند و خصلت‌هایی که انسان در قیام‌های مردان بزرگ و الهی نشانه‌های آن را می‌بیند، یکی از عوامل بود. وجود او، همه‌ی فلسفه‌هایی را که می‌خواستند با استدلال‌ات عقلی و ذهنی، جبری بودن حرکت‌ها و بی‌تأثیر بودن شخصیت‌ها را ثابت کنند، عملاً باطل کرد و نشان داد که در حدوث این حرکت عظیم، نقش و تأثیر قطعی داشته است. بهترین استدلال برای هر تفنگری، تحقّق‌ها و واقعیّت‌هاست. این واقعیّت ثابت شد که شخصیت‌هایی که ایمان و فداکاری و اندیشه‌ی بلند و اراده‌ی پولادین را با هم داشته باشند و نخواهند اینها را در خدمت منافع خود قرار دهند؛ بلکه در راه آرمان‌های الهی و اعتلای

انسان ها قرار دهند، می توانند مثل توفان، اقیانوسی را به حرکت در آورند. هر نسیمی نمی تواند اقیانوس را تکان دهد. ممکن است یک جریان معمولی هوا، استخر آبی را متلاطم کند؛ اما توفان سختی لازم است تا بتواند یک اقیانوس را به تلاطم در آورد. اقیانوس یک ملت و امت را آن گونه از اعماق متلاطم کردن، این عوامل را لازم داشت و اینها در امام بود. او اینها را برای خود نمی خواست و اراده ی خود را برای کسب مقام مصرف نکرد. آن توانایی ها و قدرت های خداداده را در خدمت ایجاد فساد در دنیا به کار نینداخت؛ درست مصداق این آیه شد که: «تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علواً في الأرض و لا فساداً»؛ یعنی تحقق وعده ی الهی، متعلق به کسانی است که دنبال علو و برتری نیستند و نمی خواهند خود را صدرنشین و مسندنشین کنند. البته صدرنشینی هم مختلف است. همّت بعضی کسان، یک مسند کوتاه است و برای همان تلاش می کنند؛ اما همّت بعضی افراد، مسندهای بالاتر است و برای آن می کوشند. همه ی اینها باطل و انحراف است. آن کسی که دنبال مسند و علو و برتری پیدا کردن بر انسان ها و دنبال فساد نیست، او صاحب و مالک وعده ی الهی است. بعد دنبال آن می فرماید: «والعاقبة للمتقين»؛ فرجام نیک متعلق به اینهاست. وعده ی خدا به ملت ایران، با این عوامل پیش رفت و یکی از آنها آن بزرگوار بود.

عنصر دیگر، تحوّل عظیمی است که در دل های ملت ایران به وجود آمد و مظهر آن، جوانان فداکار ما و نمودار کامل آن، سپاه پاسداران است. احترام و تکریمی که من از روز اوّل تاکنون برای سپاه قائل بوده ام، برای این است. سپاه، معجزه ی انقلاب بود؛ ایجاد سازمانی با همان خصوصیات؛ ایمان عمیق، اراده ی مصمّم و پولادین، معرفت بالا و نخواستن علو و فساد. سپاه مخلوق انقلاب بود و هست؛ شما باید این را حفظ کنید. شهیدانی که هر کدام یک خورشید فروزان شدند - شهید خرازی، شهید همّت، شهید ردانی و بقیه ی شهدای سرافراز که برجستگان و ممتازها و درخشان هایشان در این استان، تعداد بسیاری هستند و اگر انسان بخواهد اسم بیاورد، باید یک کتاب را بخواند - مهمترین کاری که کردند، همین بود که سرمایه را در خدمت هدف و آرمان بلند ملت ایران قرار دادند.

✦ آرمان بلند مدت ایران، تجسم عدل الهی و جامعه ی عادلانه

آرمان بلند ملت ایران همان چیزی است که شما از ظهور طلعت مهدی آل محمد انتظار

دارید؛ یعنی عدل الهی و تجسم جامعه‌ی عادلانه؛ جامعه‌ای که انسان بتواند از خطّ انحرافی‌ای که دنیای مادی در مقابل او ترسیم کرده، خود را نجات دهد. منتها در مورد ظهور مهدی موعود ارواحناده، این وعده به نهایت خود خواهد رسید. حرکت شما، قدمی بلند به سوی تحقق این وعده است. کارها در دنیا بتدریج انجام می‌گیرد. حرکت ما باید برای ایجاد این جامعه‌ی عادلانه باشد. همت ما باید ایجاد جامعه‌ای باشد که باطن آن، توحید؛ آرایش آن، عدل؛ جهت گیری آن، اجرای خطّ الهی و خطّ انبیا در طول تاریخ؛ و بنای آن براساس برخورداری انسان از آرزوی دیرین همیشگی اش است؛ یعنی با تربیت عدالت بتواند حقیقت وجود خود را بروز دهد و به ظهور برساند. در این هدف، تشکیل جامعه‌ی آباد، ایجاد ثروت عمومی، پیشرفت علمی و برخورداری انسان از تمام مواهب و مزایای طبیعی وجود دارد.

❖ تمدن مادی غرب در خدمت تبعیض، ظلم و دوری از معنویت است

هدف انبیا برای انسان، تنگ‌نظرانه و عزلت طلبانه نبود؛ هدفی نبود که انسان را از لذّات مشروع زندگی محروم کند. تهمت نزنند که نظام اسلامی، دنیای مردم را فراموش می‌کند. هدف انبیا و هدف انقلاب و نظام اسلامی این است که همه‌ی این خیرات انجام گیرد؛ اما طغیان و مفساد شیطنانی‌ای که در وجود ما انسان هاست، بر زندگی غلبه پیدا نکند. دنیای مادی، گرفتار این است. تمدن مادی غرب، پیشرفت های علمی و دیگر مزایایی را که با خود به همراه آورد، در خدمت تبعیض و ظلم و دوری از معنویت قرار داد. انقلاب اسلامی می‌خواهد این نباشد. ما دنبال جامعه‌ای هستیم که در آن، دنیا و آخرت، ماده و معنا، علم و دین، عدالت و بروز و رشد استعدادهای انسان در کنار یکدیگر مورد توجه باشد. البته برای رسیدن به چنین جامعه‌ای، تلاش و مجاهدت لازم است. این کارِ بزرگی است که جز با اراده‌ی قوی یک ملت و به‌طور مستمر و در طول زمان به دست نمی‌آید.

❖ علت ارادت به سپاه و بسیج

دشمن انسانیت و حقیقت با ما دشمنی می‌کند تا در راه ما وقفه ایجاد کند. راه مقابله، استمرار حرکت است. استمرار حرکت به این است که انسان‌های مؤمن و شجاع و پُرازاده و پارسا و پاکدامن روزه روز در جامعه‌ی ما بیشتر تربیت شوند. ارادت من به سپاه و بسیج به خاطر این است که این تربیت متناسب با هدف‌ها و آرمان‌ها را در درون خود دارد. باید این

را حفظ کنید. ما راه طولانی ای در پیش داریم و قدرت داریم این راه را طی کنیم. بلندگوهای تبلیغاتی جهانی می خواهند بگویند شما چاره ای ندارید جز این که در همان خطی حرکت کنید که ما می گوئیم. نمونه ی رژیم که برای کشورهای این منطقه - و به قول خودشان، جهان سوم - در نظر گرفته اند، چیزی است که شما در مصر و ترکیه و پاکستان و بعضی نقاط دیگر می بینید. آنها در این مناطق، چنین ملت هایی را می خواهند. آنها حتی زندگی اجتماعی کاملاً مخدوشی را هم که ملت های خودشان دچار آن هستند، برای ملت های این مناطق روا نمی دانند. آنها می گویند شما باید زیردست زندگی کنید. علم خوب است، ولی برای آنها. پیشرفت خوب است، ولی برای آنها. این ملت ها - همان طور که من تعبیر کردم - باید فاضلاب تمدن غرب و مدرنیته را مصرف کنند. آنها این را می خواهند.

❖ راه امام (ره) سعادت بخشی و نجات دهنده است

کسانی که امروز متأسفانه در گوشه و کنار جامعه ی ما با خطِ امام و با خطِ انقلاب مبارزه می کنند، نمی فهمند دنبال چه چیزی هستند؛ نمی دانند چه خیانت بزرگی به این ملت و به خودشان می کنند. آنهایی که سعی می کنند شعارهای انقلاب و نام امام را کمرنگ کنند و شهدا را به فراموشی بسپارند، متوجه نیستند. البته بعضی از آنها لابد خائنانه این کار را می کنند، اما بسیاری از آنها نمی دانند چه خیانتی را نسبت به این ملت مرتکب می شوند. راه نجات ملت ایران، تداوم همان خطی است که امام بزرگ ما ترسیم کرده است؛ راه علم، راه عمل، راه تقوا و پاکدامنی و پارسایی، راه استقلال، راه تحقق بخشیدن به احکام و ارزش های اسلامی. این چیزی است که ملت ما را به سر منزل سعادت خواهد رساند.

❖ نکاتی که سپاه باید برای خودسازی معنوی، معرفت دینی و طراوت حفظ کند

چند جمله هم نصیحت کنم: عزیزان سپاه! خودسازی معنوی را فراموش نکنید. فرماندهان و مسئولان سپاه، تلاش برای خودسازیِ سازمانی را فراموش نکنند. سازمان سپاه را همچنان زنده، بامعرفت، پُرشور و پُرجوش، با طراوت ایمان و با تصمیم و عزم نگه دارید. این به تدبیر و برنامه ریزی احتیاج دارد. فرزندان و خانواده های عزیز خود را با معارف اسلامی و معرفت عمیق دینی آشنا کنید. برای این کار برنامه ریزی کنید؛ هم برنامه ریزی فردی، هم برنامه ریزی سازمانی. این همسران فداکار و این فرزندان پاک و معصوم در مجموعه ی سپاه پاسداران،

گوهرهایی هستند که باید با همه‌ی وجود حفاظت و نگاهبانی‌شان کرد. در مجموعه‌ی سازمان سپاه، تنازع و بگومگو را راه ندهید. اگر نقطه‌ای در گوشه‌ای مایه‌ی تنازع و بگومگوست، خردمندان و مدبرانه آن را حلّ و فصل کنید. حضور عزیزان سپاه در این سازمان پُرافتخار، به معنای حضور در صفوف مقدّم انقلاب است. در میان خود، کسی را به بی‌اعتنایی به ارزش‌های انقلاب متهم نکنید. همه‌ی شما عزیز، خوب، مؤمن، وفادار و پایدارید. این فهم و برداشت من در طول معاشرت طولانی با سپاه است. سپاه از روز اوّل تا امروز، مرکز جوشش استعدادها، گوناگون بوده است. علاوه بر این که در میدان رزم، سپاه توانست از خود ابتکار و نوآوری نشان دهد، در میدان‌های دیگر هم نشان داد که یک سازمان توانا و قدرتمند است. امروز شما ببینید چقدر از مدیران کشور، پرورش‌یافته‌های سپاه‌اند. در تولید فکر، در تولید علم، در ابتکار ادبی و هنری، در فعالیت‌های سازندگی، در فعالیت‌های اجتماعی و در همه‌ی این میدان‌ها، سپاه از خود نوآوری و ابتکار نشان داد که این هم ناشی از همان روحیات مربوط به انقلاب است و اینها نسل به نسل و دست به دست پیش می‌رود. اینها را حفظ کنید. مسؤولیت و مأموریت سپاه به عنوان یک نیروی مسلّح، کاملاً مشخص است. این مسؤولیت، جزو خطرترین مسؤولیت‌هاست. شما با دیگر نیروهای مسلّح - ارتش و نیروی انتظامی - هیچ نقطه‌ی مورد اختلافی ندارید. این را در تعامل‌های خود همیشه مورد ملاحظه قرار دهید. سپاه از نظر عموم مردم جزو مظاهر انقلاب و دین است. رفتار خود را با آحاد مردم طوری قرار دهید که از سخن و رفتار و تعامل شما، آنها نسبت به دین و انقلاب، احساس محبّت و ارادت بیشتری کنند. با مردم مهربان هستید - می‌دانم - اما این خصوصیت را حفظ کنید و افزایش دهید؛ بخصوص با محرومان، مستمندان و ضعیفان. ارزش‌هایی را که سپاه از اوّل انقلاب تا کنون بر سر دست بلند کرده، لحظه‌ای فراموش نکنید؛ یعنی خاندان شهیدان و چهره‌های شهیدان را گرامی بدارید. جانبازان را - که شهیدان زنده‌اند - عزیز بدارید. همچنان که رسم و عادت شماست، نام و یاد خاندان پیغمبر را در مراسم، دیدارها و اجتماعات همیشه مطرح کنید. توسّل به خاندان پیغمبر، مایه‌ی برکت است. من اطمینان دارم نظر لطف و توجّه حضرت بقیةالله ارواحنا فداه شامل حال شماست. امیدوارم خدای متعال دعای آن بزرگوار را در حقّ همه‌ی شما مستجاب کند و به همه‌ی شما توفیق سربازی در خدمت آن بزرگوار را عنایت فرماید.

و السّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

بیانات در دیدار با بسیجیان شرکت‌کننده در دومی رزمی فرهنگی

علویون ۲۱/۸/۱۳۸۰

۱. نهال پرثمر بسیج
۲. بسیج مثل ستاره درخشان
۳. دامنه بسیج وسیع‌تر از یک نیرو
۴. اثرات انزوای معنویت
۵. مسئولیت عظیم بسیج برای استقرار معنو
۶. بسیج آماده بکار برای کارهای بزرگ
۷. احساس مسئولیت سنگین
۸. بیان حقیقت در مقابل ظلم



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله ربّ العالمين. والصلاة والسلام على سيّدنا و نبيّنا أبيالقاسم المصطفى محمّد و على آله الأطيبيّن الأظهرين المنتجبين، الهداة المهديّين المعصومين، سيّما بقيّة الله في الأرضين.

❖ نهال پُرثمر بسیج

خدا را بسیار سپاسگزارم که توفیق داد در میان این جمع عظیم و این فضای مالا مال از ایمان و صدق و صفا و محبت، حضور پیدا کنم. این جمع عظیم، نمایی از بخشی از بخشی از توان عظیم و پُرشکوه ملت ایران است؛ یعنی توان بسیج. بسیج، یکی از معجزات انقلاب و از کارهای عظیمی بود که امام بزرگوار ما با آن دید و بصیرت نافذ و تدبیر حکیمانه‌ی الهی، این نهال برومند و پُرثمر و مبارک را به وجود آورد. بسیج در آن روزی که بافرمان امام بزرگوار در سرتاسر کشور اسلامی مانند گیاه معطر و مبارکی شروع به رویش کرد، کشور نهایت نیاز را به یک حرکت عمومی و برخاسته‌ی از ایمان و اخلاص و صفا داشت؛ این پاسخ به یک نیاز حقیقی بود. دست قدرتمند امام، بذر بسیج را در سرتاسر این کشور پاشید - بدون این که برای تحلیلگران، سیاسیون سابقه‌دار و حتّی انقلابیون قدیمی و مخلص، قابل پیش‌بینی باشد - و این بذر مبارک در همه‌ی زوایای کشور روید، بالید و ثمربخش شد.

یکی از ثمرات عظیم بسیج این است که به برکت آن، سپاه پاسداران از یک سازمان کوچک و محدود، به یک سازمان رزمی کارآمد و وسیع تبدیل شد و توانست آن امتحان‌های سرافراز کننده را در طول دوران جنگ تحمیلی و پس از آن در مقابل چشم ملت ایران از خود

نشان دهد. اگر این گیاه پُربَرکت و پُربَثمر در این سرزمین نمی‌رویید، یقیناً سرنوشت جنگ غیراز آن چیزی بود که پیش آمد. جنگ را به ما تحمیل کردند تا بتوانند ملت ایران را تحقیر کنند؛ اما بسیج با حضور قدرتمندانه‌ی خود - که نشانه‌ی عزت ملت ایران بود - عملاً عکس این را نشان داد و ثابت کرد. جنگ را تحمیل کردند تا نظام مبارک جمهوری اسلامی را به ناتوانی در اداره‌ی مرزهای کشور متهم کنند؛ اما بسیج با حضور در سازمان‌های نیروهای مسلح و با فداکاری عمومی، موجب استحکام هرچه بیشتر پایه‌های نظام جمهوری اسلامی شد. معلوم شد که مسئله‌ی دفاع از مرزها در ایران اسلامی، مانند اغلب کشورهای دنیا نیست که فقط متکی به نیروهای سازمان‌یافته باشند - که گاهی ممکن است کارآمد باشند، گاهی هم نباشند - بلکه به اراده‌ی ملت ایران متکی است.

❖ بسیج مثل ستاره درخشان

در دوران جنگ تحمیلی، بسیج درخشید. عالی‌ترین مضامین انسانی، در بسیج معنا شد و تجسم یافت. پُر جاذبه‌ترین جلوه‌های هستی، در بسیج خود را نشان داد. در دنیایی که خودخواهی و خودپرستی و حرص و هوای نفس، اغلب حوادث آن را رقم می‌زند، بسیج مظهر عشق و ایثار و فداکاری و گذشت و نگاه حکیمانه‌ی یک جوان به عالم وجود شد. چقدر جوان فداکاری که در دوران جنگ تحمیلی به برکت بسیج، مثل پیران سالک راه خدا، حقایق هستی را شناختند و راه به معنویتی بردند که انسان‌های معمولی با سی سال، چهل سال تلاش نمی‌توانستند به آن حقایق و چشمه‌های قیاض برسند. آنچه را که ما در تاریخ خوانده بودیم، در زمان خود دیدیم. در جنگ، مجروح تشنه‌ای آب را از لبان خود بگیرد و به لبان تشنه‌ی مجروح دیگر برساند و او هم به سومی بدهد و هیچ کدام فرصت پیدا نکنند کام تشنه‌ی خود را در هنگامه‌ی شهادت سیراب کنند و به خاطر ایثار، تشنه شهید شوند. هر کس این‌ها را می‌خواند، داستان‌های تمام‌شده‌ی تاریخ به حساب می‌آمد و فکر نمی‌کرد قابل تکرار باشد؛ اما صدها و هزارها بار این جلوه‌های فضیلت، به وسیله‌ی جوانان پاک و خالص بسیجی در جبهه‌های جنگ تکرار شد. بسیج مثل ستاره‌ی درخشانی شد؛ هم سرنوشت جنگ را با حضور

خود تحت تأثیر قرارداد؛ هم به نیروهای مسلح - ارتش و سپاه - رو حیّه بخشید و هم توانست در پشت جبهه، کانون‌های عظیمی از معنویت و عشق و خدمت و ایثار به وجود آورد؛ زن و مرد و پیر و جوان به این میدان آمدند و آبدیده شدند.

بعضی تصوّر کردند که با پایان جنگ، بسیج هم پایان خواهد گرفت. بعضی هم صلاح‌اندیشی کردند که با پایان دوران جنگ، دیگر احتیاجی به بسیج نیست! فکرهایی که از نور بصیرت معنوی برخوردار نیست، بهتر از این محصولی نمی‌دهد. بسیج، آن روز از مرزهای نظامی جغرافیایی کشور دفاع کرد و در میدان رزم توانست خود را نشان دهد؛ اما مگر مرزهای دفاعی انقلاب فقط به مرزهای جغرافیایی منحصر می‌شود؟ از بزرگ‌ترین مسئولیت‌های یک مجموعه بسیج در کشور این است که از هویت ملی و دینی پاسداری می‌کند و باید پاسداری کند. بسیج، یعنی حضور در میدان‌هایی که نظام اسلامی، وظیفه‌ی انسانی و الهی و نیازهای کشور، حضور او را در آن میدان‌ها لازم می‌داند و او را به آنها فرامی‌خواند. بسیجی، هر یک از آحاد ملت است که در هر جایی که به حضور او نیاز هست، آماده باشد.

❖ دامنه بسیج وسیع‌تر از یک نیرو

دامنه‌ی بسیج، بسیار وسیع است. بسیج را نباید در نیروی مقاومت بسیج خلاصه کرد. نیروی مقاومت بسیج با فعالیت و ابتکار و حضور خود، مانند لکوموتیوی است که قطار عظیم بسیج ملت ایران را به پیش می‌راند. بنابراین دامنه‌ی بسیج، بسیار وسیع‌تر از نیروی مقاومت بسیج است. کشور به نیروی مقاومت بسیج نیاز دارد؛ اما به بسیج عظیم مردمی در همه‌ی میدان‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و - آن وقتی که لازم باشد - نظامی نیز نیازمند است. وظیفه‌ی نیروی مقاومت بسیج، الگو شدن برای همه‌ی جوانان بسیجی در کشور است. جوانی که در نیروی مقاومت بسیج به عنوان یک نیروی بسیجی، خود را خدمتگزار اهداف انقلاب و آرمان‌های اسلامی می‌داند، باید چنان خود را بسازد که مثل شمعی پروانه‌ها را به دور خود جمع کند و سازندگی علمی، اخلاقی، معنوی، فکری و سیاسی داشته باشد.

❖ اثرات انزوای معنویت

امروز کشور احتیاج دارد که فضای عمومی آن، فضای معروف، اقامه‌ی حق، اقامه‌ی عدالت و میل به معنویت باشد. نظام اسلامی فقط به این اکتفا نمی‌کند که زندگی اقتصادی و مادی مردم را آباد کند. این یکی از وظایف حتمی اوست؛ اما در کنار این وظیفه، اقامه‌ی معروف، اقامه‌ی روح دینی، استقرار اخلاق اسلامی، استقرار روح برادری و صمیمیت در میان همه‌ی آحاد ملت و احیای روح عزّت و استقلال - روحیه‌ای که مانع از آن شود که یک ملت تن به پستی و سستی و ذلّت دهد - نیز جزو وظایف اسلامی است. پیغمبر عظیم‌الشأن اسلام در هر نشست و برخاستی، بر روی یکایک مردمی که با او روبه‌رو می‌شدند، اثر می‌گذاشت و انسان‌ها را، هم در سایه‌ی استقرار نظام اسلامی و هم باتریت فردی، منقلب و متحوّل می‌کرد. تحوّل انسان، اساس همه‌ی تحولات عالم است.

امروز اگر در دنیا ظلم و سلطه وجود دارد و تمدّن خشن غربی، دنیا را از فضای خشونت و ظلم و زورگویی و ناحق‌گویی - تسلط قدرت‌ها بر ملت‌ها، غارت اموال ملت‌ها به وسیله‌ی مراکز جهانی - پر کرده است، این‌ها به خاطر انزوای معنویت و اخلاق انسانی است. وقتی معنویت و اخلاق و فضیلت منزوی شد و کسی جرئت نکرد در دنیا فضایل اخلاقی را به عنوان ارزش‌های طراز اوّل مطرح کند، شر و فساد غلبه خواهد کرد و پول و زور، ارزش خواهد شد و صاحبان پول و زور برای باز کردن راه به‌سوی هدف‌های خود، هیچ مانعی را ملاحظه نخواهند کرد و دنیا همان چیزی می‌شود که امروز وجود دارد. ده‌ها سال است که ملتی مثل فلسطین، زیردست و پای ظلم و ستم قهاران و ستمکاران عالم لگدمال می‌شود؛ اما این مظلومیت به این عظمت، در دنیا انعکاسی ندارد! دستگاه‌های تبلیغاتی دنیا در خدمت ظالم و ظلم و ادامه‌ی این ظلم کار می‌کنند. از قبیل قضیه‌ی فلسطین، قضایای کوچک و بزرگ دیگری در صدسال، صدوپنجاه سالی که قدرت‌های استعماری دنیا را قبضه کرده‌اند، وجود داشته و دارد که در زمان خود ما موارد متعدّدی را به چشم شاهد و ناظر بوده‌ایم. این به خاطر آن است که معنویت منزوی است.

❖ مسئولیت عظیم بسیج برای استقرار معنویت

نظام جمهوری اسلامی پرچم معنویت و اخلاق را بلند کرد. برافراشتن پرچم اخلاق، فقط از موضع موعظه‌گری قابل تأمین نیست؛ با حرکت عظیم و اقتدار ناشی از حضور مردم، این پرچم در دنیا برافراشته شده است. امروز ما در منبرهای عظیم جهانی و بین‌المللی، از عدالت و مظلومیت ملت‌ها سخن می‌گوییم و این به برکت نظام جمهوری اسلامی است. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، چنین چیزی نبود. حضور مردم و بسیج حقیقی دل‌ها و جسم‌ها و جان‌ها می‌تواند پشتوانه‌ی این حرکت عظیم جهانی باشد. این مسئولیت عظیم بسیج است.

امروز وظیفه‌ی بسیج، حفظ فضای سالم در کشور و منزوی کردن زشتی و آلودگی و غفلت و ریا و نفاق و شرک است. امروز نسل نوح‌خواسته‌ی کشور، با کمال صفا و پاکی به دنبال حقیقت می‌دود و تشنه‌ی آن است. در کجای کشور، شما جوانان نوح‌خواسته - پسر و دختر - را می‌بینید که تشنه‌ی حقیقت و معنویت و فهمیدن و درست فهمیدن نباشند؟ این نسل پر عدد امروز کشور ما با صفای ذاتی جوانی خود و باتریت اسلامی جامعه‌ی ما، دنبال حقیقت است؛ اما در کمین این نسل، گرگان درنده و روبهان حيله‌گری هستند. در کمین نسل نوح‌خواسته‌ی جوان ما کسانی نشسته‌اند که می‌خواهند او را بفریبند، یا بدرند و از بین ببرند.

امروز نیروی مقاومت بسیج - که مجموعه‌ی عظیمی در سازمان وسیعی از عمدتاً جوانان کشور است - باید این مسئولیت را بر دوش خود احساس کند که دست جوانان نوح‌خواسته‌ی کشور را در سرتاسر این کشور بگیرد. این کارها فقط بر عهده‌ی سازمان‌های موظف فرهنگی نیست. البته آنها وظیفه دارند، روحانیت وظیفه دارد، گویندگان دینی وظیفه دارند، همه‌ی مسئولان کشوری به هر نحوی وظیفه دارند؛ اما این سازمان عظیم نیروی مقاومت بسیج می‌تواند این نقش بزرگ را ایفا کند که برای استقرار معنویت در جامعه، به عنوان ملجأ و پناهگاه دل‌های باصفای جوانان و راهنمای دلسوز و دردشناس و همدل، دست جوانان را بگیرد. عزیزان من! خود را بسازید و آماده‌ی این نقش عظیم کنید.

❖ بسیج آماده به کار برای کارهای بزرگ

نیروی مقاومت بسیج در دوران دفاع مقدس در خلال یگان‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کارهای بزرگی کرد. امروز این نیرو به عنوان یک سازمان بزرگ از سازمان‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است؛ شعبه‌ی گسترده‌ی آن نیز در همه‌ی قشرها و در همه‌ی بخش‌های کشور حضور دارد؛ اما توجه به این نکته مهم است که نیروی مقاومت بسیج با این که یک نیروست و جزو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است، ولی یک نیروی رزمی محض نیست؛ یک نیروی مردمی، انسانی، الهی، اخلاقی، علمی، تربیتی و یک مجموعه‌ی آماده‌ی به کاربران کارهای بزرگ است؛ چنین موجود بی نظیر و پُرفایده و پُربرکتی است. مسئولان نیروی مقاومت بسیج، با این چشم به بسیج نگاه کنند.

❖ احساس مسئولیت سنگین

ما یک نیروی مقاومت بسیج داریم، یک بسیج عظیم ملی هم داریم که در تمام بخش‌ها و قشرها هستند. ممکن است این‌ها داخل نیروی مقاومت بسیج هم نباشند، اما نیروی مقاومت بسیج نسبت به این موج عظیم و این پهنه‌ی وسیع، دارای مسئولیت است. هر جوان بسیجی، مرد بسیجی، زن بسیجی، دانش آموز بسیجی، دانشجوی بسیجی، کارگر بسیجی و روحانی بسیجی می‌تواند محور باشد و انسان‌هایی را به خود جذب کند و با سخن و اخلاق و رفتار و درس خواندن و کار کردن و احساس مسئولیت و آگاهی سیاسی و اطلاعات دینی و معنوی خود، مثل شمع‌ی دل‌ها را روشن کند و دیگران را امیدوار به آینده و آماده‌ی به کار برای حضور در میدان‌ها قرار دهد. ببینید چه مسئولیت بزرگ و سنگین و درعین حال شیرین و هیجان‌انگیزی است. این در صورتی به وجود می‌آید و به وقوع می‌پیوندد که در داخل سازمان نیروی مقاومت بسیج، کار اداره‌ی فکری و عملی و قلبی و اخلاقی و روحی و سیاسی از همه جهت، آن‌چنان منظم و باتدبیر صورت گیرد که بتواند چنین محصول عظیمی داشته باشد.

خوشبختانه فعالیت‌های بسیار باارزشی هم صورت گرفته است. علاوه بر آنچه که انسان در بخش‌های گوناگون مشاهده می‌کند، من دیشب نیز فرصت پیدا کردم تا گوشه‌هایی از

فعالیت های سازمان نیروی مقاومت بسیج را - که در خلال نیروهای پنج گانه ی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است - از نزدیک در نمایشگاه مشاهده کنیم.

❖ بیان حقیقت در مقابل ظلم

عزیزان من! امروز ملت ایران در موضع جهانی بسیار ممتازی قرار گرفته است. البته دشمنان انقلاب و نظام اسلامی نمی خواهند به این حقیقت اعتراف کنند. همه ی تلاش تبلیغات جهانی این است که عظمتی را که نظام اسلامی و انقلاب اسلامی در فضای افکار عمومی دنیا به وجود آورده است، انکار یا تحقیر کند؛ اما حقیقت، کار خود را می کند. امروز این دولت، این ملت و این نظام است که در دنیا علناً و با صراحت و بدون هیچ ملاحظه ای، از حق و حقیقت و عدالت دفاع می کند. موضع مستقل نظام جمهوری اسلامی در قضیه ی افغانستان، نشانه ی دیگری پس از نشانه های گوناگون فراوان قبلی بود. جمهوری اسلامی ایران موضع خود را صریح و محکم اعلام کرد و نشان داد که زیر فشار ملاحظه ی سیاسی قرار نمی گیرد و ملاحظات جهانی موجب نمی شود که او از قدرت های بزرگ و ملاحظه گر دنیا تقیه کند. امروز ما برای اعلان موضع صریح در مقابل ظلم امریکا و مراکز قدرت، هیچ گونه مانع ای نداریم. ما حقیقت را بیان می کنیم.

ملت ما پرچم عدالت و معنویت را - که به برکت اسلام در این کشور برافراشته شده است - در دست دارد. البته قدرتمندان و زورمندان عالم خوششان نمی آید. آنها ناراحت می شوند و عکس العمل نشان می دهند؛ لیکن ملت ایران این راه را بر روی ملت های دیگر باز کرده است. این درس و الگوست و چه آنها بخواهند و چه نخواهند، این الگو در دنیا روز به روز جای خود را بیشتر باز خواهد کرد.

امروز دیگر آن روزی نیست که قدرت های بزرگ و مستکبر عالم بخواهند طبق میل خود نظمی در جهان برقرار کنند و پیش بروند؛ یا مثل دوران دوقطبی دنیابین خودشان مسائل مناطق مورد اختلاف را حل و فصل کنند و ملت ها و دولت های کوچک و منطقه ای هیچ گونه نقشی



برای خود قائل نباشند. امروز شیاطین بزرگ قدرت در مقابل ملت‌ها، از آن هیمنه و اعتبار سابق افتاده‌اند و این را آینده به فضل پروردگار نشان خواهد داد.

امروز وظیفه‌ی ما این است که باتدبیر و عقل، دنبال منطق حقّ خود حرکت کنیم و به خدا توکل نماییم و همه‌ی عواملی را که برای حفظ جهت‌گیری و حراست از منافع ملی لازم است، به خواست خدا در نظر بگیریم و پیش برویم. ملت به فضل پروردگار از این حرکتِ مسئولان کشور روزبه‌روز امیدوارتر خواهد شد. روزبه‌روز بر عمق ایمان جوانان افزوده خواهد شد. البته دشمنان، اخلاص‌گری و مزاحمت می‌کنند و در داخل و خارج، آنچه که از دستشان برآید، می‌کنند؛ اما «للباطل جولة وللحقّ دولة»^۱؛ باطل جولانی می‌کند و قابل ادامه یافتن نیست. آنچه که خواهد توانست فضای عالم آفرینش را در اختیار بگیرد، حقّ است و بنای عالم بر حقّ است. دل‌های خود را روزبه‌روز بیشتر با نور معرفت، نور علم، نور حقیقت و نور اخلاق روشن کنید و از خدا کمک بخواهید.

امیدوارم پروردگار عالم همه‌ی شما عزیزان را مشمول لطف و رحمت خود قرار دهد و در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان - که ماه ضیافت و رحمت الهی است - به همه‌ی ما قابلیت ورود بر سر سفره‌ی ضیافت الهی را عنایت فرماید و دعای ولیعصر ارواحناده را در حقّ همه‌ی شما و ما مستجاب کند.

و السّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

در دیدار با استیذان شرکت کننده در اردوی رزمی
فرهنگی علوم ۱۳۸۰-۸۰۳۱

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و دانش آموزان طرح ولایت ۱۳۸۱/۵/۱۷

۱. جلسه‌ای شوق‌انگیز با جوان‌های اهل علم و تحصیل
۲. تقدیر از آیت‌الله مصباح
۳. معرفت آموزی و توجه به وظیفه
۴. معرفت و آگاهی و انجام کارهای بسیار بزرگ
۵. رسالت انقلاب اسلامی و نقش نسل جوان
۶. موضع انقلاب اسلامی، موضع هجومی علیه نظام سلطه
۷. معرفت آموزی و احساس مسئولیت
۸. ضرورت انطباق ملاک‌های فعالیت سیاسی با معرفت اسلامی
۹. هدف به تکامل رساندن انقلاب است
۱۰. نسل آینده، مسئولیت دارد
۱۱. عدالت‌خواهی اسلامی اساسی انقلاب
۱۲. احساس عزت مسلمان‌های دنیا زیر پرچم عدالت‌خواهی جمهوری اسلامی
۱۳. سرنوشت آزادی و برابری در دو انقلاب فرانسه و شوروی
۱۴. وظیفه‌ی اساسی، تحقق عدالت‌خواهی
۱۵. مفهوم عدالت
۱۶. آزادی و برابری در بطن عدالت
۱۷. آزادی و عدالت اسلامی با معنویت همراه است
۱۸. پیر نشدن و جوان ماندن انقلاب اسلامی
۱۹. عوامل نابودی انقلاب‌ها
۲۰. عامل اول: کهنه و زایل شدن شعارهای انقلاب
۲۱. عامل دوم: از دست دادن صلاحیت حفظ انقلاب
۲۲. مسئولان طراز اول و برجسته از صلاحیت‌های لازم برخوردارند
۲۳. مسئولان کشور اصلاحات آمریکایی نمی‌خواهند

- ۲۴. احساس مسئولیت جوان‌ها در حفظ انقلاب
- ۲۵. دانشگاه و مطبوعات نقاط امید آمریکا
- ۲۶. آشوب و حرکت براندازی در برنامه دشمن
- ۲۷. حرکت در محیط دانشگاه‌ها عالمانه و منطقی باشد

بسم الله الرحمن الرحيم

❖ جلسه‌ای شوق‌انگیز با جوان‌های اهل علم و تحصیل

جلسه‌ی بسیار گرم و پرجاذبه‌ای است. انسان احساس می‌کند که در فضای جلسه، اخلاص و شور جوانی و ایمان موج می‌زند. شما برادران و خواهران عزیز دانشجو و دانش‌آموز علاوه بر برخورداری از موهبت جوانی - که موهبت بسیار بزرگی است - این امتیاز رادارید که در رشته علم و در راه تحصیل و کسب دانایی و هوشیاری مشغول تلاشید. علاوه‌ی به این، جمع حاضر در این جلسه این امتیاز را هم دارند که از سرچشمه‌های معرفت در قالب همین اردو بهره‌مند شدند و جرعه‌هایی نوشیدند؛ یا کسانی که برنامه همشان تازه شروع خواهد شد، انشاء الله خود را از این سرچشمه‌های زلال سیراب خواهند کرد. برای بنده که امیدم به این جوان‌هاست - بخصوص جوان‌های اهل علم و اهل تحصیل - چنین جلسه‌ای شوق‌انگیز است.

❖ تقدیر از آیت‌الله مصباح

اولاً لازم است از معلمان و استادان و دست‌اندرکاران و مدیران این تلاش فرهنگی - که بسیار باارزش است - تشکر کنم؛ مخصوصاً شخص آقای مصباح که حقیقتاً یکی از وجودهای مبارک و مغتنم و منبع فکر و اندیشه‌ی بی غل و غش معارف اسلامی در دوره ما هستند. انشاء الله خداوند به ایشان و دیگر دست‌اندرکاران توفیق ادامه این خدمات بسیار باارزش را عنایت کند و وسیله بهره‌مندی هر چه گسترده‌تر و عمیق‌تر جوانان را از این سرچشمه‌های معرفت فراهم نماید.

❖ معرفت آموزی و توجه به وظیفه

آنچه به نظرم می‌رسد عرض کنم، این است که کسب معرفت در زمینه‌های فکری اسلامی - که بسیار هم گسترده است - خیلی باارزش است. البته توجه داشته باشید که معرفت آموزی در خلأ بدون توجه به وظیفه‌ای که این معرفت بر دوش انسان می‌گذارد، چندان کارساز نیست معرفت، مقدمه علم است. چیزی می‌آموزیم تا صراط مستقیم را بشناسیم، در آن قدم بگذاریم، در آن پافشاریم و به سمت هدف‌های آن پیش برویم. معرفت دینی با توجه به عمل صالحی که دنبال آن وجود دارد، وقتی به جوان - بخصوص به جوان دانشجوی و دانش‌آموز - آموخته شد، باید بتواند او را مسلح و مجهز کند و اعتماد به نفس را برای پیمودن راه بسیار مهم و دشواری که در پیش روی نسل امروز ماست، به او بدهد.

❖ معرفت و آگاهی و انجام کارهای بسیار بزرگ

آنچه امروز شما جوان‌ها بر عهده دارید، کار بزرگی است. یک روز، زبده‌ای از جوانان این کشور، با معرفت اسلامی نابی که به دست آوردند، توانستند پیش‌تاز حرکت عظیم اسلامی شوند و حلقه‌ی اول کمک‌کاران و یاران امام بزرگوار را تشکیل دهند. انقلاب به آن عظمت در سایه معرفت آموزی به دست آمد. همیشه کسانی که راه‌ها را باز می‌کنند، مانع‌ها را برمی‌دارند، کوه‌های بزرگ را می‌شکافند و پیش می‌تازند و دیگران به دنبال آن‌ها حرکت می‌کنند، گروه زنده‌ای هستند که سلاح عمده آن‌ها معرفت و شناخت است؛ می‌دانند چه می‌خواهند و دنبال چه می‌روند. همین دانستن، عزم راسخ را هم به آن‌ها می‌دهد و هم احساس خستگی و سستی از آن‌ها دور می‌شود؛ خاصیت ایمان ناب دینی همین است. همه مجاهدت‌های عظیم و حرکت بزرگی که شما در تاریخ اسلام مشاهده کردید، ناشی از این است. در غیر حوزه دینی هم باز معرفت‌ها و آگاهی‌ها و اراده‌هایی که پشت سر آن بسیج شده است، کارهای مهم‌تر و بزرگ‌تر را انجام داد. امروز معرفت و آگاهی شما باید آن‌چنان راه را در مقابل شما روشن کند تا بتوانید کارهای بسیار بزرگی را که بر دوش شما جوان‌هاست، در این دهه و دهه بعد انجام دهید.

✧ رسالت انقلاب اسلامی و نقش نسل جوان

رسالت انقلاب اسلامی فقط تشکیل حکومتی بانام اسلامی نبود. بسیاری از شکوفه‌های این درخت تناور هنوز باز نشده است؛ این شکوفه‌ها را، این نسل باید باز کند، این درخت را این نسل باید به میوه برساند. بله، اگر دشمنی‌های دشمنان مستکبری که با پدید آمدن انقلاب اسلامی، کیان خود را درخطر می‌دیدند، نبود- یعنی سیستم سیاسی و اقتصادی ظالمانه حاکم بر دنیای امروز- این مقصود خیلی زودتر از این حاصل شده بود؛ ولی دشمنی‌ها هم یک واقعیت است. با توجه به همه واقعیت‌ها، حرکت را باید برنامه‌ریزی و طراحی کرد و پیش رفت.

نباید انتظار داشته باشیم که دشمنی جلوی ما نباشد؛ این دشمن، بوده و هست. بدیهی است که وجود این دشمنی یک مقدار موانع ایجاد می‌کند؛ اما عرض خواهم کرد که جاده مستقیم صراط الهی هنوز و همچنان روندگان با استقامت را دعوت می‌کند که بروند و قله‌های تازه‌ای را فتح کنند. آن‌ها، شما هستید. این معرفت باید به کار آن حرکت و آن تلاش بیاید و شمارا مجهز کند. در درجه اول، این دانایی که شما با این آشنایی‌ها و معرفت اندوژی‌ها به دست می‌آورید، باید در محیط پیرامونی شما تأثیر بگذارد؛ چه محیط درس و تحصیل، چه محیط کار و محیط خانواده.

✧ موضع انقلاب اسلامی، موضع هجومی علیه نظام سلطه

جوانی که بامعرفت درست اسلامی مجهز است، همت او این نیست که فقط شبهه‌ها را برطرف کند - یعنی موضع دفاعی ندارد- موضع یک جوان آگاه دارای اعتمادبه‌نفس، از لحاظ ابزاری منطقی و فکری، موضع تهاجمی است. اوایل انقلاب وقتی بنده به دانشگاه می‌رفتم و پاسخ به سؤالات می‌دادم و صحبت می‌کردم، یک نفر از جوان‌های وابسته به گروه‌های چپ از من پرسید: شما در مقابل فلان قضیه چه دفاعی دارید؟ گفتم بنده دفاعی ندارم، من هجومی دارم! انقلاب اسلامی در موضع دفاعی قرار ندارد. اگر ما موضع دفاعی داشتیم تا حالا کارمان ساخته شده بود؛ موضع انقلاب اسلامی، موضع هجومی است. هجوم علیه چه؟ علیه سیستم ظالمانه و ستمگرانه‌ای که امروز بردنی‌ای سیاست در سراسر عالم و بر

زندگی واقعی مردم حاکم است؛ یعنی هجوم بر نظام سلطه. نظام سلطه؛ یعنی سیستمی که دو طرف بیشتر ندارد: سلطه گر و سلطه پذیر. یا باید کسی خود را به آنجا برساند که بتواند سلطه گری کند؛ و الا باید سلطه پذیری کند و زیر بار سلطه برود. انقلاب اسلامی؛ فریاد و نهیبی است علیه چنین نظام‌های ظالمانه‌ای در دنیا. علت این هم که در نظام اسلامی و انقلاب اسلامی در چشم‌ها و کام‌ها شیرین بوده و همچنان هست؛ همین است. این هم که می‌بینید در دنیا سیاست‌های گوناگون با شیوه‌های مختلف مرتب روی جمهوری اسلامی فشار می‌آورند تا در قضایای گوناگون - مثلاً در قضیه فلسطین - موضع نگیرد، بعضی ساده‌لوح‌ها خیال می‌کنند که مشکل فقط این است که جمهوری اسلامی در فلان قضیه موضع تند دارد؛ لذا می‌گویند شما موضع تند نگیرید؛ در صورتی که مسئله این نیست. مسئله این است که مواضع اصولی جمهوری اسلامی؛ اصل سیاست‌های سلطه در دنیا تهدید و ملت‌ها را امیدوار می‌کند. پس معرفتی که می‌آموزیم، باید بتواند ما را به عنوان یک جوان دانشجو یا دانش آموز، مسلح کند و اعتماد به نفس را به قدر کافی در اختیار ما بگذارد تا بتوانیم در محیط پیرامونی خود، و آنگاه که مسئولیت سنگین‌تر و دایره گسترده‌تری پیدا کردیم، در همان دایره و در همان گستره وسیع، فضا را روشن کنیم. فعالیت سیاسی و فرهنگی دانشجو دانش آموز باید به برکت این معرفت آموزی‌ها، جهت پیدا کند و رونق بگیرد؛ دانشجو و دانش آموز بداند که الآن باید چه فعالیتی باید بکند.

❖ معرفت آموزی و احساس مسئولیت

البته در چنین موضعی، دفع و رفع شبهه‌ها هم یک کار سهل و آسان خواهد بود؛ اما هدف فقط این نیست که بنشینیم و منتظر باشیم شبهه‌ای به طرف ما پرتاب کنند، ما هم دنبال علاج بگردیم و شبهه را برطرف کنیم. بنابراین در کنار معرفت آموزی، شور و عشق ناشی از احساس مسئولیت هم لازم است؛ شور عشقی که یک انسان آگاه و با معرفت را بی‌تاب می‌کند و به سمت مأموریت صحیح خود و پیمودن صراط مستقیم به حرکت درمی‌آورد؛ از این شور

توجه و عشق به مأموریت و مسئولیت غافل نشویم. در کنار دانایی، این احساس باید وجود داشته باشد.

البته احساس بدون دانایی مضر است و به افراط و تفریط و کارهای بی‌قاعده و بی‌رویه کشیده خواهد شد. دانایی بدون شور و احساس و نشاط هم هیچ کارایی ندارد؛ مثل سرمایه را کدی است که از آن هیچ استفاده‌ای نمی‌شود. اگر بخواهیم سرمایه دانایی و معرفت و آگاهی و شناخت به کار بیفتد و در خدمت هدف‌های والا قرار بگیرد، باید با همان شور احساس و مسئولیت همراه شود. این دو بال می‌تواند انسان را پرواز دهند و به اوج برسانند.

❖ ضرورت انطباق ملاک‌های فعالیت سیاسی با معرفت اسلامی

نکته بعدی این است که این معرفت‌ها باید ملاک فعالیت سیاسی را هم به دست شما بدهد. در یک جامعه زنده، همه موظف به تلاش سیاسی‌اند تلاش سیاسی، غیر از سیاست زدگی و سیاست‌بازی است. تلاش سیاسی، یعنی آگاه شدن از جریان کنونی جامعه و خطراتی که آن را تهدید می‌کند و مشخص کردن جبهه دوست و دشمن و گرفتن موضع مناسب در قبال این‌ها؛ این فهم سیاسی برای همه لازم است و به دنبالش تلاش هم هست. این باید با ملاک‌های ناشی از همین معرفت اسلامی منطبق باشد. اگر این ملاک‌ها در دست یک فعال سیاسی نباشد، جبهه حق و باطل را باهم خلوط می‌کند و از هم تمایز نمی‌دهد. تاریخ ما پر است از نام کسانی که در اواسط کار، جبهه حق و باطل را باهم اشتباه کردند. اول، غالباً یا یک اشتباه پیش می‌آید و موجب زاویه خوردن در راه و حرکتی می‌شود که انسان طی می‌کند؛ بعد نفسانیات و ضعف‌های نفسانی و اخلاقی و هوس‌ها و آلودگی‌ها پیش می‌آید و انسان را به طرف سقوط نهایی می‌لغزاند؛ و این طور می‌شود که گاهی کسانی که روزی در جبهه حق بودند، روز دیگر به روی حق شمشیر می‌کشند! هم در صدر اسلام این را دیدیم، هم در طول تاریخ خودمان و هم تاریخ نزدیک به خودمان. در دوران مشروطیت کسانی بودند که یک روز در جبهه حق حرکت کردند؛ اما بعد بر اثر همین عواملی که گفتیم، به روی حق شمشیر

کشیدند، این به خاطر آن است که معیارها و ملاک‌های فعالیت سیاسی از دست انسان خارج می‌شود. این معرفت باید این معیار را به شما بدهد.

❖ هدف به تکامل رساندن انقلاب است

هدف از فعالیت و تلاشی که شما باید بکنید، چیست؟ هدف - همان‌طور که عرض کردم - به تکامل رساندن انقلاب است. انقلاب ما یک انقلاب بسیار بزرگ و همه‌جانبه است و برای اساسی‌ترین نیازهای بشر پیام و دستورالعمل دارد. خیلی از این‌ها مثل شکوفه‌هایی است که بسته مانده است؛ فضای مناسب و هوایی مطبوعی لازم است تا این شکوفه‌ها باز و بعد تبدیل به میوه شوند؛ اما این فضا به وجود نیامده است. البته این دلیل بر آن نیست که این درخت، سترون است؛ نه، این درخت، بارور است؛ باید کمک کرد تا این شکوفه‌ها باز شود. موانعی وجود داشته که این شکوفه‌ها باز نشده است؛ این موانع را شماها باید برطرف کنید.

❖ نسل آینده، مسئولیت دارد

نسل آینده، مسئولیت دارد. بعضی‌ها مرتب می‌گویند نسل دوم، نسل سوم، تلقی آن‌ها از نسل سوم این است که یک عده می‌خواهند از دستاوردهای حاضر و آماده دیگران استفاده کنند؛ اگر نبود، قهر و اعتراض می‌کنند که چرا آماده نیست. در منطق درست عقلی و در منطق اسلام، معنای مسئولیت این نیست. یک روز کسانی راه افتادند و کار بزرگی را انجام دادند - این آغاز راه بود - اما نسل‌های بعدی هم باید هر کدام به‌نوبه خود وظیفه خود را انجام دهند. گاهی وظیفه شما - که در دوره انقلاب و مقدمات انقلاب، در دنیا نبودید - از وظیفه ماها که آن روز بودیم هم سنگین‌تر، هم شیرین‌تر، هم آثار آن ماندگارتر است. گاهی باز کردن یک تونل، کار مهمی است؛ اما مستحکم نگه‌داشتن این تونل تا نریزد و فراهم کردن پایه‌های محکمی برای آنکه بتواند ماندگار باشد، اهمیتش خیلی بیشتر است؛ والا بله، یک بولدوزر می‌آید و فرضاً یک تونل را باز می‌کند و شما می‌خواهید آن پایه‌ها را مستحکم کنید.

❖ عدالت‌خواهی اسلامی اساس انقلاب

اساس این انقلاب بر چه چیزی استوار بود؟ یکی از شعارهای مهم و عمده آن، که در دل

خود خیلی چیزهای دیگر هم دارد، عدالت‌خواهی اسلامی بود. این طور نیست که ما همین طور بگوییم «عدالت اسلامی» طبق یافته‌های گوناگون، تصویر مبهمی هم از عدالت در ذهن داشته باشیم؛ نه خیر، این پرچم عدالت‌خواهی اسلامی انقلاب بود که بلند شد. چون اسم عدالت‌خواهی در میان بود و چون مفهوم عدالت‌خواهی، در دل انسان‌ها بسیار وسیع و نافذ است، لذا در اقصی نقاط عالم - حتی در نقاط غیر اسلامی هم - دل‌ها را شیفته کرد. روزی که این انقلاب پیروز شد، تنها مسلمان‌های کشورهای اسلامی نبودند و تنها مسلمان‌ها نبودند که ذوق کردند؛ غیرمسلمان‌ها از کشورهای محروم دنیا، حتی روحانیون بعضی از مذاهب غیر اسلامی - مثلاً مسیحی - هم که در نقاطی زندگی می‌کردند که با همه وجود خود، تبعیض را در جانب سیاسی و دینی آن لمس می‌کردند. نسبت به انقلاب به هیجان آمدند.

❖ احساس عزت مسلمان‌های دنیا زیر پرچم عدالت‌خواهی جمهوری اسلامی

اوایل دهه ۶۰، هنگامی که بنده رئیس‌جمهور بودم، به کشورهای جنوب آفریقا مسافرت کردم. آن موقع بعضی از رهبران سیاه‌پوست خیلی معروف که در زندان رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی بودند - و من نمی‌خواهم اسم آن‌ها را بیاورم - به وسیله کسانشان به من پیغام دادند که ما عاشق امام و مرید انقلاب هستیم. آن‌ها مسلمان نبودند، اما به خاطر پرچم عدالت‌خواهی‌ای که اسلام جمهوری اسلامی بلند کرده بود، آن‌گونه ابراز ارادت می‌کردند. آن هنگام یک رژیم نژادپرست ظالم و سفاک، سال‌های متمادی بر کشور آفریقای جنوبی حکومت می‌کرد، که به همین دلیل وقتی جمهوری اسلامی تشکیل شد، رابطه‌اش را با آن کشور قطع کرد. رژیم طاغوت روابط خیلی گرمی با آن رژیم داشت. تحت سیطره‌ی چنین رژیمی؛ مبارزان درجه یک - که بعد هم یکی از برجستگان این‌ها از زندان آزاد شد و در آفریقای جنوبی انقلاب شد و رژیم تغییر کرد و همان شخص چند سال به ریاست جمهوری آفریقای جنوبی رسید - از داخل زندان به امام جمهوری اسلامی اظهار عشق و ارادت می‌کردند؛ به بنده هم مکرر همین پیغام را می‌دادند. این، پرچم عدالت‌خواهی روی مبانی فکر اسلامی استوار شده است، احساس عزت را در مسلمان‌های دنیا بیدار کرد و همه‌ی مسلمان‌های

دنیا احساس غرور و هویت کردند. صدها بار برجستگان دنیا را از سراسر دنیا ماه‌ها - که در مسئولیت‌های گوناگون جمهوری اسلامی بودیم - پیغام دادند که به‌عنوان مسلمان، هویت خود را باخته بودیم و هضم شده بودیم؛ اما شما به ما هویت دادید و ما را زنده کردید این پرچمی بود که جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی بلند کرد.

✧ سرنوشت آزادی و برابری در دو انقلاب فرانسه و شوروی

در دویست سال اخیر، دو انقلاب بزرگ دیگر که قابل مقایسه با انقلاب اسلامی است، در دنیا به وجود آمد: یکی انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ میلادی - یعنی دویست و خرده‌ای سال پیش - است؛ و دیگری انقلاب اکتبر شوروی در سال ۱۹۱۷ میلادی، که نزدیک به نود سال پیش به وجود آمد. شعار عمده انقلاب فرانسه «آزادی» بود؛ اما شعار عمده انقلاب کمونیستی شوروی «برابری» بود. آن «آزادی» در غرب به یک مفهوم کاملاً انحرافی تبدیل شد. آزادی‌ای که معنایش آزادی انسان‌ها در انتخاب راه زندگی بود، به آزادی‌های فردی و جنسی و آزادی فساد تبدیل شد و زیر نام دموکراسی، با تبلیغات گوناگون، مردم به یک تور نامرئی، به همه‌ی جهاتی که قدرتمندان رژیم‌های گوناگون می‌خواستند، کشانده شدند، که تا امروز هم همان وضعیت باقی است.

این سخن که آزادی سیاسی در غرب، یک تزویر و یک نیرنگ است، امروز دیگر حرف ما نیست؛ این حرف بسیاری از متفکران، اندیشمندان و دلسوزان از خود غرب است. آرایش ظاهری، آرامش دموکراسی است - البته با ظرفیت شرکت از سی درصد و سی و پنج درصد مردم در انتخابات تا شصت درصد بیشتر، که در آمریکا سی و پنج درصد و یا چهل درصد مردم دارای حق رأی در انتخابات شرکت می‌کنند، که خیلی کمتر از این درصد از همه‌ی مردم است - اما باطن قضیه، همان تور نامرئی تبلیغات است. تبلیغات هم در بست در اختیار قدرتمندان و صاحبان کمپانی‌ها و زرندان بزرگ است؛ یعنی همان کسانی که در حکومت استبدادی، همه‌کاره‌اند. این تور نامرئی مردم را که به هر طرف که بخواهد می‌کشاند و مانع می‌شود از این که روش‌ها، اهداف و مقاصدی که بر ملت‌ها تحمیل شده، تغییر پیدا کند. البته

این‌ها آزادی فساد، آزادی جنسی، آزادی لابی‌الگری و رهایی از قید اخلاق را ترویج می‌کنند؛ چون باز به نفع همان قدرتمندان است.

سرنوشت «برابری» در انقلاب دوم هم شبیه سرنوشت «آزادی» در انقلاب اول شد؛ یعنی به اسم برابری، کمونیست‌ها در طول هفتاد و چند سال، نابرابری شدید و سیاه و غیرقابل‌تحملی را به وجود آوردند. شعارهای زیبای دادند- چون هم «آزادی» و هم «برابری» شعارهای زیبا و جذابی است - اما در واقعیت، عکس آن عمل شد.

❖ وظیفه‌ی اساسی، تحقق عدالت‌خواهی

اگر ما در شعارهای عدالت‌خواهی فقط به لفاظی اکتفا کنیم و در واقعیت‌ها آن را تجسم نبخشیم، کار ما شبیه کار آن‌ها خواهد شد؛ این چیزی است که به‌هیچ‌وجه اسلام و مبنای اسلامی آن را نمی‌پذیرد. وظیفه‌ی اساسی همه، در هر جا هستند، این است که کاری کنند تا زمینه تحقق شعارهای اساسی - که یکی از مهم‌ترین‌هایش عدالت‌خواهی است - به وجود آید.

❖ مفهوم عدالت

البته عدالت - همان‌طور که گفتیم - در اسلام دارای مفهوم خیلی وسیعی است. مفهوم عدالت، یعنی تأمین همه‌ی نیازهای مادی و معنوی انسان. این اعطای «کل ذی‌حق حق» که معنای عدالت است، هر صاحب‌حقی را به‌حق خود رساندن است. شما ببینید حقوق انسان‌ها چقدر دامنه‌ی وسیعی دارد؛ تأمین همه‌ی این‌ها می‌شود عدالت.

❖ آزادی و برابری در بطن عدالت

این عدالت در بطن خود طبعاً آزادی را هم دارد؛ آزادی به معنای درست، نه آزادی به معنای غلطی که آن‌ها ترویج و دنبال کردند و مدعی شدند. این عدالت در بطن خود برابری به معنای درست را هم دارد. برابری، یعنی نبودن تبعیض. برابری به معنای این نیست که مرد و زن - همه - تشابه داشته باشند؛ این اشتباهی است که کمونیست‌ها می‌کردند و توی آن‌هم درمآوردند. معنای برابری این است که همه در حد صلاحیت‌هایی که قانون و حقیقت برای آن‌ها

معین می‌کند، بتوانند از مواهب و نعم و الطاف الهی - که به جامعه و انسان بخشیده شده است - برخوردار باشند. در مقابل قانون، همه برابر؛ در مقابل خطا، همه برابر؛ در مقابل وظیفه‌ای که بر عهده است، همه برابر. البته میدان برای تلاش انسان‌ها باز است؛ یکی بیشتر تلاش می‌کند، دستاورد بیشتری خواهد داشت؛ یکی کمتر تلاش می‌کند، دستاورد کمتری خواهد داشت. یکی کار خوب می‌کند، دستاوردش خوب است؛ یکی کار بد می‌کند، دستاوردش بد است.

❖ آزادی و عدالت اسلامی با معنویت همراه است

علاوه بر این‌ها، معنویت هم در این انقلاب وجود دارد؛ یعنی فقط آزادی و برابری نیست؛ آزادی و عدالت - به معنای اسلامی آن - با معنویت همراه است. بنابراین خلأ عمده‌ای که امروز غرب دچار آن است و خودشان هم متوجه شده‌اند، در اینجا وجود ندارد. نبود معنویت موجب می‌شود که پایه‌های ارزش‌های اخلاقی سست شود و یک کشور و یک جامعه از بن و بنیاد تهدید به فرو ریختگی شود؛ این اتفاقی است که امروز در بسیاری از جوامع غربی آثار آن ظاهر شده است؛ دارند می‌فهمند و هشدار می‌دهند. فساد که در بسیاری از کشورهای غربی وجود دارد، ناشی از فقدان معنویت است؛ و این ادامه پیدا خواهد کرد؛ چون آن‌ها معنویت اخلاقی را به معنای حقیقی کلمه قبول ندارند. سعی‌شان هم این است که این بدبختی‌ها را به همه‌ی نقاط دنیا منعکس و منتقل کنند؛ که این‌ها بحث‌های طولانی و گوناگونی است که نمی‌خواهم وارد آن شوم.

❖ پیر نشدن و جوان ماندن انقلاب اسلامی

شما جوان‌ها با سلاح معرفت و آگاهی‌ای که به دست می‌آورید، باید بتوانید این پرچم را برافراشته نگه‌دارید؛ البته وظیفه‌ی خیلی سنگین و بزرگی است. یک عده در دنیا با شیوه‌های خاص تبلیغاتی خود - که در واقع، جنگ روانی است - این‌طور تبلیغ می‌کنند که عصر انقلاب‌ها پایان پذیرفته است. این جزو همان تبلیغاتی است که نظام سلطه به آن احتیاج دارد و مجبور است این تبلیغات را بکند. این‌ها از وقوع یک انقلاب بر پایه‌ی دین و معنویت و اسلام در هر نقطه‌ای از دنیا، به خودشان می‌لرزند؛ لذا ترویج می‌کنند که عصر انقلاب تمام شده است. و

چون می‌دانند کانون بیداری اسلامی، ایران اسلامی بوده است، سعی می‌کنند در خود این کانون، این رشته را هدف قرار بدهند؛ بلکه بتوانند هم روحیه‌ها و هم انسان‌هایی را که باید این پرچم را برافراشته نگه‌دارند، تضعیف کنند. می‌گویند انقلاب اسلامی پیر شده؛ این همان ترفند تبلیغاتی است؛ من قبلاً یک‌بار دیگر هم این را گفته‌ام؛ این یک پیش‌بینی علمی نیست. نه خیر، اگر انقلاب اسلامی، پیر و ناتوان و از کار افتاده شده بود، لازم نبود دستگاه استکبار برای مبارزه‌ی با آن، این همه خرج کند. پس معلوم می‌شود جوان و نیرومند است که برای مقابله‌ی با آن، این همه هزینه می‌کند. عنصر جوان ماندن این انقلاب، در خود این انقلاب است.

❖ عوامل نابودی انقلاب‌ها

البته که این انقلاب‌ها یک دوره جوانی، یک دوره‌ی زندگی و یک دوره‌ی مرگ دارند، حرف درستی است؛ یعنی همه‌چیز ممکن است نابود شود، یک انقلاب و یک نظام هم ممکن است نابود شود. در قرآن هم در موارد زیادی به این نکته اشاره شده است که اگر ملت‌ها به سنن الهی بی‌اعتنا بمانند و وظیفه‌ی خود را انجام ندهند، نعمت خدا بر آن‌ها زایل خواهد شد و آنچه به دست آورده‌اند، از دست آن‌ها خواهد رفت.

❖ عامل اول: کهنه و زایل شدن شعارهای انقلاب

ممکن است یک انقلاب و یک نظام یک روز بمیرد. عامل مرگ و زندگی در یک انقلاب چیست؟ دو عامل وجود دارد که خیلی مهم است؛ یک شعارها و پرچم‌های برافراشته‌ی یک انقلاب است؛ شعارها و هدف‌هایی که یک انقلاب را ترسیم می‌کند. اگر عمر مفید این شعارها سر بیاید و انقلاب حرفی برای گفتن نداشته باشد، زایل خواهد شد. البته این در مورد انقلاب اسلامی به‌هیچ وجه صدق نمی‌کند. شعارها و هدف‌هایی که این انقلاب ترسیم کرده، با ذات و نیازهای ذاتی انسان آمیخته است. هدف‌های این انقلاب - همان‌طور که گفتیم - عدالت‌خواهی، تکریم انسان، مبارزه‌ی با ستم‌گری، دفاع از مظلوم، پر کردن شکاف‌های طبقاتی و جلوگیری از آن چیزی است که امیرالمؤمنین (ع) در آن بیان شریف ماندگار فرمود: «کظہ ظالم و لاسغب مظلوم»؛ یعنی سیری و پر خوری و ترکیدن یک دسته ستمگر، و گرسنگی و به جان

آمدن یک دسته‌ی دیگر. این شعارها هرگز کهنه نمی‌شود. نیازهای اصیل ایرانی در طول تاریخ یکسان است و انقلاب اسلامی و اسلام این نیازها را مورد توجه قرار می‌دهد و دنبال آن است. استقلال یک ملت - که تحت سلطه‌ی قدرت بیگانه نباشد - یک نیاز اساسی است؛ این یکی از شعارهای انقلاب است. آزادی برای انسان‌ها، با همان مفهوم انسانی و اسلامی و صحیح خود، یک نیاز قطعی است. پس از لحاظ شعارها، انقلاب اسلامی کهنگی بردار نیست؛ این شعارها برای انسان همیشگی و مورد نیاز دائمی است.

❖ عامل دوم: از دست دادن صلاحیت حفظ انقلاب

عامل دوم که ممکن است برای انقلاب مشکل درست کند، این است که دست‌اندرکاران و صاحبان انقلاب - یعنی مردم و مسئولان - سست و خسته شوند و اشتباه کنند و صلاحیت لازم را از دست بدهند. هر انقلاب و هر نظامی اگر به این آفت دچار شود، نابود خواهد شد؛ این را باید همیشه به عنوان یک تهدید در نظر داشت. این‌هایی که دائم عنوان می‌کنند تهدید، تهدید؛ تهدید واقعی و جدی این است تهدید واقعی این نیست که یک دولت برای دولت و ملتی دیگر شاخ و شانه بکشد یا دندان نشان دهد. یک موجود زنده سعی می‌کند از طرق مختلف - سیاسی و نظامی و باتدبیر و عقل - از خود دفاع کند و آسیب را از خود دور کند؛ اما شرطش این است که زنده و سر پا باشد؛ به خودش اعتماد داشته باشد و صلاحیت لازم را در خود حفظ کرده باشد. این که ما گاهی به مسئولان و مردم عزیزمان توصیه‌هایی می‌کنیم، برای این جنبه‌ی دوم است.

ما باید صلاحیت انقلابی را در خود نگه‌داریم و حفظ کنیم. اگر این صلاحیت حفظ شد، ایدئولوژی انقلاب هیچ چیز کم و کسر ندارد. شعارهای انقلاب، زایل شدنی و عمر مصرف آن‌ها تمام شدنی نیست؛ آن‌ها همیشگی است. ما باید در خود، این صلاحیت‌ها را تقویت کنیم. در درجه‌ی اول، صلاحیت مسئولان است. در درجه‌ی بعد، صلاحیت کسانی است که می‌توانند در صحنه‌ی انقلاب و کشور اثرگذار و فعال باشند.

❖ مسئولان طراز اول و برجسته از صلاحیت‌های لازم برخوردارند

البته در مورد مسئولان باید این نکته را عرض کنم که کشور ما از لحاظ مسئولان طراز اول و برجسته مشکلی ندارد؛ آن‌ها افراد صادق و با اخلاص و پرکار و پرتلاشی هستند. امروز بخشی از تبلیغات دشمنان متوجه این است که بگویند مسئولان بالای کشور- رؤسای قوا یا مدیران طراز اول کشور- کارایی ندارند؛ این مثل آن است که عده‌ای در یک کشتی سوار باشند، ناگهان به مسافران خبر برسد که ناخدا و خدمه توانایی هدایت کشتی را ندارند؛ شما ببینید در این کشتی چه به‌روز مردم می‌آید؛ چه دلهره و اضطرابی به وجود می‌آید. ما سوار کشتی شدیم، به امید اینکه آقایی که در کابین ناخدا نشسته‌اند، بتوانند کشتی را از امواج و از برخورد با صخره‌ها به سلامت بگذرانند و ما را به ساحل برسانند؛ اما یک‌وقت به ما خبر بدهند که این‌ها کار خود را بلد نیستند؛ این برای یک کشور خیلی سخت است. این‌ها می‌خواهند چنین حالتی را در میان مردم به وجود بیاورند. جنگ روانی دشمن خیلی شدید است؛ این را شما جوان‌ها توجه داشته باشید. نه، به هیچ وجه این برداشت درست نیست. ممکن است مسئولان طراز اول و مدیران رده‌ی بالای کشور در برخی از عملکردهای خود اشتباه کنند؛ چه کسی است که اشتباه نداشته باشد؟ این ممکن است. ممکن است در برخی از سلايق سیاسی یا بعضی از دیدگاه‌های آن‌ها تفاوت‌هایی وجود داشته باشند- این، ملاک نیست- اما همه آن‌ها به ادامه خط این انقلاب و تحقق هدف‌های این انقلاب و راه امام پایبندند و خود را متعهد می‌دانند و دارند برای این راه تلاش می‌کنند؛ این چیزی است که انسان آن را مشاهده می‌کند.

❖ مسئولان کشور اصلاحات آمریکایی نمی‌خواهند

شنیدید اخیراً در تبلیغات آمریکایی‌ها و بعضی از دنباله‌روانشان، روی دولت و رئیس‌جمهور تکیه کردند و گفتند این‌ها نمی‌توانند، نمی‌دانند، نمی‌خواهند، بله، آن کاری که آمریکایی‌ها می‌خواهند، مسئولان کشور و رئیس‌جمهور و دیگران قطعاً نمی‌خواهند آن را انجام دهند. آن چیزی که آمریکایی‌ها روی آن نام اصلاحات می‌گذارند، عبارت است از به ذلت کشانده این ملت، قبول کردن سلطه آمریکا، هموار کردن راه سلطه‌ی مجدد آمریکا

برای این کشور و پشت کردن مردم به اسلام . می گویند رئیس جمهور و دولت ایران نمی خواهند = بله البته این را نمی خواهند. هیچ مسئولی در این کشور نمی خواهد و نمی تواند چیزی را که دشمن ما و آمریکایی ها سعی می کنند در کشور اتفاق بیفتد ، بخواهد. چرا؟ چون مردم به اسلام پایبندند ، چون مردم عاشق این انقلاب اند ، چون مردم این انقلاب را متعلق به خود می دانند . این مردم بودند که ده ها هزار شهید را در این راه تقدیم کردند ، بچه های همین مردم بودند که برای اسلام و این انقلاب و این نظام فداکاری کردند. این ها و قیاحانه به ملت می گویند از حرکت افتخار آمیزی که علیه سلطه بیگانه کردید ، توبه کنید . مگر چنین چیزی عملی است؟ مگر چنین چیزی قابل قبول و قابل فهم است؟ معلوم هست هیچ مسئولی آنچه را که می خواهد در ایران اتفاق بیفتد، بر نمی تابد و قبول نمی کند ، نه تمایلش را دارد نه توانایی اش را؛ اما اداره کشور و کشاندن آن به راه های درست - با همه مشکلات و موانعی که دشمنان ایجاد می کنند- دولت ، رئیس جمهور و مسئولان ، هم میلش را دارند، هم توانایی اش را دارند؛ وسط میدان هستند و دارند کار و تلاش بی وقفه و خستگی ناپذیر می کنند. مگر اداره یک کشور و برطرف کردن مشکلات تحمیلی بر آن کار آسانی است؟

البته کسانی که از انقلاب و اسلام و حرکت امام بزرگوار ما ناراضی اند ، دلشان می خواهد فضا طوری بشود که کسی نتواند همین کارهای سازنده را در کشور انجام دهد. غرض عمده ی بعضی از جنجال ها و هرج و مرج طلبی های سیاسی این است که دولت و مسئولان را از انجام دادن کارهایی که بر عهده شان قرار دارد ، غافل و آن ها را به مسائل فرعی مشغول کند.

❖ احساس مسئولیت جوان ها در حفظ انقلاب

البته بعضی ها هدف های سخت تر و بزرگ تری دارند. وضع ملت هم که معلوم است. عشق و علاقه و احساس و آگاهی و هوشیاری این ملت نسبت به هدف های این انقلاب، دنیا را وادار به تعجب کرده است. شما ببینید در همین انتخاباتی که دشمنان می خواهند با تمسک به آن، اسلام را بکوبند، مردم به انگیزه اسلام و تعهد به انقلاب به میدان آمدند رأی دادند. آن وقتی که مردم بدانند. شرکت در یک انتخابات و ورود در یک میدان، مورد نظر اسلام و به نفع نظام نیست.

خواهید دید که اعتنایی نمی‌کنند. این صلاحیت‌ها را باید نگه داشت. شما جوان‌ها باید در اینجا مسئولیت ایفا کنید.

برگردیم به سخن اول، معرفتی که شما می‌آموزید، باید شمارا در میدان عمل صالح راهنمایی و کمک کند و شمارا با ذخیره‌ی باارزشی از ایمان و امید و عزم راسخ وارد این میدان کند.

❖ دانشگاه و مطبوعات نقاط امید آمریکا

جوان‌ها باید احساس مسئولیت کنند. در بیانیه اخیر رئیس‌جمهور آمریکا روی دونقطه تکیه شده است: یکی دانشگاه، دیگری مطبوعات. آمریکایی‌ها گفتند ما از این دو جا می‌خواهیم پیش برویم. آن‌ها به این دونقطه امید بسته‌اند. الآن به مطبوعات کاری ندارم - آن یک بحث جداگانه است - اما مسئله دانشگاه‌ها و دبیرستان‌ها و مدارس خیلی مهم است.

❖ آشوب و حرکت براندازی در برنامه دشمن

البته امید آن‌ها به نسل جوان و دانشجویها و دانشگاه‌های ما، مثل امیدشان به ۱۸ تیر امسال، ناامید خواهد شد و تو دهانشان خواهد خورد. امسال در ۱۸ تیر امید داشتند، که یک آشوب بزرگ و یک حرکت براندازی در ایران انجام بگیرد؛ آن‌ها خود را برای این آماده کرده بودند و مقدماتی را هم فراهم کردند؛ اما سرشان به سنگ خورد. ملت ایران را که نشناختند، جوان‌ها و دانشجویان ما را هم نشناختند. قبل ۱۸ تیر و بعد از آن، در گوشه و کنار کارهایی پیش آمد که علی‌الظاهر به هم بی‌ارتباط بود؛ اما یک انسان دقیق وقتی می‌خواهد ریشه چیزها را پیدا کند، هنگامی که فهمید به ۱۸ تیر امسال چه امیدی بسته بودند، معنای این کارها علی‌الظاهر بی‌ارتباط ولی مرتبط به یکدیگر را درک می‌کند. آن‌ها خیال می‌کردند امسال با مقدماتی که فراهم کردند، ۱۸ تیر از مبدأ دانشگاه تا اعماق ملت به تدریج شورش عظیمی را به وجود می‌آورد که گریبان نظام اسلامی را می‌گیرد و همه‌ی اوضاع را در هم می‌ریزد.

می‌گویند منجمی پیش‌بینی کرده بود که فلان شب طوفانی می‌آید و هیچ ساختمان و عمارت روی زمین باقی نمی‌ماند. منجمی دیگر که می‌دانست محاسبه‌ی منجم اول اشتباه است،

گفت شبی که او گفته طوفان خواهد شد، یک شمع روشن کنید و بالای پشت‌بام بگذارید؛ اگر تا صبح خاموش شد، هر چه خواستید از من بگیرید. یک شمع روشن کردند و بالای پشت‌بام گذاشتند؛ تا صبح آن شمع سوخت، اما نسیمی که آن را خاموش کند، بلند نشد!

آن‌ها در این قضیه چند نفر از عوامل حقیر خود را بسیج و به جنگ روانی وادار کرده بودند و متأسفانه کارها روزنامه‌نگاری را هم به وسیله بعضی‌ها دنبال کرده بودند و قبل و بعد آن‌هم مقدماتی را فراهم کرده بودند؛ اما توی ده نشان خورد و فهمیدند اشتباه می‌کنند. در مورد دانشگاه هم همین طور است، منتها شما باید فعال باشید.

❖ حرکت در محیط دانشگاه‌ها عالمانه و منطقی باشد

البته من بارها در دانشگاه‌ها گفته‌ام و توصیه‌ی من این است که حرکت، منطقی، متین، عالمانه و بر خواسته‌ی از دانایی باشد. بنده اصلاً با حرکت‌های تند و جنجالی و امثال این‌ها-به خصوص در محیط دانشگاه‌ها-موافق نیستم؛ چنین حرکاتی را موفق نمی‌دانم. حرکت باید بر خواسته از منطق باشد؛ منتها دارای روح تحرک، پیشرفت و تهاجم باشد، نه در موضع تدافعی؛ این وظیفه‌ای است که امروز بر عهده جوان‌های عزیز ماست و برای من روشن است که به فضل پروردگار جوان‌های ما علی‌رغم امیدهایی که دشمنان بستند و مقدماتی که فراهم می‌کنند و کارهای فرهنگی ناباب و ناجوری که انجام می‌دهند تا بتوانند نسل جوان را منحرف کنند، این وظیفه را به بهترین وجهی انجام خواهند داد. نسل جوان ما به فضل پروردگار به وظیفه‌ی خود به‌خوبی عمل خواهد کرد انشاء.. تاریخ قضاوت خواهد کرد که این نسل در تداوم این انقلاب کاری کرد که از لحاظ اهمیت، کمتر از کار نسل انقلابی اول نبود.

از خدا متعال می‌خواهیم ادعیه زاکیه‌ی حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) را شامل حال شما و همه‌ی جوان‌های ما بفرماید؛ روح مطهر امام بزرگوار را مشمول رحمت و رضوان خود قرار دهد؛ ارواح طیبه‌ی شهدای عزیز را با ارواح انبیا و اولیا محشور فرماید و همه‌ی ما را عاقبت بخیر کند.

و السَّلام علیکم و رحمة الله و بركاته

بیانات در دیدار با بسیجیان و سپاهیان لشکر ۲۵ کربلا ۲۹/۶/۱۳۸۲

۱- شاخص حرکت سپاه

۲- روح ایستادگی و مقاومت

۳- عدم کارایی حربه دشمن علیه نظام اسلامی

۴- بیداری ملت ها

۵- بصیرت، ایستادگی و بیداری

بسم الله الرحمن الرحيم

از تجدید عهد با رزمندگان عزیز استان مازندران و گلستان؛ جوانان مؤمن و شجاعی که خاطرات شجاعت های آنها در دوران دفاع مقدس همواره در سطور ذهن تاریخ ما خواهد ماند و مخصوصاً از دیدار با سپاهیان و بسیجیان عزیز و غیور لشکر ۲۵ کربلا و همچنین عزیزان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - که در این جا مستقرند - خوشحالم.

❖ شاخص حرکت سپاه

آنچه همواره به عنوان نقطه روشن در مجموعه عملکرد سپاه از آغاز تشکیل تا امروز در مقابل چشم بینندگان هست، عبارت است از همت و تصمیم آگاهانه، تحلیل درست و آنگاه حرکت و اقدام و آمادگی کامل. این، شاخصه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.

❖ روح ایستادگی و مقاومت

آنچه که بصیرت و بینش انسان را در قضایای مختلف و در حوادث گوناگون و زیر غبار تبلیغات جنجال آمیز دشمنان تضمین و حفظ می کند، دل مؤمن و پاک و نورانی است. حجم تبلیغاتی که دشمنان در طول سال ها علیه انقلاب با ترفندهای گوناگون تبلیغاتی به کار برده اند، حقیقتاً حیرت انگیز است. جوان مؤمن ماکه جان بر کف دست گرفته و آماده مجاهدت است، در معرض تندباد این تبلیغات قرار دارد؛ اما این تبلیغات گمراه کننده و لغزاننده نمی تواند او را بلغزانند، زیرا حقیقت را می بیند و در ورای تبلیغات رنگارنگ دشمنان، باطن ظلمانی و خبیث محورها و مراکزی که این تبلیغات را به راه می اندازند، برای او روشن است. این، نقطه ای

است که دشمن نمی تواند به هیچ کیفیتی آن را نسبت به جوان مسلمان و مؤمن انقلابی علاج و با آن مقابله کند. دلی که از ایمان برخوردار است و منشأ تقوا در اندیشه و عمل است، با تبلیغات دشمنان گمراه نمی شود. تبلیغات دشمن غالباً بر روی این متمرکز شده است که بتواند روح ایستادگی و مقاومت را در ملت بزرگ ایران تضعیف کند. آنها خیلی خوب فهمیده اند که وقتی یک ملت تصمیم می گیرد در مقابل زیاده خواهی استکبار بایستد، هیچ نیرویی در مقابل او کارآیی ندارد؛ این را فهمیده اند و درست هم فهمیده اند. سعیشان این است که روح ایستادگی و مقاومت را در ملت ایران از بین ببرند.

❖ عدم کارایی حربه دشمن علیه نظام اسلامی

جنگال های گوناگون حقوق بشری، امروز دیگر رنگ باخته است. چه کسی باور می کرد و می کند کسانی که برای بشر هیچ ارزشی - جز به عنوان یک ابزار برای سود مادی خودشان - قائل نیستند، برای حقوق بشر در گوشه ای از دنیا دل بسوزانند؟ حربه تبلیغاتی حقوق بشر که علیه نظام جمهوری اسلامی بارها به وسیله آنها مورد استفاده قرار گرفته بود، امروز دیگر کارایی ندارد. لذا امروز شعارها و ابزارهای دیگری را به میان آورده اند. امروز چون جوانان ملت ایران توانسته اند با تلاش و پیگیری خود به سطوح علمی دقیق و والایی دست پیدا کنند، آنها مسأله تهدید صلح منطقه یا جهان را مطرح می کنند. صلح جهان را چه کسی تهدید می کند؟ تبلیغات موزیانه دشمن این طور وانمود می کند که ایران اسلامی به دنبال سلاح اتمی است؛ بنابراین صلح منطقه یا جهان تهدید می شود! کسانی صلح جهان را تهدید می کنند که در فاصله بیست سال، دو جنگ ویرانگر جهانی را به راه انداخته اند. صلح جهانی را دولت امریکا تهدید می کند که در ده ها نقطه عالم در طول نیم قرن اخیر جنگ افروزی کرده و با ملت ها و حکومت های برآمده از آنها مقابله نظامی و در کشورهايشان دخالت نظامی کرده است. صلح جهانی و مناطق گوناگون دنیا را دولتی مثل امریکا و رژیم صهیونیستی تهدید می کنند که برای ملت ها حق انتخاب قائل نیستند. رفتار آنها در عراق و پیش از آن در افغانستان و در آسیا و آفریقا و خاورمیانه و در بسیاری از نقاط دیگر، نشان دهنده این است که

آنچه برای آنها اهمیت ندارد، صلح جهانی و آرامش ملت هاست. برای آنها فقط منافع خودشان اهمیت دارد.

❖ بیداری ملت ها

خداوند متعال با اشاره به یکی از ملت های مؤمن گذشته می فرماید: «و ما نقموا منهم اَلَا ان یؤمنوا بِاللّٰهِ الْعَزِیزِ الْحَمِیدِ»^۱؛ دشمنان، چون آنها را مؤمن یافته بودند - و انسان مؤمن تسلیم زور و استکبار نمی شود - به خاطر ایمان شان از آنها انتقام می گرفتند. ایمان، ایستادگی، مقاومت و خودباوریِ ملت ایران برای دشمن ناگوار است. آنها حکومت های مطیع و فرمانبر و ملت های بیحال و تسلیم در مقابل زورگویی هایشان را می پسندند. امروز فریاد اسلام خواهیِ ملت ایران که اوّل بار از زبان امام امت برخاست، ملت ها را بیدار کرده و دل ها را تکان داده و در منطقه روح بیداری و خودباوری به وجود آورده است. دشمنان از این مسائل نگران و سراسیمه اند؛ اما ملت ایران بر این توطئه ها پیروز خواهد شد.

❖ بصیرت، ایستادگی و بیداری

شما عزیزان رزمنده سپاه و بسیج، در کنار دیگر نیروهای مسلّح می توانید در همه دوران ها نقش ممتازی را ایفا کنید. نباید برای ایفای نقش، منتظر جنگ بود. امروز خطر جنگ بیش از بقیه زمان ها در سال های عمر مبارک جمهوری اسلامی نیست؛ همیشه خطر توطئه دشمن علیه ما وجود داشته است. آنچه مانع از توطئه، جنگ و غلبه دشمن می شود، ایستادگی و بیداری و حاضر بودن در میدان مقاومت است و شما عزیزان سپاه و بسیج یکی از برجسته ترین مظهرهای این ایستادگی و مقاومت هستید. این مقاومت به برکت ایمان است؛ ایمانتان را هر چه می توانید تقویت کنید. به برکت بصیرت است؛ بصیرت و خودآگاهی را هر چه می توانید بیشتر کنید. به برکت وحدت و همبستگی است؛ این عامل بزرگ را هر چه می توانید بیشتر دنبال کنید. پرچم اسلام در ایران به اهتزاز درآمده و دنیای اسلام و دل صدها میلیون انسان را به خود جذب کرده است. این پرچم را از دست ندهید؛ مستحکم نگهدارید.

بحمدالله تا امروز سپاه و بسیج در همه دوران ها و میدان ها؛ سیاست، علم، خدمات اجتماعی به مردم و در میدان های سازماندهی نظامی و حفظ آمادگی های رزمی، امتحان خوبی داده اند و اگر روزی پیش آمد، این آمادگی را در میدان جنگ هم برای خودتان حفظ کنید. خدای متعال کمک کننده، پشتیبان و حافظ شماست.

وضعیت هوا و میدان اجازه نمی دهد که علی رغم میل و شوق قلبی ام، بیشتر با شما سخن بگویم؛ همان طور که رطوبت هوا و تأثیراتی که بر جسم ضعیف امثال من می گذارد، اجازه نداد که طبق معمول خودم در میدان های نظامی بایستم و برای شما صحبت کنم. دل من با شماست و شما را دعا خواهم کرد. تا کنون هم دعا کرده ام و برای همیشه دعاگوی شما خواهم بود. امیدوارم مشمول تفضلات حضرت بقیةالله ارواحنا فدا باشید.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

بیانات در دیدار بسیجیان استان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۶

۱. جلسه با جوانان بسیجی، نورانی و مالا مال از اخلاص
۲. انقلاب اسلامی معجزه اجتماعی در منطقه
۳. تبلور بینش و بصیرت در جوانان مؤمن و بسیجی
۴. میل حرکت به جلوی جوانان بسیجی تیری به چشم و قلب دشمن
۵. در برابر نوطنه دشمن همه هوشیار باشند
۶. به برکت کمک الهی، ریشه‌ی استبداد در این کشور زده شد
۷. آزادی و استقلال در ایران نهادینه شد
۸. رفتن به قلعه‌های بلند در سایه همت و اراده
۹. جوانی، عقل و اراده ابزارهای محکم برای کارهای دشوار
۱۰. جوان‌ها مطلقاً نباید از کار خسته شوند
۱۱. حفظ تقوا، اساس کارها
۱۲. جولان آمریکا در دنیا ناشی از ضعف اوست
۱۳. آمریکا در عراق منفعل و دچار ضعف است
۱۴. آمریکا در عراق دچار تناقض است
۱۵. شرایطی که دولت عراق می‌تواند اقبال مردم را جلب کند
۱۶. دروغ اشغالگران در عراق در همه‌ی دنیا افشا شد
۱۷. جنگ تحمیلی، مهم‌ترین نقطه‌ی کیفرخواست صدام حسین
۱۸. بین دو ملت ایران و عراق همیشه رفاقت بوده است
۱۹. رژیم آمریکا، مجرم‌ترین چهره محکوم در جنگ تحمیلی
۲۰. جوانی همراه با ایمان و شجاعت در اروند چشم دشمن را کور کرد
۲۱. دفاع از حوزه‌های مختلف به عهده شما جوانان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

والحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا ابي القاسم محمد وعلى اله
الأطيبين الأطهرين سيما بقية الله في الارضين.

❖ جلسه با جوانان بسیجی، نورانی و مالا مال از اخلاص

بسیار جلسه نورانی و مالا مال از اخلاص و صفاست. طبیعت جلسه‌ای که تشکیل شده از جوانان بسیجی؛ پسران و دخترانی که سرمایه‌ی بسیار باارزش جوانی خودشان را به‌طور داوطلبانه به میدان آورده‌اند تا از آن برای خدا، اسلام، پیشرفت کشور و عزت ملت ایران استفاده کنند و همچنین جوانانی که سربازان گمنام انقلاب و امام هستند - که نام مناسبی بر روی آن‌هاست - یعنی برادران و خواهران مشغول در مجموعه‌ی اطلاعات کشور، طوری است که اگر انسان در چنین جمع‌ی تموج صفا و اخلاص را مشاهده کند، چیز شگفت‌آوری نیست.

❖ انقلاب اسلامی معجزه اجتماعی در منطقه

شما عزیزان من بدانید که این کار بزرگ و معجزه‌آسا؛ یعنی قیام یک دولت اسلامی و مستقل، آن‌هم در این منطقه‌ی بسیار حساس عالم - که حقیقتاً کار نشدنی بود - نشد، جز به کمک و پشتوانه‌ی همین اخلاص‌ها و همین صفاها. به اوضاع کشورهای عربی، کشورهای حاشیه‌ی خود ما و مجموعه‌ی کشورهای اسلامی نگاه کنید و ببینید که اگر بخواهد تلاشی در این کشورها صورت بگیرد که اندکی با منافع قدرت‌های مسلط عالم اصطکاک داشته باشد، چطور جنجال و غوغا درست می‌کنند و چطور مانع از هرگونه حرکتی می‌شوند که به نفع عزت ملی این کشورهاست. به اطراف خودتان نگاه کنید؛ این عراق را ببینید - بقیه‌ی



کشورهای اسلامی را نمی‌خواهم نام بیاورم - این پدیده‌ها را که انسان مشاهده کند، آن وقت می‌فهمد که کشوری مثل ایران در قلب این منطقه‌ی حساس، آن‌هم با داشتن این همه ذخایر مادی و معنوی - که همیشه یک بهشت گمشده برای استعمارگران بود و هر جا که دست پیدا می‌کردند، برای آنها یک موهبت عظمی محسوب می‌شد - و درحالی‌که این کشور یکسره پایتخت اقتدار منطقه‌ای امریکا محسوب می‌شد، چطور ناگهان تبدیل شد به قله‌ای از مقاومت و احساس عزت و اسلام‌خواهی و مقابله‌ی با زورگویی و کام‌جویی و زیاده‌طلبی امریکا. این یک معجزه است؛ اصلاً قابل تصور نبود؛ اما این معجزه اتفاق افتاد. معجزه‌های اجتماعی برخلاف معجزه‌ی اژدها شدن عصای موسی است؛ چون آن‌طور معجزه‌ها ربطی به اراده‌ی انسان ندارد؛ اما معجزه‌های اجتماعی به‌طور مستقیم به اراده‌ی انسان‌ها ارتباط پیدا می‌کند؛ «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم»

❖ تبلور بینش و بصیرت در جوانان مؤمن و بسیجی

هرگاه ملتی تصمیم بگیرد، اراده کند، اقدام کند، حرکت متناسب باهدفش را انجام دهد، آن وقت معجزه‌ی اجتماعی اتفاق می‌افتد. البته در تحولات اجتماعی حق بودن کافی نیست. خیلی اوقات امواج باطل می‌آید حق را لگد کوب می‌کند و عبور می‌کند. حق بودن به‌اضافه‌ی اقدام، عمل، اراده و به‌اضافه‌ی ایستادگی و پایداری است که آن معجزه را تحقق می‌بخشد. این پایداری، این ایستادگی، این تصمیم و این فداکاری در صحنه‌ی جامعه و کشور ما به برکت همین اخلاص‌ها، بینش‌ها و بصیرت‌ها که امروز در جمع جوانان مؤمن و بسیجی کشور ما متبلور است اتفاق افتاد، که یک نمونه‌ی باارزش آن را اینجا مشاهده می‌کنیم. اما آنچه بزرگ‌تر از آن حادثه‌ی بزرگ و باورنکردنی بود، این است که نظام جمهوری اسلامی باوجود همه‌ی امواج متلاطم و خصمانه‌ی در پیرامون خود، هم ماند و هم رشد کرد.

❖ میل حرکت به جلوی جوانان بسیجی تیری به چشم و قلب دشمن

امروز داستان جمهوری اسلامی، داستان بیست سال قبل نیست؛ آن روزها طمع دشمنان به



نابودی این انقلاب از لحاظ منطق سیاسی موجود دنیا یک چیز نشدنی نبود؛ اما امروز نشدنی است؛ چرا؟ چون این نهال ریشه دوانده است؛ تنه بزرگ کرده و شاخ و برگ داده است. به همین دلیل است که امروز دشمنان ما نسبت به این پدیده‌ی عظیم که روزه‌روز رشد می‌کند، عصبانی‌ترند و غیظشان بیشتر است. چه کسی خیال می‌کرد نظام جمهوری اسلامی در سال پنجاه‌ونه که جنگ را بر ما تحمیل کردند و آربی جی برای زدن نداشت و نمی‌توانست تولید کند، امروز در مقوله‌ی تسلیحات، پیشرفت‌هایی کرده باشد که برای آنها خیره‌کننده است؛ اسم موشک شهاب ۳ الآن در همه‌ی خبرها و تلکس‌ها و خبرگزاری‌های دنیا مرتب تکرار می‌شود. در زمینه‌ی علوم پیشرفت‌ش آن‌چنان است که مجموعه‌ی جوانان دانشمند و نخبه‌ی این نظام، که متصل و متعلق به این نظام‌اند، در اغلب آزمون‌های جهانی سرآمد می‌شوند. در زمینه‌ی فناوری به‌جایی رسیده که برخلاف همه‌ی اقراں خود بدون استفاده‌ی از کمک و راهنمایی و دستگیری دیگران می‌تواند فناوری و غنی‌سازی هسته‌ای را خودش تولید کند؛ این پیشرفت‌ها تن قدرت‌های متجاوز را می‌لرزاند. آنها وقتی بعد از بیست و پنج سال به صحنه‌ی جامعه نگاه می‌کنند و این قشر جوانِ مؤمنِ پُرشور و بااخلاق - مثل شماها - و ایمان اسلامی، خلوص، صفا و نشاط جوانی و میل حرکت به جلو را در شما می‌بینند، هر کدام از این‌ها مثل تیری به چشم و به قلب آنها فرو می‌رود. چه بکنند در مقابل این پدیده‌ی عظیم؟ تهدید به حمله‌ی نظامی می‌کنند، فایده‌ای ندارد؛ تهدید به محاصره‌ی اقتصادی می‌کنند، فایده‌ای ندارد؛ محاصره‌ی اقتصادی را تا حدود زیادی عمل می‌کنند، اثر نمی‌بخشد؛ سعی می‌کنند در داخل کشور قشر جوانِ فعال را به سمت مسائلی که اخلال‌کننده‌ی کارهاست بکشانند، با برخوردها مواجه می‌شوند.

❖ در برابر توطئه دشمن همه هوشیار باشند

درباره مسائلی که اخلال‌کننده‌ی در کارهاست، ما باید هوشیار باشیم؛ هم دستگاه‌ها باید هوشیار باشند، هم خودِ جوان‌ها. همین‌جا بگویم که من به مسئله‌ی شیوع اعتیاد و حالت ولگردی و بیکارگی و به بعضی از تحرکات سیاسی به‌هیچ‌وجه به چشم یک پدیده‌ی عادی و



متعارف نگاه نمی‌کنم. پشت همه‌ی این‌ها، دست‌ها و مغزهای پلید و توطئه‌گر دشمن را من مشاهده می‌کنم؛ البته باید مبارزه کنیم. مگر از دشمن می‌شود انتظار دشمنی نکردن داشت؟! پشت سر سوق دادن جوان‌ها به بی‌بندوباری، ولنگاری شهوانی و جنسی - که دارند برای این کار تلاش می‌کنند - دست و سرانگشت دشمن هست. مسئله، مسئله‌ی سیاسی است؛ مسئله‌ی امنیتی است؛ مسئله‌ی اجتماعی معمولی نیست. شما جوان‌ها همیشه به یاد داشته باشید که پشت سر مسئله‌ی اعتیاد، مسئله‌ی گرایش به سمت لابی‌گری و رهایی شهوانی و جنسی و مسائلی از این قبیل، دست‌ها و مغزهای سیاسی است، که در اتاق‌های سیاست‌گذاری در دنیا برای این کار نقشه‌کشی‌ها انجام می‌شود. این را ما روی حدس نمی‌گوییم، این‌ها را دانسته‌ایم؛ فهمیده‌ایم و شناخته‌ایم. البته باید مبارزه و تلاش کرد. آنها جنجال هم می‌کنند؛ چند سال قبل که قاچاقچی‌ها را اعدام کردند، رادیوهای خارجی می‌گفتند چهره‌های آزادیخواه را اعدام می‌کنند! البته از نظر آنها واقعاً قاچاقچی تریاک آزادیخواه است؛ چون دلش می‌خواهد تریاک و هروئین در مملکت آزاد باشد! اگر امروز با مفاسد اخلاقی و بابی‌بندوباری در جامعه مقابله‌ی صحیح و هوشمندانه شود، آنها جنجال می‌کنند؛ این بدیهی است. جنجال آنها حقیقت را عوض نمی‌کند، وظیفه را هم عوض نمی‌کند؛ مسئولان باید بدانند چه می‌کنند. دشمن با تبلیغاتی که در دست دارد، حرفی ندارد که اگر لازم باشد، روز روشن را بگوید شب است و یک عده آدم ساده‌نگر را هم با ابزارهای هنری و روش‌های گوناگون تبلیغی قانع کند؛ این کار را در دنیا می‌کند.

❖ به برکت کمک الهی، ریشه‌ی استبداد در این کشور زده شد

من دیشب در جمع دوستان - آقایان علماء و طلاب - گفتم امروز دستگاه‌های تبلیغاتی وابسته به صهیونیسم و امریکا و درواقع وابسته به سرمایه‌داران غارتگر بین‌المللی که غالباً رسانه‌ها مال آنهاست، دارند سر بشریت کلاه می‌گذارند؛ وانمود می‌کنند طرفدار دمکراسی‌اند، درحالی‌که صد درصد دروغ می‌گویند؛ وانمود می‌کنند طرفدار حقوق بشرند، درحالی‌که صد درصد خلاف واقع می‌گویند و به‌طور کامل دروغ می‌گویند. این کمپانی‌ها



وتر است ها و کارتل های بین المللی اصلاً چیزی که به فکرش نیستند و برای آن اندک احترامی قائل نیستند، حقوق ملت هاست؛ حقوق بشریت است. آیا اصلاً به ذهن و فکر آن شرکت نفتی که نفت عراق را یک باره کُنترات می کند و آن را استحصال می کند و می فروشد، خطور می کند که فلان خانواده ی فقیر در بصره یا ناصریه یا عماره یا کر کوک یا موصل یا بغداد چه جوری زندگی می کنند و این مال آن هاست؟ نه؛ در محاسبات و چرتکه اندازی آن شرکت جز سود برای خود و برای کمپانی و جیب های پُرنشدنی خودشان، محاسبه ی دیگری وجود ندارد؛ آن وقت دم از حقوق بشر می زنند. آنها درباره ی همه ی موضوعات داخل کشور تبلیغات می کنند، که تبلیغات آنها ارزشی ندارد. امروز ملت ما به برکت کمک الهی، توانسته است ریشه ی استبداد را در این کشور بزند.

❖ آزادی و استقلال در ایران نهادینه شد

انقلاب اسلامی دو موضوع را در این کشور نهادینه کرد: یکی، آزادی و دیگری، استقلال. آن جامعه ای که دو هزار و پانصد سال دچار دیکتاتور زدگی و استبداد زدگی بود - جامعه ی بزرگ ایرانی ما، که واقعاً عادت کرده بودیم به استبداد - امروز دیگر به برکت انقلاب این طوری نیست و اگر کسی هم خدای نخواست یک وقت به ذهنش خطور کند که با مردم مستبدانه برخورد کند، مردم دیگر قبول نمی کنند. حالا شما ببینید درباره حضور استبداد در نظام جمهوری اسلامی، چقدر این ها تبلیغ می کنند. این حرف، مثل این است که بگویند این روز، شب است!

استقلال را هم نظام جمهوری اسلامی در ایران نهادینه کرد. این ملت دیگر به هیچ قیمتی وابستگی به قدرت های بزرگ را نخواهد پذیرفت - توجه کنید! آن که معلوم است؛ «مرگ بر امریکا» که هست ان شاء الله - آنچه که من می خواهم به شما جوان های عزیز و به همه ی بسیجیان و به همه ی جوان های متعهد کشور بگویم، این است که آنچه تا امروز کرده ایم، خیلی ارزشمند است؛ همی ن نهادینه کردن آزادی و استقلال در کشور از لحاظ اهمیت و ارزش و



دستاوردهای مادی و معنوی که در طول این بیست و پنج سال به برکت نظام جمهوری اسلامی به دست آمده، قابل توصیف نیست، لیکن این‌ها پایان کار نیست؛ این‌ها آغاز کار است.

❖ رفتن به قله‌های بلند در سایه همت و اراده

ما باید یک کشور نمونه بسازیم و نشان دهیم که اسلام می‌تواند با اجرای قوانین خود و با حاکمیت خود، انسان‌ها را از لحاظ نیازهای مادی و معنوی اشباع کند؛ ما باید عدالت را در واقع جامعه‌ی خودمان تجسم ببخشیم و روی دست بگیریم؛ به دنیا نشان بدهیم؛ این‌ها وظیفه‌ی ماست، که این کارها هنوز نشده است. البته کار خیلی دشوار است و ما آن مقداری که تا حالا سازندگی کرده‌ایم، دو برابر آن‌هم باز باید سازندگی کنیم و البته این اهدافی که من گفتم، به‌طور کامل فقط با سازندگی تحقق پیدا نمی‌کند؛ ما باید کار کنیم. «الحق اوسع الاشياء فیالتواصف و اضيقها فی التناصف»؛ انسان در زبان می‌تواند مقصود، هدف و خواسته را خوب بیان کند. شما این قله‌ی الوند را که از پایین نگاه می‌کنید، به نظر تان می‌آید که رفتن روی قله‌ی الوند دم دست است؛ حالا راه یفت در این پیچ و خم‌ها، تا ببینی که هر قدمش نیرو و نفس و توان و اراده می‌طلبد. اگر بخواهیم به قله‌های بلند انسانیت برسیم - که آنچه که گفتم این‌هاست و امروز هیچ کدام از کشورهای دنیا به این‌ها نرسیده‌اند - باید کار کنیم؛ باید تلاش کنیم؛ باید دور را ببینیم؛ باید همت را در خودمان حفظ کنیم؛ باید زانوانمان در راه نلرزد؛ باید خستگی را حس نکنیم؛ اراده‌مان باید تضعیف نشود؛ باید پیش برویم. نه این‌که این ممکن نیست؛ کاملاً ممکن است.

❖ جوانی، عقل و اراده ابزارهای محکم برای کارهای دشوار

من دیروز در سخنرانی‌ام گفتم عملی و ممکن است؛ چون خدای متعال ابزاری به بشر داده است که با این ابزار همه‌ی کارهای دشوار را می‌تواند انجام بدهد و آن ابزار عبارت است از عقل و اراده. ما ملت ایران به توفیق الهی کمک ابزار بسیار کارآمدی هم داریم و آن، جوان بودن ملت ماست. من همیشه گفته‌ام که این یک نعمت بسیار بزرگی است. الآن در این جلسه شما نگاه کنید، اکثر جوانند. همدان شما از بقیه‌ی استان‌های کشور جوان‌تر هم هست. این



نیروی جوانی را خدا به ما داده، یک چیز دیگر هم خدا به ما داده و آن، تجربه‌ی پیشروی و موفقیت است. ما مثل کشورهای دیگر نیستیم که بگویم آیا بکنیم می‌شود؟ نمی‌شود؟ شاید نشد؟ ممکن است نشود؟ نه؛ ما امتحان کرده‌ایم؛ حرکت کرده‌ایم؛ اقدام کرده‌ایم و دیده‌ایم که می‌شود؛ در صورتی که انسان اراده کند. پس، این تجربه را هم ما داریم.

این چشم‌انداز بیست‌ساله‌ای که به عنوان سند ملی و تاریخی برای کشور ما تنظیم شده، توصیه می‌کنم شما جوان‌ها آن را بگیرید و بخوانید. این چشم‌انداز با نظر کارشناسان مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تنظیم شده و دست‌یافتنی است؛ می‌شود به این چشم‌انداز رسید. اگر این چشم‌انداز تحقق پیدا کند، بخش مهمی از خواسته‌های ما - همین‌هایی که گفتیم - تحقق پیدا کرده است؛ اما تلاش و کار می‌خواهد.

❖ جوان‌ها مطلقاً نباید از کار خسته شوند

دو چیز را باید در نظر داشت: یکی، به فکر کار و تلاش بودن و خسته نشدن از آن، که انسان بایستی این میل و اراده‌ی به تلاش را در خود زنده نگه دارد؛ بخصوص شما جوان‌ها که مطلقاً نباید بگذارید میل به تلاش و کار در شما ضعیف شود. دوم، پیدا کردن نقطه‌ای است که شما باید در آنجا کار کنید. اگر شما دانشجویید، اگر کارمند اداره‌اید، اگر شاغل در شغل آزادید، اگر نظامی‌اید، اگر غیرنظامی‌اید، نقطه‌ای را که باید در آنجا حضور داشته باشید و کار کنید، پیدا کنید. جهاد، فقط در میدان جنگ نیست؛ این که شما شعار می‌دهید که ما اهل کوفه نیستیم - که بنده هم صد درصد این را قبول دارم - معنایش این نیست که اگر میدان جنگی آراسته شد، ما می‌آییم و اسلحه به دوش می‌اندازیم و می‌جنگیم؛ این یکی از کارهاست - جنگ هم که نداریم، ان شاء الله هم نداشته باشیم - اما کارِ همیشگی، کارِ تولید علم، تولید سازندگی، خدمت‌رسانی، تلاش برای تأمین عدالت، تلاش برای حفظ عصمت و عفت عمومی، تلاش برای هدایت و ساختن دیگران و مقدم بر همه‌ی آنها، تلاش برای حفظ عصمت و سلامت نفس خود است.



❖ حفظ تقوا، اساس کارها

عزیزان من! خیلی مراقب خودتان باشید؛ «اتَّقُوا اللَّهَ». گفته‌اند که امام‌جمعه در هر نماز جمعه باید مردم را به تقوا و پرهیزگاری دعوت کند؛ این کار برای چیست؟ برای این است که راه زندگی - که همان صراط بین بهشت و جهنم است - راه لغزانی است، که دائم انسان باید جلوی پای خودش را نگاه کند؛ مراقب باشد؛ درست حرکت کند، که مبادا پای او بلغزد؛ این، حفظ تقواست؛ این، اساس کارهاست. این دو موضوع را در نظر داشته باشید و بدانید که این کشور به آن مقاصد خواهد رسید.

❖ جولان آمریکا در دنیا ناشی از ضعف اوست

طبیعت باطل این است که جولان می‌کند. «للباطل جولة»؛ الآن آمریکا در دنیا جولان می‌کند. گاهی هم به رخ ما می‌کشند که ما هم در دروازه‌ی غربی شما هستیم، هم در دروازه‌ی شرقی شما - در عراق و افغانستان - راست هم می‌گویند؛ اما آیا این برای آمریکا قدرت است یا ضعف؟ ما اعتقادمان این است که این نشانه‌ی ضعف آن‌هاست و باعث فشار بر آن‌هاست. امروز آمریکا در عراق دچار مشکلاتی است که برای خارج شدن از این مشکلات فکر می‌کند. آمریکا به اختیار خود وارد عراق شد؛ اما امروز به اختیار خود برنامه‌ریزی نمی‌کند و تصمیم نمی‌گیرد.

❖ آمریکا در عراق منفعل و دچار ضعف است

امروز برنامه‌ریزی‌های آمریکا در عراق عموماً جنبه‌ی انفعالی دارد؛ کارهایی است که ناچارند انجام بدهند. بنده همان زمانی که آمریکایی‌ها یا حمله را شروع کرده بودند یا می‌خواستند شروع کنند، در نماز جمعه گفتم شما به میل خودتان وارد می‌شوید، اما بدانید که به میل خودتان نمی‌توانید خارج شوید. تا امروز، هزینه‌های کمرشکنی بر آمریکا تحمیل شده است و بعد از این هزینه‌های کمرشکن‌تری بر آنها تحمیل خواهد شد؛ بمانند در عراق، برایشان هزینه دارد؛ خارج هم شوند، برایشان هزینه دارد؛ این، نقطه‌ی ضعف برای آمریکاست که در عراق حضور دارد، نه نقطه‌ی قوت. آمریکا علاوه بر هزینه‌های مادی - که حدود دویست



میلیارد، آن طور که گفته می شود، تا حالا داشته - در عراق، متحمل ضرر هم شده است؛ مخارج لشکر کشی و تجهیزات و علاوه بر آن، تلفات انسانی. آن طور که خود آنها آمار می دهند یا ما حدس می زنیم، نسبت تلفات آمریکایی ها در مقابل عراقی ها از نسبت تلفات آنها در مقابل ویتنامی ها، در جنگ ویتنام، بیشتر است، یا در صدی بیشتر است. در جنگ ویتنام هر بیست ویتنامی که کشته می شد، در مقابلش یک آمریکایی قرار داشت؛ اما در اینجا آمریکایی ها خودشان می گویند هزار نفر تا حالا کشته داشته اند و عراقی ها هفده هزار؛ یعنی یک بر هفده. البته طبق محاسباتی که انسان می کند یا خبرهایی که می شنود، تلفات آمریکایی ها بیش از هزار نفر است. اگر این باشد، آن وقت نسبت خیلی بالاتر از این می رود. این ها نتوانسته اند عراق را فرو بدهند؛ در دهانشان گذاشتند؛ در گلویشان گیر کرده است. هر کاری بکنند، به ضرر آنهاست.

❖ امریکا در عراق دچار تناقض است

امروز امریکا در عراق دچار تناقض است؛ از یک طرف احتیاج دارند که در عراق امنیت برقرار شود؛ چون اگر بخواهند در عراق مقاصد خودشان را اجرا کنند، بدون امنیت که نمی شود. این که هر روز یک لوله ی نفت را منفجر کنند و هر روز در جایی نیروهای آمریکایی را هدف قرار بدهند، آنها نمی توانند کار کنند. از طرف دیگر، خود حضور نیروهای نظامی امریکا عنصر ضد امنیتی است؛ خودش شورش آفرین است؛ اوضاع را مغشوش و خراب می کند و مردم را علیه آنها می شوراند. اگر بخواهند برای این دولتی که سرکار آمده است، امنیت را برقرار کنند، باید یک ارتش قوی به وجود بیاورند و از این جهت، امریکا احتیاج دارد که دولت عراق ارتش قوی داشته باشد؛ اما از آن طرف، از وجود یک ارتش قوی در عراق هم آمریکایی ها می ترسند؛ چون می دانند یک ارتش قوی در یک دولت اسلامی و عربی بالقوه تهدید برای اسرائیل است؛ این تناقض است. تناقض دیگر این است که ادعا می کنند ما آمدمیم دموکراسی برقرار بکنیم؛ اما قادر نیستند دموکراسی را برقرار کنند؛ برای خاطر این که با منافعی که در تضاد است؛ چون اگر امروز انتخاباتی در عراق برگزار شود، بیشترین کسانی که رأی



خواهند آورد، مخالف‌ترین انسان‌ها با امریکایند. دموکراسی یعنی این؟! این هم تناقض دیگری است که آنها در آن گیر کرده‌اند و راهی برای خلاص نداشتند.

❖ شرایطی که دولت عراق می‌تواند اقبال مردم را جلب کند

امروز دولتی در عراق سرکار است که به انتخاب مردم نبوده، لیکن این دولت می‌تواند روشی را در پیش بگیرد که مردم را به خود متمایل کند؛ این حرف ما با دولت کنونی عراق است. ما انگیزه‌ای برای معارضة کردن و جنگ و جدال با دولتی که فعلاً در عراق بر سرکار است، نداریم و اعتقاد ما این است که این دولت - که متکی بر مردم نیست - می‌تواند توجه و اقبال مردم را جلب کند؛ بی‌شرط‌ها و شرط‌ها. شرط اولش این است که هرچه می‌تواند با آمریکایی‌ها فاصله‌اش را بیشتر کند. شرط دوم این است که انتخابات را در سر موعود خود به شکل آزاد برقرار کند و مردم برای اولین بار در تاریخ عراق خودشان حاکم، نمایندگان و رؤسای کشورشان را انتخاب کنند. این موضوع تا حالا در تاریخ عراق اتفاق نیفتاده و در طول هزاران سال تاریخ این کشور این بار اولی خواهد بود که مردم عراق می‌خواهند این کار را بکنند. هرچه این‌ها در برگزاری انتخابات تسریع کنند؛ سعی کنند سر زمان خود انجام بگیرد، برای وجهی خودشان پیش ملت عراق بهتر است. شرط سوم این است که با اشغالگری به‌طور جدی مقابله کنند؛ حضور اشغالگران در عراق هیچ منطقی ندارد، حمله‌شان هم منطقی نداشت.

❖ دروغ اشغالگران در عراق در همه‌ی دنیا افشا شد

اشغالگران دروغ گفتند که می‌رویم تا با سلاح‌های کشتار جمعی در عراق بجنگیم؛ دروغشان در همه‌ی دنیا افشا شد و همه فهمیدند که به خاطر نفت، قدرت‌نمایی و برای پیدا کردن پایگاه در منطقه به عراق آمده‌اند. هر ساعتی که این اشغالگران در عراق حضور داشته باشند، یک کار نامشروعی است و نفرت مردم عراق را از این‌ها بیشتر می‌کند؛ کما این که الآن نفرت مردم عراق از امریکا و انگلیس از یک سال پیش به مراتب بیشتر است؛ به خاطر رفتاری که اشغالگرها داشته‌اند و مردم از نزدیک دیدند که اشغالگر یعنی چه. آن زندان ابوغریش، آن



کشتارهای بی‌محابا، آن بمباران شهرها با هواپیما، آن زدن مجلس عروسی و کشتن یک عده مردم بی‌گناه و آن کارشان که یک ستون انگلیسی موردتهاجم قرار گرفت، نتوانستند عاملان را پیدا کنند، عده‌ای از مردم راه‌گذری که با اتومبیل در حال حرکت بودند، نگه داشتند و آنها را گذاشتند کنار جاده و تیرباران کردند. مردم عراق این مسائل را می‌بینند؛ می‌فهمند؛ روزبه‌روز نفرت آنها از آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها و اشغالگرها بیشتر می‌شود. بنابراین دولت کنونی حقیقتاً می‌تواند قلوب مردم را جلب کند؛ مردم را تا حدودی به خودش متوجه کند؛ البته با شروطی که گفته شد.

❖ جنگ تحمیلی، مهم‌ترین نقطه‌ی کیفرخواست صدام حسین

و اما راجع به محاکمه‌ی صدام حسینِ روسیاهِ بدبخت. درباره‌ی این محاکمه خیلی حرف هست؛ همه در دنیا این مطلب را تحلیل می‌کنند، شما هم می‌شنوید؛ اما نکته‌ای که من می‌خواهم عرض کنم این است که مهم‌ترین نقطه‌ی کیفرخواست صدام حسین، به راه انداختن جنگ تحمیلی هشت‌ساله‌ی عراق علیه ایران است. این را ما ادعا نمی‌کنیم؛ نه، ما اصلاً کاری به این دادگاه نداریم؛ اما خود عراقی‌ها باید بگویند؛ چون این جنگ را صدام حسین هم بر ما تحمیل کرد، هم بر ملت عراق؛ ملت عراق که مایل به جنگ نبودند. هشت سال جوان‌های مردم را بازور از خانه‌هایشان بیرون کشید و فرستاد به جبهه‌ی جنگ، بعد هم آنها را افقی و کشته‌شده برگرداند؛ گاهی اجساد را به خانواده‌ها داد، گاهی هم نداد. این جنگ بر مردم عراق تحمیل شد و صدام ملت عراق را در این جنگ از سرمایه‌های فراوان خودش تهیدست کرد. درست است که این جنگ برای ما خیلی خسارت داشت و این خسارت‌ها را هم صدام حسین به وجود آورد؛ اما برای خود ملت عراق هم خسارت کمتری نداشت، بلکه بیشتر داشت؛ چون ما که تماشا نمی‌کردیم تا او هر کار می‌خواهد بکند، ما در مقابل، ضربات محکم‌تری می‌زدیم و از خودمان دفاع می‌کردیم؛ اما پدر عراقی‌ها درآمد؛ آنها درواقع منابعشان را به دست خودشان نابود کردند؛ این کارها را صدام حسین کرد.



❖ بین دو ملت ایران و عراق همیشه رفاقت بوده است

امروز ملت عراق باید یقه‌ی صدام را بگیرد، بگوید چرا جنگ هشت‌ساله را بر ملت عراق تحمیل کردی و ما را به جان کشور همسایه‌مان، ایران، انداختی، درحالی که بین ملت ایران و ملت عراق هیچ‌گونه معارضه‌ای وجود ندارد؛ ما دو ملت همیشه رفیق، همیشه برادر و همیشه مأنوس باهم بوده‌ایم. در طول سالیان دراز مردم ما به نجف و کربلا رفته‌اند برای زیارت، آنها هم به مشهد و قم آمده‌اند برای زیارت؛ ما با همدیگر مأنوس و مهربان بوده‌ایم. کمتر دو ملت همسایه‌ای این قدر باهم رفیق بوده‌اند که ملت ما و عراق.

❖ رژیم امریکا، مجرم‌ترین چهره محکوم در جنگ تحمیلی

صدام حسین را بایستی به خاطر این گناه بزرگ و نابخشودنی محاکمه کنند. پاداش این محاکمه اعدام نیست، صدمات اعدام است؛ هزارتا اعدام است. البته اگر بخواهند با این جرم صدام را محاکمه کنند، خیلی‌ها در آن دادگاه محکوم خواهند شد؛ فقط صدام محکوم نخواهد شد. یکی از مجرم‌ترین چهره‌های محکوم در آن دادگاه، رژیم امریکا خواهد بود؛ چون این‌ها بودند که صدام را کمک کردند؛ این‌ها بودند که به او چراغ سبز نشان دادند برای به‌کاربردن سلاح شیمیایی. همین وزیر دفاع زشت‌چهره‌ی کنونی امریکا - که با آن صورت نحسش گاهی می‌آید یکی دو کلمه حرف علیه ملت ایران می‌زند - آمد بغداد و بعد از قضیه‌ی حلبچه با صدام دست داد؛ درواقع چراغ سبز نشان داد که ما کاری به کار شما نداریم؛ هر کار می‌خواهی بکنی، بکن! زمان دولت ریگان - که پدرِ همین رئیس‌جمهور کنونی امریکا، معاون آن رئیس‌جمهور بود - مرتب عکس ماهواره‌ای برداشتند و به عراقی‌ها دادند که ایرانی‌ها کجا تجمع کردند، کجا نقل‌وانتقال می‌کنند.

❖ جوانی همراه با ایمان و شجاعت در اروند چشم دشمن را کور کرد

البته آن وقتی که جوانان دریادل ما - همین شما بسیجی‌ها - اروند را طی کردند - چند هزار لشکر این رودخانه‌ی عریض را طی کردند - و پدر صدام را درآوردند، چشم آن ماهواره‌ها کور شده بود؛ ندیدند؛ نتوانستند فایده‌ای برسانند؛ خیلی اوقات کار این‌طوری اتفاق



افتاد. همین سردارهای فعلی سپاه ما، همین آقای صفوی و دیگر برادرها، نشستند و طراحی کردند؛ چه معجزه‌ها می‌کند جوانی همراه با ایمان و شجاعت! مگر ممکن بود؟! چند هزار نیرو را از راه‌های دور منتقل کنند لب اروند؛ این طرف آب، طوری که دشمن نفهمد؛ بعد از این رودخانه منتقل کنند به آن طرف و باز هم دشمن نفهمد. این کار را همین جوان‌ها کردند. حالا البته بعضی از آنها ریش‌هایشان سفید شده؛ اما آن وقت جوان‌هایی مثل شماها بودند. به برکت ایمان باز هم می‌توانید.

❖ دفاع از حوزه‌های مختلف به عهده شما جوانان

امریکا در عراق دچار تناقض است؛ دچار مشکل است. این‌ها در همه‌ی دنیا دچار مشکل‌اند. این‌ها دنیا را دچار بی‌ثباتی و ناامنی کردند؛ اما بیش از همه خودشان از این بی‌ثباتی و ناامنی صدمه می‌بینند. دنیا مال شماست؛ آینده مال شماست؛ ایران عزیز متعلق به شماست؛ چشم‌انداز را شما می‌سازید و می‌آرایید. شما علم را به پیش ببرید؛ فناوری را شما جوان‌ها باید پیش ببرید؛ دفاع در همه‌ی حوزه‌های گوناگون را شماها بایستی به عهده بگیرید؛ هم دفاع از حوزه‌ی سیاسی را و هم دفاع از حوزه‌ی اخلاقی و دینی را، و هم اگر یک روز پیش بیاید، دفاع از حوزه‌ی نظامی را.

پروردگارا! به محمد و آل محمد این جوان‌ها را برای اسلام و مسلمان‌ها حفظ کن؛ روزه‌روز بر روشنایی و صفای دل این‌ها بیفز؛ رحمت و فضل خودت را بر این‌ها نازل کن. پروردگارا! به محمد و آل محمد تو را سوگند می‌دهیم شهدای عزیز ما، پیشروان و پیشکسوتان این راه را و پیشاپیش همه روح‌مطهر امام بزرگوار را از فضل و رحمت و دستگیری و لطف خود برخوردار بفرما.

و السلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته



بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی ۱۳۸۴/۳/۵

۱. ترکیب بدیع دانشجو با روحیات فرهنگ بسیجی
۲. فرهنگ بسیجی در یک جمله
۳. میدان چالش‌های حیاتی و اساسی کدامند؟
۴. خصوصیات و ویژگی‌های بسیجی
۵. ضرورت توانایی شناخت و فهم شبهه‌های پیشنهادی
۶. میدان‌های چالش‌برانگیز
۷. مفهوم تجدد در کشور ما همانند روشنفکری بیمار متولد شد
۸. معنای تجدد و تقلید در کشور ما
۹. مخالفت‌های سطحی با تجدد
۱۰. تجدد چیست؟
۱۱. نقطه‌ی شیب تند سقوط غربی‌ها
۱۲. تجدد و نوگرایی حقیقی، مطلوب اسلام
۱۳. بسیج دانشجویی مظهر نام ابتکار و خلاقیت
۱۴. کلید موفقیت‌ها (اصلاح همزمان ظاهر و باطن)
۱۵. مشکلات و انحرافات ناشی از بی‌عمقی
۱۶. ضرورت برخورداری تفکر اسلامی و بسیجی از عمق
۱۷. مفهوم بسیجی عدالت‌طلب
۱۸. جوان دانشجو، سازوکار تحقق اهداف را پیدا کند
۱۹. منطق ما قوی است و در میدان عمل هم آن را آزموده‌ایم
۲۰. فکر توأم با عمل
۲۱. تلاش بسیج دانشجویی برای حضور حداکثری مردم در انتخابات
۲۲. یاوره‌گویی‌های آمریکایی‌های نادان‌همیشگی است
۲۳. در همه‌ی کشورهای اروپایی به اپوزیسیون میدان نمی‌دهند
۲۴. در کشور ما باید ورودی‌های میدان سیاست و مدیریت کنترل شود



۲۵. وجود ملاک‌ها و معیارهای انتخاب
۲۶. وسوسه و تبلیغات دروغین نباید مانع شناخت حقیقت باشد
۲۷. عکس خواسته دشمن عمل کردن یکی از معیارهای انتخاب



بسم الله الرحمن الرحيم

❖ ترکیب بدیع دانشجو با روحیات فرهنگ بسیجی

جلسه‌ی بسیار گیرا و پُر جاذبه و شوق‌انگیزی است؛ جلسه‌ای که تشکیل دهندگان آن، جوانان فرزانه و بسیجی هستند. فرزاندگی دانشجویی و خصوصیات جوانی همراه با روحیات فرهنگ بسیجی، یک ترکیب بدیع و بسیار شوق‌انگیز است. شما این فرهنگ و این مجموعه و چهره‌ی انسانی و این الگو را نمایندگی می‌کنید.

❖ فرهنگ بسیجی در یک جمله

درباره‌ی دانشجوی بسیجی حرف‌های زیادی در ذهن و دل هست که اگر این‌ها را به‌عنوان مناقب بسیجیان دانشجو تنظیم و بیان کنیم، شوق انسان‌های متکی به منطق و استدلال به‌سوی بسیجی شدن در محیط دانشگاه‌ها مضاعف خواهد شد. بسیجی یک فرهنگ است و اگر بخواهیم این فرهنگ را در یک جمله تعریف کنیم، باید بگوییم پیشرو بودن در همه‌ی عرصه‌های اساسی زندگی. درست است که بعضی‌ها اصرار دارند بسیجی را در محیط دانشگاه و بیرون دانشگاه بد معنا کنند؛ اما از کسانی که حرف‌های بوق‌های تبلیغاتی دشمنان این ملت را تکرار می‌کنند، انتظار زیادی نیست. مسئله این است که خود ما بفهمیم بسیجی یعنی چه.

❖ میدان چالش‌های حیاتی و اساسی کدامند؟

بسیج یعنی به صحنه آمدن و به میدان آمدن. چه میدانی؟ میدان چالش‌های حیاتی و اساسی. میدان‌ها و چالش‌های اساسی زندگی چیست؟ فقط آن‌وقتی است که به کشوری حمله شود و مردم آن کشور به صحنه بیایند تا از مرزهای خودشان دفاع کنند؟ البته که نه؛ این فقط یکی از



موارد به میدان آمدن است. آن وقتی هم که هویت ملی و سیاسی یک ملت مورد مناقشه قرار می گیرد، جای به میدان آمدن است. آن وقتی هم که به فرهنگ و اعتقادات و باورهای ریشه دار یک ملت اهانت می شود و آن را تحقیر می کنند، جای به میدان آمدن است. آن وقتی هم که نسل برگزیده ی یک ملت احساس می کنند از غافله ی دانش عقب مانده اند و باید علاجه ی بکنند، جای به میدان آمدن است. آن وقتی هم که احساس بشود پایه های یک زندگی مطلوب و عادلانه در کشور احتیاج به تلاش دارد تا ترمیم و یا استوار شود، جای به میدان آمدن است. آن وقتی هم که جبهه های فکری و فرهنگی دنیا برای تسخیر ملت ها با ابزارهای فوق مدرن می آیند تا ملتی را از سابقه و فرهنگ و ریشه ی خود جدا کنند و به راحتی آن را زیر دامن خودشان بگیرند، جای به میدان آمدن است.

❖ خصوصیات و ویژگی های بسیجی

۱- احساس نیاز

احساس نیاز همه ی این ها انسان هایی را می طلبد که نیاز را احساس کنند؛ آدم های گنج و غافل و سرگرم نیازهای حقیر اصلاً این نیازها را احساس نمی کنند. آن روزی هم که مرزهای ما به وسیله ی هزاران چکمه پوش نظامی تهدید می شد، در کشور ماکسانی بودند که اگر به آنها گفته می شد خاک و وطن و ملت و حیثیت و غیرت ما را دارند لگد کوب می کنند، تو هم بیا کاری بکن، می گفت برو بابا، دلت خوش است! حواسش به این نیاز نبود و حس نمی کرد که چنین نیازی وجود دارد. پس اول، احساس نیاز است.

۲- آمادگی

بعد از احساس نیاز، آمادگی است. همه آماده نیستند از راحتی و حضور پای بخاری گرم در زمستان یا کولر خنک در تابستان صرف نظر کنند؛ همه حاضر نیستند برای خودشان دشمن بتراشند؛ همه حاضر نیستند در یک راه دشوار عرق بریزند و سنگلاخ ها را بنوردند؛ انسانی

باهمت و بااراده می‌خواهد. پس عزم و اراده‌ی کار کردن و گذشت از راحتی و آسایش هم یک شرط است.

۳- مزد نخواستن

شرط دیگر این است که در مقابل این حرکت و کار، از کسی مزد نخواهد. مزد، مربوط به جایی است که کسی از بیرون به ما انگیزه می‌دهد - این کار را بکن، این پول را بگیر - وقتی ما از درون و عمق جان و از عشقمان انگیزه می‌گیریم، از چه کسی می‌خواهیم مزد بگیریم؟ مزد دادن، تحقیر ماست؛ تحقیر انسانی است که از درون دارد می‌جوشد. این‌ها خصوصیات یک انسان بسیجی است؛ فرهنگ بسیج یعنی این. هیچ ملت باشرافی از وجود مجموعه‌ی بسیجی در درون خود بی‌نیاز نیست.

۴- توان و نشاط

یک مجموعه‌ی بسیجی علاوه‌ی بر همه‌ی این‌ها، باید توان داشته باشد. درست است که بسیج ما در دوران جنگ و بعد از جنگ، پیرمردهای هفتادساله هم داشت؛ اما توان، نشاط و قدرت نوردیدن این راه‌های دشوار، غالباً مخصوص جوانان است. بنابراین مجموعه‌ی بسیجی، یک مجموعه‌ی جوان و یک چهره‌ی جوانی است

❖ ضرورت توانایی شناخت و فهم شبهه‌ها

این میدان‌ها، میدان فکر و دانایی و تولید علم است؛ میدان چالش‌های گوناگون برای جبران عقب‌ماندگی علمی است. یک نفر می‌آید فکر و شبهه و پیشنهاد فکری‌ای را در میان می‌گذارد؛ اگر بخواهیم درست انتخاب کنیم، باید بتوانیم آن را بشناسیم، بفهمیم، تجزیه و تحلیل کنیم و نقاط و بخش‌های غلط آن را کنار بزنیم؛ و اگر بخش درستی دارد، آن را بگیریم و با بخش‌های درست خودمان در هم بیامیزیم و مخلوق خودمان را ارائه دهیم. اگر هم عنصر درستی ندارد، همه‌اش را توی زباله‌دانی بریزیم.



❖ میدان‌های چالش برانگیز

قبل از انقلاب وقتی ما با جوان‌های مؤمن دانشجو مواجه می‌شدیم - که آن وقت با ما در ارتباط بودند، مسجد ما می‌آمدند، خانه‌ی ما می‌آمدند و در مجامع ما شرکت می‌کردند - می‌دیدیم به برکتِ روشنفکریِ نو و پیشرفته‌ی اسلامی، در محیط دانشگاه حرف برتر را این‌ها می‌زنند. فعالانِ چپِ آن روز در مواجهه‌ی با این‌ها می‌ماندند؛ این یک واقعیت بود. می‌دانید که آن روز تفکرات چپ و مارکسیستی به شکل ملایم‌ترش در محیط‌هایی مثل کشور ما به‌عنوان حرف‌های نو ترویج می‌شد. البته نو هم نبود، اما به‌عنوان حرف نو ترویج می‌شد. به دانشگاه‌ها می‌آمدند و ماتریالیسم دیالکتیک و دیگر بحث‌های مارکسیستی را برای بچه‌ها شرح می‌دادند. بچه‌های مذهبی که ریشه‌ی فکرشان در پایه‌های قرآنی و تفسیری مستحکم شده بود، در دانشگاه‌ها مثل سدی در مقابل این‌ها بودند و مثل فولادی در دل حصار این‌ها نفوذ می‌کردند. این هم از میدان‌های چالش برانگیز ماست. پس در این چالش‌ها، چالش دانایی و علمی هست؛ چالش تولید فکر هست؛ چالش سازندگی و خدمت‌رسانی به مردم هست؛ چالش دفاع سیاسی هست؛ چالش تهاجم سیاسی هست؛ چالش دفاع نظامی هست. در این صحنه‌های متنوع چه کسی می‌تواند وارد شود؟ اگر کسی وارد این صحنه‌ها شد، پس فرزانه و کارآمد و توانا و پیشرفته است.

❖ مفهوم تجدد در کشور ما همانند روشنفکری بیمار متولد شد

من چند سال قبل دریکی از دانشگاه‌ها گفتم روشنفکری در ایران بیمار متولد شد. اگر شما به تاریخچه‌ی روشنفکری نگاه کنید، این را تصدیق خواهید کرد. اصلاً روشنفکری در کشور ما از اول بیمار و وابسته به بیگانه متولد شد. الان هم عرض می‌کنم که مفهوم تجدد نیز در کشور ما بیمار و معیوب و معلول متولد شد. تجدد در کشور ما به چه معنا بود؟ این که عرض می‌کنم، مربوط به اواخر دوران قاجار است؛ بعد در دوره‌ی رضاخان و بقیه‌ی دوره‌ی پهلوی هم اوج حرکتی بود که الآن دارم می‌گویم.

❖ معنای تجدد و تقلید در کشور ما

در قاموس متجددین کشور ما «تجدد» به معنای تقلید از غرب بود. تقلید یعنی چه؟ یعنی شما بروید لباس کهنه‌ی کسی را بخرید و در روز عید به عنوان لباس نو نتان کنید. تفکرات قرن نوزدهمی فرانسه و انگلیس و بقیه‌ی مناطق اروپا وارد ایران شد. صدسال از بروز این تفکرات گذشته بود، اشکالات و خدشه‌ها و نسخه‌ها وردهای فراوانی هم بر آن وارد شده بود؛ تازه آقایان متجدد ایرانی، آن روز رفتند سراغ همان تفکرات، همان روش‌ها و حتی همان منش‌های شخصیتی ظاهری؛ یعنی لباس پوشیدن، ریش گذاشتن، سیل گذاشتن و زلف گذاشتن. داگلاس نامی در یک گوشه‌ی فرنگ پیدا شده بود و سیلش را به شکل خاصی اصلاح کرده بود؛ در ایران این سیل شد مُد! زمان جوانی ما بیتل‌ها خط ریش کج می گذاشتند؛ جوان‌های مابعد از آن که سال‌ها از بروز چنین پدیده‌ای گذشته بود، از آنها تقلید می کردند! این، تجدد است؟! این، قهقرا رفتن و عقب گرد است؛ این که تجدد نیست.

❖ مخالفت‌های سطحی با تجدد

البته مخالفت‌هایی هم که با این تجدد‌ها می شد، سطحی بود؛ این را هم به شما بگویم. نوع مخالفتی که با تجدد و موج تجددگرایی در ایران پیدا شد - چه در اواخر دوران قاجار، چه در دوران پهلوی - بنده آن را نمی پسندم؛ از قدیم هم این طور عکس‌العمل‌ها را نمی پسندیدم؛ چون سطحی برخورد می کردند. آنها در تقلید از غربی‌ها افراط می کردند، این‌ها هم در مقابل تحریم می کردند. زمان جوانی ما شعرهای عوامانه‌ای معروف بود. می گفتند:

با کارد و چنگال می خورند آب را مسخره کرده‌اند همه طلاب را چون معتقد بودند که آن وقت مثلاً روحانیون مخالف غذا خوردن با کارد و چنگال هستند؛ این‌ها هم از لج آنها می خواهند آب را هم با کارد و چنگال بخورند! نه آن تجدد، تجدد بود؛ نه آن مواجهه و مقابله‌ی با تجدد، صحیح و عمیق و منطقی بود.

❖ تجدد چیست؟

تجدد چیست؟ تجدد، پیشرو بودن است. نگاه کنید ببینید چه کم دارید، کجا خلأ دارید و



این خلأ چگونه به بهترین وجه قابل پُر شدن است؛ ذهن خلاق خودتان را به کار بیندازید و آن خلأ را پر کنید؛ این می شود پیشرفت. این حرف، در لباس هست؛ در منش ظاهری هست؛ در فکر هست؛ در شیوهی ادارهی جامعه هست؛ در مسائل اجتماعی گوناگون هست؛ در مسائل سیاسی هست؛ در همه چیز این حرف جاری است؛ در آنجاهایی که عقل انسان قادر به حکم کردن و قضاوت کردن است. آنجایی که عقل میدانی ندارد - میدان تعبد و شرع است - باید متعبد به شرع ماند. اتفاقاً کسانی که پابند و متعبد به شرع ماندند، بعدها وقتی عقلشان بیشتر به کار افتاد، فهمیدند چرا شرع این حکم را کرده. یک روز بود که مسئلهی طهارت و نجاست، مسئلهی محرم و نامحرم، مسئلهی عبادت و نماز و خشوع مورد سؤال بود؛ بعد که فکرها بیشتر پیشرفت کرد، فهمیدند اینها هم فلسفه ها و حکمت های طبیعی دارد؛ بالاتر از آن، حکمت های انسانی دارد.

❖ نقطه‌ی شیب تند سقوط غربی ها

انسان بی خشوع، انسان منقطع از خدا و انسان بی معنویت، همین انسان بی هویتی می شود که امروز شما در اروپا و امریکا دارید مشاهده می کنید؛ همه چیز دارند به جز عدالت و آسایش و انسانیت و احترام به حقوق انسان ها؛ یعنی مدنیت جنگلی. صریحاً هم می گویند چون قدرت داری، باید اقدام کنی؛ چون تفنگ دست هست، باید بزنی؛ اخلاق هیچ معنایی ندارد. البته این تازه اول کارشان است؛ هنوز به نقطه‌ی شیب تند سقوط نرسیده اند؛ اما خواهند رسید؛ این را من به شما عرض کنم. شماها آن روز را می بینید که همین غرب، همین اروپا و امریکا، به آن نقطه‌ی شیب تند سقوط رسیده اند و دیگر نمی توانند خودشان را کنترل کنند؛ لذا ساقط خواهند شد.

❖ تجدد و نوگرایی حقیقی، مطلوب اسلام

تجدد و نوگرایی حقیقی و باز کردن میدان های تازه ی زندگی، مطلوب اسلام است؛ اصلاً اسلام این را از انسان خواسته؛ این به برکت تأمل، تعمق، کار درست، کار فکری، تلاش عملی،



مجاهدت، استقبال از کار و از خطر در همی میدان‌ها، و همت‌ها را بلند کردن به دست آمده می‌آید.

❖ بسیج دانشجویی مظهر تام ابتکار و خلاقیت

این کارها مربوط به کیست؟ مربوط به بسیج است. اگر بسیج را درست معنا کنیم، همین است. بسیج همچنین یعنی انسان باهمتی که غیرت دینی و دانایی فکری و نیازشناسی و ابتکار و جوشش ذهنی و خلاقیت دارد و وارد میدان می‌شود.

بسیج دانشجویی طبیعتاً مظهر تام و تمام این مفاهیم است. همت شما باید این باشد که این عرصه‌ی اساسی را تأمین کنید. از هیچ چیز هم نباید بیمناک باشید. نه این که ملاحظه نکنید - ملاحظه، یعنی عقل را چه کار گرفتن؛ این همیشه لازم است - اما آن چیزی را که حق تشخیص می‌دهید، باید مطالبه کنید. نه فقط خواستن با زبان و با شعار - البته یک وقت شعار لازم است، یک وقت هم لازم نیست - باید کار و تلاش هم کرد.

❖ کلید موفقیت‌ها (اصلاح هم زمان ظاهر و باطن)

من به شما برادران و خواهران عزیز - که فرزندان من هستید - مؤکداً توصیه می‌کنم که به عمق‌ها توجه کنید و آن را بطلید؛ از ظواهر هم دست نکشید. این خطاست که کسی خیال یا توهم کند که باید باطن را درست کرد، ظاهر مهم نیست؛ نخیر، همین ظاهر، انسان را به وادی‌های گوناگونی می‌کشاند. ظاهر دینی، ظاهر اسلامی، پابندی به تعبد دینی، همین مجالس دعا، همین مجالس توسل به ائمه (علیهم‌السلام) لازم است؛ متها همه‌ی این‌ها را با دانایی همراه کنید. در مجلس روضه خوانی و سینه زنی بسیج وقتی شعر خوانده می‌شود، باید با معنا، با مضمون، جهت دار و همراه با درس باشد. وقتی در آنجا سخنرانی می‌شود، باید در جهت تعمیق فکر و اندیشه باشد. وقتی نماز جماعت می‌خوانید، نماز شما باید همراه با توجه به پروردگار و خشوع در مقابل او باشد. وقتی اعتکاف می‌کنید، وقتی روزه می‌گیرید، وقتی اجتماعات مذهبی تشکیل می‌دهید، باید همراه با توجه به خدای متعال و همراه با اخلاص باشد. کلید موفقیت این هاست.



❖ مشکلات و انحرافات ناشی از بی‌عمقی

اگر این نباشد، همان چیزی بر سر انسان خواهد آمد که دیدید بر سر عده‌ای آمد. عده‌ای در اول انقلاب خیلی تند و داغ و پُرشور بودند، اما متأسفانه فکر دینی آنها عمق نداشت؛ با اولین باد سردی که از طرف تبلیغات دشمنان آمد، برگ و بار انقلابی‌شان ریخت و جوشش انقلابی‌شان تمام شد! بعضی‌ها صدوهشتاد درجه این طرف غلتیدند. من یک‌وقت به یکی از این آقایان گفتم که شماها اوایل انقلاب در زمینه‌ی مسائل اقتصادی چپ‌چپ بودید و ما از تندروی‌های چپ‌گرایی شمارا منع می‌کردیم؛ اما الآن شما رفته‌اید منتهاالیه جهت مقابل، و شده‌اید راست‌راست! ما همان جایی که قبلاً بودیم، ایستاده‌ایم و باز شمارا از تندروی‌های راست‌گرایانه منع می‌کنیم! این به خاطر نداشتن عمق است؛ به این دلیل است که ریشه‌ی اعتقادی و فکری وجود ندارد.

❖ ضرورت برخورداری تفکر اسلامی و بسیجی از عمق

کسی که ریشه‌ی اعتقادی دارد، بر اساس اعتقادش حرکت می‌کند و در میدان‌های گوناگون می‌ایستد. اگر جبهه است، می‌رود شهید یا جانباز می‌شود و با رنج دائم بدنی و با ملامت‌ها می‌سازد. اگر هم از جبهه برمی‌گردد، ایمان خود را در میان تندبادهای گوناگون حفظ می‌کند؛ این آدم عمیق است. ما از این گونه آدم‌های متکی به عمق هم کم نداریم. بعضی هم نه؛ متکی به عمق نبودند. بنابراین باید به تفکر اسلامی و تفکر بسیجی عمق داد.

❖ مفهوم بسیجی عدالت‌طلب

بسیجی عدالت‌طلب است. عدالت‌طلبی فقط این نیست که انسان شعار عدالت‌طلبی بدهد؛ نه، باید این را واقعاً بخواهد. عدالت‌طلبی به این نیست که انسان رودرروی کسی بایستد و بگوید تو عدالت‌طلب نیستی؛ نه، این، سازوکار دارد. باید جامعه به نقطه‌ای برسد که سیاست‌های عدالت‌طلبانه در آن طراحی شود و دستگاه اجرایی طوری باشد که سیاست‌های عدالت‌طلبانه فرصت عملیاتی شدن و اجرایی شدن پیدا کند؛ والا خیلی سیاست‌های عدالت‌طلبانه هم مطرح می‌شود؛ اما سازوکار، آدم‌ها، مهره‌ها، قلم‌به‌دست‌ها و امضاءکننده‌ها یا

علاقه ندارند، یا اعتقاد ندارند، یا همت ندارند، یا حال و حوصله ندارند، یا از همان قبیل «برو بابا دلت خوشه» است؛ لذا کارها متوقف و لنگ می ماند؛ بنابراین آنجاها را باید اصلاح کرد.

❖ جوان دانشجو، سازوکار تحقق اهداف را پیدا کند

برای رسیدن به هر آرزوی بزرگ و هر هدف والایی، سازوکاری وجود دارد؛ این سازوکار را باید جوان هوشمند فرزانه‌ی دانشجو پیدا کند. بحث جنبش نرم‌افزاری از همین قبیل است؛ بحث آزاداندیشی از همین قبیل است؛ بحث‌های گوناگونی که در زمینه‌های مختلف اجتماعی می‌شود، از همین قبیل است.

❖ منطق ما قوی است و در میدان عمل هم آن را آزموده‌ایم

منطق ما قوی است. ما ازلحاظ منطق در مقابل هیچ کس کم نمی‌آوریم؛ دیگران در مقابل ما کم می‌آورند. واقعیت‌های جامعه هم صحت آن منطق را نشان داده است. با این که در طول سال‌های متمادی خرابکاری شده، جنگ و موانع بیرونی بوده، نفوذ آدم‌های ناباب در دستگاه‌ها بوده، بی‌همتی و بی‌حالی بعضی‌ها بوده؛ درعین حال هر جا ما با همان اصول و تفکرات انقلابی اصیل جلو رفته‌ایم، واقعاً پیش رفته‌ایم؛ نمونه‌های همین پیشرفت‌های صنعتی و علمی و گشایش‌های گوناگونی است که در کارها به وجود آمده. هر جا کاربرجسته‌ای شد، انسان وقتی رفت، دید یک عنصر مؤمن در آنجا مسئولیت تعیین‌کننده‌ای دارد؛ این را بنده در جاهای مختلف به تجربه مشاهده کرده‌ام. هر جا کارها لنگ است، به خاطر این است که در آن از این بی‌ایمانی‌ها و بی‌ریشه‌ای‌ها که منجر به نفع طلبی و فساد و تبعیض و رفیق‌بازی و امثال این‌ها می‌شود، وجود دارد. بنابراین در میدان عمل هم ما این فکر را آزموده‌ایم.

❖ فکر توام با عمل

شماها جوانید. فردای این کشور متعلق به شماست. مدیریت‌ها متعلق به شماست. چرخ و پر عظیم اجرایی متعلق به شماست. باید آلیاژ خودتان را آن‌چنان مستحکم انتخاب کنید و بریزید که این مهره و این پیچ در این دستگاه بزرگ ساییده نشود و تبدیل به یک پیچ و مهره‌ی



بی‌ارزش نشود. باید آن فکر را قوی کنید. فکر تنها کافی نیست؛ در میدان عمل هم باید وارد شوید.

❖ ضرورت تلاش بسیج دانشجویی برای حضور حداکثری مردم در انتخابات

الآن مسئله‌ی انتخابات ریاست جمهوری هم مطرح است؛ این خودش میدان عظیم و خیلی خوبی است. مسئله‌ی اول، مشارکت است. در زمینه‌ی مشارکت مردم، هر طور که می‌توانید، روی خانواده‌ها و دوستانتان کار کنید. مشارکت، یکی از اساسی‌ترین مسائل است. حضور مردم برای پیشرفت و صیانت کشور لازم است. نه این‌که اگر عده‌ی زیادی شرکت نکردند، این‌ها به نظام «نه» گفته‌اند؛ به هیچ وجه این طوری نیست. آن‌هایی که به خاطر «نه» گفتن به نظام نمی‌آیند، درصد خیلی کمی‌اند. یک عده به خاطر بی‌حالی نمی‌آیند؛ یک عده به خاطر بی‌حوصلگی نمی‌آیند؛ یک عده روز جمعه کار دیگری دارند و نمی‌آیند؛ این‌ها را شما راه بیندازید. والا کسانی که معتقد به نظام و قانون اساسی نیستند و دلشان برای بیگانگان و نفوذ آنها پر می‌زند و منتظر آمدن بیگانگان هستند، درصد بسیار کمی‌اند. خیلی‌ها ممکن است پای صندوق‌ها نیایند؛ به خاطر این که حوصله‌اش را ندارند، وقتش را ندارند، درست اهمیت قضیه را نمی‌دانند، متوجه تأثیر رأی خودشان نیستند یا به کسی که به او اطمینان و اعتماد کنند، نرسیده‌اند؛ یا کسی را هم که شناخته‌اند، نپسندیده‌اند؛ لذا نمی‌آیند. تلاش شما باید این باشد که مشارکت را به معنای حقیقی کلمه حداکثری کنید. شما دانشجویید، فرزانه‌اید، روشنفکرید و معیارها را هم می‌دانید؛ بنابراین نگاه کنید ببینید با معیارهای جمهوری اسلامی، در میان نامزدهای انتخاباتی چه کسی کفایت و نشاط و توانایی لازم را دارد و می‌تواند وارد این میدان شود و با چالش‌های گوناگون دست و پنجه نرم کند و تحت تأثیر دشمن نیست و دشمن از آمدن او خوشحال نمی‌شود.

❖ یاوه‌گویی‌های آمریکایی‌های نادان همیشگی است

آمریکایی‌ها - مثل یاوه‌گویی‌های همیشگی‌شان - باز شروع کرده‌اند که فلانی باید بیاید، فلانی باید نیاید؛ به شما چه نادان‌ها؟! نمی‌دانند که هر چه بگویند، مردم عکسش عمل می‌کنند.

می‌گویند: چرا نظارت هست؟ چرا فلان دسته نتوانسته‌اند بیایند؟ چرا فلان کس نتوانست بیاید؟ در کشورهای خودشان انواع و اقسام نظارت‌های استصوابیِ غلیظ به شکل‌های پیچیده وجود دارد. در کشورهای غربی همه‌جا موانع حذفی فراوان وجود دارد. الآن در امریکا یک نفر را نشان بدهند که در طول دویست سال گذشته بیرون از دو حزب معروف امریکا سرکار آمده و رئیس‌جمهور شده. این معنایش چیست؟

✧ در همه‌ی کشورهای اروپایی به اپوزیسیون میدان نمی‌دهند

در همه‌ی کشورهای اروپایی - تا آنجایی که ما خبر داریم - اصلاً اپوزیسیون قانونی وجود ندارد که با نظام و قانون اساسی و حرکت کلی و سیاست‌های کلی نظام مخالف باشد و درعین حال حق فعالیت هم داشته باشد. من در جمع دانشجویان کرمانی گفتم اختلاف سر این است که فلان مالیات را بگیریم یا نگیریم؛ این می‌گوید بگیریم، آن می‌گوید نگیریم؛ جنگ عراق برویم یا نرویم. این‌هایی که در میدان هستند، در مبانی و اصول، همه‌شان یکی‌اند؛ درحالی که یقیناً عده‌ای هم مخالف‌اند. به مخالف اصلاً میدان نمی‌دهند بیاید؛ منتها تبلیغات دست همان کسانی است که این میدان‌ها متعلق به آن‌هاست. روزنامه‌ها و تلویزیون‌ها و رادیوها در اختیار آن‌هاست و هرچه دلشان می‌خواهد، در این رسانه‌ها می‌گویند و می‌نویسند. خودشان این همه موانع حذفی و این همه نابرابری در زمینه‌های گوناگون سیاسی دارند، اما می‌گویند چرا شما اصلاً شورای نگهبان دارید؟!

✧ در کشور ما باید ورودی‌های میدان سیاست و مدیریت کنترل شود

یقیناً ورودی‌های میدان سیاست باید کنترل شود. میدانِ اداره‌ی کشور و مدیریت کشور است؛ مگر شوخی است؟ یک کشور را می‌خواهند دست یک نفر بسپارند؛ لذا باید ورودی‌های این میدان کنترل شود و معلوم گردد کسی که دارد می‌آید، کیست؛ اصلاً غرضه‌ی این کار را دارد یا ندارد؛ بعد، اعتقاد به این کار دارد یا ندارد؛ بعد، اصلاً می‌فهمد در کشور چه کار باید کرد یا نه.



❖ وجود ملاک‌ها و معیارهای انتخاب

ملاک‌هایی وجود دارد؛ باید کسانی باشند که این ملاک‌ها را ببینند و بسنجند؛ قانون اساسی این را پیش‌بینی کرده. شما معیارها را می‌دانید. خوشبختانه کشور ما کشور جوانی است؛ لذا چهره‌ی جوان کشور اقتضاء می‌کند که یک نشاط خوب و قوی و جوانانه در کل دستگاه اجرایی وجود داشته باشد. نگاه کنید ببینید واقعاً چه کسی طرفدار انقلاب و طرفدار دین و طرفدار عدالت و طرفدار عدم تبعیض بین فقیر و غنی است؛ چه کسی کفایت و دنبال‌گیری و نشاط لازم را دارد؛ چنین کسی را پیدا کنید.

❖ وسوسه و تبلیغات دروغین نباید مانع شناخت حقیقت باشد

من پرپروز هم گفتم که نباید دغدغه و وسوسه کرد. بعضی‌ها هستند که خیلی وسوسه می‌کنند - آیا این، آیا آن؟ آیا این، آیا آن؟ - آخرش هم یا مجبور می‌شوند به طاق جفت و استخاره متوسل شوند و یا اصلاً از خیر رأی دادن می‌گذرند. نه، انسان فکر می‌کند؛ به کسی می‌رسد و می‌گوید: خدایا! نتیجه‌ی تحقیقات من این است. من طبق حجت درونی خودم - که عقل و تفکر است - و بر اساس مشورتی که با دیگران داشته‌ام، رأی می‌دهم. خدای متعال قبول می‌کند؛ ولو این تشخیص، درست نباشد. بنابراین نباید وسوسه کرد. معیارها، معیارهای روشنی است. جوسازی و تبلیغات دروغین و براق و رنگین نباید انسان را از شناخت حقیقت دور بدارد.

❖ عکس خواسته دشمن عمل کردن یکی از معیارهای انتخاب

البته یکی از معیارها هم این است که هرچه دشمنان این ملت می‌خواهند، عکس آن باید عمل کرد. چیزی که آنها می‌خواهند، خیر ملت نیست. آنها منافع خودشان را دنبال می‌کنند. بلندگویان استکباری دنیا که به مجلس هفتم اعتراض می‌کنند، همان کسانی هستند که مجالس صد درصد فرمایشی سلطنتی دوران شاه را قبول داشتند. الان هم نظام‌هایی را که در آنها اصلاً رأی‌گیری به معنای درست کلمه وجود ندارد، قبول دارند؛ اما به این مجلس اعتراض می‌کنند! چرا؟ چون آن، منافعشان را تأمین می‌کند؛ اما این، منافعشان را تأمین نمی‌کند. آنها دنبال منافع



خودشان هستند. اگر جهتی را نشان دادند و به جایی تمایلی داشتند، معلوم است که منافع آنها در آن است؛ که درست نقطه‌ی مقابل منافع ملت و نظام جمهوری اسلامی است و باید با آن مخالفت کرد؛ همان معیاری که امام (رضوان‌الله‌علیه) به ما گفتند.

ان شاء الله همه‌ی شما موفق و سالم باشید. خداوند همه‌ی شماها را حفظ کند و به پدر و مادرهایتان ببخشد. ان شاء الله عاقبت به خیر باشید و برای این کشور و آینده‌ی کشور عناصر برگزیده‌ای باشید.

و السلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته



بیانات در مراسم صبحگاه نیروی مقاومت بسیج ۲، ۶، ۱۳۸۴

۱. ماهیت و هویت بسیج
۲. بسیج خار چشم دشمنان
۳. حضور بسیج عامل پیروزی‌های بزرگ در میدان‌های جنگ
۴. مکتب بسیج، مکتب مجاهدت و شهادت
۵. جهاد فی سبیل الله حصن حصین مقاومت
۶. جهاد و شهادت، دو فصل بزرگ حرکت بسیجی
۷. امریکا عامل بی‌ثباتی منطقه
۸. بسیج یک حرکت گسترده‌ی مردمی
۹. شکست بزرگ‌تر آمریکایی‌ها تلاش برای استحاله‌ی نظام جمهوری اسلامی
۱۰. اقیانوس عظیم ملت ایران
۱۱. ملت ایران نمادش بسیج است



بسم الله الرحمن الرحيم

❖ ماهیت و هویت بسیج

۱- بسیج، حقیقتی شبیه افسانه‌ها

حضور در جمع شما جوانان عزیز و بسیجیان مخلص، همیشه شوق آفرین و هیجان‌انگیز است. اگرچه خود انقلاب اسلامی و پدیده‌هایی که انقلاب یکی پس از دیگری در طول زمان و در عرصه‌های گوناگون به وجود آورد، همه پدیده‌های شگفت‌آور هستند؛ اما پدیده‌ی بسیج و تشکیل این نیروی عظیم معجز‌گون، استثنایی و کم‌نظیر است. بسیج، حقیقتی شبیه افسانه‌هاست.

۲- بسیج مرز صنفی، جغرافیای و قومی نمی‌شناسد

برای کسانی‌که با متن واقع بسیج آشنایی ندارند، تصور چنین حجم پر کیفیت عظیمی با این تنوع و همه‌جانبگی، آسان نیست. بسیج مرز سنی نمی‌شناسد؛ جوان‌های کم‌سال تا پیران کهن‌سال در آن شرکت دارند. بسیج مرز جنسی نمی‌شناسد؛ زن و مرد در آن حضور دارند. بسیج مرز صنفی و مرز جغرافیای و قومی نمی‌شناسد؛ همه‌ی اقوام ایرانی، همه‌ی اصناف گوناگون ملی در سطوح مختلف فکری از انسان‌های نخبه‌ی برجسته‌ی ممتاز در میان اهل علم و دانش‌جویان تا جوان‌های فعال و پُرشور صحنه‌های دیگر، همه در بسیج جمع‌اند.

۳- بسیج نماد حضور و مقاومت ملی

بسیج نماد حضور ملی و مقاومت ملی و آگاهی یک ملت است؛ آن‌هم آگاهی همراه با تحرک، همراه با معنویت و همراه با اخلاص. بسیج، حقیقت است؛ اما شبیه افسانه‌هاست. بسیج برای جوانان، شور آفرین است؛ برای دوستان، امید آفرین است؛ برای دشمنان، بیم آفرین است.



امروز اگر شما جلوه‌های زیبای پُرشور حضور جوانان را در صحنه‌های پُرخطر فلسطین و لبنان مشاهده می‌کنید، این الگوگیری از بسیج است. امروز اگر بیداری جوانان دانشجو را در سرتاسر دنیای اسلام می‌بینید، این الگوگیری از بسیج است.

۴- بسیج حرکت عمل‌گرایی همراه با آرمان‌گرایی

بسیج یعنی حرکت عظیم ملت ایران، همراه با آگاهی؛ احساس آمیخته‌ی با عقلانیت؛ حرکت و عمل آمیخته‌ی با مبنای فکری؛ عمل‌گرایی همراه با آرمان‌گرایی و دیدن افق‌های دوردست؛ این‌ها مجموعه‌ای است که ذهنیت و هویت بسیج را تشکیل می‌دهد.

❖ بسیج خار چشم دشمنان

به همین جهت است که از اول انقلاب تا امروز، بسیج خار چشم دشمنان بوده؛ چه دشمنان داخلی و چه دشمنان خارجی. همیشه بسیج موردتهاجم لفظی و عملی دشمنان قرار داشته است. سم‌پاشی و لجن‌پراکنی علیه بهترین جوانان این کشور که در صفوف بسیج مستقرند، مخصوص یک دوره از دوره‌های پس از انقلاب نیست؛ از اول بوده، تا امروز هم بوده است؛ خواهد بود؛ بعدازاین هم خواهد بود. البته دشمنان موفقیت‌های بسیج را می‌بینند. بسیج در میدان دفاع مقدس از خود حرکتی نشان داد که برای دنیا شگفت‌آفرین بود.

❖ حضور بسیج عامل پیروزی‌های بزرگ در میدان‌های جنگ

حضور بسیج در میدان‌های جنگ و دفاع مقدس، هم به‌عنوان یک عمل نظامی، و هم به‌عنوان روحیه دهی به رزمندگان مستقر در سازمان‌های نظامی - یعنی ارتش و سپاه - تأثیرات معجز‌آسایی داشته است. آنجایی که بسیج بود، روحیه و معنویت هم بود؛ طبعاً ایستادگی و مقاومت هم بود و بر اثر آن‌همه، پیروزی هم نصیب می‌شد. برای همین است که ملت ایران در کمتر از دو سال - یعنی تا فتح خرمشهر - بر قوای اهریمنی عراق فائق شد. وقتی خرمشهر سقوط کرد، نماد قوی‌پنجگی دشمن بود و مظلومیت ملت ایران. وقتی ملت ایران با قدرت خرمشهر را از دشمن پس گرفت و هزاران نیروی رزمنده‌ی دشمن را اسیر کرد، درواقع سرنوشت نهایی جنگ نوشته شد. همان روزها سران چند کشور برای وساطت به ایران آمده



بودند. یکی از برجستگان سیاسی معروف انقلابی دنیا - که رهبر یکی از کشورهای آفریقایی بود - به من گفت امروز مسئله‌ی ایران و جمهوری اسلامی در دنیا به کلی با قبل از فتح خرمشهر متفاوت است؛ امروز همه به چشم فاتح و پیروز به شما نگاه می‌کنند. و حقیقت هم همین بود. شش سال بعد از آن صرف شد تا نظام جمهوری اسلامی بتواند بر زرادخانه‌ی عظیم جهانی - که پشت سر رژیم بعثی صدام قرار داشت - پیروز شود. و ما پیروز شدیم و توانستیم بر دشمنی که شوروی سابق و ناتو و آمریکا از او حمایت می‌کردند، به او تجهیزات می‌دادند، به او سلاح شیمیایی می‌دادند، به او کمک‌های مؤثر اطلاعاتی می‌دادند، فائق بیاییم؛ این به برکت حضور مردم بود؛ یعنی حضور بسیج؛ یعنی جوانان با اخلاق.

❖ مکتب بسیج، مکتب مجاهدت و شهادت

مکتب بسیج، مکتب مجاهدت معنوی و مخلصانه است. این مجاهدت، برای ملت و کشور و بالاتر از همه برای دین خدا و سرافرازی پرچم آزادگی اسلامی در همه‌ی دنیا است. این مجاهدت خطراتی دارد. بالاترین خطر برای انسان، جان باختن است. در مکتب بسیج، نام این جان باختن «شهادت» است. شهادت بالاترین ارزش عاشورایی انسان و بالاترین ارزش در معیار ارزش‌های معنوی است. در روایت وارد است: «فوق کل ذی برٍّ حتى یقتل الرجل فی سبیل الله» بالاتر از هر فضیلتی، ارزشی و معنویتی، ارزش دیگری وجود دارد، تا وقتی که فرد به شهادت می‌رسد، که بالاترین ارزش‌هاست. آن معنای جهاد است و این معنای شهادت است.

❖ جهاد فی سبیل الله حصن حصین مقاومت

افرادی به نیابت از دشمنان عزت این ملت سعی کردند جهاد را بدنام کنند. الآن می‌دانید در کشورهایی از منطقه‌ی ما، سعی آمریکایی‌ها بر این است که آیات جهاد را از کتاب‌های درسی بیرون بیاورند؛ اصرار کردند که باید این کار را بکنید؛ بعضی از دولت‌های ضعیف و زبون هم این را قبول کردند. می‌خواهند جهاد را از آیات قرآن و تعالیم دینی خارج کنند؛ چون ضامن عزت ملت‌های اسلامی و امت اسلامی و بزرگ‌ترین سنگر و حصن حصین مقاومت، جهاد فی سبیل الله است.



❖ جهاد و شهادت، دو فصل بزرگ حرکت بسیجی

شهادت را به عنوان یک عمل ساده لوحانه معرفی کردند، که خود برترین ارزش‌هایی است که جهاد به دنبال دارد. جهاد وقتی می‌تواند اثر خودش را به طور کامل نشان دهد که بادل نهادن به شهادت همراه باشد. جهاد و شهادت، دو فصل بزرگ حرکت بسیجی است. بسیجیان عزیز ما تا امروز پیشرفت‌های خوبی کرده‌اند؛ این پیشرفت‌ها باید همچنان ادامه پیدا کند. مطمئناً این الگو در کشور عزیز ما دنیا را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

❖ امریکا عامل بی‌ثباتی منطقه

امروز مسائل ایران با مسائل دنیا مرتبط است. جرم دولت ایالات متحده‌ی امریکا فقط این نیست که ملت ایران را تهدید می‌کند؛ جرم دیگر او این است که منطقه را بی‌ثبات کرده است؛ و ضرر این بی‌ثباتی به همه‌ی دنیا می‌رسد. ما امروز در مقابل تحریکات آمریکایی ایستاده‌ایم و درواقع تضمین‌کننده‌ی ثبات این منطقه هستیم؛ این دفاع از هویت ماست؛ دفاع از شخصیت ملی ماست؛ دفاع از دین ماست؛ دفاع از آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی است؛ دفاع از منطقه است؛ و به این معنا دفاع از دنیاست. آمریکایی‌ها از هر وسیله‌ای برای مقابله‌ی با ملت ایران استفاده کردند و در همه‌ی این وسایل، در مقابل صلابت ملت ایران و رشادت جوان‌های ما، مرعوب و مغلوب شدند. آنها از جوان‌های ما می‌ترسند.

❖ بسیج یک حرکت گسترده‌ی مردمی

ملت ما ملت جوانی است. این جوان‌ها بیدارند و دل‌هایشان با اعتقاد به مبانی اسلام و آرمان‌های اسلامی محکم است. بسیج درواقع یک حرکت گسترده‌ی مردمی است. خیلی‌ها ممکن است داخل در نیروهای بسیج و گردان‌های مقاومت و نیروی مقاومت سپاه هم نباشند؛ اما در دل، بسیجی باشند. در نظرخواهی‌هایی که از جوان‌های ما کردند، بیش از ۹۰ درصد جوان‌های کشور در این نظرخواهی اعلام کردند که آماده‌ی دفاع از ملت‌اند. این، معنای بسیج است. همین روحیه وقتی با اخلاص بیشتر، با پابندی بیشتر به مبانی و با پرهیزگاری و پارسایی

همراه شود، چهره‌های نورانی جوانان بسیجی عزیز ما را در بخش‌های ممتاز و پیشرو مشخص می‌کند.

❖ شکست بزرگ‌تر آمریکایی‌ها تلاش برای استحاله‌ی نظام جمهوری اسلامی

دشمنان در مقابل این نیرو هیچ کاری نمی‌توانند بکنند. شما دیدید امریکا در مسئله‌ی انتخابات ما نا شرافتمندانه عمل کرد. حرکتی که در مقابل انتخابات و برای سوءاستفاده‌ی از انتخابات انجام دادند، خارج از همه‌ی قواعد انسانی و قواعد ارتباطات بین‌المللی بود؛ اما شکست خوردند. آنچه در ایران اتفاق افتاد، درست نقطه‌ی مقابل چیزی است که آنها می‌خواستند. شکست بزرگ‌تر آمریکایی‌ها در میدانی است که امروز آراسته‌اند؛ و آن عبارت است از تلاش برای استحاله‌ی نظام جمهوری اسلامی. آنها می‌خواهند با ابزارهای سیاسی، با ابزارهای فرهنگی و با دست‌نشانده‌گان فرهنگی و سیاسی، نظام اسلامی را از حقیقتش، از روحش و از هویت واقعی‌اش تهی کنند؛ و این هم شکست خواهد خورد؛ و این بزرگ‌ترین شکست امریکا از شما عزیزان مؤمن جوان در نیروهای بسیج است.

❖ اقیانوس عظیم ملت ایران

با خدا باشید؛ دل به خدا بسپارید؛ توکل‌تان را به خدای متعال از دست ندهید؛ به نیروی عظیمی که خدای متعال در دل شما، در ذهن شما، در اراده‌ی شما، در وجود شما و در جسم شما به ودیعه قرار داده است، باور و ایمان بیاورید و بدانید با این نیرو می‌توانید کوه‌های عظیم را جابه‌جا کنید. اقیانوس ملت ایران ممکن است گاهی آرام به نظر برسد؛ اما اگر طوفانی شد، سونامی‌ها به وجود خواهد آورد. اگر این اقیانوس عظیم با تکیه‌ی بر اعماق دینی و ایمانی‌اش به طوفان برخیزد، جوان‌های ما کارهای بزرگی انجام می‌دهند. این کارهای بزرگ فقط در میدان جنگ نیست - یک نمونه مربوط به میدان جنگ است - در میدان علم هست؛ در میدان مسائل اجتماعی هست؛ در میدان مسائل فرهنگی هست؛ در ایجاد فضائل اخلاقی و گسترش این فضائل در میان مردم هست؛ در میدان فناوری و پیشرفت‌های علمی و فنی هست. این کارها



و این معجزه‌ها همه از شما جوان‌ها برمی‌آید؛ از شما ملت عزیز ایران برمی‌آید؛ از بسیج جوان و پیر و زن و مرد برمی‌آید

❖ ملت ایران نمادش بسیج است

ملت ایران نمادش بسیج است و همه‌ی ملت ایران درواقع اجزای بسیج‌اند. خدای متعال روح امام بزرگ و راحل ما را شاد کند که این بنیان رفیع را او پی‌ریزی کرد و این نهال را او پرورش داد و آبیاری کرد، که امروز به این درخت تناور تبدیل شده است.

امیدواریم همیشه مشمول ادعیه‌ی زاکیه‌ی حضرت بقیة‌الله (ارواح‌نافداه) و مورد لطف خاص الهی باشید و خدای متعال همه‌ی کارهای شما را در جهت خیر و صلاح و اراده‌ی خود قرار دهد.

و السّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته



بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان در سالروز شهادت حضرت امام صادق (ع)

۱۳۸۴/۹/۷

۱. رابطه بین حرکت عمومی معصومین با حرکت بسیجی امروز
۲. وظیفه‌ی ائمه‌ی ما در آن دوران، ایستادگی در مقابل انحراف
۳. اوج حرکت سیاسی و فرهنگی در زمان امام صادق (ع)
۴. دنیای اسلام و عدم تجربه تعالیم و ارزش‌های اسلامی
۵. پیشرفت علمی دنیای غرب بدون وجود معنویت
۶. انقلاب عظیم ایران مبتنی بر تعالیم و هدایت اسلامی
۷. بسیج مظهر خالص تداوم حرکت ائمه (ع) در کشور
۸. معنا و مفهوم بسیج و بسیجی
۹. شدت و ضعف بسیجی
۱۰. فرهنگ و روحیه‌ی بسیجی تضمین‌کننده تحولات و حرکت
۱۱. ملت ما با وجود سرمایه‌های انسانی و طبیعی عقب نگه‌داشته شد
۱۲. با انقلاب، ملت ما بیدار شد و گفت می‌توانیم و توانست
۱۳. ایمان، امید، اعتماد به کمک الهی، قوای اصلی بسیج



بسم الله الرحمن الرحيم

هفته‌ی بسیج و میقات فرزندان دلاور این کشور و تجدید خاطرات عظمت‌هایی که این جوانان در طول این سال‌ها آفریده‌اند، فرصت بسیار مهم و بزرگی است.

❖ رابطه بین حرکت عمومی معصومین با حرکت بسیجی امروز

امروز مصادف است با سالگرد شهادت امام صادق «علیه‌الصلاة والسلام». بین حرکت امام صادق «علیه‌الصلاة والسلام» و به‌طور کلی حرکت عمومی ائمه‌ی هدی «علیهم‌الصلاة والسلام»، بخصوص نه امامی که از بعد از حادثه‌ی عاشورا تا زمان غیبت حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) این منصب را داشتند، با رفتار و هویت و حرکت بسیجی امروز ملت ما، رابطه‌ای وجود دارد. وقتی شما به تاریخ اسلام نگاه می‌کنید، مقطعی را می‌بینید که در آن، خلافت - یعنی حکومت مبتنی بر پایه‌های دین - تبدیل شده است به سلطنت، که یکی از مقاطع بسیار خطرناک تاریخ اسلام است. البته بعضی از صحابه‌ی بزرگ پیغمبر در همان اوقات، جامعه‌ی اسلامی را از این که این حادثه پیش بیاید، بر حذر می‌داشتند؛ اما پیش آمد. چرا پیش آمد و علل و عواملش چه بود و چه کسانی بودند؟ این‌ها فعلاً مورد بحث من نیست، ولی این حادثه اتفاق افتاد. نتیجه‌ی این اتفاق این بود که جامعه‌ای که بر اساس ارزش‌های دینی و اسلامی و در جهت سعادت و صلاح انسان و انسانیت پدید آمده بود، مسیر خودش را به‌صورت فاحشی تغییر داد. وقتی از منبع و مرکز حکومت یک جامعه، تقوا نتراود، صلاح و دین و معرفت و هدایت سرازیر نشود، بلکه به‌عکس، از رأس قله‌ی جامعه، دنیاطلبی، اشرافی‌گری، ماده‌گرایی،



شهوت پرستی صادر شود و بروز کند، معلوم است که در یک چنین جامعه‌ای، چه بر سر ارزش‌های اصیل و والا خواهد آمد. و این اتفاق در یک برهه‌ای، سال‌ها بعد از وفات نبی مکرم اسلام، در تاریخ صدر اسلام پیش آمد.

❖ وظیفه‌ی ائمه‌ی ما در آن دوران، ایستادگی در مقابل انحراف

در چنین شرایطی، دل سوزان و مؤمنان صادق، چه وظیفه‌ای دارند؟ در رأس همه، آن کسانی که بیش از همه وظیفه‌دارند، امامان معصوم هستند؛ زیرا خدای متعال به آنها از علم خود، از روح خود، از هدایت خود، نصیب وافر داده است؛ آنها را عالم و معصوم و هدایت‌کننده و هدایت‌شونده قرار داده است. ائمه‌ی ما در این دوران، وظیفه‌ی خودشان دانستند که در مقابل این انحراف عجیب بایستند. آنها مدتی با ایستادگی رویاروی و واضح سیاسی - مثل دوران امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) که اثر خود را گذاشت - کار خود را کردند. آن کار، شعله‌ی اعتراض عمیقی را به وضعیت تازه‌ی پدید آمده‌ی انحرافی در جامعه‌ی اسلامی برافروخت و بعد از آن، در دوران ائمه‌ی بعدی، این کار با دشواری بسیار پیچیده و پُرنجی ادامه پیدا کرد. ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) وظیفه‌ی خود می‌دانستند که هم پایه‌ی ارزش‌ها و تفکر اسلامی را در ذهنیت جامعه مستحکم و عمیق نمایند و هم سعی کنند که بنای آن سلطنت پدید آمده و به ناحق بر جای نبوت نشسته را منهدم و ویران کنند و یک بنای حقیقی و صحیحی به وجود بیاورند. ائمه (علیهم السلام)، این دو کار را می‌کردند. آنچه عرض می‌کنم، موضوع یک بحث بسیار طولانی و ریز است که کتاب‌ها خواهد شد؛ این، یک تصویر اجمالی از دور است.

❖ اوج حرکت سیاسی و فرهنگی در زمان امام صادق (ع)

ائمه (علیهم السلام)، مبارزه‌ی بسیار پُرنج و پُرتلاش و پُرمحتوا و فراگیری را می‌کردند؛ هم در زمینه‌ی معنوی و فرهنگی؛ برای حفظ پایه‌های اعتقاد اسلامی و جلوگیری از انحرافی که در جهت بنای حکومت سلطنتی ممکن بود به وجود بیاید، که به وجود آمده بود؛ هم در جهت مبارزه‌ی سیاسی. اوج این حرکت در زمان امام صادق بود. نمی‌شود گفت در زمان‌های دیگر،

این حرکت اوج نداشت؛ چرا، در زمان امام رضا «علیه السلام» و در زمان‌های دیگر هم همین‌طور بود؛ منتها زمانه در دوران امام صادق «علیه السلام» یک فرصت و فسحتی را در اختیار گذاشت و این بزرگوار توانستند کاری بکنند که با پایه‌های معرفت اسلامی صحیح در جامعه، آن‌چنان مستحکم بشود که تحریف‌ها دیگر نتواند این پایه‌ها را از بین ببرد. ایشان این کار را کرد، تا این زمینه بماند و در هر دوره‌ای از دوره‌های تاریخ، کسانی که لایق هستند، بتوانند از این زمینه استفاده کنند و نظام اسلامی و مبنای مبتنی بر ارزش‌های اسلامی را به وجود بیاورند و این بنای رفیع را بسازند. این، کار امام صادق «علیه الصلاة والسلام» است. آنچه که ما امروز در عرصه‌ی نظام جمهوری اسلامی با آن مواجه هستیم، شباهتی به این حرکت عظیم عمیق نیازمند به صبر و حوصله‌ی ائمه «علیهم الصلاة والسلام» دارد؛ به همان اندازه هم تأثیرات عمیقی را دارد.

❖ دنیای اسلام و عدم تجربه تعالیم و ارزش‌های اسلامی

امروز دنیای اسلام تقریباً شامل یک میلیارد و نیم جمعیت، با حدود پنجاه کشور و دولت، است. اگر در بین این جمعیت عظیم - که در نقاط مهم دنیا هم ساکن‌اند - تکیه‌ی به ارزش‌های اسلامی وجود می‌داشت، بدون شک، امروز ملت مسلمان و امت بزرگ اسلامی پیش‌تاز در علم و مدنیت و معرفت و جلوه‌ی دین و دنیا و اخلاق و زندگی بود؛ چیزی که امروز ما در دنیا نداریم و نظیر آنچه را هم که این تصویر را در ذهن ما زنده می‌کند، در دنیا نیست.

❖ پیشرفت علمی دنیای غرب بدون وجود معنویت

ملت‌ها و دولت‌های غرب، پیشرفت علمی دارند؛ جلوه‌های براقی در زندگی آنها مشاهده می‌شود؛ اما این، فقط بخشی از وجود انسان است و اخلاق و معنویت، رحم و انصاف، دل‌بستگی به آرمان‌های والای الهی، ارتباط با خدا و پرداختن به دل، در زندگی آنها نیست و روزه‌روز کم‌رنگ‌تر شده است و باز هم دائم کم‌رنگ‌تر می‌شود. اگر یک روز معابد و کلیساهای آنها یک مسیحی‌ای از معنویت داشت، آن‌هم به تدریج تحت تأثیر هیمنه‌ی مادیت دنیا ضعیف‌تر و ضعیف‌تر می‌شود؛ اما ما در طول این قرن‌های متمادی، یک مجموعه‌ی عظیم انسانی را در دنیا نداشتیم که هم بتواند دنیای خود را از لحاظ بهره‌مندی از



مواهب طبیعت و پیشرفت‌های علمی دنیایی آباد بکند، هم توجه به معنویت، توجه به اخلاق، جزء اصلی زندگی آنها باشد و آنها با خدا ارتباط خودشان را قطع نکنند و برای ارتباطات مهم زندگی هم از تعلیم و هدایت الهی خودشان را محروم نکنند.

❖ انقلاب عظیم ایران مبتنی بر تعالیم و هدایت اسلامی

دنیای اسلام می‌توانست چنین وضعیتی را داشته باشد؛ اما متأسفانه پیش نیامده. دنیای اسلام تا وقتی انقلاب عظیم اسلامی پیش نیامد، یک نظام مبتنی بر تعالیم اسلام و هدایت اسلامی را تجربه نکرد. این انقلاب درست در خط جهت‌گیری ائمه (علیهم‌السلام) قرار داشت. ما اگر در این بیست و هفت سال توانستیم و در وسع و قدرت ما بود که حرکت خود را با همان نواخت و آهنگی که ائمه (علیهم‌السلام) پیش می‌رفتند، تنظیم بکنیم، امروز به قله‌های خیلی رفیعی رسیده بودیم؛ منتها ما ضعیف و ناقص هستیم. آنچه پیغمبر اکرم در ظرف ده سال حکومت خود انجام داد، جوامع معمولی و رهبران معمولی مؤمن به همان راه، در ظرف صدسال هم نمی‌توانند انجام بدهند. نواخت کار و آهنگ حرکت ما، آهنگی است که از ضعف‌های ما سرچشمه می‌گیرد. ما در جنب آن انسان‌های قدسی و بزرگ، انسان‌های ضعیفی هستیم، ولی به هر حال حرکت کردیم و به قدر وسع و توان خود پیش رفتیم.

❖ بسیج مظهر خالص تداوم حرکت ائمه (ع) در کشور

ملت ایران از جان خود، از عزم و اراده‌ی پولادین خود مایه گذاشت و تا امروز کارهای عظیمی انجام شده است که بعضی از آنها شبیه افسانه است. این حرکتی که از اول انقلاب تا امروز در جهت ایجاد یک بنای رفیع اجتماعی مبتنی بر هدایت دین و انگشت اشاره‌ی قرآن، در کشور ما انجام می‌گیرد، تداوم همان حرکت ائمه (علیهم‌السلام) است. لب و لباب و مظهر خالص و کامل این حرکت هم از اول انقلاب تا حالا، بسیج بوده است.

❖ معنا و مفهوم بسیج و بسیجی

وقتی می‌گوییم «بسیج»، مراد ما فقط یک مجموعه‌ی نظامی و ملبس به لباس نظامی و آموزش‌های نظامی نیست، بلکه بسیج، یعنی مجموعه‌ی انسان‌هایی که نیروی خودشان را به

میدان می‌آورند تا در جهاد عمومی کشور و ملتشان، در جهت رسیدن به قله‌ها، فعال باشند و با آنها همکاری کنند و در کارشان سهیم باشند؛ این، معنای بسیج است. آن مادری که با عشق به فرزند خود - که عشق مادران به فرزندان‌شان، چیزی شبیه افسانه‌هاست؛ افسانه‌ای که هرروز در زندگی ما، هزاران و هزاران بار واقعیت و تجسم پیدا می‌کند - با طوع و رغبت، او را راهی جبهه‌ی دفاع می‌کند و بعد که جنازه‌ی فرزند شهیدش را تحویل می‌گیرد، به‌جای اظهار پشیمانی، به‌جای اظهار گله، اظهار سرافرازی و افتخار می‌کند، مظهر یک بسیجی کامل است. آن خانواده‌هایی که در دوران سخت این کشور، در همه‌ی مشکلاتی که بر سر راه این ملت وجود داشت، خود را سهیم دانستند؛ با زبان‌شان، با پول‌شان، با کار دستی‌شان، با حضورشان، همان کاری را که می‌توانستند انجام بدهند، آن را به میدان آوردند، این‌ها بسیجی‌اند. یک سیاستمدار بسیجی، یک نظامی بسیجی، یک دانشجوی بسیجی، یک روحانی بسیجی، یک کشاورز بسیجی، یک کارگر بسیجی، یک محقق و دانشمند بسیجی، یک استاد بسیجی، از همه‌ی قشرها یک بسیجی، آن کسی است که مقدمات و امکان خود را در راه هدف‌های عظیم این ملت به میدان می‌آورد؛ خود را سهیم می‌کند؛ خود را مسئول می‌داند و مایل نیست کنار بنشیند، تا دیگران تلاش کنند، او هم نگاه کند؛ یا آنجایی که سودمند است، سودش را ببرد؛ و یا تا یک گوشه‌اش ساییده شد، بنا کند به ایراد گرفتن و اعتراض کردن؛ این جور انسان هم در جامعه داریم؛ بسیجی آن کسی است که این گونه نیست. آنجایی که نیازمند رفتن به عرصه‌ی نظامی است، او پیشاهنگ است؛ جوان و پیر هم نمی‌شناسد؛ دور و نزدیک هم نمی‌شناسد؛ آنجایی که جای حضور در عرصه‌ی سیاسی و می‌دان سیاست است، او فعال و پُرنشاط است؛ آنجایی که در عرصه‌های بین‌المللی باید حضور پیدا کرد - عرصه‌های گوناگون بین‌المللی؛ عرصه‌ی سیاسی، عرصه‌ی فرهنگی، عرصه‌ی ورزشی - او در آنجا، مظهر عزت ملت و کشور خود است. با این روحیه، با این احساس، در آنجا حاضر می‌شود؛ آنجایی که جای علم است، جای تحقیق است، جای صبر کردن بر مشکلات نوآوری علمی است، از جان و ذهن خودش



مایه می‌گذارد؛ آنجایی که جای پول خرج کردن است، اگر پولی دارد، پول خرج می‌کند. این، بسیجی است.

❖ شدت و ضعف بسیجی

بسیجی هم شدت و ضعف دارد. بعضی در میدان بسیج، خلوص و صفایشان مثل خورشید می‌تابد و انسان را مجذوب می‌کند. به هر حال، بسیج یک فرهنگ است؛ بسیج، یک ذهنیت برجسته و والا در جامعه‌ی ماست.

ابراز دشمنی با بسیج، یعنی ابراز دشمنی با مجاهدت و تلاش و نشاط و کار در همه‌ی میدان‌ها. خیلی روشن است که آرزومندانِ ناکامی این ملت، از بسیج ناراحت‌اند. هر کس آرزومند است که این ملت ناکام بشود و شکست بخورد، از حضور بسیج ناراحت است. همه‌ی دشمنان، همه‌ی حاسدان، همه دل‌بستگان به دشمن در داخل، از بسیج خوششان نمی‌آید.

❖ فرهنگ و روحیه‌ی بسیجی تضمین‌کننده تحولات و حرکت

اگر بتوانید بسیج را هرچه فراگیرتر کنید و دل‌های بیشتر و نشاطِ متراکم‌تری را وارد این صحنه‌ی عمل بکنید، آینده‌ی این کشور تضمین‌شده‌تر است. روحیه‌ی بسیجی یک روحیه‌ای است که اگر در هر نقطه‌ای و در هر قشری به وجود بیاید، در آنجا فعالیت و نشاط و حرکت حیات را مضاعف و چند برابر می‌کند؛ این معنای بسیج است

بعضی خیال می‌کنند بسیج یک سازمان دولتی است؛ اما این طور نیست. اگر هر کدام از دستگاه‌های گوناگون کشور روحیه‌ی بسیجی پیدا کنند، توفیقاتشان بیشتر می‌شود. امروز خوشبختانه دولت و رئیس‌جمهور و مجلس شورای اسلامی و مسئولان گوناگون افتخار می‌کنند که عضو بسیج‌اند. فرهنگ بسیجی است که می‌تواند بر همه‌ی تحولات این کشور قایق بیاید و حرکت این کشور را تضمین کند.

❖ ملت ما با وجود سرمایه‌های انسانی و طبیعی عقب‌نگه‌داشته شد

عزیزان من! ملت ماده‌ها سال از مسیری که باید پیش می‌رفت، عقب‌نگه‌داشته شد؛ ما باید این عقب‌ماندگی را جبران کنیم. این‌ها واقعیت است؛ این‌ها عینیات تاریخ ماست. با ملت ما،



یعنی همان ملتی که امروز در میدان علم که وارد می‌شود، در دنیا شگفتی می‌آفریند؛ در برخورد نظامی که وارد می‌شود، دشمنانِ مجهز را دچار حیرت می‌کند؛ در زور آزمایی‌های سیاسی که وارد می‌شود، حریفانِ قدر را حریف می‌شود - ما ملتی این گونه داریم. این ملت با این سرمایه‌های استعداد انسانی و با این سرزمین پهناور و حاصلخیز و زرخیز و سرشار از منابع طبیعی، می‌توانست در اوج قله‌ی علم و تمدن و پیشرفت مادی و معنوی قرار بگیرد - کاری کردند که شد جزو کشورهای جهان سوم؛ آن‌هم در آن ردیف‌های آخرِ آخر! این که این قدر دانایان این کشور به رژیم طاغوت لعن و طعن می‌کنند، بیهوده نیست. این جنایت بر کشور ما وارد آمده و بر ملت ما تحمیل شد. ملتی را که می‌توانسته به اوج بی‌نهایت پرواز کند، بال‌هایش را بریندند، پاهایش را بستند و زخمی‌اش کردند؛ ملت ما را به یک ملت بدبین به خود، ناامید از آینده‌ی خود، بی‌تحرک برای رسیدن به افق‌های دوردست، معذوب و واله در مقابل دیگران، تبدیل کرده بودند؛

❖ با انقلاب ملت ما بیدار شد و گفت می‌توانیم و توانست

اما انقلاب آمد و یک تکان سخت و یک تغییر نگرش عمیق به این ملت داد، که ملت ما بیدار شد، حرکت کرد، راه افتاد، خودش را شناخت و گفت «می‌توانیم»؛ و توانست، حالا هم پیش رفته است. موتور حرکت ما، ایمان ماست و اتکای ما، به خداست؛ تکیه‌ی ما، به راهنمایی‌ها و هدایت‌های الهی است، که در معارف دینی و در احکام ما وجود دارد؛ حرکت ما هم حرکت خوبی بوده و دشمن هم اتفاقاً همین نقطه‌ی اساسی، نقطه‌ی ایمان، را بمباران می‌کند. الآن در بین جامعه‌ی ما یک مجموعه‌ای افتخار می‌کنند و با حماسه، از ایمان خودشان یاد می‌کنند. این، خیلی باارزش است. این، بسیج است.

❖ ایمان، امید، اعتماد به کمک الهی، قوای اصلی بسیج

همه‌ی ابزارهای فرهنگی و تبلیغی در طول صدسال یا بیشتر به کار گرفته شد، تا این ملت را به خودشان بدبین کنند - یکی از شخصیت‌های سرشناس معروف می‌گفت: ایرانی، یک‌لول هنگ نمی‌تواند بسازد! - لول هنگ یعنی آفتابه گلی؛ آن زمان‌ها از گل، آفتابه درست

می کردند. این جور این ملت را تحقیر می کردند. این ملت حالا در زمینه های زیستی، در زمینه ی فعالیت های گوناگون علمی، تحقیقی کارهایی می کند که خودش را جزو ده کشور اول جهان قرار می دهد؛ این، شوخی نیست. این مسئله به ملت ما، به شما جوان ها، در هر جا که هستید و در هر قسمتی که کار می کنید، هشدار می دهد که قدر خودتان را بدانید، حرکت کنید، ناامید نشوید؛ شماها می توانید. شما آن نسلی هستید که اگر خوب عمل کردید، آینده ی این کشور را - صدسال، دویست سال یا بیشتر - تضمین خواهید کرد. همین بیدار شدن، همین حساس بودن، همین انگیزه داشتن، همین ایمان، همین امید، همین تکیه به هدایت الهی و اعتماد به کمک الهی، قواره ی اصلی بسیج است؛ این یک فرهنگ است.

اگر این طور حرکت کنیم، خدای متعال کمک خواهد کرد. کمک الهی متعلق به همه ی خلائق است؛ به شرطی که خودشان را آماده ی دریافت این کمک کنند؛ دستشان را دراز کنند و این میوه را بچینند؛ از جا بلند شوند، همت کنند و از این میوه استفاده کنند؛ این، در اختیار همه است. البته عده ای نمی خواهند، شهوات نمی گذارد، گمراهی ها نمی گذارد، کوری ها نمی گذارد که ببینند و بفهمند و همت کنند؛ اما شما ملتی هستید که خواسته اید، شناخته اید، حرکت کرده اید و استفاده ی زیادی هم برده اید، باز هم باید تلاش کنید، تا ان شاء الله از رحمت الهی استفاده کنید و ان شاء الله دعای حضرت بقیة الله هم شامل حال همه ی شماها باشد.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

بیانات در دیدار عمومی بسیجیان ۱۳۸۵/۶/۱۷

- ۱- آرزوی توفیق برای جوانان کشور
- ۲- تلاش جامعه برای تحقق اهداف والای پیامبر (ص)
- ۳- خلق نیکو، تحقق بخش اهداف پیامبر (ص)
- ۴- «خلق نیکو» چیست؟
- ۵- عوامل استقرار اخلاق در جامعه
- ۶- عوامل پیشرفت در راه تحقق اخلاق در جامعه
- ۷- استقامت در برابر ترغیب‌های دشمن هنر بزرگی است
- ۸- بسیج نمونه‌ی برجسته‌ی استقامت
- ۹- ایستادگی در برابر تهدیدهای دشمن
- ۱۰- عقب‌نشینی ملت یعنی قوی شدن دشمن
- ۱۱- نقش مهم رهبری در ایستادگی ملت‌ها
- ۱۲- آمریکا و صهیونیسم دشمن درجه اول ملت ایران هستند
- ۱۳- نخواهیم گذاشت آمریکا باز هم بر ما مسلط شود



بسم الله الرحمن الرحيم

❖ آرزوی توفیق برای جوانان کشور

به همه‌ی شما برادران و خواهران عزیز، به خصوص برادران و خواهرانی که از نقاط مختلف کشور در اینجا گرد آمده‌اید، خوش آمد عرض می‌کنم و امیدوارم سال جدید برای یکایک شما و همه‌ی جوانان عزیز کشورمان، سال موفقیت و شادابی و پیشرفت باشد.

❖ تلاش جامعه برای تحقق اهداف والای پیامبر (ص)

نام‌گذاری این سال به نام مبارک «پیامبر اعظم» یک پیام دارد؛ این پیام را باید با همه‌ی وجود و با همه‌ی دل دریافت کنیم و به اقتضای آن پیش برویم، و فقط این نیست که سال را متبرک کنیم به نام مبارک پیامبر. آن پیام، این است که جامعه‌ی ما - از فرد و مجموعه - باید روز به روز خود را به آنچه که پیامبر برای آن کمر همت بست و آن تلاش و مجاهدت را مبذول کرد، نزدیک کند. اهداف والای پیامبر اسلام را در «یک جمله» نمی‌توان گنجانید؛ لیکن می‌توان سرفصل‌هایی از آن را سرمشق کار خود در طول یک سال، یک دهه و یک عمر قرار داد.

❖ خلق نیکو، تحقق بخش اهداف پیامبر (ص)

یک سرفصل عبارت است از تکمیل مکارم اخلاقی: «بعثت لاتمم مکارم الاخلاق». جامعه بدون برخورداری افراد از خلقیات نیکو، نمی‌تواند به هدف‌های والای بعثت پیامبر دست پیدا کند.



❖ «خلق نیکو» چیست؟

آنچه فرد و جامعه را به مقامات عالی انسانی می‌رساند، اخلاق نیکوست. اخلاق نیکو هم فقط خوش اخلاقی با مردم نیست؛ بلکه به معنای پروراندن صفات نیکو و خلیات فاضله در دل و جان خود و انعکاس آن‌ها در عمل خود است. مردمی که در بین خود دچار حسد باشند، دچار بدخواهی یکدیگر باشند، دچار حيله گری با یکدیگر باشند، دچار حرص به دنیا و بخل نسبت به مال دنیا باشند و دچار کینه‌ورزی با یکدیگر باشند، در این جامعه حتی اگر قانون هم به طور دقیق عمل شود، سعادت در این جامعه نیست. اگر علم هم پیشرفت کند و تمدن ظاهری هم به متتهای شکوه برسد، این جامعه، جامعه‌ی بشری مطلوب نیست. جامعه‌ای که انسان‌ها در آن از یکدیگر احساس ناامنی کنند، هر انسانی احساس کند که به او حسد می‌ورزند، نسبت به او بددلی دارند، نسبت به او کینه‌ورزی می‌کنند، برای او توطئه می‌چینند و نسبت به او و دارایی‌اش حرص می‌ورزند، راحتی در این جامعه نیست. اما اگر در جامعه‌ای فضایل اخلاقی بر دل و جان مردم حاکم باشد، مردم نسبت به یکدیگر مهربان باشند، نسبت به یکدیگر گذشت و عفو و اغماض داشته باشند، نسبت به مال دنیا حرص نورزند، نسبت به آنچه دارند بخل نورزند، به یکدیگر حسد نورزند، در مقابل راه پیشرفت یکدیگر مانع تراشی نکنند و مردم آن دارای صبر و حوصله و بردباری باشند، این جامعه حتی اگر از لحاظ مادی هم پیشرفت‌های زیادی نداشته باشد، باز مردم در آن احساس آرامش و آسایش و سعادت می‌کنند؛ اخلاق، این است. ما به این احتیاج داریم. ما باید در دل خود، خلیات اسلامی را روز به روز پرورش دهیم. قانون فردی و اجتماعی اسلام در جای خود، وسیله‌هایی برای سعادت بشرنند (در این تردیدی نیست)؛ اما اجرای درست همین قوانین هم احتیاج به اخلاق خوب دارد.

❖ عوامل استقرار اخلاق در جامعه

برای اینکه در جامعه اخلاق استقرار پیدا کند، دو چیز لازم داریم: یکی تمرین و مجاهدت خود ماست و یکی هم آموزش‌های اخلاقی که به وسیله‌ی آموزش و پرورش، مراکز تربیتی و مراکز آموزشی و علمی باید در همه‌ی سطوح به انسان‌ها تعلیم داده شود؛ این‌ها موظفند. این



یک قلم از کارهای لازم در سال پیامبر اعظم الهی است؛ یعنی خودمان را در خلیات فاضله، مؤمن و مسلمان و تابع پیغمبر کنیم. یک فهرستی از صفات رذیله و زشت تهیه کنیم و ببینیم که هر کدام از آن‌ها در ما هست، سعی کنیم آن را کنار بگذاریم. همچنین یک فهرستی از خلیات نیک تهیه کنیم و سعی کنیم با تمرین، آن‌ها را برای خود فراهم کنیم.

❖ عوامل پیشرفت در راه تحقق اخلاق در جامعه

البته عامل پیشرفت در این راه، محبت است؛ محبت به خدا، محبت به پیامبر، محبت به این راه، محبت به آموزگاران اخلاق- یعنی پیامبران و ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام)- این عشق است که انسان را در این راه با سرعت پیش می‌برد؛ این عشق را باید در خودمان روز به روز بیشتر کنیم. «اللهم ارزقنی حبك و حب من یحبك و حب كل عمل یوصلنی الی قربك»؛ محبت خدا، محبت محبوبان الهی و محبت کارهایی که محبوب الهی است؛ این عشق‌ها را در دل خود برویانیم. این یک قلم از تعلیمات پیامبر، در سال پیامبر اعظم است.

یک قلم دیگر مسئله‌ی استقامت و ایستادگی است. در سوره‌ی «هود» خدای متعال به پیغمبر می‌فرماید: «فَاسْتَقِمْ کَمَا أَمَرْتُ وَ مِنْ تَابِ مَعَكَ وَ لَا تَطْغَوْا». یک روایتی از پیغمبر هست که فرمود: «ثَبِّتْنِی سُوْرَةَ هُوْد»؛ یعنی سوره‌ی «هود» من را پیر کرد؛ از بس بار این سوره سنگین بود. کجای سوره‌ی هود؟ نقل شده است که مراد، همین آیه‌ی «فَاسْتَقِمْ کَمَا أَمَرْتُ» است. چرا پیغمبر را پیر کند؟ چون در این آیه می‌فرماید: همچنانی که به تو دستور دادیم، در این راه ایستادگی کن، استقامت کن و صبر نشان بده. خود این ایستادگی کار دشواری است. این «صراط» است؛ پل صراطی که مظهر آن را در روز قیامت برای ما تصویر کرده‌اند. باطن عمل و راه ما در اینجا، همان پل صراط است؛ ما الآن داریم روی پل صراط حرکت می‌کنیم؛ باید دقت کنیم. اگر انسان بخواهد این دقت را در همه‌ی رفتار خود به کار بگیرد، او را پیر می‌کند. لیکن از این مهم‌تر به گمان من، آن جمله‌ی بعد است: «و مِنْ تَابِ مَعَكَ». پیغمبر فقط مأمور نیست که خودش ایستادگی کند؛ باید خیل عظیم مؤمنان را هم در همین راه به ایستادگی وادار کند. انسان‌هایی که از یک طرف در معرض هجوم بلایا و مشکلات زندگی هستند- دشمنان،



توطئه گران، بدخواهان و قدرت های مسلط - و از طرف دیگر، مورد تهاجم هواهای نفسانی خودشان هستند - خواهش های نفسانی و دل بی طاقت انسان که از زروزیور دنیا مجذوب می شود و به سمت آن ها کشیده می شود - از این صراط مستقیم، به چپ یا راست انحراف پیدا می کنند. محبت طلا و نقره، محبت پول، محبت شهوات جنسی، محبت مقام و این ها، چیزهایی است که هر کدام، یک کمندی بر گردن دل انسان می اندازند و آن را به سمت خودش می کشانند. مقاومت و ایستادگی در مقابل این ها که انسان پایش نلغزد: «و من تاب معک»؛ مؤمنین را در بین این دو جاذبه ی قوی - جاذبه ی فشار دشمن و جاذبه ی فشار درونی دل هوسران - و این دو مغناطیس، در خط مستقیم نگه داشتن و هدایت کردن، به گمان زیاد، این، آن کاری است که پیغمبر را پیر کرد.

❖ استقامت در برابر ترغیب های دشمن هنر بزرگی است

می دانید نبی اعظم اسلام مسلمان ها را - چه در دوران مکه (سیزده سال) و چه در دوران تشکیل حکومت در مدینه - از چه گذرگاه های لغزنده و دشواری عبور داد و به آن قله ها رساند؟ یک چنین حرکت عظیمی، کار هیچ انسانی نبود. آن مردمی که هیچی نمی فهمیدند و از اخلاق انسانی هیچ بویی نبرده بودند. پیغمبر این ها را به انسان هایی تبدیل کرد که فرشتگان الهی در مقابل عظمت و نورانیت آن ها احساس حقارت می کردند. استقامت، این است. امروز ما احتیاج به استقامت داریم. ما هم از یک طرف، جاذبه های زندگی رنگارنگ، دل ها و هوس های ما را برمی انگیزد. ما در دوران انقلاب، چقدر آدم ها دیدیم که دل ها و اعتقادهای خوبی داشتند؛ اما در مقابل راحت طلبی، شهوات، قدرت و مقام، تعریف این و آن، و تهدید دشمن طاقت نیاوردند، به یک طرف لغزیدند و به معارضان و احياناً معاندان راه خدا تبدیل شدند. بنابراین ایستادگی لازم است. در مقابل دشمن هم ایستادگی لازم است. دشمن تهدید می کند، وعید و وعده می دهد، دائم عظمت خود را به رخ جامعه ی اسلامی و پیشرو می کشد، با زبان زور صحبت می کند و احياناً زبان زور را با برخی شیرینی های وعده های فریبنده در هم می آمیزد تا اینکه دل ها را گمراه کند. استقامت کردن در مقابل فریب ها و تهدیدهای دشمن،



هنر بزرگی است که اگر یک ملت این هنر را داشته باشد، آن وقت به قله می‌رسد؛ به جایی که دیگر دشمن فایده‌ای در تهدید نمی‌بیند و مجبور است با او بسازد یا در مقابل او تسلیم شود.

❖ بسیج نمونه‌ی برجسته‌ی استقامت

ملت ما این بخش از قضیه را از اول انقلاب تا امروز، خوب عمل کرده‌اند و ایستادگی کرده‌اند. شما بسیجی‌ها یکی از نمونه‌های برجسته‌ی این استقامتید. یک وقتی در دوران دفاع مقدس، شرق و غرب دنیا باهم علیه ملت ما همدست شدند؛ ملت ایستاد؛ امام مثل کوه استواری ایستاد و ملت هم به او لبیک گفتند. این استقامت، ما را در این جنگ طولانی و دشوار - هشت سال - موفق کرد و پیروز شدیم، و دشمن خوار و خفیف شد. همه‌ی آن نیروهای جهنمی که پشت سر رژیم بعثی بودند، مجبور شدند به قدرت و عظمت ملت ایران اعتراف کنند. بعدها هم به شکل‌هایی دیگر و امروز هم به شکل دیگر.

❖ ایستادگی در برابر تهدیدهای دشمن

«تهدید» یکی از کارهای دشمن است؛ یکی از شیوه‌های دشمن، تهدید کردن است. ممکن است در یک مواردی تهدید خود را عمل هم کند؛ اما آن ملتی در این میدان کشمکش خواهد توانست عظمت، عزت، هویت و منافع خود را حفظ کند که عقب‌نشینی نکند و بایستد. این استقامت - «فما استقاموا لکم فاستقیموا لهم»؛ تا وقتی که دشمن در مقابل شماست و علیه شما ابزارهای تهدید و تخویف خود را مطرح می‌کند، باید ایستادگی کنید - در چند جای قرآن تکرار شده است؛ ایستادگی.

❖ عقب‌نشینی ملت یعنی قوی شدن دشمن

یک ملت منفعی دارد - مشروع و مباح، معقول و منطقی - خوب می‌خواهد این منافع را تحصیل کند. ملت، استعدادی در جوانانش هست، برکاتی در زمینش هست و موقعیتی در جایگاه جغرافیایی‌اش هست؛ یک ملت حق دارد از این‌ها استفاده کند. قدرت‌های زورگوی دنیا (نه امروز، از قدیم) عادت کرده‌اند دست روی منافع ملت‌ها بگذارند و بگویند این مال من. هر جا ملت‌ها و رهبران آن‌ها کوتاه آمده‌اند، آن‌ها جری‌تر شده‌اند. انگلیس‌ها شبه قاره‌ی



هند را در قرن نوزدهم گرفتند، ثروت شبه قاره را مثل خونی نوشیدند، خودشان را قوی کردند و هند را ضعیف. این طوری است. وقتی یک ملتی در مقابل طمع ورزی دشمنان قوی پنجه عقب نشینی می کند،

میدان را برای آن ها باز می کند. او در یک چنین وضعیتی، این طور نیست که حالا بگوید، به این ها رحم کنیم، ملاحظه کنیم، این ها عقب نشینی کردند؛ نخیر، تا این ملت عقب نشینی کند، آن جلو می آید و بدون مانع، پنجه های خود را در گوشت و پوست این ملت فرو می کند و تا جایی که زورش برسد، از او می کند؛ او را ضعیف می کند و خودش را قوی می کند.

❖ نقش مهم رهبری در ایستادگی ملت ها

ملت ها همیشه آماده ی مقاومتند؛ مهم رهبران آن ها است. شما ببینید این ملت فلسطین که امروز این طور ایستاده است، همان ملت فلسطین پنجاه سال قبل است. آن روز ایستادگی نکرد، آن بلاها سرش آمد؛ امروز ایستادگی می کند و دشمن را قدم به قدم مجبور به عقب نشینی می کند. ملت ایران امروز همان ملت صد سال قبل است. صد سال قبل مسئولان این کشور و این ملت، در مقابل دشمنان، خودشان را دچار وادادگی کردند و ایستادگی نکردند؛ اجازه دادند دشمن بیاید و وارد این سرزمین شود؛ بر اقتصاد، سیاست، منابع و نفت این کشور تسلط پیدا کند؛ دشمن هم قدم به قدم جلو آمد. راه را قاجاریه باز کردند؛ اما دشمن پاداش آن ها را این طوری داد که پهلوی را سر کار آورد؛ نوکرِ قلدرِ گوش به فرمان. روز به روز سلطه شان را بر این مملکت بیشتر کردند. در انقلاب، همان ملت بود که با رهبری امام بزرگوار ما به خود آمد، بیدار شد، عقده های فروخته و دردهای متراکم دوران های گذشته، او را وادار به حرکت کرد؛ کاری کرد که ملت را از ته دره های فراموش شدگی و ذلت، به اوج عزت رساند. امروز ملت ایران، یکی از عزیزترین ملت های دنیاست؛ نه فقط در نظر مسلمان ها، حتی در نظر دشمنانش. استقامت، این است. این راه را بایستی ملت ایران با قدرت تمام ادامه دهد.

حالا امروز مسئله ی فناوری هسته ای مطرح است. این هم که مطرح نباشد، یک موضوع دیگر مطرح خواهد شد؛ دشمن عادتش این است. هر چیزی که برای یک ملتی مایه ی پیشرفت



است، برای قدرت های بین المللی، آن چیز یک خطر محسوب می شود؛ نباید ملت ها پیشرفت کنند. ملت اگر خودش توانایی استخراج نفت را می داشت و توانایی پالایش نفت را می داشت و توانایی استحصال گوناگون از نفت را می داشت، دیگر چرا انگلیس ها بیایند استخراج و پالایش را به عهده بگیرند و امتیاز آن را در جیب خود بریزند. آن روز از ناتوانی های ملت استفاده می کردند. حالا این ملت به توانایی رسیده، می خواهد خودش کشورش را اداره کند، می خواهد خودش استحصال کند، می خواهد خودش این استعدادها را پرورش بدهد و می خواهد برای کشور خودش این استعدادها را به کار بپردازد؛ اما آن ها ناراحتند.

❖ آمریکا و صهیونیسم دشمن درجه اول ملت ایران هستند

امروز دشمن ملت ایران در درجه ی اول، آمریکا و صهیونیست ها هستند؛ البته انگلیس هم آتش بیار معرکه است. در مقابل منافع ملت ایران، آن ها قرار دارند؛ اما اسمش را می گذارند اجماع جهانی؛ اجماع جهانی ای وجود ندارد! اجماع جهانی، علیه استکبار امریکا است، علیه دخالت ها و اشغال امریکا است، علیه جنگ افروزی ها و فتنه انگیزی های امریکا در سرتاسر دنیا است؛ این اجماع جهانی است. «مرگ بر امریکا» این است که ملت ایران و شما جوانان در این راه، محکم بایستید و پیش بروید.

❖ نخواهیم گذاشت آمریکا باز هم بر ما مسلط شود

خوشبختانه مسئولین کشور، همه با گام محکم به پیش می روند و در این راه استقامت می ورزند. حالا امروز قضیه ی فناوری هسته ای مطرح است و تبلیغات دشمن و جنگ روانی شبکه های تبلیغاتی صهیونیستی در دنیا شایعه می پراکنند که: ایران دارد بمب اتم درست می کند، ایران حاضر نیست با کشورهای اروپایی و غیر اروپایی مذاکره کند؛ خوب، این ها حرف هایی است که می زنند، کاری است که می توانند بکنند و می کنند، و دشمنی ای است که می توانند به خرج دهند و به خرج می دهند؛ اما حقیقت قضیه غیر از این هاست؛ ما هم می دانیم، آن ها هم می دانند. حقیقت قضیه این است که با پیشرفت ملت ایران مخالفند؛ چون این پیشرفت جلوی منافع نامشروع آن ها را برای همیشه در این کشور خواهد گرفت؛ لذا



مخالفند. من در مشهد گفتم، حرف دل آمریکایی ها این است که ما در این مملکت، یک روزی بر همه چیز این کشور مسلط بودیم، انقلاب شما مردم آمده، دست ما را کوتاه کرده؛ بگذارید دوباره مسلط شویم؛ این حرف دل آمریکایی هاست.

امروز بحمد الله جوان های ما، مردم ما، مرد و زن ما، و همه ی اقشار ملت ما با آگاهی و بیداری، راه خودشان را پیدا کرده اند و پیش می روند. مسئولین کشور هم بحمد الله با شجاعت و تدبیر و به برکت این روحیه ی جوان و پُرشور، و گرایش عموم جوانان ما به تحصیل مدارج عالیه در علم و عمل، دارند راه را طی می کنند و پیش می روند. إن شاء الله این کشور به نقطه ای خواهد رسید که دشمنان را از اینکه بخواهند دست اندازی کنند، مأیوس کند.

امیدواریم خداوند متعال به برکت ادعیه ی زاکیه ی ولی عصر (أرواحنا فداه) همه ی شما جوان ها، بسیجیان و ملت عزیز ایران را مشمول توفیقات و رحمت و لطف خود قرار دهد و إن شاء الله بتوانید در این برهه ی از زمان، در این مقطعی که فرصت متعلق به شماست، کشور را طوری بسازید که نسل های آینده از شما متشکر باشند و از شما به نیکی یاد کنند.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته



بیانات در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه ۳۱/۲/۱۳۸۶

۱. دانشجویان بسیجی مایه‌ی مباهات
۲. ذهنیت شفاف و درک متعالی از مسائل کشور و جهان
۳. نگرانی جوان بسیجی، قابل تقدیر است
۴. دانشجوی بسیجی محافظه‌کار نیست ولی کاملاً هوشیار است
۵. ضرورت بیداری کامل در شناخت دشمن
۶. توقع از دانشجوی بسیجی
۷. اردوهای جهادی دانشجویی
۸. بسیج، تشکل دویعدی
۹. سپاه نماد مقاومت انقلابی
۱۰. هویت سپاه
۱۱. سپاه تکیه‌گاه مطمئن برای تشکل دانشجویی
۱۲. ارتباط با سپاه افتخار دانشجوی بسیجی
۱۳. فرق تشکل دانشجویی با تشکل‌های دیگر
۱۴. بسیجی، راز ایستادگی و امید ما به آینده
۱۵. تقسیم دنیا به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر
۱۶. امریکا رأس سلطه‌گری
۱۷. زیر سؤال رفتن مسلمات رأس سلطه‌گری
۱۸. ایران مرکز فرماندهی جبهه‌ای از جنگ اراده‌ها در دنیا
۱۹. دنیا کفهی نیروی حزب‌اللهی را سنگین‌تر می‌بیند
۲۰. بسیج دانشجویی در گجای خیمه‌ی فرماندهی است
۲۱. دشمن، سه هدف را دنبال می‌کند

بسم الله الرحمن الرحيم

❖ دانشجویان بسیجی مایه‌ی مباهات

این جلسه‌ی بسیار عزیز و شما جوانان عزیز، یکی از شیرین‌ترین نعمت‌های خدا بر این بنده‌ی حقیر است. جمع دانشجویان بسیجی، نیروهای زنده، فعال، هوشمند و در حقیقت سربازان آماده‌به‌کار و کمر بسته‌ی اسلام و انقلاب، برای هر مسئولی - بلکه برای هر احدی از آحاد کشور که به سرنوشت این کشور علاقه دارد - مایه‌ی سپاس و مایه‌ی مباهات است.

❖ ذهنیت شفاف و درک متعالی از مسائل کشور و جهان

مطالبی را برادران و خواهران بیان کردند. اگر وقت می‌بود و برای من و جلسه ممکن بود، ترجیح می‌دادم که این یک ساعت دیگر را هم از مطالب و نظرات شما بشنوم؛ ولی همین مقداری که شما عزیزان آمدید و مطرح کردید، بنده را خیلی خرسند می‌کند. آن چیزی که همیشه من آرزو داشتم، از خدا می‌خواستم و برای آن تلاش می‌کردم، در بیانات شما جوانان عزیز بسیجی به‌طور مجسم مشاهده کردم و آن عبارت است از: وجود یک ذهنیت شفاف و روشن، یک درک متعالی از مسائل کشور و مسائل جهان، اهمیت بسیج و اهمیت حضور جوان در محیط علمی و در محیط سیاسی. نقطه‌نظرهایی که من همیشه تلاش می‌کردم که جامعه‌ی جوان مؤمن و انقلابی‌ما، به آنها توجه کنند و در آنها پیشرفت کنند، در بیانات عزیزانی که صحبت کردند، فی‌الجمله مشاهده کردم. مطمئنم اگر تعداد بیشتری هم صحبت می‌کردند، این باور و این احساس بیشتر می‌شد.

ابتدا اشاره‌ای کوتاه به برخی از مطالبی که برادران و خواهران در اینجا بیان کردند

می‌کنم؛ بعد هم چندجمله‌ای در جمع‌بندی مسائل بسیج و بسیج دانشجویی و مسائل کلی کشور عرض خواهم کرد.

❖ نگرانی جوان بسیجی، قابل‌تقدیر است

اولاً این که جوان بسیجی بیاید و درباره‌ی این که: «خوب است دولت مشکلات صنفی دانشجویان را - که به آسانی قابل حل است - حل بکند» صحبت کند یا از این که: «کار علمی در میان بسیج، حمایت و پشتیبانی لازم را پیدا نمی‌کند» گلایه بکند، این من را خوشحال می‌کند؛ این همان توقعی است که ما از بسیج داریم. بسیج یعنی آن عنصر دل‌سوزی که کشور را متعلق به خود و آینده را وابسته‌ی به تلاش خود می‌داند؛ نگران است، چون صاحبخانه است. اگر در خانه یک شیشه بشکند، ممکن است مهمان‌ها و تماشاکن‌ها خیلی اهمیتی ندهند، اما برای صاحبخانه فرق نمی‌کند که شیشه‌ی کدام اتاق بوده و نگران می‌شود؛ صاحبخانه است دیگر. این نگرانی را من در شما مجموعه‌ی جوان بسیجی، قدر می‌دانم.

❖ دانشجوی بسیجی محافظه‌کار نیست ولی کاملاً هوشیار است

راجع به مسئله‌ی ورود در سیاست بحث شد. من حالا مطالبی عرض خواهم کرد و امیدوارم که این معنا روشن بشود. به نظر من سؤال ندارد! مگر مجموعه‌ی بسیجی - آن‌هم بسیجی انقلاب و دانشجوی انقلاب - می‌تواند نسبت به مسائل سیاسی کشور بی‌تفاوت یا بدون موضع و بدون نظر باشد؟! مگر چنین چیزی ممکن است؟! من، شما دانشجوی‌های بسیجی را توصیه می‌کنم به این که محافظه‌کار نشوید و همواره دانشجو و بسیجی - به همان معنای مثبت و پُر خون و پُر تپش - باقی بمانید. البته دنباله‌ی این که می‌گوئیم «محافظه‌کار نشوید» این است که «ولی هوشیار هم باشید». کاملاً هوشیار باشید. شعار می‌دهید: دانشجو بیدار است! بله، همین توقع هست؛ من می‌خواهم به شما عرض بکنم: بیدار باشید. بیداری دانشجو هم فقط بیزاری از امریکا نیست. امریکا چیست؟ امریکا به معنای یک منطقه‌ی جغرافیایی یا یک ملت مطرح است؟ یا نه، به عنوان یک حجم و هویت سیاسی، امنیتی، تشکیلاتی، فرهنگی که به چشم دیده نمی‌شود؟ آن‌هم تشکیلاتی با پشتوانه‌ی عظیم مالی و تجربه‌ی فراوان در کار تبلیغات و

جنگ روانی. بیزاری از این، بیداری مضاعف لازم دارد. مثل بیداری در میدان جنگ نظامی نیست که شما اگر در سنگر بیدار باشید، به مجردی که دشمن کوچک‌ترین تحرکی نشان داد، او را هدف قرار بدهید. در جنگ فرهنگی، در جنگ سیاسی، در جنگ امنیتی، تحرک دشمن را درست نمی‌توان دید. گاهی اوقات، دشمن کار را به گونه‌ای ترتیب می‌دهد که حرف حقی، از زبان یک نفر صادر بشود! دشمن ناحق و باطل است، پس چرا می‌خواهد این حرف حق از زبان آن شخص صادر بشود؟ چون می‌خواهد پازل خودش را کامل کند. این پازل از صد یا دویست قطعه تشکیل شده؛ یک قطعه‌اش هم همین حرف حقی است که آن شخص باید بزند تا این پازل را کامل کند! اینجا این حرف حق را نباید زد. پازل دشمن را کامل نباید کرد. در این حد هوشیاری لازم است! بله، وارد سیاست بشوید و فکر سیاسی کنید؛ اما بسیار هوشیار. دشمن نباید بتواند از هیچ حرکت و اظهار و موضع‌گیری شما استفاده کند. این، اصل اول و یک خط قرمز است.

❖ ضرورت بیداری کامل در شناخت دشمن

چه طور دشمن را بشناسیم؟ چه طور تمایلات او را کشف کنیم؟ چه طور بفهمیم که این کار به نفع دشمن یا به ضرر دشمن است؟ این همان نقطه‌ی اساسی است. این همان جایی است که به اهتمام کامل، مطلقاً سهل‌انگاری نکردن و هوشیاری و بیداری کامل احتیاج دارد. اگر هم در جایی برای انسان مطلب روشن نیست، آنجا نباید حرکت کند. اگر دیدید زیر پا محکم است، پا بگذارید؛ اگر دیدید مشکوک است، پا نگذارید. بنابراین محافظه‌کار نباشید، اما هوشیار باشید؛ این، آن خط سیاسی است. البته سخت است و آسان نیست؛ اما شما هم مرد کار سختید؛ بسیجی هستید و باید این کار سخت را به عهده بگیرید.

❖ توقع از دانشجوی بسیجی

ممکن است فلان تشکل دیگر دانشگاهی این ظرفیت را نداشته باشد که حتی این حرف را بشنود؛ اما شما به عنوان بسیج، باید این ظرفیت را داشته باشید که این کار را بکنید؛ تفاوت شما این قدر است. دانشجوی عزیز تبریزی‌مان، خیلی خوب و جمع‌بندی شده حرف زد. این جور

ذهنیت‌ها - جمع‌بندی کردن و مطالب را از بالاسرِ خطوط سیاسی و جناح‌بازی‌ها دیدن - همان چیزی است که من از دانشجوی بسیجی توقع دارم.

❖ اردوهای جهادی دانشجویی

اردوهای جهادی دانشجویی بسیار کار خوبی است و یکی از شعبه‌های کمک به دولت است؛ که بعداً درباره‌ی آن عرض خواهم کرد. این هم که سؤال بکنیم آیا بسیج وارد عرصه‌ی علم بشود یا نشود، این از همان سؤال‌هایی است که تعجب من را برمی‌انگیزد! چرا نشود؟! بسیج باید جلوتر از همه وارد عرصه‌ی علم بشود. شما باید بروید و عرصه‌های علمی را، عرصه‌های فناوری را، نوآوری‌های علمی و آفاق شناخته‌نشده‌ی علم را تصرف کنید. البته درس نخوانده و کارنکرده نمی‌شود؛ این هم راه دارد و بعد عرض خواهم کرد.

❖ بسیج، شکل دوبعدی

در مورد بسیج، این مطلبی را که بعضی از این عزیزان من هم به آن اشاره کردند، یک قدری بازکنم. بسیج یک شکل دوبعدی است: یک اتصال به محیط دانشجویی و دانشگاه و یک اتصال به سپاه دارد.

❖ سپاه نماد مقاومت انقلابی

سپاه چیست؟ آیا سپاه صرفاً یک سازمان نظامی است؟ نه، سپاه نماد مقاومت انقلابی و شجاعانه است؛ این هرگز فراموش‌تان نشود. شما خیال نکنید که سپاه صرفاً یک سازمان نظامی است؛ آن وقت یک عده هم بیایند بگویند: سپاه یک سازمان نظامی است، ما که نظامی نیستیم! نه، سپاه فراتر از یک سازمان نظامی است.

❖ هویت سپاه

سپاه مجموعه‌ای است که برای مقاومت، برای مجاهدت، برای همان هدف‌هایی که شما امروز در دانشگاه برای آنها دارید درس می‌خوانید، از زمین حاصلخیز انقلاب اسلامی رودید. کجا؟ در میدان مجاهدت! این معنای سپاه است. البته هیچ کس خیال نمی‌کرد؛ ولی رشد بی‌سابقه و فوق‌العاده‌ای هم کرد. بسیاری از عناصر اصلی سپاه، جوان‌هایی مثل شما و در سن

شما - بعضاً هم از سن شما پائین تر - بودند. یک وقت باخبر شدند که دشمن حمله کرده؛ درس و امتحان و کلاس و استاد و خانه و زندگی راحت را گذاشتند و به جبهه رفتند؛ «فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر»: عده‌ای شهید شدند، عده‌ای مجروح شدند، عده‌ای هم برگشتند؛ این سپاه است.

البته معلوم است که «حکم مستوری مستی همه بر عاقبت است»؛ بنده نمی‌گویم هر کس به جبهه رفت و لباس سپاهی پوشید، فرشته است؛ نخیر، بعضی از همین فرشته‌ها؛ تبدیل شدند به شیطان! خصوصیت انسان همین است که اگر از خود مراقبت نکند - حتی در آن وقتی که به سر حد فرشته هم می‌رسد - امکان سقوط دارد و ممکن است سقوط کند. بعضی‌ها سقوط کردند؛ لیکن آنها تشکیل‌دهنده‌ی هویت سپاه نیستند؛ هویت سپاه این چیزی است که من گفتم - البته در داخل این هویت، آدم‌ها در سطوح مختلفی قرار دارند.

❖ سپاه تکیه‌گاه مطمئن برای شکل دانشجویی

پس شما از یک بُعد به دانشگاه و محیط دانشجویی و درس و علم و بحث و تحقیق، و از یک بُعد به مجموعه‌ی سپاه وصل هستید؛ این یک خصوصیت ویژه است. حالا با این دو بُعد، شما سپاهی هستید یا دانشجوی و شکل دانشجویی؟! این سؤال مهمی است. پاسخ این است که نه، شما نظامی نیستید؛ شما دانشجو و یک شکل دانشجویی هستید؛ منتها یک شکل دانشجویی که به نقطه‌ی مطمئنی - که عبارت است از همان نماد مقاومت - تکیه دارد؛ البته این تکیه‌گاه، تحرک او را محدود نمی‌کند، دست و پای او را نمی‌بندد، کار علمی او را محدود نمی‌کند، هویت او را نظامی نمی‌کند، اما به او ذخیره‌ای از دستاورد تجربه‌ی جهادی و انضباط ناشی از این تجربه می‌بخشد؛ این به نفع شکل دانشجویی است: از خیرش استفاده می‌کنید، اما نظامی هم نمی‌شوید.

❖ ارتباط با سپاه افتخار دانشجوی بسیجی

البته من بلافاصله بگویم: نظامی شدن به هیچ وجه نقطه‌ی ضعف نیست؛ نظامی بودن افتخار است؛ منتها شما در محیط دانشجویی، این افتخار را ندارید؛ افتخارات دیگری دارید. این

افتخار مال محیط نظامی است. بله ممکن است یک دانشجوی بسیجی، به عنوان بسیج فعال یا بسیج ویژه در رزمایش‌ها هم شرکت کند یا کارهای دیگری هم انجام بدهد و یک افتخار نظامی هم بگیرد؛ مانعی ندارد؛ اما بدنه‌ی بسیج دانشجویی، نظامی نیست؛ یک تشکل دانشجویی با همان خصوصیات یک تشکل دانشجویی است. بنابراین توصیه‌ی من این است: دانشجو بماند و به ارتباط با سپاه افتخار کنید. نظامی نیستید - نظامی بودن یک افتخار است؛ آن هم نظامی‌ای که عضو سازمان نظامی سپاه باشد - اما اگر کسی نظامی شد، این برای او یک افتخار است؛ کسی هم نخواست، اجباری ندارد.

❖ **فرق تشکل دانشجویی با تشکل‌های دیگر**

فرق این تشکل با تشکل‌های دیگر چیست؟ چون در بین تشکل‌های دیگر هم تشکل‌های مؤمن، انقلابی و علاقه‌مند هستند. فرق این تشکل با تشکل‌های دیگر این است: بسیج به معنای فرد یا مجموعه‌ی آماده‌ی برآوردن نیازهای انقلاب است، در هر زمان و از هر نوع؛ این معنای بسیج است. تشکلی به این نام تشکیل شده و شما عضو او هستید. اگر دیگری در یک سازمان دیگر است و همین احساسات شما را دارد، او هم بسیجی است و فقط رسماً جزو سازمان شما نیست. کما این که در محیط کارگاه، هر کس این احساس را دارد بسیجی است. در محیط روحانیت و حوزه‌ی علمیه، هر کس این احساس را دارد بسیجی است. در محیط بازار و در محیط اداره و در محیط روستا، هر کس این احساس را دارد بسیجی است؛ این احساسی که فردی آماده است در هر زمان و در هر عرصه‌ای که به او نیاز باشد، حضور پیدا کند.

❖ **بسیجی، راز ایستادگی و امید ما به آینده**

من که عرض می‌کنم: افتخار خود من این است که یک بسیجی باشم؛ سعی کرده‌ام این‌جوری عمل کنم. سال آخر ریاست جمهوری - دو، سه ماه مانده بود به آخر ریاست جمهوری من - در یکی از دانشگاه‌ها برای یک جمع دانشجو صحبت می‌کردم و به سؤالات پاسخ می‌دادم؛ یکی از سؤالات این بود که شما بعد از ریاست جمهوری قصد دارید چه کار کنید و شغلتان چه باشد؟ گفتم: اگر امام به من بگوید برو بشو رئیس عقیدتی سیاسی

فلان پاسگاه مرزیِ منتهاالیه جنوب شرقی کشور، من با افتخار می‌روم آنجا و مشغول خدمت می‌شوم! اگر این کار از من برمی‌آید و این کار را از من می‌خواهند، من حاضرم و به آنجا می‌روم؛ توطین نفس کردم. این را از باب اینکه شما فرزندان من هستید، به شما دارم می‌گویم. صحبت پدر فرزندی است؛ نمی‌خواهم راجع به خودم صحبت بکنم. هر جا و در هر زمانی به شما نیاز هست، آنجا حاضر باشید. این می‌شود آینده؛ بسیج یعنی این. البته بعضی‌ها صد درصد بسیجی‌اند، بعضی صد درصد نیستند: نود درصد، هشتاد درصد. کشور ما و نظام ما به این احتیاج دارد و این چیزی که مورد احتیاجش هست، خوشبختانه دارد. راز ایستادگی ما این است؛ راز امید ما به آینده هم همین است. هیچ نقطه‌ی کوری در چشم‌اندازِ مقابل ما وجود ندارد. چرا؟ به خاطر همین.

❖ تقسیم دنیا به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر

ما امروز یک نظامی هستیم که در دنیای پیچیده‌ی پر مسئله‌ی سیاست و اقتصاد، نوآوری کردیم؛ نمی‌گذارند این حقیقت به درستی آشکار بشود. ملت ایران و جمهوری اسلامی، یک نوآوری پُریاهو و پر اثری داشته است. من بارها گفته‌ام، دنیای سیاست - بعد از چالش‌ها و زیور و شدن‌های فراوان - تبدیل شد به دنیای سلطه؛ یعنی تقسیم دنیا به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر. چند کشور سلطه‌گر و بقیه‌ی کشورها سلطه‌پذیرند؛ در کشورهای سلطه‌گر هم آحاد مردم سلطه‌پذیر و فقط یک عده‌ی معدودی سلطه‌گرند. یعنی هرم دنیا ناگهان از سطح وسیع قاعده، با یک حرکت تند و تیز به رأس کوچکی می‌رسد که دارد بر همه‌ی دنیا حکومت می‌کند؛ این دنیای سلطه است.

❖ امریکا رأس سلطه‌گری

بعد از فرو ریختن شوروی، دنیای سلطه باز هم دامنه‌اش تنگ‌تر شده؛ یعنی این رأس، به شکلی در انحصار یک دولت و یک قدرت درآمده و او امریکاست. امریکا هم قانع نیست؛ روسیه هم که در مقابل امریکا کوتاه آمد، باز امریکا قانع نیست و دارد همین‌طور پیشروی می‌کند؛ الآن استقرار سامانه‌های موشکی در قلمرو ناتو - در اروپا - را ببینید، این یکی از

آن کاره است؛ یا حضور امریکا در قفقاز را ببینید؛ قفقاز یک روزی حیات خلوت روس‌ها بوده! امریکا همین‌طور دارد روسیه را هم محاصره می‌کند.

❖ زیر سؤال رفتن مسلمات رأس سلطه‌گری

حالا در این دنیای سلطه - که حتی دولت‌های اروپایی هم که خودشان جزو خانواده‌ی قدرت‌اند، جرئت نمی‌کنند در مقابل قدرت امریکا حرف زیاد بزنند و فقط گاهی نق می‌زنند؛ چه برسد به دولت‌های متوسط و پایین - ملتی به وجود آمده که تمام مسلمات آن رأس قدرت را زیر سؤال برده؛ همه‌ی مسلمات سیاسی رأس قدرت، رفته زیر سؤال. زیر سؤال رفتن، فی‌نفسه چیزی نیست؛ اما اشکالش برای امریکا این است که این مجادله‌ی سیاسی، یک مجموعه‌ی عظیمی تماشاگر دارد. تماشاگرها کیست‌اند؟ ملت‌ها؛ که دارند نگاه می‌کنند و می‌بینند. تأثیری که این در روحیه‌ی ملت‌ها می‌گذارد، برای قدرت استکباری امریکا از هر زهری تلخ‌تر است. امروز در همان کشورهایی که امریکا بر دولت‌های آنها مسلط است - در آسیا و آفریقا و خاورمیانه و امریکای لاتین - در بین ملت‌های آنها، امریکا منفورترین دولت‌های دنیاست. این به‌خودی‌خود پیش نیامده؛ این تصادفی پیش نیامده.

❖ ایران مرکز فرماندهی جبهه‌ای از جنگ اراده‌ها در دنیا

قدر شهدای جبهه‌تان را بدانید، قدر آن مقاومت‌های مظلومانه را بدانید، قدر آن ایستادگی و صلابت از پولاد محکم‌تر امام راحل را بدانید؛ این‌هاست که ملت فلسطین را یک‌طور، ملت لبنان را یک‌طور، ملت‌های امریکای لاتین را یک‌طور، ملت آفریقای جنوبی را یک‌طور، ملت‌های خاورمیانه را یک‌طور، ملت‌های بسیاری از کشورهای عرب را - که دولت‌هاشان وابسته‌ی به امریکا هستند - یک‌طور، تحت تأثیر قرار داده. مهم این است که جوان ایرانی بداند ایران در کجای این جبهه است. در دنیا یک جنگ عظیم و یک چالش بزرگ برپاست؛ جنگ توپ و تفنگ نیست، اما جنگ اراده‌ها و عزم‌ها و سیاست‌ها و تدبیرهاست. ایران در کجای این جنگ است؟ ایران در جبهه‌ای از این جنگ در مرکز فرماندهی قرار دارد که افراد آن جبهه را ملت‌ها تشکیل می‌دهند. سرسری عبور نکنیم از این که وقتی رئیس‌جمهور ایران به

اندونزی می‌رود، در نماز جمعه برایش شعار می‌دهند، در دانشگاه برایش شعار می‌دهند، در مجموعه‌ی اساتید برایش شعار می‌دهند و اگر اجازه می‌دادند در کوچه و بازار راه بروند، مردم هم برایش شعار می‌دادند. این‌ها چیزهای مهمی است.

بنده زمان ریاست جمهوری به پاکستان رفتم؛ آن‌چنان تظاهراتی شد که باوجود این که قرار بود ریگان - رئیس‌جمهور امریکا - بعد از سفر من برود و از پاکستان بازدید کند، دیگر نرفت! دیدند آبروریزی است برای او؛ چون آن وضعی که مردم در استقبال از رئیس‌جمهوری اسلامی ایران به وجود آوردند، اگر او می‌رفت آن گونه نمی‌شد. الان رئیس‌جمهوری اسلامی ایران به هر کشوری از کشورهای منطقه‌ی شرقی - چه اسلامی و چه حتی غیر اسلامی - بخواهد برود، وقتی به مردم بگویند، عکس‌العمل آنها شوق آمیز، با اظهار علاقه و با اظهار طرفداری است؛ به هر کدام از آنها بگویند رئیس‌جمهور امریکا می‌خواهد بیاید، عکسش را آتش می‌زنند و پرچمش را پاره می‌کنند! این طوری است. امروز در دنیا، جبهه‌ی سیاسی و جنگ اراده‌ها و عزم‌ها و تدبیرها به این شکل است؛ آرایش این جبهه این گونه است.

❖ دنیا کفه‌ی نیروی حزب‌اللهی را سنگین‌تر می‌بیند

اتاق فرماندهی این طرف این جبهه، ایران است: ایران حزب‌اللهی پُر از عزم و همت، اما با دست‌خالی؛ به خاطر این که صدسال قبل از او، سلاطین خائن پهلوی و قاجار، هر چه توانستند ضربه زدند، غارت کردند و لطمه زدند؛ حالا از صفر شروع کرده. طرف مقابل، دویست سال است که مشغول خودسازی است - چه از درون خودش، چه با آنچه که از دنیا غارت کرده - و دست او از لحاظ علمی و از لحاظ اقتصادی پُر است. دست این طرف - از لحاظ عُده‌ی ظاهری و پشتیبانی‌های ظاهری؛ یعنی پول و سلاح و این‌ها - خالی است؛ اما درعین حال دنیا وقتی نگاه می‌کند، این دو کفه را برابر، و در یکجایی کفه‌ی همین نیروی حزب‌اللهی را سنگین‌تر می‌بیند

❖ بسیج دانشجویی در کجای خیمه‌ی فرماندهی است

چرا سنگین‌تر می‌بیند؟ مگر ما چه داریم؟ همان احساس حضور! حضور! ما ملتی داریم که

با انقلاب آخت است؛ گره خورده است؛ جوشیده است. در بین این ملت که سطوح گوناگون و مختلفی دارند، روحیه‌ی جمع‌کثیری این است که هر جا و هر زمان و هر طور که لازم باشد، سینه‌شان را سپر می‌کنند و به وسط میدان می‌آیند. این نقطه‌ی قوت ماست. این چگونه حاصل شده است؟ با موتور ایمان، با روحیه‌ی انقلاب، با انگیزه‌ی دین؛ این حقیقتی که دنیاداران او را نفهمیدند! نفهمیدند که قدرت دین چه استحکامی به یک ملت و به یک نظام می‌دهد. جمهوری اسلامی به‌طور طبیعی در این راه و در این کیفیت قرار داشت و قرار گرفت؛ یعنی ایمان. حالا شما - بسیج دانشجویی - در این خیمه‌ی فرماندهی در کجا قرار دارید؟ خودتان معین کنید و فکرش را بکنید؛ البته با این محاسبه. دانشجو جماعت - بخصوص آن وقتی که انگیزه‌ی بسیجی و روح بسیجی بر او حاکم است - آن عنصر بی‌همتاست؛ بی‌همتا است. یعنی برای پیشبرد این حرکت عظیم، دیگر نمی‌توان روی او قیمت گذاشت.

❖ دشمن، سه هدف را دنبال می‌کند

من اول سال در مشهد گفتم؛ دشمن طبق نقشه‌های خود، سه هدف را دنبال می‌کند. اول: عقب‌نگه‌داشتن کشور از لحاظ اقتصادی؛ برای این که دولت را - که دولتی مکتبی و وفادار و هوادار ارزش‌های اسلامی است - ناکارآمد و نالایق و بی‌کفایت جلوه بدهند؛ لذا وضع اقتصادی برای این منظور، طبق نقشه‌های دشمن باید عقب بماند. دوم: عقب‌نگه‌داشتن علمی؛ برای این که آینده‌ی کشور، جز با نردبان علم، ترقی و پیشرفت نخواهد کرد. ملت ایران چاره‌ای جز این ندارد که از لحاظ علمی بنیه‌اش را تقویت کند و در علم پیش برود؛ استعدادش را هم خداداده است. سوم: بر هم زدن اتحاد و انسجامی که بین ملت ایران - یا بین ملت ایران و ملت‌های مسلمان - وجود دارد؛ که آن وقت شعار «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» را مطرح کردیم.

❖ کمک به کارآمدی دولت

شما از لحاظ کمک به کارآمدی دولت، در همه‌ی این سه قسمت می‌توانید فعال باشید. لازم نیست من در اینجا فرمولش را بگویم - که بعضی دوستان گفتند یکجانبه است یا دوجانبه

است - بروید فرمولش را پیدا کنید. شما بسیج هستید؛ اگر سازمان‌دهی شما، کارآمدی لازم را داشته باشد - که باید داشته باشد - و اگر وزرائی که عضو دولت‌اند، با شما همکاری کنند - که یقیناً می‌کنند؛ چون هم آقای زاهدی، هم آقای لنکرانی خودشان بسیجی‌اند - باید راهش را پیدا کنید. ببینید چه طور می‌شود از دولت و کشور و از این خیل عظیم جوان مؤمن و حاضر در میدان و دارای استعداد، در پیشرفت‌های گوناگون کشور استفاده کنید؛ چه در پیشرفت‌ها و تحرکات علمی، چه در کارهای جهادی و چه در کارهای اقتصادی.

البته جوان‌ها حواسشان باشد، من هیچ توصیه نمی‌کنم که شما اول درس خواندن بروید و عضو عالی فلان اداره - مشاور وزیر یا غیر آن - بشوید؛ نه، این‌طور چیزها را اصلاً من قبول ندارم؛ اسم و عنوانی که انسان را از لحاظ اعتبار بالا بیاورد، اما از لحاظ واقعیت در آن چیزی نباشد، فایده‌ای ندارد. در پیچ‌وخم تشکیلات عظیم فعالیت کشور - چه فعالیت اقتصادی، چه فعالیت اداری - و هر جایی ممکن شد، بشوید یک پیچ، بشوید یک مهره! در این کارخانه‌ی عظیم، هر کدام از پیچ‌ها شل باشد، محصول خراب خواهد شد. در خط تولید دیده‌اید؛ کارگرا ردیف می‌ایستند و هر کدام کارشان عبارت است از این که این پیچ یا مهره را محکم کنند یا کارهای دیگر را انجام بدهند. دانه‌دانه‌ی این کارها، در مجموعه‌ی کارکرد این دستگاه تأثیر می‌گذارد. این باید تأمین بشود.

❖ نیازهای بسیج دانشجویی

۱) فکر و تحلیل و روشن‌بینی

بسیج دانشجویی نیازهایی دارد؛ نیازهای اصلی و عنصری و اساسی: نیاز اولش به فکر و تحلیل و روشن‌بینی است. فکر، تفکر، اندیشه پردازی - یا به قول شماها کارِ تئوریک - در زمینه‌ی مسائل اسلام، در زمینه‌ی مسائل انقلاب، در زمینه‌ی مسائل بین‌المللی و در زمینه‌ی مسائل جاری؛ به‌طوری که دانشجوی بسیجی، در هر جمع دانشجویی، ذهن روشن‌تر، زبان گویاتر و ابتکار بیشتری داشته باشد. همان‌طوری که گفتم و اشاره کردم، حقایق را از ورای جناح‌بندی‌های سیاسی نگاه کنید و ببینید؛ از بالا نگاه کنید و جبهه را ببینید. در یک جبهه‌ی گسترده‌ای که ممکن است طول آن صد کیلومتر باشد، واحدهای گوناگونی هستند؛ یک نفر

در یک واحد، فقط خودش را می‌بیند. اما آن کسی که با هلیکوپتر از بالا عبور می‌کند، آرایش جنگی مجموعه‌ی این واحدها را می‌بیند. از بالا اوضاع کشور را نگاه کنید؛ آن وقت جای خودتان را درست پیدا می‌کنید که کجا باید باشید، چه کار باید بکنید، به چه چیز باید حساسیت نشان بدهید، به چه چیز باید حساسیت نشان ندهید. همان‌طور که گفتم گاهی یک حرف حق را نباید زد؛ چون گفتن این حرف، پازل دشمن را تکمیل می‌کند. مواظب باشید در هیچ مرحله‌ای، شما تکمیل‌کننده‌ی پازل دشمن نباشید.

(۲) جهاد علمی

یک نیاز دیگر عبارت است از جهاد علمی. جهاد علمی برای شما لازم است. باید در میدان‌های علم وارد بشوید؛ وزارتخانه‌ها هم باید کمک کنند؛ معاونت‌های تحقیقاتی هم باید کمک کنند؛ معاونت‌های اداری مالی دانشگاه‌ها و وزارتخانه‌ها هم باید کمک مالی کنند؛ خود سازمان مقاومت بسیج هم در بخش‌هایی باید کمک و پشتیبانی کند.

(۳) اخلاق و معنویت

یکی دیگر از نیازهای عمده‌ی شما مسئله‌ی اخلاق و معنویت است. شماها جوان‌های خوبی هستید؛ این را بدون تعارف می‌گویم؛ انصافاً جوان‌های بسیجی ما، جوان‌های خوبی هستند. اما خوبی مراتبی دارد. هیچ وقت در خوب بودن و خوب شدن حد نشناسید؛ مرتب در حال بالاتر رفتن باشید. سعی تان این باشد که گناه نکنید. فرائض را با شوق و رغبت انجام بدهید. از یاد خدا غفلت نکنید. با قرآن انس پیدا کنید. در محیط‌های گوناگون که با همدیگر هستید، سعی کنید به دین‌داری و معنویت یکدیگر کمک کنید. اگر رفیقی درجایی پای کج می‌گذارد، او را برادرانه و مشفقانه بازدارید. عزیزان من! از لحاظ اخلاق خودسازی کنید. انسان با تمرین، همه‌ی کارها را، همه‌ی خلقیات و خوبی‌ها را می‌تواند به خودش بدهد؛ بخصوص در فصل جوانی که شما هستید. در فصل ما - فصل پیری - محال نیست، اما خیلی سخت است. در فصل شما نه، خیلی آسان است. اگر بی‌نظمید و بخواهید به خودتان نظم بدهید، آسان است. اگر بیخیلید و بخواهید به خودتان سخاوت بدهید، آسان است. اگر بد اخلاق و اخم‌رو و ترش‌رو و بهانه‌گیرید و بخواهید به خودتان خوش اخلاقی بدهید، آسان است. اگر غیبت‌کننده و ایراد گیرنده‌ی از این و آنید و بخواهید خودتان را نگه‌دارید، آسان است. با تمرین! با تمرین حقیقتاً

می‌توانید به سمت تعالی حرکت کنید؛ به این احتیاج دارید. این جوان‌هایی که اول وارد دانشگاه می‌شوند، غالباً دل‌های پاکی دارند و دلشان هم می‌خواهد که یک کانون معنویتی پیدا کنند و به او بپیوندند؛ بسیج مورد نظر آنهاست و از بسیج توقع دارند. شما به یک معنا، شبیه ما طلبه‌ها هستید: مردم از طلبه‌ها انتظار بیشتری دارند؛ از بسیج هم انتظار بیشتری دارند. پس اخلاق و معنویت هم از نیازهای عمده‌ی شماست! درس‌های اخلاقی را در بین خودتان رایج کنید. از اساتید اخلاق و موعظه‌گرها استفاده کنید. البته مواظب باشید در دام عنکبوت‌های دنیادار و دکاندار گرفتار نشوید؛ این روزها از این چیزها هم زیاد است: دکاندارهایی که به اسم معنویت، ادعا می‌کنند که امام دیدیم و...! هیچ واقعیتی هم ندارد. حواستان باشد که اسیر آنها نشوید.

۴) مجموعه‌ی اندیشه‌ورز و اتاق فکر

از جمله‌ی نیازهای شما، یک مجموعه‌ی اندیشه‌ورز است. من دلم می‌خواهد ما گرده‌برداری از لغات خارجی را کمتر کنیم. متأسفانه کم‌کاری‌های ما موجب شده که گرده‌برداری کنیم. اتاق فکر، درست ترجمه‌ای از انگلیسی است. من دلم نمی‌خواهد کلمه‌ی «اتاق فکر» را به کار ببرم، اما چاره‌ای نیست. یک مجموعه‌ی فکری درست کنید - همان اتاق فکر در مراکز - این‌ها بنشینند فکر کنند، فکرهای عالی بکنند. از افراد مطمئن، خاطر جمع و خوش فکر استفاده کنید. نشریات بسیج دانشجویی جزو پُرمايه‌ترین و غنی‌ترین نشریات باشد که هر دانشجویی یا هر استادی یا هر کسی بیرون از محیط دانشگاه آن را نگاه کرد، از آن استفاده کند؛ این جزو نیازهای شماست.

۵) گزینش افراد باصلاحیت

یکی از نیازها، گزینش افراد باصلاحیت در بخش‌های مختلف این تشکیلات بزرگ است. امام (رضوان‌الله تعالی علیه) همیشه به همه - از جمله به دانشجویها - توصیه می‌کردند که از نفوذی‌ها پرهیزید؛ واقش هم همین بود. آن اوایل جزو مجموعه‌های ماهر در نفوذ، اعضای حزب توده بودند که با چاپلوسی و ظاهر فریبی و ریاکاری، خودشان را جا می‌زدند. بعد البته یک عده‌ی دیگر هم از آنها یاد گرفتند و وارد تشکیلات گوناگون و بخش‌های مختلف نظام شدند و کار را به جایی رساندند که حاکمیت دوگانه را هم ادعا کردند. شماها که یادتان

هست؛ مال چهار پنج سال پیش است. حاکمیت دو گانه، انشقاق، انشقاق در رأس! خیلی چیز عجیبی است! به اینجا هم رسیدند.

❖ خطر انشعاب، انشقاق و دودستگی

حواستان باشد؛ انشعاب و انشقاق و دودسته شدن خطرناک است؛ یکی به خاطر یک فکری از مجموعه‌ای جدا بشود، باز یکی دیگر از آن طرف به خاطر یک فکر دیگر جدا بشود؛ درحالی که این فکرها ممکن است درست هم باشد، اما آن قدر اهمیت نداشته باشد که انسان این یکپارچگی را به خاطر آن به هم بزند. بنده که عرض کردم اتحاد ملی، خوب، اتحاد ملی برای شما دانشجویان بسیجی از همین بسیج خودتان شروع می‌شود: اتحاد سازمانی و تشکیلاتی. نگذارید شمارا تکه تکه و پاره پاره کنند.

❖ بسیجی مراقب باشد تحرک خود را از دست ندهد

و یک توصیه هم که واقعاً به آن احتیاج دارید - باینکه شماها بسیجی هستید و تحرک شما زیاد است - این است که مراقب باشید تحرک خود را از دست ندهید و از تنبلی پرهیزید؛ این چیز مهمی است. تن آسایی نکردن، چیز مهمی است

به نظر من بسیج دانشجویی با این توصیه‌هایی که عرض کردیم، با آن نکات و روشن بینی‌هایی که در خود شماها هست - که من نمونه‌اش را امروز از شما شنیدم - ان شاء الله برای آینده‌ی کشور، برکاتش از گذشته هم بیشتر خواهد بود. من احساس می‌کنم که ان شاء الله بسیج و بخصوص دانشجویی، در آینده باز به برکات بیشتر و فراوانی دست خواهد یافت. خوب، ما حرف که با شما بیشتر از این‌ها داریم، شما هم حرف با ما خیلی دارید؛ اما چه کنیم که متأسفانه وقت‌ها کم است و باید شمارا به خدا بسپاریم. پروردگارا! این دل‌های جوان را با نور معرفت و لطف خود نورانی کن. پروردگارا! ما را هم به برکت لطافت و نورانیت این جوان‌ها نورانیت بده. پروردگارا! ما را در میدان جهاد دشوار فی سبیل الله روزبه‌روز موفق‌تر بگردان؛ عزم ما و نیت ما را مقاوم و پایدار بگردان. پروردگارا! دشمنان ملت ایران و دشمنان انقلاب اسلامی را نابود کن؛ ملت ایران را به آرزوهای بزرگ خود برسان؛ ارواح طیبه‌ی امام

عزیز و عظیم الشان ما و شهدای گرانقدر ما را با ارواح ائمه‌ی هدی (علیهم‌السلام) و شهدای
صدر اسلام محشور بفرما؛ قلب مقدس ولی عصر (ارواح‌نافداه) را از ما راضی و خشنود کن.
و السّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

بیانات مراسم بیعت پشیمان نمونه‌ی کشور ۶/۴/۱۳۸۶

۱. رابطه‌ی پدر و فرزندی بین امام و بسیج
۲. بسیج و تداوم راه و اجرای وصیت امام
۳. بسیج، پشتوانه‌ی اصلی انقلاب
۴. بسیج محور دفاع از انقلاب
۵. بسیج با ارزش‌ترین افراد جامعه
۶. تجسم انقلاب، نظام جمهوری اسلامی است
۷. بسیجی سینه‌اش را سپر می‌کند
۸. ما جنگ طلب نیستیم از خودمان دفاع می‌کنیم
۹. آمادگی برای دفاع از انقلاب همیشه لازم است
۱۰. خواهران بسیجی در دفاع مقدس سهیم هستند
۱۱. ضرورت سازماندهی بسیج
۱۲. کسی بسیجی‌تر است که مقررات را بیشتر رعایت می‌کند



بسم الله الرحمن الرحيم

❖ رابطه‌ی پدر و فرزندی بین امام و بسیج

من هم متقابلاً این مصیبت بزرگ و جان‌سوز را به شما برادران و خواهران عزیز بسیجی و فرزندان امام امت تسلیت عرض می‌کنم. این حرف درستی است که بسیج بیست‌میلونی پُرشور و با اخلاص کشور، پدر مهربانی را از دست داد. حقیقتاً رابطه‌ی بین شما و آن قلب منور و پر عطوفت، رابطه‌ی پدر و فرزند بود. شاید هیچ‌وقت اتفاق نمی‌افتاد که در حضور آن بزرگوار، از بسیج و فداکاری‌های جوانان مؤمن و با اخلاص میدان‌های جنگ و صحنه‌های انقلاب صحبت شود، ولی آن بزرگوار از این حرکت پُرشور مردمی، با رقت و عطوفت یاد نکنند. گاهی افرادی در شمار بسیجیان عظیم و انبوه خدمت امام «ره» می‌رسیدند و آن پدر عزیز، پاسخ محبت‌آمیز و پدرانه به آنها می‌دادند.

❖ بسیج و تداوم راه و اجرای وصیت امام

حال ما آن وجود عظیم‌الشان را در کنار خود نداریم، و این یک واقعیت تلخ است. ما که معتقدیم روح مؤمنین، آزاد و بینا و مسلط بر امور دنیای مادی است، شاید بشود با اطمینان گفت که هم‌اکنون روح مقدس امام، ناظر بر احوال جامعه‌ی ما و متوجه فرزندان خود است. این ملت فرزندان او بودند. به‌راستی، آن بزرگوار از ما و فرزندانش چه توقعی دارد؟ نکته‌ی اصلی اینجاست. عزاداری لازم است؛ اصلاً دست خود ما نیست. مگر می‌توانیم بر این مصیبت نگریم و احساسات جوشان خودمان را نسبت به آن عزیز یگانه، سرپوش بگذاریم؟ این‌ها به‌جای خود محفوظ است؛ اما اصل قضیه، تداوم راه و اجرای وصیت اوست. اگر امروز او زنده بود از ما چه می‌خواست؟ این مهم است که خواسته‌ی او را جامه‌ی عمل بپوشانیم.



بدنه و زبده‌ی ملت همان «بسیج» است. شما در هر سن و از هر قشری - نوجوان سیزده‌ساله، تا پیرمرد نودساله - و در هر نقطه‌ای از کشور که زندگی می‌کنید، دائم با خودتان حدیث نفس کنید و از خودتان بپرسید که امام عزیز و محبوب از من چه می‌خواهد و آیا آنچه را که او از من توقع دارد، انجام می‌دهم یا نه؟ این خط مستقیم ما را هدایت خواهد کرد تا هدف‌ها و آرمان‌های امام عظیم‌الشان را محقق کنیم.

❖ بسیج، پشتوانه‌ی اصلی انقلاب

انتظاری که امام از بسیج داشت آمادگی و حضور دایمی بود، زیرا بسیج پشتوانه‌ی اصلی انقلاب است. نیروهای ما - ارتش و سپاه - بحمدالله نیروهای خوبی هستند. هرکدام از آنها محسناتی دارند که در هیچ نیروی مسلح دیگر دنیا، این برجستگی‌ها را نمی‌بینیم. سپاه نیروی انقلابی پُرشور و آزمایش داده و تجربه‌شده‌ای است که ده سال در میدان‌های نبرد، جمهوری اسلامی را سربلند کرد و خود، میوه‌ی درخت انقلاب بود و هست. ارتش نیز یک نیروی منظم و کارآمدی است که علی‌رغم سرمایه‌گذاری‌های دشمن، در مسیر خدمت به انقلاب قرار گرفت و بازوی نیرومندی برای آن شد. غیر از حضور ده‌ساله در میدان جنگ، آموزش داد و پشتیبانی کرد و زمینه‌های باارزشی را فراهم آورد؛ امروز ارتش نیروی بسیار کارآمد و مؤمن و مخلص و ذخیره‌ای برای انقلاب است و در این باور هیچ شک‌ی وجود ندارد.

❖ بسیج محور دفاع از انقلاب

اما آن چیزی که انقلاب ما - با داعیه‌های بزرگش - به او تکیه می‌کند، نیروی «بسیج» است. اگر ما نیروهای بسیج و مردمی را از آن دنیوی جدا کنیم، ارتش و سپاه نخواهند توانست انقلاب را در ابعاد جهانش پشیمانی کنند. محور دفاع از انقلاب، همین آحاد عظیم میلیونی بسیج هستند. بسیج در زندگی معمولی، جزئی از توده‌های میلیونی مردم است؛ اما باید سازماندهی و آموزش و بازآموزی داشته باشد. نباید به آموزشی که طی چند ماه داده می‌شود اکتفا کرد بلکه بایستی آن را تکرار نمود.



❖ بسیج باارزش‌ترین افراد جامعه

اگر یک فرد بسیجی در مدرسه و دانشگاه و حوزه‌ی علمیه و کارخانه و مزرعه و اداره مشغول است، بداند که جزو ارتش عظیم مردمی و انقلابی است و باید به آن افتخار کند. در هر مجموعه‌ای که افراد آن عضو بسیج هستند، از جهت خدمت به انقلاب نسبت به دیگران برتر و مقدم‌ترند؛ زیرا هرگاه خطری نظام را تهدید کند سینه‌ی بسیجی سپر انقلاب خواهد شد. بنابراین هر کس وارد این عرصه شد باارزش‌ترین افراد جامعه است و باید به این توفیق افتخار کند. من هم افتخار می‌کنم که یک بسیجی باشم. به‌عنوان یک بسیجی، هر جا که انقلاب به وجود من نیاز داشته باشد حاضرم خدمت کنم. همه باید به این عضویت افتخار کنیم چون اساسی‌ترین کار انقلاب را بسیج انجام می‌دهد.

❖ تجسم انقلاب، نظام جمهوری اسلامی است

حفظ موجودیت انقلاب کار اول ماست که در استمرار نظام جمهوری اسلامی تجسم یافته است؛ به همین خاطر امام (ره) مکرر می‌فرمودند: «حفظ نظام اسلامی واجب‌ترین فریضه است». انقلاب از نظام جمهوری اسلامی جدا نیست. نباید کسی خیال کند که این دو از هم جدا هستند؛ تجسم انقلاب، نظام جمهوری اسلامی است که همه‌ی قلدرهای دنیا دست‌به‌دست هم داده بودند، تا او را ریشه کن کنند.

❖ بسیجی سینه‌اش را سپر می‌کند

امروز هم عناد و دشمنی استکبار امریکا، سرمایه‌دارهای بزرگ جهانی، رژیم اشغالگر قدس و ارتجاع ادامه دارد و با آن مخالفت می‌کنند. انقلاب ما که به پیروزی رسید، نظام جمهوری اسلامی متولد شد. پس، دفاع از این نظام، اولین و مقدس‌ترین و واجب‌ترین فرایض ملت ایران است و بسیجی کسی است که سینه‌اش را سپر می‌کند و با هر وسیله‌ای که در اختیارش باشد دفاع از انقلاب را به عهده می‌گیرد، چون در حقیقت از اسلام و قرآن دفاع کرده است.

❖ ما جنگ طلب نیستیم از خودمان دفاع می‌کنیم

البته کسانی که در دنیا منتظرند با هر بهانه و یا بدون بهانه علیه جمهوری اسلامی حرف



بزنند، از این که ما مردم را به آمادگی بیشتر تشویق می کنیم، استنباط غلط می کنند که جمهوری اسلامی جنگ طلب است و علاقه ای به صلح ندارد! خیر این گونه نیست. ما به دنیا ثابت کرده ایم که جنگ طلب نیستیم و نشان داده ایم که به وجود صلح در همه ی منطقه - بلکه همه ی عالم - از صمیم دل علاقه مندیم.

ما معتقدیم که در صلح و آرامش می توان به سازندگی های درونی و بیرونی پرداخت. ما جنگ طلب نیستیم - از اول هم نبودیم - آنها جنگ را بر ما تحمیل کردند. ما ملتی هستیم که از خودمان دفاع می کنیم؛ خوب هم دفاع می کنیم. ما مردمی نیستیم که عقب بنشینیم و به دشمن پشت کنیم؛ ما با خطر مواجه می شویم؛ در ده سال گذشته این حقیقت را نشان داده ایم.

در حال حاضر، علی رغم این که رژیم عراق و دیگران، راجع به صلح زیاد حرف می زنند، ما این گفته ها را قبول می کنیم و از مذاکراتی که منتهی به یک صلح پایدار شود استقبال می کنیم. این نکته را هم پوشیده نمی داریم که تا وقتی نیروهای دشمن در خاک ما هستند، اعتماد لازم را به طرف مقابل پیدا نخواهیم کرد. این چه صلح طلبی ای است که آنها ادعا می کنند درحالی که هنوز اولین اقدام لازم را انجام ندادند؟! باید نیروهای خود را از خاک ما بیرون ببرند بعد دم از صلح بزنند.

❖ آمادگی برای دفاع از انقلاب همیشه لازم است

ما آمادگی برای دفاع از انقلاب را همیشه لازم میدانیم. نباید روزی بر ما بگذرد که اهمیت آمادگی عمومی، مغفول غنه واقع شود. این چیزی است که مورد ستایش و ترحم هیچ کس قرار نخواهد گرفت. امیرالمؤمنین (ع) به ما درس دادند و فرمودند: «و من نام لم ینم عنه» اگر تو خوابت برد، بدان دشمنت بیدار است. لذا مجموعه ی بسیج - خصوصاً جوانان در همه ی اقشار مردم - باید با قوت و قدرت و آمادگی و نشاط و احساس ضرورت، کار و راه خودش را ادامه دهد و مثل گذشته وظیفه ی دفاع از انقلاب را به عهده گیرد.

❖ خواهران بسیجی در دفاع مقدس سهیم هستند

خواهران بسیجی ما نیز که زن های محجب و عفیف و مقید به آداب شرعی هستند و انسان



را به یاد صدر اسلام می‌اندازند، در این دفاع مقدس و بااهمیت سهم هستند و نقش برجسته‌ای در حضور میلیونی بسیج دارند.

❖ ضرورت سازماندهی بسیج

مسئولان محترم بسیج باید به سازماندهی خیلی اهمیت دهند زیرا اصل قضیه سازماندهی است و در چارچوب سازماندهی خوب، آموزش و پشتیبانی و تغذیه‌ی فکری خوب شکل می‌گیرد.

❖ کسی بسیجی‌تر است که مقررات را بیشتر رعایت می‌کند

شما بسیجی‌ها باید به گونه‌ای رفتار کنید که احترام و محبت مردم جلب شود. شما باید نمونه‌ی اخلاق و تواضع و مهربانی و رعایت مقررات باشید. این فکر غلط باید از ذهن‌های دیگران بیرون رود که بسیجی کسی است که مقررات را رعایت نمی‌کند؛ برعکس آن کسی بسیجی‌تر است که مقررات را بیشتر رعایت می‌کند؛ به خاطر آن که این فرد بیشتر از همه برای نظام دل می‌سوزاند و مقررات لوازم قطعی اداره‌ی درست نظام است.

پس در محیط کار و زندگی حتماً اخلاق و مقررات و نظم و انضباط را رعایت کنید و بدانید که وجود شما برای انقلاب یک ذخیره‌ی تمام‌نشدنی است؛ تا وقتی که انقلاب و نظام جمهوری اسلامی متکی به این احساسات و ایمان‌ها و اخلاص‌هاست، هیچ دشمنی در هیچ سطحی قادر نیست به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ضربه وارد کند.

خداوند ان شاء الله شما را حفظ و تأیید و حمایت کند و دل‌هایتان را به خودش نزدیک فرماید و توفیق اطاعت و بندگی به شما عنایت کند و همیشه دست لطفش روی سرتان باشد.

و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته



بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان بسیجی ۱۳۸۶/۸/۹

۱. سیزده آبان روز جوانان دانش آموز و دانشجو
۲. حادثه‌ی سیزده آبان ۱۳۴۳
۳. حادثه‌ی سیزده آبان ۱۳۵۷
۴. حادثه‌ی سیزده آبان ۱۳۵۸
۵. دو انتخاب برای تعیین سرنوشت ملت‌ها: (۱) پذیرش سلطه (۲) مبارزه با سلطه
۶. سرنوشت ملت‌های پذیرش سلطه
۷. سرنوشت ملت‌های مبارزه با سلطه
۸. سیلی انقلاب اسلامی به سلطه‌طلبی ظالمانه‌ی امریکا
۹. استمرار مبارزه با سلطه در ایران
۱۰. ایران قبل از انقلاب نقطه‌ی متمرکز سلطه‌ی استکباری
۱۱. انقلاب اسلامی سرنوشت کشور را عوض کرد
۱۲. راه خلاقیت و سازندگی، راه رشد و تکامل را جوان ایرانی باید بییماید
۱۳. بسیج عمومی یعنی آمادگی و هوشیاری دائمی
۱۴. با پیشرفت‌های ایران مخالف‌اند تا تسلط را برگردانند
۱۵. امریکا اصلی‌ترین عامل ناامنی در منطقه‌ی خاورمیانه
۱۶. ملت ایران عامل اصلی شکست هیمنه امریکا
۱۷. افق آینده‌ی کشور بسیار تابان است



بسم الله الرحمن الرحيم

❖ سیزده آبان روز جوانان دانش آموز و دانشجو

به همه‌ی شما جوانان عزیز خوشامد عرض می‌کنم و امیدوارم دل‌های پاک و نورانی و روشن شما که محل جلوه‌ی حقایق الطاف پروردگار متعال است، راهنمای شما باشد در همه‌ی دوران طولانی عمر بابرکت شما ان شاء الله در آینده.

دیدار امروز ما با شما جوانان، فرزندان عزیزم؛ دانش آموزان و دانشجویان به مناسبت روز بسیار مهم سیزدهم آبان است. سیزده آبان در واقع روز جوانان است؛ جوانان دانش آموز و دانشجو.

❖ حادثه‌ی سیزده آبان ۱۳۴۳

اگرچه اولین خاطره‌ای که از این روز در ذهن تاریخی ملت ما ثبت شده است، سیزده آبان ۱۳۴۳، یعنی سال‌ها قبل از تولد شماهاست. روزی که مزدوران امریکا که متأسفانه سال‌ها بر این کشور فرمانروائی می‌کردند، امام بزرگوار ما را به خاطر مبارزه‌ی با قانون آمریکائی کاپیتولاسیون در قم دستگیر کردند و از کشور تبعید کردند، لکن در مقابل این حادثه، سال‌ها بعد از آن، نوبت جوانان فرارسید که در ظرف تاریخی خود حوادث مهمی را در این روز ثبت کنند؛ و کردند.

❖ حادثه‌ی سیزده آبان ۱۳۵۷

یک حادثه‌ی تلخ دیگر، سیزده آبان در سال ۱۳۵۷ بود که دانش آموزان ما به وسیله‌ی همان مزدوران مسلط آمریکائی در کشور ما، جان باختند؛ قتل عام شدند. این دومین ضربه‌ای بود



که امریکا به وسیله ی ایادی خود بر ملت و کشور ما وارد کرد.

❖ حادثه ی سیزده آبان ۱۳۵۸

لکن بعد از این، سومین خاطره پیش آمد، که سیزده آبان سال بعد است؛ یعنی سال ۱۳۵۸. این دفعه سیلی جوانان ایرانی به امریکا بود. الآن سال هاست که آمریکائی ها در تبلیغات خودشان این حادثه ی سوم را به عنوان تعرض ایرانی مطرح می کنند و روی آن جنجال می کنند، لکن دو حادثه ی قبل را فراموش می کنند و از تاریخ حذف می کنند. از این جور خیانت ها در تاریخ زیاد شده است، لکن حقیقت همین است که حادثه ی تصرف سفارت امریکا که مرکز جاسوسی امریکا بود، در واقع سیلی سخت جوانان ایرانی بود به آن دولت و قدرت زورگو و مداخله گری که سال های متمادی کشور ما و ملت ما و منابع ما را در مشتم خود می فشرد.

❖ دو انتخاب برای تعیین سرنوشت ملت ها (پذیرش سلطه یا مبارزه با سلطه)

ماجرای ملت ها و قدرت ها در طول تاریخ همین است. نگاه به تاریخ باید ما را از سرنوشت عمومی ملت ها و آحاد بشری آگاه کند؛ درس است، راه را نشان می دهد. این سرنوشت ملت هاست. سرگذشت تاریخ عمومی ملت هاست. ملتی که در روابط ظالمانه ی سیاسی جهان تحت ستم قرار گرفته است، یا می سوزد و می سازد؛ تحمل می کند، یا در صدد پاسخ برمی آید. از این دو حال خارج نیست. سرنوشت ملت ها را این انتخاب تعیین می کند. روی این نکته شما جوان ها خیلی باید تأمل و فکر کنید. این، راه را به ما نشان می دهد. روابط ظالمانه میان قدرت های سلطه گر و ملت ها و کشورهای زیر سلطه، مسئله ی امروز و دیروز نیست؛ مال همیشه ی تاریخ است.

بعضی از قدرت ها با یال و کوپال خود، با توانائی های مالی و نظامی خود، به خود حق می دهند به ملت های دیگر ستم کنند، ظلم کنند، وارد بشوند، بگشند، لگدمال کنند، ببرند، غارت کنند؛ این می شود روابط ظالمانه. این می شود همان چیزی که ما اسم آن را گذاشته ایم نظام سلطه. نظام سلطه یعنی یک طرف سلطه گر، یک طرف سلطه پذیر.



❖ سرنوشت ملت‌های پذیرش سلطه

این ملت زیر سلطه چه تصمیمی خواهد گرفت؟ چگونه عمل خواهد کرد؟ سرنوشت او را پاسخ به این سؤال مشخص می‌کند. یا راه اول را انتخاب می‌کند، می‌گوید می‌سوزم و می‌سازم، که خوب، معلوم است که سرنوشت چنین ملتی که سوختن و ساختن، تحمل کردن، دم برنیارودن و تن به زندگی خفت‌بار و همین دوسه‌روزه زندگی کردن را برمی‌گزیند، چه است. سرنوشت او زیر سلطه ماندن است. اگر می‌خواهید مثال واضحی برای چنین ملت‌هایی پیدا کنید، به امت اسلام در طول این دو قرن اخیر نگاه کنید.

کشورهای اسلامی در این دو قرن اخیر، این راه را انتخاب کردند؛ راه سوختن و ساختن را؛ راه دم برنیارودن را. در این شرایط کی مقصر است؟ روشنفکران مقصرند، علمای دین مقصرند، جوانان موردنیاز و مورد امید آن جامعه مقصرند. سرنوشت این ملت‌ها این می‌شود که شد. با آن میراث فرهنگی غنی، با آن سابقه‌ی درخشان سیاسی، کارشان به آنجا برسد که تمام کشورهای اسلامی تقریباً زیر سلطه‌ی استعمار بودند در این یکی دو قرن اخیر؛ یا استعمار صریح و علنی، مثل خیلی از کشورهای عربی و غیره، یا استعمار غیرمستقیم - به اصطلاح استعمار نوین - مثل کشور ما در دوره‌ی نظام طاغوت. نتیجه‌ی انتخاب راه اول همین است؛ از لحاظ علمی عقب می‌مانند، از لحاظ افتخارات بین‌المللی عقب می‌مانند، از لحاظ وضع زندگی روزبه‌روز رو به فقر بیشتر می‌روند، منابع انسانی‌شان معطل می‌ماند، منابع طبیعی‌شان به غارت می‌رود؛ این می‌شود نتیجه؛ ویرانی کشورها. در مقابل، آن قدرت‌های سلطه‌گر با تغذیه‌ی از منابع این‌ها، خودشان را روزبه‌روز قوی‌تر می‌کنند و مسلط‌تر می‌شوند و زور بیشتری وارد می‌کنند.

❖ سرنوشت ملت‌های مبارزه با سلطه

اما راه دوم، سرنوشت ملت را عوض می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ». انتخاب با خود ملت است. اگر در میان یک ملتی که این جور زیر ستم است، انسان‌های بزرگی پیدا شدند، آزادگانی پیدا شدند، علمای برجسته‌ی با شجاعت وارد میدان شدند، آحاد مردم حاضر شدند از لذت‌های زودگذر و راحت‌های حقیر روزمره‌ی زندگی



صرف نظر کنند و مجاهدت کنند و دل به شهادت بدهند، می توانند خودشان را از این ذلت زیر سلطه بودن خارج کنند. این انتخابی بود که ملت ایران با انقلاب اسلامی کرد.

❖ سیلی انقلاب اسلامی به سلطه طلبی ظالمانه‌ی امریکا

نقش اول متعلق به امام و امت است. پاسخ مثبت امام بزرگوار ما - این شخصیت بی نظیر و فراموش نشدنی تاریخ کشور ما - و پاسخ امت به امام در این حرکت، ورق را برگرداند؛ سیلی را خورده بودیم، متقابلاً سیلی زدیم. انقلاب اسلامی سیلی بزرگ ملت ایران به دست اندازی‌ها و تجاوزها و زور گوئی‌ها و تحقیرها و سلطه طلبی ظالمانه‌ی امریکا و قدرت استکباری در طول سال‌های متمادی بود. یک مظهرش البته سیزده آبان سال ۵۸ است که این مخصوص جوان‌هاست. همه‌ی ملت ایران در دوران انقلاب نقش ایفا کردند؛ زنان نقش برجسته ایفا کردند، مردان نقش برجسته ایفا کردند، قشرهای مختلف همه وارد میدان شدند؛ این حادثه‌ی بزرگ اتفاق افتاد.

❖ استمرار مبارزه با سلطه در ایران

معلوم است که قدرت سلطه گر به آسانی و به زودی تسلیم نمی شود و عقب نمی نشیند. این مبارزه باید استمرار پیدا کند تا یک ملت بتواند جایگاه خود را مستحکم کند؛ شما امروز در حال ادامه‌ی این مبارزه اید. این مبارزه همیشه در میدان جنگ نیست؛ اما همیشه در میدان ظرفیت‌های انسانی است؛ همیشه در میدان اراده‌هاست. اراده‌ی ملت وقتی بر ادامه‌ی راه استقلال و عزت باشد، پیش خواهد رفت؛ این اتفاقی است که در ایران افتاد. جوانان عزیز! شما وارث یک واقعیت پرشکوه در این کشورید.

❖ ایران قبل از انقلاب نقطه‌ی متمرکز سلطه‌ی استکباری

کشور ما یک روز نقطه‌ی حساس و اساسی تمرکز سلطه‌ی استکباری در این منطقه بود. زمامداران خائن، خاندان منحوس پهلوی، رجال خودباخته و رشوه بگیر، روشنفکران ساکت، علمای بی تفاوت، مجموعاً همه دست به دست هم داده بودند و ملت را مثل یک آب راکد درآورده بودند. سلطه گر آن‌هم هر کار می خواستند، با این ملت می کردند، که یکی از



نمونه‌هایش همان کاپیتولاسیون بود که اشاره کردم. در مجلس ایران قانون گذراندند که دولت ایران و دستگاه قضایی ایران نسبت به مجرم و جنایتکار آمریکائی در ایران حق تعقیب ندارد. امام آن روز فریاد کشید؛ امام آن روز برای مردم حقیقت مطلب را روشن کرد. اگر یک نظامی سطح پائین آمریکائی - یک گروه‌بان آمریکائی، یک آشپز آمریکائی - به بزرگ‌ترین مقامات علمی، دینی، سیاسی کشور ما اهانت می‌کرد، مردم حق نداشتند او را محاکمه کنند! اتفاقی که در کشورهایی که آمریکائی‌ها در آنجا ظلم می‌کنند، الآن دارد اتفاق می‌افتد. شما ببینید همین شرکت آمریکائی «بلک واتر» در بغداد، مردم بی‌گناه را به رگبار می‌بندد، کسی جرئت ندارد این‌ها را محاکمه کند و بگوید چرا کردید. این‌ها یک چنین وضعیتی را در ایران طلب و دنبال می‌کردند. بر ملتی وقتی مسلط شدند، به هیچ‌چیز آن ملت رحم نمی‌کنند. ملت باید به خود بیاید، هوشیار باشد، راه خود را پیدا کند؛ و ملت ایران پیدا کرد.

❖ انقلاب اسلامی سرنوشت کشور را عوض کرد

البته ما هزینه‌های زیادی دادیم. جنگ هشت‌ساله یکی از هزینه‌هایی بود که ملت ایران داد؛ اما در مقابل استقلال خود را گرفت؛ عزت خود را گرفت. امروز ملت ایران و جوانان ایران در دنیای اسلام و در بسیاری از کشورهای دیگر برای ملت‌ها و برای روشنفکران الهام‌بخش‌اند. امروز احترام ایران و اعتبار ایران در دانشگاه‌های سراسر دنیای اسلام از همه‌ی کشورها بیشتر است. به خاطر همین اراده‌ای که ملت ایران از خود نشان داد و سرنوشت خودش را عوض کرد.

❖ راه خلافت و سازندگی، راه رشد و تکامل را جوان ایرانی باید بیسپاید

این راه باید ادامه پیدا کند؛ امید به شما جوان‌هاست. خودتان را آماده کنید. مسئله فقط مسئله‌ی جنگ نظامی نیست که بگوییم خودتان را آماده‌ی جنگ نظامی کنید؛ نه، اگر یک روزی اتفاق نظامی هم در این کشور بیفتد، این میلیون‌ها جوان ایرانی، این پسران، این دختران، این مادران و فرزندان، امتحان خوبی داده‌اند؛ در گذشته نشان داده‌اند که چه می‌کنند، در آینده هم همین خواهد بود؛ لکن مسئله منحصر به این نمی‌شود. راه علم، راه تقویت اراده، راه



خلاقیت و سازندگی، راه رشد و تکامل را جوان ایرانی باید بیاماید. هر مقدار ما از معارف اسلامی فاصله بگیریم، از مجاهدت و تلاش و تکاپو دست برداریم، ضرر خواهیم کرد و به همین نسبت در این نبرد تاریخی مرگ و زندگی، عقب خواهیم رفت؛ ضربه خواهیم خورد.

ملت ایران باید هم در میدان علم بایستد، هم در میدان فعالیت اقتصادی تلاش کند، هم این وحدت و یگانگی و یکدلی میان ملت و دولت را تقویت کند، هم هسته‌های معرفت و آگاهی و توانائی فکری و روحی را در مجموعه‌ی ملت، بخصوص در میان جوانان باید تقویت کند.

❖ بسیج عمومی یعنی آمادگی و هوشیاری دائمی

در دانشگاه‌های ما، این هسته‌های علم و معرفت و سیاست، انجمن‌های گوناگون- انجمن‌های اسلامی، جامعه‌ی اسلامی، جنبش عدالت‌خواهی، بسیج دانشجویی، ده‌ها مجموعه‌ی جوان - که بانام‌های گوناگون در دانشگاه‌ها، در دبیرستان‌ها مشغول فعالیت‌اند، هر کدام از این‌ها یک برگ زرین برنده‌ای هستند از تلاش ملت ایران؛ این‌ها را باید تقویت کنیم. این می‌شود بسیج یک ملت. بدخواهان این ملت، بسیج را بد معنا می‌کنند؛ بسیج یعنی این.

بسیج یعنی اینکه هر جوانی بداند و بفهمد که باید کشورش مستقل و آزاد و آباد باشد و بخواهد در این راه تلاش کند و نقش بر عهده بگیرد؛ مسئولیت بر عهده بگیرد. این می‌شود بسیج. نام بسیج، نام مقدسی است. بسیج عمومی یک ملت یعنی آمادگی و هوشیاری دائمی یک ملت، بخصوص جوان‌هایی که در راه تحصیل علم‌اند؛ دانش‌آموزی و دانشجویی. مسئولان کشور هم همین جور؛ همه باید به این معنا، بسیجی باشند. اینکه شد، ملت می‌شود آسیب‌ناپذیر. روزه‌روز ملت رشد پیدا می‌کند و این در کشور ما اتفاق افتاده است؛ لذا روزه‌روز کشور ما رشد کرده است.

❖ با پیشرفت‌های ایران مخالفند تا تسلط را برگردانند

شما جوان‌های عزیز بدانید وضعیت امروز کشور از لحاظ سیاسی، از لحاظ علمی، از لحاظ اقتصادی، از لحاظ رشد انگیزه‌های انقلابی و اسلامی، از لحاظ آگاهی و روشن‌بینی جوانان با



بیست سال پیش، خیلی تفاوت کرده؛ ما خیلی جلو رفته‌ایم. آنچه که جلو چشم است و محسوس و قابل اندازه‌گیری است، پیشرفت‌های علمی ماست که یک نمونه‌اش همین مسئله‌ی هسته‌ای است و نمونه‌های فراوان دیگری هم دارد. با این پیشرفت، دشمنان ما البته مخالف‌اند.

امروز مسئله‌ی عمده‌ی سیاست خارجی کشوری مثل امریکا شده است مسئله‌ی هسته‌ای ایران؛ چرا؟ برای خاطر اینکه این، نشانه‌ی پیشرفت ملتی است که آنها نمی‌خواهند پیشرفت کند؛ نمی‌خواهند قدرت پیدا کند؛ نمی‌خواهند قدرت علمی پیدا کند؛ نمی‌خواهند قدرت روحی و اعتمادبه‌نفس پیدا کند، تا بتوانند تسلط را برگردانند. به این جهت، مخالفت می‌کنند.

❖ امریکا اصلی‌ترین عامل ناامنی در منطقه‌ی خاورمیانه

امروز تبلیغ عمده‌ی امریکا و رجال سیاسی این کشور در رسانه‌هایشان، که از همه‌جا دستشان کوتاه شده، این است که چسبیده‌اند به این قضیه که ایرانی‌ها دارند سربازان ما را در عراق می‌کشند؛ دروغ محض! آنها زیر سؤال رفته‌اند؛ امروز دولت و نظام حاکم بر امریکا به خاطر رفتار احمقانه و ابلهانه و ظالمانه‌ای که در عراق در پیش گرفته‌اند، از سوی ملت خود زیر سؤال است؛ می‌گویند: جوان‌های ما را می‌فرستید عراق می‌کشید. باید به مردم خودشان جواب بدهند. جوابشان این است؛ می‌گویند: نه، ما نمی‌کشیم این‌ها را، ایرانی‌ها می‌کشند! دروغ محض! دست خود آنها به خون جوانانشان و سربازانشان آغشته است. آنها در عراق چه می‌کنند. آنها از هزاران کیلومتر فاصله، سربازشان را فرستاده‌اند به عراق برای چیز؟! می‌جنگند برای چیز؟! امروز اصلی‌ترین عامل ناامنی در منطقه‌ی خاورمیانه، حضور آمریکائی‌ها و دخالت آمریکائی‌هاست. آنها هم در عراق، هم در لبنان، هم در فلسطین مایه‌ی ناامنی‌اند؛ مایه‌ی بی‌ثباتی‌اند. این را امروز دنیا می‌فهمد. خوشبختانه ملت‌ها بیدار شده‌اند. شما ببینید در هر نقطه‌ای از نقاط دنیا که رئیس‌جمهور امریکا و دولتمردان امریکا به نحوی در آنجا حضور پیدا می‌کنند، ملت‌ها عکس‌العمل نشان می‌دهند، پرچم امریکا را می‌سوزانند؛ آدمک بوش را می‌سوزانند. انزوا یعنی این.



❖ ملت ایران عامل اصلی شکست هیمنه امریکا

امروز امریکا قدرتش، هیمنه‌اش، ابهت ابرقدرتی‌اش در چشم ملت‌ها ریخته و ملت‌ها بیدار شده‌اند؛ جرئت و جسارت پیدا کرده‌اند. و عامل اصلی شما هستید؛ شما ملت ایران، شما جوان‌ها، که قیام کردید، ایستادید، انقلاب کردید، حرف حقی را زدید، پای آن حرف ایستادید. «انّ الذین قالوا ربّنا الله ثمّ استقاموا»؛ استقامت کردید. نتیجه این است که خدای متعال رحمت و برکتش را بر شما نازل می‌کند؛ «تَنْزِلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ اَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا». خوف از دشمن در دل جوانان ایرانی نیست. جوانان ما از دشمن نمی‌ترسند. حزن و اندوه بر اینکه زیر سلطه‌ی دشمن‌اند، در دل آنها نیست. «اَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا»؛ خوف نداشته باشید، حزن و اندوه نداشته باشید. این پیام ملائکه‌ی الهی و فرشتگان الهی به شماست.

❖ افق آینده‌ی کشور بسیار تابان است

و من عرض می‌کنم جوانان عزیز! این راه را ادامه بدهید. آینده‌ی کشور روشن است، افق‌ها بسیار تابان است؛ اما به اراده‌ی شما بستگی دارد، به فعالیت شما، به کار شما، به پرداختن شما به خودسازی؛ خودسازی علمی، خودسازی دینی، پاک نگه‌داشتن دامن روح و دل نورانی - که خدا به شما داده است - در همه‌ی میدان‌ها؛ فعالیت، تلاش، سرزندگی؛ این عاملی است که کشور شما را به اوج قدرت و عزت ان شاء الله خواهد رساند.

امیدوارم ارواح مطهر شهیدان و روح مقدس امام بزرگوار همیشه حامی شما باشد و قلب مقدس ولیعصر (ارواح‌نافه) از شما راضی باشد و ان شاء الله آن روز درخشان و آینده‌ی زیبا را همه‌ی شما ببینید.

و السّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته



بیانات در دیدار با گردانهای نمونه عاشورا و الزهرا ۵/۹/۱۳۸۶

- ۱- بسیجیان دلاور، بهترین جوانان کشور
- ۲- بسیج از آیات الهی و جنس انقلاب است
- ۳- بسیج سراسر معنویت است
- ۴- عملکرد بسیج درس آموز صاحب نظران دنیا
- ۵- بسیج، مردمی و گسترده در همه ی عرصه های زندگی است
- ۶- بسیج یک مجموعه ی دینی است
- ۷- بسیج اهل سازش نیست
- ۸- به بسیجی بودن خودمان باید افتخار کنیم
- ۹- دشمنان بسیج شکست خورده اند
- ۱۰- تلاش برای ارتقای کیفی بسیج و تاثیر بر جوانان کشور
- ۱۱- بیداری ملت ها موهون نظام مقدس جمهوری اسلامی است

بسم الله الرحمن الرحيم

❖ بسیجیان دلاور، بهترین جوانان کشور

برای من بسیار شیرین و خاطره‌انگیز است که با شما عزیزان - جمعی از بهترین جوانان این کشور، مجموعه‌ای از بسیجیان دلاور - در این میدان ملاقات کنم و با جمع‌های دیگری که در سراسر کشور مانند شما اجتماع کرده‌اند، سخن بگویم.

❖ بسیج از آیات الهی و جنس انقلاب است

بسیج مثل خود انقلاب از آیات الهی است. جنس بسیج هم از جنس انقلاب است. خصوصیتی که انقلاب اسلامی را در همه‌ی تاریخ انقلاب‌ها ممتاز می‌کرد، تأثیرات آن را در اعماق دل‌های مردم در کشورهای دیگر عمق می‌بخشید، این خصوصیات در این مجموعه‌ی عزیز و گرانبهائی که نامش بسیج است، وجود دارد. همچنانی که انقلاب یک پدیده‌ی بی‌سابقه بود، بسیج هم یک پدیده‌ی بی‌سابقه بود.

در کشورهای مختلف با شکل‌های گوناگون نیروهای مقاومت درست می‌کنند. به تقلید آن‌ها در رژیم طاغوت در اینجا هم چیزهائی درست کرده بودند، لکن جوهر و حقیقت بسیج از زمین تا آسمان با آن‌ها متفاوت است. اگر در کارهائی که دیگران از روی دست هم در سرتاسر جهان در کشورهای مختلف انجام داده‌اند، تکیه بر ظاهر و بر ادعا و بر زرق و برق است و از باطن و معنا و روح خبری در آن نیست، در بسیج درست بعکس است.

❖ بسیج سراسر معنویت است

بسیج مستضعفین که امام آن را بنیاد کرد، سرتاپا روح بود، معنویت بود و جان بود. اتفاق

افتاد که آغاز ولادت بسیج نزدیک شد به شروع جنگ تحمیلی که هشت سال این ملت را به دفاع مشغول کرد. بنابراین بسیج از اوایل ولادت خود، وارد میدان نبرد شد؛ آن هم نبردی سخت؛ نبردی که یک طرف آن همه‌ی قدرت‌های بزرگ جهانی پشت سر رژیم متجاوز صدام بودند، یک طرف ملت ایران بود و نیروهای مسلح ایران. در چنین جنگی بسیج وارد شد.

❖ عملکرد بسیج درس آموز صاحب نظران دنیا

ورود بسیج در این جنگ موجب شد که صحنه‌ی جنگ در مقابل چشم حیرت‌زده‌ی همه‌ی مردم دنیا به سود معنویت - که با دست خالی همراه بود، اما سرشار از ایمان بود - رقم بخورد و همه‌ی دنیا در برابر چشم خود ببینند که چطور جوان ایرانی با سرمایه‌ی ایمان، با تکیه‌ی بر خدا، با اعتماد به نفس وارد میدان نبرد می‌شود، پیچیده‌ترین تاکتیک‌های جنگی را طراحی می‌کند و معجزه‌ای مثل فتح المبین و بیت المقدس در مقابل چشم دنیا می‌گذارد. تاکتیک‌هایی که جوان‌های مؤمن در عملیات بیت المقدس - که منتهی شد به آزادی خرمشهر - به کار بستند و طراحی‌ای که آن‌ها کردند، تا امروز هم برای آن کسانی که در مقوله‌های نظامی صاحب فکر و نظرند، درس آموز است؛ تاکتیک‌های پیچیده، پرتحرک، دشوار، به حسب ظاهر نشدنی، اما به دست معجزه‌گر جوان مؤمن ایرانی، جوان مبتکر متکی به خدا، عملی و شدنی و واقع شده، بی سابقه بود.

❖ بسیج، مردمی و گسترده در همه‌ی عرصه‌های زندگی است

این معنویت، این تکیه‌ی به نیروهای معنوی و ایمانی، این اعتماد به نفس، این شجاعت، این حقیر شدن همه‌ی جلوه‌های ظاهر زندگی مادی، حرکت در راه رضای خدا، در هیچ جا سابقه نداشت؛ همچنانی که که خود انقلاب اسلامی هم نظیری و سابقه‌ای در تاریخ نداشت.

بسیج مثل انقلاب، مردمی بود و مردمی است. درست است که شما در قالب مجموعه‌های وابسته‌ی به نیروی مقاومت، شکل گردان‌های رزمی می‌گیرید، آمادگی‌های نظامی پیدا می‌کنید و در میدان نبرد خودتان را نشان دادید و اگر یک روزی کشور باز نیاز به نیروی نظامی و جنگی پیدا کند، در صفوف مقدم هستید؛ این درست است، اما جنگ همه‌ی محتوای

بسیج نیست. بسیج، گسترده‌ی در همه‌ی عرصه‌های زندگی است. آن وقتی که نوبت سازندگی است، بسیج پیشرو است؛ آن وقتی که نوبت مدد‌رسانی و خدمات است، بسیج پیشرو است؛ آن وقتی که نوبت تحقیقات بسیار دقیق و ریز و حساس است، نیروهای بسیجی در صفوف اولند. امروز شما نگاه کنید در همین قضیه‌ی هسته‌ای، در این فناوری پیچیده و بسیار دشوار، جوان‌هائی که آنجا هستند، جوان‌های متدین و اجزاء طبیعی و حقیقی بسیج را تشکیل می‌دهند. در همه جا همین جور است.

مؤسسه‌ی بسیار فعال و پیشروِ رویان، مرحوم دکتر کاظمی، افتخار می‌کرد یک بسیجی است. جوان‌های مؤمن و فعال آن، طبیعت‌شان، جنس‌شان، جنس بسیج است؛ آنجا هم بسیج، آنجا هم ایمان، آنجا هم اعتمادبه‌نفس، که از خصوصیت بسیجی است.

در همه‌ی عرصه‌های زندگی در کشور عزیز ما و در نظام جمهوری اسلامی، بسیج حضور دارد. یک بعدش، این بعد نظامی است و تحرکات نظامی و آموزش‌های نظامی و تربیت نظامی و انضباط نظامی. مثل خود انقلاب مردمی است. هر عنصری، هر فردی، هر مجموعه‌ای که بتواند این خصوصیت انقلاب را با خود همراه داشته باشد، مثل انقلاب ماندگار و جاودانه است؛ مثل انقلاب مؤثر و فعال و اثرگذار در محیط حضور خود هست.

❖ بسیج یک مجموعه‌ی دینی است

در میدان سیاست هم مردمی بودن، در میدان سازندگی هم همین جور، در میدان مدیریت کلان کشور هم مردمی بودن، عنصر مردمی بودن. انقلاب مردمی است، بسیج هم مردمی است. بسیج مثل انقلاب سیراب از معارف اسلامی و سلوک دینی است. انقلاب ما تحت تأثیر جوسازی به اصطلاح انقلابیون ملحدی که در سراسر جهان ادعاهایشان گوش فلک را گِر می‌کرد، قرار نگرفت. مظهر این تعبد و تمسک به دین، امام بزرگوار ما بود؛ یکپارچه متمسک به دین، در اصول و فروع، در معارف والای اسلامی و در عمل فردی؛ انقلاب این جور متولد شد. ملت به این سمت حرکت کردند، این را خواستند، برای این جان دادند. بسیج هم همین جور متولد شد. بسیج یک مجموعه‌ی دینی است.

در میدان های نبرد هشت ساله هیچ کس به جوان های بسیجی نمی گفت شما بیاید این جور توسل کنید، این جور توجه کنید، این جور عبادت کنید، این جور دعا کنید؛ از درون می جوشیدند، دل شان و ایمان شان آن ها را به سمت تعبد می بُرد. بافت وجودی آن ها که در آن میدان دشوار جلای بیشتری هم پیدا کرده بود، به آن ها می آموخت چگونه خدا را عبادت کنند؛ و عبادت می کردند. این چیزهایی که می شنوید و در کتاب های یادگار از آن دوران می خوانید از عبادت بسیجی ها، از تضرع و اشک زلال جوان های بسیجی در میدان های جنگ، این ها جوشیده از دل آن ها بود. هیچ کسی نمی تواند این را به کسی یاد بدهد. این ها یادگرفتنی نیست، این ها از درون دل و از عمق جان جوشیدنی است. بسیج یک موجود متدین و متشرع است.

❖ بسیج اهل سازش نیست

بسیج مثل انقلاب با دشمنان سازش ناپذیر است. انقلاب اسلامی را زیر فشار قرار دادند برای اینکه به سود قواعد ظالمانه ی جهانی از جایگاه خود عقب نشینی کند؛ انواع فشارها را بر انقلاب و بر نظام جمهوری اسلامی به این منظور وارد کردند که یکی اش تحمیل هشت سال جنگ بر این کشور بود. انقلاب تسلیم نشد، امام تسلیم نشد، بسیج هم در مقابل فشارها و قواعد ظالمانه و جوسازی ها هرگز تسلیم نمی شود و یک قدم به عقب نمی رود.

❖ به بسیجی بودن خودمان باید افتخار کنیم

بسیج در واقع آن پوششی است، آن قالبی است که بهترین جوانان این کشور برای رسیدن به آرمان های بلند این ملت بزرگ، می توانند در زیر این پوشش گرد هم بیایند و جمع بشوند. بسیج، پیر و جوان و زن و مرد و این قشر و آن قشر نمی شناسد. هر کدام از ما آن روزی که به معنای حقیقی کلمه بتوانیم خود را بسیجی بدانیم، باید افتخار کنیم؛ و افتخار می کنیم.

برای همین خصوصیات است که دشمنان این انقلاب یکی از اصلی ترین نقاط حمله ی خود را همیشه بسیج قرار داده اند. بسیج را متهم کردند. در میدان های سیاسی، بازیگران سیاسی

هر چه خواستند علیه بسیج گفتند. بسیج، آرام- مثل یک اقیانوس آرام و پر عمق- در پاسخ به آن‌ها چیزی نگفت و چیزی نمی‌گوید؛ و چیزی نگوید.

بسیج یعنی آن مجموعه‌ی بهترین عناصر یک کشور که همت ما، عشق ما، امید ما این است که این مجموعه فراگیر باشد؛ همه‌ی افراد این ملت بزرگ را در بر بگیرد. همین جور هم هست؛ ما می‌گوئیم بیست میلیون، اما در واقع، بسیج ده‌ها میلیون بیشتر از این تعدادها و مقدارها باید باشد و به امید خدا هست و خواهد بود.

❖ دشمنان بسیج شکست خورده اند

وقتی این ملت ایستاده است، وقتی این ملت حاضر نیست از آرمان‌های بلند خود دست بکشد، وقتی این ملت اسیر جوسازی‌های دشمنان نمی‌شود، وقتی این ملت با بازی‌های سیاسی معمول و مرسوم در دنیا قدمش نمی‌لغزد و از راه مستقیم خود عدول نمی‌کند، وقتی این ملت پرچم اسلام را با دست‌های قدرتمند خود بلند می‌کند و ملت‌های اسلامی و همه‌ی امت اسلامی را با حضور خود و وجود خود دلگرم می‌کند، این نشان‌دهنده‌ی این است که بسیج موفق بوده است و موفق خواهد بود و دشمنان بسیج و مراکز و دستگاه‌هایی که به خاطر دشمنی با انقلاب و با آرمان‌های انقلاب با بسیج دشمنند، باید اذعان کنند، اعتراف کنند که شکست خورده‌اند.

❖ تلاش برای ارتقای کیفی بسیج و تاثیر بر جوانان کشور

نیروی عظیم بسیج، نیروی عظیم ملت ایران است. جوانان عزیز! پسران! دختران! قشرهای مختلف! عناصر مؤمن و شاداب و مبتکری که در این قالب بزرگ و مجموعه‌ی عظیم قرار گرفته‌اید! هر چه می‌توانید کیفیت خودتان را بالا ببرید تا بتوانید بر روی فضای عمومی جامعه اثر بگذارید و جوان‌های بیشتر و مجموعه‌های بیشتری را به آن مرکزیت اصولی و آرمانی نزدیک کنید. مجموعه‌های مردمی بسیج، باید فکرشان این باشد؛ مدیران و اداره‌کنندگان و سرپرستان بسیج هم باید همین را فکر کنند.

❖ بیداری ملت‌ها مرهون نظام مقدس جمهوری اسلامی است

امروز نظام مقدس جمهوری اسلامی به برکت همین عناصر سازنده‌ی خود - که عناصر سازنده‌ی بسیج هم همان‌هاست - توانسته است به سمت آرمان‌ها پیش برود؛ میدان را از دست دشمن‌های خود بگیرد. امروز ما کجا قرار داریم، بیست سال پیش، بیست و پنج سال پیش کجا بودیم؟ در همه‌ی میدان‌ها ملت ایران جلو آمده و دشمنان ملت ایران در همه‌ی میدان‌ها و عرصه‌ها اعتراف می‌کنند که درقابل ملت ایران کم آورده‌اند. و ملت ایران توانسته است این حرکت بزرگ خود را دنبال بکند. ملت‌های دیگر هم به شما نگاه می‌کنند. ملت مظلوم فلسطین، ملت خون داده و مظلوم عراق به شما نگاه می‌کنند. نشاط شما، ایستادگی شما، سربلندی شما، عزم و اراده‌ی شما در روحیه‌ی آن‌ها اثر می‌گذارد. امروز می‌بینید امریکائی‌ها و همدستان‌شان باز برای اینکه شاید بتوانند خودشان را به مقاصد شومشان نزدیک بکنند، دست زدند به تشکیل کنفرانس پاییزی، که من در روز عید فطر هم اشاره کردم؛ «پاییزی» است؛ خزان‌زده است؛ اسمش رویش است. امیدوارند که بتوانند به این وسیله به دولت جعلی غاصب صهیونیست کمکی برسانند؛ جبران شکست‌های گذشته را بکنند و برای مسئولان امروز کاخ سیاه آبرویی درست کنند. امروز همه در دنیا و سیاستمداران از پیش، می‌دانند که این کنفرانس - که چند روز دیگر تشکیل خواهد شد - شکست خورده است. این به خاطر چیست؟ به خاطر بیداری ملت فلسطین است. و بیداری ملت فلسطین گره خورده است به بیداری ملت‌های دیگر، و در رأس آن‌ها، ملت عظیم و بزرگ ایران، شما جوانان مؤمن. حرکت شما، شعار شما، حضور شما، فعالیت شما، در قضایای جهانی به همین نسبت اثر می‌گذارد.

پروردگارا! روح مطهر امام را که این جوانان عظیم ساخته و پرداخته‌ی آن ایمان و روح بلند و بزرگند، روز به روز بر علو درجاتش بیفزای. پروردگارا! شهدای عزیز این ملت را، شهدای نیروهای مسلح را، شهدای بسیج را، که مظلومان و شجاعانه - مثل مقتداشان امیر المؤمنین که هم مظلوم بود، هم شجاعترین بود در میدانهای نبرد - به شهادت رسیدند، با شهدای کربلا

محشور کن. پروردگارا! این جوانان عزیز ملت ایران را به ملت ایران ببخش. پروردگارا! روز
به روز بر افتخارات ملت ایران و جوانان شان بیفز.ا.

و السّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

بیانات در دیدار با بسیجیان استان فارس ۱۴/۲/۱۳۸۷

۱- دل های مشتاق و با نشاط

۲- بسیج شجره طیبه

۳- نقش بسیج در دفاع مقدس

۴- احساس ایستادگی و مقابله با تهاجمات دشمن

۵- نیاز به بسیج در تمامی دوران ها و تمامی قشرها

۶- دشمنی ها با اصل نظام

۷- دائما هوشیار باشیم

۸- دل های خود را با معارف مستحکم کنیم



بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ابى القاسم المصطفى محمد و
على اله الاطيبين الاطهرين المنتجبين؛ سيما بقية الله فى الارضين.

مجموعه‌ی جوانان بسیجی در هر نقطه‌ای از این کشور که اجتماع می‌کنند، با آنها عطر
جهاد همراه است؛ بخصوص اگر آن محل اجتماع جائی باشد که دل‌های مشتاق فراوانی در
طول زمان از آنجا به عرصه‌های جهاد گسیل شدند و دلاوری‌های آنها در تاریخ باقی مانده
است؛ که این پایگاه، این مرکز در شیراز از آن قبیل است.

آنچه که گفته می‌شود به عنوان ثبت در تاریخ، این اگر چه که حقیقتی در ورای آن وجود
دارد - که اشاره خواهم کرد - اما مهمتر از آن ثبت در کتاب کرام‌الکاتبین است؛ ثبت در
صحیفه‌ی نورانی صدیقین و بندگان صالح خداست؛ آن چیزی که برای آن جا دارد هر انسانی
همه‌ی لحظات زندگی خود را به کار بیندازد و تلاش خود را برای آن مصروف کند؛ این
همانی است که امیرالمؤمنین «علیه‌الصلاة والسلام» در آن لحظه‌ی آخر فرمود: «و لمثل ذلك فليعمل
العاملون». اگر تلاشی از انسان بناست سر بزنند، چه بهتر که هدف آن تلاش، یک چنین
جایگاهی، یک چنین رتبه‌ای باشد.



❖ دل‌های مشتاق و با نشاط

اما مسئله‌ی تاریخ هم در عین حال، مسئله‌ی کمی نیست. به تاریخ گذشته‌ی این ملت که مراجعه کنید، هر چه نگاه می‌کنید می‌بینید در انتقال و جابه‌جایی قدرت‌ها، مردم کشور ما نقشی نداشتند؛ جانبداری‌ای نداشتند؛ حضور مؤثر و فعالی نداشتند. تنها در انقلاب اسلامی است که وقتی صدای انقلاب از سوی رهبر بی‌نظیر ما به گوش رسید، ملت حرکت کرد. مسئله، مسئله‌ی این نبود که خواصی از جامعه، جریانی از جامعه، گروهی از ابعاد و اشخاص جامعه بیایند وسط میدان؛ اقیانوس به تلاطم درآمد، اقیانوس ملت. وقتی هم که نوبت دفاع مقدس رسید، باز تنها نیروهای مسلح مرسوم نبودند که احساس وظیفه کردند، آحاد مردم حرکت کردند؛ هر جا دل آماده‌ای بود، هر جا انگیزه و نشاط و ایمان برتری بود، آمد وسط میدان.

❖ بسیج شجره طیبه

در این مجموعه‌ی عظیم ملی، آنچه که مثل یک شجره‌ی طیبه در این سرزمین طیب و طاهر باقی ماند و ماندگار شد، همین شجره‌ی طیبه‌ی «بسیج» بود. متعهدترین، مشتاقترین، پراکنده‌ترین افرادی که آمدند در این صحنه حضور پیدا کردند، مجموعه‌ی بسیج عظیم نیروهای ما بودند؛ صحنه را هیچ وقت خالی نگذاشتند.

سازماندهی بسیج، یکی از نوآوری‌های امام بزرگوار بود. سازمانی به نام بسیج بعد از آنکه بسیج عبارت بود از مجموعه‌ی انگیزه‌های مقدس و احساس مسئولیت و تعهد، آن را در قالب یک سازمان درآوردن، این جزو ابتکارات ماندگار امام بزرگوار بود. ما دیدیم برخی از سران کشورهای اسلامی نسبت به این قضیه با صراحت اظهار کردند که این کار بسیار بزرگی است. حقیقتاً هم کار بزرگی بود که امام انجام دادند.

همین مجموعه‌ی بسیجی بود - یعنی علاقه‌مندان و داوطلبان - که به تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجامید. درست است که بسیج، دنباله‌ی مجموعه‌ی سپاه و منضم در مجموعه‌ی



سپاه پاسداران است؛ اما در واقع خود سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از همان کسانی تشکیل شد که پیشروان و سابقون در بسیج بودند و آمدند وسط میدان؛ این شجره‌ی طیبه است.

لذا در عرصه‌ی کار بزرگی که در این کشور انجام گرفت - یعنی دفاع مقدس - کشور هیچ احساس ضعف نکرد. با اینکه ما از لحاظ نیروی نظامی، از لحاظ تجهیزات و توانائی‌های عرفی معمولی با دشمنان که طرف مقابل ما بود، خیلی تفاوت داشتیم - همه‌ی موجودی ما بخشی از موجودی دشمن مقابل ما نمی شد - اما احساس ضعف نکردیم. در همان عین محنت‌ها در دوران دفاع مقدس، حضور پر شور جوان‌های این کشور دل‌ها را لبالب از امید می کرد و کارساز هم بود. بسیج، یک چنین شجره‌ی طیبه‌ای است.

❖ نقش بسیج در دفاع مقدس

شاید بسیاری از شما جوان‌های عزیز، دوران دفاع مقدس را درک نکردید، در آن دوران نتوانستید، نبودید که بیائید وسط آن میدان؛ اولاً باید با اوضاع داوطلبان و جوانان مؤمن آن روز همه آشنا شوند؛ مخصوص شما نیست. همه باید بدانند که در دوران دفاع مقدس چه معجزات عظیمی از حضور مؤمنانه و پر تلاش نیروهای بسیجی در صحنه‌های جنگ اتفاق افتاد؛ این را باید همه بدانند. نوشته‌هائی هست، کتاب‌های خوبی نوشته شده است؛ من توصیه می کنم این کتاب‌هائی که در شرح حال سرداران است یا آنچه که در گزارش روزهای جنگ و سال‌های دشوار اول بالخصوص نوشته شده، این را جوان‌ها بخوانند. خود را سیراب کنید از معرفت به آنچه که گذشته است در تاریخ انقلاب؛ ارزش بسیج اینجا معلوم می شود. بسیج‌نخبگان را در درجه‌ی اول جذب کرد؛ هم نخبگان تحصیلی و علمی را، هم نخبگان سیاسی را، هم فعالان عرصه‌های اجتماعی را و هم دل‌های پاک و نورانی را. میدانی بود که جوانان دانشجو هم جذب آن می شدند؛ پیرانی که دوران تلاش آنها سپری شده بود، جذب می شدند؛ نوجوانان هم جذب می شدند. و همه احساس می کردند که سیراب می شوند؛ تشنگی معنوی آنها در بسیج، در حضور در آن عرصه‌های دشوار برطرف می شود. یک چنین عرصه‌ای بود، عرصه‌ی دفاع مقدس و حضور بسیج در آن.



بنابراین در تاریخ این کشور، این حادثه، حادثه‌ی ماندگاری است؛ تشکیل بسیج و نقشی که آن روز در دفاع مقدس ایفاء کرد. لکن من می‌خواهم به شما عرض بکنم نقش بسیج منحصر به معرکه‌ی جنگ و عرصه‌ی نبرد نیست؛ اگرچه که عرصه‌ی نبرد یکی از مظاهر حضور مردمی و حضور بسیج است بدون تردید. بهترین نیروهای ما، پاکیزه‌ترین نیت‌های جوانان ما، پاک‌ترین و پاکدامن‌ترین عناصر جوان ما در بسیج می‌توانند حضور پیدا کنند و متشکل شوند. واقعیت هم همین بوده است. در هرجائی که اسلام به آن نیازمند است و جمهوری اسلامی نسبت به آن احساس نیاز می‌کند، نیروی بسیج می‌تواند در آنجا حضور پیدا کند؛ همچنانی که خوشبختانه در عرصه‌ی علم و تحصیل دانش، جوانان بسیجی، می‌بینیم و می‌شنویم که رتبه‌های بسیار خوب و برجستگی‌هایی را کسب کردند و از خودشان نشان دادند. هر جایی که جای حضور - حضور مردمی و حضور نیروی انسانی فعال و پرانگیزه - است، آنجا جای بسیج است.

❖ احساس ایستادگی و مقابله با تهاجمات دشمن

شما جوانان عزیزی که امروز در مجموعه‌ی بسیج حضور دارید و نیروی مقاومت، سازماندهی شما را بر عهده گرفته است، احساس و تلقیتان از مسئولیت یک انسان در قبال اسلام باید این باشد که می‌توانید مؤثر باشید، می‌توانید این حرکت عظیم را سرعت ببخشید، می‌توانید گره‌هایی را باز کنید، می‌توانید در مقابل تهاجم‌های گوناگون ایستادگی کنید؛ چه تهاجم سیاسی، چه تهاجم تبلیغاتی، چه جنگ‌های روانی و چه احیاناً تهاجم نظامی. و انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و کشور ما به این حضور مردمی و پرانگیزه و برخاسته‌ی از ایمان، حداکثر نیاز را دارد؛ چون اتکاء این نظام به خدا و عوامل الهی است و مهمترین عوامل الهی همین ایمان‌های مردمی است؛ «هو الّذی اَیّدک بنصره وبالمؤمنین». خداوند به پیغمبرش می‌فرماید: خدا تو را به وسیله‌ی نصرت خود و به وسیله‌ی مؤمنین تأیید کرد. یعنی یکی از مظاهر نصرت الهی، اعمال قدرت الهی، نصرت مؤمنین است.



❖ نیاز به بسیج در تمامی دوران ها و تمامی قشرها

نظام جمهوری اسلامی اتکالش به خداست - دستگاه دیپلماسی ما، فعالیت های گوناگون دولت های مادر دنیا در محدوده ی ارتباطات بین المللی و فعالیت های متعارف سیاسی طبق ارزیابی های خود آنها، جزو کشورهای فعال به حساب می آید و فعالیت های ما موفق به حساب می آید - در عین حال به هیچ قدرتی، به هیچ دوستی اتکال و اتکاء نمی کنیم. اتکاء ما به نیروی درونی خود ماست که همان ارتباط با خداست، اتکال به خداست؛ متمرکز کردن موهبت های الهی است در وجود انسان ها، تا بتوان کارآئی آنها را چند برابر کرد؛ این کاری است که امروز بر عهده ی نظام جمهوری اسلامی است. لذا همیشه به بسیج نیاز هست، چه در دورانی که تهدیدی وجود داشته باشد - چه تهدید سیاسی، چه تهدید اقتصادی، چه تهدید نظامی - و چه حتی در دورانی که تهدیدی وجود نداشته باشد. و خوشبختانه قشرهای گوناگون مردم به این نیاز پاسخ دادند؛ در هر نقطه ای از این کشور، قشرهای گوناگون از شهری، از روستائی، از عشائر، از دانشجو، از کارمند، از دانش آموز، از بقیه ی اصناف گوناگون کشور؛ از کارگر، از کشاورز، همواره اجابت شنیده شده است نسبت به دعوت در مجموعه ی بسیج. یک نمونه همین عشائر عزیز ما هستند که استان شما، جزو استان های عشایرنشین است و بسیج عشایر در اینجا جزو بسیج های فعال است.

معمولاً در کشورهای مختلف تعدد اقوام و قومیت ها یکی از نگرانی های آنهاست؛ در کشور ما بعکس است. عشایر ما همیشه در طول زمان که ما سراغ داریم، جزو پشتیبانان فعال و جدی دین و دینداران و علمای دین و حرکت های دینی بوده اند. هر چه نگاه می کنیم در گذشته اینجور می بینیم؛ در زمان ما هم همینجور است. در دوران طاغوت هم همین عشایر فارس، درمقابل زورگوئیهای طاغوت ایستادند. خواستند آنها را به معارضه با مجموعه ی دینداران وادار کنند، اما نتوانستند؛ به انقلابیون، به مبارزین کمک کردند. آنجائی هم که کمکی بظاهر نبود، دل هاشان با آنها همراه بود. این مجموعه ی عشائری ما هستند. در بقیه ی مجموعه های ما هم همیشه همین جور است و این آمادگی باید باشد.



❖ دشمنی ها با اصل نظام

بارها این را گفته ایم: نظام جمهوری اسلامی با اعلام آرمان عدالتخواهی در سطح بین الملل، قهراً دشمنانی برای خود تدارک دیده. همه ی کسانی که در سطح تعاملات جهانی معتقد به سلطه و زورگوئی و تجاوزند، با شعار عدالت طلبی از سوی نظام جمهوری اسلامی معارضند، مخالفند، عصبانی اند؛ همچنانی که با شعار استقلال ملی، دشمنانی در مقابل ما صف آرائی می کنند. همه ی انحصار طلبان، همه ی جهانخواران، همه ی آتشیانی که دستشان بناحق و ناروا در سفره ی منابع مادی این کشور دراز بوده و چپاول می کردند، وقتی که این کشور و این ملت اعلام استقلال و نفوذیادی بیگانگان را قطع می کند، طبیعتاً صف آرائی می کنند. نباید تصور کرد دشمنی دشمنان به خاطر این است که فلان موضع گیری را دولت جمهوری اسلامی یا فلان مسئول کشور انجام داده. مسئله، مسئله ی اصل نظام و ساخت نظام است؛ مسئله، مسئله ی شعارهای اصولی نظام و امام است.

ملت ها به عکس قدرت های سلطه گر دلشان با شماست. آنها بسیجی جوان ایرانی را تحسین می کنند. نام شماها، یاد شماها، حرکات شماها خیلی دلها را در دنیای اسلام، حتی در بیرون از دنیای اسلام به شما جذب کرده. این تهدیدها بنابراین هست، پس حضور مردمی و حضور بسیجی هست.

❖ دائماً هوشیار باشیم

امواج تبلیغات علیه نظام اسلامی را هرگاه یک بار از سوی قدرت های سلطه گر می بینید. کانه این امواج بازسازی می شود. گاهی به عنوان مسئله ی انرژی هسته ای، گاهی به عنوان حقوق بشر، گاهی با عناوین گوناگون دیگر تبلیغات رسوا علیه نظام جمهوری اسلامی سازماندهی می شود. منتها چه کسی این تبلیغات را سازماندهی می کند؛ خود مهر آن سازمان دهان رسواکننده ی این تبلیغات است؛ کسانی که خودشان بیشترین نقض حقوق بشر را کرده اند. بیشترین تعرض را به ملت ها کرده اند؛ بیشترین چپاول را از منابع انسان ها و ملت ها انجام داده اند؛ آنها پیشرو این تبلیغاتند. ولی ملت ایران بیدار است. ملت ایران زنده است.



شما جوانان باید دائماً هشیار باشید. معارف دینی خود و معارف انقلابی خود را هر چه می توانید تعمیق کنید. مثل پاره‌های پولاد؛ «زبر الحديد» - آنطوری که در تعبیرات حدیث و در بعضی دعاها وجود دارد - نفوذ ناپذیر و نفوذ کننده و در مقابل دشمن برنده و با اراده‌ی قوی باشید.

❖ دل های خود را با معارف مستحکم کنیم

اگر بخواهید این هویت را به صورت کامل برای خودتان تأمین کنید و حفظ کنید، و ان شاء الله کسانی که در آینده به شما ملحق خواهند شد در نسل های بعدی، همین طور این شجره‌ی طیبه و این جریان مقدس ادامه پیدا کند، بایستی پایه‌های معارف را در دل هاتان مستحکم کنید. من توصیه می کنم در زمینه‌ی مسائل دینی، جوان ها از معارف بلندی که جزو بهترین آنها آثار شهید مطهری است، حتماً استفاده کنند. شعارها خیلی خوب است، جهت-گیری ها خیلی خوب است؛ بایستی به این جهت گیری ها و به این شعارها عمق داد. جوان ها از کتاب های شهید مطهری استفاده کنید، از شرح حال سرداران غفلت نکنید؛ آگاهی از شرح حال این شهدای راه حق در درجه‌ی اول سردارانند، اما مخصوص سرداران نیست. من یک کتابی را می خواندم که شرح حال یک دسته، یک جزئی از یک گروهان بسیجی سپاه در یکی از حملات دفاع مقدس بود. حضور افراد یک دسته در صحنه‌ی نبرد، فعالیت های بسیار مؤثرشان، شوق شان، ایمان شان، ضربه‌ای که به دشمن وارد کردند و بالاخره آن نورانیتی که در عرصه‌های نبرد کسب کردند، در بیانات شان؛ و آنهایی که شهید شدند، در وصیتنامه‌شان این نورانیت منعکس است. من بهره‌مند می شوم. من هر وقت یک چنین چیزهائی را می خوانم، بهره‌مند می شوم، استفاده می کنم. باب این استفاده را به روی خودتان باز کنید. امیدهای آینده‌ی کشور شما جوانان هستید و در میان جوانان کشور، پرانگیزه‌ترین ها و با ایمان‌ترین ها بیشترین امیدها را برای این کشور و برای این ملت به وجود می آورند و یقیناً مجموعه‌ی بسیج از این قبیلند. از خداوند متعال مسئلت می کنیم که این راه روشن، این



شجره‌ی طیبه، این هویت نورانی را برای انقلاب اسلامی روز به روز سرزنده‌تر و شاداب‌تر بفرماید.

پروردگارا! دل‌های جوان این عزیزان را با نور معرفت خود و با نیروی عظیم توکل به خود نورانی بفرما. پروردگارا! گامهای این جوانان عزیز را در راه پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی استوارتر بگردان. پروردگارا! شهیدان عزیز ما را با اولیاء محشور بگردان. پروردگارا! مرگ ما را جز به شهادت در راه خودت قرار مده. پروردگارا! عمل ما، زبان ما، سخن ما، دل ما و مجموعه‌ی وجود ما را در خدمت اهداف الهی قرار بده. قلب مقدس ولی عصر (ارواحنا فداه) را از ما راضی و خشنود بگردان.

و السّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته



بیانات در دیدار با جمع کثیری از بسیجیان کشور ۴/۹/۱۳۸۸

۱- یاد بود شهادت ائمه (ع) دارای چه پیام هایی است

۲- «دهه ی امامت» دارای چه پیامی است.

۳- الهام و کمک الهی همراه با دل نورانی امام(ره)، بسیج را به وجود آورد

۴- ویژگی های بسیج و رمز ماندگاری آن

۵- رمز حفظ استقلال و عزت کشور

۶- معنای بسیجی چیست؟



بسم الله الرحمن الرحيم

❖ یاد بود شهادت ائمه (ع) دارای چه پیام هایی است

خوشامد عرض می کنم به همه ی شما عزیزان - برادران، خواهران - بسیجیان سرافراز. از لحاظ تاریخی، این روزها روزهای نشاندار و بزرگی است: شهادت امام باقر (علیه السلام) که یک شهادت دارای پیام بود؛ لذا خود امام باقر (علیه السلام) وصیت کرد که بعد از او تا ده سال در منا به مناسبت این رحلت، یادبود برپا شود. در میان ائمه ی ما این بی سابقه است، بی نظیر است. یاد امام باقر، یعنی یاد سر برآوردن حیات دوباره ی جریان اصیل اسلامی در مقابله ی با تحریف ها و مسخ هائی که انجام گرفته بود.

❖ «دهه ی امامت» دارای چه پیامی است

خاطره ی دیگر، خاطره ی روز عرفه و روز عید قربان است؛ که از روز عید قربان تا روز عید غدیر، در واقع یک مقطعی است متصل و مرتبط با مسئله ی امامت. خدای متعال در قرآن یاد می فرماید: «و اذ ابتلی ابراهیم ربّه بکلمات فأتَمَّهَنّ قَالَ اَنْیْ جَاعِلُکَ لِلنَّاسِ اِمَامًا»^۱ «و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود و وی آن همه را به انجام رسانید، [خدا به او] فرمود: من تو را پیشوای مردم قرار دادم ...» ابراهیم از طرف پروردگار منصوب شد به امامت. چرا؟ چون از عهده ی امتحان های دشوار برآمد. مبدأ این را می شود روز عید قربان به حساب آورد، تا روز عید غدیر که روز امامت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب «علیه آلاف التحية و الثناء» است. این هم به دنباله ی امتحانات سخت بود. امیر المؤمنین طول حیات مبارکش را با امتحان - امتحان

هائی که از آن سرافراز بیرون آمده است - گذرانده؛ از سیزده سالگی یا یازده سالگی و قبول نبوت تا لیلۃ المیت، یک جوان فداکار و فانی در پیغمبر که آماده است جان خود را فدای پیغمبر بکند - عملاً این را در ماجرای هجرت پیغمبر به اثبات می‌رساند - و بعد هم آن امتحان‌های بزرگ در بدر و احد و حنین و خیبر و بقیه‌ی جاها. این منصب والا، دنباله‌ی این امتحان هاست؛ لذا دل‌ها متوجه شده است به اینکه بین عید قربان و عید غدیر یک ارتباط است. بعضی هم این را «دهه‌ی امامت» نامیده‌اند و نام مناسبی است.

❖ الهام و کمک الهی همراه با دل‌نورانی امام(ره)، بسیج را به وجود آورد

هفته‌ی بسیج هم یک مقطع مهم است؛ یک یادبود بزرگ است. خوب، هفته‌های زیادی را اعلام کردند، داریم در طول سال؛ اما این یکی یک امتیازات استثنائی دارد؛ چرا؟ چون خود بسیج یک استثناء است؛ یک حادثه‌ی بی‌نظیر است. اینی که در یک کشور، از یک حقیقت، از یک نظام، مردم با همه‌ی وجود خودشان، با بهترین عناصرشان، با مؤمن‌ترین انسان‌هایشان دفاع کنند و حد و مرزی در عرصه‌های مختلف جهاد و دفاع شناسند، در جای دیگری من سراغ ندارم؛ لاقلاً در این دنیای نزدیک به زمان خودمان - که دنیای انقلاب‌ها و تحول‌ها و نظام‌های گوناگون بوده - بنده چنین چیزی را سراغ ندارم؛ این مخصوص انقلاب ماست؛ و این دل‌نورانی امام بزرگوار ما بود که به این حقیقت دست یافت و به الهام الهی و به کمک الهی این را تحقق بخشید و زمینه‌ی عظیم دل‌های منور مردم مؤمن، یک چنین محصولی را به انقلاب داد. بسیج این است.

❖ ویژگی‌های بسیج و رمز ماندگاری آن

وقتی با حقیقت معنا به بسیج نگاه شود، بسیج رمز پایداری و ماندگاری و عزت ملی است. جمعی از بهترین و مؤمن‌ترین مردم در هر عرصه‌ای که کشور و نظام به آن احتیاج دارد، بی‌محبا وارد شوند، همه‌ی توان خودشان را کف دست بگیرند، بیاورند توی میدان، اجر و مزدی هم نخواهند، نام و نشانی هم برایشان مطرح نباشد؛ این خیلی چیز مهمی است. ما عادت

کرده‌ایم؛ مثل خیلی چیزهای مهمی که انسان به آن‌ها عادت می‌کند و اهمیت آن‌ها را توجه نمی‌کند. چنین چیزی در جای دیگری نیست.

❖ رمز حفظ استقلال و عزت کشور

خوب، اولین عرصه‌ای که بسیج را به خود جذب کرد، عرصه‌ی دفاع از استقلال کشور و از مرزهای کشور بود. بحث جان بود، بحث کنار گذاشتن همه‌ی لذت‌های زندگی بود؛ پیر و جوان هم نشناخت؛ همه آمدند: زن‌ها آمدند، مردها آمدند، نوجوان‌ها آمدند، پیرهای سالخورده آمدند وارد میدان شدند و امتحان دادند. کدام امتحان از این بالاتر؟ آن زمان هم بودند کسانی که حاضر نبودند از جان‌شان یا از مال‌شان یا از استراحت‌شان، هیچ مایه‌ای برای کشور و برای انقلاب و برای استقلال کشور بگذارند؛ لیکن یک جمع کثیری از مردم آمدند وسط میدان، همه چیزشان را آوردند وسط میدان- از جان، از مال، از آسایش، از آبرو- و استقلال و عزت کشور را حفظ کردند.

مطمئن باشید اگر حضور بسیج مستضعفین در هشت سال دفاع مقدس نبود، امروز سرنوشت کشور چیز دیگری بود؛ دشمن مسلط می‌شد و این حرکت عمومی، این هیجان عمومی، این جوانی که خودش می‌آمد، همه‌ی خانواده‌ی خودش را هم در پشت جبهه در حال و هوای دفاع از انقلاب و دفاع از کشور و دفاع از نظام قرار می‌داد، پدید نمی‌آمد؛ این خیلی حادثه‌ی عظیمی بود.

❖ معنای بسیجی چیست؟

بعد از دوران جنگ هم در همه‌ی حوادث، بسیج جلودار بوده است، پیشرو بوده است، خط شکن بوده است. اگر بحث اقتدار سیاسی و ایستادگی سیاسی مطرح بوده، این جریان عظیم بسیج مردم در سرتاسر کشور این شعار را تثبیت کردند، به رخ دنیا کشیدند؛ اگر بحث فرهنگی بوده است، اگر بحث سازندگی بوده است، چقدر در سرتاسر این کشور کارهای عظیم به وسیله‌ی نیروهای بسیجی انجام گرفت. حتی در میدان‌های علمی- اشاره کردند؛ این بیانات، بیانات خوبی بود- در عرصه‌های علمی، جوانان مؤمن که خصوصیت‌شان همین است که

مؤمن‌اند، دنبال نام و نشان نیستند، از همه‌ی ظرفیت استفاده می‌کنند؛ هدف هم آرمان‌های نظام اسلامی است. معنای بسیجی این است. جوان‌هایی با این خصوصیات وارد میدان شدند. امروز افتخارات کشور، ساخته و پرداخته‌ی دست همین انسان‌های خدوم و باارزش است. شناختن این حقائق - یعنی شناختن معنای بسیج - خود این، ظلم به بسیج است.

بعضی تصور کردند بسیج منحصر است در همین تعداد گردان‌های بسیجی یا سازمان‌های نظامی بسیجی - این‌ها البته جزو بهترین بسیجی‌ها هستند - اما بسیج فقط این نیست؛ بسیج گسترده است، در همه‌ی عرصه‌ها. شاید صدها برابر یا بیش از صدها برابر آن تعدادی که در قالب‌های نظامی هستند، در قالب‌های غیر نظامی هستند، در بخش‌های مختلف؛ در دانشگاه یک‌جور، در کارگاه یک‌جور، در قشرهای مختلف مردم یک‌جور، در روستاها یک‌جور، در شهرها یک‌جور، در میان عشایر یک‌جور، در حوزه‌های علمیه یک‌جور. بسیج حضور دارد؛ یک حضور فراگیر و مقتدر و تمام‌نشدنی. بسیج نه به پول وابسته است، نه به عنوان و جاه و جلال وابسته است، نه به دستور از بالا وابسته است. معیار بسیج، بصیرت است و ایمان. ایمان از دل او می‌جوشد، او را به کار وادار می‌کند؛ بصیرت هم به او تفهیم می‌کند که چگونه حرکت کند، معیارها را چگونه تشخیص بدهد، راه را چگونه طی کند. این معنای بسیجی است.

هیچ شکل دیگری قابل مقایسه‌ی با مجموعه‌ی بسیج نیست. این شکل سازمان‌یابی بسیجی هم دیگر قابل تکرار نیست، قابل تقلید نیست؛ این مخصوص خود بسیج است، خصوصیت هم متعلق به بسیج است. شناختن این، ظلم است به بسیج. و وقتی انسان حقیقت بسیج را می‌داند، آن وقت می‌فهمد سرّ مخالفت‌ها و دشمنی‌ها و عنادهائی که هدایت می‌شود از طرف دشمنان انقلاب و دشمنان کشور و دشمنان نظام به سوی بسیج؛ علت این دشمنی‌ها را انسان می‌فهمد. قله‌های بلند، بیشتر آماج قرار می‌گیرند. نشان‌های برجسته، زودتر مورد توجه واقع می‌شوند و آماج دشمنی قرار می‌گیرند.

دشمنان می‌دانند که حضور بسیجی، واقعیت بسیج در کشور و در میان ملت ایران چقدر اهمیت دارد؛ لذا همت می‌گمارند بر اینکه این حقیقت مؤثر و کارآمد و نافذ را مورد تهاجم

قرار بدهند. البته این مظلومیت است. مظلومیت، مطلقاً به معنای ضعف نیست. قوی‌ترین انسان‌های دنیا هم مظلوم واقع شدند. امیر المؤمنین نیرومندترین انسان دوران‌های گوناگون است و مظلوم‌ترین انسان‌ها هم هست. انقلاب ما و نظام جمهوری اسلامی جزو مقتدرترین و نافذترین پدیده‌های دوران معاصر است، اما مظلوم هم هست. شخص امام بزرگوارمان - یک انسان مقتدر و قوی که می‌توانست دنیا را تکان بدهد و تکان داد - جزو مظلوم‌ترین انسان‌های زمان خودش بود. بنابراین مظلومیت منافات ندارد با اقتدار. بسیج مظلوم است، ولی مقتدر است، نافذ است، اثرگذار است؛ این اثرگذاری باقی خواهد ماند و باید این را روز به روز خود عناصر بسیجی و مجموعه‌های بسیجی تقویت و عمیق‌تر کنند. تا بسیج هست، نظام اسلامی و جمهوری اسلامی از سوی دشمنان تهدید نخواهد شد؛ این یک رکن اساسی است. در قضایای مختلف هم بسیج کارآمدی خود را کاملاً نشان داده است.

آنچه مهم است برای مجموعه‌های گوناگون مؤمن - که در همه جای کشور، در همه‌ی قشرها، بدون هیچ‌گونه اختلافی حضور دارند؛ که اسم آن‌ها اسم بسیج است؛ توصیف آن‌ها به بسیج، یک توصیف حقیقی و واقعی است - این است که مراقبت کنند، آسیب‌شناسی کنند، نگذارند نقشه‌های دشمن در آسیب زدن و آفت وارد کردن توفیق پیدا کند؛ این مهم است. در همه‌ی حرکت‌های موفق، دو کار لازم است: یک کار، پیش‌بینی‌های راه برای پیشرفت؛ کار دوم، ملاحظه‌ی نقص‌ها و آفت‌زدائی‌ها و شناخت آسیب‌ها، برای اینکه ضعف‌ها برطرف شود. این هم پیش‌بینی است؛ این هم مثل پیش‌بینی راه پیشرفت، جزو واجبات و فرائض هر حرکت است.

همه این را امروز فهمیده‌اند و دانسته‌اند که مواجهه‌ی استکبار با نظام جمهوری اسلامی، دیگر از نوع مواجهه‌ی دهه‌ی اول انقلاب نیست. در آن مواجهه، زور آزمائی کردند؛ شکست خوردند. مواجهه‌ی سخت بود؛ ایجاد جنگ بود، کودتا بود. در اول انقلاب کودتا راه انداختند، شکست خوردند؛ شورش‌های قومی راه انداختند، سرکوب شدند و شکست خوردند؛ جنگ تحمیلی را به راه انداختند که هشت سال به طول انجامید، شکست خوردند؛

پس دنبال این راه‌ها نخواهند رفت، یعنی احتمالش ضعیف است. البته باید همیشه هشیاری نسبت به همه‌ی جوانب باشد. اما این، اولویت استکبار در مواجهه‌ی با نظام اسلامی نیست. اولویت، آن چیزی است که امروز به آن می‌گویند جنگ نرم؛ یعنی جنگ به وسیله‌ی ابزارهای فرهنگی، به وسیله‌ی نفوذ، به وسیله‌ی دروغ، به وسیله‌ی شایعه‌پراکنی؛ با ابزارهای پیشرفته‌ای که امروز وجود دارد، ابزارهای ارتباطی‌ای که ده سال قبل و پانزده سال قبل و سی سال قبل نبود، امروز گسترش پیدا کرده. جنگ نرم یعنی ایجاد تردید در دل‌ها و ذهن‌های مردم.

یکی از ابزارها در جنگ نرم این است که مردم را در یک جامعه نسبت به یکدیگر بدبین کنند، بددل کنند، اختلاف ایجاد کنند؛ یک بهانه‌ای پیدا کنند، با این بهانه بین مردم ایجاد اختلاف کنند؛ مثل همین قضایای بعد از انتخابات امسال که دیدید یک بهانه‌ای درست کردند، بین مردم ایجاد اختلافی کردند. خوشبختانه مردم ما بایصیرتند. این جور کاری در کشورهای دیگر اوضاع کشور را بکلی عوض کرد؛ در جاهای دیگر، تردیدافکنی در دل‌های مردم نسبت به یکدیگر؛ یک بهانه‌ای مثل بهانه‌ی انتخابات را پیش بکشند، ایجاد تردید کنند، دل‌ها را نسبت به یکدیگر چرکین کنند، مردم را در مقابل هم قرار بدهند؛ بعد در میانه، عناصر دست‌آموز مغرض معاند را به کارهای خلاف وادار کنند و مسئولین کشور نتوانند تشخیص بدهند کی بود، چی بود، چه شد. این جزو طرح‌های اساسی است. این جور کاری را دنبال می‌کنند.

خوب، شما ببینید در یک چنین وضعیتی چه چیزی بیش از همه برای انسان مهم است؟ بصیرت. بنده بارها بر روی بصیرت تکیه می‌کنم، به خاطر همین. مردم بدانند چه اتفاقی دارد می‌افتد؛ ببینند آن دستی را که دارد صحنه‌گردانی می‌کند، صحنه را شلوغ می‌کند تا در خلال شلوغی‌های مردم، یک عنصر خائنی، یک عنصر دست‌نشانده و دست‌آموزی بیاید کاری را که آن‌ها می‌خواهند، انجام بدهد و نشود او را توی مردم پیدا کرد؛ این کاری است که دشمن می‌خواهد انجام بدهد. هر اقدامی که به بصیرت منتهی بشود، بتواند عنصر خائن را، عنصر بدخواه را از آحاد مردم و توده‌ی مردم جدا کند، او را مشخص کند، این خوب است. هر

اقدامی که فضا را مغشوش کند، مشوش کند، انسان ها را نسبت به یکدیگر مردد کند، فضای تهمت آلود باشد، مجرم و غیر مجرم در آن مخلوط بشوند، این فضا مضر است، مخالف است.

اصرار بنده بر این است که آحاد مردم، ملت ایران، جریانات مختلف سیاسی، همه در مقابل آن افراد معدودی که با اصل این انقلاب مخالفند، با اصل استقلال کشور مخالفند، هدف شان دودستی تقدیم کردن کشور به آمریکا و به استکبار است، با یکدیگر یکی باشند. دشمن از این گونه عناصر در داخل ملت ها دارد؛ در داخل ملت ما هم این جور کسانی هستند، معدودی از این قبیل پیدا می شوند. متن ملت، آحاد مردم، این توده ی عظیم مردمی - از خواص تا عامه ی مردم - این ها را باید از آن عناصر معدود خود فروخته جدا کرد؛ نباید اشتباه اتفاق بیفتد. من می بینم در بعضی از اظهارات، در بعضی از حرف ها، فضا آن چنان مغشوش می شود که افراد سردرگم می شوند؛ مردم نسبت به همدیگر، نسبت به نخبگان شان، نسبت به مسئولان شان بدبین می شوند؛ این درست نیست.

حالا بعضی ها - چه مطبوعات، چه بعضی از عناصر گوناگون - توصیه پذیر نیستند؛ آن ها از ما توصیه نمی خواهند؛ معلوم نیست سیاست های بعضی از این دستگاه ها و مطبوعات و رسانه ها را کی معین می کند و کجا معین می شود - نانشان در ایجاد اختلاف است - اما آن کسانی که مصالح کشور را می خواهند، مایلند حقائق را غالب کنند، من توصیه ام به آن ها این است که از این اختلافات جزئی و غیر اصولی صرف نظر کنند. شایعه سازی و شایعه پراکنی درست نیست. انسان می بیند صریحاً و علناً به مسئولین کشور - کسانی که بارهای کشور را بر دوش دارند - تهمت می زنند، نسبت به این ها شایعه سازی می کنند؛ فرق هم نمی کند، چه رئیس جمهور باشد، چه رئیس مجلس باشد، چه رئیس مجمع تشخیص مصلحت باشد، چه رئیس قوه ی قضائیه باشد؛ این ها مسئولین کشورند. مسئولین کشور کسانی هستند که زمام یک کاری به این ها سپرده است؛ مردم باید به این ها اعتماد داشته باشند، حسن ظن داشته باشند. نباید شایعه پراکنی کرد؛ دشمن این را می خواهد. دشمن می خواهد شایعه پراکنی کند؛ می خواهد دل ها را نسبت به یکدیگر، نسبت به مسئولین بدبین کند.



دیدید شما در اوائل همین حوادث بعد از انتخابات- این فتنه‌ی بعد از انتخابات- اولین کاری که شد، تردیدافکنی در کار مسئولین رسمی کشور بود؛ در کار شورای نگهبان، در کار وزارت کشور. این تردیدافکنی‌ها خیلی مضر است؛ دشمن این را می‌خواهد. جوانان بسیجی باید ایمان را، بصیرت را، انگیزه را، رعایت موازین و معیارها را، این‌ها همه را باهم ملاحظه کنند.

از جمله‌ی چیزهای مهمی که باید مورد توجه قرار بگیرد، تنوع عرصه‌های حضور بسیج است. این رویکردی که اخیراً برای بسیج اعلام شد- رویکرد علم، نوآوری علمی، کار فرهنگی- بسیار چیز مبارکی است. خیلی کارها هست که باید انجام بگیرد، که جز با روحیه‌ی بسیجی و با همین ایمان جوشان امکان‌پذیر نیست. مطمئن باشید تا بسیج در این کشور هست، تا این روحیه‌ی صدق و صفا و خدمت بی‌مزد و منت در میان مردم ما- بخصوص جوانان ما- وجود دارد، دشمن هیچ‌گونه لطمه‌ای به این انقلاب و به این نظام و به این کشور نخواهد توانست وارد کند.

کسانی هم که با اشاره‌ی دشمن، با تشویق دشمن، با لبخند دشمن، با کف زدن دشمن برایشان، می‌خواهند با این نظام، با این قانون اساسی، با این حرکت عظیم مردمی مواجه کنند، سرشان را دارند به سنگ می‌زنند؛ سر به دیوار می‌کوبند، کار بیهوده می‌کنند. مراقب باشید، مواظب باشید، نمی‌شود هر کسی را بمجرد یک خطائی یا اشتباهی گفت منافق؛ نمی‌شود هر کسی را بمجرد اینکه یک کلمه حرفی برخلاف آنچه که من و شما فکر می‌کنیم، زد، بگوئیم آقا این ضد ولایت فقیه است. در تشخیص‌ها خیلی باید مراقبت کنید. من تأکیدم به شما جوانان عزیز، فرزندان عزیز خود من، جوانان پرشور این کشور در سرتاسر میهن عزیز، همین است. انگیزه‌ها با شدت، با قوت، با ایمان کامل، با امید کامل به آینده حفظ بشود؛ اما در تشخیص‌ها و در مصداق‌های مختلف دقت بشود. بی‌دقتی در مصداق‌ها، گاهی اوقات ضررها و لطمات بزرگی خواهد زد.

به خدای متعال توکل کنید و از خدای متعال کمک بخواهید. من دعاگوی شما هستم. إن شاء الله توجّهات حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) شامل حال همه‌ی شما و همه‌ی جوانان این کشور و همه‌ی مردم عزیز ما باشد و إن شاء الله ادعیه‌ی زاکیه‌ی آن بزرگوار بتواند ما را در همه‌ی این راه‌ها کمک کند و دستگیر این ملت عزیز باشد.

و السّلام علیکم و رحمة الله و برکاته



بیانات در دیدار اعضای بسیج، هیئت علمی دانشگاه ۲/۴/۱۳۸۹

۱. اساتید بسیجی، مظهر ترکیب علم و ایمان
۲. پیشنهاد نام‌گذاری روز بسیج اساتید به نام شهید چمران
۳. شهید چمران یک دانشمند تمام‌عیار
۴. خطرناک‌ترین دوران حیات چمران
۵. اولین نحوه آشنایی با مرحوم چمران
۶. بصیرت مرحوم چمران
۷. بی‌ارزش بودن مقام و دنیا برای چمران
۸. اهل‌دل، خداجو، هنرمند و اهل معنا
۹. قضیه‌ی پاوه و پیام امام راحل
۱۰. حضور یک امر دائمی برای چمران
۱۱. حضور از اولین خصوصیات بسیجی
۱۲. نقش چمران در فتح سوسنگرد
۱۳. چمران نمونه‌ی کامل استاد بسیجی
۱۴. چمران پروری قاعده‌مند در دانشگاه‌ها
۱۵. ماندگاری جریان عظیم اساتید بسیجی
۱۶. نتیجه‌ی پرورش عناصر در تراز چمران
۱۷. نظر به قله باهمت بلند و عالی
۱۸. آرزوهای ما محور نظام سلطه
۱۹. رویش سپاه و جهاد از بسیج
۲۰. عرصه‌ی بسیج خیلی وسیع‌تر از عرصه‌ی نظامی
۲۱. حسادت‌ها و دشمنی‌ها به خاطر پیشرفت علمی
۲۲. سرعت پیشرفت علمی کمتر از حد انتظار

۲۳. نقش حساس و برجسته استاد بسیجی در محیط‌های آموزشی
۲۴. بسیج اساتید نعمت بزرگ نظام اسلامی
۲۵. آخرین تلاش‌های مراکز استکباری جهانی در مقابله‌ی با حرکت اسلامی
۲۶. وضعیت انفعال نظام سلطه در مواجهه‌ی با حرکت اسلامی
۲۷. اساسی‌ترین و اصلی‌ترین کارها در دانشگاه‌ها
۲۸. اهداف، شاخص‌ها و خطوط اصلی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

❖ اساتید بسیجی، مظهر ترکیب علم و ایمان

خیلی متشکرم و خیلی خوشوقتم از اینکه دوستان این دیدار خوب را فراهم کردند. این جمع درواقع نماد یک جمع مشخص کننده‌ی ترکیب علم و ایمان است؛ اساتید دانشگاه با صبغه‌ی خدائی بسیجی، مظهر ترکیب علم و ایمان‌اند. جلسه هم جلسه‌ی صمیمی و خوبی بود. من بیانات دوستان را - که این دوستانی که سخن گفتند، فرزندان ما هستند و هستند - با دقت گوش کردم؛ دوستان پیشنهادهای خوبی هم مطرح کردند؛ البته بعضی از این پیشنهادها به دولت مربوط است - وزرای محترم و مسئولان حضور دارند و دستگاه‌های دولتی باید آنها را دنبال کنند - بعضی از پیشنهادها هم نه، کلی‌تر و فراتر از حیطه‌ی دستگاه‌های اجرائی است که خوب، باید روی این‌ها فکر کنیم و ان شاءالله از آنها استفاده کنیم و به کار بیندیم.

❖ پیشنهاد نام‌گذاری روز بسیج اساتید به نام شهید چمران

این پیشنهادی هم که درباره‌ی نام‌گذاری روز شهادت شهید چمران به نام روز «بسیج اساتید» و «اساتید بسیجی» ذکر شد، به نظرم پیشنهاد معنی‌دار و پرمغزی است. مرحوم شهید چمران حقاً یک نمونه و مظهری بود از آن چیزی که انسان دوست می‌دارد تربیت جوانان ما و دانشگاهیان ما به آن سمت حرکت بکند. بد نیست.

❖ شهید چمران یک دانشمند تمام‌عیار

و حق این شهید عزیز هم ایجاب می‌کند که چند کلمه‌ای درباره‌ی شهید چمران صحبت کنیم. اولاً این شهید یک دانشمند بود؛ یک فرد برجسته و بسیار خوش استعداد بود. خود ایشان

برای من تعریف می کرد که در آن دانشگاهی که در کشور ایالات متحده ی آمریکا مشغول درس های سطوح عالی بوده - آن طور که به ذهنم هست ایشان یکی از دو نفر برترین آن دانشگاه و آن بخش و آن رشته محسوب می شده - تعریف می کرد برخورد اساتید را با خودش و پیشرفتش در کارهای علمی را. یک دانشمند تمام عیار بود.

❖ خطرناک ترین دوران حیات چمران

آن وقت سطح ایمان عاشقانه ی این دانشمند آن چنان بود که نام و نان و مقام و عنوان و آینده ی دنیایی به ظاهر عاقلانه را رها کرد و رفت در کنار جناب امام موسی صدر در لبنان و مشغول فعالیت های جهادی شد؛ آن هم در برهه ای که لبنان یکی از تلخ ترین و خطرناک ترین دوران های حیات خودش را می گذرانید. ما اینجا در سال ۵۷ می شنیدیم خبرهای لبنان را. خیابان های بیروت سنگربندی شده بود، تحریک صهیونیست ها بود، یک عده هم از داخل لبنان کمک می کردند، یک وضعیت عجیب و گریه آوری در آنجا حاکم بود، و صحنه هم بسیار شلوغ و مخلوط بود.

❖ اولین نحوه آشنایی با مرحوم چمران

همان وقت یک نواری از مرحوم چمران در مشهد دست ما رسید که این اولین رابطه و واسطه ی آشنایی ما با مرحوم چمران بود. دو ساعت سخنرانی در این نوار بود که توضیح داده بود صحنه ی لبنان را که لبنان چه خبر است. برای ما خیلی جالب بود؛ با بینش روشن، نگاه سیاسی کاملاً شفاف و فهم عرصه - که توی آن صحنه ی شلوغ چه خبر است، کی باکی طرف است، کی ها انگیزه دارند که این کشتار درونی در بیروت ادامه داشته باشد - این ها را در ظرف دو ساعت در یک نواری ایشان پر کرده بود و فرستاده بود، که دست ما هم رسید. رفت آنجا و تفنگ دستش گرفت.

❖ بصیرت مرحوم چمران

بعد معلوم شد که نگاه سیاسی و فهم سیاسی و آن چراغ مه شکن دوران فتنه را هم دارد.

فتنه مثل یک مه غلیظ، فضا را نامشخص می‌کند؛ چراغ مه شکن لازم است که همان بصیرت است. آنجا جنگید؛ بعد که انقلاب پیروز شد، خودش را رساند اینجا.

❖ بی‌ارزش بودن مقام و دنیا برای چمران

از اول انقلاب هم در عرصه‌های حساس حضور داشت. رفت کردستان و در جنگ‌هایی که در آنجا بود حضور فعال داشت؛ بعد آمد تهران و وزیر دفاع شد؛ بعد که جنگ شروع شد، وزارت و بقیه‌ی مناصب دولتی و مقامات را کنار گذاشت و آمد اهواز، جنگید و ایستاد تا در ۳۱ خرداد سال ۶۰ به شهادت رسید. یعنی برای او مقام ارزش نداشت، دنیا ارزش نداشت، جلوه‌های زندگی ارزش نداشت.

❖ اهل دل، خداجو، هنرمند و اهل معنا

این جور هم نبود که یک آدم خشکی باشد که لذات زندگی را نفهمد؛ به‌عکس، بسیار لطیف بود، خوش ذوق بود، عکاس درجه‌ی یک بود - خودش به من می‌گفت من هزارها عکس گرفته‌ام، اما خودم توی این عکس‌ها نیستم؛ چون همیشه من عکاس بوده‌ام - هنرمند بود. دل باصفایی داشت؛ عرفان نظری نخوانده بود؛ شاید در هیچ مسلک توحیدی و سلوک عملی هم پیش کسی آموزش ندیده بود، اما دل، دل خداجو بود؛ دل باصفا، خداجو، اهل مناجات، اهل معنا.

❖ قضیه‌ی پاهو و پیام امام راحل

انسان بانصافی بود. لابد قضیه‌ی پاهو را شماها می‌دانید که در پاهو بر روی بلندی‌ها، بعد از چند روز جنگیدن، مرحوم چمران با چند نفرِ معدودِ همراهش، محاصره شده بودند؛ ضدانقلاب این‌ها را از اطراف محاصره کرده بود و نزدیک بود به این‌ها برسند که امام اینجا از قضیه مطلع شدند، و یک پیام رادیویی از امام پخش شد که همه بروند طرف پاهو؛ دوی بعد از ظهر این پیام پخش شد؛ ساعت چهار بعد از ظهر من توی این خیابان‌های تهران شاهد بودم که همین‌طور کامیون و وانت و این‌ها بودند که از مردم عادی و نظامی و غیرنظامی از تهران و همین‌طور از همه‌ی شهرستان‌های دیگر، راه افتادند بروند طرف پاهو. بعد از قضیه‌ی پاهو که مرحوم شهید

چمران آمده بود تهران، توی جلسه‌ای که ما بودیم به نخست‌وزیر وقت گزارش می‌داد که بین این‌ها هم از قدیم یک رابطه‌ی عاطفی‌ای وجود داشت. مرحوم چمران توی آن جلسه این جوری گفت: وقتی ساعت دو پیام امام پخش شد، به مجرد پخش پیام امام و قبل از آنی که هنوز هیچ خبری از حرکت مردم به آنجا برسد، ما احساس کردیم که کأنه محاصره باز شد. می‌گفت: حضور امام و تصمیم امام و پیام امام آن قدر مؤثر بود که به صورت برق‌آسا و به مجرد اینکه پیام امام رسید، کأنه برای ما همه‌ی آن فشارها به پایان رسید؛ ضدانقلاب روحیه‌ی خودش را از دست داد و ما نشاط پیدا کردیم و حمله کردیم و حلقه‌ی محاصره را شکستیم و توانستیم بیایم بیرون. آنجا نخست‌وزیر وقت خشمگین شد و به مرحوم چمران توپید که ما این همه کار کردیم، این همه تلاش کردیم، تو چرا همه‌ی این را به امام مستند می‌کنی؟! یعنی هیچ ملاحظه نمی‌کرد؛ منصف بود. باینکه می‌دانست که این حرف گله‌مندی ایجاد خواهد کرد، اما گفت.

❖ حضور یک امر دائمی برای چمران

حضور برای او یک امر دائمی بود. ما از اینجا باهم رفتیم اهواز؛ اول رفتن ما به جبهه، به اتفاق رفتیم. توی تاریکی شب وارد اهواز شدیم. همه جا خاموش بود. دشمن در حدود یازده دوازده کیلومتری شهر اهواز مستقر بود. ایشان شصت هفتاد نفر هم همراه داشت که با خودش از تهران جمع کرده بود و آورده بود؛ اما من تنها بودم؛ همه با یک هواپیمای سی - ۱۳۰ رفته بودیم آنجا. به مجردی که رسیدیم و یک گزارش نظامی کوتاهی به ما دادند، ایشان گفت که همه آماده بشوید، لباس بپوشید تا برویم جبهه. ساعت شاید حدود نه و ده شب بود. همان‌جا بدون فوت وقت، برای کسانی که همراه ایشان بودند و لباس نظامی نداشتند، لباس سربازی آوردند و همان‌جا کوت کردند؛ همه پوشیدند و رفتند. البته من به ایشان گفتم که من هم می‌شود بیایم؟ چون فکر نمی‌کردم بتوانم توی عرصه‌ی نبرد نظامی شرکت کنم. ایشان تشویق کرد و گفت بله، بله، شما هم می‌شود بیایید. که من هم همان‌جا لباسم را کندم و یک لباس نظامی پوشیدم و - البته کلاشینکف داشتم که برداشتم - و با این‌ها رفتیم.

❖ حضور از اولین خصوصیات بسیجی

یعنی از همان ساعت اول شروع کرد؛ هیچ نمی گذاشت وقت فوت بشود. ببینید، حضور این است. یکی از خصوصیات خصلت بسیجی و جریان بسیجی، حضور است؛ غایب نبودن در آنجایی که باید در آنجا حاضر باشیم. این یکی از اولی ترین خصوصیات بسیجی است.

❖ نقش چمران در فتح سوسنگرد

در روز فتح سوسنگرد - چون می دانید سوسنگرد اشغال شده بود؛ بار اول فتح شد، دوباره اشغال شد؛ باز دفعه ی دوم حرکت شد و فتح شد - تلاش زیادی شد برای اینکه نیروهای ما - نیروهای ارتش، که آن وقت در اختیار بعضی دیگر بودند - بیایند و این حمله را سازماندهی کنند و قبول کنند که وارد این حمله بشوند. شبی که قرار بود فردای آن، این حمله از اهواز به سمت سوسنگرد انجام بگیرد، ساعت حدود یک بعد از نصف شب بود که خبر آوردند یکی از یگان هایی که قرار بوده توی این حمله سهیم باشد را خارج کرده اند. خب، این معنایش این بود که حمله یا انجام نگیرد یا به کلی ناموفق بشود. بنده یک یادداشتی نوشتم به فرماندهی لشکری که در اهواز بود و مرحوم چمران هم زیرش نوشت - که اخیراً همان فرماندهی محترم آمده بودند و عین آن نوشته ی ما را قاب کرده بودند و دادند به من؛ یادگار قریب سی ساله؛ الآن آن کاغذ در اختیار ماست - و تا ساعت یک و خرده ای بعد از نصف شب ما باهم بودیم و تلاش می شد که این حمله، فردا حتماً انجام بگیرد. بعد من رفتم خوابیدم و از هم جدا شدیم.

صبح زود ما پا شدیم. نیروهای نظامی - نیروهای ارتش - که حرکت کردند، ما هم با چند نفری که همراه من بودند، دنبال این ها حرکت کردیم. وقتی به منطقه رسیدیم، من پرسیدم چمران کجاست؟ گفتند: چمران صبح زود آمده و جلو است. یعنی قبل از آنی که نیروهای نظامی منظم و مدون - که برنامه ریخته شده بود که این ها در کجا قرار بگیرند و آرایش نظامی شان چگونه باشد - حرکت بکنند و راه بیفتند، چمران جلوتر حرکت کرده بود و با مجموعه ی خودش چندین کیلومتر جلو رفته بودند. بعد هم الحمدلله این کار بزرگ انجام گرفت، و چمران هم مجروح شد. خدا این شهید عزیز را رحمت کند. این جویری بود چمران.

دنیا و مقام برایش مهم نبود؛ نان و نام برایش مهم نبود؛ به نام کی تمام بشود، برایش اهمیتی نداشت. باانصاف بود، بی‌رودربایستی بود، شجاع بود، سرسخت بود. در عین لطافت و رقت و نازک مزاجی شاعرانه و عارفانه، در مقام جنگ یک سرباز سخت‌کوش بود.

❖ چمران نمونه‌ی کامل استاد بسیجی

من خودم می‌دیدم شلیک آر. پی. جی را که نیروهای ما بلد نبودند، به آنها تعلیم می‌داد؛ چون آر. پی. جی جزو سلاح‌های سازمانی ما نبود؛ نه داشتیم، نه بلد بودیم. او در لبنان یاد گرفته بود و به همان لهجه‌ی عربی آر. پی. جی هم می‌گفت؛ ماها می‌گفتیم آر. پی. جی، او می‌گفت آر. پی. جی. او از آنجا بلد بود؛ یک مقدار هم از یک راه‌هایی گیر آورده بود؛ تعلیم می‌داد که این جوری آر. پی. جی را بایستی شلیک کنید. یعنی در میدان عملیات و در میان عمل یک مرد عملی به‌طور کامل. حالا ببینید دانشمند فیزیک پلاسمای در درجه‌ی عالی، در کنار شخصیت یک گروه‌بان تعلیم‌دهنده‌ی عملیات نظامی، آن‌هم با آن احساسات رقیق، آن‌هم با آن ایمان قوی و با آن سرسختی، چه ترکیبی می‌شود. دانشمند بسیجی این است؛ استاد بسیجی یک چنین نمونه‌ای است. این نمونه‌ی کاملش است که ما از نزدیک مشاهده کردیم. در وجود یک چنین آدمی، دیگر تضاد بین سنت و مدرنیته حرف مفت است؛ تضاد بین ایمان و علم خنده‌آور است. این تضادهای قلابی و تضادهای دروغین - که به‌عنوان نظریه مطرح می‌شود وعده‌ای برای اینکه امتداد عملی آن برایشان مهم است دنبال می‌کنند - این‌ها دیگر در وجود یک همچین آدمی بی‌معنا است. هم علم هست، هم ایمان؛ هم سنت هست، هم تجدد؛ هم نظر هست، هم عمل؛ هم عشق هست، هم عقل. اینکه گفتند:

باعقل آب عشق به یک جو نمی‌رود بیچاره من که ساخته از آب و آتش‌منه، او آب و آتش را باهم داشت. آن عقل معنوی ایمانی، با عشق هیچ منافاتی ندارد؛ بلکه خود پشتیبان آن عشق مقدس و پاکیزه است.

❖ چمران پروری قاعده‌مند در دانشگاهها

خب، حالا توقعی که ما داریم و این توقع، توقع زیادی هم نیست، یعنی آن زمینه‌ای که

انسان مشاهده می‌کند - این روحیه‌های پرنشاط شما، این دل‌های پاک و صاف، این ذهن‌های روشن، این جوال بودن فکرهای شما که انسان در عرصه‌های مختلف از نزدیک شاهد است - این امید را و این توقع را به انسان می‌بخشد، این است که فرآورده‌ی دانشگاه جمهوری اسلامی - نه به نحو استثنا بلکه به نحو قاعده - چمران‌ها باشند؛ نه اینکه چمران‌ها یک استثنا باشند. این امید، امید بی‌جائی نیست.

❖ ماندگاری جریان عظیم اساتید بسیجی

اگر در سال ۷۶ که شماها اول یک عده در مشهد، یک عده در اصفهان و یک عده در دانشگاه علم و صنعت، به نام اساتید بسیجی دورهم جمع شدید و جمع و جور کردید، می‌گفتند که ده سال بعد یا دوازده سال بعد چند هزار استاد بسیجی با همین انگیزه‌ها، با همین عشق‌ها و با همین جهت‌گیری‌ها در سطح کشور وجود خواهد داشت، هیچ‌کس باور نمی‌کرد؛ اما شد. نمی‌خواهم مبالغه کنم؛ نمی‌خواهم واقعیت را رنگین‌تر از آنچه که هست برای خودم و برای شما نمایش بدهم و دل خودمان را به توهم خوش کنیم؛ نه، روشن است که همه‌ی ما در یک سطح نیستیم - بعضیمان بالاترند و بعضیمان پائین‌تریم: ایمان‌هایمان، عشق‌هایمان، همت‌هایمان، انگیزه‌هایمان - لکن این جریان، از صورت یک جریان باریک که بعضی امید نداشتند باقی بماند و بعضی همت گماشته بودند که آن را از بین ببرند، به یک جریانی تبدیل شده که دیگر حالا جلوی آن را نمی‌شود گرفت: جریان عظیم استادان انقلابی و مؤمن و بسیجی در سطح دانشگاه، در رشته‌های مختلف علمی و در رتبه‌های بالای علمی.

❖ نتیجه‌ی پرورش عناصر در تراز چمران

پس این توقع بیجا نیست؛ وقتی انسان این حرکت را می‌بیند، این رشد را می‌بیند، این توقع بیجا نیست که ما بخواهیم دانشگاه جمهوری اسلامی، در آینده عناصری مثل چمران را پرورش بدهد. آن وقت شما ببینید چه خواهد شد! چه خواهد شد! نظامی با مطالبات بین‌المللی در سطح اعلا: در زمینه‌ی انسان، در زمینه‌ی حکومت، در زمینه‌ی زن، در زمینه‌ی اخلاق و در زمینه‌ی علم. مطالبات امروز ما مطالبات بین‌المللی است.

❖ نظر به قله باهمت بلند و عالی

حالا بعضی‌ها - مطبوعاتی و غیر مطبوعاتی - تا اسم بین‌المللی می‌آید لبخند تمسخر می‌زنند؛ این‌ها نمی‌فهمند؛ درک نمی‌کنند افق دید وسیع یعنی چه. تا شما نظر به قله نداشته باشید امکان ندارد تا دامنه هم بتوانید حرکت کنید، چه برسد به اینکه امید به قله رسیدن باشد؛ همت بلند. در روایات ما به مؤمن هم توصیه شده است که همت بلند داشته باشد. بزرگان به سالک هم می‌گویند: همت عالی باشد. این قدم‌های اول و فتوحات ابتدای کار، کسی را دل‌خوش نکند؛ همت‌های بلند باید داشت. نگاه هم بایستی انسانی باشد. انسان یعنی آنچه که در همه‌ی جهان گسترده است؛ «إِذَا أَخْلَقَ لَكَ فِي الدِّينِ أَوْ نَظِيرَ لَكَ فِي الْخَلْقِ»؛ یا با شما دینش یکی است یا اگر دینش هم یکی نیست، در خلقت و آفرینش مثل شماست؛ انسانیت. نگاه بایستی متوجه یک چنین گستره‌ی وسیعی باشد.

❖ آرزوهای ما محور نظام سلطه

آرزوهایی که امروز ما برای این گستره‌ی وسیع داریم، آرزوهایی است که هیچ ملت آگاهی، هیچ دانشمند فرزانه‌ای و هیچ سیاسی منصفی، این‌ها را رد نمی‌کند. ما داعیه‌ی محور نظام سلطه را داریم؛ یعنی رابطه‌ی سلطه‌گری: سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ حتی انسانی هم که در یک کشوری که دولتش صد درصد سلطه‌گر است زندگی می‌کند، این را رد نمی‌کند؛ یعنی در مناسبات جهانی، رابطه‌ی سلطه‌گر و سلطه‌پذیر نباشد. همچنین عدالت و استفاده‌ی از علم برای آسایش بشر نه برای تهدید بشر. بخصوص در طول این دوره‌های اخیر بعد از جنبش علمی دنیا - رنسانس - به این طرف و بخصوص در این یک قرن اخیر، بسیاری از آنچه در زمینه‌ی علم انجام گرفته، به‌جای اینکه برای آسایش بشر باشد در تهدید بشر بوده؛ یا تهدید جان، یا تهدید اخلاق، یا تهدید خانواده؛ و تشویق به مصرف‌گرایی و پر کردن جیب چپاولگران بین‌المللی و صاحبان و پدیدآورندگان تراست‌ها و کارتل‌ها. ما می‌گوییم علم،

به جای این‌ها در خدمت انسان قرار بگیرد؛ در خدمت آسایش انسان، در خدمت آرامش انسان و در خدمت روح و روان انسان. این‌ها حرف‌هایی است که دنیا نمی‌تواند رد کند.

می‌دانید وقتی نظامی با این آرمان‌ها و ملتی با این خصوصیات - به با کارگیری همت ایمانی برای پیشرفت در این عرصه‌ها، با استفاده‌ی از وعده‌های قرآنی درزمینه‌ی نصرت مؤمنین، با نترسیدن از مرگ و مرگ را وصول به خدا و شهادت لله دانستن - به شخصیت‌هایی دانشمند و فرزانه از قبیل چمران مزین و مفتخر بشود، به کجا خواهد رسید؟! این آن توقعی است که ما داریم.

❖ رویش سپاه و جهاد از بسیج

یک جمله در باب بسیج عرض بکنیم. بسیج یک حرکت عجیب و بی‌نظیر بود که در انقلاب اتفاق افتاد. این هم برخاسته و سرچشمه گرفته‌ی از آن سرچشمه‌ی حکمت الهی‌ای بود که خدای متعال در دل آن مرد بزرگ - آن امام بزرگوار - به ودیعه گذاشته بود. امام حکیم بود؛ حکیم به معنای واقعی. ما گاهی تعبیر حکیم را برای آدم‌های کوچک به کار می‌بریم؛ لکن او به معنای واقعی کلمه حکیم بود. «و من یؤت الحکمة فقد اوتی خیرا کثیرا»؛ خدای متعال به او حکمت داده بود. از دل او یک حقایقی سرریز می‌شد و سرازیر می‌شد؛ از جمله، همین مسئله‌ی بسیج بود؛ که امام از روز اول پیروزی یا حتی قبیل پیروزی با کشاندن مردم به عرصه، با گذاشتن بار حرکت به دوش مردم، با اعتماد به مردم، پایه‌ی بسیج را گذاشت. به مردم اعتماد کرد؛ مردم هم به خودشان اعتماد پیدا کردند؛ اعتماد به نفس پیدا کردند؛ اگر امام به مردم اعتماد نمی‌کرد، مردم هم به خودشان اعتماد نمی‌کردند. پایه‌ی بسیج همان‌جا گذاشته شد. درواقع سپاه پاسداران از بسیج رویداد؛ جهاد سازندگی از بسیج رویداد؛ ولو سازمان بسیج یک سازمان مدونی مثل سال‌های بعد نبود، اما فرهنگ بسیج، حرکت بسیج و حقیقت بسیج، منشأ خیرات عظیمی در کشور، در جامعه‌ی ما و در نظام اسلامی شد. بسیج یک چنین حقیقتی است. بسیج درواقع یک ارتش بی‌رنگ بی‌ادعای همه‌گیر در سطح کشور است؛

و این ارتش برای مبارزه‌ی در همه‌ی عرصه‌هاست؛ نه فقط در عرصه‌ی نظامی. عرصه‌ی نظامی یک گوشه‌ی محدود گاه‌گاهی است. همیشه که جنگ پیش نمی‌آید.

❖ عرصه‌ی بسیج خیلی وسیع‌تر از عرصه‌ی نظامی

عرصه‌ی حضور بسیج خیلی وسیع‌تر از عرصه‌ی نظامی است. اینی که من بارها گفتم و تکرار می‌کنم که نباید بسیج را یک‌نهاد نظامی به حساب آورد، تعارف نیست؛ بلکه حقیقت قضیه این است. بسیج عرصه‌ی جهاد است، نه قتال. قتال یک گوشه‌ای از جهاد است. جهاد یعنی حضور در میدان با مجاهدت، با تلاش، با هدف و با ایمان؛ این می‌شود جهاد. لذا «جاهدوا بأموالکم و أنفسکم فی سبیل الله»؛ جهاد با نفس، جهاد با مال. جهاد با نفس کجاست؟ فقط به این است که توی میدان جنگ برویم و جانمان را کف دست بگیریم؛ نه، یکی از انواع جهاد با نفس هم این است که شما شب تا صبح را روی یک پروژه‌ی تحقیقاتی صرف کنید و گذر ساعات را نفهمید. جهاد با نفس این است که از تفریحتان بزنید، از آسایش جسمانی‌تان بزنید، از فلان کار پر پول و پردرآمد - به قول فرنگی‌ها پول‌ساز - بزنید و تو این محیط علمی و تحقیقی و پژوهشی صرف وقت کنید تا یک حقیقت زنده‌ی علمی را به دست بیاورید و مثل دسته‌ی گل به جامعه‌تان تقدیم کنید؛ جهاد با نفس این است. یک قسمت کوچکی هم جهاد با مال است.

پس عرصه‌ی بسیج یک عرصه‌ی عمومی است؛ نه مختص یک قشر است، نه مختص یک بخشی از بخش‌های جغرافیائی کشور است، نه مختص یک زمانی، دو زمان دیگری است؛ نه مختص یک عرصه‌ی دون عرصه‌ی دیگری است. در همه‌ی جاها، در همه‌ی مکان‌ها، در همه‌ی زمان‌ها، در همه‌ی عرصه‌ها و در همه‌ی قشرها، این وجود دارد. این معنای بسیج است.

❖ حسادت‌ها و دشمنی‌ها به خاطر پیشرفت علمی

حالا شما تو دانشگاه می‌خواهید بسیجی باشید. معلوم است که چه کار باید کرد. دانشگاه به چی احتیاج دارد؟ کشور به چی احتیاج دارد؟ چند سالی است ما بحث علم را پیش کشیدیم؛ شما نگاه کنید امروز بسیاری از حسادت‌ها و رقابت‌ها و حسرت‌ها و احساس عقب‌ماندگی‌های

دشمنان بین‌المللی ما به خاطر پیشرفت علمی شماس. آن‌هایی که امروز ملت ایران را تحسین می‌کنند، به خاطر علمش او را تحسین می‌کنند؛ آن‌هایی که دشمنی می‌ورزند به خاطر علم اوست که دشمنی می‌ورزند. پیشرفت علمی شما یک چنین اثری دارد.

❖ سرعت پیشرفت علمی کمتر از حد انتظار

این تازه در قدم اول است. ما هنوز کاری نکردیم. بله در نانو تکنولوژی، بیو تکنولوژی، بحث‌های هسته‌ای، بحث‌های هوا - فضا و رشته‌های گوناگون علمی پیشرفت هائی شده که مهم و بزرگ است؛ اما این‌ها در مقیاس و معیار حرکت علمی یک کشور چیزی نیست. یکی از دوستان گفتند و بنده هم این آمار را دارم، که سرعت پیشرفت علمی و تولید علم در کشور ما یازده برابر متوسط دنیاست. این را یک مرکز تحقیقاتی غربی - مستقر در کانادا - با جزئیاتش ذکر کرده است. البته این یازده، متوسطش است؛ در بعضی از قسمت‌ها سی و پنج برابر سرعت رشد دنیاست؛ در بعضی جاها هم کمتر است؛ متوسطش می‌شود یازده برابر. یعنی سرعت پیشرفت علمی ما در طول این ده سال پانزده سال اخیر یازده برابر سرعتی است که دنیا داشته؛ این خیلی چیز مهمی است. لکن این آن چیزی نیست که ما توقع داریم و دنبالش هستیم؛ این خیلی کمتر از آن است. این سرعت بایستی با همین شدت ادامه داشته باشد تا ما به تراز موردنظر برسیم؛ این در دانشگاه لازم است.

❖ نقش حساس و برجسته استاد بسیجی در محیط‌های آموزشی

در دانشگاه پرورش انسان در تراز شهید چمران لازم است؛ این را لازم داریم. خوب پس استاد بسیجی می‌داند در دانشگاه بایست چه کار کند؛ این حضور دائم، این حضور بجا و بهنگام، این حضور مخلصانه و مجاهدانه برای استاد بسیجی به این معناهاست که گفته شد. و استاد خیلی نقش دارد. نقش استاد در محیط‌های آموزشی نقش بسیار برجسته و مهمی است. استاد فقط آموزنده‌ی دانش نیست؛ بلکه منش استاد و روش استاد می‌تواند مربی باشد؛ استاد، تربیت‌کننده است. تأثیر استاد روی شاگرد، علی‌الظاهر از تأثیر بقیه‌ی عوامل مؤثر در پیشرفت علمی و معنوی و مادی متعلم بیشتر است؛ از بعضی که خیلی بیشتر است. گاهی استاد می‌تواند

یک کلاس را، یک مجموعه‌ی دانشجو یا دانش‌آموز را با یک جمله‌ی بجا تبدیل کند به انسان‌های متدین. لازم هم نیست حتماً رشته‌ی علوم دینی یا معارف را تدریس کند؛ نه، شما گاهی یکجا در درس فیزیک، یا در درس ریاضی، یا در هر درس دیگری - علوم انسانی و غیرانسانی - می‌توانید یک کلمه بر زبان‌تان جاری کنید، یا یک استفاده‌ی خوب از یک آیه‌ی قرآن بکنید، یا یک انگشت اشاره به قدرت پروردگار و صنع الهی بکنید که در دل این جوان می‌ماند و او را تبدیل می‌کند به یک انسان مؤمن. استاد این جوری است.

عکسش هم البته هست. متأسفانه اساتیدی در دانشگاه‌های امروز ما هستند - اگرچه کمند - که درست نقطه‌ی مقابل عمل می‌کنند - حالا درسشان هرچه هم که است؛ مربوط است یا نیست - و با یک کلمه، این جوان را از آینده‌ی خودش ناامید می‌کنند، از آینده‌ی کشورش ناامید می‌کنند، از آینده‌ی حضورش در کشور ناامید می‌کنند، او را به میراث گذشته‌ی خودش بی‌اعتنا می‌کنند، او را تشنه‌ی نوشیدن از سرچشمه‌های ناسالم و آلوده‌ی بیگانگان می‌کنند و رها می‌کنند. از این قبیل هم داریم. استاد یک چنین نقشی دارد. بنابراین با معنائی که برای بسیج می‌کنیم، با معنائی که برای استاد می‌کنیم و با تلقی‌ای که از استاد بسیجی داریم، معلوم می‌شود که نقش شماها در دانشگاه چقدر نقش حساسی است.

❖ بسیج اساتید نعمت بزرگ نظام اسلامی

وجود این مجموعه برای نظام اسلامی یک نعمت است؛ یک نعمت بزرگ. این همه استاد مؤمن، در هیچ کشوری از کشورهای اسلامی - به‌طریق‌اولی غیر اسلامی - وجود ندارد که در کشور ما هست. استاد دانشگاه، دانشمند، متخصص، حرفه‌ای در رشته‌ی خود و مؤمن به خدا و مؤمن به جهاد و مؤمن به راه خدا و اهداف الهی؛ آن‌هم با این تعداد کثیر و این کمیت. این دیگر در دنیا بی‌نظیر است. این هم از برکات امام بزرگوار است. این را قدر بدانید؛ این را دودستی نگه‌دارید. این را سامان بدهید؛ اهدافش را مشخص کنید؛ دقیق کنید؛ فعالیت هائی را که استاد بسیجی باید انجام بدهد را شفاف کنید و روشن کنید؛ به معنای واقعی کلمه، فرماندهان این عرصه‌ی عظیم جهاد فی‌سبیل‌الله باشید. کار بسیار مهمی است.

❖ آخرین تلاش‌های مراکز استکباری جهانی در مقابله با حرکت اسلامی

امروز کشور به این چیزها احتیاج دارد. بحث امروز هم نیست، همیشه احتیاج دارد؛ منتها ما امروز در یک برهه‌ی حساس به سر می‌بریم. اگر من بخواهم آن لب تلقی و برداشت خودم را به شما عرض بکنم - که شاید در یک مجال کوتاه، برایش استدلال هم نشود ارائه کرد؛ البته مستدل است، منتها شاید در دو کلمه نشود استدلالی برایش بیان کرد - این است که مراکز استکباری جهانی در مقابله با حرکت اسلامی که نماد واقعی‌اش جمهوری اسلامی است، دارند آخرین تلاش‌های خودشان را می‌کنند. در بسیاری از عرصه‌ها تلاش‌هایشان و تدابیرشان به بن‌بست خورده و کار از دستشان دررفته است. این کمربندی که این‌ها بر دور مسائل جهانی کشیده بودند و حیطه‌بندی‌ای که کرده بودند، در حساس‌ترین نقاط روی زمین یعنی خاورمیانه، این کمربند پاره شده - یا سست شده، حداقلش این است؛ ولی به نظر من پاره شده - و از دستشان دررفته است.

خدا مرحوم آقا شیخ حسین لنگرانی، روحانی سیاسی کهنه کار قدیمی را رحمت کند. ایشان سال‌های ۵۳ و ۵۴ یا شاید هم زودتر - سال‌های اواخر دهه‌ی چهل - وضعیت رژیم طاغوت را تشبیه می‌کرد به کسی که روی یک گنبدی رفته و یک دستمال ابریشمی هم دستش است که توی آن پر از گردوست؛ و گوشه‌ی این دستمال وا شده، و گردوها همین‌طور دارد می‌ریزد؛ این می‌خواهد این گردو را بگیرد، یک گردو از آن طرف می‌افتد، یک گردوی دیگر، یک گردوی دیگر، خودش هم روی گنبد است! بالاخره آدم روی زمین صاف، باز می‌تواند گردوها را هر جور هست جمع کند.

❖ وضعیت انفعال نظام سلطه در مواجهه با حرکت اسلامی

به نظر من امروز نظام سلطه در مواجهه با حرکت اسلامی یک چنین حالتی دارد. جاپایش محکم نیست؛ زیرا بسیاری از شگردهای تبلیغاتی استوار بنیان قدیمی این‌ها برای مردم دنیا رو شده است. امروز در جامعه‌ی آمریکا، خشم عمیق از حضور قدرتمند لابی صهیونیستی به تدریج دارد توسعه پیدا می‌کند. این نارضایتی در بین مردم آمریکا - که مرکز تحرک

صهیونیست‌ها و قدرتمندان صهیونیستی و سرمایه‌داران صهیونیست است - به تدریج دارد به وجود می‌آید؛ البته رژیم حاکم در آمریکا بر مردم بسیار سخت می‌گیرند - یک نوع خاص سختگیری - و آن چنان این‌ها را مشغول زندگی و گرفتار زندگی می‌کنند که فرصت سر خاراندن ندارند؛ در عین حال این حالت دارد به وجود می‌آید. این اطلاعات موثق ماست. در کشورهای اروپائی هم به یک نحو دیگر. کشورهای اسلامی که معلوم است. کشورهای خاورمیانه که معلوم است. ملت‌ها حالت نفرت - و بعضاً بغض - نسبت به رژیم ایالات متحده و مجموعه‌ی سلطه در دنیا دارند. این را هم نمی‌توانند جمع کنند؛ هی تلاش می‌کنند، اما نمی‌توانند جمع کنند.

اگر نظام جمهوری اسلامی در دنیا سر نکشیده بود و طلوع نکرده بود، مشکل آنها به این زودی پیش نمی‌آمد و ممکن بود این مشکل پنجاه سال دیگر برای آنها بروز پیدا کند؛ ممکن هم بود این مشکل به این زودی‌ها پیش نیاید. اما حضور جمهوری اسلامی و ظهور جمهوری اسلامی کار را بر این‌ها مشکل کرده؛ لذا به شدت دشمن‌اند. دشمنی هم می‌کنند؛ اما دشمنی دستپاچه و سراسیمه. دشمنی‌ها از این قبیل است. حالا کارهایی که می‌کنند، تدابیری که می‌کنند، جنجال‌هایی که می‌کنند، تبلیغاتی که دنبال می‌گذارند، یک قطعنامه در سازمان ملل، چند قلم تحریم، بعد هم بزرگ‌نمایی تحریم‌ها، بیش از آنچه که واقعیت دارد این تحریم‌ها را اهمیت دادن، بعد تهدید نظامی را هم به صورت احتیاطاً نیم‌بند پشت سرش نگه داشتن، همه به خاطر این است که این‌ها در مواجهه‌ی با این حرکت عظیم و متین و بنیانی اسلامی در کلیه‌ی جهان اسلام، دچار انفعال‌اند. ملت ایران هم پیشرو این حرکت‌اند.

البته زحماتی را ایجاد می‌کنند؛ شکی نیست. در همه‌ی برخوردهای اجتماعی زحمت‌هایی وجود دارد؛ اما انسان زحمات‌ها را تحمل می‌کند برای اینکه به منافع بزرگ‌تر و به نقطه‌ی عالی‌تری برسد. امروز این جور است. بنابراین، این مقطع از این نظر که گفتم مقطع حساسی است و احتیاج به کار هست، احتیاج به تلاش هست.

❖ اساسی‌ترین و اصلی‌ترین کارها در دانشگاه‌ها

(۱) حاکم کردن روحیه‌ی مجاهدت و جهاد

پس در درجه‌ی اول توی دانشگاه‌ها کار علمی، کار پژوهشی و تحقیقی، کار معنوی و ایمانی، حاکم کردن روحیه‌ی مجاهدت و جهاد بر همه‌ی فعالیت‌ها، قلم‌های اصلی‌ای است که باید وجود داشته باشد. و آنگاه سامان دادن به این حرکت. البته اعتقاد من این است که استاد متدینِ علاقه‌مند به کاربری کشور، در سطح کشور مختص به همین مجموعه‌ای که در بسیج اساتید حضور دارند، نیست؛ فراتر از این‌هاست. بسیاری هستند کارت بسیج هم ندارند، جزو مجموعه‌ی بسیج اساتید هم نیستند، اما در معنا بسیجی‌اند، در معنا متدین‌اند، در معنا آماده‌اند - البته سطح آمادگی‌ها همیشه یکسان نیست؛ سطح ایمان‌ها یکسان نیست؛ همیشه همین‌جور بوده، بعد از این هم همین‌جور خواهد بود - اما داخل در مجموعه‌اند. باید ساماندهی کرد؛ باید نگاه عاقلانه و مدبرانه داشت؛ برنامه‌ها را مشخص کرد؛ هدف‌ها را مشخص کرد. کاری است که باید انجام بگیرد. این بر مجموعه‌ی شماست.

(۲) ایجاد بصیرت

آن وقت در عمل فردی، کار تعلیم دانشجویان را، کار حضور در فضای فکری دانشجویان را باید دنبال کنید. اساتید بسیجی می‌توانند در دل دانشجویان و در فضای ذهن آنها یک حضور معنوی و هدایتگر و آرامش‌بخش داشته باشند. نقش مهم ایجاد بصیرت - هم در خود مجموعه، هم در مجموعه‌ی مخاطب شما که دانشجویان هستند - یکی از کارهای بسیار مهم است. و بصیرت خیلی نقش ایفاء می‌کند. تمرین حضور. همانی که درباره‌ی شهید چمران گفتم؛ شب تا ساعت یک بعد از نصف شب و بیشتر دنبال کار است، صبح زود - تاریک، روشن - جلوتر از همه توی جبهه است و هر جا لازم هست، حضور دارد. این حضور دائم و بهنگام در هر نقطه‌ای که لازم است را باید تمرین کنیم. همه‌ی ما باید این را یاد بگیریم.

(۳) اتحاد و یکپارچگی

اتحاد و یکپارچگی در درون و نیز تزریق اتحاد به مجموعه‌ی جامعه. برادران، خواهران، عزیزان! امروز کشور به اتحاد کلمه خیلی نیازمند است. بنده مخالفم با سخنی و حرکتی و

نوشتاری که - حتی اگر بانگیزه‌ی درست و بانگیزه‌ی صادقانه است - موجب شقاق و شکاف می‌شود؛ بنده موافق نیستم. اگر کسی نظر من را می‌خواهد بداند، نظر من این است که عرض کردم. ما بایستی انسجام را ایجاد کنیم. ما بایستی علائم را در مجموعه‌ی این ظرفیت عظیم به وجود بیاوریم. حالا مگر نمی‌شود این جمعی که شما اینجا نشسته‌اید به بهانه‌های گوناگون به ده تا جمع تقسیم کرد؟ راحت می‌شود؛ کسانی که رنگ لباسشان این است، کسانی که سببشان این است، کسانی که اهل فلان نقطه‌ی کشورند؛ می‌شود جدا کرد؛ می‌شود دیوارکشی کرد. هنر انقلاب این بود که آمد دیوارها را از وسط برداشت. ما توی خانه‌های کوچک کوچک، با دیوارهای بلند زندگی می‌کردیم و از هم خبر نداشتیم؛ انقلاب آمد این دیوارها را برداشت و این خانه‌های کوچک را تبدیل کرد به یک عرصه‌ی وسیع؛ عرصه‌ی ملت ایران؛ ملت انقلابی. دانشجویان با طلبه بد بود؛ طلبه‌مان با دانشجو بد بود؛ استادمان با بازاری بد بود؛ بازاری‌مان با کشاورز بد بود؛ بین خودمان دیوارکشی کرده بودیم. انقلاب آمد این دیوارها را برداشت. ما حالا باز دوباره بیایم دیوارکشی کنیم؟! آن‌هم دیوارهای نادرست و ناحق. نه، مبانی روشن است؛ اصول روشن است؛ جهت روشن است. هر کی در این جهت با این مبانی دارد حرکت می‌کند، جزو مجموعه است. این را توجه داشته باشید

۴) طهارت دل و عمل و جلوگیری از ظلم

من بارها گفته‌ام: ظلم نکنیم. این هم یکی از آن اساسی‌ترین کارهاست. ظلم چیز بدی و چیز خطرناکی است. ظلم فقط این نیست که آدم توی خیابان به یکی کشیده بزند. گاهی یک کلمه‌ی نابجا علیه یک کسی که مستحقش نیست، یک نوشته‌ی نابجا، یک حرکت نابجا، ظلم محسوب می‌شود. این طهارت دل را و طهارت عمل را خیلی بایستی ملاحظه کرد.

من این را به نظرم یکجایی گفتم. پیغمبر اکرم ایستاده بودند یک کسی را که حد رجم زنا را بر او جاری می‌کردند، می‌دیدند؛ بعضی‌ها هم ایستاده بودند؛ دو نفر با همدیگر حرف می‌زدند؛ یکی به یکی دیگر گفت که مثل سگ تمام کرد و جان داد - یک هم‌چین تعبیری - بعد پیغمبر به سمت منزل یا مسجد راه افتادند و این دو نفر هم همراه پیغمبر بودند. توی راه که می‌رفتند، رسیدند به یک جیفه‌ی مرداری - به یک مرداری، حالا جسد سگی بود، درازگوشی

بود، هر چی بود - که مرده بود و آنجا افتاده بود. پیغمبر به این دو نفر رو کردند و گفتند: گاز بگیرید و یک مقداری از این میل کنید. گفتند: یا رسول الله! ما را تعارف به مردار می کنید؟! فرمود: آن کاری که با آن برادران کردید، از این گاز زدن به این مردار بدتر بود. حالا آن برادر کی بوده؟ برادری که زنای محصنه کرده بوده و رجم شده و این‌ها درباره اش آن دو جمله را گفته‌اند و پیغمبر این جور ملامتشان می کند!

زیادتر نگویند از آنچه که هست، از آنچه که باید و شاید. منصف باشیم؛ عادل باشیم. این‌ها آن وظائف ماست. این جور نیست که ما چون مجاهدیم، چون مبارزیم، چون انقلابی هستیم، بنابراین هر کسی که از ما یک ذره - به خیال ما و با تشخیص ما - کمتر است، حق داریم که درباره اش هر چی که می توانیم بگوییم؛ نه، این جوری نیست. بله، ایمان‌ها یکسان نیست، حدود یکسان نیست و بعضی بالاتر از بعضی دیگر هستند. خدا هم این را می داند و ممکن است بندگان صالح خدا هم بدانند؛ لکن در مقام تعامل و در مقام زندگی جمعی، باید این اتحاد و این انسجام حفظ بشود و این تمایزها کم بشود.

❖ اهداف، شاخص‌ها و خطوط اصلی

آنچه که مهم است فراموش نشود، اهداف و شاخص‌های اصلی است. این را بارها گفته‌ایم و امروز هم یکی از اساتید محترم، اینجا گفتند؛ استکبارستیزی؛ ایستادگی قاطع در مقابل حرکت کفر و نفاق - نه فقط در کشور، بلکه در سطح جهان - مرزبندی شفاف با دشمنان انقلاب و دشمنان دین؛ این‌ها شاخص است. اگر کسی مرزبندی شفاف نمی کند، قدر خودش را کاهش می دهد؛ اگر گرایش پیدا می کند، از دایره خارج می شود. این‌ها آن مبانی و آن خطوط اصلی است. حرکت انقلاب، حرکت روشنی است، حرکت رو به جلویی است و این حرکت ان شاء الله ادامه پیدا خواهد کرد.

خب ما هم خواستیم حالا مثل این آقایان که بسیجی عمل کردند و این همه مطلب را در پنج دقیقه گفتند، در این مدت طولانی که در اختیار ماست، همه‌ی حرف‌ها مان را بزنیم، لکن

می‌بینیم که نه؛ همه را که نشده بزینم، اما آنچه که لازم بود، به نظرم به عرض رسیده. من بیشتر از این مزاحمتان نشوم.

امیدوارم که خدای متعال همه‌ی شمارا حفظ کند و موفق بدارد و روزه‌به‌روز بصیرت شمارا بیشتر کند. وان شاء الله شمارا هم در جهاد علمی، هم در جهاد عملی، هم در جهاد بصیرت راکنی - در محیط علم و محیط دانشگاه و همچنین در محیط جامعه - روزه‌به‌روز موفق‌تر کند.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

بیانات در دیدار جهادگران بسیج سازندگی ۳۱/۶/۱۳۸۹

۱. جایگاه والای جوانانی
۲. بی‌هدفی و افسردگی جوانان در پیشرفته‌ترین کشورهای دنیا
۳. توان و روحیه خدمت‌گزاری، سرمایه‌ای ذی‌قیمت
۴. خودجوش بودن حرکت عظیم بسیج سازندگی
۵. انقلاب، شجره‌ی طیبه
۶. تنوع حرکت انقلاب بر اساس نیاز جامعه
۷. ریزش‌ها در اثر غلبه انگیزه‌های مادی
۸. انقلاب یک حقیقت خدائی متکی به ایمان‌ها و تمام‌نشدنی
۹. ورود به میدان‌ها، مهم‌ترین ارزش جوانِ امروزی
۱۰. بسیج سازندگی، محور اصلی اردوهای هجرت
۱۱. فواید و برکات اردوهای هجرت:
۱۲. عبور ملت ایران از پیچ خطرناک تاریخی
۱۳. صف‌بندی میان جبهه‌ی حق و باطل
۱۴. حرکت پویانده و بالنده جوانان بسیجی در میدان‌های عمل
۱۵. جوانان عامل اصلی حرکت پیش‌برنده‌ی انقلاب
۱۶. انقلاب و راه و حرکت امام زنده است
۱۷. احساس مسئولیت و ارتباط با خدا را بیشتر کنید



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اولاً خوشامد عرض می‌کنیم به شما جوانان عزیز، فرزندان عزیزم، برادران و خواهران باارزشِ فعال و متعهد که با حضور خودتان، با نیروی خودتان، با جوانی خودتان، با شورِ امید و ایمان خودتان، کشور را و جامعه را و این دوره‌ی از زمان را رونق می‌بخشید و تاریخ را آبرومند می‌کنید.

❖ جایگاه والای جوانانی

یک جمله اول عرض کنیم در والایی جایگاهی که امروز شما جوانان عزیز قرار دارید؛ چه شما جمع حاضر در این محفل صمیمی و چه ده‌ها هزار یا شاید صدها هزار جوانی که در همین خیل و روال حرکت کردند و امروز در اینجا حضور ندارند. و آن جمله این است که: عزیزان من! به جوانی شما و گذر دوران جوانی برای شما در این برهه، هرکسی غبطه می‌خورد. این جوانی، این جور جوانی کردن، این جور دوران عزیز و گرانبهای جوانی را خرج کردن، برای هرکسی که دوران جوانی را پشت سر گذاشته است، غبطه آور است.

❖ بی‌هدفی و افسردگی جوانان در پیشرفته‌ترین کشورهای دنیا

امروز در دنیا جوان‌های هم‌سن و سال شما در میان چه احساساتی، چه توهماتی، چه فعالیت‌هایی دارند این دوران عزیز و گرانبها را می‌گذرانند؟ در پیشرفته‌ترین کشورها غبار ناامیدی، افسردگی، بی‌هدفی، روی زندگی زیبای جوانی را پوشانده است؛ بسیاری از جوانان فقط هدفشان رسیدن به آرزوهای کوچک و حقیر مادی برای خودشان هست؛ نه لذت خدمت به خلق را می‌چشند، نه نیروی عظیم و کمیاب جوانی را در راهی که شایسته‌ی آن هست خرج



می‌کنند؛ و بسیاری نه فقط هدف‌های والا ندارند، بلکه اصلاً هدف ندارند و زندگی را به صورت روزمره، غرق در مادیات، غرق در شهوات زودگذر و افسرده کننده طی می‌کنند؛ از آن روح متأللی معنوی که یک جوان مؤمن و عاشق خدمت و متوجه به مبدأ عشق و زیبایی و حقیقت برخوردار است، آنها چیزی نمی‌فهمند. جوانی شما برای یک چنین انسان هائی - اگر چشم بصیرت داشته باشند - هم درخور غبطه خوردن است.

❖ توان و روحیه خدمت‌گزاری، سرمایه‌ای ذی قیمت

قدر این دوران را و این جهت‌گیری را و این روحیه را بدانید؛ نعمت خدمت‌گزاری را و توان خدمت‌گزاری را که خدای متعال به شما هدیه کرده است، قدر بدانید؛ خدا را شکر کنید؛ افزایش این گنجینه‌ی معنوی را از خدا بخواهید. و این را بدانید که هر جامعه‌ای و هر کشوری از یک چنین سرمایه‌ی عظیمی و ذی‌قیمتی برخوردار باشد، بدون هیچ تردیدی خواهد توانست به برترین قله‌های عزت و عظمت دست پیدا کند. و این سرنوشت قطعی جامعه‌ی شما و ملت شماست. عامل آن‌هم، موتور محرک آن‌هم، همین روحیه‌ای است که شما دارید.

❖ خودجوش بودن حرکت عظیم بسیج سازندگی

خب، یک جمله عرض کنیم در مورد این حرکت عظیم بسیج سازندگی و اردوهای هجرت که به‌طور رسمی، ده سال است آغاز شده. البته این را من باید اقرار کنم که این کار، اول از خود جوان‌ها شروع شد؛ خود جوان‌های دانشجو و دانش‌آموز در بخش‌های مختلف، این حرکت را شروع کردند؛ در سال ۷۹ گزارش این حرکت زیبا و پرشکوه به ما رسید و منجر شد به اینکه پیام بسیج سازندگی به قاطبه‌ی جوانان کشور داده شود. یعنی این یک حرکت خودجوش مردمی است؛ درست مثل جهاد سازندگی در آغاز انقلاب. جهاد سازندگی هم همین جور بود؛ اول، خود جوان‌ها شروع کردند، خودشان رفتند توی روستاها مشغول خدمت‌گزاری شدند در آن اوضاع بسیار دشوار و پیچیده. این حرکت، امام بزرگوار را به فرمان جهاد سازندگی تشویق کرد. کار مردم، الهام‌بخش اقدام مدیران و مسئولان است.



❖ انقلاب، شجره‌ی طیبه

خب، عامل اینجا چیست؟ عشق و ایمان، بصیرت و همت؛ این‌ها ستون‌های اصلی است. عشق و ایمان. انسانی که ایمان ندارد، محوری برای حرکت خود نمی‌تواند تصویر کند. انسانی که از احساس عاشقانه و عمیق قلبی برخوردار نیست، نمی‌تواند این حرکت را ادامه دهد و استمرار بخشد. انسانی که همت ندارد، به کارهای کوچک، به فرازهای محدود اکتفا می‌کند؛ چشم به برترین قله‌ها نمی‌دوزد. انسانی که بصیرت ندارد، راه را عوضی می‌رود؛ اگر عشق و ایمانی هم در او هست، آن را در راه غلط مصرف می‌کند، کج‌راهه می‌رود. عشق و ایمان، همت و بصیرت؛ این‌ها را انقلاب به مردم ما و جامعه‌ی ما داد؛ لذا انقلاب شد همان شجره‌ی طیبه‌ای که در قرآن از آن نام برده شده است: «ألم تر كيف ضرب الله مثلا كلمة طيبة كشجرة طيبة^۱». کلمه‌ی طیب مثل درخت نیکونهاد و سالم و طیب است. «اصلها ثابت و فرعها فی السَّماء»؛ ریشه‌دار، دارای ریشه‌ی عمیق و مستحکم و دارای شاخ و برگ فراگیر. «تؤتی اکلها کلّ حین باذن ربّها»؛ میوه‌ی مطابق فصل، میوه‌ی مطابق نیاز در اختیار و در دسترس جامعه قرار می‌دهد. این کلمه‌ی طیبه است؛ انقلاب یک چنین چیزی است. حرکت انقلابی‌ای که امام بزرگوار ما - آن رهرو حقیقی راه طیبین و اولیاء و شهدا و معصومین و صدیقین - در مقابل پای ما گذاشت، همان کلمه‌ی طیبه است.

❖ تنوع حرکت انقلاب بر اساس نیاز جامعه

یک روز نیاز حرکت دفاعی در درون جامعه بود، یک روز نیاز حرکت دفاعی در مرزهای کشور بود، یک روز نیاز به علم و دانش است، یک روز نیاز به تحکیم عقاید و ایمان‌هاست، یک روز نیاز به خدمتگزاری است؛ در همه‌ی این شرایط، میوه‌های متناسب با فصل در اختیار مردم گذاشته می‌شود. این حرکت انقلاب است.

❖ ریزش‌ها در اثر غلبه انگیزه‌های مادی

عده‌ای خیال کردند انقلاب کهنه شد یا کهنه شدنی است. اعلام کردند انقلاب تمام شد!

خودشان تمام شده بودند؛ خودشان ذخیره‌شان ته کشیده بود، قادر به ادامه‌ی راه نبودند؛ دنیا را، جامعه را، انقلاب را به خودشان قیاس کردند؛ اشتباه کردند. «نسوا اللّه فانسا هم انفسهم»^۱ وقتی با خدا قطع رابطه شد، انسان حتّی خودش را هم درست نمی‌تواند بشناسد، چه برسد به جامعه‌اش، چه برسد به آرمان‌هایش. چه جور انسان با خدا قطع رابطه می‌کند؟ وقتی که هوس‌ها، گرایش‌های مادی، خودمحموری‌ها بر جان انسان غلبه پیدا کرد و این جاذبه‌ها مثل تار عنکبوتی، حشره‌ی ضعیفِ همت و ایمان آنها را در خود فراگرفت، آن وقت متوقف می‌شوند. این جواری داشتیم. در گذشته هم داشتیم، در آینده هم خواهیم داشت؛ این‌ها ریزش‌ها هستند. آن کسانی که از راه انقلاب و مسیر انقلاب باز می‌مانند، لزوماً کسانی نیستند که از اول، کمر دشمنی با انقلاب بسته‌اند. وقتی که انگیزه‌ی مادی بر انسان غلبه کرد، در راه می‌ماند؛ وقتی هدف‌های کوچک و حقیرِ شخصی: رسیدن به مال و منال، رسیدن به تجمّلات، رسیدن به ریاست، رسیدن به قدرت، برای انسان شد هدف، هدف اصلی از یاد می‌رود.

❖ انقلاب یک حقیقت خدائی متکی به ایمان‌ها و تمام‌نشدنی

در یک مسیر وقتی که ما در پی آن هستیم که به محلی، به هدفی برسیم، اگر در راه سبزه زاری، یک چشمه‌ای، قهوه‌خانه‌ی خوبی پیدا شد و پامان سست شد و آنجا را هدف فرض کردیم، دلمان خوش شد به اینکه این لحظه را خوش بگذرانیم، هدف از یاد خواهد رفت؛ از راه خواهیم ماند. این بلائی بود که سرِ بعضی آمد، دیگران را هم به خودشان قیاس کردند، گفتند انقلاب تمام شد، گفتند امام فراموش شد؛ اشتباه می‌کردند. انقلاب یک حقیقت خدائی است، متکی به ایمان‌هاست، متکی به احساسات عاشقانه است، متکی به بصیرت است. مگر تمام می‌شود؟ لذا من بارها گفته‌ام، الان هم می‌گویم: نسل جوان امروز ما که نسل سوم انقلاب است، از جوانان نسل اول اگر ایمانشان قوی‌تر نباشد، پرشورتر نباشد، بصیرتشان روشن‌تر نباشد، یقیناً عقب‌تر نیستند.

✧ ورود به میدان‌ها، مهم‌ترین ارزش جوانِ امروزی

آن روز بسیاری از افراد وارد میدان‌ها می‌شدند، نمی‌توانستند بمانند. جوانِ امروز با این همه وسوسه‌ها، با این همه ابزارهای انتشار مادیگری و شهوت و خودپرستی، وقتی که به پای انجام وظیفه می‌رسد، این جور جان‌فشانی می‌کند؛ این جور وارد میدان می‌شود. این خیلی باارزش است؛ خیلی باارزش است.

✧ بسیج سازندگی، محور اصلی اردوهای هجرت

بسیج سازندگی و این اردوهای هجرت را قدر بدانید. شما که خودتان محورهای اصلی این حرکت عظیم هستید، این را قدر بدانید؛ از خدای متعال شاکر باشید. مسئولین، دیگران، مدیران و کسانی که متصدی امور هستند، آنها هم این حرکت عظیم را قدر بدانند. سال تحصیلی، درس را خوب بخوانید، با تحقیق بخوانید، قصد رسیدن به قله‌های علمی را پیدا کنید. در دوره‌ی فراغت هم ساعات را، روز و شب را، با این حرکت زیبا و باشکوه خدمت به مردم غنی کنید.

✧ فواید و برکات اردوهای هجرت:

(۱) خدمت‌رسانی به دیگران

این کارِ اردوهای هجرت و حرکت عظیم بسیج سازندگی یکی از برکاتش خدمت‌رسانی است که میلیون‌ها نفر از این خدمت شما به صورت مستقیم بهره‌مند می‌شوند. از لحاظ مادی، از لحاظ امور روزمره‌ی زندگی، از لحاظ معنوی و هدایت، بهره‌مند می‌شوند. شما اگر درس قرآن هم آنجا ندهید، خودِ حضور یک جوان مؤمن و متدین و متشرع در یک مجموعه‌ی روستایی، در بین جوانان، در بین مردم، مظهر مجسم آیه‌ی قرآن است؛ آنها را به دین، به انقلاب، به معنویت، سوق می‌دهد. «کونوا دعاة الناس بغير السننکم»^۱؛ شما با عمل خودتان مردم را به ایمان، به اسلام، به دین دعوت می‌کنید. این خدمت‌رسانی است؛ خدمت‌رسانی مادی و خدمت‌رسانی معنوی.



۲) خدمت‌رسانی به خود

از این مهم‌تر، خدمتی است که شما به خودتان می‌کنید؛ استعدادهای درونی خودتان را فعال می‌کنید؛ به بالقوه‌هایی که در وجود شما هست، فعلیت می‌بخشید؛ تجربه پیدا می‌کنید؛ بازندگی مردم آشنا می‌شوید؛ این حصارهای طبقاتی شکسته می‌شود؛ واقعیت‌های زندگی را لمس می‌کنید؛ در خودتان شعف و بهجت خدمت‌رسانی را احساس می‌کنید و این احساس را در وجود خودتان زنده می‌کنید. کسی که لذت خدمت و کار را بچشد، از کار خسته نمی‌شود. همان‌طور که در گزارش‌ها برادران عزیز گفتند، من هم قبلاً در گزارش‌ها خوانده‌ام؛ جوانی که این لذت را در وجود خودش کشف کرد، از خدمت خسته نمی‌شود؛ این هم فایده‌ی دوم که فایده‌ی بسیار بزرگی است.

۳) سفیران خدمت و جهاد

فایده‌ی سوم این است که شما سفیران کار و تلاش خواهید شد. وقتی شما در یک محیطی حاضر می‌شوید؛ در کویر، در کوهستان، در نقاط دور از دسترس، در میان مردم محروم مشغول کار می‌شوید، جوانی که در آنجاست، از شما الهام می‌گیرد و شما می‌شوید سفیر تلاش و کار و خدمت و جهاد و مجاهدت. «من احياءها فكاكُما احياء الناس جميعا»^۱ شما دل‌ها را زنده می‌کنید؛ فایده‌ی بزرگی است. فواید فراوانی در این کار هست. این جریان عظیم را حفظ کنید.

❖ عبور ملت ایران از پیچ خطرناک تاریخی

عزیزان من! کشور شما و ملت شما در یک پیچ خطرناک تاریخی در حال حرکت است. سی سال است ما داریم این پیچ را طی می‌کنیم. به نقاط خطرناک، خطر خیز رسیدیم، از آن عبور کردیم؛ لکن تمام نشده. این نقطه‌ی حساس تاریخی فقط مربوط به تاریخ ایران نیست، مربوط به تاریخ امت اسلامی است. امت اسلامی که قرن‌هاست دچار رکود است، مورد تحقیر است، دچار عقب‌ماندگی از کاروان تمدن است، دچار برخی یا بسیاری حکام و زمامداران فاسد و دیکتاتور است، امروز نوبت این فراسیده‌هاست که امت اسلامی خود را از زیر بار



این همه مشکلات، این همه آلودگی‌ها، این همه گرفتاری‌ها خلاص کند. ملت ایران قدم بزرگ اول را برداشته است.

❖ صف‌بندی میان جبهه‌ی حق و باطل

دنیا، دنیای تعارض است، دنیای جنگ است، دنیای کشتی‌گیری‌های مادی میان قدرت‌هاست؛ قدرت‌هایی که نمی‌خواهند ملت‌های مستقل سربلند کنند و احساس شخصیت و حضور بکنند، ساکت نمی‌مانند، بیکار نمی‌مانند؛ بخصوص که می‌دانند امت اسلامی از یک استعداد درونی برخاسته‌ی از احکام اسلامی برخوردار است؛ لذا صف‌کشی می‌کنند، که دیدید صف‌کشی کردند. از اول انقلاب اسلامی، صف‌بندی میان جبهه‌ی مستبدان بین‌المللی، زیاده‌خواهان بین‌المللی و میان ملت بزرگ و شجاع ایران شروع شد. وانمود می‌کنند هدف، ایران است؛ اما هدف، اسلام است؛ هدف، امت اسلامی است. می‌دانند که موتور این حرکت عظیم، معنویت است، قرآن است، اسلام است؛ لذا با اسلام و قرآن معارض‌اند. البته خط‌شکن ملت ایران است و ضربات را به خط‌شکن متوجه می‌کنند. اما این نیروی عظیم خط‌شکن، باگذشت بیش از سه دهه، نه فقط پاهایش سست نشد، نه فقط عزمش متزلزل نشد، نه فقط عقب‌نشینی نکرد، بلکه شتاب خود را بیشتر هم کرد.

❖ حرکت پوینده و بالنده جوانان بسیجی در میدان‌های عمل

بارها من گفته‌ام و این گفته شعار نیست، واقعیت است: امروز ما هم همتان، هم بصیرتمان، هم توانائی‌های گوناگونمان از سی سال قبل به مراتب بیشتر است. هدایت انقلاب، روح انقلاب، جهت‌گیری انقلاب در ما کهنه نشده؛ چیزی که آنها امیدش را داشتند. شاهد و دلیل: همین جوان‌ها. بهترین شاهد‌ها همین شما جوانان عزیز هستید؛ این نسل پویا و بالنده‌ی با بصیرت و باهمت و آگاه که در صحنه‌های گوناگون حاضر است.

اگر صحبت کارهای فناوری پیچیده است، همین جوان‌ها هستند؛ انرژی هسته‌ای را هم جوان‌های ما دارند سر پا می‌کنند؛ در سلول‌های بنیادی هم جوان‌های ما دارند فعالیت می‌کنند؛ و در فناوری زیستی، فناوری نانو، و انواع و اقسام فناوری‌ها، هر جا می‌رویم جوان‌هایند؛ جوان



هائی که نه دوران جنگ را دیدند، نه امام را ملاقات کردند، نه از اول انقلاب خاطره‌ای دارند. پس این حرکت، حرکت پوینده و بالنده است. به میدان عمل و خدمت و تلاش که می‌رسیم، همین حرکت عظیم بسیج سازندگی را می‌بینیم؛ به میدان سیاست و اعلام حضور که می‌رسیم، حرکت ۹ دی را می‌بینیم، حرکت ۲۲ ی بهمن را می‌بینیم، حضور عظیم در انتخابات را می‌بینیم؛ این‌ها معناش چیست؟ معناش این است که امروز جوانان ما - که اکثریت قاطع ملت ما هستند - و عموم ملت ما در همان جهت حرکت انقلاب اسلامی و با همان ضرب دست انقلاب، رو به فزاینده‌گی هستند، دارند پیش می‌روند. پس ما پیش رفتیم.

❖ جوانان عامل اصلی حرکت پیش برنده‌ی انقلاب

دشمن، درست نقطه‌ی مقابل است. آن روز قوی‌تر بود، امروز ضعیف‌تر است؛ آن روز امیدش بیشتر بود و می‌گفتند ما سه‌روزه، بعد می‌گفتند در ظرف یک هفته، بعد می‌گفتند در ظرف دو ماه، انقلاب را، نظام را، از بین می‌بریم؛ امروز چنین حرف‌های گزافی کسی از این‌ها نمی‌شنود؛ ناامید شدند، عقب‌نشینی کردند. پس این حرکت، حرکت روبه‌جلوست. ما در این پیچ عظیم تاریخی داریم با احتیاط، باتدبیر، با حواس جمع و با نیروی زیاد جلو می‌رویم. و این به برکت چند عامل اصلی است؛ یکی از این عوامل، شما جوان‌ها هستید. شما دارید کشور را جلو می‌برید. یکی از موتورهای قوی پیش برنده، حضور جوان‌هاست. همه باید حضور جوان‌ها را قدر بدانند. و ان شاء الله روزبه‌روز گسترش این روحیه در بین جوان‌های ما بیشتر شود؛ چه در دختران، چه در پسران؛ چه در محیط دانشگاه، چه در محیط دبیرستان‌ها؛ چه در محیط‌های گوناگون اجتماعی دیگر. و این خواهد شد. حرف‌های یأس آلود، حرف‌های ناشی از افسردگی - که غالباً علتش هم نومی‌دی و افسردگیِ گوینده‌ی همین حرف‌هاست - راه به‌جایی نخواهد برد.

❖ انقلاب و راه و حرکت امام زنده است

این روزها، روزهای سالگرد آغاز جنگ تحمیلی است. هشت سال همه‌ی قدرت‌های نظامی دنیا دست‌به‌دست هم دادند علیه ایران. درست است که آمریکا و شوروی سابق، عملاً



توی میدان جنگ، سرباز نفرستادند - آنها سرباز نمی فرستند، احتیاج به سرباز فرستادن نبود. بیچاره ملت عراق، اسیر دست این ها بودند - اما تجهیزات می فرستادند، نقشه ی جنگی می دادند، تصویر فضائی از وضعیت عرصه برای صدام تهیه می کردند، پول برایش می فرستادند، اعتبار سیاسی برایش درست می کردند؛ هر چه از دستشان برمی آمد علیه انقلاب، علیه امام، علیه نظام، دروغ و شایعه و تبلیغات می ساختند و پخش می کردند. همه ی این کارها را کردند. نتیجه چه شد؟ امروز صدام کجاست؟ صدامی که آنها برای مقابله ی با ملت عزیز ایران و با انقلاب اسلامی و با امام بزرگوار پیش کرده بودند، اول به شدت ذلیل شد، بعد هم با نکبت مرد و از دنیا رفت؛ اما امام زنده است، انقلاب زنده است، فرزندان امام زنده اند، ملت امام زنده است. این یک تجربه است.

همه ی کسانی که سینه سپر می کنند و پیش کرده های جبهه ی جهانی استکبارند که در مقابل ایران اسلامی قرار می گیرند، به همین سرنوشت دچار خواهند شد. این، تجربه است و در آینده هم همین جور خواهد بود. امام زنده خواهد ماند، انقلاب زنده خواهد ماند، شما زنده خواهید ماند؛ دشمنان شما منکوب و نکبت زده از سر راه خواهند رفت. این حرکت باید به قله های عالی اهداف انقلاب برسد و به فضل پروردگار و به حول و قوه ی الهی خواهد رسید

❖ احساس مسئولیت و ارتباط با خدا را بیشتر کنید

خودتان را قدر بدانید؛ این راه را قدر بدانید؛ ارتباطان، ارتباط دل های پاک و بی آلایشان را با خدا روز به روز قوی تر کنید؛ از خدای متعال مدد بخواهید. این احساس مسئولیتی که در شما هست، این احساس مسئولیت را روز به روز بیشتر کنید و مثل نقطه ی مشتعلی که اطراف خود را مشتعل و نورانی می کند، در محیط خود اثر بگذارید. هر جا هستید: در محیط خانواده، در محیط کار، در محیط درس، در محیط جامعه، روی اطرافیان تأثیر بگذارید. روز به روز لطف خدای متعال گسترش بیشتری پیدا خواهد کرد و خدای متعال دست لطفش را از سر شما ملت عزیز، ان شاء الله تعالی بر نخواهد داشت. امیدواریم همه تان مشمول دعای حضرت بقیة الله -

(ارواحنا فداه) باشید. خدا ان شاء الله همه ی شما عزیزان را محفوظ بدارد.



بیانات در دیدار با بسیجیان استان قم ۲/۸/۱۳۸۹

۱- آسیب ناپذیری نظام ما با وجود میلیون ها بسیجی

۲- بصیرت الهی و تاریخی حضرت امام (ره) در تشکیل بسیج

۳- تا مجاهدت هست، بسیج هم هست

۴- شاخص های ضرور برای بسیج

۵- افراد، شاخص حق نیستند

۶- شاخص حق، اسلام است

۷- نقش جهاد اکبر در فعالیت های بسیج

۸- اهمیت شناخت فعالیت های دشمن

۹- اعتبار نظام ما در میان ملت های دنیا

۱۰- ضرورت تقویت انگیزه های انقلابی در بسیج



بسم الله الرحمن الرحيم

❖ آسیب ناپذیری نظام ما با وجود میلیون ها بسیجی

و الحمد لله رب العالمين و الصلّاة و السّلام على سيّدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمّد و على آله الأطيبيين الأطهرين المنتجبين المعصومين سيّما بقيّة الله في الأرضين. السّلام عليك يا سيّدتي و يا مولاتي يا فاطمه المعصومة يا بنت موسى بن جعفر سلام الله و سلام ملائكته و عباده المنتجبين عليك و على آبائك المطهّرين.

جمع بسیجیان عزیز، دلهای گرم، بامعرفت، اراده‌های استوار و عزم‌های راسخ در این مرکز مقدس، در حضور روح مطهر بانوی بزرگوار و معصوم - دختر موسی بن جعفر - خود یک شاخص، یک علامت و یک پرچم برای نشان دادن عظمت و رو به پیشرفت بودن نظام اسلامی است.

اگر ما برای زنده بودن، فعال بودن، بااراده بودن، هدف‌دار بودن، رو به جلو بودن این نظام هیچ دلیل دیگری نمی‌داشتیم جز حضور میلیون ها جوان پرشور مؤمن صادق با بصیرت در سراسر کشور زیر عنوان بسیج، همین کافی بود برای اینکه نشان بدهد این نظام و این حرکت عظیم ملت ایران در برابر پیچیده‌ترین توطئه‌ها و خطرناک‌ترین حرکت‌های دشمن آسیب‌ناپذیر است. البته این شعار نیست؛ یک حرف متکی به استدلال منطقی است.

❖ بصیرت الهی و تاریخی حضرت امام(ره) در تشکیل بسیج

بسیج یکی از آیات قدرت الهی است که خدای متعال به آن بنده‌ی صالح، به آن مرد بزرگ، به آن شخصیت کم‌نظیر یا بی‌نظیر تاریخ اسلام بعد از ائمه (علیهم السّلام) عطا کرد.



فکر پردازش بسیج عمومی، بسیج مستضعفین که امام بزرگوار آن را مطرح کرد و عمل کرد و با همه‌ی توان پشت سر این فکر ایستاد، این نهال را آبیاری کرد تا تبدیل شد به شجره‌ی طوبه‌ای که «تَوْتَى أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ يَذُنُ رَبُّهَا»^۱ یکی از الطاف الهی نسبت به آن مرد بزرگ و آن بنده‌ی صالح و آن عبد خاشع پروردگار بود. چشم بابصیرت امام این نشانه‌های قدرت و اعانت الهی را می‌دید. عیب ماها این است که گاهی کمک های الهی را لمس می‌کنیم، اما آنها را درست نمی‌بینیم؛ تشخیص نمی‌دهیم که این چه کمک بزرگی است که خدا دارد به ما می‌کند؛ اما او می‌دید.

در یک قضیه‌ای که من مکرر این را نقل کردم، ایشان به من فرمود که از اول انقلاب تا امروز- آن روز حدود سال ۱۳۶۵ بود- همه جا دست قدرتی را مشاهده می‌کنیم که دارد ما را کمک می‌کند و جلو می‌برد. او این دست قدرت را می‌دید. نگاه امام به ملت ایران با نگاه دیگران فرق داشت. همان روز اگر می‌خواستیم قضاوت بسیاری از نخبگان علمی دینی و غیر دینی و سیاسی و غیره را درباره‌ی ملت ایران مشاهده کنیم، می‌دیدم قضاوت‌ها قضاوت‌های عجیب و غریبی است. بعضی این ملت را باایمان نمی‌دانستند، بعضی دارای صداقت نمی‌دانستند، بعضی به نیرو و به وفای آنها شک می‌کردند- که ما اینها را شنیدیم، از خیلی‌ها شنیدیم- اما امام در سال ۱۳۴۱ در همین شهر قم، آن وقتی که هنوز هیچ خبری از این اجتماعات عظیم نبود، در همین مسجد اعظم گفت اگر ما به مردم فراخوان بدهیم، این صحرای قم را از جمعیت پر می‌کنند؛ لیبک می‌گویند. نگاه او به مردم، یک چنین نگاهی بود؛ مردم را شناخت. آن عنصر باارزش اکسیرگونه‌ای که مس‌ها را طلا می‌کند، این را در جان و دل مردم کشف کرد و آن را به کار گرفت. لذا با این موانع بزرگی که در سر راه وجود داشت، انقلاب پیروز شد. هیچ تحلیل‌گری باور نمی‌کرد که این اتفاق در اینجا بیفتد. او تکیه‌ی به خدا کرد، توکل به خدا کرد، وارد عمل شد، با دل مردم تماس برقرار کرد و مردم به صحنه آمدند و این حرکت عظیم اتفاق افتاد؛ بعد هم مسئله‌ی بسیج را مطرح کرد.



شما میوه‌های شیرین و کام‌بخش آن درخت طیب و طاهری هستید که امام بزرگوار با دست خود در این زمین غرس کرد. این ثمردهی همچنان ادامه خواهد داشت؛ همچنان که فرمود: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ. تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا»^۱ وقتی سرزمین مستعد و آماده است، بذر پاکیزه است، آن گیاه و روئیدنی تمام‌شدنی نیست؛ یعنی هیچ عاملی نمی‌تواند به آن صدمه بزند.

❖ نا مجاهدت هست، بسیج هم هست

بسیج، یک چنین درخت طیب و طاهری است. بسیج امتحان‌های زیادی هم داده است. در دوران جنگ تحمیلی، نسل جوانان قبل از شما کارهای بزرگی در میدان جنگ کردند. ما شکفتن گل‌های معطر استعداد را در وجود این جوان‌ها دیدیم. جوان بیست و دوساله، بیست و سه‌ساله، مثل یک فرمانده متبحر و کارآزموده عده‌ها را جمع می‌کرد، راهنمایی می‌کرد، هدایت می‌کرد، در جای خود به کار می‌گرفت و پیروز می‌شد؛ اینها عادی نیست. در دوران جنگ، بسیج نقش خود را ایفاء کرد. هم ارتش، هم سپاه قبول داشتند و اعتراف می‌کردند که حضور بسیج در همه‌ی بخش‌های مختلف این جبهه‌ی طولانی و پرمشقت، یک حضور تعیین‌کننده است.

جنگ تحمیلی تمام شد؛ سطحی‌نگرها خیال می‌کردند بسیج هم تمام شد؛ اما بسیج ماند، چون مجاهدت باقی بود، چون میدان مجاهدت ادامه داشت. هرجا مجاهدت هست، در آنجا حضور بسیج هست؛ مجاهدت در میدان علم، مجاهدت در میدان سیاست، مجاهدت در میدان فعالیت‌های اجتماعی، مجاهدت در میدان وسیع و عرصه‌ی عظیم بین‌المللی. این مجاهدت‌ها ادامه دارد و همچنان ادامه خواهد داشت.

معنای بسیج، توأم کردن ایمان و عمل است؛ عمل مجاهدانه، نه صرفاً عمل شخصی. از نظر اسلام، ایمان مجرد از عمل، یک حد اقل است. ایمان کامل و ایمان حقیقی آن ایمانی است که



با جهاد در میدان عمل همراه باشد. «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آوَوْا وَ نَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا» مؤمن حقیقی آن کسی است که ایمان را با جهاد و هجرت و نصرت همراه می‌کند. تشخیص بسیجی به این است. این فکر غلط و انحرافی که ما ایمان را منهای عمل و منهای جهاد، برای تقرب الی الله کافی بدانیم، این آیه و آیات زیادی آن را رد می‌کنند. بسیج، قائم به همین است که ایمان همراه با عمل، آن هم عمل مجاهدانه باشد. پس جهاد عرصه‌های مختلفی دارد که عرض شد.

تا امروز بسیج رشد داشته است. پیشرفت بسیج در ابعاد مختلف، همان پیشرفتی است که مورد انتظار هر کسی است که بسیج را می‌شناخت؛ هم رشد کمّی داشته است، هم رشد کیفی و معنوی، هم ایستادگی در مقابل مزاحم‌ها و معارض‌های مؤثر در دل انسان و تکان‌دهنده‌ی دل انسان؛ یعنی وسوسه‌ها. بسیج در این زمینه‌ها امتحان خود را داده است.

❖ شاخص‌های سه گانه‌ی بسیج

آنچه که برای همه‌ی ما، برای همه‌ی بسیجیان عزیز، برای جوانها در هر نقطه‌ای از این عرصه‌ی عظیم که مشغول کار هستند، باید به عنوان شاخص مطرح باشد، عبارت است از این سه عنصر: بصیرت، اخلاص، عمل بهنگام و به اندازه. این سه عنصر را همیشه با یکدیگر توأم کنید و در نظر داشته باشید. این عناصر سه گانه باید برای ما شاخص باشد؛ بصیرت، اخلاص، عمل بهنگام و به اندازه. آنچه که راه را مشخص می‌کند، بصیرت است.

❖ افراد، شاخص حق نیستند

این سردار محترم و گرامی خیلی درست گفتند که بسیجیان در قبال پیچیدگی اوضاع توانسته‌اند در ذهن خود و فکر خود و شخصیت خود پیچیدگی ایجاد کنند و بشناسند؛ قضایای سال ۸۸ این را نشان داد. ممکن بود خیلی‌ها اشتباه کنند و خیلی‌ها هم اشتباه کردند؛ اگرچه اکثر آن کسانی که اشتباه کرده بودند، به فاصله‌ی کمی اشتباه را تصحیح کردند؛ اما حرکت



عظیم بسیج، این شاخص بصیرت و این پرچم بصیرت را برای خود حفظ کرد؛ اشتباه نکرد؛ همان‌طور که امیر المؤمنین «علیه‌الصلاة والسلام» فرموده بود: «لا يعرف الحق بالرجال»؛ با چهره‌ها نمی‌شود حق را تشخیص داد. یک چهره‌ی موجه محترم است، مورد قبول است، مورد تکریم است؛ اما او نمی‌تواند شاخص حق باشد. گاهی چهره‌ی موجهی مثل بعضی از صحابه‌ی پیغمبر راه را عوضی می‌روند، اشتباه می‌کنند. باید حق را شناخت، باید راه را تشخیص داد تا بفهمیم این شخص حق است یا باطل. هر که از این راه رفت، حق است؛ هر که از راه حق نرفت، مردود است.

❖ شاخص حق، اسلام است

حق را باید شناخت. جماعت جوانِ مؤمنِ گردآمده‌ی در زیر سقف بسیج و پرچم بسیج، این بصیرت را نشان دادند؛ نشان دادند با بصیرتند. بصیرت، عنصر اول است. در آینده هم باید همین جور باشد. قدرت تحلیل باید پیدا کرد، قدرت تشخیص باید پیدا کرد. امام - کسی که پدر همه‌ی این جریان بود، حق حیات به گردن جامعه و این حرکت عظیم داشت - فرمودند اگر من از اسلام جدا شوم، مردم از من رو بخواهند گردانند. شاخص، اسلام است؛ شاخص، اشخاص نیستند؛ این حرف امام (رضوان الله علیه) است. او به ما یاد داد که راه را تشخیص بدهیم، حرکت صحیح را تشخیص بدهیم، نقشه‌ی دشمن را بفهمیم و بخوانیم تا بتوانیم بفهمیم کدام کار در جهت دشمن و در خط دشمن است و کدام کار در ضد اوست. پس بصیرت، عنصر اول است. بصیرت را نباید فراموش کرد.

عنصر دوم، اخلاص است. فرمود اگر کسی در میدان جهاد فی سبیل الله دنبال یک خواسته‌ی شخصی برود، دنبال غنیمت برود و کشته شود، شهید فی سبیل الله نیست. شرط شهادت و شرط مجاهد فی سبیل الله بودن این است که حرکت او فی سبیل الله باشد، لگه باشد؛ یعنی اخلاص داشته باشد. انگیزه‌های شخصی، انگیزه‌های گروهی، انگیزه‌های فامیلی، رودربایستی‌های رفاقتی اگر در حرکت ما تأثیر گذاشت، این اخلاص را مشوب می‌کند، مشکل درست می‌کند. بی‌اخلاصی، یک جایی خودش را نشان خواهد داد.



عنصر سوم، عمل بهنگام و به اندازه است. لحظه‌ها را باید شناخت. اگر چنانچه انسان وقت‌شناس نباشد، نداند کدام کار را در کجا باید انجام داد، ممکن است خطاهای بزرگی از انسان سر بزند. خوب، جوانان بسیجی ما- از پسرها و دخترها- در بخش‌های مختلف مشغول تلاش هستند؛ تلاش فکری، تلاش علمی، تلاش سیاسی، تلاش اجتماعی؛ همه‌ی اینها وقتی برای خدا و برای انجام وظیفه باشد، مجاهدت و جهاد فی سبیل الله است.

❖ نقش جهاد اکبر در فعالیت‌های بسیج

بسیجی آن کسی است که این کارها را انجام می‌دهد. در همه‌ی اینها باید آن خط روشن و صحیح را در نظر گرفت؛ یعنی خط انقلاب، خط حفظ نظام، خط احیای دین. اگر بخواهیم این سه عنصر را تأمین کنیم، باید در درون خودمان با خودمان مجاهدت کنیم؛ یعنی جهاد اکبر. جهاد با نفس تلاشی است که امروز همه‌ی ما به آن احتیاج داریم.

❖ اهمیت شناخت فعالیت‌های دشمن

آنچه که برای فهم درست قضایا لازم است، از جمله این است که ببینیم دشمن چه خطی را دارد دنبال می‌کند. امروز یکی از خطوط اصلی کار دشمن- که از عناصر مهم جنگ نرم به حساب می‌آید- این است که واقعیات را دگرگون جلوه دهد، حوادث گوناگون را دگرگون جلوه دهد. خود تبلیغاتی که دشمن در این زمینه انجام می‌دهد، نشانه‌ی ضعف اوست. دشمن هر جا که در میدان واقعیت دچار مشکل می‌شود و کم می‌آورد، بر حجم تبلیغات می‌افزاید. امروز اگر کسی کارهای دشمن را در عرصه‌ی عظیم شیوه‌های تبلیغاتی ملاحظه کند؛ از وسائل اینترنتی گرفته تا وسائل صوتی و تصویری، تا بلندگوهایی که در جاهای مختلف دارند- در داخل هم دارند- می‌بیند یک قلم عمده این است که حوادث کشور را دگرگون جلوه دهند؛ وضع کشور را مأیوس‌کننده، ناامیدکننده، رو به زوال، رو به انحطاط، رو به بن‌بست نشان دهند. تلاش زیاد آنها در این زمینه، خود نشانه‌ی ضعف آنها در میدان واقعیت است.

دشمن در همه‌ی دوران سی‌ساله، این تلاش را داشت؛ البته امروز بیشتر است. امروز چون مسئولین کشور و دولتی که بر سر کار است، شعارهای انقلاب را پررنگ‌تر و جدی‌تر مطرح



می‌کند؛ خط امام، خط انقلاب، خط کار برای مردم، امروز کاملاً برجسته و پررنگ است؛ مسئولین احساس می‌کنند با مردمند، از جنس مردمند، مردم هم این را احساس می‌کنند، بنابراین تبلیغات بیشتر است. امروز اگر به تبلیغات دشمن نگاه کنید، می‌بینید اگر در مسائل اقتصادی اظهار نظر می‌کنند، همه‌ی حرف شان این است که بن‌بست است، گره ناگشودنی است، اشکالات فراوان است، فردا چنین خواهد شد. یک عده‌ای هم این مسائل را باور می‌کنند و همان‌ها را در داخل تکرار می‌کنند. قبل از شروع انتخابات و آن قضایای فتنه، بعضی از کسانی که بعداً امتحان خودشان را در فتنه دادند، به ما مراجعه می‌کردند که آقا سال آینده، سال سختی است- یعنی همان سال ۸۸- از لحاظ اقتصادی چنین است، چنان است؛ فضا را تنگ، تاریک، مشکل، غیر قابل عبور جلوه می‌دادند؛ مسئولین را یک جور می‌خواستند دلسرد کنند، مردم را یک جور. این تبلیغات نشانه‌ی این است که آنها از این حرکت عظیم و پرشتاب مسئولین و مردم عقب ماندند. پس اگر چنانچه این جهت‌گیری دشمن دانسته شد، نگاه انسان به واقعیت، نگاه درستی خواهد شد؛ نگاه نافذی خواهد شد.

یا در زمینه‌ی سیاست خارجی، سیاست بین‌المللی، در بعضی از همین مطبوعات خودمان هم شما دیدید؛ در اظهارات سال گذشته‌ی بعضی از اصحاب فتنه هم مشاهده کردید؛ هی تکرار می‌کردند که آقا ما در دنیا ذلیل شدیم، جمهوری اسلامی در دنیا بی‌آبرو شده، بی‌ارزش شده، چه شده، چه شده.

❖ اعتبار نظام ما در میان ملت‌های دنیا

امروز وقتی به واقعیت نگاه می‌کنیم، می‌بینیم روزبه‌روز آبروی جمهوری اسلامی در میان ملت‌های گوناگون دنیا- مسلمان و غیر مسلمان- افزایش پیدا کرده است. دشمنان ملت ایران این را می‌دانند، می‌فهمند، احساس می‌کنند؛ البته کتمان می‌کنند.

همین قضیه‌ی سفر لبنان رئیس‌جمهور را چرا باید دست کم گرفت؟ حادثه‌ی مهمی بود. برای هر کشوری، بخصوص برای سران استکبار اگر چنین چیزی اتفاق می‌افتاد، فصل بسیار گسترده‌ای در تبلیغات و در استنتاج‌های سیاسی برای آن می‌گشودند. یک ملتی که با ما هم



همسایه نیست، همه شان هم مسلمان نیستند؛ ترکیبی از مسلمان و مسیحی، و مسلمان ها هم ترکیبی از شیعه و اهل سنت؛ این ملت با این ترکیب گوناگون و متنوع، این جور یکپارچه بیایند از رئیس جمهور ملت ایران استقبال کنند، اظهار علاقه کنند؛ این چیز کم نظیری است، چیز بی نظیری است؛ برای هیچ کشوری در دنیا چنین چیزی پیش نمی آید. رئیس جمهور کدام کشوری وقتی به یک کشور دیگر برود، چنین حوادثی برایش پیش می آید؟ مخصوص لبنان هم نیست. امروز اگر مسئولین برجسته ی کشور ما به مصر هم بروند، اگر بگذارند، همین قضایاست؛ سودان هم بروند، بگذارند، همین قضایاست؛ به هر کشور اسلامی که بروند، اگر میدان را باز کنند، همین قضایاست. این، عظمت ملت ایران را نشان می دهد. این را شماها کردید. این افتخار مال شماست. اگر دولتی بود که از مردم منقطع بود، اگر دولتی بود که میلیون ها جوان پرانگیزه از او حمایت نمی کردند، چنین اتفاقی نمی افتاد؛ این مال شما جوان هاست. اما خوب، تبلیغات دشمن را ملاحظه کنید؛ درست نقطه ی مقابل این است. آنجائی که مجبور باشند به زبان بیاورند، واقعیت را وارونه تفسیر می کنند؛ آنجائی هم که مجبور نباشند، کتمان می کنند و اصل واقعیت را می پوشانند.

❖ ضرورت تقویت انگیزه های انقلابی در بسیج

عین همین قضیه در مورد خود بسیج صدق می کند. دشمن در یک برهه ای - که امروز هم دنباله هایش کم و بیش هست - در تبلیغات گوناگون جهانی، علیه بسیج متمرکز شد. آنچه توانستند، گفتند. بسیج را بمباران تبلیغاتی کردند، برای اینکه او را از چشم مردم بیندازند، اما نتوانستند؛ «يُحَقِّقُ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ»^۱ خدای متعال نمی گذارد این حقیقت روشن پنهان بماند؛ لذا بسیج بحمدالله روزبه روز آبرویش در کشور ما بیشتر شده است. در سرتاسر کشور، جوان ها در بخش های مختلف، به بسیج به چشم یک هویت درخشنده ی با عظمت مظهر عزم و اراده نگاه می کنند؛ این را شما بسیجی ها بایستی تقویت کنید؛ این را با توجه به همان سه عنصری که گفته شد - عنصر بصیرت، عنصر اخلاص، عنصر عمل بهنگام و به اندازه - تقویت کنید. افراط



نباید باشد، تفریط هم نباید باشد. توجه کنید که افراط هم همان اندازه ضرر می‌زند که تفریط. عمل نکردن یقیناً مضر است، عمل افراط آمیز هم به همان اندازه مضر است؛ مراقب باشید. شور انقلابی را اندکی نباید کاهش داد. انگیزه‌ی انقلابی باید روزبه‌روز در دل‌های من و شما افزایش پیدا کند. این کوه‌های گوناگون مشکلاتی که بر سر راه مستضعفین عالم قرار دارد، جز با قدرت عزم و اراده‌ی پولادین مؤمن برداشته نخواهد شد. هدف فقط سر و سامان دادن به وضع کشور نیست. دنیای اسلام، بلکه جامعه‌ی بشریت نیازمند کمک به آنها از سوی اسلام و امت اسلامی است.

مشکلات زیادی در سر راه هست؛ عزم و اراده لازم است، نگاه به دوردست لازم است. این عزم و اراده باید باقی بماند، این شور انقلابی باید روزبه‌روز افزایش پیدا کند. توسل و توجه به پروردگار، تمسک به اولیای الهی، راه عبادت، راه خشوع، راه تفکر بایستی به روی ما همیشه باز باشد؛ خودمان را از این راه تقویت کنیم. این شور انقلابی باید باقی باشد، اما مواظب باشید این شور و هیجان انقلابی با ارزش در جای خود مصرف شود- نابجا مصرف نشود- این احتیاج به تأمل، تفکر، آگاهی و بصیرت دارد.

شک نکنید که فردای ملت ایران و امت اسلامی از امروز بمراتب بهتر است. همان مقداری که فاصله‌ی بین سی سال پیش ملت ایران و امروز است- یعنی اول انقلاب تا امروز- ببینید ملت ایران در همه‌ی عرصه‌های سیاسی و علمی و اجتماعی و غیره چقدر پیشرفت کرده است؛ بدانید فاصله‌ی بین پیشرفت سال‌های آینده با امروز، از این هم بیشتر خواهد بود. ملت روزبه‌روز پیشرفت خواهد کرد. حرکت ملت ایران در همه‌ی عرصه‌ها حرکت توقف‌ناپذیری است و ان شاء الله بر خط درست و صراط مستقیم هدایت الهی و اسلامی و قرآنی پیش خواهد رفت. آینده‌ی ملت ایران، آینده‌ی روشنی است؛ و این بر دنیای اسلام و بر امت اسلامی اثر خواهد گذاشت و ان شاء الله ملت‌های مسلمان را روزبه‌روز بیدارتر خواهد کرد.

امیدواریم خداوند متعال فرج ولی عصر (ارواحنا فداه) را نزدیک بفرماید؛ ما را از یاران آن بزرگوار در حضورش و در غیبتش قرار بدهد و قلب مقدس آن بزرگوار را از ما راضی کند.



پروردگار! دعای آن بزرگوار را شامل حال همه‌ی ملت ایران و بخصوص جمع عزیز بسیجیان
بفرما.

و السّلام علیکم و رحمة الله و برکاته



بیانات در جمع ۱۱۰ هزار بسیجی در روز عید غدیر ۴/۹/۱۳۸۹

- ۱- عید قدیر متعلق به همه ی مسلمانان و حق طلبان است
- ۲- جریان غدیر، نصب الهی است
- ۳- جنبه های جریان غدیر
- ۴- انواع امام برای بشر
- ۵- چرا جریان غدیر مربوط به همه ی انسان هاست
- ۶- ویژگی و اوصاف بسیج بی شمار است
- ۷- دل های بسیج مملو از ایمان، اعتقاد و عواطف است
- ۸- بسیج، سازمانی پیشرو و همه جانبه
- ۹- ویژگی های مهم امروز بسیج
- ۱۰- آفات طغیان، ظلمت و هوای نفس در وجود انسان
- ۱۱- بسیجی ماندن متوقف به چیست؟

بسم الله الرحمن الرحيم

❖ عید قدیر متعلق به همه‌ی مسلمانان و حق طلبان است

الحمد لله رب العالمين و الصلّاة و السّلام على سيّدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمّد و على آله الأطيّين الأطهرين المنتجبين الهداة المهديّين المعصومين سيّما بقيّة الله فى الأرضين. الحمد لله الذى جعلنا من المتمسكين بولاية علىّ امير المؤمنين و الائمة المعصومين الطاهرين.

عید سعید غدیر را به همه‌ی شما عزیزانی که در این محضر عظیم و باشکوه شرکت کرده‌اید و به همه‌ی بسیجیان مخلص در سرتاسر کشور و به همه‌ی کسانی که در سراسر گیتی خود را متعهد به اسلام و حاکمیت اسلام می‌دانند و به همه‌ی کسانی که به نام مبارک علی بن - ابی طالب احترام می‌گذارند، تبریک عرض می‌کنم.

عید غدیر اگرچه شاخص فرقه‌ی امامیه‌ی شیعه است، ولی در واقع با مفهوم و محتوا و مضمون گسترده‌ای که این حادثه دارد، این عید متعلق به همه‌ی مسلمانان، بلکه با توضیحی که عرض خواهم کرد، متعلق به همه‌ی کسانی است که برای بهروزی انسان دل می‌سوزانند.

ما شیعیان این اعتقاد را سخ را که متکی به دلیل متقن و غیر قابل تردید است، درباره‌ی امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السّلام) داریم. این حدیث متواتر - یعنی حدیث روز غدیر - را که همه‌ی محدثین بزرگ اسلام، از شیعه و سنی نقل کرده‌اند، مستند این عقیده‌ی متقن می‌دانیم.

❖ جریان غدیر، نصب الهی است

پیغمبر اکرم در یک روز گرم و در یک نقطه‌ی حساس، در مقابل چشم مردم، علی بن ابی-طالب «علیه الصلوة والسلام» را به عنوان امام مسلمین پس از خود و ولی امر امور اسلام معین کرد و به مردم معرفی کرد؛ «من کنت مولاه فهذا علی مولاه»^۱ این عطف به آیات متعددی است که ولایت پیغمبر از سوی خدای متعال تثبیت شده است؛ «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ»^۲ و آیات متعدد دیگر. می‌فرماید: آن کسی که من ولی او هستم، این علی ولی اوست. هر معنائی که ولایت در مورد پیغمبر دارد، همان معنا در مورد امیر المؤمنین با این نصب پیغمبر و معرفی پیغمبر محقق است. این یک دلیل محکم و مستند غیر قابل تردید است. در این خصوص، بزرگان بحث کرده‌اند. لازم نیست وارد بحثهای اعتقادی بشویم؛ این مسلم است.

علی بن ابی طالب را آن روز همه‌ی مردم از نزدیک آزموده بودند؛ کسی نبود که نسبت به این نصب امیر المؤمنین دچار تردید شود. روشن بود که این مرد فداکار مخلص دارای مرتبه‌ی عالی ایمان و تقوا، شایسته‌ی یک چنین حرکتی از سوی پیغمبر اکرم و در واقع از سوی خدای متعال است. نصب امیر المؤمنین، نصب نبوی نبود؛ نصب الهی بود؛ این شأن پروردگار بود که پیغمبر این را به مردم مؤمن ابلاغ کرد.

امیر المؤمنین آن روزی که به همراه پیغمبر وارد مدینه شد، یک جوان بیست و دو سه ساله بود. جوان های بیست و دو سه ساله‌ی امروز رفتار خود را مقایسه کنند با آنچه که آن جوان ممتاز در طول تاریخ بشریت از خود بروز داد. همین جوان بود که ستاره و قهرمان جنگ بدر شد؛ همین جوان بود که در جنگ احد آن چنان درخشید که همه‌ی مسلمان ها به عظمت کار او وقوف پیدا کردند؛ همین جوان بود که در امتحان های گوناگون، در غزوات پیغمبر، در ایستادگی در برابر فشار جبهه‌ی کفر و استکبار آن روز در کنار پیغمبر ایستاد؛ همین جوان بود که به دنیا تعلق خاطر پیدا نکرد. آن روزی که پیغمبر اکرم او را- که در عین حال جوان بود-

در جمعه ۱۰ هزار سیصد و یک روز غدیر ۱۳۸۶، ۹۴

(۱) کافی، ج ۱، ص ۴۲۰

(۲) مانده: ۵۵

نصب می کرد، این جوان در چشم مسلمانان عظمتی داشت که این عظمت برای کسی قابل انکار نبود. هیچ کس هم این را انکار نکرده است؛ نه در آن زمان، و نه در زمان های بعد.

❖ جنبه های جریان غدیر

ماجرای غدیر فقط نصب یک جانشین برای پیغمبر نبود. غدیر دو جنبه دارد: یکی جنبه ی نصب جانشین است. جنبه ی دیگر قضیه، توجه دادن به مسئله ی امامت است؛ امامت با همان معنایی که همه ی مسلمین از این کلمه و از این عنوان می فهمیدند. امامت یعنی پیشوائی انسان ها، پیشوائی جامعه در امر دین و دنیا؛ این یکی از مسائل اصلی در طول تاریخ طولانی بشر بوده است. مسئله ی امامت، یک مسئله ی مخصوص مسلمان ها یا مخصوص شیعیان نیست. امامت یعنی یک فردی، یک گروهی بر یک جامعه ای حکمرانی می کنند و جهت حرکت آنها را در امر دنیا و در امر معنویت و آخرت مشخص می کنند. این یک مسئله ی همگانی است برای همه ی جوامع بشری.

❖ انواع امام برای بشر

خوب، این امام دو جور می تواند باشد: یک امامی است که خدای متعال در قرآن می فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ»^۱ این امامتی است که به امر پروردگار، مردم را هدایت می کند؛ مردم را از خطرها، از سقوط گاه ها، از لغزش گاه ها عبور می دهد؛ آنها را به سرمنزل مقصود و مطلوب از حیات دنیوی انسان - که خداوند این حیات را به انسان داده، برای رسیدن به آن مقصود - می رساند و به آن سمت هدایت می کند. این یک جور امام است که مصداق آن، انبیای الهی اند؛ مصداق آن، پیغمبر اکرم است که امام باقر «علیه الصلوة والسلام» در منا مردم را جمع کرد و فرمود: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ هُوَ الْإِمَامُ» اولین امام، خود پیغمبر است. پیغمبران الهی، اوصیای پیغمبران، برگزیده ترین انسان ها، از این دسته امام های نوع اولند؛ که اینها کارشان

هدایت است، از سوی خدای متعال رهنمائی می‌شوند، این رهنمائی را به مردم منتقل می‌کنند: «وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ»؛ کارشان کار نیک است، «وَأَقَامَ الصَّلَاةَ»؛ نماز را برپا می‌دارند - که نماز رمز ارتباط و اتصال انسان به خداست - «وَوَكَّلْنَا لَهُنَا عَابِدِينَ»؛ بنده‌ی خدا هستند، مانند همه‌ی انسان‌ها که بندگان خدا هستند. عزت دنیوی آنها کمترین آسیبی به بندگی خدا در وجود آنها و در دل آنها نمی‌زند. این یک دسته.

یک دسته‌ی دیگر: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَمَةً يَذْعُونَ إِلَى النَّارِ» که در قرآن درباره‌ی فرعون وارد شده است. فرعون هم امام است. به همان معنا که در آیه‌ی اول «امام» استعمال شده بود، در اینجا هم امام به همان معناست؛ یعنی دنیای مردم و دین مردم و آخرت مردم - جسم و جان مردم - در قبضه‌ی قدرت اوست، اما «يَذْعُونَ إِلَى النَّارِ»؛ مردم را به آتش دعوت می‌کنند، مردم را به هلاکت دعوت می‌کنند.

سکولارترین حکومت‌های دنیا هم، علی‌رغم آنچه که ادعا می‌کنند، چه بدانند، چه ندانند، دنیا و آخرت مردم را در دست گرفته‌اند. این دستگاه‌های عظیم فرهنگی که امروز نسل جوان بشر را در چهار گوشه‌ی دنیا به سمت بد اخلاقی و فساد و تباهی دارند حرکت و سوق می‌دهند، همان امامانی هستند که «يَذْعُونَ إِلَى النَّارِ». دستگاه‌های قدرتمند که به خاطر منافع خودشان، به خاطر حاکمیت‌های ظالمانه‌شان، به خاطر رسیدن به اهداف گوناگون سیاسی‌شان مردم را می‌کشاند؛ دنیای مردم هم دست آنهاست، آخرت مردم هم دست آنهاست، جسم و جان مردم در اختیار آنهاست.

اینکه ادعا بشود که در مسیحیت، کلیسا به آخرت می‌پردازد، حکومت به دنیا می‌پردازد، یک مغالطه است. آنجائی که قدرت دست انسان‌های بیگانه‌ی از دین و اخلاق باشد، کلیسا هم در خدمت آنها قرار می‌گیرد؛ معنویت هم در پنجه‌ی اقتدار آنها خرد می‌شود و از بین می‌رود؛ جسم و جان انسان‌ها زیر تأثیر عوامل قدرت آنهاست؛ این مسئله‌ی همیشگی بشر است.

یک جامعه، یا زیر سرپرستی امام عادل است که «من الله» است، هادی به خیرات است، هادی به حق است - یا در اختیار انسان هائی است که از حق بیگانه‌اند، با حق ناآشناوند و در موارد بسیاری با حق عناد می‌ورزند. چون حق با منافع شخصی آنها، با منافع مادی آنها سر سازش ندارد، با حق عناد می‌ورزند. پس یکی از این دو حال است؛ از این دو حال خارج نیست.

❖ چرا جریان غدیر مربوط به همه ی انسان هاست

اسلام با تشکیل حکومت در مدینه و تشکیل جامعه‌ی مدنی نبوی نشان داد و ثابت کرد که اسلام فقط نصیحت کردن، موعظه کردن و دعوت کردن به زبان نیست. اسلام می‌خواهد حقایق احکام الهی در جامعه تحقق پیدا کند؛ این جز با ایجاد قدرت الهی امکان‌پذیر نیست. بعد هم پیغمبر اکرم در پایان عمر مبارکش، به دستور الهی، به الهام الهی، نفر بعد را خودش معین کرد. البته مسیر تاریخ اسلام مسیر دیگری رفت. آنچه که پیغمبر می‌خواست، آنچه که اسلام می‌خواست، این بود. این یک طرحی شد که در تاریخ ماند. نباید تصور کرد که اندیشه‌ی پیغمبر شکست خورد؛ نه، شکست نخورد؛ در آن برهه تحقق پیدا نکرد، اما این خط شاخص در جامعه‌ی اسلامی و در تاریخ اسلامی باقی ماند. امروز شما در این گوشه‌ی از دنیای اسلام نتایج آن را می‌بینید و به فضل الهی، به حول و قوه‌ی الهی، این الگو، این خط واضح، در دنیای اسلام روزه‌به‌روز همه‌گیرتر خواهد شد؛ این مضمون غدیر است.

بنابراین مسئله‌ی غدیر، فقط مسئله‌ی شیعه نیست؛ مسئله‌ی مسلمانان، بلکه مسئله‌ی همه‌ی انسان هاست. آنهایی که بیندیشند، می‌دانند که این خط روشن، خطی است که متعلق به همه‌ی انسان هاست؛ جز این راهی وجود ندارد. اگر قدرت در اجتماعات انسانی دست شیطان‌صفتان باشد، دنیا به همان راهی می‌رود که شما امروز مظاهر آن را در دنیای مدرن مشاهده می‌کنید. هرچه دنیا مدرن‌تر بشود، خطر آن‌گونه حکومت‌ها بیشتر می‌شود. البته هرچه دنیا از لحاظ علم و معرفت پیشتر برود، امکان و احتمال بروز خط هدایت هم بیشتر می‌شود. این جور نیست که ما با پیشرفت علم احساس کنیم که این خط هدایت عقب افتاد؛ نه، جلو می‌رود.

❖ ویژگی و اوصاف بسیج بی شمار است

امروز مجموعه‌ی بسیج عظیم مردمی، بسیج مستضعفان در کشور ما یک حقیقت روشن و آشکار است. شما یک مجموعه‌ای هستید از بوستان عظیم بسیج در کشور. این بوستان را امام بزرگوار ما به وجود آورد و با کلمات خود و منش خود آن را آبیاری کرد. این نهال‌ها بحمدالله روز به روز بالنده‌تر و ثمرتر شده است. امروز بسیج در کشور ما یک حقیقت عظیم و غیر قابل انکار و بی‌نظیری است. درست است که تبلیغات دشمنان و به تبع آنها منادیان طرفدار آنها در داخل کشور سعی می‌کنند بسیج را کوچک کنند، تحقیر کنند و به بسیج اهانت کنند؛ اینها به خود کلام خدا هم اهانت کردند، به خود پیغمبر هم اهانت کردند. چیزی که در باطن خود دارای عظمت و درخشندگی است، با اهانت اهانت‌کنندگان و تهمت تهمت‌زنندگان نه کوچک می‌شود، نه از درخشندگی آن کاسته می‌شود. بسیج امروز در کشور ما یک حقیقت عظیم و درخشنده است؛ نمونه‌ای هم دیگر ندارد.

❖ دل‌های بسیج مملو از ایمان، اعتقاد و عواطف است

شما نگاه کنید؛ جنسیت‌های مختلف، زن و مرد، سنین مختلف، نوجوان و جوان و میان‌سال و پیر و کهنسال، اصناف مختلف، از دانشجوی و طلبه و استاد دانشگاه و معلم مدرسه و دانش‌آموز و کارگر و کشاورز و بازاری و بقیه‌ی اصناف گوناگون مؤمن در سرتاسر کشور، در بسیج عضویت دارند، شرکت دارند؛ یعنی هیچ مرزی از جهت صنفی وجود ندارد، هیچ مرز جنسیتی وجود ندارد، هیچ مرز قومی و زبانی وجود ندارد. الآن در همین جمع، ترک و کرد و لر و فارس و بلوچ و بقیه‌ی اقوام ایرانی حضور دارند. در سرتاسر کشور هم همین جور است. بسیج یک مجموعه‌ی منظم سازمان‌یافته‌ی دارای هدف است، با این گسترش و با این تنوع و با این کمیت عظیم و با این کیفیت ایمانی که در مجموعه‌های گوناگون، انسان نظیرش را مشاهده نمی‌کند.

شما دلتان متعلق به بسیج است. در دنیا احزاب وجود دارند، ممکن است احزاب پرشماری هم باشند - که البته شمارگان و کمیت یک مجموعه‌ی میلیونی به این عظمت که در بسیج

وجود دارد، در هیچ حزبی در دنیا نظیر ندارد- اما همان کمیت هائی هم که در احزاب هستند، جسم آنها، زبان آنها، توانائی های مادی آنها متعلق به حزب است؛ معلوم نیست دل ها و ایمانهاشان متعلق به آن حزب یا آن مجموعه باشد. بسیج، بسیج دل هاست؛ بسیج جانهاست؛ بسیج عواطف است؛

بسیج اعتقادات و ایمان هاست؛ و همین است که در روز سخت به کار یک ملت می آید. آن روزی که ملت ها دچار مشکلات شوند، آنجا جسمها فایده ای ندارند؛ دل ها باید در وسط میدان باشند، باید خط شکن باشند. آنهایی که خط شکنی کردند، لزوماً جسمهای نیرومندی نداشتند؛ دل ها و ایمان های محکمی داشتند که توانستند کوه ها را بشکافند، راه های دشوار را طی کنند، لغزشگاه ها را پشت سر بگذارند و خود را به منزل برسانند. بسیج، یک چنین حقیقتی است؛ این را باید قدر بدانیم. اول، خود بسیجی باید قدر بداند. همین طوری که الآن در این میثاق نامه شنیدیم و این جوانان عزیز از زبان بسیجیان به زبان آوردند، آنها خدا را حمد کردند، سپاس گراشتند، برای اینکه در بسیج عضوند. حقیقتاً همین است؛ باید خدا را شکرگزاری کرد که توفیق بدهد انسان وارد یک چنین مجموعه ای بشود.

❖ بسیج، سازمانی پیشرو و همه جانبه

اهمیت دیگر بسیج در این است که بسیج دارای یک جهت و یک بعد و متوجه یک منظور نیست. بسیج با اینکه هنر نظامی دارد و در خطوط مقدم میدان نبرد، هر جا که لازم بوده است، قرار گرفته و سخت ترین کارها را به عهده گرفته و انجام داده است، همه کاره است؛ یعنی در همه ی میدان ها وقتی بسیج حضور داشته باشد، پیشرو است، پیشتاز است. امروز جوانان بسیجی ما در میدان علم هم پیشرو و پیشتازند. اساتید بسیجی ما هم در کار علمی جزو موفق ترینها هستند. هنرمندان بسیجی ما هم- آن کسانی که با روح بسیج وارد میدان هنر شدند- موفقیت های بیشتر و بهتری پیدا کردند و توانستند مخاطبان بیشتری را جذب کنند. در هر میدانی وقتی با روحیه ی بسیجی، با اخلاص بسیجی، با ایمان بسیجی، با شجاعت و شهامت

بسیجی، با قدرت ابتکار بسیجی وارد شوند، می‌توانند کارهای بزرگی را انجام دهند. این، حقیقت بسیج است.

عزیزان بسیجی این را قدر بدانند و ارکان بسیجی بودن را در خودشان تقویت کنند. بسیجی بودن ارکانی دارد. همه‌ی ما باید این ارکان را روزبه‌روز در خودمان تقویت کنیم

❖ ویژگی‌های مهم امروز بسیج

جوانان عزیز! بارها گفتیم که در درجه‌ی اول، روحیه‌ی اخلاص و روحیه‌ی بصیرت است. این اخلاص و بصیرت روی هم اثر می‌گذارند. هرچه بصیرت شما بیشتر باشد، شما را به اخلاص عمل نزدیکتر می‌کند. هرچه مخلصانه‌تر عمل کنید، خدای متعال بصیرت شما را بیشتر می‌کند.

❖ آفات طغیان، ظلمت و هوای نفس در وجود انسان

«اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»؛ خدا ولی شماست. هرچه به خدا نزدیکتر شوید، بصیرت شما بیشتر خواهد شد و حقایق را بیشتر می‌بینید. نور که بود، انسان می‌تواند واقعیات و حقایق را مشاهده کند. وقتی نور نباشد، انسان واقعیات را هم نمی‌تواند ببیند؛ «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ»؛ وقتی طغیان جلوی چشم انسان را بگیرد، وقتی هواهای نفس - که طاغوت حقیقی‌اند و در وجود خود ما بدتر از فرعونند - جلوی چشم ما را بگیرند، وقتی جاه‌طلبی‌ها و حسادت‌ها و دنیاطلبی‌ها و هواپرستی‌ها و شهوت‌رانی‌ها جلوی چشم ما را بگیرند، واقعیات را هم نمی‌توانیم مشاهده کنیم. دیدید بعضی‌ها نتوانستند واقعیات جلوی چشم را ببینند، نتوانستند تشخیص بدهند. در فتنه‌ی طراحی‌شده‌ی پیچیده‌ی سال ۸۸ حقایق جلوی چشم مردم بود؛ نگذاشتند یک عده‌ای این حقایق را ببینند، بفهمند؛ ندیدند، نفهمیدند. وقتی در یک کشور فتنه‌گرانی پیدا می‌شوند که برای جاه‌طلبی خودشان، برای دست یافتن به قدرت، برای رسیدن به اهدافی که به‌صورت

در جمع ۱۱۰ هزار بسیجی در روز غدیر ۱۳۸۹

آرزو در وجود خودشان متراکم و انباشته کردند، حاضر می‌شوند به مصلحت یک کشور، به حقانیت یک راه پشت کنند و لگد بزنند؛ کاری می‌کنند که سردمداران غربی و دشمنان درجه‌ی یک ملت ایران به هیجان می‌آیند و سر شوق می‌آیند و از آنها حمایت می‌کنند، این یک حقیقت روشن است؛ این چیزی نیست که وقتی نور هست، انسان آن را نبیند؛ اما بعضی ندیدند، بعضی نمی‌بینند، بعضی درک نمی‌کنند؛ بعضی به خاطر ظلمت دل، حتی درک هم می‌کنند، اما حاضر نیستند به این فهم ترتیب اثر بدهند؛ اینها همه عوارض هوای نفس است؛ اینها همه نتیجه‌ی امر و نهی همان فرعون درونی ماست، همان فیل مستِ هوا و هوس است که شرع مقدس چکشی از تقوا و ورع به دست مؤمن می‌دهد که بر سر این فیل مست بکوبد و او را آرام کند. اگر توانستیم این را در وجود خودمان آرام کنیم، آن وقت دنیا نورانی خواهد شد، همه چیز را می‌بینیم، چشم ما می‌بیند؛ اما وقتی هواپرستی باشد، نمی‌بیند. شما که بسیجی هستید، جوان هستید، دل‌های شما پاک است، نورانی است، با صفای باطنِ خودتان می‌توانید این روحیه را، این حالت را در خودتان تقویت کنید. بسیجی باصفاست، نورانی است.

❖ بسیجی ماندن متوقف به چیست؟

عزیزان من! بسیجی شدید، مبارک است؛ اما بسیجی بمانید. ایستادگی در راه، مهم است. بسیجی ماندن متوقف به این است که دائم خودمان را مراقبت کنیم، مواظبت کنیم و از راه بیرون نرویم. ملت ایران کار بزرگی انجام داده است. کار بزرگ این است که دنیائی را که یکجا و چهاراسبه به سمت جهنم حرکت می‌کرد و می‌تاخت، یک نهیب زده است، یک بخشی را جدا کرده است. امروز جمعیت‌های عظیمی از مردم دنیا متوجه حقیقت شده‌اند و ملت ایران به عنوان پیشتاز و پیشرو، راه را تغییر داده است و مسیر را عوض کرده است. مسیر جوامع انسانی باید به سمت خدا باشد، باید به سمت بهشت باشد، باید به سمت حقیقت باشد. خوب، بدیهی است که شما ملت ایران این کار بزرگ را انجام داده‌اید. اهل باطل که ساکت نمی‌نشینند. آن کسانی که وجودشان وابسته‌ی به باطل و ناحق است، وابسته‌ی به ظلم است،

وابسته‌ی به لگد زدن بر سر ملت هاست، اینها که آرام نمی‌نشینند که ملت ایران فریاد حقیقت و هدایت بدهد، دنیا را بیدار کند، بشریت را بیدار کند؛ اینها معارضة می‌کنند.

البته اگر ما ایستادگی‌مان را ادامه دهیم، این معارضة نهایت روشنی دارد؛ «وَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»^۱ خدای متعال به تحقیق و بدون تردید نصرت را برای کسانی قرار داده است که به‌طرف حق حرکت می‌کنند و دعوت می‌کنند؛ و ما این را تجربه کرده‌ایم. سی سال است که دشمنان علیه ملت ایران دارند تلاش می‌کنند، کار می‌کنند؛ اما ملت ایران به برکت ایستادگی خود، به برکت ایمان خود، روزبه‌روز قوی‌تر شده است؛ دشمن هم روزبه‌روز ضعیف‌تر شده است. امروز قدرت ایستادگی ما از بیست سال پیش بیشتر است، از سی سال پیش بیشتر است؛ این تجربه‌ی ماست. پس نهایت این مبارزه، پیروزی اسلام و مسلمین است. اما باید توجه داشته باشید که درگیری و چالش وجود دارد؛ باید خودتان را آماده نگه دارید، خودتان را به‌روز نگه دارید، بصیرتان را به‌روز نگه دارید، اخلاصتان را به‌روز نگه دارید، به‌روز بسیجی باشید و بسیجی بمانید؛ این رمز موفقیت ملت ایران و جامعه‌ی عظیم ایرانی است.

ان شاء الله شما جوانها آن روزی را شاهد خواهید بود که به قله‌های افتخار دست پیدا کردید و همچنان که قرآن وعده کرده است: «لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ»^۲ شهیدان و گواهان مردم دنیا شدید و در قله‌ها باشید، که ملت‌ها به شما نگاه کنند و به سمت این قله‌ها حرکت کنند.

پروردگارا! فرج ولّیت را، فرج دردانه‌ی عزیز عالم خلقت را روزبه‌روز نزدیک‌تر بفرما. پروردگارا! ما را از متمسکین به ولایت او و ولایت اجداد طاهرینش قرار بده. پروردگارا! ما را به معنای حقیقی کلمه، مؤمن، بسیجی و انقلابی قرار بده. پروردگارا! به‌حق محمد و آل محمد، ملت عزیز و عظیم الشان ایران را به آرزوهای بزرگ خود برسان. روح مطهر امام بزرگوارمان و ارواح طیبیه‌ی شهدای عزیز را مشمول الطاف و فیوضات دائمی خود بگردان. و السّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

در جمع ۱۱ هزار بسیجی در روز غدیر ۱۳۹۴

(۱) حج: ۴۰

(۲) بقره: ۱۴۳

بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه ۲۲/۷/۱۳۹۰

۱. فکر، جریان و روحیهی انقلاب در این استان زنده است
۲. ضرورت آمادگی‌های جسمانی و معنوی
۳. ضرورت واژه‌سازی و «نهادسازی»
۴. اصطلاحات و واژه‌های تولیدی انقلاب
۵. مقوله‌ی نهادسازی انقلاب
۶. بسیج، یکی از ارکان آمادگی‌ها
۷. معنای ارتش بیست‌میلیونی یا ده‌ها میلیونی
۸. تعبیر زیبای حضرت امام از بسیج
۹. بسیج پدیده‌ی پیش‌رونده و پیشرو
۱۰. بسیج، حرکت برخاسته‌ی از ایمان و توأم با ابتکار
۱۱. ضرورت ابتکار عمل بسیج در همه‌ی زمینه‌ها
۱۲. ابتکار عمل ناشی از روحیه‌ی انقلابی و بسیجی
۱۳. روحیه‌ی بسیج در همه‌ی بخش‌های کشور
۱۴. اخلاص، پایه‌ی اصلی کار بسیجی
۱۵. ضرورت سازماندهی‌های بسیج برای آمادگی دفاعی
۱۶. به برکت اسلام و انقلاب عدالت جهانی می‌شود
۱۷. ایستادگی باشد، پیروزی قطعی است
۱۸. روحیه‌ی بسیجی باشد، پیروزی حتمی و سریع است
۱۹. دفاع از اصول مسلّم اسلامی اساسی‌ترین کار بسیج
۲۰. ضرورت پایبندی بسیج به قوانین، مقررات و انضباط
۲۱. مراد از بسیج بی‌ترمز، بی‌انضباطی نیست
۲۲. نظم، زمینه‌ای برای موفقیت
۲۳. نظم و انضباط ارزش است نه بی‌نظمی



۲۴. مقررات مزاحم ابتکار برطرف شود
۲۵. موفقیت نظام توهم نیست
۲۶. پیشرفت یعنی حرکت به سمت کامل شدن
۲۷. جوان امروز ما عمیق‌تر از گذشته
۲۸. اثرگذاری جوانان در محیط پیرامونی
۲۹. تقویت ارتباط معنوی با خداوند متعال
۳۰. فتح قله‌های اقتدار جهانی با حرکت بسیجی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

والحمد لله رب العالمين و الصَّلَاة و السَّلَام على سَيِّدِنَا و نَبِيِّنَا اَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّد و على ءاله
الأطَّيِّبِينَ الأَطْهَرِينَ الْمُتَجَبِّينَ سَيِّمًا بِقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ.

❖ فکر، جریان و روحیه انقلابی در این استان زنده است

اگرچه از گذشته، هم از دور، هم از نزدیک، منطقه‌ی کرمانشاه و مردم کرمانشاه را تا
حدود زیادی می‌شناختم، اما در این دو سه روز کوتاهی که خداوند توفیق داد با شما مردم عزیز
در بخش‌های مختلف ملاقات کردم و مطالعه کردم و رفتارها را دیدم، ارادتم به کرمانشاه و
کرمانشاهی بیشتر شد. خدا را سپاسگزاریم که توفیق و هدایت خود را شامل این مردم باصفا،
مؤمن، صادق، دارای مروت و فتوت و جوانمردی کرده و بحمدالله نسل جوان و رو به رشد این
منطقه و این استان، همان خصوصیات مثبت و برجسته و ممتازی را که گذشتگان آنها از
خلقیات اجتماعی برای آنها به ارث گذاشتند، حائز شده و مهم‌تر این که فکر انقلاب، جریان
انقلاب، روحیه انقلابی، منطق انقلاب و سخن انقلاب در این استان زنده است.

❖ ضرورت آمادگی‌های جسمانی و معنوی

برنامه‌های امروز هم برنامه‌های خوبی بود. از برنامه‌ریزان محترم این جلسه هم تشکر
می‌کنیم؛ هم سرود دسته‌جمعی‌شان، هم ورزش باستانی‌شان خوب بود. از جوان‌هایی که میل
به ورزش دارند، آمادگی ورزش دارند، به جد می‌خواهیم که این احساس توانائی را در
خودشان جدی کنند. مجموعه‌ی نسل حاضر ما در کنار پیشرفت‌های معنوی، پیشرفت‌های



فکری و چیزهایی که انقلاب به ما هدیه داده است - که من اجمالاً عرض خواهم کرد - آمادگی‌های جسمانی خودشان را تأمین کنند. سلامت جسمی و توانائی جسمانی، برای مردانی که اهل معنا، اهل معنویت، اهل فکر و اهل اهداف والا هستند، چیز لازمی است و بسیار مفید و کمک‌کار آن‌هاست.

❖ ضرورت «واژه‌سازی» و «نهادسازی»

امروز در این جلسه، مسئله و بحث بر سر سپاه و بسیج است. سپاه به‌عنوان یک نهاد، یک شاخه‌ی برآمده‌ی برومندی از ریشه‌ی این انقلاب و این نظام، و بسیج هم به‌عنوان یک حادثه‌ی بدیع و بی‌نظیر در مجموعه‌ی حوادث انقلاب، باید مورد توجه قرار بگیرد.

یکی از چیزهایی که در هر حرکت عمومی و در هر نهضت لازم است، این است که بر اساس تفکرات و مبانی پایه‌ای این نهضت و این جریان، هم بایستی «واژه‌سازی» بشود، هم بایستی «نهادسازی» بشود. وقتی یک فکر جدید - مثل فکر حکومت اسلامی و نظام اسلامی و بیداری اسلامی - مطرح می‌شود، مفاهیم جدیدی را در جامعه القاء می‌کند؛ لذا این حرکت و این نهضت باید واژه‌های متناسب خودش را دارا باشد؛ اگر از واژه‌های بیگانه وام گرفت، فضا آشفته خواهد شد، مطلب ناگفته خواهد ماند.

❖ اصطلاحات و واژه‌های تولیدی انقلاب

ما مردم‌سالاری را قبول داریم، آزادی را هم قبول داریم، اما لیبرال دموکراسی را قبول نداریم. باینکه معنای لغوی «لیبرال دموکراسی»، همین آزادی و همین مردم‌سالاری است، اما واژه‌ی لیبرال دموکراسی در اصطلاح مردم‌عالم، در معرفت و شناخت مردم‌عالم، با یک مفاهیم همراه است که ما از آن مفاهیم بیزاریم؛ نمی‌خواهیم آن اسم را بر روی مفهوم پاکیزه و سالم و صالح و خالص خودمان بگذاریم؛ لذا ما برای نظام مطلوب خودمان، اسم جدید می‌گذاریم؛ می‌گوئیم مردم‌سالاری اسلامی، یا جمهوری اسلامی؛ یعنی نام جدید انتخاب می‌کنیم. یا برای تقسیم درست ثروت و استفاده‌ی همگان از ثروت‌های عمومی، که یکی از اهداف والا و اساسی اسلام است، از واژه‌ی «سوسیالیسم» استفاده نمی‌کنیم. باینکه سوسیالیسم



هم از لحاظ معنای لغوی ناظر به همین معناست، لیکن با یک مفاهیم دیگری همراه است که ما از آن مفاهیم بیزاریم؛ با یک واقعیت هائی در تاریخ و در جامعه همراه شده که ما آنها را قبول نداریم. لذا ما به جای استعمالات و اصطلاحاتی که بین چپ‌روها و مارکسیست‌ها و این‌ها معروف بود، اصطلاح «استکبار» را، اصطلاح «استضعاف» را، اصطلاح «مردمی بودن» را مطرح کردیم و آوردیم. ما آوردیم، یعنی انقلاب آورد، نه اینکه اشخاص خاصی در این زمینه تأثیر حتمی و قاطعی داشته باشند.

❖ مقوله‌ی نهادسازی انقلاب

همین‌طور است نهادسازی. وقتی یک انقلاب و یک حرکت تحقق پیدا می‌کند، بایستی دستگاه‌های مجری خود را - آن مجموعه هائی که آن هدف‌ها را باید دنبال کنند - به وجود بیاورد. یکی از کارها این است که دستگاه‌های موجود جامعه را متحول کند، یکی دیگر این است که دستگاه متناسب با خواست خود را به وجود بیاورد. هر دو سخت است، هر دو جزو کارهای دشوار است. انقلاب اسلامی هر دو را انجام داد. فرض کنید در مقوله‌ی نظامی، ارتش که ساخته و پرداخته‌ی فرهنگ دیگری و نظام دیگری و کسان دیگری بود، تبدیل شد به یک ارتش انقلابی، به یک ارتش متدین و مؤمن؛ ساخت‌هایش هم تغییر پیدا کرد، روش‌هایش هم تغییر پیدا کرد، شعارهایش هم تغییر پیدا کرد؛ در آن، تحول به وجود آمد. در کنار این، نهاد نوپا و تازه‌ای از خود انقلاب روید و آن، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود؛ که اگر این دومی نمی‌شد، اوّلی هم امکان‌پذیر نبود. این‌ها هنرهای انقلاب است که امام بزرگوار ما مظهر اعمال این هنرها و فهم دقیق از نیاز جامعه و نیاز آینده بود و این را با قدرت، با قاطعیت و با پیگیری انجام داد.

❖ بسیج، یکی از ارکان آمادگی‌ها

این حرکت عظیم بسیج، این اقدامی که امام در سازماندهی بسیج کرد - مطالبه‌ی سازماندهی بسیج را امام کرد، ارتش بیست‌میلیونی را امام مطرح کرد - یکی از همان کارهای معجزه‌آسای انقلاب بود که امام انجام داد.



من آن روز عرض کردم؛ وقتی یک نظامی، یک کشوری، یک ملتی با این آرمان‌های والا و به ظاهر دست‌نیافتنی - مقابله‌ی با ظلم جهانی، مقابله‌ی با سلطه‌ی بین‌المللی قدرت‌ها، مقابله‌ی با نظام سلطه، مقابله‌ی با استضعاف و استکبار، هر دو - سرکار می‌آید، طبعاً دشمنان گردن کلفتی دارد، دشمنان بزرگی دارد، قدرت‌های بزرگی به میدان او می‌آیند برای مقابله‌ی با او؛ لذا باید آمادگی‌های لازم را در خود به وجود بیاورد. یکی از ارکان این آمادگی‌ها، همین مسئله‌ی بسیج بود

❖ معنای ارتش بیست‌میلیونی یا ده‌ها میلیونی

امام با این مضمون فرمودند که وقتی بیست میلیون انسانِ آماده‌ی مبارزه‌ی با سلاح در یک جامعه‌ای باشد، هیچ قدرتی در دنیا طمع نمی‌ورزد؛ می‌فهمد هزینه‌ی تهاجم به این مجموعه، هزینه‌ی زیادی است. «ارتش بیست‌میلیونی» را امام مطرح کردند؛ البته بیست میلیون در مقایسه‌ی با جمعیت آن روز کشور که حدود چهل میلیون بود؛ بعد ما عرض کردیم «ارتش ده‌ها میلیونی». واقع قضیه هم همین است. البته این معنایش این نیست که همه‌ی جامعه نظامی می‌شوند، همه تفنگ دست می‌گیرند؛ معنایش این است که همه آماده‌ی دفاع می‌شوند، آماده‌ی مبارزه‌اند. ملتی که همه آماده‌ی مبارزه‌اند، این ملت دیگر شکست نخواهد خورد. هر توطئه‌ای در مقابل این ملتِ این‌چنینی، این جور با این سطح از آمادگی، نقش بر آب خواهد شد.

❖ تعابیر زیبای حضرت امام از بسیج

امام یک چنین ابتکاری را کرد. لذا در آذر ۵۸ امام بسیج را اعلان کردند، تشکیل دادند؛ تا آخر عمر هم امام نسبت به بسیج، همین نگاه‌ها و اهتمامات را داشتند. «بسیج مدرسه‌ی عشق است»، «مکتب شاه‌دان و شهیدان گمنام است»، «بسیج لشکر مخلص خداست»؛ این‌ها تعبیرات امام بزرگوار است. این نشانه‌ی درست شناختن نیاز این کشور و این ملت و این نظام است در حال و آینده؛ این یک چیزی است که همیشه به آن احتیاج است؛ پنجاه سال دیگر هم همین نیاز وجود دارد.



❖ بسیج پدیده‌ی پیش‌رونده و پیشرو

البته بسیجی که در سال ۵۸ تشکیل شد، نیازهای آن روز را تأمین می‌کرد - این یک نیاز بود - امروز بسیج نوع نیازهای دیگری را برآورده می‌کند. مسائلی که امروز مطرح است، آن روز مطرح نبود. امروز بسیج ما در زمینه‌ی علم، در زمینه‌ی ابتکار، در زمینه‌ی نوآوری، پیشرو است. این هم هنر امام بود. امام در همین نوشته‌ای که در آذر ۶۷ مرقوم کردند - یعنی آخر عمرشان، تقریباً ده سال بعد از آن نوشته‌ی اول - از دانشجویان و طلاب می‌خواهند که بسیج تشکیل بدهند؛ بسیج دانشجو و بسیج طلبه. این نشان‌دهنده‌ی این است که نیازی که کشور به روحیه‌ی بسیجی دارد، مربوط می‌شود به همه‌ی زمینه‌ها، از جمله زمینه‌هایی که در قلمرو حوزه‌های علمیه است و زمینه‌هایی که در قلمرو دانشگاه‌هاست. امروز در حوزه‌ی علمیه هم فضایی بسیجی ما، علمای بزرگ بسیجی ما حضور دارند، افتخار هم می‌کنند. امام هم افتخار می‌کرد. امام با آن عظمت، می‌گفت من افتخارم این است که یک بسیجی‌ام. در دانشگاه هم همین جور است. در دانشگاه هم بسیج دانشجو، بسیج استاد، یک پدیده‌ی پیش‌رونده و پیش رو محسوب می‌شود.

❖ بسیج، حرکت برخاسته‌ی از ایمان و توأم با ابتکار

امروز ما در همه‌ی زمینه‌ها مسائلی داریم که آن روز نداشتیم. آن روز این پیشرفت‌های علمی نبود. اول انقلاب، هم و غم نظام و بسیج و سپاه و همه‌ی مسئولین کشور و انقلاب این بود که این موجودیت جدید را حفظ کنند؛ این نهالی که تازه از سرزمین این مملکت روییده بود، نگذارند از بین برود و برکنده شود. در همین غرب کشور، در منطقه‌ی جنوب شرقی کشور، در منطقه‌ی شمال شرقی کشور، در منطقه‌ی جنوب غربی کشور، در مناطق گوناگون، مستکبرین، دشمنان انقلاب، دشمنان اسلام، دشمنان ایران حوادثی را به راه انداخته بودند. آن روز جوانان مؤمن و دل‌باخته، باروحیه‌ی خودجوش بسیجی توی میدان می‌افتادند و جان خودشان را فدا می‌کردند؛ که من مثال‌های کرمانشاهش را، هم دیروز در دیدار با خانواده‌های شهدا بعضی را اشاره کردم، هم در صحبت پری روز؛ که یک ماه بعد از انقلاب، انسان می‌دید



این حرکت‌های خودجوش مردمی، این جوان‌ها، از همین کرمانشاه دارند حرکت می‌کنند. بسیج این است. بسیج، حرکت برخاسته‌ی از ایمان، از عشق، از اعتماد به نفس و توأم با ابتکار است.

❖ ضرورت ابتکار عمل بسیج در همه‌ی زمینه‌ها

در همه‌ی زمینه‌ها باید ابتکار کرد. من حالا نگاه می‌کردم به همین ورزش باستانی؛ به قول قدیمی‌ها، این نیم‌گودی که این‌ها اجرا کردند، پر از ابتکار بود. خب، ما گودهای ورزش باستانی را در دوران جوانی دیدیم؛ مکرر، همه‌جا، همه‌جور؛ یک روش ثابت و مستقری داشت، همیشه و همه‌جا هم همان تکرار می‌شد. البته بد هم نبود، خوب بود، اما این همه نوآوری در آن نبود. امروز من می‌بینم که این جوان‌ها همان پایه‌های ورزشی قدیمی را گرفته‌اند، این را با انواع و اقسام ابتکارها و زیبایی‌ها و ظرافت‌ها مُذهَّبش کردند، خراطی کردند، نقاشی کردند، یک چیز زیبایی از آب درآوردند؛ این ابتکار است. حالا این درزمینه‌ی ورزش باستانی است؛ در همه‌ی زمینه‌ها این ابتکار ممکن است. ابتکار در نوع فرماندهی، ابتکار در نوع جنگیدن، ابتکار در نوع جنگ افزار، ابتکار در نوع سازماندهی؛ این مال محدوده‌ی نیروهای مسلح. بعد برویم بیرونِ نیروهای مسلح. ابتکار در نوع دیپلماسی.

❖ ابتکار عمل ناشی از روحیه‌ی انقلابی و بسیجی

عرصه‌ی عظیم دیپلماسی با انواع شیطنت‌ها همراه است. عرصه‌ی دیپلماسی، عرصه‌ی شیطنت است؛ می‌بینید دیگر. البته خدا را شکر که دشمنان ما را از کسانی قرار داده که نمی‌فهمند چه کار باید بکنند؛ هی اقدام می‌کنند، هی غلط می‌کنند، اشتباه می‌کنند، هی پایشان توی چاله می‌رود؛ عبرت هم نمی‌گیرند، دوباره همان را تکرار می‌کنند؛ مثل همین حرف‌هایی که در تبلیغاتشان، در اظهاراتشان می‌گویند و انجام می‌دهند. عرصه‌ی دیپلماسی، یک چنین عرصه‌ای است؛ هوشمندی لازم است، ابتکار عمل لازم است، نوع برخورد مبتکرانه لازم است؛ این‌ها ناشی از همین روحیه‌ی انقلابی‌ای است که ما از آن تعبیر می‌کنیم به روحیه‌ی بسیجی، روحیه‌ی جوان، مبتکر، پیشرو، دارای اعتماد به نفس.



❖ روحیه‌ی بسیج در همه‌ی بخش‌های کشور

در زمینه‌ی اقتصاد هم همین‌جور، در زمینه‌ی فعالیت‌های تولیدی هم همین‌جور، در زمینه‌ی پیشرفت علمی و تحقیقی هم همین‌جور. بنابراین منطقه‌ای که ما نام بسیج را بر آن اطلاق می‌کنیم و روحیه‌ی بسیجی را در آن گسترش می‌دهیم، یک منطقه‌ی محدود نیست، فقط منطقه‌ی نظامی نیست؛ همه‌ی بخش‌های کشور می‌توانند دارای روحیه‌ی بسیجی باشند. علم‌آموزی بسیجی، ثروت‌اندوزی بسیجی، دیپلماسی بسیجی، سیاست‌ورزی بسیجی، مدیریت بسیجی، سازماندهی بسیجی؛ مفهوم بسیج شامل حال همه‌ی این زمینه‌ها می‌شود؛ معنایش هم عبارت است از نوآوری و ابتکار و اخلاص.

❖ اخلاص، پایه‌ی اصلی کار بسیجی

پایه‌ی اصلی کار بسیجی، اخلاص است. «گمنام» از جمله‌ی تعبیرات امام است، مکتب شاهدان و شهیدان گمنام. گمنام یعنی دنبال نام و نشان نبودن. گفت:

در کیش ما مجرد عنقا تمام نیست

در قید نام ماند اگر از نشان گذشت

برای خدا کار کردند، که این ناشی است از روحیه‌ی اعتماد به خدا؛ می‌دانیم که پیش خدای متعال ضایع نمی‌شود. شما در خلوت عبادت می‌کنید، با خدا حرف می‌زنید، کسی هم نمی‌فهمد؛ خاطرتان هم جمع است که خدا دارد می‌بیند، این عبادت را محسوب می‌کند؛ کرام‌الکاتبین الهی نمی‌گذارند این عبادت شما مثل عملی که انجام نشده، بماند؛ نه، تحقق پیدا کرده، این را یادداشت می‌کنند؛ آن وقت «فمن يعمل مثقال ذرة خیرا یره»؛ همین را می‌بینید. عین همین در فعالیت‌های اجتماعی است. شما یک حرکتی را انجام می‌دهید برای خدا، یک اقدامی را می‌کنید برای خدا، یک تصمیمی را می‌گیرید برای خدا، هیچ‌کس هم نمی‌فهمد؛ برای این تصمیم، پیش هیچ‌کس هم تفاخر نمی‌کنید؛ این را خدای متعال می‌فهمد، می‌داند، می‌نویسد. به خدای متعال اعتماد دارید، به خدای متعال حسن ظن دارید. حالا گیرم دیگران نفهمیدند. مگر دیگران چقدر به ما مزد می‌دهند؟ در مقابل مزد الهی، این مرزدهای



دنیوی مگر چقدر است؟ بسیجی این جوری فکر می‌کند؛ لذا است که اخلاص به خرج می‌دهد، مخلصاً لِّهِ کار را انجام می‌دهد. اخلاص، یکی از خصوصیات است. اگر اخلاص شد، آن وقت خودپرستی‌ها و خودمحوری‌ها و این‌ها برکنار خواهد شد؛ ثروت‌اندوزی برای خود، دست دراز کردن به اینجا، به آنجا، دیگر ممنوع خواهد شد. این‌ها همه‌اش ناشی از شرک است؛ شرک پنهان. وقتی که اخلاص بود، شرک نبود، این‌ها دیگر از بین خواهد رفت. روحیه‌ی بسیجی این است. در مدیریت‌های کشور، در نظام عمومی کشور و سازماندهی عمومی کشور، در فعالیت‌های گوناگون، در فعالیت‌های مرسوم دولتی، در فعالیت‌های شخصی، همه‌جا روحیه‌ی بسیجی می‌تواند خودش را نشان بدهد.

❖ ضرورت سازماندهی‌های بسیج برای آمادگی دفاعی

البته برای بخش نظامی و آمادگی‌های دفاعی، یک امتیاز وجود دارد. وقتی ما می‌گوئیم همه‌جا بسیج هست، معنایش این نیست که از بسیج بیست میلیونی‌ای که امام گفت - یا ده‌ها میلیونی بعد از امام - غفلت کنیم؛ نه، نه؛ آن لازم است. با آرزوها و آمال و نگاه‌های بلند نظرانه‌ای که ملت ما دارد، آمادگی دفاعی لازم است و همیشه باید وجود داشته باشد؛ همراه با ابتکار، همراه با نوآوری. لذا است که ما از سازماندهی‌های بسیج کاملاً حمایت می‌کنیم. عمق فکر و بصیرت هم در این سازماندهی‌ها باید مورد ملاحظه قرار بگیرد. یعنی جوانان عزیز ما بدانند، آگاهانه حرکت کنند؛ بدانند دنبال چه هستند.

❖ به برکت اسلام و انقلاب عدالت جهانی می‌شود

در بین مجموعه‌ی این حرکاتی که در اطراف جهان وجود دارد؛ این آمیختگی حق و باطل، این تسلط و هیمنه‌ی ظالمانه و شیطانی انسان‌های شیطان‌صفت بر زندگی دیگران؛ در این فضای کذائی، که فضای استکبار است، همان فضای نظام سلطه است که ما بارها تکرار کرده‌ایم، یک ملتی پیدا شده که حرف حق می‌زند، دنبال حق است، دنبال حقوق انسان‌هاست، دنبال استقرار عدالت است. این ملت، ملت عزیز ایران است؛ به برکت اسلام، به برکت انقلاب. ملت ایران پای این حرف ایستاده است. به خاطر ایستادگی ملت ایران، این فکر به تدریج جای



خود را در این منطقه باز کرده، بلکه در جهان باز کرده؛ حالا ما در این منطقه‌اش راداریم می‌بینیم. این یک حقیقتی است.

❖ ایستادگی باشد، پیروزی قطعی است

بدیهی است که شیطان‌های عالم دست بر نمی‌دارند؛ تا وقتی از پا نیفتند، دست بر نمی‌دارند. حکومت منحرف و کج و غلط شوروی تا وقتی بود، مثل همین نظام لیبرال سرمایه‌داری و - به قول خودشان - لیبرال دموکراسی، با اسلام و جمهوری اسلامی مخالف بود. می‌دانید این‌ها درصد تا مسئله باهم مخالف بودند، اما در چند مسئله با همدیگر توافق داشتند؛ یکی از آن مسائل و در رأس آنها، مبارزه‌ی با قیام اسلام و پیشرفت اسلام و نظام جمهوری اسلامی بود. ولی خب، نظام منحرف شیطان‌ی شوروی نابود شد، این یکی هم نابود خواهد شد؛ اما تا هستند، زور خودشان را می‌زنند و همه‌ی همت خودشان را به میدان می‌آورند برای مقابله‌ی با نظام اسلامی؛ البته بلاشک بی‌فایده است. اگر این طرف ایستادگی داشته باشد، صبر داشته باشد، امید را در دل خود از دست ندهد و دنبال کند، قطعاً پیروزی با این طرف است؛ این یکی از سنت‌های الهی است. خدای متعال صادق است، اصدق القائلین است؛ «و لینصرنَّ الله من ینصره»، «ان تنصروا الله ینصرکم».^۱

یک جبهه‌ای دارد حق را تعقیب می‌کند، دنبال می‌کند؛ جبهه‌ی مقابل او به دنبال باطل است. یک وقت هست که این جبهه‌ی حق می‌ترسند؛ خب بله، معلوم است که شکست می‌خورند؛ حق‌اند، اما شکست می‌خورند. یک وقت هست که بی‌صبری نشان می‌دهند، البته شکست می‌خورند؛ یک وقت حرف حق دارند، اما به لوازمش عمل نمی‌کنند، دنبال دنیا و مایت و عشرت‌اند، البته شکست می‌خورند. خدای متعال چک سفیدی نداده است که شما چون برحقید، حتماً پیروز خواهید شد؛ نه، شما پیروز خواهید شد، چون برحقید، و چون ایستادگی می‌کنید. اگر بایستید، پیروز خواهید شد. ولی تا فرارسیدن آن پیروزی نهائی، مبارزه، درگیری و چالش ادامه دارد.

❖ روحیه‌ی بسیجی باشد، پیروزی حتمی و سریع است

در دل نظام اسلامی باید یک نیروی دفاعیِ قادر، بیدار، مستحکم و آماده‌به‌کاری همیشه وجود داشته باشد؛ این همان روحیه‌ی بسیجی است. ارتش هم می‌تواند روحیه‌ی بسیجی داشته باشد، سپاه هم می‌تواند روحیه‌ی بسیجی داشته باشد، یگان‌های بسیج هم که با همین مبنا تشکیل شدند، می‌توانند روحیه‌ی بسیجی داشته باشند، دستگاه‌های انتظامی هم می‌توانند روحیه‌ی بسیجی داشته باشند، دستگاه دیپلماسی هم می‌تواند روحیه‌ی بسیجی داشته باشد. اگر این شد، پیروزی حتمی و سریع خواهد شد. به بسیجی با این چشم نگاه کنیم، به روحیه‌ی بسیجی با این چشم نگاه کنیم؛ و این روحیه را هر چه می‌توانیم، زنده بداریم.

❖ دفاع از اصول مسلم اسلامی اساسی‌ترین کار بسیج

ازجمله‌ی اساسی‌ترین کارهایی که بر عهده‌ی بسیج است و در بافت درونیِ هویت بسیج دخالت دارد، عبارت است از حمایت و دفاع از اصول مسلم اسلامی. این هم در بیانات امام هست؛ اصول تغییرناپذیر اسلامی. اینجا بسیج، یک نقش فرادوره‌ای پیدا می‌کند. بسیج نگاه می‌کند ببیند که این حرکت عمومی انقلاب و نظام از مسیرِ درست منحرف نشود؛ مراقب است که انحراف به وجود نیاید؛ هر جا انحرافی مشاهده شد، بسیج در مقابل آن می‌ایستد. این ازجمله‌ی خصوصیات است که مربوط به بسیج است؛ یعنی در مقابل انحرافات می‌ایستد. خط مستقیم به سمت اهداف والای انقلاب اسلامی، بدون هیچ‌گونه انعطاف و انحراف؛ از خصوصیات بسیج این است. این دیگر نگاهی از بالاست، نگاهی فرادوره‌ای است؛ درواقع فرازمانی است. در بعضی از بخش‌ها ممکن است اشکالاتی پیش بیاید؛ حرکت عمومی باید حرکت مستقیمی باشد. این نگاه، نگاه بسیجی است.

❖ ضرورت پابندی بسیج به قوانین، مقررات و انضباط

یکی از چیزهایی هم که من لازم است عرض کنم، این است که بسیج با همین خصوصیتی که گفته شد، پایبند به قوانین و مقررات و ارزش‌هائی است که در قالب نظام مجسم شدند.



ابتکار باید به وجود بیاید، نوآوری باید به وجود بیاید، اما بی‌انضباطی نه. یک عده‌ای اشتباه می‌کنند؛ خیال می‌کنند بسیجی یعنی کسی که پابند به مقررات نیست، پابند به قوانین نیست، پابند به ضوابط مستقر در جامعه نیست؛ نخیر، این اشتباه است، این خطاست. البته اگر چنانچه هویت کلی بسیج که گاهی در مجموعه‌ی نظام خودش را نشان می‌دهد - یعنی شامل رهبری و مجموعه‌ی قانون‌گذار و این‌ها - ببیند یک ضابطه‌ای مانع است، آن ضابطه را عوض می‌کند. ضابطه را عوض می‌کند، نه اینکه بی‌ضابطگی و بی‌انضباطی به خرج بدهد.

❖ مراد از بسیج بی‌ترمز، بی‌انضباطی نیست

از دوره‌ی جنگ، در زبان بعضی‌ها بود که بسیج بی‌هوا حرکت می‌کند - می‌گفتند بسیج بی‌ترمز - علت هم این بود که در میدان‌های جنگ، در عرصه‌های نبرد، بسیجی‌ها همین‌طور می‌پا به زمین می‌کوبیدند، اصرار داشتند که حمله انجام بگیرد؛ می‌خواستند زودتر تهاجم کنند. آن روحیه‌ی هیجان و نشاط جوانی، آنها را به سمت میدان‌ها می‌کشاند. خب، فرمانده‌ها همه‌جا مصلحت نمی‌دانستند؛ نگه می‌داشتند. یک نوع کشمکش این‌جوری همیشه در بخش‌های مختلف جبهه‌های نبرد وجود داشت. می‌گفتند بسیج بی‌ترمز است. این به این معنا نیست که بسیج بی‌انضباط است، یا باید بی‌انضباط باشد، یا بی‌انضباطی یک ارزش است؛ ابداً. خود نفس انضباط، منضبط بودن، منتظم بودن، یک ارزش است. امیرالمؤمنین «علیه‌السلام» به فرزندان‌ش وصیت می‌کند: «اوصیکم بتقوی الله و نظم امرکم»؛ کارتان را منظم داشته باشید، نظم داشته باشید.

❖ نظم، زمینه‌ای برای موفقیت

اگر نظم از بین رفت، اگر این آهنگِ درست از بین رفت، ناهنجاری به وجود می‌آید؛ در همه‌جا همین‌جور است. نظم است که زمینه برای موفقیت فراهم می‌کند. یک نیروی نظامی هم اگر نظم نداشته باشد، به کلی بی‌فایده می‌شود. این تشریفاتی که شما در نیروهای نظامی ملاحظه می‌کنید، این رژه و سان و درجه و لباس و منتظم بودن، این‌ها همه‌اش این نیست که بخواهند ظاهر را درست کنند؛ نه، این عادت دادن نیروی نظامی به انضباط است، به نظم است.



شما از اینجا باید حرکت کنید، از این خط یک قدم آن طرف تر نباید پا را بگذارید؛ این نظم است.

❖ نظم و انضباط ارزش است نه بی‌نظمی

خوشبختانه امروز، هم در سپاه، هم در ارتش می‌بینیم که این چیزها کاملاً رعایت می‌شود. نظم چیز لازمی است. اگر نظم را از یک مجموعه‌ی نظامی، از یک واحد نظامی بگیرند، هیچ فایده‌ای ندارد. فرض کنید یک تیپ نظامی هزار نفر آدم‌اند. خب، هزار نفر آدم که این کارایی‌ها را ندارد. هزار نفر آدم وقتی در قالب یک تیپ، چند گردان، هر گردانی چند گروهان، هر گروهانی چند دسته، با فرماندهی‌های منظم، با حد مشخص، با دستور کاری منظم تشکیل شد، آنگاه این تیپ این توانائی را پیدا می‌کند؛ والا هزار نفر آدم، بدون این نظم، بدون این برنامه، بدون این دستور، از او کاری بر نمی‌آید. نظم این قدر مهم است. بنابراین انضباط ارزش است، بی‌انضباطی ارزش نیست؛ بی‌قانونی ارزش نیست، بر طبق مقررات عمل کردن ارزش است؛ این را توجه داشته باشند.

❖ مقررات مزاحم ابتکار برطرف شود

این از این طرف؛ از آن طرف هم بعضی‌ها برای اینکه حرکت‌های ابتکاری را، حرکت‌های برخاسته‌ی از روحیه‌ی بسیجی را به حاشیه و انزوا برانند، به بعضی از مقررات دست‌وپا گیر تمسک نکنند؛ این هم این طرف قضیه است. اگر یک وقتی واقعاً دیده شد مقرراتی وجود دارد که جلوی ابتکار را، جلوی حرکت را، جلوی پیشرفت را می‌گیرد، آن کسانی که باید آن مقررات را تغییر بدهند، تغییر بدهند و مانع را بردارند. از آن طرف، بی‌قانونی و خروج از مقررات انجام نگیرد؛ از این طرف، دست‌وپاگیری مقررات و مزاحمت مقررات از میان برداشته شود. مدیریت‌های کلان در بخش‌های مختلف باید به این چیزها توجه کنند. به هر حال این یک بخشی بود از نگاهی که ما به بسیج داریم.



❖ موفقیت نظام توهم نیست

من به شما عرض بکنم؛ آینده‌ی کشور، آینده‌ی بسیار روشنی است. علی‌رغم همه‌ی آنچه که دشمنان ما می‌خواسته‌اند و می‌گفته‌اند و بعضی حنجره‌های غرض‌ورز و زبان‌های آلوده‌ی به بدخواهی آنها را تکرار کردند، تبلیغ کردند، یک عده‌ای هم ساده‌لوحانه باور کردند، حرکت انقلاب اسلامی، یک حرکت موفق است؛ تجربه‌ی روی زمین ما این را نشان می‌دهد. ما خیال‌بافی نمی‌کنیم؛ نمی‌خواهیم توهم سازی کنیم و خودمان را با توهمات خودمان خوشحال کنیم؛ نه، واقعیات را نگاه می‌کنیم، می‌بینیم نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران در سایه‌ی این نظام، در این سی‌ودو سال، روزبه‌روز پیشرفت کردند؛ آن‌هم پیشرفت‌هایی بسیار برجسته‌تر از پیشرفت‌های متعارف و معمول ملت‌ها. بعضی از ملت‌ها هستند که مدیریت‌های خوبی دارند، کارهای خوبی می‌کنند؛ ولی این حرکت ملت ایران، موفقانه‌تر و کامیابانه‌تر بوده از آنچه که در دنیا وجود دارد و متعارف است. در همه‌ی زمینه‌ها همین‌جور است؛ ما پیشرفت کرده‌ایم.

❖ پیشرفت یعنی حرکت به سمت کامل شدن

بعضی از مشکلات در جامعه وجود دارد. پیشرفت کردن معنایش این نیست که مشکلات نیست؛ معنایش این است که حرکت به سمت کامل شدن و بهتر شدن است؛ و این وجود دارد. در همه‌ی زمینه‌ها همین‌طور است؛ در زمینه‌ی سیاسی، در زمینه‌ی علمی، در زمینه‌ی تجربه‌های مختلف در عرصه‌های گوناگون، که می‌تواند الهام‌بخش مدیرانی باشد که در قسمت‌های مختلف کشور یا در مدیریت‌های کلان کشور حضور دارند؛ این می‌تواند به آنها کمک کند.

❖ جوان امروز ما عمیق‌تر از گذشته

و از همه مهم‌تر، پایداری به ارزش‌هاست. پایداری به مبانی و ارزش‌هایی که انقلاب بر اساس آنها به وجود آمد، خیلی چیز مهمی است. به اعتقاد من، با نگاه و تشخیص من، امروز این پایداری بیشتر از گذشته است. خب، اول انقلاب هیجان‌های جوان‌ها خیلی زیاد بود - که ناشی از همان شعله‌ی انقلاب بود - اما عمق در همه‌جا وجود نداشت



بنده آن روز هم با دانشجویها سروکار داشتم؛ هفته‌ای یک بار می‌رفتم دانشگاه، پاسخ به سؤالات می‌دادم. در تهران و هر جای دیگر هم که می‌رفتم، همین جور بود؛ با سؤالات دانشجویها و ذهن دانشجویها مواجه بودم. امروز نگاه‌ها خیلی عمیق‌تر، بنیانی‌تر و برخاسته از ژرف‌نگری بیشتر در مبانی است. آن روز هیجان بود، حرکت بود، حرکت هم حرکت بسیار موفق و باارزشی بود، فداکاری‌های فراوانی هم شد؛ اما جوانِ امروز ما عمیق‌تر است. امروز آن مایه‌های هیجانی هم نیست، تبلیغات دشمن هم فراوان است، درعین حال جوانِ امروز این جوری است. حالا بعضی‌ها از همه‌ی این مثبتات چشم می‌پوشند، نگاه می‌کنند به موارد آسیب یافته و ناهنجار؛ فقط ناهنجاری‌ها را می‌بینند؛ این غلط است. ناهنجاری هست؛ باید نگاه کنیم ببینیم این ناهنجاری‌ها به سمت سلامت یافتن و عافیت یافتن است یا نه؛ اگر دیدیم به سمت سلامت است، به سمت درست شدن است، به سمت فهمیدن است، بفهمیم که کار، کار موفق است؛ آن‌هم در این دنیا؛ دنیائی که مسائل تبلیغاتی از اطراف به جوان مؤمن و سالم ما تهاجم کردند.

❖ اثرگذاری جوانان در محیط پیرامونی

جوان‌های عزیز! این دیدگاه را پایه‌ای قرار بدهید برای حرکت خودتان. سعی کنید در محیط پیرامونی اثر بگذارید. سعی کنید این تعمق را بیشتر کنید. سعی کنید آگاهی‌های اسلامی عمیق را در حوزه‌ی کاری خودتان گسترش بدهید. امروز خوشبختانه وسایل این کارها هم فراهم است. همین نوشته‌های شهید مطهری و نوشته‌های فضلا و علمای برجسته‌ای که امروز در قم و تهران و جاهای دیگر هستند، چیزهای خوبی است، معارف خوبی است، مطالب خوبی است؛ در آنها معنویت هست، عقلانیت هست، دقت هست، آینده‌نگری هست. ذهن و دلتان را به این معارف تبدیل کنید و این را در محیط پیرامون خودتان گسترش بدهید.

❖ تقویت ارتباط معنوی با خداوند متعال

البته یک روحی هم در اینجا وجود دارد و آن، ارتباط با خداست. هر چه می‌توانید، ارتباط معنوی و شخصی خودتان با خداوند متعال را تقویت کنید؛ این خیلی باارزش است. این نگاه جوانانه‌ی شما، یک سخن گفتن از روی دل با خدا، یک استغفار، یک تهلیل و تکبیر، یک



استغاثه، تضرع پیش پروردگار عالم، از شما جوان‌ها، آثار خیلی زیادی را بر جا می‌گذارد؛ این را فراموش نکنید. این جلساتی هم که دارید - جلسات معنویت و دعا و این‌ها - سعی کنید آنها را همراه کنید با معرفت. دعای کمیل، همراه با شناخت مفاهیم دعای کمیل و معرفت دعای کمیل؛ دعای ندبه، همین جور؛ و بقیه‌ی کارهایی که انجام می‌گیرد، با معرفت باشد. از علمای محترم، خوب و صاحب‌فکر - که بحمدالله هستند - استفاده بشود.

❖ فتح قله‌های اقتدار جهانی با حرکت بسیجی

این حرکت، حرکت موفقی است و ملت ایران به کمک همین روحیه‌های جوان و مؤمن و بسیجی و دارای ابتکار، ان‌شاءالله قله‌های اقتدار جهانی را فتح خواهد کرد و به دست خواهد آورد و ان‌شاءالله پرچم اسلام را بر این قله‌ها خواهید کویید؛ همچنان که سی سال پیش کسی خیال نمی‌کرد که شعار اسلام و قرآن و ایمان به مبانی اسلامی در کشوری مثل تونس یا در کشوری مثل مصر بلند شود. امروز این شعارها را مشاهده می‌کنید. ان‌شاءالله این روند رو به گسترش است.

پروردگارا! به محمد و آل محمد، فضل و رحمت و کرامات خود را بر این دل‌های پاک و روشن نازل بفرما. پروردگارا! به محمد و آل محمد، ما را در هر نقطه‌ای از کشور و در هر بخشی از بخش‌های مجموعه‌ی این کشور قرار داریم، موفق بدار که بتوانیم بر طبق رضای تو عمل کنیم. پروردگارا! دشمنان این ملت را منکوب و سرکوب کن. پروردگارا! وسایل عزت و شرف و افتخار دینی و اسلامی این ملت را روزبه‌روز برای او فراهم‌تر بفرما. پروردگارا! ارواح طیبه‌ی شهیدان عزیز ما را با پیغمبر و اولیائش محشور بفرما. پروردگارا! روح مطهر امام بزرگوار ما را با اولیائش محشور کن

و السّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته



بیانات در دیدار اقشار نمونه بسیج سراسر کشور ۶/۹/۱۳۹۰

۱. تناسبی میان هویت بسیج با هویت محرم
۲. بصیرت و معرفت از خصوصیات مهم عاشورا
۳. راه بسیج
۴. ماهیت بسیج
۵. فرهنگ بسیجی
۶. حقایق بسیج
۷. حرکت و جوشش‌های اسلامی در منطقه
۸. تهدید و تحریم‌ها دور از انتظار نیست
۹. غلبه ملت ایران بر همه‌ی چالش‌ها
۱۰. حرکت‌های اسلامی، ماندگار و پیش‌رونده



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلّاة و السّلام على سيّدنا محمّد و آله الطاهرين سيّما بقيّة الله
فى الأرضين

خداوند متعال را سپاسگزارم برای توفیق حضور در این دیدار باشکوه و بسیار خوب. از
برادران و خواهرانی که در اطراف میدان ایستاده‌اند، خواهش می‌کنم بنشینند تا بتوانیم بحث
کنیم.

❖ تناسب میان هویت بسیج با هویت محرم

امروز مقارن با اول محرم است. تناسبی هست میان هویت و حقیقت بسیج با هویت محرم و
عاشورا. بسیج افتخار دارد که پیرو مکتب عاشوراست. البته عاشورا اوج فداکاری و ایثار است.
همه‌ی تاریخ، همه‌ی عالم، مسئله‌ی عاشورا و حسین ابن علی «علیه السلام» و اصحاب وفادار او را با
این خصوصیت شناخته‌اند؛ فداکاری، ایثار در راه خدا و در راه تحقق اهداف الهی؛ لیکن
مسئله‌ی عاشورا فقط این نیست. بله، برجسته‌ترین و نمایان‌ترین خصوصیت عاشورا، همین
فداکاری و شهادت است؛ ولی در ماجرای عاشورا حقایق دیگری هم وجود دارد.

❖ بصیرت و معرفت از خصوصیات مهم عاشورا

از آغاز حرکت از مدینه، بذر معرفت پاشیده شد - این یکی از خصوصیات حادثه‌ی
عاشوراست - بذر بصیرت پاشیده شد. اگر مردمی، امتی از بصیرت برخوردار نباشند، حقایق
گونگون، کار آنها را اصلاح نخواهد کرد؛ گره از مشکلات آنها گشوده نخواهد شد. بنابراین



اخلاص، موقع‌شناسی، پاشیدن بذر یک حرکت فزاینده‌ی تاریخی، از خصوصیات مهم عاشورا است. ماجرا فقط در ظهر عاشورا تمام نشد؛ درواقع از ظهر عاشورا یک جریانی در تاریخ شروع شد، که همچنان رو به افزایش و گسترش است. بعدازاین هم همین خواهد بود. امام حسین «علیه‌السلام» برای اعلای کلمه‌ی حق و برای نجات خلق، همه‌ی داشته‌های خود را به میدان آورد. این برخی از خصوصیات است که انسان به‌طور کلی در ماجرای عاشورا می‌تواند ببیند و نشان بدهد.

❖ راه بسیج

بسیج، همین راه است؛ همین حرکت است؛ همین هدف‌هاست؛ همین ابزارها و وسیله‌هاست. بسیج، جمع فداکاری از مردم‌اند، برای مردم؛ تشکیل یک مجموعه‌ای در حرکت عظیم یک ملت مجاهد. حضور در دفاع، حضور در علم، حضور در هنر، حضور در سازندگی، حضور در سیاست، در فرهنگ، در کمک به مستضعفان، در کمک به درماندگان، در تولید، در فناوری، در پیشبرد مسائل گوناگون کشور، در ورزش، در بخشش‌های بین‌المللی، در هر کار خیر؛ این حرکت بسیج است؛ حرکتی مردمی، برای مردم، در دل مردم، از خود مردم، از همه‌ی قشرها، زنان، مردان، جوانان، پیران، نوجوانان، از اصناف گوناگون؛ یعنی تشکیل یک مجموعه‌ی حزب‌الله واقعی.

❖ ماهیت بسیج

بسیج سیاسی است، اما سیاست زده نیست، سیاسی کار نیست، جناحی نیست؛ بسیج مجاهد است، اما بی‌انضباط نیست، افراطی نیست؛ بسیج عمیقاً متدین و متعبد است، اما متحجر نیست، خرافی نیست؛ بسیج با بصیرت است، اما از خودراضی نیست؛ بسیج اهل جذب است - گفته‌ایم جذب حداکثری - اما اهل تسامح در اصول نیست؛ بسیج غیور است، پاسدار خطوط فاصل است؛ بسیج طرفدار علم است، اما علم‌زده نیست؛ بسیج متخلق به اخلاق اسلامی است، اما ریاکار نیست؛ بسیج در کار آباد کردن دنیاست، اما خود اهل دنیا نیست. این شد یک فرهنگ.

❖ فرهنگ بسیجی

فرهنگ بسیجی یعنی آن مجموعه‌ی معرفت‌ها و روش‌ها و منش‌هایی که می‌تواند مجموعه‌های عظیمی را در ملت به وجود بیاورد که تضمین‌کننده‌ی حرکت مستقیم و پایدار اسلامی آن ملت باشند. این یک تفکر است؛ در ذهن هم نیست، در خارج و در عینیت وجود دارد. حرکت بسیجی، سرنوشت ایران را، بلکه سرنوشت فراتر از ایران را تغییر داد، تعیین کرد. از روز اول، بسیجیان امام ما در میدان‌های گوناگون انقلاب تا پیروزی انقلاب و تا پس از انقلاب حرکتی کردند که ماندگار شد، الگو شد، یادگار ملت ایران در عرصه‌ی تاریخ شد. امروز جوانان نیویورک و کالیفرنیا هم شعارهای مردم مصر و تونس را تکرار می‌کنند، از آنها الهام می‌گیرند؛ انکار هم نمی‌کنند. جوانان مصر و تونس هم از حزب‌الله و حماس و جهاد اسلامی الهام گرفته‌اند و فراگرفته‌اند و پنهان نکردند. و معلم اول در عصر جدید، بسیجی امام بزرگوار ما بود؛ که همه از بسیجی امام بزرگوار فراگرفتند و از جانبازان و سربازان و فداکاران این انقلاب یاد گرفتند که چگونه می‌توان اسطوره‌های قدرت مادی را شکست، چگونه می‌توان به نام خدا بت‌ها را شکست، چگونه می‌توان ایستاد، چگونه می‌توان مقاومت کرد.

❖ حقایق بسیج

این‌ها حقایقی است که امروز وجود بسیج، عینیت بسیج، حرکت بسیج، هدف‌های بسیج، ما را به این حقایق آشنا می‌کند. انقلاب اسلامی و ملت انقلابی با یک چنین فرهنگی، با یک چنین آموزه‌هایی، با یک چنین روحیه‌ای، توانست بسیاری از ناممکن‌ها را ممکن کند، محقق کند؛ و این حرکت ادامه خواهد داشت. دشمنی دشمنان نمی‌تواند تأثیری بگذارد. البته دشمن، دشمنی می‌کند - در این تردیدی نباید داشت، انتظاری هم جز این از دشمن نباید داشت - منتها ما وقتی حرکت عظیم ملت ایران را از آغاز این انقلاب، این حرکت، این نهضت عمومی تا امروز مشاهده می‌کنیم، می‌بینیم یک خط سیر مشخصی دارد. ملت ایران به سمت پیش حرکت می‌کند، به سمت اوج حرکت می‌کند، در میدان‌های گوناگون بر چالش‌های گوناگون



غلبه پیدا می‌کند؛ و دشمنان در همین مقابله و مواجهه عقب‌نشینی می‌کنند، کوتاه می‌آیند؛ ناچارند. با این حرکت، سرنوشت ملت ایران، پیروزی قطعی است.

❖ حرکت و جوش‌های اسلامی در منطقه

امروز در سرتاسر منطقه‌ی اسلامی و منطقه‌ی عربی، حرکت‌های اسلامی و جوش‌های اسلامی مشاهده می‌شود؛ این همان چیزی است که سی سال کسانی که با حقیقت انقلاب آشنا بودند، انتظارش را داشتند و دشمنان انقلاب سی سال از تصور چنین چیزی به خود می‌لرزیدند؛ واهمه و وحشت حوادثی را داشتند که امروز اتفاق افتاده است. طراحان توطئه‌های علیه انقلاب اسلامی پیش‌بینی می‌کردند که یک چنین حوادثی پیش خواهد آمد؛ و پیش آمد، و این پیش خواهد رفت و متوقف نخواهد شد.

امروز ملت‌های مسلمان در منطقه‌ی عربی سربلند کرده‌اند، آگاه شده‌اند، بیدار شده‌اند. دشمنان نمی‌توانند آنها را سرکوب کنند و نمی‌توانند راه را منحرف کنند. حرکت به جریان افتاده است و وضع دنیا را تحت تأثیر قرار داده است. همین حرکت‌هایی که امروز شما در دنیای غرب، در آمریکا و در اروپا مشاهده می‌کنید، نشان‌دهنده‌ی تغییرات عظیمی است که آینده‌ی دنیا شاهد این تغییرات خواهد بود.

❖ تهدید و تحریم‌ها دور از انتظار نیست

ما از عکس‌العمل دشمنان تعجب نمی‌کنیم؛ از تهدید‌هایی که می‌شود، از تحریمی که می‌کنند، از آنچه کشورهای استکباری در این دوره در مواجهه‌ی با نظام جمهوری اسلامی انجام می‌دهند، تعجب نمی‌کنیم. آنها می‌دانند که قانون این حرکت، جمهوری اسلامی بود و ایستادگی ملت ایران است که توانسته است این روحیه را در منطقه بگستراند که می‌شود در مقابل هیمنه‌ی استکبار ایستاد. استکبار پیشرفت کار خودش را همواره از راه مرعوب کردن‌ها - ملت‌ها را مرعوب می‌کردند، سران کشورها را مرعوب می‌کردند - پیش برده است. وقتی این پرده‌ی رعب بشکند، وقتی ملت‌ها بدانند که این هیمنه، هیمنه‌ی حقیقی و واقعی نیست و



صوری و ظاهری است، این سلاح از دست استکبار گرفته خواهد شد. و امروز این جور شده است. لذا خشمگین‌اند، عصبانی‌اند، روی جمهوری اسلامی فشار وارد می‌کنند.

❖ غلبه ملت ایران بر همه‌ی چالش‌ها

البته این که جمهوری اسلامی را متهم کنند که این حرکات را راه انداخته، غلط است؛ این یک تهمت بی‌جا و بی‌موردی است؛ احتیاجی به این کار نیست. نظام اسلامی با بقاء خود، با ایستادگی خود، با صدق خود در این راه - که ملت ایران نشان داد در این راه صادق است - الهام‌بخش بوده است و این الهام‌بخشی وجود دارد. ملت‌ها بیدار شده‌اند و راه خود را پیدا کرده‌اند. دشمنان هم دشمنی می‌کنند. البته این دشمنی‌ها چالش‌هایی را ایجاد می‌کند. ملت ایران به‌مواجهه‌ی با این چالش‌ها عادت کرده است و ما ان‌شاءالله بر همه‌ی چالش‌هایی که دشمنان به وجود می‌آورند، غلبه خواهیم کرد و پیروز خواهیم شد و خدای متعال برای ملت ایران و درنهایت برای امت اسلامی و استقرار حقایق نورانی اسلام در عالم، این پیروزی را مقدر فرموده است.

امیدواریم خداوند متعال توفیق تداوم در این راه را به همه‌ی ملت عزیز ما، به جوانان عزیز بسیجی ما، به همه‌ی جوانان این کشور و به مسئولان مرحمت کند. همه بدانند که در این زمینه‌ها مسئول‌اند؛ هم مسئولان کشور، هم قشرهای گوناگون. مردم در میدان حاضرند. آمادگی مردم در قضایای گوناگون، آمادگی کامل است. مسئولان هم باید قدر این ملت را و این آمادگی را بدانند و وظائف خود را، کارهایی را که بر دوش آن‌هاست، به بهترین وجهی در قوای سه‌گانه انجام بدهند و ملت با انسجام پیش برود.

❖ حرکت‌های اسلامی، ماندگار و پیش‌رونده

این حرکت‌های اسلامی در اطراف دنیای اسلام هم بلاشک حرکت‌های ماندگاری است، حرکت‌های پیش‌رونده‌ای است. ملت‌ها یکی پس از دیگری بیدار می‌شوند. دست‌نشانندگان استکبار، یکی پس از دیگری از عرصه و صحنه خارج خواهند شد و ان‌شاءالله روزبه‌روز شوکت اسلام و اقتدار اسلام بیشتر خواهد شد.



پروردگارا! ما را لایق این نعمت‌های بزرگ قرار بده؛ ما را شاکر این نعمت‌های بزرگ قرار بده. پروردگارا! دل‌های ما را به نور محبت و معرفتِ خودت و اولیائت منور بگردان؛ دعای بقیّة‌الله (ارواحنا فداه) را شامل حال ما بفرما.

و السّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته



بیانات در دیدار پیمان استان خراسان شمالی ۲۴/۷/۱۳۹۱

۱. فضای بسیج فضای معنویت و خلوص
۲. اقدام بسیار خوب «حلقه‌های صالحین»
۳. تمجید از سرود
۴. تعمق و تأمل بر روی خصوصیات بسیج
۵. بسیج همزاد انقلاب
۶. بسیج، پدیده‌ی بی‌نظیر
۷. خصوصیات بسیج:
۸. حفظ و تقویت صلاحیت‌های بسیجی
۹. خصوصیات بسیجی:
۱۰. توصیه‌های انتخاباتی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و الحمد لله ربّ العالمين و الصّلاة و السّلام على سيّدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمّد و على آله الأطيبين الأطهرين المنتجبين الهداة المهديّين المعصومين المكرّمين سيّما بقيّة الله فى الأرضين.

❖ فضای بسیج فضای معنویت و خلوص

جمع بسیجیان عزیز استان، با چهره‌ی نورانی بسیجی و دل‌های ان‌شاءالله نورانی‌تر، فضای جلسه‌ی صمیمی ما را نورانی کرده است. فضا، فضای معنویت و صمیمیت و محبت و خلوص، مثل همه‌ی مجموعه‌های بسیجی و فعالیت‌های بسیجی است

❖ اقدام بسیار خوب «حلقه‌های صالحین»

برنامه‌هایی که اجرا شد، برنامه‌های بسیار خوبی بود. این برنامه‌ی ورزش محلی یقیناً بر بسیاری از کارهای تقلیدی ترجیح دارد؛ ورزش پهلوانی است و سرشار از سنت‌های ایرانی و اسلامی است. این نکات را باید همیشه به یاد داشته باشیم که آنچه متعلق به ما و مربوط به خود ماست، با عقاید ما، با ایمان ما آمیخته است؛ آنچه وارداتی است، اگر بخواهیم شکل ایمانی و اسلامی و ایرانی به آن بدهیم، باید این عناصر را در آن تزریق کنیم. آنچه مربوط به خود ماست، به‌طور طبیعی پیکره‌ی آن، پیکره‌ی دینی و ایمانی است. جمع «حلقه‌های صالحین» هم اقدام بسیار خوبی است، که نمایشی از آن در اینجا ارائه شد.



❖ تمجید از سرود

سرودی هم که این برادران عزیز سرودخوان اجرا کردند، بسیار خوب بود؛ هم مضمون، هم اجرا بسیار خوب و جالب بود. البته توجه دارید، من هم تأکید می‌کنم؛ وقتی می‌گویید «یا سیدی، یا مولا»، حتماً وجود مقدس امام زمان (سلام‌الله‌علیه) در نظر باشد.

❖ تعمق و تأمل بر روی خصوصیات بسیج

در مورد بسیج، سخنان زیادی گفته شده است. هرچه ما درباره‌ی بسیج نکته‌یابی کنیم و این نکته‌ها را مورد مذاقه و تأمل قرار دهیم، زیاد نیست؛ همچنان که در میدان عمل، هرچه بر روی استحکام بسیج و عمق بخشیدن به ویژگی‌های متعلق به بسیج - که مخصوص خود آن است - کار کنیم و تکیه کنیم، باز کار زائد انجام نداده‌ایم. چرا؟ چون کشور از حضور بسیجی در میدان‌های مختلف، تجربه‌ی خوبی دارد؛ هم در دوران دفاع مقدس، هم پیش از آن، و هم بعد از آن تا امروز؛ که حالا شرح آن را خود شما می‌دانید، شنیده‌اید، بنده هم اشاره‌ای خواهم کرد. هر جا حضور بسیج و حرکت بسیجی در هر میدانی احساس شده است، ما پیشرفت داشته‌ایم؛ این یک تجربه‌ی مهمی است. کشور در آینده مسائل مهم‌تری در پیش دارد - نمی‌گویم مشکلات مهم‌تر - ممکن است مشکلات روزبه‌روز کاهش پیدا کند، اما مسائل مهم‌تری هست، کارهای بزرگ‌تری هست. ما که نمی‌خواهیم به‌عنوان یک ملت، دور خودمان حصار بکشیم؛ که اگر این کار را هم بکنیم، رشد متوقف نخواهد ماند؛ اما نگاه ما، نگاه وسیع است؛ در طول تاریخ و در عرض جهان، این نگاه، گسترده است. ملتی با یک چنین آرمان‌هائی، با یک چنین همت بلندی، با یک چنین افق دوری، خیلی مسائل در پیش دارد. این مسائل احتیاج دارد به خصوصیات که در مجموعه‌ی بسیج هست. بنابراین راجع به بسیج هرچه گفته شود، مذاقه شود، بر روی خصوصیات تکیه شود و تعمق شود، زیادی نیست.

❖ بسیج همزاد انقلاب

اولاً بسیج همزاد انقلاب است. شاید به یک معنا بشود گفت که حضور بسیجی مردم، خود موجب پیروزی انقلاب شد، یا موجب پدید آمدن انقلاب شد. جوان‌های داوطلب، علاقه‌مند،

قبل از انقلاب در همه جا - در همین شهر بجنورد که بنده اطلاع دارم - در عرصه‌هایی وارد شدند، ایستادگی کردند، حضور مؤثر پیدا کردند. این تلاش‌ها در سرتاسر کشور جمع شد، شد حرکت عظیم انقلابی ملت ایران. بنابراین به این معنا، ولادت بسیج، قبل از ولادت انقلاب است؛ اما با پیروزی انقلاب، بسیج به شکل کنونی - که خصوصیات منحصربه‌فرد این پدیده‌ی شگفت‌آور را عرض خواهم کرد - تولد یافت. بنابراین می‌توان بسیج را همزاد انقلاب معرفی کرد.

❖ بسیج، پدیده‌ی بی‌نظیر

خب، این پدیده، پدیده‌ی بی‌نظیری است. آیا ملت‌های دیگر، انقلاب‌های دیگر، حضور مردمی نداشتند، که شما می‌گویید حضور بسیج یک پدیده‌ی بی‌نظیر است؟ چرا، در انقلاب‌های دیگر، در حوادث بزرگی که در کشورهای جهان به وجود آمده است، توده‌ی مردم حضور داشتند؛ منتها با تفاوت‌های بسیار عمیق و تأثیرگذاری. اگر تاریخ را نگاه کنید، می‌بینید دو انقلاب در این دو سه قرن اخیر در حد انقلاب ما در دنیا معروف است؛ یکی انقلاب کبیر فرانسه است، یکی انقلاب کمونیستی در شوروی است. در هر دوی این‌ها مردم بودند، اما حضور مردم در آن انقلاب‌ها - که پر حجم و انبوه هم بود - با حضور بسیجی در انقلاب ما متفاوت است. من حالا اندکی از خصوصیات حضور بسیجی را عرض می‌کنم.

❖ خصوصیات بسیج

(۱) سازماندهی

اولاً این مجموعه‌ی عمومی مردمی از اول دارای سازماندهی بود؛ این یک خصوصیت منحصربه‌فرد است. این سازماندهی کمک کرد به این که این حرکت عظیم مردمی راه خودش را گم نکند. وقتی سازماندهی بود، یعنی هدایت در آن هست، بصیرت در آن هست، تمرکز در تصمیم‌گیری هست، اراده‌ی مردم هست؛ اما از تندروی، از زیاده‌روی، از کج‌روی، از خطاهای فاحش، جلوگیری می‌کند.



(۲) ایمان برخاسته از احساس تکلیف شرعی

مهم‌تر از این، خصوصیت ایمان و برخاستن از احساس تکلیف شرعی بود. یک‌وقت احساسات محض، یک انسانی را، یک جمع انسانی را، یک جمعیتی را به یک سوئی حرکت می‌دهد؛ این ممکن است، در خیلی جاها هست. این آدمی که با احساسات حرکت می‌کند، هدایت او، زمام و مهار نفس او و حرکت او، به دست یک عامل معنوی و درونی و قلبی نیست؛ خیلی اوقات از حد تجاوز می‌کند؛ آنجائی که نباید دست به کشتار بزند، دست به کشتار می‌زند؛ آنجائی که نباید ظلم کند، ظلم می‌کند. لذا شما ببینید در همین انقلاب هائی که من اسم آوردم، آنچه تاریخ ثبت کرده است - تاریخ خودشان، نه اینکه ما بگوییم - سرشار و لبریز است از همین خطاها و انحراف‌ها و اشتباه‌ها و تقابل‌ها؛ یک گروه در مقابل یک گروه دیگر قرار می‌گرفتند. بله، در انسان مؤمن هم احساسات وجود دارد؛ ما که بدون احساسات حرکت نمی‌کنیم؛ احساس داریم، احساس عاطفی داریم، احساس خشم داریم؛ لیکن این احساس باایمان ما کنترل می‌شود. جوان بسیجی در برخورد با عنصر منافق، چون این منافق زن است و نامحرم است، حتی جان خود را از دست می‌دهد، برای اینکه به بدن این زن مشکوک دست نزنند. این‌ها وجود دارد؛ این جزو حوادثی است که مکرر اتفاق افتاده است. دقت نظر بسیجی در مچ‌گیری از منافق، در موارد زیادی تحقق پیدا می‌کند. در بعضی از این موارد، طرف مثلاً زن است؛ این جوان بسیجی حاضر نیست از حدود ایمانی تخطی کند. ببینید، این حضور ایمان را در این انسان بسیجی نشان می‌دهد؛ این خیلی مهم است. بله، یکجا به شهید شدن چهارتا بسیجی می‌انجامد؛ اما در نگاه کلی وقتی نگاه می‌کنیم، این خیلی معنای متعالی و مهمی را به ما منعکس می‌کند. بنابراین حرکت عمومی و توده‌ای و سازماندهی‌شده‌ی مردم، با هدایت ایمان، با دخالت ایمان پیش می‌رود؛ این از خصوصیات بسیج است.

(۳) حضور در بسیج از همه‌ی قشرهای جامعه

یک خصوصیت دیگر این است که همه‌ی قشرها در بسیج حضور دارند؛ شهری هست، روستایی هست، جوانِ نوخاسته‌ی نو سال هست، پیرمرد کهن سال هم هست. چقدر در جنگ، رادیوهای خارجی و مبلغین معاند و مغرض گفتند که جمهوری اسلامی بچه‌های نابالغ را به جنگ می‌فرستد. بله، بچه‌های نابالغ می‌رفتند، اما کسی آنها را به جنگ نمی‌فرستاد. آنها

می آمدند با گریه، با زاری، با دست بردن در شناسنامه، با رضایت گرفتن از پدر و مادر به زور گریه، با قاطی شدن بین رزمندگان، خودشان را به جبهه می رساندند. این ها واقعیت است. پیر و جوان، تحصیل کرده و غیر تحصیل کرده در بسیج حضور دارند. در اینجا روشنفکرها یک کناری نایستادند. در بعضی از این اجتماعات بزرگی که در این انقلاب ها وجود دارد، گروه روشنفکران قاطی مردم نمی شوند. من یک وقتی از یک نمایشنامه ی روشنفکری نقل کردم که آقائی از بالای ایوان به حرکت مردم نگاه می کند، اما خودش وارد نمی شود، قاطی نمی شود. اینجا نخیر؛ اینجا کارگر بود، کشاورز بود، دانشجو بود، دانش آموز بود، پزشک بود، نویسنده ی مبرز بود، شاعر برجسته بود، متخصص بود، مخترع بود و هست؛ همه وارد بسیج. شما بروید تشکیلات بسیج را نگاه کنید، در شهر خودتان هم نگاه کنید؛ همه جا همین جور است. اینجا دیروز یک جوان مخترعی آمده، خودش را جزو بسیج مخترعین معرفی می کند. این ها در دنیا نظیر ندارد. بسیج مخترعین، بسیج اساتید دانشگاه، بسیج نویسندگان، بسیج شاعران. گروه های روشنفکری، با قواره های مختلف، در این مجموعه ی عظیم و پرراز و رمزی که ما اسمش را «بسیج» گذاشتیم، حضور دارند. جوان هم هست، پیر هم هست، زن هم هست، مرد هم هست، متخصص کارهای صنعتی هم هست، متخصص کارهای روان شناسی هم هست؛ همه جور انسانی در این مجموعه حضور دارند.

۴) پابه رکاب بودن

خصوصیت دیگر، پابه رکاب بودن است. خب، عزیز من! سی و سه سال از انقلاب می گذرد. حضور توده ای در انقلاب های گوناگون، یک ماه بود، دو ماه بود، حداکثر یک سال بود؛ بعد تمام شد. اینجا هم کسانی که می خواستند زندگی را و جمهوری اسلامی را از روی دستورالعمل های غربی تنظیم کنند و ترتیب بدهند، همین سفارش را می کردند. اوایل انقلاب سفارش می کردند که خیلی خوب، انقلاب تمام شد، مردم بروند خانه هاشان. در انقلاب های دیگر، مردم رفتند خانه هاشان؛ اما سی و سه سال از انقلاب می گذرد، بسیج در صحنه است، در عرصه است، پابه رکاب است. آن نسلی که آن روز وارد بسیج بودند، امروز افراد میان سال و مسنی شده اند، محاسن هاشان سفید شده؛ نوه دارند، عروس دارند، داماد دارند؛ اما بسیجی اند.



آنها پیر شدند، اما آیا چهره‌ی بسیج پیر شد؟ ابتدا، چهره‌ی بسیج، چهره‌ی جوانی است. این معنایش چیست؟ این معنایش این است که نسل‌های نوظهور و پی‌درپی، این حضور مردمی را از دست نداده‌اند، فراموش نکرده‌اند. آن روز یک عده‌ای می‌گفتند خیلی خوب، جوان است، اهل هیجان است، جنگ هم یک حادثه‌ی پرهیجان است؛ این می‌کشد طرف جنگ، به خاطر هیجان. امروز که جنگ نیست، امروز که هیجان جنگ نیست؛ چرا جوان به میدان می‌آید؟ این‌ها مسائل بسیج است. ببینید، این‌ها آن نکات ریزی است که ما وقتی مجموع این نکات را کنار هم می‌گذاریم، به این نتیجه می‌رسیم که بسیج یک پدیده‌ی شگفت‌آور و رمز‌آلود و راز‌آلود و استثنائی نظام جمهوری اسلامی است. این مجموعه خیلی گره‌ها را باز کرده است، در خیلی صحنه‌ها حضور داشته است، حضور او اثرگذار و تعیین‌کننده بوده است. پس ما در آینده هم به این حضور احتیاج داریم.

مسانی که اهل تأمل و تدبرند، حدس بزنند که چرا در شعارهای کسانی که حرف و نفس و حرکت خودشان را از رادیوی اسرائیل می‌گیرند، در درجه‌ی اول، شعار بر ضد بسیج است؟ آیا خودشان می‌فهمند که چرا شعار بر ضد بسیج می‌دهند، یا نمی‌فهمند؟ این را من نمی‌توانم قضاوت کنم. اما این، حقیقت کار است. این کلید طلایی حل بسیاری از مشکلات آینده، مورد بغض و عداوت آن کسانی است که نمی‌خواهند آینده، آینده‌ی خوبی و سرافرازی و موفقیت آمیزی برای نظام جمهوری اسلامی باشد؛ لذا می‌خواهند این کلید طلایی را بشکنند؛ لااقل در چشم من و شما آن را کوچک کنند. البته نخواهند توانست و معلوم است. خب، این درباره‌ی خصوصیات بسیج. در این زمینه خیلی حرف هست. عرض کردم؛ هرچه مذاقه کنیم، نکته‌یابی کنیم، در این نکات تأمل کنیم و آنها را گسترش دهیم تا فکر و فرهنگ جامعه شود، زیادی نیست. مذاقه در مورد بسیج - این پدیده‌ی عجیبی که خدای متعال به نظام جمهوری اسلامی هدیه کرده است - مسئله‌ی مهمی است.

❖ حفظ و تقویت صلاحیت‌های بسیجی

خب، شما جزو بسیجید. همه باید افتخار کنند که جزو مجموعه‌ی بسیجی باشند. کسی که

وارد این مجموعه می شود، صلاحیت هائی دارد؛ این صلاحیت ها را نشان داده است، وارد بسیج شده است؛ این صلاحیت ها را باید حفظ کنید. آنچه که من به شما عرض می کنم - که شما فرزندان من هستید، شما جوانان من هستید - این است که این خصوصیات را باید حفظ کنید؛ نه فقط حفظ کنید، بلکه باید این ها را تقویت کنید.

❖ خصوصیات بسیجی

(۱) خودسازی

یکی از خصوصیات، خودسازی است. ما باید خودمان را تربیت کنیم. من مسنِ پیرمرد هم احتیاج دارم خودم را تربیت کنم، خودم را مهار کنم، خودم را حفظ کنم. حرکت در جوان سریع تر، تصمیم گیری سریع تر، اقدام سریع تر است؛ بنابراین مراقبت و محافظت و خودسازی هم بسیار حساس تر است. خودسازی، کار سهل و ممتنعی است؛ هم آسان است، هم سخت است. اگر در محیطی قرار بگیریم که مناسب باشد، مساعد باشد، می شود آسان. شما مثلاً اهل توجه اید، اهل دعا و اهل تضرع و اهل گریه هستید. گاهی انسان در یک محیطی قرار می گیرد که محیط، محیط تضرع و گریه و توجه است؛ همه ی دل ها به سوی خداست، همه ی اشک ها جاری است؛ اینجا حالت تضرع برای انسان آسان تر دست می دهد. این، محیط مساعد است. محیط مساعد، خودسازی را آسان می کند. یکی از محیط های مساعد، خود مجموعه ی حالات دفاع مقدس بود؛ اما محیط مساعد، خود بسیج است. شما که در این مجموعه هستید، درواقع در یک فضای مساعدی برای خودسازی هستید. تقوا، خویشن داری، دوری از گناه، انجام فرایض، نماز خواندن به صورت فرصتی برای انس باخدای متعال، توجه به معانی نماز، حضور قلب، تمرکز در حال نماز؛ این ها ابزارهای خودسازی است. وقتی شما در محیط مساعد قرار می گیرید، این ابزارهای خودسازی بهتر به شما کمک می کند، بیشتر به شما کمک می کند. وقتی این جور شد، توانائی روحی شما بیشتر می شود؛ هم استقامت شما، ایستادگی شما، صبر شما، توکل شما، هم ابتکار و جوشش درونی شما؛ این ها همه باهم است. ما وقتی وارد یک میدانی نشده ایم، احساس خوف می کنیم، هراس داریم؛ استعدادی هم اگر در ما هست،

سرپوشیده باقی می ماند؛ اما وقتی این هراس را شکستید، خطر کردید و وارد میدان شدید، این استعدادها هم شروع می کند به سر بر آوردن؛ این جوری می شود که ناممکن ها ممکن می شود. همین طور که سردار نقدی الآن اینجا گفتند، یک جوان دانشجوی کم سال با یک مجموعه ی معدودی که خودش اسم آن را گذاشته تیپ - صد نفر آدم یک تیپ اند؟! صد و پنجاه نفر آدم یک تیپ اند؟! او خودش می گوید تیپ! - می رود به غرب کشور یا جنوب، با این تیپ مؤمن و مخلص، در مقابل جبهه ی دشمن با یک واحد رزمی مجهز و یک فرماندهی سابقه دار می جنگد. این ابزاری ندارد، جز همین ابزارهای ابتدائی، اما او به برترین ابزارها مجهز است؛ این تجربه ی فرماندهی ندارد، اما او به قدر عمر این، فرماندهی کرده. این ها در مقابل هم قرار می گیرند، این بر او غلبه پیدا می کند؛ تانک او را مصادره می کند، امکانات او را مصادره می کند، پیروز برمی گردد. این با خودسازی به وجود می آید. بدون خودسازی نمی شود وارد این میدان ها شد.

۲) حضور

بعضی ها می ترسیدند. بعضی ها از پیش قضاوت می کردند که نمی شود - اصلاً می گفتند نمی شود - هر جا هم حضور بسیجی بود، مخالفت می کردند. من می دیدم مردان مؤمن باصلاحیت ارتش منظم آن روز ما استقبال می کنند از این که مجموعه ی بسیج با آنها و همراه آنها باشد؛ این را من خودم در دوران جنگ مکرر دیدم؛ در پادگان ابوذر، در جنوب، در شمال غرب. خود فرمانده ارتشی اصرار داشت که مجموعه ی بسیجی با او همراه باشند؛ دوست می داشت، استقبال می کرد؛ اینجا در تهران یک عده ای نشسته بودند، نق می زدند که آقا چرا این ها وارد شدند؟ چرا بدون اجازه رفتند؟ چرا فلان اقدام را کردند؟ از حضور بسیجی ناراحت بودند. چون امید نداشتند، مأیوس بودند، می گفتند نمی شود کاری کرد؛ اما وقتی که وارد شدند، دیدند این ورود، امیدآفرین است؛ همه ی این استعدادها را جوشش می دهد.

خود حضور بسیجی در عرصه ی نبرد، به او یک نورانیتی می بخشد. معروف بود در دوران دفاع مقدس می گفتند فلانی نوربالا می زند، روشن است؛ یعنی به زودی شهید خواهد شد. این

نورانیت حضور بسیجی بود؛ این را من خودم مشاهده کردم؛ نه یک بار و دو بار. یک موردی که مربوط به همین استان شماس، بد نیست عرض کنم. یک سرگرد ارتشی که بعد ما فهمیدیم ایشان اهل آتش خانه است - سرگرد رستمی - به میل خود، به صورت بسیجی آمده بود در مجموعه‌ی گروه شهید چمران، آنجا فعالیت می کرد. بنده مکرراً او را می دیدم؛ می آمد، می رفت. یک شبی با مرحوم چمران نشسته بودیم راجع به مسائل جبهه و کارهایی که فردا داشتیم، صحبت می کردیم؛ در باز شد، همین شهید رستمی وارد شد. چند روزی بود من او را ندیده بودم. دیدم سرتاپایش گل آلود است؛ این پوتین ها گل آلود، بدنش خاک آلود، صورتش خسته، ریشش بلند؛ اما چهره را که نگاه کردم، دیدم مثل ماه می درخشد؛ نورانی بود. روزهای قبل، من این حالت را در او ندیده بودم. رفته بود در یک منطقه‌ی عملیاتی، آنجا فعالیت زیادی کرده بود؛ حالا آمده بود، می خواست گزارش بدهد. او بعد از چندی هم به شهادت رسید. ارتشی بود، اما آمده بود بسیجی وارد میدان شده بود؛ فعالیت می کرد، مجاهدت می کرد، حضور فداکارانه داشت - در همان مجموعه‌ی بسیجی شهید چمران - بعد هم به شهادت رسید. این نورانیت را خیلی ها دیدند؛ ما هم دیدیم، دیگر آن هم بیشتر از ما دیدند. این ناشی از همان حضور فوق العاده است.

(۳) ایثار

یک مسئله هم در بسیج، مسئله‌ی ایثار است. ایثار در لغت، نقطه‌ی مقابل استثنا است. استثنا یعنی هر چه که وجود دارد، ما برای خودمان بخواهیم. گاهی در بعضی از دعا‌های ائمه (علیهم السلام) از مستأثرین شکایت شده است. مستأثرین یعنی آن کسانی که هر چه هست، برای خودشان می خواهند؛ دنبال منافع شخصی و دست اندازی به داشته‌های دیگران اند. ایثار، نقطه‌ی مقابل این است؛ یعنی از سهم خود، از حق خود برای دیگران گذشت کردن، و به نفع دیگران از حق خود صرف نظر کردن. این خصوصیت در قله‌های بسیج وجود داشته است. و من به شما جوان‌های عزیز عرض کنم؛ سعی کنید این خصوصیت را در خودتان تقویت کنید. ما افراد بشر، دائم در کنار لغزشگاه داریم حرکت می کنیم. جاذبه‌ها ما را به خود پیرابند خواند. دنبال

منافع شخصی حرکت می‌کنیم. منافع شخصی، ما را جذب می‌کند. گاهی به خاطر منافع خودمان، حاضریم حق دیگران را هم پامال کنیم. باید مراقب خودمان باشیم. خودسازی بسیجی، یکی از خصوصیاتش همین است که بتواند این روحیه را در خود تقویت کند و پرورش دهد که ایثار کند. آن قله‌های بسیج که عرض کردیم، آن‌هایی هستند که جان خودشان را در کف دست گرفتند، رفتند برای دفاع از اسلام، برای دفاع از انقلاب، برای دفاع از امام، برای دفاع از کشور، برای حفظ مرزهای کشور جنگیدند. از خود گذشتگی، بالاتر از این؟ بیش از این؟ این، قله‌ی ایثار است.

پاین تر از این، صرف نظر کردن و گذشتن از منافع کوتاه مدت مادی است که ما برای خودمان تعریف می‌کنیم. سعی کنیم از منافع شخصی به نفع منافع عمومی، به نفع اسلام، به نفع اهداف والا، صرف نظر کنیم. این معنایش این نیست که به دنیا پشت کنیم؛ نه. دنیا جای تلاش و فعالیت است؛ هم برای زندگی شخصی، هم برای زندگی عمومی، هم برای مادیات، هم برای معنویات؛ اما آنجائی که می‌بینیم رسیدن به یک حق شخصی معنایش این است که از حقوق دیگران عبور کنیم، از قانون عبور کنیم، از انصاف عبور کنیم، اینجا مهار و زمام نفس خود را به دست بگیریم؛ آنچه را که می‌توانیم به دست بیاوریم، به نفع دیگران از آن صرف نظر کنیم؛ این می‌شود ایثار.

۴) بصیرت

البته یکی از مسائل مهم، مسئله‌ی بصیرت است. من به شما عرض بکنم؛ بصیرت در این دوران و در همه‌ی دوران‌ها به معنای این است که شما خط درگیری با دشمن را تشخیص دهید؛ کجا با دشمن درگیری است؟ بعضی‌ها نقطه‌ی درگیری را اشتباه می‌کنند؛ خمپاره و توپخانه‌ی خودشان را آتش می‌کنند به سمت یک نقطه‌ای که آنجا دشمن نیست، آنجا دوست است. بعضی‌ها رقیب انتخاباتی خودشان را «شیطان اکبر» به حساب می‌آورند! شیطان اکبر آمریکاست، شیطان اکبر صهیونیسم است؛ رقیب جناحی که شیطان اکبر نیست، رقیب انتخاباتی که شیطان اکبر نیست. من طرفدار زیدم، شما طرفدار عمرویی؛ من شما را شیطان بدانم؟ چرا؟

به چه مناسبت؟ درحالی که زید و عمرو هر دو ادعای انقلاب و اسلام می کنند، در خدمت اسلام و در خدمت انقلاب اند. خط درگیری با دشمن را مشخص کنیم. گاهی هست که یک نفری در لباس خودی است، اما حنجره‌ی او سخن دشمن را تکرار می کند! خب، او را باید نصیحت کرد؛ اگر با نصیحت عمل نکرد، انسان با او باید حدومرز تعریف کند: خط فاصل. جدا می شویم. اگر بناست شما با همان احساساتی که رژیم صهیونیستی نسبت به جمهوری اسلامی دارد - ولو با یک ادبیات دیگری - بخواهی در مقابل جمهوری اسلامی بایستی و حرف بزنی، خب با رژیم صهیونیستی چه فرقی داری؟ اگر با همان منطقی که آمریکا در مقابل جمهوری اسلامی عمل می کند، شما بخواهی با آن منطق با جمهوری اسلامی تعامل کنی، خب شما با آمریکا فرقی نداری. این مسئله جداست. اما یک وقت هست که نه، این جور نیست. ممکن است اختلافات، اختلافات عمیقی هم باشد، اختلافات بزرگی هم باشد، اما انسان دشمن را با غیر دشمن نباید اشتباه کند؛ دشمن حساب دیگری دارد، غیر دشمن حساب دیگری دارد. خط درگیری با دشمن را باید ترسیم کرد، مشخص کرد؛ این بصیرت می خواهد. بصیرتی که ما عرض می کنیم، این است.

یک عده‌ای از آن طرف می افتند، یک عده‌ای از این طرف می افتند. یک عده‌ای با دشمن هم معامله‌ی دوست می کنند، فریاد دشمن را هم نمی شناسند، چون از حنجره‌ی دیگری درمی آید؛ یک عده هم از این طرف، هر کسی که اندک اختلاف سلیقه‌ای با آنها دارد، به حساب دشمن می گذارند! بصیرت، آن خط وسط است؛ آن خط درست است.

❖ توصیه‌های انتخاباتی

اسم رقیب انتخاباتی را آورديم. انتخابات در پیش است؛ البته نزدیک نیست. بعضی از حالا وارد عرصه‌ی انتخابات می شوند. نه، ما این را اصلاً تأیید نمی کنیم؛ هر چیزی در وقت خود، در جای خود. لیکن آن چیزی که در مورد انتخابات خواسته‌ی ماست، فکر ماست، آرزوی ماست، این چند چیز است:

(۱) مشارکت و حضور گسترده

اول اینکه شرکت مردم در انتخابات، یک مشارکت عظیمی باشد؛ این مصون کننده است. همه‌ی تلاش دست‌اندرکاران، امروز و فردا و روز انتخابات و دراثنای مقدمات و مؤخرات، باید این باشد: حضور مردم، حضور گسترده‌ای باشد.

(۲) انتخاب خوب

دیگر اینکه از خدا بخواهیم و خودمان هم چشممان را باز کنیم؛ کاری کنیم که نتیجه‌ی انتخابات، یک گزینش خوب و همراه با صلاح و صرفه‌ی انقلاب و کشور باشد. این معنایش این نیست که اگر ماکسی را نپسندیدیم، با او بد اخلاقی کنیم، برخورد تند و سخت و غلط بکنیم؛ نه. آن کسانی که خودشان را صالح می‌دانند، برای خودشان اهلیت قائل‌اند، وارد میدان شوند. ما هم که می‌خواهیم انتخاب کنیم، نگاه کنیم، حقیقتاً با معیار هائی که معتقدیم و بین همه‌ی ماها مشترک است، بسنجیم. شاید بشود گفت که بین همه‌ی ایرانی‌ها - معتقدین به انقلاب - این معیارها تقریباً مشترک است. در هر کسی که این معیارها را مشاهده کردیم، کوشش کنیم، تلاش کنیم، کار کنیم - کار سالم - که انتخابات به سمت انتخاب یک چنین کسی برود.

(۳) مراقبت

نکته‌ی اساسی سوم - که امروز من به همین اندازه اکتفا می‌کنم؛ البته بعدها ممکن است حرف‌های زیادی در مورد انتخابات داشته باشیم - این است که انتخابات برای کشور مایه‌ی آبروست، مایه‌ی افتخار است. همه مراقب باشند که انتخابات مایه‌ی بی‌آبرویی برای کشور نشود؛ آن‌طوری که در سال ۸۸ یک عده‌ای سعی کردند انتخابات را مظهر اختلافات وانمود کنند، جنجال سیاسی طبیعی انتخابات را تبدیل کنند به یک فتنه؛ که البته ملت ایران در مقابلش ایستاد و هر وقت هم شبیه آن اتفاق بیفتد، ملت در مقابل آن خواهد ایستاد.

۴) سلامت انتخابات

البته سلامت انتخابات هم مسئله‌ی اساسی و مهمی است. منتها فرض ما بر این است که مسئولین کشور با وجدان اسلامی و الهی وارد می‌شوند و انتخابات ما سالم است. در گذشته هم که در دولت‌های مختلف انتخابات انجام گرفته است - چه انتخابات ریاست جمهوری، چه انتخابات مجلس، چه دیگر انتخاب‌ها - فرض ما بر این بوده است که انتخابات، انتخابات سالمی است. البته مراقبت‌های گوناگون از جهات مختلف لازم است انجام بگیرد. از خداوند متعال می‌خواهیم که این آزمایش را هم برای ملت عزیز ما مبارک فرماید.

پروردگارا! رحمت و فضل خود را بر این جوانان عزیز نازل کن. پروردگارا! بازوان نیرومند نظام، یعنی بسیج را روزبه‌روز نیرومندتر کن. ذکر خود، یاد خود، خشوع در مقابل خود را بر دل‌های ما ارزانی بدار. پروردگارا! مرگ ما را در راه خودت و برای خودت قرار بده. پروردگارا! قلب مقدس ولی‌عصر را از ما راضی کن. روح مطهر شهیدان و روح امام شهیدان را از ما راضی و خشنود بفرما.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته



بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان و فعالان «طرح صالحین» ۱۳۹۱/۹/۱

۱. اسلام، زنده‌ی به عاشورا
۲. حقایق پر مغز، پرراز و رمز عاشورا
۳. شجره‌ی طیبه‌ی بسیج برجسته‌ترین مظاهر فداکاری‌ها
۴. میدان امروز، میدان پیچیده‌تری است
۵. ضرورت ارتقاء عیار خلوص و روحیه‌ی بسیجی در مجموعه‌های صالحین
۶. سختی تضمین و اندازه‌گیری خلوص در جهاد اکبر
۷. پرهیز از آفات مهلک
۸. عمق بخشی معنوی و فکری
۹. وجود بسیج از معجزات انقلاب
۱۰. تثبیت تجربه‌ی موفق دستورالعمل بسیج در جهان اسلام
۱۱. سبک زندگی معیار خودشناسی در بسیج
۱۲. وحشیگری‌های رژیم صهیونیستی در غزه
۱۳. حلقات صالحین از کارهای برجسته بسیج
۱۴. حمایت سردمداران نظام استکبار از رژیم صهیونیستی
۱۵. رفتار نامناسب کشورهای عربی و اسلامی در قضیه غزه
۱۶. پیروزی مردم غزه، پیام ایستادگی به دنیای اسلام
۱۷. عوامل ایستادگی
۱۸. ضرورت حفظ وحدت و اتحاد
۱۹. احساس مسئولیت دولت و مجلس
۲۰. مردم بصیرند، خوب و بد را تشخیص می‌دهند
۲۱. هدیه مدال اهدائی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خدا را سپاسگزاریم که یک نمونه‌ای از آنچه که در ماجرای بزرگ عاشورا دیده شد، نقل شد برای ما، در دوران ما به وجود آمد؛ مردان و زنان و جوانانی که به هدف اندیشیدند، از جان، از مال، از تعلقات زندگی چشم پوشیدند؛ این را ما در دوران دفاع مقدس به چشم دیدیم و امروز ادامه‌ی آن و برکات آن را داریم مشاهده می‌کنیم.

❖ اسلام، زنده به عاشورا

تقارن این ایام با حادثه‌ی عظیم عاشورا درس آموز است. هیچ وقت نباید امت اسلامی و جامعه‌ی اسلامی ماجرای عاشورا را به عنوان یک درس، به عنوان یک عبرت، به عنوان یک پرچم هدایت از نظر دور بدارد. قطعاً اسلام، زنده‌ی به عاشورا و به حسین ابن علی «علیه السلام» است. همان طور که فرمود: "و انا من حسین" بنابراین معنا، یعنی دین من، ادامه‌ی راه من، به وسیله‌ی حسین «علیه السلام» است. اگر حادثه‌ی عاشورا نبود، اگر این فداکاری عظیم در تاریخ اسلام پیش نمی‌آمد، این تجربه، این درس عملی، به امت اسلامی داده نمی‌شد و یقیناً اسلام دچار انحرافی می‌شد از قبیل آنچه که ادیان قبل از اسلام دچار آن شدند و چیزی از حقیقت اسلام، از نورانیت اسلام باقی نمی‌ماند. عظمت عاشورا به این است.



❖ حقایق پرمغز و پرازورمز عاشورا

البته مصیبت در عاشورا سنگین است، خسارت بزرگ است، جان کسی مثل حسین ابن علی - «علیه السلام» به همه‌ی آسمان و زمین می‌ارزد، جان‌های پاک و طیب و طاهر آن اصحاب، آن جوانان، آن اهل بیت، قابل مقایسه‌ی با جان هیچ کس دیگر نیست؛ این‌ها در این میدان به خاک و خون غلتیدند، فداکاری کردند، فدا شدند، حرم معزز پیغمبر و امیرالمؤمنین به اسارت افتادند؛ این حوادث خیلی سنگین است، خیلی تلخ است، خیلی سخت است، اما آنچه که بر تحمل این حوادث تلخ و سخت مترتب شد، آنچنان بزرگ است، آنچنان با عظمت و ماندگار است که تحمل این حوادث سخت را بر کسی مثل حسین ابن علی «علیه السلام» و یاران او و خانواده‌ی او آسان می‌کند. این را بزرگان نقل کرده‌اند، مرحوم حاج میرزا جواد آقای ملکی (رضوان الله علیه) در مراقبات - که حرف ایشان سند است، حجت است - تأکید می‌کنند که در روز عاشورا هرچه مصیبت‌ها سنگین تر می‌شد، چهره‌ی حسین بن علی «علیه السلام» برافروخته‌تر، آثار شکفتگی در آن بزرگوار بیشتر آشکار می‌شد. این حقایق پرمغز، پراز و رمز، این‌ها باید دائماً در مقابل چشم ما باشد.

❖ شجره‌ی طیبه‌ی بسیج برجسته‌ترین مظهر فداکاری‌ها

خب، در زمان ما نمونه‌هائی از این فداکاری‌ها دیده شد، آنچه در تاریخ خوانده بودیم، بخش هائی از آن را، نمونه‌هائی از آن را، که یکی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین مظاهر آن‌هم همین شجره‌ی طیبه‌ی بسیج است، هم قبل از شروع جنگ تحمیلی، هم در جریان دفاع مقدس - این تجربه‌ی بسیار دشوار و سخت برای کشور - و هم بعد از دفاع مقدس تا امروز، در مقابل چشم دیدیم؛ مسئله‌ی بسیج، تجربه‌ی بسیج، دارای برکات بسیار بزرگی بوده است و ان شاء الله این برکات باید ادامه پیدا کند و ادامه پیدا خواهد کرد.

❖ میدان امروز، میدان پیچیده‌تری است

یک نکته این است که در دوران دفاع مقدس، آنچه که در حرکت بسیج دیده می‌شد، در عیار خلوص، دارای عیار بالائی بود، که این را باید امروز هم ما تأمین کنیم در حرکت بسیج.

میدان امروز، میدان پیچیده‌تری است. رفتن در عرصه‌ی جنگ و قتال و مبارزه کردن و مسئولیت به عهده گرفتن، بعد هم به شهادت رسیدن یا جانباز شدن، یا به سلامت برگشتن، حضور در آن میدان کار خطرناکی است، اما پیچیدگی ندارد. حضور در میدان امروز در مقابله‌ی با توطئه‌ی دشمن، حمله‌ی دشمن، و صف‌آرایی این دو صف و دو جبهه‌ی برجسته پیچیدگی هائی دارد؛ ممکن است آن خطرات نقد آن روز، امروز نباشد، لکن پیچیدگی‌های بیشتری دارد. امتیاز آن صحنه این بود که کسی که می‌رفت، خلوص واضحی از خود نشان می‌داد. ورود در آن میدان، ورود در میدان مرگ و زندگی بود؛ شوخی نبود: هم شهادت لازم داشت، هم فداکاری لازم داشت، هم ایمان لازم داشت، هم توکل به خدا لازم داشت، و می‌رفتند شهید می‌شدند.

❖ ضرورت ارتقاء عیار خلوص و روحیه‌ی بسیجی در مجموعه‌های صالحین

امروز در میدان‌های مختلف، همان ایمان، همان شهادت لازم است، اما بدون این عناصر هم ممکن است کسانی در کسوت بسیجی ظاهر بشوند؛ این را بایست مراقبت بکنید. از خودمان مراقبت کنیم در درجه‌ی اول و از محیط بسیج مراقبت بکنیم در درجه‌ی بعد؛ این کار یکایک آحاد بسیج است. عیار روحیه‌ی بسیجی در مجموعه‌ی بسیج، ازجمله در این مجموعه‌های «صالحین»، که شما تصدی آنها را برعهده گرفته‌اید و آنها را مدیریت می‌کنید، باید بالا برود؛ خلوص را باید تضمین کنیم و در مجموعه‌ی کارها تضمین کنید.

❖ سختی اندازه‌گیری خلوص در جهاد اکبر

این یک قدری سخت است. یک علت اینکه جهاد در میدان مقابله‌ی با نفس و مسائل معنوی، «اکبر» نامیده شده است، همین سخت‌تر بودن کار است. در جنگ با دشمن - جنگ نظامی - انسان راحت می‌تواند آن میزان خلوص خود را و میزان خلوص دیگران را اندازه‌گیری بکند؛ راحت‌تر می‌شود اندازه‌گیری کرد، اینجا نه؛ اینجا، هم خود انسان دچار اشتباه می‌شود، هم دیگران در شناخت انسان دچار اشتباه می‌شوند.



❖ پرهیز از آفات مهلك

يك نکته‌ی ديگر اين است كه از آفت‌ها نسبت به خودمان پرهيز كنيم. آفتِ غرور، آفتِ تظاهر و ریاكاری؛ اين آفات، آفات مهلكی است. اگر چنانچه موفقیتی به دست می‌آوریم، خدا را شاكر باشیم، از خدا بدانیم، برای ادامه‌ی آن از خدا كمك بخواهیم؛ اين هم يك مسئله‌ی اساسی است كه دچار غرور نشویم، دچار اعتمادبه‌نفس زيادی نشویم، از خودمان ندانیم، توكل به خدای متعال بكنيم. حقيقت قضيه هم همین است؛ حول و قوه‌ای جز آنچه كه در اختيار خالق ذوالجلال است، وجود ندارد؛ كار اوست؛ توفيق ما، انتخاب ما، توانائی‌های ما، شوق ما، ايمان و عشقی كه در دل ما هست، همه صنع دست پروردگار است. اين را بدانيم، شاكر باشیم و ترايد او را از خدای متعال طلب كنيم. اين هم يك مسئله است.

❖ عمق‌بخشی معنوی و فكري

يك نکته‌ی اساسی كه خوشبختانه دیدم در بیانات حضراتی كه اینجا صحبت كردند موردتوجه قرار گرفته است، كیفیت و عمق اين مجموعه‌هائی است كه بدنه‌ی بسیج را و پایه‌های اصلی بسیج را تشكيل می‌دهند. آنچه كه ضرر می‌زند، ضربه می‌زند، سطحی‌نگری در اعتقاد و در فهم و در گزینش منطق و مبناست. سطحی‌نگری ضربه می‌زند؛ مثل يك سرباری كه بر روی يك مجموعه‌ی باری گذاشته باشند، يك باد شديد، يك تكان شديد، او را می‌اندازد. عمق بايد داد، ریشه بايد داد اعتقادات را؛ اين‌ها چیزهایی است كه موردتوجه شما هم بحمدالله قرار دارد. اصل تشكيل مجموعه‌های «صالحين»، بر اساس همین دید به وجود آمد كه از لحاظ معنوی، از لحاظ تربیتی، از لحاظ تعلیمی، عمق بخشیده بشود به فكر و به روحیه‌ی جوانان بسیجی ما در بخش‌های مختلف.

❖ وجود بسیج از معجزات انقلاب

خب، درمجموع كه نگاه می‌كنيم، می‌بينيم كه وجود بسیج یکی از معجزات انقلاب است. اين ابتكار امام بزرگوار ما، آگاهی او را، حكمت او را، اتصال دل نورانی او را به اراده‌ی الهی، به حكمت الهی، نشان می‌دهد. بسیج يك پایه‌ی مستحکمی برای انقلاب شد. امروز بسیج

درزمینه‌ی علم، درزمینه‌ی تجربه، درزمینه‌ی فناوری، در زمینه‌های معنوی، درزمینه‌ی خدمات اجتماعی، درزمینه‌ی نظریه‌پردازی در بخش‌های مختلف زندگی اجتماعی، درزمینه‌ی تحصیل، درزمینه‌ی تربیت، ببینید چقدر فعال است در بخش‌های گوناگون.

❖ تثبیت تجربه‌ی موفق دستورالعمل بسیج در جهان اسلام

یک روزی اگر تجربه‌ای پیش بیاید و ملت مجبور بشود که در مقابل دشمن دست به سلاح ببرد و دفاع نظامی بکند، بازهم همین مجموعه‌ی جوان‌ها، همین بسیج، همین جوان‌های شجاع ملت عزیز ما، دلاوری ملت ایران را، ماندگاری ملت ایران را، اقتدار ملت ایران را، شکست‌ناپذیری ملت ایران را به دشمن نشان خواهند داد. مجموعه‌های دیگر، کشورهای دیگر هم که در این راه نورانی اسلام خواسته‌اند قدم بردارند یا قدم برداشتند، از این تجربه تبعیت خواهند کرد. این تجربه، تجربه‌ی موفق است. ما باید عملکرد خوبی نشان بدهیم. این دستورالعمل بسیج را در جهان اسلام و در میان کشورهای اسلامی و ملت‌های اسلامی به‌عنوان یک دستورالعمل زنده و قابل تبعیت و پیروی تثبیت خواهد کرد و این تا حدود زیادی امروز هم اتفاق افتاده است و انجام گرفته است. بنابراین تقویت بسیج، هرچه خالص‌تر کردن و معنوی‌تر کردن عناصر بسیجی، توسعه‌ی فعالیت‌های بسیجی به همه‌ی مناطق زندگی، جزو کارهای اساسی است که مجموعه‌ی دست‌اندرکاران بسیج و مرتبطین با آن و فعالان در آن باید دنبال کنند

❖ سبک زندگی معیار خودشناسی در بسیج

از خود شروع کردن هم که دستور اسلام به ماهاست؛ همه‌ی ما در همه‌ی سطوح باید اول از خودمان شروع کنیم. "من نصب نفسه للناس اماما فلیبدأ بتعلیم نفسه قبل تعلیم غیره" در همه‌ی سطوح همین جور است. از خودمان باید شروع کنیم؛ این را ما در بسیج جا بیندازیم. همین بحث سبک زندگی و اسلوب زندگی به‌حسب نظر اسلام، این در داخل بسیج می‌تواند یک معیار برای خودشناسی باشد. بحث این نیست که دستگاه‌های برتر و بالاتر بیایند ما را عیار بزنند، ببینند چه جوری است، بحث این است که خودمان، خودمان را عیارسنجی کنیم. رفتار ما

در محیط کار چگونه است؟ رفتار ما با همسر و فرزند چگونه است؟ رفتار ما در محیط زندگی و محیط اجتماعی چگونه است؟ رفتار ما با زیردست چگونه است؟ با کسی که بالادست ماست، رفتار ما چگونه است؟ رفتار ما با دوست چگونه است؟ با دشمن چگونه است؟ این‌ها همه در اسلام اندازه و معیار دارد. خودمان را بسنجیم. این می‌شود عیار خویش را سنجیدن، خود را درست شناختن. اگر از اینجا شروع کردیم، بنیان زندگی ما، بنیان کار ما در همه‌ی بخش‌ها، بخصوص در بسیج، که حالا محل بحث ماست، تقویت خواهد شد.

❖ حلقات صالحین از کارهای برجسته بسیج

به هر حال کشور ما، ملت ما، انقلاب ما و تاریخ ما به بسیج نیازمند است و بسیج به کیفیت بخشیدن روزافزون به خود نیازمند است و این کاری هم که شما برادران و خواهران عزیز اشتغال دارید، بخش مسئله‌ی مربوط به «صالحین» و این حلقات «صالحین»، از کارهای بسیار خوب و برجسته است و در طریق همین تکمیل بسیج قرار دارد که ان شاء الله روزبه‌روز باید آن را کامل‌تر کرد. کیفیت‌ها باید بالا برود؛ البته کیفیت بر کمیت ترجیح دارد، لکن کمیت با کیفیت هم دارای اهمیت است؛ یعنی گسترش سطحی و عرضی همراه با عمق‌یابی، هر دو باید مورد توجه قرار بگیرد. امروز دنیای اسلام محتاج این حرکت بسیجی است.

❖ وحشیگری‌های رژیم صهیونیستی در غزه

این وحشیگری‌هایی که در این یک هفته‌ی اخیر در غزه انجام گرفت، که حقیقتاً انسان را از سطح تبعیت مسئولین رژیم صهیونیستی دچار شگفتی می‌کند، همین‌ها بایستی وجدان دنیای اسلام را تکان بدهد و این حرکت عظیم مردمی در دنیای اسلام بایستی روح تازه‌ای پیدا کند. دشمن بیکار نیست و این حرکت ابعاد گوناگونی دارد: اولاً، تبعیت سردمداران رژیم صهیونیستی. چقدر این‌ها وحشی‌اند، چقدر این‌ها دور از وجدان بشری‌اند؛ انسان‌های بی‌گناه را، انسان‌های غیرنظامی را این جور موردتهاجم قرار دادن! انسان واقعاً تعجب می‌کند، حیرت می‌کند؛ بویی از انسانیت، این‌ها نبرده‌اند. این‌ها در مقابل دنیای اسلام‌اند، این‌ها در مقابل نظام

جمهوری اسلامی‌اند، این‌ها مدعی جمهوری اسلامی در محافل جهانی‌اند؛ این انسان‌های بونبرده‌ی از انسانیت. این یک بُعد مسئله است که خیلی مهم است.

❖ حمایت سردمداران نظام استکبار از رژیم صهیونیستی

یک بُعد دیگر قضیه این است که سردمداران نظام استکبار، آن قدر وقیح برخورد می‌کنند با این قضیه که انسان را متعجب می‌کنند؛ یعنی نه فقط اخم نمی‌کنند، نه فقط بازداری نمی‌کنند این رژیم سنگدل و ددمنش را از کارهایش، بلکه او را تقویت می‌کنند، تشویق می‌کنند، حمایت می‌کنند! آمریکا صریحاً حمایت کرد، انگلیس حمایت کرد، فرانسه حمایت کرد. این‌ها سردمداران دنیای استکبارند. این‌ها همان کسانی هستند که ملت‌های مسلمان، امروز در اعماق دل خود، دشمنی خشن‌تر و منفورتر از این‌ها ندارند. این‌ها همه صریحاً حمایت کردند. وزن گرایش به اخلاق و معنویت در دنیای استکبار را از این حادثه می‌شود فهمید. چقدر این‌ها دورند از انسانیت! خب، حالا حمایت سیاسی می‌کنند به خاطر اغراض فاسد سیاسی، دیگر دم از حقوق بشر چرا می‌زنند این افراد؟! آیا آمریکا که در مقابل این حرکت خشن و وحشی نه فقط موضع نمی‌گیرد، بلکه حمایت هم می‌کند، دیگر حق دارد دم از حقوق بشر بزند؟ حق دارد خود را محاکمه‌کننده‌ی ملت‌ها و دولت‌ها در زمینه‌ی حقوق بشر بداند؟ این هم یک وقاحت مضاعف است. فرانسه همین‌طور، انگلیس همی‌ن‌طور. سابقه‌ی رفتار این‌ها در دنیای اسلام، جنایت‌هایی که کردند، کشتار‌هایی که کردند، فشار‌هایی که به مردم مسلمان در کشورهای مختلف وارد کردند، این‌ها هنوز از یاد ملت‌های مسلمان نرفته است، باز امروز از رژیم سبع ددمنش وحشی‌ای مثل رژیم صهیونیستی حمایت می‌کنند، دفاع می‌کنند از کار او. این هم یک بُعد این قضیه است.

❖ رفتار نامناسب کشورهای عربی و اسلامی در قضیه غزه

یک بُعد دیگر قضیه، رفتار کشورهای عربی و اسلامی است، که رفتار مناسبی نبود. بعضی‌ها به حرف اکتفا کردند، بعضی‌ها حرف هم حتی نزدند؛ محکوم هم حتی نکردند! آن کسانی که داعیه‌ی اسلام دارند، داعیه‌ی دعوت به وحدت مسلمین دارند، داعیه‌ی هدایت

دنیای اسلام را دارند، خب در یک چنین مواقعی بایستی خودشان را نشان بدهند. در قضایای گوناگونی که اغراض سیاسی آنها را تأمین می کند، بی دریغ وارد می شوند، اما اینجا چون طرف، آمریکاست؛ چون طرف، انگلیس است، حاضر نیستند حتی درست محکوم کنند. یا به حمایت لفظی اکتفا می کنند، که هیچ ارزشی ندارد؛ کار کم اثری است. امروز دنیای اسلام، بخصوص مجموعه ی کشورهای عربی بایستی دست اتحاد به هم بدهند، از این مردم دفاع کنند، محاصره را بردارند و سعی کنند به این مردم مظلوم غزه کمک کنند.

❖ پیروزی مردم غزه، پیام ایستادگی به دنیای اسلام

البته خدای متعال به مردم غزه این توفیق را داده است که در مقابل این دشمن خشن و ددمنش استقامت کنند، ایستادگی کنند، و آنها پاسخ ایستادگی خودشان را هم گرفتند، و آن عزت مردم غزه بود؛ نشان دادند که با ایستادگی، با مقاومت، با سخت کوشی می توان با همه ی حجم کوچک، بر یک حجم بزرگ پیچیده ی مسلح تأیید شده و حمایت شده ی از طرف قدرت های بزرگ فائق آمد. امروز صهیونیست های حاکم بر فلسطین اشغالی برای آتش بس دستپاچه تر از مردم غزه و مسئولان غزه هستند. جنایت را آنها کردند، خباثت را آنها کردند، ددمنشی را آنها کردند، اما ضربه ی بیشتر را هم آنها دارند می خورند، به خاطر ایستادگی جمع کوچک مسلمان مردم غزه و جوانان غزه. و راه، جز این نیست؛ این یک پیام است به دنیای اسلام: دنیای اسلام اگر می خواهد در مقابل حملات دشمنان و خباثت های دشمنان و توطئه های دشمنان و نامردی ها و ناجوانمردی های دشمنان آسیب ناپذیر بماند، باید با قدرت از خود دفاع کند.

❖ عوامل ایستادگی

باید در خود قدرت ایجاد کند؛ هم قدرت معنوی که قدرت ایمانی و عزم اراده است و هم قدرت مادی. پیشرفت علمی، قدرت مادی است؛ تجربه و فناوری، قدرت مادی است؛ توانائی ساخت تجهیزات زندگی، اعم از سلاح و غیر سلاح، قدرت مادی است. این ها را باید دنیای اسلام و جوامع اسلامی برای خودشان فراهم کنند. آن وقت واحدی به کوچکی غزه سختی را

تحمل می کند، شهیدانی می دهد، اما کاری می کند با دشمن، که همان طور که گفتیم، دشمن امروز برای آتش بس در غزه دستپاچه تر است تا خود مسئولان غزه و مردم غزه. این درس است برای دنیای اسلام و البته ما این درس را از دوران دفاع مقدس آموختیم. بحمدالله مردم ما، جوانان ما، دانشمندان ما، تجربه گران ما در این زمینه پیشرفت کردند. از لحاظ علمی پیشرفت کردیم، از لحاظ تجربی پیشرفت کردیم؛ این حقیقت را فهمیدیم که باید روی پای خودمان بایستیم. این هم یکی از این عوامل ایستادگی است.

❖ ضرورت حفظ وحدت و اتحاد

و اتحاد؛ اتحاد. این مسئله ی اتحاد و وحدت کلمه ی در میان مسلمانان و امت اسلام با یک نگاه؛ و در میان ملت های مسلمان در هر کشوری، اتحاد میان مردم کشور و ابعاد گوناگون این ملت ها، مهم است؛ در مورد ما هم همین صادق است. اینی که ما مکرر عرض می کنیم به جناح های سیاسی، به مسئولین محترم برای حفظ وحدت، به کسانی که دارای منبر گفتگو هستند؛ چه روزنامه، چه پایگاه های اینترنتی، چه بلندگوهای گوناگون دستگاه های اجرایی و غیر اجرایی، توصیه ی ما دائماً به دوستان، برادران، مسئولان، صاحبان قلم، صاحبان بیان نسبت به امر وحدت، به خاطر این است که وحدت یک عنصر عظیم است و کشور ما با اتحادی که خوشبختانه ملت دارند - که این اختلافات گوناگون نتوانسته است خوشبختانه ملت را تجزیه کند - یکپارچگی اش در حد بالائی محفوظ مانده است. مسئولین هم اختلاف سلیقه دارند، اما اختلاف سلیقه تا وقتی که به گریبان گیری منتهی نشود، هیچ اشکالی ندارد. همین اتحاد و این همدلی توانسته است کشور را در چشم دشمنان به عنوان یک مجموعه ی مقتدر، به عنوان یک کشور مقتدر حفظ بکند. الان هم همین جور است. من چندی پیش سفارش کردم نسبت به اتحاد و وحدت؛ خوشبختانه مسئولین محترم قوا تجاوب کردند؛ خیلی باارزش است. لازم است از این ها تشکر بشود؛ مسئولین قوا، رؤسای سه قوه تجاوب کردند، اعلام کردند و تأکید کردند بر اینکه بر روی اتحاد بین خودشان در زمینه های گوناگون، علی رغم اختلاف سلیقه و اختلاف نظری که وجود دارد، خواهند ماند. ما هم همین را از این برادران عزیز و این

مسئولان محترم به عنوان یک حرکت مثبت می‌پذیریم و معتقدیم که واقعاً این کار دوستان حرکت خوبی بود و حالا هم باید مواظب بیانات و اظهاراتشان باشند.

❖ احساس مسئولیت دولت و مجلس

این کاری هم که الآن در مجلس شورای اسلامی هست، این هم یکی از همان مسائلی است که یک جنبه‌ی تحسین و تمجید درش هست. این را من عرض بکنم؛ شما برادران و خواهران عزیز و ملت عزیز ما توجه داشته باشید؛ اینی که از مسئولان کشور سؤال بکنند، حالا یا از رئیس‌جمهور یا از سایر مسئولان اجرائی، این از دو جهت کار مثبتی است: یکی اینکه نشان می‌دهد که نمایندگان مردم در قوه‌ی مقننه احساس مسئولیت می‌کنند نسبت به مسائل کشور؛ این مثبت است. جنبه‌ی دیگر این است که مسئولان کشور با اعتمادبه‌نفس و با شجاعت قابل تحسین می‌گویند آماده هستند که بیایند توضیح بدهند، این سؤالات را بیان کنند؛ این هم مثبت است. هم مسئولان قوه‌ی مقننه‌ی ما به وظیفه عمل می‌کنند، هم مسئولان قوه‌ی مجریه ما نشان می‌دهند که به صحت عمل خودشان و صداقت خودشان اطمینان دارند و اعتماد دارند. انسان چه می‌خواهد دیگر، از همه بهتر، این است. حالا این کار اتفاق افتاده است؛ یعنی مجلس می‌گوید می‌خواهد پرسد، این احساس وظیفه است؛ دستگاه دولتی می‌گوید می‌خواهد با اعتمادبه‌نفس پاسخ بدهد و از عهده‌ی پاسخ برمی‌آید - که این را به ما هم گفتند - این هم قابل تحسین هست؛ هر دو قضیه خوب است، لکن من معتقدم که این دونقطه‌ی مثبت تا اینجا انجام گرفته، از اینجا به بعد دیگر ادامه پیدا نکند. همین جا تماش بکنند؛ همین جا تمام کنند قضیه را.

❖ مردم بصیرند، خوب و بد را تشخیص می‌دهند

مجلس یک امتحان خوبی داده است، یک امتحان خوبی مسئولین اجرائی داده‌اند؛ این امتحان، امتحان خوبی بود. مردم هم با بصیرتند، مردم می‌فهمند، تشخیص می‌دهند. ادامه‌ی این کار همان چیزی است که دشمنان می‌خواهند؛ دوست می‌دارند این دو قوه را در مقابل هم قرار بدهند؛ یک عده‌ای تحت تأثیر احساسات از این طرف، یک عده‌ای تحت تأثیر احساسات

از آن طرف، یک عده‌ای قلم‌ها و وسایل تبلیغ را در روزنامه و در پایگاه اینترنتی و غیره به کار بگیرند و یک فضای شلوغی درست کنند. نه، کشور احتیاج دارد به آرامش. همه‌ی مسئولین، چه مسئولین تقنین، چه مسئولین قضا، چه مسئولین اجرا، برای اینکه کار خود را انجام بدهند، آرامش لازم دارند، مردم هم آرامش را دوست دارند. آنچه که وظیفه‌ی مجلس بود، انجام گرفت؛ دولت هم در مقابل آنچه که وظیفه‌ی مجلس است، اعتماد به نفس لازم را نشان داد؛ این از هر دو طرف خرسند کننده است. از حالا من از آن برادران و مجموعه‌ی چند ده نفری در مجلس که این کار را شروع کردند، تقاضا می‌کنم قضیه را تمام کنند و نشان بدهند عملاً هم مسئولین دولتی، هم مسئولین قوه‌ی مقننه و قوه‌ی قضائیه که بیش از همه چیز به وحدت این ملت و آرامش کشور احترام می‌گذارند.

❖ هدیه مدال اهدائی

از همه‌ی برادران و خواهران فعال در حوزه‌ی کار بسیج تشکر می‌کنیم. ان شاء الله خدای متعال به همه‌ی شما توفیق بدهد. از برادران و خواهرانی هم که صحبت کردند، از همه‌شان تشکر می‌کنیم. امیدواریم ان شاء الله خداوند به همه‌شان جزای خیر بدهد. از این برادر عزیزی هم که این مدال خود را به ما اهدا کردند، تشکر می‌کنیم. این مدال را هم من قبول کردم از ایشان، لکن درعین حال برمی گردانم و هدیه می‌کنم به خودشان؛ بهتر همین است که دستشان بماند که هم یادگار قهرمانی‌شان باشد، هم یادگار ما به ایشان باشد. ان شاء الله موفق باشید.

و السّلام علیکم و رحمة اللّٰه و برکاته

بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور ۲۹/۸/۱۳۹۲

۱. بسیج مظهر عظمت ملت
۲. حماسه‌ی زینب کبری (س) عدل حماسه‌ی عاشورا
۳. حرکت ما در جهت حرکت زینبی باشد
۴. صدق از عوامل صبر زینب کبری (س)
۵. صدق پیامبران
۶. منافقین نقطه‌ی مقابل صادقین
۷. معنا و مفهوم نرزش قهرمانانه
۸. رژیم صهیونیستی تهدید همه‌ی جهان است، نه ایران
۹. منطق ایران اسلامی، خدمت و نیکی است
۱۰. ما با استکبار مخالفیم
۱۱. ضرورت شناخت دوست و دشمن
۱۲. ویژگی‌های نظام استکباری
۱۳. مقابله‌ی نظام اسلامی با استکبار
۱۴. ملت ایران، باید دشمن را مأیوس کنند
۱۵. دشمنی‌های آمریکا روزبه‌روز ایران را قوی کرده است
۱۶. نقش دولت آمریکا در فتنه ۸۸
۱۷. تحریم و فشار برای شکست نظام اسلامی
۱۸. ایستادگی ملت، تنها عامل یاس دشمن
۱۹. بسیج، مظهر حضور مردمی در صحنه
۲۰. بسیج همه‌جا امتحان صداقت خودش را داده است
۲۱. کسانی که دلشان با بسیج است
۲۲. الزامات اخلاقی، رفتاری و عملی ارتقای توانایی‌های بسیج

۲۳. مسائل مربوط به سیاست خارجی و هسته‌ای
۲۴. ضرورت رعایت خطوط قرمز در مذاکرات
۲۵. ملت ایران با فشار، تسلیم نخواهد شد
۲۶. تحریم‌ها کار ساز نیست، مجبورند تهدید نظامی هم بکنند
۲۷. سیلی ایران سخت و پشیمان‌کننده خواهد بود
۲۸. رژیم صهیونیستی محکوم به زوال است
۲۹. دین، تقوا، علم و نشاط کار از خصوصیات جوانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

والحمد لله رب العالمين و الصَّلَاة و السَّلَام على سَيِّدنا و نَبِيِّنا اَبى القاسم المصطفى محمد و على اله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سَيِّما بَقِيَّة الله فى الارضين. السَّلَام عليك يا ابا عبد الله و على الارواح التى حُلَّت بفنائك عليك مئى سلام الله ابدآ ما بقيت و بقى الليل و النهار و لا جعله الله آخر العهد من زيارتك، السَّلَام على الحسين و على اَبى بن الحسين و على اولاد الحسين و على اصحاب الحسين، الذين بذلوا مهجهم دون الحسين «عليه السَّلَام».

❖ بسیج مظهر عظمت ملت

این جلسه، جلسه‌ی بسیار مهمی است؛ بسیج مظهر عظمت ملت و نیروی کارآمد درونی کشور ما است. این جلسه هم جلسه‌ی فرماندهان است؛ ده‌ها هزار فرمانده بسیجی در اینجا جمع شدید؛ حجم پرافتخار بسیج مردمی را از یک چنین اجتماعى مى‌شود حدس زد؛ برای دوستان نظام و انقلاب و کشور مایه‌ی خرسندى هستید، مایه‌ی امید و اعتمادید، و برای بدخواهان و دشمنان و کینه‌ورزان مایه‌ی بیم و هراس.

❖ حماسه‌ی زینب کبری (س) عدل حماسه‌ی عاشورا

مقارن هفته‌ی بسیج هم با این ایام که ایام حماسه‌ی بزرگ تاریخ اسلام است، یک اتفاق مطلوب و مغتنم است. منظورمان [از] حماسه‌ی بزرگى که عرض کردیم، حماسه‌ی زینب کبرى (سلام الله علیها) است که مکمل حماسه‌ی عاشورا است؛ بلکه به یک معنا حماسه‌ای که بی‌بی زینب کبرى (سلام الله علیها) به وجود آورد، احیاکننده و نگه‌دارنده‌ی حماسه‌ی عاشورا شد. عظمت کار زینب کبرى (علیها السَّلَام) را نمى‌شود در مقایسه‌ی با بقیه‌ی حوادث بزرگ

تاریخ سنجید؛ باید آن را در مقایسه‌ی با خود حادثه‌ی عاشورا سنجید؛ و انصافاً این دو عدل یکدیگرند. این انسان با عظمت، این بانوی بزرگ اسلام بلکه بشریت، توانست در مقابل کوه سنگین مصائب، قامت خود را استوار و برافراشته نگه‌دارید؛ حتی لرزشی هم در صدای این بانوی بزرگ از این همه حادثه پدید نیامد؛ هم در مواجهه‌ی با دشمنان، هم در مواجهه‌ی با مصیبت و حوادث تلخ، مثل یک قلعه‌ی سرافراز استواری ایستاد؛ درس شد، الگو شد، پیشوا شد، پیشرو شد. در بازار کوفه، در حال اسارت، آن خطبه‌ی شگفت‌آور را ایراد کرد: «یا اهل الکوفة یا اهل الختل و الغدر اَتَبِکونَ، اَلَا فَلَآ رَقَاتِ الْعَبْرَةُ وَ لَا هَدَاتِ الزَّفَرَةُ اِنَّمَا مَثَلُکُمْ کَمَثَلِ الْتِی نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ اَنکَاثًا» تا آخر؛ لفظ مثل پولاد محکم، معنا مثل آب روان تا اعماق جان‌ها می‌نشیند. در آن چنان وضعیتی زینب کبری مثل خود امیرالمؤمنین حرف زد؛ تکان داد دل‌ها را، جان‌ها را و تاریخ را؛ این سخن ماند در تاریخ؛ این در مقابل مردم در محمل اسارت. بعد هم، هم در مقابل ابن زیاد در کوفه، هم چند هفته بعد در مقابل یزید در شام، با آن چنان قدرتی سخن گفت که، هم دشمن را تحقیر کرد، هم سختی‌هایی را که دشمن تحمیل کرده بود، تحقیر کرد. شما می‌خواهید خاندان پیغمبر را به خیال باطل خودتان مغلوب کنید، منکوب کنید، ذلیل کنید؟ لِلّٰهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُوْلِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِیْنَ. مجسمه‌ی عزت است زینب کبری، همچنان حسین بن علی «علیه‌السلام» در کربلا، در روز عاشورا مجسمه‌ی عزت بود. نگاه او به حوادث با نگاه دیگران فرق دارد؛ [با] آن همه مصیبت، وقتی دشمن می‌خواهد او را شتمات کند، می‌گوید: ما رَأَیْتُ اِلَّا جَمِیلاً؛ آنچه دیدم زیبا بود؛ شهادت بود، داغ بود، اما در راه خدا بود، برای حفظ اسلام بود، ایجاد یک جریانی بود در طول تاریخ تا امت اسلام بفهمند که چه کار باید بکنند، چگونه باید حرکت کنند، چگونه باید بایستند.

❖ حرکت ما در جهت حرکت زینبی باشد

این کار بزرگ حماسه‌ی زینبی است؛ این عزت ولی خدا است. زینب کبری از اولیاءالله است؛ عزت او عزت اسلام است؛ اسلام را عزیز کرد، قرآن را عزیز کرد. ما البته آن بلندپروازی را نداریم، آن همت را نداریم که بخواهیم بگویم رفتار این بانوی بزرگ الگوی ما

است؛ ما کوچک‌تر از این حرف‌ها هستیم؛ اما باید به هر حال حرکت ما در جهت حرکت زینبی باشد؛ باید همت ما، عزّت اسلام و عزّت جامعه‌ی اسلامی و عزّت انسان باشد؛ همان‌که خدای متعال با احکام دینی و شرایع بر پیغمبران، مقرر فرموده است.

❖ صدق از عوامل صبر زینب کبری (س)

آنچه در بخش اوّل عرایض می‌خواهم کوتاه عرض بکنم برای شما عزیزان بسیجی و جوانان عزیز، این است که یکی از عوامل موکّد این روحيّه و این صبر در زینب کبری (سلام الله علیها) و در دیگر اولیاء اللّهی که این جور حرکت کردند، صدق است؛ صادقانه با پیمان خدای متعال برخورد کردن، دل را صادقانه به راه خدا سپردن؛ این خیلی مهم است.

❖ صدق پیامبران

در قرآن کریم این صدق را، هم برای انبیاء عظام الهی لازم می‌شمرد: **وَ إِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَ مِنْكَ وَ مِنْ نُوحٍ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ أَخَذْنَا مِنْهُمُ مِيثَاقًا غَلِيظًا، لِيُسْأَلَ الصّٰدِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ؛** ای پیامبر ما از تو پیمان گرفتیم و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پیمان گرفتیم - از همه‌ی پیغمبران پیمان گرفتیم - و این پیمان، پیمان بسیار محکم و غلیظی است - در لیسئل، "لام" به تعبیر ما طلبه‌ها "لام" عاقبت است - و نتیجه‌ی این پیمان این است که این پیغمبران بزرگ مورد سؤال قرار می‌گیرند از صدقی که در قبال این پیمان نشان دادند و به خرج دادند؛ یعنی پیغمبر ما و پیغمبران بزرگ الهی باید در پیشگاه پروردگار عرضه کنند میزانِ صداقتی را که در مقام اِعمال این میثاق الهی به کار بردند؛ این مال پیغمبران.

❖ منافقین نقطه‌ی مقابل صادقین

در مورد مردم معمولی و مؤمنین [هم می‌فرماید]: **مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عٰهَدُوا اللّٰهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضٰى نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا، لِيَجْزِيَ اللّٰهُ الصّٰدِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَ يُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ** ان شاء. در مورد پیغمبران بزرگ، نقطه‌ی مقابل صادق را کافر قرارداد؛ و أعداء للكفرین عذاباً آلیما. در مورد این مؤمنین، نقطه‌ی مقابل صادقین را منافقین قرارداد، که در این‌ها نکته‌هایی هست. از من و شما هم سؤال می‌کنند درباره‌ی وعده و عهدی که با خدا کردیم؛ ما با خدا معاهده داریم. حالا در این آیه‌ی شریفه - **مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عٰهَدُوا**

الله علیه - این عهدی که می گوید مؤمنین با خدا بسته اند و بعضی از مؤمنین به این عهد به نیکی وفا کردند و پای این عهدشان ثابت قدم ماندند، همان است که چند آیه قبل در همین سوره ی مبارکه می فرماید که «وَلَقَدْ كَانُوا عَهْدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُولُوكَ الْأَدْبَارُ»؛ همه ی ما به این نکات باید توجه کنیم. باخدای متعال عهد کرده بودند که از مقابل دشمن فرار نکنند، به دشمن پشت نکنند. رها کردن مواضع و عقب نشینی منتهی زمانه در مواجهه ی با دشمن، از جمله ی چیزهایی است که قرآن تأکید می کند که نباید انجام بگیرد؛ در جنگ نظامی و در جنگ سیاسی و در جنگ اقتصادی، در هر جایی که صحنه ی زور آزمایی است، در مقابل دشمن باید ایستاد؛ باید عزم شما بر عزم دشمن پیروز بشود، باید اراده ی شما بر اراده ی دشمن غالب بشود؛ و می شود و این ممکن است. در عرصه ی هرگونه جهاد و کارزاری، پشت کردن به دشمن و هزیمت کردن، از نظر اسلام و قرآن ممنوع است.

❖ معنا و مفهوم نرمش قهرمانانه

ما تعبیر "نرمش قهرمانانه" را به کاربردیم؛ یک عده ای آن را به معنی دست برداشتن از آرمان ها و هدف های نظام اسلامی معنا کردند؛ بعضی از دشمنان هم همین را مستمسکی قرار دادند برای اینکه نظام اسلامی را به عقب نشینی از اصول خودش متهم کنند؛ این ها خلاف بود، این ها بدفهمی است. نرمش قهرمانانه به معنای مانور هنرمندانه برای دست یافتن به مقصود است؛ به معنای این است که سالک راه خدا - در هر نوع سلوکی - به سمت آرمان های گوناگون و متنوع اسلامی که حرکت می کند، به هر شکلی و به هر نحوی هست، باید از شیوه های متنوع استفاده کند برای رسیدن به مقصود. و مَنْ يُؤْلَمْ يَوْمَئِذٍ ذُبْرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَى فِتْنَةٍ قَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ؛ هرگونه حرکتی - چه حرکت به جلو، چه حرکت به عقب - مثل میدان رزم نظامی، باید به دنبال رسیدن به اهداف ازپیش تعیین شده باشد. اهدافی وجود دارد؛ نظام اسلامی در هر مرحله ای یکی از این اهداف را دنبال می کند، برای پیشرفت، برای رسیدن به نقطه ی تعالی و اوج، برای ایجاد تمدن عظیم اسلامی؛ باید سعی کند به این هدف در این مرحله برسد. البته مرحله گذاری است، قطعه قطعه است. راهنمایان و

هادیان و متفکران و مسئولان مربوط، این قطعات را معین می کنند، هدف گذاری می کنند، حرکت جمعی آغاز می شود. همه باید تلاش کنند که هر حرکتی در هر مرحله ای به اهداف خودش برسد. این آن نظام صحیح حرکت منطقی [است]. این را همه ی فعالان عرصه ی سیاست و مدیریت کلان کشور باید همواره به یاد داشته باشند؛ آحاد مردم، شما عزیزان بسیجی - فعالان عرصه ی بسیج - هم باید این را همواره به یاد داشته باشید.

❖ رژیم صهیونیستی تهدید همه ی جهان است، نه ایران

خب، اینکه ما می گوئیم می خواهیم حرکت کنیم، پیش برویم، آیا به معنای جنگ طلبی نظام اسلامی است؟ آیا به معنای این است که نظام اسلامی قصد دارد با همه ی ملت ها، با همه ی کشورهای عالم چالش داشته باشد؟ که گاهی شنیده می شود دشمنان ملت ایران، از جمله از دهان نحس نجس سگ ها منطقه در رژیم صهیونیستی، چانه می جنبانند که ایران تهدید همه ی جهان است؛ نه، این سخن دشمن و درست نقطه ی مقابل مماشی اسلامی است. تهدید همه ی جهان، آن نیروهای شر و شر آفرینی هستند که جز شرارت از خودشان نشان نداده اند؛ از جمله همین رژیم جعلی اسرائیل و بعضی از پشتیبانان او.

❖ منطق ایران اسلامی، خدمت و نیکی است

نظام اسلامی درسی که از قرآن گرفته است، درسی که از پیامبر اسلام گرفته است، درسی که از امیرالمؤمنین گرفته است، درس دیگری است: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ؛ عدالت، احسان، نیکی کردن. امیرالمؤمنین فرمود به همه نیکی کنید، چون «إِنَّمَا أَخُوكَ فِي دِينِكَ أَوْ شَبِيهُ لَكَ فِي خَلْقِكَ»، یا برادر اسلامی تو است، یا به هر حال انسان است؛ منطق اسلام این است. ما می خواهیم به همه ی انسان ها خدمت کنیم، محبت کنیم؛ ما می خواهیم با همه ی انسان ها، با همه ی ملت ها، روابط دوستانه و محبت آمیز داشته باشیم؛ ما حتی با ملت آمریکا هم - با اینکه دولت آمریکا دولت مستکبر و دشمن، بدخواه و کینه ورز نسبت به ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی است - هیچ دشمنی نداریم؛ آنها هم مثل بقیه ی ملت هایند. آنچه نقطه ی مقابل نظام اسلامی است، استکبار است.

❖ ما با استکبار مخالفیم

جهت‌گیری خصومت‌های نظام اسلامی، با نظام استکبار است؛ ما با استکبار مخالفیم، ما با استکبار مبارزه می‌کنیم. استکبار یک واژه‌ی قرآنی است که در قرآن درباره‌ی امثال فرعون و گروه‌های بدخواه و معارض حق و حقیقت به کار رفته است. استکبار در گذشته هم بوده است، تا امروز هم وجود دارد. استخوان‌بندی استکبار در همه‌ی دوره‌ها یکی است؛ البته شیوه‌ها و خصوصیات و روش‌ها در هر زمانی تفاوت می‌کند. امروز هم نظام استکباری وجود دارد؛ رأس استکبار هم در دنیا، دولت ایالات متحده‌ی آمریکا است.

❖ ضرورت شناخت دوست و دشمن

استکبار را باید بشناسیم، خصوصیات استکبار را باید بدانیم، عملکرد و جهت‌گیری استکبار را باید بدانیم تا بتوانیم خردمندانه رفتار خودمان را در مقابل او تنظیم کنیم. ما با برخورد غیر خردمندانه در همه‌ی عرصه‌ها مخالفیم؛ ما معتقدیم در همه‌ی عرصه‌ها، در همه‌ی برنامه‌ریزی‌ها، در همه‌ی جهت‌گیری‌های جمعی و فردی باید با درایت و حکمت عمل کرد. اگر صحنه را شناسیم، اگر دوست را شناسیم، دشمن را شناسیم، اگر امروز نظام سلطه را شناسیم، استکبار را شناسیم، چطور می‌توانیم با حکمت و درایت حرکت کنیم؟ چطور می‌توانیم درست برنامه‌ریزی کنیم؟ لذا باید بشناسیم.

❖ ویژگی‌های نظام استکباری

. آنچه من در مورد استکبار عرض می‌کنم، چند نمونه یا چند شاخص از رفتارهای نظام استکباری امروز دنیا است و در بسیاری از موارد، با آنچه که در قرون گذشته و دوران‌های گذشته استکبار داشته، شریک است.

(۱) خودبرتربینی

یکی از ویژگی‌های نظام استکباری، خودبرتربینی است. مجموعه‌های استکباری - آن کسانی که یا در رأس یک کشور یا در رأس یک نظام بین‌المللی [یا] مجموعه‌ای از کشورها کارها را به دست گرفته‌اند - وقتی مجموعه‌ی خودشان را از بقیه‌ی انسان‌ها، از بقیه‌ی

مجموعه‌ها برتر دانستند، وقتی خودشان را محور دانستند، همه چیز را فرع بر خودشان دانستند، یک معادله‌ی غلط و خطرناکی در تعاملات جهانی به وجود می‌آید. وقتی خود را برتر دانست، خود را محور دانست، خود را اصل دانست، نتیجه این می‌شود که برای خود حق مداخله‌ی در امور بقیه‌ی انسان‌ها و بقیه‌ی ملت‌ها را قائل است. آنچه به نظر او ارزش محسوب می‌شود، بایست همه در دنیا تسلیم بشوند و قبول بکنند، گردن به نهند. اگر چیزی که او ارزش می‌داند، دیگران قبول نداشتند، این به خودش حق می‌دهد در کار آنها دخالت کند، به آنها تحمیل کند، به آنها زور بگوید، فشار بیاورد. این خودبرتربینی موجب می‌شود که ادعای تولیت امور ملت‌ها را داشته باشند، ادعای مدیریت جهانی را داشته باشند، خودشان را رئیس مجموعه‌ی عالم بدانند. می‌شنوید در حرف‌های مسئولان و دولت‌مردان آمریکایی [که] از دولت آمریکا جوری حرف می‌زنند، مثل اینکه صاحب‌اختیار همه‌ی کشورها است؛ [می‌گویند] ما نمی‌توانیم بگذاریم این کار انجام بگیرد، ما نمی‌توانیم بگذاریم این شخص باشد یا نباشد! درباره‌ی منطقه‌ی ما جوری حرف می‌زنند که کانه مالک این منطقه‌اند؛ درباره‌ی رژیم صهیونیستی جوری حرف می‌زنند که گویا ملت‌های این منطقه ناگزیرند که این رژیم تحمیلی و جعلی را بپذیرند؛ با ملت‌های مستقل، با دولت‌های مستقل جوری برخورد می‌کنند که گویی آنها حق حیات ندارند. این خودبرتربینی، خود را دارای جایگاه ویژه‌ای در مجموعه‌ی اولاد آدم، مجموعه‌ی ملت‌ها، مجموعه‌ی انسان‌ها دانستن، این اُس‌اساس و بزرگ‌ترین مشکل استکبار است.

۲) حق ناپذیری مطلق

نتیجه این می‌شود که خصوصیت و شاخص دیگری برای استکبار به دست می‌آید و آن حق ناپذیری است؛ نه حرف حق را می‌پذیرند، نه حق ملت‌ها را می‌پذیرند؛ حق ناپذیر مطلق. در مباحثات جهانی بسیار اتفاق می‌افتد یک حرف حقی زده می‌شود، آمریکا به دلیلی نمی‌پذیرد؛ با انواع شیوه‌ها حرف حق را رد می‌کنند، زیر بار حق نمی‌روند. حالا یک نمونه‌اش مسائل امروز ما است که مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای و صنایع هسته‌ای است؛ حرف حقی

وجود دارد؛ اگر چنانچه انسانی اهل حق باشد، اهل استدلال باشد، اهل منطق باشد، باید وقتی در مقابل استدلال قرار گرفت، تسلیم بشود، اما استکبار تسلیم نمی‌شود؛ حرف حق را می‌شنود، زیر بار حق نمی‌رود؛ این یکی از خصوصیات او است. همچنان که حقوق ملت‌ها را هم قبول نمی‌کند؛ اینکه ملت‌ها حق دارند انتخاب کنند، حق دارند آن حرکتی را که خودشان می‌خواهند، آن اقتصادی را که خودشان می‌خواهند، آن سیاستی را که خودشان می‌خواهند اتخاذ کنند، این را برای ملت‌ها قائل نیستند، معتقد به تحمیل بر ملت‌ها هستند.

۳) مجاز شمردن جنایت نسبت به آحاد بشر

یکی از شاخص‌های دیگر استعمار و استکبار این است که جنایت را نسبت به ملت‌ها و نسبت به آحاد بشر مجاز می‌شمرند و اهمیت نمی‌دهند. این یکی از بلایای بزرگ استکبار در دوران جدید است؛ دوران جدید یعنی دوران پیشرفت علم، پدید آمدن سلاح‌های خطرناک، که این سلاح‌ها هم [از وقتی به] دست مستکبرین رسید، بلای جان ملت‌های عالم شد؛ برای جان انسان‌ها - هر انسانی که با آنها همراه نباشد، تسلیم آنها نباشد، تابع آنها نباشد - هیچ ارزشی قائل نیستند؛ مثال‌ها، الی‌ماشاءالله [وجود دارد]. یک مثال، برخورد مستکبرین با بومیان آمریکا است؛ همین کشوری که امروز منابع مالی آن، امکانات آن، موقعیت جغرافیایی آن، همه چیز آن در اختیار غیربومیان آن منطقه است. خب اینجا مردم بومی‌ای وجود داشتند؛ برخورد با آنها به قدری خشن، به قدری مشمئزکننده است که یکی از نقاط تاریک تاریخ آمریکای جدید است؛ خودشان درباره‌ی آن، چیزها نوشته‌اند؛ کشتارهایی که کردند، فشارهایی که آوردند. عین همین قضیه به‌وسیله‌ی انگلیسی‌ها در استرالیا اتفاق افتاد. انگلیسی‌ها در استرالیا مردم بومی را مثل حیوانات، مثل کانگورو به‌عنوان تفریح شکار می‌کردند؛ آنها برای جان انسان‌ها هیچ ارزشی قائل نبودند. این یک نمونه است؛ [البته] صدها مثال دارد که در کتاب‌های خودشان، در تواریخ خودشان این‌ها آمده است. یک نمونه‌ی [دیگر] بمباران سال ۱۹۴۵ می‌لادی - یعنی سال ۱۳۲۴ شمسی - است که دو شهر ژاپن را آمریکایی‌ها با بمب اتمی نابود کردند؛ صدها هزار آدم کشته شدند، چندین برابر این‌ها در طول زمان تا امروز بر اثر

اشعه‌ی اتمی‌ای که وجود داشته، معیوب و ناقص‌الخلقه و دچار بیماری‌های گوناگون شدند که تا امروز مشکلات آن باقی است؛ هیچ استدلال درستی هم برای این کار نداشتند، که من حالا بعد اشاره خواهم کرد؛ راحت بمب اتم انداختند. در دنیا تا حالا دو بار بمب اتم استعمال شده است، هر دو بار هم به‌وسیله‌ی آمریکایی‌ها که امروز خودشان را متولی مسئله‌ی اتمی در دنیا می‌دانند! دلشان هم می‌خواهد که این قضیه فراموش بشود [اما] فراموش‌شدنی نیست. این همه جان انسان‌ها از بین رفت، برایشان ارزشی نداشت. جان انسان‌ها بی‌ارزش می‌شود؛ جنایت برای دستگاه‌های استکباری آسان می‌شود. در ویتنام، آدم‌کشی کردند؛ در عراق دستگاه‌های امنیتی و شرکت‌های مزدور امنیتی آنها مثل بلک واتر - که من آن سال اشاره کردم - جنایت کردند؛ در پاکستان با هواپیماهای بدون سرنشین هنوز دارند جنایت می‌کنند؛ در افغانستان بمباران می‌کنند و جنایت می‌کنند؛ هرجایی که دستشان برسد و منافعتشان اقتضا کند، ایجاب کند، از جنایت اِبا ندارند؛ جنایت با قتل، جنایت با شکنجه؛ زندان گوانتانامو که مال آمریکایی‌ها است، هنوز زندانی دارد. الآن ده یازده سال است در این زندان یک عده‌ای را که به اتهام از جاهای مختلف دنیا گرفتند و بردند آنجا، بدون محاکمه [و] با شرایط بسیار سخت و همراه با شکنجه نگه داشتند! در عراق، زندان ابو‌غریب یکی از زندان‌های آمریکایی‌ها بود، سگ به جان زندانی می‌انداختند و او را شکنجه می‌کردند.

غارت منابع حیاتی ملت‌ها برایشان آسان است. ربودن و اسیر کردن سیاهان، یکی از ماجراهای گریه‌آور تاریخ [است] که نظام سلطه‌ی آمریکا و امثال آن دوست ندارند این داستان احیا بشود، [که یک نمونه‌اش] همین مسئله‌ی غلام و کنیز گرفتن مردم آفریقا است؛ کشتی‌ها را از اقیانوس اطلس می‌آوردند، در سواحل کشورهای غرب آفریقا مثل گامبیا و امثال این‌ها نگه می‌داشتند، بعد می‌رفتند با تفنگ و سلاح‌هایی که دست مردم آن روز از این سلاح‌ها خالی بود، صدها و هزارها پیر و جوان و مرد و زن را می‌گرفتند، با شرایط بسیار سختی با این کشتی‌ها برای بردگی به آمریکا می‌بردند. انسان آزاد را که در خانه‌ی خودش زندگی می‌کرد، در شهر خودش زندگی می‌کرد، به اسارت می‌گرفتند؛ الآن سیاهانی که در آمریکا هستند، از

نسل آن‌ها‌یند. چند قرن آمریکایی‌ها این فشار عجیب را آوردند که [در این زمینه] کتاب‌ها نوشته‌اند که این کتاب "ریشه‌ها" کتاب مغتیمی است برای نشان دادن گوشه‌ای از این فجایع. انسان امروز چطور می‌تواند این‌ها را فراموش کند؟ با همه‌ی این حرف‌ها هنوز هم در آمریکا بین سیاه‌وسفید تبعیض هست.

۴) فریب‌گری و رفتار منافقانه

یکی از خصوصیات استکبار که باز یکی [دیگر] از شاخص‌ها است، فریب‌گری و رفتار منافقانه است؛ این را توجّه کنید. همین جنایاتی که گفته شد، همه‌ی این‌ها را در تبلیغات خودشان سعی می‌کنند توجیه کنند و جنایت را در لباس خدمت نشان بدهند! این نظام استکبار که قصد سلطه‌ی بر ملت‌ها را دارد، از این شیوه به‌طور متعارف و معمول در همه‌ی زندگی‌اش استفاده می‌کند؛ شیوه‌ی توجیه جنایت و پوشاندن لباس خدمت به جنایت. [در] همین حمله‌ی به ژاپن، یعنی دو بمبی که در هیروشیما و ناکازاکی منفجر شد، [وقتی] آمریکایی‌ها عذرخواهی می‌کنند، به این صورت می‌گویند که اگرچه با این دو بمبی که ما به این دو شهر پرتاب کردیم، ده‌ها هزار در وهله‌ی اوّل، [یا] شاید صدها هزار کشته شدند، [اما این کار] هزینه‌ی تمام کردن جنگ جهانی دوّم بود؛ اگر ما آمریکایی‌ها این بمب‌ها را نمی‌انداختیم، جنگ ادامه پیدا می‌کرد؛ حالا اگر دویست هزار [انسان] کشته شدند، آن وقت دو میلیون کشته می‌شدند؛ بنابراین ما خدمت کردیم که این بمب‌ها را انداختیم! ببینید این حرفی است که آمریکایی‌ها در تبلیغات رسمی [می‌گویند]. الآن شاید از آن روز ۶۵ سال می‌گذرد؛ دائماً همین حرف را تکرار کرده‌اند و گفته‌اند. این یکی از آن حرفه‌ای فریبگرانه و منافقانه و از دروغ‌های عجیب‌وغریبی است که جز از دستگاه‌های استکباری برنمی‌آید. این بمب‌ها در تابستان ۱۹۴۵ میلادی بر روی این دو شهر افتاد و منفجر شد و این جنایت اتفاق افتاد؛ درحالی که چهار ماه قبل از آن - یعنی در اوّل بهار ۱۹۴۵ - هیتلر که رکن اصلی جنگ بود خودکشی کرده بود؛ دو روز قبل از او هم موسولینی - رئیس‌جمهور ایتالیا - که او هم رکن دوّم جنگ بود دستگیر شده بود و جنگ عملاً خاتمه پیدا کرده بود؛ ژاپن هم که پای سوّم جنگ بود، از دو ماه قبل اعلام

کرده بود که آماده‌ی تسلیم است؛ جنگی وجود نداشت اما این بمب‌ها منفجر شد. چرا؟ چون این بمب‌ها ساخته شده بود، باید یکجایی آزمایش می‌شد؛ سلاحی ساخته بودند، باید آن را آزمایش می‌کردند. کجا آزمایش کنند؟ بهترین فرصت، این بود که به بهانه‌ی جنگ این بمب‌ها را ببرند روی سر مردم بی‌گناه هیروشیما و ناکازاکی بیندازند تا معلوم بشود که آیا درست عمل می‌کند یا نه! چهره‌ی فریگرا نه.

ادّعا می‌کنند طرفدار بشرند؛ هواپیمای مسافری ایران را روی آسمان می‌زنند، قریب سیصد نفر مسافر بی‌خبر را از بین می‌برند، نابود می‌کنند، عذرخواهی هم نمی‌کنند، به آن کسی که این جنایت را انجام داده، مدال هم می‌دهند! در همین هفته‌های اخیر شنیدید که آمریکایی‌ها - از رئیس‌جمهور گرفته تا دیگران - درباره‌ی استعمال سلاح شیمیایی‌ای در سوریه جنجال پیا کردند، دولت سوریه را متهم کردند که شیمیایی به کار برده. من کاری ندارم که قضاوت کنم چه کسی به کار برده؛ البتّه قرائن نشان می‌داد که گروه‌های تروریستی این را به کار بردند، اما به هر حال آنها گفتند که دولت این را به کار برده؛ جنجال و های و هوی [کردند] که استعمال سلاح شیمیایی‌ای خطّ قرمز ما است! این را ده بار یا بیشتر مسئولین آمریکایی گفتند؛ درست، [اما] همین دولت آمریکا و رژیم ایالات متحده، در حملات جنایت کارانه‌ای که صدام به ایران می‌کرد و سلاح شیمیایی‌ای به کار می‌برد، نه فقط کوچک‌ترین مخالفتی با آن نکردند، بلکه پانصد تُن ماده‌ی شیمیایی‌ای مرگ‌آور و خطرناک قابل تبدیل به گاز خردل را - که هنوز بسیاری از جوان‌های عزیزِ آن روزِ ما مبتلا [به عوارض آن] هستند و مهر و موم‌ها است دارند بیماری می‌کشند - صدام از آمریکا وارد کرد؛ کمک کردند؛ البتّه از جاهای دیگر هم خریده بود، اما پانصد تُن ماده‌ی شیمیایی‌ای مرگ‌آور قابل تبدیل به گاز خردل را صدام از آمریکا تهیّه کرد و به کار برد؛ بعد هم که می‌خواستند علیه او در شورای امنیت قطعنامه صادر کنند، آمریکا مانع شد. رفتار منافقانه یعنی این؛ اینجا سلاح شیمیایی‌ای می‌شود خطّ قرمز، آنجا سلاح شیمیایی‌ای - چون در مقابل نظام مستقل اسلامی است، چون در مقابل ملّتی است که حاضر

نیست زیر بار آمریکا برود - می شود یک امر مجاز که باید به آن کمک هم کرد! این بخشی از خصوصیات و شاخص ها است.

۵) سایر خصوصیات

البته شاخص های استکبار بیش از این ها است: جنگ افروزی می کنند، اختلاف افکنی می کنند، با حکومت های مستقل درمی افتند، با ملت خودشان حتی آن وقت منافع گروه های خاص اقتضا می کند درمی افتند، در جنگ صدام با ایران همه گونه کمکی که برایشان ممکن بود کردند؛ مثال شیمیایی را گفتم، اطلاعات [هم] می دادند؛ رئیس استخبارات آن روز صدام، بعدها مصاحبه کرد و گفت هفته ای سه مرتبه من می رفتم به سفارت آمریکا در بغداد و آنها یک پاکت در بسته ای به من می دادند که همه ی اطلاعات ماهواره ای مربوط به نقل و انتقالات نیروهای مسلح ایران در آن بود و ما می دانستیم کجا هستند. یک چنین کمک هایی می کردند.

❖ مقابله ی نظام اسلامی با استکبار

نظام اسلامی با استکبار با این خصوصیات طرف است؛ نظام اسلامی با ملت ها طرف نیست، با مردم طرف نیست، با انسان ها طرف نیست، نظام اسلامی با استکبار طرف است. از زمان ابراهیم خلیل و نوح پیغمبر و پیغمبران بزرگ و پیغمبر اسلام تا امروز هم همین بوده: جبهه ی حق در مقابل استکبار قرار داشته است. چرا؟ مقابله ی امروز نظام اسلامی با استکبار از چه رو است؟ چون استکبار با این خصوصیات که گفتیم، قادر نیست نظام اسلامی ای مثل نظام جمهوری اسلامی ایران را تحمل کند. چون نظام جمهوری اسلامی اساساً در اعتراض به استکبار پدید آمده است؛ انقلاب در اعتراض به استکبار و عوامل استکبار در ایران به وجود آمد و بر این اساس تشکیل شد، رشد پیدا کرد، قوی شد، منطق استکبار را به چالش کشید. [استکبار] نمی تواند تحمل کند، مگر وقتی که مأیوس بشود.

❖ ملت ایران، باید دشمن را مأیوس کند

ملت ایران، جوانان ایران، فعالان ایران، کسانی که به هر دلیلی ولو به دلیلی غیر اسلامی به میهنشان و خاکشان عقیده دارند، باید کاری کنند که این یأس در دشمن به وجود بیاید؛ دشمن

را باید مایوس کرد. برای دستگاه استکبار و امروز برای دولت ایالات متحده‌ی آمریکا بسیار دشوار است که ببیند در این منطقه‌ی حسّاس عالم، در غرب آسیا - [که] یکی از حسّاس‌ترین مناطق دنیا است؛ هم از لحاظ سیاسی، هم از لحاظ اقتصادی، حوادث اینجا بر همه‌ی عالم اثرگذار است - یک کشوری، یک نظامی، یک ملّتی سر برآورده است که خود را متّصل و مربوط و تبع به آن قدرت ابرقدرت - که خودش را ابرقدرت می‌داند - نمی‌داند، مستقل حرکت می‌کند؛ علیه او این همه مخالفت انجام می‌گیرد، [اما] از همه‌ی این مشکلات و سختی‌ها نظام اسلامی عبور می‌کند و به اعتراف خود آنها نفوذ آمریکا را در این منطقه به چالش می‌کشد و نفوذ خودش را گسترش می‌دهد و به عنوان یک نمونه و الگویی برای ملت‌های منطقه درمی‌آید؛ تحمّل این برای آنها خیلی سخت است.

❖ دشمنی‌های آمریکا روزه‌روز ایران را قوی کرده است

آنها می‌خواهند بگویند حیات ملت‌ها وابسته‌ی به این است که به آمریکا متّکی باشند؛ حالا یک ملّتی پیدا شده [که] نه فقط به آمریکا متّکی نیست، بلکه این همه دشمنی آمریکا نتوانسته در او اثر بگذارد؛ هر کار آمریکایی‌ها توانستند از روز اول کرده‌اند، [اما] اثر نکرده است؛ روزه روز رشد پیدا کرده و روزه‌روز قوی‌تر شده است. دشمنی‌هایی که از اوّل انقلاب، دولت ایالات متحده‌ی آمریکا و رؤسای جمهور مختلف - کسی نگوید این کار زمان فلان رئیس جمهور شد، زمان رئیس جمهور کنونی نشده؛ نه، همه‌شان یک جورند - با نظام اسلامی انجام داده‌اند، در زمان رؤسای جمهور مختلف است، اما همه یک جنس است، همه یک جور است. اوّل قومیت‌های داخل کشور را تحریک کردند، بعد کودتا تدارک دیدند، بعد عراق را وادار کردند به حمله، بعد به دشمن ما - که رژیم صدام بود - کمک کردند در جنگ با ما، بعد تحریم را علّم کردند، بعد همه‌ی وسایل جمعی دنیا را تحریک کردند و به خط کردند برای مقابله‌ی با نظام اسلامی؛ در زمان رؤسای جمهور مختلف این کار انجام گرفته؛ الان هم دارد انجام می‌گیرد.

❖ نقش دولت آمریکا در فتنه ۸۸

در همین زمان رئیس‌جمهور کنونی آمریکا، در فتنه‌ی ۸۸ یکی از این شبکه‌های اجتماعی - که می‌توانست عامل فتنه و فتنه‌گران قرار بگیرد - احتیاج به تعمیر داشت؛ دولت آمریکا از او خواست تعمیراتش را عقب بیندازد؛ امیدوار بودند که بتوانند با این کاره‌ای رسانه‌ای و شبکه‌ی فیس بوک و توییتر و امثال این‌ها، نظام جمهوری اسلامی را براندازند؛ خیال‌های احمقانه‌ی خام! لذا نگذاشتند تعمیراتش را در آن برهه انجام بدهد، گفتند تأخیر بینداز، فعلاً برس به این کار واجب‌تر.

❖ تحریم و فشار برای شکست نظام اسلامی

همه‌ی وسایل و ابزارها را به خط کردند در مقابل نظام جمهوری اسلامی. تحریم هم یکی از همین‌ها است؛ تحریم یکی از این ابزارها است؛ این ابزار از نظر آنها برای شکست نظام جمهوری اسلامی است. اشتباه آنها این است که ملت ایران را نشناختند، اشتباه آنها این است که عامل ایمان و همبستگی در میان ملت ما را نشناختند، اشتباه آنها این است که از خطاهای گذشته‌شان درس نگرفتند، لذا امیدوارند بتوانند با تحریم و فشار و امثال این‌ها، این ملت را به‌زانو دریاورند؛ البته [اشتباه می‌کنند].

❖ ایستادگی ملت، تنها عامل یاس دشمن

آنچه برای نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان یک تجربه‌ی دائمی در طول این ۳۵ سال وجود دارد، این است که تنها عامل برطرف کردن مزاحمت دشمن عبارت است از اقتدار ملت و ایستادگی ملت؛ این تنها عاملی است که می‌تواند دشمن را عقب بزند. البته دشمن، دشمن است؛ از همه‌ی ابزارها استفاده می‌کند؛ همان‌طور که گفتیم از ابزار تحریم هم استفاده می‌کند و استفاده کرده است. ما بایستی بدانیم آن راهی که ما را می‌تواند به مقصود برساند، چیست.

❖ بسیج، مظهر حضور مردمی در صحنه

من یک جمله درباره‌ی بسیج عرض بکنم؛ بعد یک نکته هم مختصراً درباره‌ی مسائل جاری سیاست خارجی مان بگویم. بسیج - همان‌طور که گفتیم - مایه‌ی عزت کشور و نظام

است. چرا؟ چون معنای بسیج حضور متن مردم در عرصه‌های فعالیت‌های اساسی برای ملت و کشور است. هر دولتی و هر کشوری وقتی مردم را داشته باشد، هر جایی که متن مردم حضور پیدا کنند و مردم حرکت بکنند به یک سمتی، پیروزی قطعی است؛ [این] یک چیز مسلم است. آنجایی کشورها ضربه می‌خورند، شکست می‌خورند که مردمشان در صحنه نباشند یا وحدت عمل نداشته باشند. آنجایی که مردم در صحنه‌اند و پیوند و اتحاد میان آحاد مردم هست، پیروزی و پیشروی قطعی است. بسیج یک چنین نمونه‌ای است؛ مظهری است از همین حضور مردمی در صحنه و پیوند مردم با یکدیگر؛ به این چشم به بسیج باید نگاه کرد.

❖ بسیج همه‌جا امتحان صداقت خودش را داده است

بسیج در باب صدق - که در اول عرایض عرض کردم - امتحان صداقت را داده است؛ در جنگ تحمیلی، در دفاع مقدس که روزگار سخت کشور بود، بسیج امتحان داد؛ بعد از دوران دفاع مقدس و قضایای بعد هم تا امروز بسیج همه‌جا امتحان صداقت خودش را داده است. سازمان بسیج و مجموعه‌ی بسیج نشان داده است که صداقت دارد.

❖ کسانی که دلشان با بسیج است

البته بسیج به نظر ما محدود در همین تعدادی که در سازمان بسیج‌اند نمی‌شود؛ خیلی‌ها هستند [که] دل‌هایشان با شما است، شما را تحسین می‌کنند، به شما احترام می‌گذارند، قدر شما را می‌دانند، در داخل سازمان بسیج هم نیستند؛ آنها هم بسیجی‌اند. آن کسانی که ارزش‌های شما را قبول دارند، به آن ارزش‌ها احترام می‌گذارند، به زحمات شما، به خدمات شما، به مجاهدت شما احترام می‌گذارند، آنها هم از نظر ما بسیجی‌اند. حضور در صحنه یکی از مهم‌ترین کارها است؛ توانایی‌های بسیج، توانایی‌های کارگشا و گره‌گشا است. امروز خوشبختانه در درون مجموعه‌ی بسیج، شخصیت‌های برجسته‌ی علمی، شخصیت‌های هنری، شخصیت‌های اجتماعی، شخصیت‌های سیاسی، فعالان اجتماعی، متفکرین در میان مردم کم نیستند؛ بسیج، تا امروز یک مجموعه‌ی انسانی رو به رشد و رو به تعالی بوده است؛ بعد از این هم باید همین باشد.

❖ الزامات اخلاقی، رفتاری و عملی ارتقای توانایی‌های بسیج

آنچه بنده توصیه می‌کنم این است که توانایی‌های مجموعه‌ی بسیج را باید بالا برد؛ الزاماتی وجود دارد: الزامات اخلاقی، الزامات رفتاری، الزامات عملی. الزامات اخلاقی، یعنی ما در درون خودمان اخلاقیات نیکوی اسلامی را پرورش بدهیم؛ از جمله‌ی این اخلاقیات صبر است، از جمله‌ی این اخلاقیات گذشت است، از جمله‌ی این اخلاقیات حلم و ظرفیت داشتن و جنبه داشتن است، از جمله‌ی این اخلاقیات تواضع است؛ این خصوصیات را در درون خودمان تقویت کنیم. الزامات رفتاری هم این است که همین خلقیات نیکو را در عمل با مردم، در عمل با محیط، در تعامل با جامعه و انسان‌ها به کار ببریم. امام صادق «علیه‌الصلاة والسلام» به اصحابش می‌فرمود: جوری عمل کنید در بین مردم که هر کس شمارا می‌بیند، بگوید این‌ها یاران امام صادقند، رحمت خدا بر امام صادق، مایه‌ی تحسین برای ما بشوید. رفتار یکایک عزیزان بسیجی، شما جوان‌ها، شما عناصر پاک، شما دل‌های پاکیزه و روشن، رفتار یکایک شما با آحاد مردم - که خیلی که گفتم به معنای واقعی کلمه بسیجی‌اند - باید جوری باشد که بگویند این‌ها پرورش‌یافتگان نظام اسلامی‌اند؛ مایه‌ی جلب محبت، مایه‌ی جلب احترام برای نظام اسلامی و برای جمهوری اسلامی. این الزامات عملی، الزامات جهادی، الزامات اجتماعی، کارهایی است که بایستی انجام بگیرد؛ یعنی تقویت خصال نیک در خود، برخورد مهربان و خدوم و تحسین برانگیز با محیط، عمل جدی در همه‌ی جبهه‌ها - هم در جبهه‌ی علم، هم در جبهه‌ی فعالیت‌ها و خدمات مردمی، هم در جبهه‌ی کار، هم در جبهه‌ی سیاست، هم در جبهه‌ی تولید - در هر جا که حضور دارید، کار جدی و بدون احساس خستگی و با پرهیز از تنبلی؛ کار کنیم. این مجموعه‌ی عظیم - که ده‌ها هزار فرماندهی آنها امروز در اینجا جمع هستند - می‌تواند کشور را به معنای واقعی کلمه، در همه‌ی جهات مثبت حرکت بدهد، مایه‌ی استقرار و ثبات باشد، مایه‌ی ابهت نظام باشد که بحمدالله هست، امروز بسیج مایه‌ی ابهت نظام است، مایه‌ی افتخار نظام است.

❖ مسائل مربوط به سیاست خارجی و هسته‌ای

یک نکته هم درباره‌ی مسائل اخیر و این بگومگوهایی که در صحنه‌ی سیاست خارجی و مسائل هسته‌ای و گفتگو و مذاکره و از این حرف‌ها هست، عرض بکنیم. اولاً بنده اصرار دارم بر حمایت از مسئولانی که اجرای کاربر عهده‌شان است، از همه‌ی دولت‌ها بنده حمایت می‌کنم، از مسئولان - مسئولان داخلی، مسئولان خارجی - حمایت می‌کنم و وظیفه‌ی ما است. من خودم مسئول اجرایی بوده‌ام، وسط میدان بوده‌ام، سنگینی کار و سختی کار را با همه‌ی وجود احساس کرده‌ام؛ می‌دانم که کار اداره‌ی کشور کار سختی است. لذا این‌ها به کمک احتیاج دارند، من هم کمکشان می‌کنم، حمایتشان می‌کنم؛ این یک طرف قضیه است که قطعی است. از آن طرف اصرار دارم بر تثبیت حقوق ملت ایران، از جمله مسئله‌ی حقوق هسته‌ای؛ اصرار داریم بر اینکه از حقوق ملت ایران یک قدم عقب‌نشینی نباید بشود.

❖ ضرورت رعایت خطوط قرمز در مذاکرات

ما البته در جزئیات این مذاکرات مداخله نمی‌کنیم؛ یک خطوط قرمزی وجود دارد، یک حدودی وجود دارد، این حدود باید رعایت بشود؛ این را گفتیم به مسئولین و موظفانند که این حدود را رعایت کنند؛ از هارت و هورت دشمنان و مخالفان هم واهمه‌ای نداشته باشند و ترسی به خودشان راه ندهند.

❖ ملت ایران با فشار، تسلیم نخواهد شد

همه این را باید بدانند که این تحریم‌هایی که علیه ملت ایران به کار برده شده، عمدتاً ناشی از کینه‌ورزی استکباری آمریکا است؛ کینه‌ی آمریکایی مثل کینه‌ی شتری [است]. بنا دارند بر اینکه بر ملت ایران فشار بیاورند به امید اینکه شاید بتوانند ملت ایران را تسلیم کنند؛ اشتباه می‌کنند؛ ملت ایران با فشار، تسلیم هیچ کس نخواهد شد. شما این ملت را نشناخته‌اید؛ این [ملت] ملتی است که به حول و قوی الهی می‌تواند فشارها را تحمل کند و تهدید شما و فشار شما را برای خودش تبدیل کند به فرصت؛ این کار را به توفیق الهی ملت ایران خواهد کرد.

❖ تحریم‌ها کارساز نیست، مجبورند تهدید نظامی هم بکنند

ما در زمینه‌ی تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی نقاط ضعفی داشته‌ایم؛ این نقاط ضعف موجب شده است که دشمن احساس کند با تحریم و امثال آن می‌تواند رخنه ایجاد کند؛ این فرصتی است برای ما تا این نقاط ضعفمان را بشناسیم، آنها را برطرف کنیم و ان شاء الله برطرف خواهیم کرد. و تحریم هم کارساز نیست برای آمریکا؛ این را هم بدانند و من گمان می‌کنم خودشان هم می‌دانند. دلیل اینکه ما می‌گوییم آنها خودشان می‌دانند که تحریم کارساز نیست این است که تهدید نظامی را هم چاشنی می‌کنند.

خب اگر تحریم می‌توانست مقصود شمارا برآورده کند، دیگر چرا تهدید نظامی می‌کنید؟ این نشان می‌دهد که تحریم مقصود آنها را برآورده نمی‌کند، کارساز نیست؛ مجبورند تهدید نظامی هم بکنند که البته این تهدیدهای نظامی‌شان، عمل بسیار مشمئزکننده و نفرت‌انگیزی است؛ پی‌درپی رئیس‌جمهورشان، آن‌یکی‌شان، آن‌یکی‌شان [تهدید نظامی می‌کنند]. به‌جای تهدید نظامی این‌وآن، بروید اقتصاد ویران‌شده‌ی خودتان را ترمیم کنید؛ بروید کاری کنید که دولتتان پانزده روز، شانزده روز تعطیل نشود؛ بروید قرض‌هایتان را ادا کنید؛ برای سروسامان دادن کار اقتصادی‌تان فکری بکنید.

❖ سیلی ایران سخت و پشیمان‌کننده خواهد بود

بدانند - همان‌طور که گفتیم - ملت ایران با همه‌ی ملت‌های دنیا «أَمَّا أَخْ لَكَ فِی دِیْنِكَ أَوْ شَبِیْهُ لَكَ فِی خَلْقِكَ» است، احترام می‌گذارد؛ اما برخورد ملت ایران با متعرض، برخورد پشیمان‌کننده‌ای است؛ آنچنان سیلی‌ای به متعرض خواهد زد که هرگز فراموش نکند. در مقابل رژیم صهیونیستی، در مقابل شبکه‌ی سرمایه‌داری صهیونیستی خودشان را موظف می‌دانند که گاهی یک حرفی بپراندند، یک چیزی بگویند که این هم مایه‌ی وهن و ذلت آنها است.

❖ رژیم صهیونیستی محکوم به زوال است

رژیم صهیونیستی در واقع یک رژیم است که پایه‌های آن به شدت سست است، رژیم صهیونیستی محکوم به زوال است؛ رژیم صهیونیستی یک رژیم تحمیلی است، با حرکت زور به

وجود آمده است، هیچ پدیده‌ای و موجودی که بازور به وجود آمده باشد قابل دوام نیست و این هم قابل دوام نیست. دفاع کسانی که به نحوی وام‌دار شبکه‌ی سرمایه‌داری صهیونیستی هستند از این رژیم مفلوک صهیونیستی، مایه‌ی بی‌آبرویی آنها است. بعضی از اروپایی‌ها هم متأسفانه تملّقی می‌گویند؛ می‌روند در مقابل این موجوداتی که نام انسان برای آنها حیف است - این سردمداران رژیم صهیونیستی واقعاً مثل وحوش می‌مانند، این‌ها را نمی‌شود انسان نامید - تملّقشان را می‌گویند، خودشان را کوچک می‌کنند، ملتشان را تحقیر می‌کنند. در اروپا ملت فرانسه یک روزی اعتبار سیاسی به دست آورد به خاطر اینکه رئیس‌جمهور آن روز فرانسه، به دلیل اینکه انگلیس وابسته‌ی به آمریکا است، اجازه نداد که انگلیس وارد بازار مشترک اروپا بشود؛ این مایه‌ی اعتبار فرانسه شد. آن روز در دنیا اعتبار دولت فرانسه زیاد شد به خاطر اینکه در مقابل آمریکا ایستاد و اجازه نداد انگلیس - که متّصل به آمریکا بود - وارد بازار مشترک اروپا بشود؛ اعتبار یک ملت این جور به وجود می‌آید. [اینکه] حالا دولتمرد آن همان کشور نه فقط در مقابل آمریکا، بلکه در مقابل صهیونیست‌های نحس نجس اظهار کوچکی و تواضع نکنند، مایه‌ی سرشکستگی ملت فرانسه است که البته خودشان باید علاج کنند.

❖ دین، تقوا، علم و نشاط کار از خصوصیات جوانی

یک جمله به شما جوان‌های عزیز عرض می‌کنم. جوان‌ها! بدانید، بدون هیچ گونه تردیدی آینده‌ی روشن و امیدبخش این کشور و این نظام متعلّق به شما است؛ شما خواهید توانست کشورتان و ملتتان را به اوج افتخار برسانید؛ شما به توفیق الهی خواهید توانست الگو و نمونه‌ی کامل تمدّن نوین اسلامی را در این آب‌و‌خاک تشکیل بدهید؛ برای اینکه بتوانید این وظائف بزرگ را انجام بدهید، بایستی دین را، تقوا را، عفت را، پاکیزگی روحی را در میان خودتان هرچه بیشتر ترویج کنید و تقویت کنید. جوان امروز احتیاج دارد به دین، به تقوا، به علم، به نشاط کار، به امانت، به عفت، به [انجام] خدمات اجتماعی و به ورزش؛ این‌ها خصوصیات است که جوان امروز به آن احتیاج دارد و شما عزیزان بسیجی من ان شاء الله توفیق انجام این کار را داشته باشید.

پروردگارا! به محمد و آل محمد برکات را بر این جمع و بر همه‌ی بسیجیان کشور نازل کن. پروردگارا! ملت ایران را روزبه‌روز بر قلّه‌های سرافرازی تسلّط بفرما. پروردگارا! به محمد و آل محمد روح مطهّر امام را از ما و از این جمع راضی کن؛ ارواح مطهّر شهدا را از ما راضی و خشنود فرما. پروردگارا! به محمد و آل محمد قلب مقدّس ولیعصر را از ما راضی و خشنود بفرما؛ در فرج آن بزرگوار تعجیل بفرما؛ ما را از یارانش، از مجاهدان همراهش و از شهیدان در مقابل او قرار بده.

و السّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

بیانات در دیدار با اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین ۶/۹/۹۳

- ۱- حضور در عرصه عمل
- ۲- منظومه فکری بسیج
- ۳- پایه های فکری بسیج
- ۴- بصیرت و دشمن شناسی
- ۵- نا محدود بودن بسیج
- ۶- خلق شدن تفکر بسیجی توسط امام (ره) در ایران
- ۷- شگست ناپذیری جمهوری اسلامی
- ۸- مسئله هسته ای بهانه است
- ۹- رعایت اخلاق
- ۱۰- جلوگیری از سایش اعتقادی

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين و الصلّاة و السّلام على سيّدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمّد و على آله المنتجبين المطهّرين و صحبه المنتخبين و من تبعهم باحسان الى يوم الدّين.

اولاً خوشامد عرض می کنم به شما برادران و خواهران عزیز، نخبگان جامعه‌ی بسیجی کشور و برگزیدگانی که مغز و فکر و علم را با عشق و دل همراه کردید و در میدانی قدم گذاشتید که پایان حضور در این میدان، پیروزی قطعی است و ان شاء الله محبوبیت پیش خدای متعال. خداوند متعال در یک جای قرآن از کسانی یاد می کند که «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ»^۱ هم آنها خدا را دوست می دارند، هم خدا آنها را دوست می دارد - و در جای دیگری از قرآن اینها را یا جمعی از اینها را معرفی می کند و می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَّرصُوعٌ»^۲ یعنی همین جوان، مرد، زن، نخبه، فرزانه، مؤمن که همه‌ی توانایی‌های خود و وجود خود را روی دست گرفته و وارد میدان کرده؛ همان معنایی که ما برای بسیجی قائلیم. خداوند ان شاء الله به شماها اجر بدهد، به شما توفیق بدهد، راهنمایی و هدایت خود را لحظه‌ای از شما دریغ نفرماید و توفیقات خود را روزه‌روز نسبت به شماها بیشتر کند.

بیانات این دو برادر عزیز - فرمانده‌ی محترم کل سپاه پاسداران و رئیس سازمان بسیج مستضعفین - بیانات متقن و درستی بود؛ بیانات قوی و سنجیده و حساب شده‌ای بود. بنده

(۱) مائد: ۵۴

(۲) صف: ۴

هم چند جمله‌ای را عرض می‌کنم.

❖ حضور در عرصه عمل

ما بسیج را از اوّل تا امروز در میدانِ عمل دیده‌ایم؛ در عرصه‌های مختلف اما همه عمل. در دفاع مقدّس - جنگ هشت‌ساله - در سازندگی؛ در فناوری‌های متنوّع - از سلّول‌های بنیادی بگیرد تا انرژی هسته‌ای، اینها کار بسیج است - از حضور پزشکان در بیمارستان‌هایی نزدیک به خطّ مقدّم جبهه، که بنده خودم در آن دوران دیدم این بیمارستان‌ها را که دشمن با خمپاره‌های کوتاه‌برد می‌توانست این مراکز را بزند. پزشکان از تهران، از شهرستان‌ها آماده بودند، بمجرد اینکه از مرکز جبهه به آنها اطلاع داده می‌شد که راه بیفتند، کیف‌شان، ساک‌شان حاضر بود و راه می‌افتادند می‌رفتند در آن‌چنان موقعیتی کار می‌کردند؛ از فعالیت‌های هنری بسیجی، کارهای هنری برجسته، فعّال و مؤثّر که روزه‌روز هم بحمدالله تا امروز تکامل پیدا کرده؛ همه‌جا بسیج را ما در میدانِ عمل ملاحظه کرده‌ایم. منتها عرصه عرصه‌ی بسیار وسیعی است - که حالا بعد هم اشاره خواهم کرد - از عمل علمی، تا عمل هنری، تا عمل جنگی، تا عمل سازندگی، تا عمل اقتصادی و همه‌ی اینها.

❖ منظومه فکری بسیج

آنچه به نظر این حقیر، کمتر به آن پرداخته شده است و باید پرداخته بشود، مسئله‌ی عقبه‌ی فکری و پشتوانه‌ی فکری بسیج است. بسیج یک اندیشه است، یک فکر است، یک منطق است، یک منظومه‌ی فکری است. علّت این هم که همه می‌بینند که تحصیل کرده، نخبه، نابغه، از رشته‌های مختلف مجذوب بسیج می‌شوند، این است که بسیج صرفاً یک حرکت احساسی نیست؛ یک منطق قوی پشت سر بسیج وجود دارد؛ این منطق، این علم، وقتی با عمل همراه می‌شود، این غوغا را درست می‌کند؛ این حوادث شگفت‌آور را خلق می‌کند. پایه‌ی این تفکر چیست؟

من چند جمله‌ی کوتاه درباره‌ی این تفکر - تفکری که قاعده‌ی بسیج است، پشوانه‌ی بسیج است، عقبه‌ی فکری بسیج است - عرض می‌کنم. دو نکته را من در این مورد عرض می‌کنم، [که] جای فکر کردن و بحث کردن و کار کردن دارد.

❖ پایه‌های فکری بسیج

پایه‌ی این تفکر، اعتقاد به مسئولیت انسان است؛ مسئولیت انسان. انسان موجودی است مسئول. نقطه‌ی مقابل این فکر، حالت احساس بی‌مسئولیتی، «ولش کن»، «برو خوش باش»، «به خودت پرداز» است. پایه‌ی فکری بسیج این مسئولیت الهی است که حالا عرض می‌کنم مبانی دینی مستحکمی دارد. نه فقط مسئولیت در برابر خود و در برابر خانواده‌ی خود و نزدیکان خود - که این هست - بلکه مسئولیت در قبال حوادث زندگی؛ در قبال سرنوشت جهان، سرنوشت کشور و سرنوشت جامعه، چه مسلمان، چه غیر مسلمان. این احساس مسئولیت فقط نسبت به انسان‌های هم‌عقیده و مسلم و مؤمن نیست بلکه حتی نسبت به غیر مسلمین و غیر مؤمنین هم احساس مسئولیت می‌کند. نقطه‌ی مقابل همان دَم‌غنیمتی، ولش کن و حالت تنبلی و حالت گریز از مسئولیت و مانند اینها است. پایه‌ی اصلی بسیج، این احساس مسئولیت است. این تفکر مسئولیت انسان، جزو بیانات اسلام است. یعنی هیچ‌کس نمی‌تواند در این تردید بکند که اسلام، انسان را این‌جور موجودی می‌داند: موجودی که مسئول است، کار از او خواسته شده است.

شما ملاحظه کنید احکام گوناگون را: مثلاً حکم امر به معروف و نهی از منکر. امر به معروف یعنی شما همه مسئولید که معروف را، نیکی را گسترش بدهید، امر کنید به آن؛ نهی از منکر [یعنی] زشتی را، بدی را، پلشتی را نهی کنید؛ جلوی آن را بگیرید با شیوه‌های مختلف. معنای این چیست؟ معنای این، مسئولیت در قبال سلامت عمومی جامعه است. همه مسئولند: من مسئول؛ شما مسئولی؛ آن یکی مسئول است. یا مسئله‌ی جهاد. جهاد اسلام در واقع کمک به ملت‌هایی است که پشت پرده‌ی سیاست‌های استعماری و استکباری و استبدادی قرار داده شده‌اند که نور اسلام به اینها نرسد؛ نور هدایت به اینها نرسد. جهاد برای دریدن این پرده‌ها و

این حجاب ها است؛ جهاد اسلامی این است. بحث اینکه آیا جهاد، دفاعی است یا ابتدائی است یا مانند اینها، بحث های فرعی است؛ بحث اصلی این است: «مَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ» چرا جهاد نمی کنید، مقاتله نمی کنید، نبرد نمی کنید در راه خدا - و بلافاصله [می گوید] - و در راه مستضعفین، برای نجات مستضعفین؟ این احساس مسئولیت است؛ یعنی شما برو جان خودت را به خطر بینداز و جانیت را کف دست بگیر در میدان های خطر، برای اینکه مستضعفان را نجات بدهی؛ معنای این، همان مسئولیت است دیگر. یا این حدیث معروف «مَنْ أَصْبَحَ وَكَمْ يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»؛ و از این قبیل، فراوان آیات و روایاتی در متون اسلامی است که این جزو بینات اسلام است؛ یعنی اسلام انسان را این جور خواسته است که مسئول باشد؛ هم نسبت به خود، هم نسبت به نزدیکان خود، هم نسبت به جامعه ی خود، هم نسبت به بشریت مسئول است. که حالا اگر بروید دنبال این فکر را در متون اسلامی بگیرید، چیزهای عجیب و غریبی انسان مشاهده می کند از این اهتمام و از این احساس مسئولیت. پیغمبر اکرم پیش خدای متعال التماس می کند، تضرع می کند که «اللَّهُمَّ اهْدِ قَوْمِي» قومش همان هایی بودند که او را می زدند، او را طرد می کردند، او را تهدید به قتل می کردند، این همه بر او زحمت وارد می آوردند، او پیش خدای متعال التماس می کند که خدایا، اینها را نجات بده، اینها را شفا بده، اینها را هدایت کن! این پیغمبر . امیرالمؤمنین وقتی که می شنود که سپاهیان معاویه رفتند آن شهر را غارت کردند با غصه می گوید که - بَلَّغْنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَالْأُخْرَى الْمُعَاهِدَةَ مردهای این لشکر غارتگر وارد خانه ی مسلمان و معاهد (معاهد یعنی غیر مسلمانی که در زیر سایه ی اسلام زندگی می کند؛ مسیحی، یهودی) می شدند، به زنها اهانت می کردند، دستبند زنها را می گرفتند، زیور زنها را می گرفتند، بعد حضرت می فرماید که اگر مسلمان از این غصه بمیرد، جا دارد. شما ببینید؛ یعنی احساس مسئولیت تا این حد است. نمی گوید اگر امیر مسلمین بمیرد جا دارد؛ می گوید اگر انسان، اگر مسلمان از این غصه بمیرد جا دارد. این همان احساس مسئولیت است. پایه ی اصلی حرکت بسیج این است: احساس مسئولیت الهی.

❖ بصیرت و دشمن شناسی

دوّمین پایه که در کنار این هست که مکمل پایه‌ی اوّل است، عبارت است از بصیرت، روشن بینی. یعنی چه؟ یعنی شناخت زمان، شناخت نیاز، شناخت اولویّت، شناخت دشمن، شناخت دوست، شناخت وسیله‌ای که در مقابل دشمن باید به کار برد؛ این شناخت‌ها؛ بصیرت است. همیشه با یک سلاح نمی شود مبارزه کرد. در همه‌ی میدان‌ها با یک سلاح نمی شود رفت. کدام سلاح را به کار بیندازیم؟ دشمن کجا است؟ بارها من عرض کرده‌ام اینهایی که بصیرت ندارند - مثل این بیچاره‌هایی که در فتنه گرفتار شدند - مثل کسانی‌اند که در تاریکی شب، در مه غلیظ، در غبار می خواهند مخالفی را، دشمنی را بزنند؛ خب نمی داند دشمن کجا است؛ یکی از اوّلین شرایط جنگ‌های نظامی، اطلاعات است؛ بروید اطلاع کسب کنید و ببینید دشمن کجا است. اگر بدون اطلاع رفتید، شما ممکن است جایی را بزنید که دوست آنجا است؛ کسی را بزنید که با شما دشمن نیست و به دشمن کمک کنید؛ گاهی این‌جوری می شود. اگر بصیرت نبود، می شود این؛ که فرمود: **الْعَالَمُ بَرَمَانُهُ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللّٰوَابِسُ**؛ شبهات و نادانی‌ها و نفهمی‌ها به کسی که عالم به زمان خود است، هجوم نمی آورند؛ می فهمد چه کار باید بکند. اگر این نبود، مشکل به وجود خواهد آمد، حتّی اگر آن احساس مسئولیّت هم باشد.

بعضی‌ها احساس مسئولیّت داشتند در دوران مبارزات اما نمی فهمیدند این را کجا خرج کنند؛ جایی خرج می کردند که به ضرر حرکت عظیم مبارزاتی امام بزرگوار بود؛ بعد از انقلاب هم همین‌جور؛ تا امروز هم همین‌جور است. بعضی‌ها احساس دارند، احساس مسئولیّت می کنند، انگیزه دارند اما این انگیزه را غلط خرج می کنند؛ بد جایی خرج می کنند؛ اسلحه را به آنجایی که باید، نشانه نمی گیرند؛ این بر اثر بی‌بصیرتی است. حالا ما چند سال پیش در قضیه‌ی فتنه گفتیم بصیرت؛ بعضی دهن کجی کردند که بصیرت! بله، بصیرت؛ بصیرت که نبود، هرچه که مسئولیّت و انگیزه بیشتر باشد، احساس بیشتر باشد، خطر بیشتر است؛ اطمینانی دیگر نیست به این آدم بی‌بصیرت و بدون روشن بینی که دوست را نمی شناسد، دشمن را

نمی‌شناسد و نمی‌فهمد کجا باید این احساس را، این نیرو را، این انگیزه را خرج کند. این پس شد رکن دوم که بسیار بسیار لازم است. اگر این رکن دوم نباشد، امر به معروفش هم اشتباهی درمی‌آید، جهادش هم اشتباهی درمی‌آید، امر مورد اهتمامش هم دچار خطا می‌شود، و به کج راه می‌افتد.

رحمت خدا و رضوان خدا بر امام بزرگوار که همه‌ی این چیزها را فکر کرد؛ آن چشم تیزبین و روشن‌بین، آن بصیرت الهی، بدون اینکه درس سیاست در جایی خوانده باشد، از کسی فراگرفته باشد، همه‌ی آن چیزهایی را که در این زمینه لازم بود، از خدای متعال الهام گرفت؛ به آن قلب پاکیزه الهام شد. امام هم بسیج را درست کرد، هم جهت را نشان داد. امام فقط نگفت حرکت کنید، راه بیفتید، احساس مسئولیت کنید، بسیجی باشید؛ نه، گفت که چه کار کنید. به ما گفت هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید. این یعنی جهت دادن؛ یعنی یاد دادن که چه کار کنید، کدام طرف بروید، کجا را نشانه بگیرید؛ این را به ما یاد داد.

در دوران جنگ، در هشت سال دفاع مقدس، مکرر گفت: جنگ در رأس امور است. ماها مسئول بودیم در کشور - بنده رئیس‌جمهور بودم، یکی دیگر مسئول دیگری بود - هزار جور کار داشتیم. مأمور و مسئول وقتی که این همه کارهای اجرایی دوروبرش هست، گاهی غفلت می‌کند، [اما] امام راه را نشان داد به همه - به مسئولین، به مردم، به جوان ها - که جنگ در رأس امور است. همین هم بود. جهت داد به همه که بروید سراغ این کار؛ این مهم است.

در قضیه‌ی حرکت به سوریه برای جنگیدن با رژیم اشغالگر قدس که خوشحال بودند جوان‌های ما - دو نفرشان هم پیش من آمدند که هر دو الان جزو شهدای عالی‌مقام ما هستند - که می‌خواهند بروند بجنگند. امام مطلع نبودند؛ بعد که مطلع شدند، گفتند که راه مبارزه‌ی با اسرائیل از عراق می‌گذرد؛ جلوی آن را گرفتند. و آنهایی که رفته بودند برگشتند. ببینید؛ این، فهمیدن اولویت‌ها است، شناختن اولویتها است. امام راه را، جهت را نشان می‌داد.

فرمود حفظ نظام از اوجب واجبات یا اوجب واجبات است؛ یعنی همه‌ی مسائل بعدی، فرع این مسئله است. این جهت را به ما نشان داد. ممکن است جنابعالی با رفیق سر یک قضیه‌ی ای کوچک یا بزرگ اختلاف نظر داشته باشید اما در حفظ نظام، هردو به قدر هم مسئولید.

آنهایی که نفهمیدند این حرف امام را، در یک جاهایی خطاهای فاحش کردند. امام، جهت را نشان میداد. این مرد بزرگ، این جوری حرکت می کرد.

خب، پس پایه‌ی فکری، در درجه‌ی اول، آن احساس مسئولیت است که این عقبه‌ی فکری بسیار مستحکمی است برای شما که می خواهید در عرصه‌ی بسیج حرکت بکنید، و شرط لازم که پایه‌ی دوم محسوب می شود، بصیرت است؛ از این دو چیز یک لحظه نباید غفلت کرد. آن احساس مسئولیت - یعنی برای خدا، صَبْرًا وَ احْتِسَابًا پروردگارا، من این کشف علمی را می کنم، این مطالعه را می کنم، این کار هنری را خلق می کنم، این مبارزه را می کنم، این عمل اقتصادی را انجام می دهم، این کمک را به زید می کنم، این مبارزه را با عمرو می کنم، برای تو؛ چون از من مسئولیت خواسته‌ای - این احساس مسئولیت و احساس تعهد الهی؛ بعد هم آگاهی: بدانیم کجا هستیم، جای ما کجا است، جای دشمن کجا است، دشمن کیست، با دشمن با چه سلاحی باید مبارزه کرد. این هم رکن دوم. با این نگاه، هم دایره‌ی بسیجیان مشخص می شود، هم عرصه‌های فعالیت بسیج روشن می شود.

اما دایره‌ی بسیجیان. بسیجی کیست؟ هر کسی که در این بستر اعتقادی و انسانی که عرض کردیم، به فعالیت مشغول است، بسیجی است. البته نیروی مقاومت بسیج، نماد این نهضت عظیم عمومی فراگیر ملی است؛ نماد نظم و انضباط و جهت گیری درست و تعلیم و تربیت است. بسیجی، نام بسیجی و عنوان بسیجی، فراگیر است؛ نیروی مقاومت بسیج، آن قلعه‌ی اصلی، جایگاه و مرکز و قرارگاه اصلی این چتر عظیمی است که همه‌ی ملت را در بر می گیرد؛ الهام بخش نظم است، الهام بخش حضور است، الهام بخش حرکت است؛ چه در جامعه، چه در قشرهای مختلف، چه در دانشگاه، چه در مدرسه، چه در حوزه‌ی علمیه؛ در هر نقطه‌ای؛ حضور نیروی مقاومت بسیج به این معنا است. خط‌دهی، راهنمایی، انضباط، نظم، تعیین وظایف

گونگون نسبت به این مجموعه تا آنجایی که توانش و امکانش برسد - همان‌طور که حالا برادران شرح دادند - طبعاً امکانات امکانات محدودی است، و تا حالا به اینجا منتهی شده است که این ده‌ها میلیون الحمدلله آمده‌اند. این، دایره و حیطه‌ی حضور انسانیِ بسیجیان.

❖ نا محدود بودن بسیج

اما عرصه‌ها. عرصه‌ها بی‌پایان است. عرصه‌ها هیچ محدودیتی ندارد. عرصه‌ی دفاع، عرصه‌ی سیاست، عرصه‌ی سازندگی، عرصه‌ی اقتصاد، عرصه‌ی هنر، عرصه‌ی علم و تحقیق، تشکّل‌های مذهبی، عزاداری‌ها؛ همه‌جا و همه‌جور؛ اینها عرصه‌های حضور بسیج است؛ همه‌جا در همه‌ی این مراکز هم ما الگو داریم؛ الگوهای برجسته‌ای داریم که اینها نشان دادند که برجسته‌اند، بزرگند. در جنگ سرداران بزرگی داشتیم، شخصیت‌های برجسته؛ حالا بعضی‌ها نخبه‌ی علمی بودند، آمدند در جنگ شدند سرباز و فعال و تفنگ‌به‌دست؛ مثل مرحوم شهید چمران. چمران یک نخبه‌ی علمی بود، نخبه‌ی هنری هم بود؛ خودش به من می‌گفت: من در عکاسی هنرمندم. آمده بود جنگ، لباس نظامی پوشیده بود، شد نظامی؛ [اما] قبل از اینکه وارد این میدان بشود، نخبه بود. بعضی قبل از اینکه وارد این میدان بشوند نخبه نبودند، این میدان آنها را به فلک رساند؛ مثل اوستا عبدالحسین بنا، که یک شاگرد بنا بود؛ وارد میدان جنگ شد، رسید به خورشید، اوج گرفت، نخبه شد، آن هم چه نخبه‌ای! اینها برجسته‌اند. ما در علم و تحقیق نخبه‌های برجسته‌ای داریم، مثل مرحوم کاظمی آشتیانی که این سلول‌های بنیادی و این تشکیلات عظیم را راه انداخت و انسان‌های زیادی را تربیت کرد - همکارانش هم همان‌جور هستند؛ امروز هم بحمدالله این حرکت ادامه دارد - یا مثل شهید شهریار؛ که این روزها اسم شهید شهریار را می‌آوریم، چون این روزها سالگرد شهادت او است؛ بقیه هم همین‌طور: رضایی‌نژاد، علی‌محمدی، احمدی‌روشن؛ اینها نخبگانی بودند در وادی علم و تحقیق که بسیجی‌وار کار کردند؛ شهید شهریار بسیجی‌وار کار کرد. آن روزی که درها را به روی ملت ایران خواستند ببندند - با آن شیوه‌هایی که حالا خیلی‌ها از آحاد مردم در تلویزیون، در خبرها چیزهایی را شفتند، خیلی‌ها هم پشت پرده است که بعدها روشن خواهد شد که چقدر خباثت

کردند - که محصول این رادیوداروها به دست مردم نرسد و جمهوری اسلامی دچار مشکل بشود و گفتند «نمی فروشیم» که این مرکز تهران تعطیل بشود، اینها - مرحوم شهید شهریاری - هم مشغول کار شدند، تلاش کردند، که بعد آمدند به ما گفتند که توانستیم بیست درصد را تولید کنیم، بعد هم آمدند به ما اطلاع دادند که ما لوله‌ی سوخت و صفحه‌ی سوخت را هم ساختیم؛ دشمن [متحیر] ماند. این کار کار بسیجی بود؛ این کار کار معمولی نبود. در همه‌ی این میدان‌هایی که ذکر کردیم، هزاران انسان بزرگ بودند و هستند و تلاش کردند که بعضی را اسم آوریم.

❖ خلق شدن تفکر بسیجی توسط امام (ره) در ایران

خب این تفکر که تفکر بسیجی است و امام بزرگوار ما این را در ایران اسلامی خلق کرد، این صادر شده. بارها گفتیم، مفاهیم انقلاب و مفاهیم اسلام، مثل عطر گل‌های بهاری است؛ هیچ کسی نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد؛ پخش می‌شود، همه‌جا می‌رود؛ نسیم روح‌افزا و روان بخشی است که همه‌جا را به خودی خود می‌گیرد؛ حالا جنجال کنند، دادوبیداد کنند؛ رفته، صادر شده و الان شما در کشورهای گوناگونی ملاحظه کنید؛ این تفکر در لبنان دارد فعالیت می‌کند، در عراق دارد فعالیت می‌کند؛ جوان‌های عراقی حرکت کردند همراه ارتششان شدند توانستند این پیروزی‌ها را به دست بیاورند؛ در سوریه همین‌جور، در غزه همین‌جور، در فلسطین همین‌جور، در یمن همین‌جور، ان‌شاءالله در قدس شریف و برای نجات [مسجد] الاقصی هم همین‌جور.

❖ شکست ناپذیری جمهوری اسلامی

خب این روشن شد. حالا بنده عرض می‌کنم به همین دلیل ایران اسلامی شکست‌ناپذیر است. آنهایی که نظام اسلامی و جمهوری اسلامی را تهدید می‌کنند که ما چنین می‌کنیم، چنان می‌کنیم بدانند: جمهوری اسلامی به برکت تفکر بسیجی و عمل و حرکت بسیجی شکست‌ناپذیر است. هر فرد ایرانی بالقوه یک بسیجی است، مگر عده‌ی معدودی که یا دچار خودپرستی‌اند یا دچار شهوت‌پرستی‌اند یا دچار پول‌پرستی‌اند یا دستشان زیر سنگ دشمن

است، آنها را می‌گذاریم کنار؛ معدودند، زیاد نیستند. اکثریت قاطع ملت ایران بالقوه بسیجی - اند؛ دلیل شکست‌ناپذیری نظام جمهوری اسلامی این است. منتها باید حواس همه جمع باشد؛ امتحان همیشه هست، برای همه هست؛ حرکت نباید سست بشود؛ جهت حرکت اشتباه نباید بشود؛ جهت حرکت به سمت استکبار است، مقابله‌ی با استکبار است.

ما هم که اسم آمریکا را بارها می‌آوریم؛ ملت ما، خود ما؛ [چون] مسئله‌ی آمریکا به‌خاطر استکبار است، چون آمریکا یک دولت استکباری است، چون روش [آمریکا] استکباری است؛ ما با آمریکا به‌عنوان یک مجموعه‌ی جغرافیایی یا به‌عنوان یک ملت، به‌عنوان یک مجموعه‌ی انسانی هیچ مسئله‌ای نداریم، آن هم مثل بقیه‌ی کشورها؛ مسئله‌ی ما با آمریکا، مسئله‌ی استکبار آمریکایی است؛ مستکبرند، متکبرند، زورگویند، زیاده‌طلبند؛ همین حرف‌هایی که این چند روز سر همین مذاکرات هسته‌ای زدند، شما ببینید؛ چند ماه مذاکره کردند و حالا تمدید کردند، [بعد] شروع کردند مثل همیشه حرف زدن.

❖ مسئله هسته‌ای بهانه است

خب، حالا بنده دو سه جمله در این زمینه‌ها عرض بکنم: اولاً بنده با تمدید مذاکرات مخالف نیستم، همچنان که و به همان دلیل که با اصل مذاکرات مخالف نبودم، با اصل مذاکرات هم مخالفت نکردیم؛ دلیلش را هم برای مردم بیان کردیم؛ بنده در سخنرانی دلایل آن را هم گفتم؛ حالا هم با تمدید مذاکرات مخالفت نمی‌کنیم. این را هم در کنار آن عرض بکنم که هیئت مذاکره‌کننده‌ی ما حقاً و انصافاً پرتلاش و جدی هستند؛ ایستادگی می‌کنند، با منطق حرف می‌زنند، زیر بار حرف زور نمی‌روند، دارند کار می‌کنند؛ این را هم همه توجه داشته باشند. حالا جزئیات و آنچه را در این گفتگوها می‌گذرد، غالباً مردم مطلع نیستند؛ نه، با جدیت، با منطق، با دلسوزی دارند کار می‌کنند و منطقی هم عمل می‌کنند. برخلاف طرف مقابل و عمدتاً آمریکا که هر روز یک حرفی می‌زنند - در مجلس خصوصی و در نامه پراکنی یک‌جور حرف می‌زنند؛ در محضر عموم و در اظهارات عمومی‌شان یک‌جور دیگر حرف می‌زنند؛ امروز یک حرفی را می‌زنند، فردا آن حرف را پس می‌گیرند، خط مستقیم و صراط

مستقیم وقتی نبود، این است دیگر؛ برای مشکلات داخلی خودشان می خواهند از اینجا و از مذاکرات استفاده کنند؛ لذا مجبورند جوری حرف بزنند، آنجا جوری حرف بزنند اینجا - [اما] هیئت ما نه؛ هیئت ما با منطق و محکم، در مقابل آنها قرار دارند. البته در میان این مذاکره کننده ها و این چند نفری که در مقابل ایران [هستند] - ایران یک تنه است، آنها یک لشکرند؛ چند کشورند که پشت سر هر کدام از آنها یک لشکر دیپلمات و روابط عمومی و عکاس و تحلیلگر و مانند اینها هست - از همه بد اخلاق تر آمریکایی ها هستند، از همه مودی تر انگلیس ها هستند. خوب، حالا مذاکرات را تمدید کردند، همه بدانند - هم آن کسانی که طرف مذاکره اند، هم این کسانی که در داخل نگران این مسئله اند و نگاهشان به این مذاکرات است - که اگر این مذاکرات به نتیجه نرسد، آن که بیش از همه ضرر می کند ما نیستیم، آمریکایی ها هستند. ما با ملت خودمان روراست هستیم. حقیقت مطلب را با ملت در میان می گذاریم، به ملت مان می گوئیم، تا حالا هم فهمیده اند، با دلایل متعدّد هم می شود این را قطعی و مدلل کرد که قصد واقعی استکبار و غرب در مقابل ایران، جلوگیری از رشد و اقتدار ملت ایران است؛ قصد واقعی این است که از عزّت روز افزون ملت ایران جلوگیری کنند؛ مسئله ای هسته ای یک بهانه است، بهانه های دیگری هم در کنار این هست. مسئله ای اصلی این است که استعداد های ملت ایران بتدریج بروز و ظهور پیدا کرده است، دارد پیشرفت می کند در همه ی ابعاد؛ ابعاد سیاسی، ابعاد علمی، ابعاد گوناگون اجتماعی، و دارد اقتدار پیدا می کند، اینها از این ناراضی اند، از این ناراحتند، جلوی این را می خواهند بگیرند؛ تحریم و فشار هم به همین نیت است، تحریم و فشار اقتصادی به خاطر همین است که بلکه بتوانند از تلاش های رو به گسترش ملت ایران جلوگیری کنند؛ لذا تحریم می کنند، فشار می آورند، فشار اقتصادی می آورند، البته خوب فشار اقتصادی عامل مهمی است. ما با ملت مان راحت حرف می زنیم، آنها این جور نیستند، ملت شان آنها را قبول ندارد. محبوبیت رئیس جمهور شان روز به روز کم شده است؛ این آمارهایی است که خودشان می دهند؛ آن روزی که این رئیس جمهور انتخاب شد،

محبوبیتش بالا بود؛ تا امروز، روز به روز این محبوبیت کاهش پیدا کرده است، [چون] مردم به نظام سیاسی شان بی اعتقادند.

در همین انتخابات اخیر آمریکا عده‌ی شرکت کنندگان بسیار پایین بود، که خودشان هم این را به زبان آوردند و گفتند؛ یعنی این تشکیلات و این نظام را مردم خودشان قبول ندارند، امیدی به آن ندارند. این را مقایسه کنید با حضور ۶۵ درصدی و ۷۰ درصدی ملت ما در پای صندوق های انتخابات. الان اینها با آحاد ملت خودشان مسئله دارند؛ همین خبرهای فرگوسن و ایالت می سوری و مانند اینها را که شفته‌اید، با مردم خودشان دارند می جنگند! گزارشهای خودشان می گوید که پلیس آمریکا در یک سال بیش از چهارصد نفر از شهروندان را به بهانه های مختلف به قتل رسانده؛ پلیس، نه دستگاه قضایی! اینها با ملت خودشان هم میانه‌ی خوبی ندارند، ملت شان هم اینها را قبول ندارند، آنها مشکل دارند، آنها احتیاج دارند به یک موفقیت، به یک پیروزی بزرگ. ما نه، ما احتیاجی نداریم.

یکی از افراد هیئت مذاکره کننده چندی پیش حرف خوبی زد، گفت اگر به توافق هم نرسیدیم، آسمان به زمین نمی آید، دنیا به آخر نمی رسد؛ خب، نشود. حرف درستی است. ما آن چنان که حالا آنها خیال کردند، ضرر نمی کنیم؛ تصوّر کردند که اگر چنانچه چنین بشود، چنان خواهد شد؛ نه، راه حل وجود دارد، راه حل همین اقتصاد مقاومتی است که ضربه های دشمن را اوّل کم اثر می کند، کاهش می دهد که این مال کوتاه مدت است، در میان مدت و بلند مدت به حرکت عظیم مردم اوج می دهد. اقتصاد مقاومتی این جوری است. آن کسانی که صاحب نظر در زمینه ی اقتصادند، بعد از آنکه ما اقتصاد مقاومتی را اعلام کردیم، قضاوت شان این بود. ما راه حل داریم، آنها راه حل ندارند.

با همه ی اینها، خب استکباری حرکت می کنند. همین حرف های چند روز اخیر شان را شما بشنوید؛ می آیند می ایستند و می گویند ایران باید اعتماد جامعه ی جهانی را جلب کند. اسم خودشان را می گذارند جامعه ی جهانی! آمریکا و انگلیس و فرانسه و چند کشور مستکبر، شده اند جامعه ی جهانی؛ این جامعه ی جهانی است؟ حدود ۱۵۰ کشور عضو غیر متعهدها که دو

سال پیش در تهران جلسه داشتند، جامعه‌ی جهانی نیستند؟ نزدیک به پنجاه رئیس‌جمهور و رئیس‌کشور و رئیس‌دولت که در آن اجلاس به تهران آمدند و شرکتِ فعال کردند، اینها جامعه‌ی جهانی نیستند؟ میلیاردها مردمی که در این کشورها زندگی می‌کنند، جامعه‌ی جهانی نیستند؟ همین چند کشور - آن هم کشورهایی که رؤسا از مردم خودشان غالباً منقطع اند - جامعه‌ی جهانی اند؟ «اعتماد جامعه‌ی جهانی را جلب کنید» یعنی اعتماد ما را، یعنی اعتماد آمریکایی‌ها را! ما نمی‌خواهیم اعتماد آمریکا را جلب کنیم. ما اصلاً به اعتماد آمریکا هیچ احتیاجی نداریم. ما نیاز نداریم شما به ما اعتماد کنید؛ اعتماد شما به ما، هیچ اهمیتی برای ما ندارد. ما هم به شما اعتماد نداریم، مردمتان هم به شما اعتماد ندارند.

بعد می‌گویند امنیت اسرائیل باید حفظ شود. اولاً اسرائیل روزبه‌روز ناامن‌تر خواهد شد؛ چه توافق هسته‌ای بشود، چه نشود؛ این را بدانید امنیت اسرائیل تأمین نخواهد شد چه توافق هسته‌ای بشود و چه نشود. اما اینکه حالا شما می‌گویید امنیت اسرائیل باید حفظ بشود، من می‌گویم این حرف هم حرف صادقانه‌ای نیست. برای دولت‌مردان و دولت‌زنان آمریکا، امنیت اسرائیل مسئله‌ی اصلی نیست، مسئله‌ی اصلی چیز دیگری است. مسئله‌ی اصلی برای این حضرات، راضی نگهداشتن شبکه‌ی سرمایه‌داران صهیونیست است که رگِ حیات اینها را در دست گرفته‌اند. مسئله‌ی آنها این است؛ والا اسرائیل باشد یا نباشد، چه اهمیتی برای اینها دارد؟ آنچه برایشان مهم است این است که رگِ حیاتشان را داده‌اند به دست شبکه‌ی سرمایه‌داران صهیونیست؛ آنهایی که هم به اینها رشوه می‌دهند، هم اینها را تهدید می‌کنند؛ رشوه می‌دهند - رشوه‌ی پولی، پول به آنها می‌دهند - [آنها هم پول می‌گیرند؛ رشوه‌ی مقامی و وعده‌ی مقام می‌دهند و اگر با آنها که نبض اقتصاد آمریکا را در دست دارند ساخت و پاخت نکنند، از رسیدن به مقامات عالی - مثل ریاست جمهوری، مثل وزارت و مانند اینها - خبری نیست؛ مسئله برایشان این است. تهدید هم می‌کنند؛ اگرچنانچه اینها بر خلاف میل آن شبکه‌ی خطرناک عمل بکنند تهدیدشان می‌کنند، یا تهدید می‌کنند به اینکه شما را وادار می‌کنیم به استعفا، یا برای شما رسوایی درست می‌کنیم! که اینها را در زندگی آمریکایی در این چند

سال دیده‌اید؛ یکی را متهم می‌کنند، یکی را بدنام می‌کنند، برای یکی ماجرای فساد جنسی درست می‌کنند، یکی را وادار به استعفا می‌کنند، یکی را هم ترور می‌کنند؛ از این رؤسا و بزرگان، کسانی را ترور هم کردند؛ دست آنها باز است! شما از این می‌ترسید، شما ملاحظه‌ی این را می‌کنید؛ مسئله‌ی امنیّت اسرائیل نیست، مسئله‌ی امنیّت خودتان است. اینها مستکبرند، این‌جوری حرف می‌زنند، ما هم آلمان با مستکبرین به یک جو نمی‌رود. خب، اگر حرف منطقی‌ای وسط بیاید، حرفی نداریم؛ ما حرفهای منطقی را قبول می‌کنیم، قرارهای عادلانه و عادلانه را قبول می‌کنیم اما آنجایی که پای زورگویی و زیاده‌طلبی باشد، نه؛ جمهوری اسلامی از صدر تا ذیل، هم مردمش، هم مسئولینش قبول نخواهند کرد؛ این را بدانند.

❖ رعایت اخلاق

دو سه جمله هم به شما بسیجی‌های عزیز و همه‌ی بسیجی‌های سراسر کشور عرض بکنم: من دعوت می‌کنم بسیجیان عزیز را به اخلاق. اخلاق یعنی چه؟ یعنی حلم و بردباری، صبر و مقاومت، صدق و صفا، شجاعت و فداکاری، طهارت و پاک‌دامنی. بسیجی‌ها برای اینکه اجزای این بنای استوار همچنان مستحکم بماند به این احتیاج دارند. اگر بخواهید این بنای رفیع همین‌طور مستحکم مثل دژ پایدار و استواری درمقابل دشمنان قرار بگیرد، باید این رعایت‌ها را بکنید؛ بردباری نشان بدهید، صبر نشان بدهید، اخلاق نشان بدهید، طهارت نشان بدهید، الگوهای بزرگ صدر اسلام را درنظر بیاورید. ما باید از تکبر دوری کنیم، از تفرعن دوری کنیم. مالک‌اشتر با آن مقام، با آن شجاعت، با آن جایگاهی که نزد امیرالمؤمنین داشت، در کوچه حرکت می‌کرد، یک پسر بچه‌ای او را شناخت، مسخره‌اش کرد، شاید سنگ‌ریزه‌ای به طرفش پرتاب کرد؛ مثلاً دید یک آدمی دارد می‌رود، بنا کرد مسخره کردن؛ بعد مالک‌اشتر رد شد، افرادی که آن منظره را دیدند، به پسرک گفتند فهمیدی چه کار کردی، فهمیدی چه کسی را مسخره کردی، پسر بچه نمی‌شناخت مالک‌اشتر را، گفت نه؛ گفتند این مالک‌اشتر بود؛ پسر بچه دستپاچه شد؛ حالا خودش تنها یا خودش و پدرش مثلاً یا دوستانش دوان دوان آمدند که یک‌جوری عذرخواهی کنند که برایشان مایه‌ی دردسر نشود؛ دنبال مالک‌اشتر راه

افتادند، دیدند به مسجد آمده، دارد نماز می خواند؛ رفتند جلو و بنا کردند عذرخواهی کردن؛ مالک اشتر گفت من آمدم مسجد برای اینکه نماز بخوانم، دعا کنم که خدای متعال خطای این جوان را ببخشد! ببینید، این دلسوزی، این احساس مسئولیت، این حلم، این بزرگواری، اینها است. من و شما هم باید همین ها را یاد بگیریم.

❖ جلوگیری از سایش اعتقادی

همچنین توصیه ی اکید می کنم به استحکام و عدم سایش اعتقادی و ایمانی و عملی؛ مراقب باشید. ماها در این مسیر زندگی، آنجایی که با وسوسه ها مواجه می شویم؛ وسوسه ی پول، وسوسه ی شهوات، وسوسه ی مقام، وسوسه ی رفاقت، سایدگی پیدا می کنیم؛ سایش پیدا می کنیم مراقب باشید سایش اعتقادی پیدا نکنید، شما بر روی محیط اثر بگذارید، نگذارید آن محیط اگر بد است، روی شما اثر بگذارد.

همه ی اقشار در این بسیج عظیم ملّی الهی مردمی ما مورد توجّه قرار بگیرند، که من بعضی ها را بالخصوص سفارش کردم که به نظرم رسید مورد بی توجّهی قرار گرفتند - به سردار نقدی بخصوص سفارش کردم - این جور نباشد که قشری را، مجموعه ای را از نظر دور بدارید. ارتباط بین این قشرها را هم تعریف کنید؛ ارتباط ایجاد کنید؛ گاهی هست که بسیج دانشجویی مثلاً از بسیج پزشکان یا بسیج مهندسين یا بسیج صنعتگران بی خبرند، اطلاعی از هم ندارند، نه؛ مطلع باشند، ممکن است به درد هم بخورند. هر کدام از بخش های مختلف همین بسیج قشرها می توانند به کار دیگری کمک کنند، به پیشرفت او کمک کنند؛ اینها را تعریف کنید، اینها را در مجموعه ی خودتان داشته باشید.

کارهای بزرگ بخواهید از عناصر بسیج؛ کارهای بزرگ از بسیاری از مردم پر استعداد ملت ما برمی آید. دولت هم البته باید کمک کند؛ دستگاه های دولتی در بخش های مختلف باید به رشد و گسترش بسیج کمک کنند. به این مسائل اقتصادی هم - همان طور که قبلاً گفتیم که پایه ی اقتصاد مقاومتی عبارت است از تقویت تولید داخلی و کاهش وارداتی که یا غیرضروری است یا مشابه داخلی دارد - مسئولین دولتی توجّه کنند و آنها از بسیج کمک

بگیرند؛ با این وضعیّت بنده تردید ندارم که ان شاء الله آینده متعلّق به ملّت ایران است؛ همچنان که بارها گفتیم.

و السّلام علیکم و رحمة الله و بركاته

